انتشارات دانشگاه تهران
۳۰۳

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش چهارم

(مجلد ششم)

ذیل

نگارش

محمد تقی دانش‌پژوه

تهران

انتشارات دانشگاه تهران

۳۰۳

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش چهارم

(مجلد ششم)

ذیل

نگارش

محمد تقی دانش پژوه

تهران

فهرست گفتارهای این دفتر

این دفتر بخش چهارم از جلد سوم است از فهرست کتابهای کتابخانه‌ایکه استاددانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سیدمحمد مشکوةبیرجندی بدانشگاه واگذار کرده‌اند.

این بخش گفتار چهاردهم و پانزدهم و دنبالهٔ سه بخش پیش است و در آن کتابهای گوناگون دیگر که از قلم افتاده یا اینکه جناب آقای مشکوة پس از این برای کتابخانهٔ مرکزی فراهم ساخته‌اند شناخته میشود.

دراین دو گفتار و دنبالهٔ آنها ۳۱۲ کتاب (از ش ۱۶۱۰ تا ش ۱۹۲۱) در ۳۳۳ نسخه (از ش ۱۹۰۸ تا ش ۲۲۴۰) فهرست گردید (ص ۲۱۱٤ - ۲٤٦۰) در گفتار پانزدهم (ص۲۳۹۳-۲٤۳۸) از ۷٤ نامه و گفتار که از ابن‌سینا پنداشته‌اند یاد شده‌است. رویهم ۱۹۲۱ کتاب در ۲۲٤۰ نسخه در چهار بخش این جلد شناخته شده است. از ص ۲٤٦۱ تا ۲۵۵۹ کلیشه‌هائی از چند نسخهٔ ارزنده اهدائی جناب استاد دیده میشود و از ص ۲۵٦۰ تا ۲٦۰۰ یادداشتهائیست در بارهٔ پاره‌ای از کتابها و نسخه‌های همین فهرست.

نگارنده و گردآورندهٔ فهرست:

محمدتقی دانش‌پژوه

تهران. کوی کارمندان، یوسف آباد

خرداد ۱۳۳۵

یادآوری

شماره‌ایکه در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شمارهٔ کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها میآید که در میان سطر نوشته شده و نسخه‌ها پس از آن شناسانده میشود در همین جا در گوشهٔ راست شماره‌ای درشت‌تر و سیاه‌تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه در این کتابخانه میباشد و با این شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری را میرساند که کتاب و نسخهٔ مورد بحث شاید همهٔ آنرا گرفته باشد یا اینکه یکی از رساله‌های مندرج در آن دفتر و جنگ و مجموعه بشمار آید که در هنگام شناساندن نسخهٔ شمارهٔ رساله و شماره برگ آن در همین دفتر نیز گفته شد.

گفتار چہاردہم

ذیل

خواجهٔ طوسی دراین نامه که راهنمائی است برای دانشجویان ، دردوازده فصل از روش کار آنان کاوش نموده است تا آنهائیکه اندوختن دانش برایشان دشوار است و بسیارهم هستند با بکار بردن دستور آن از آموختن باز نمانند. گرچه
۵ دردیباچه ازطوسی یادنشده واز خود نامه هم برنمیآید که ازاو باشد ولی عاملی و مجلسی و نوری و تهرانی آنرا از او دانستند و بنام اوهم برسرزبانها است .
(دیباچه ـ امل‌الآمل ص ٥٠٦ ـ بحار ۱:۱٦ ف۲ ـ مستدرک ۳۷۳:۳ ـ ذریعه ۲٦:۱)
امیر عادل حسینی و سید علی طبیب مرعشی تبریزی (م ۱۲۱٦) آنرا بپارسی درآوردند ومیرزا محمد تقی سپاهانی (م نزدیک ۱۳٤۰) آنرا بنظم فارسی کرده
۱۰ وآن در۱۳۱۷ بچاپ رسید (ذریعه ٤:۳۹و۷۳) .
این نامه درجامع المقدمات چندین بار بچاپ رسیده وطلاب درمدرسه‌ها بدان مینگرند .

درآن از محمدبن حسن طوسی و ابوالعباس مستغفری و طب‌النبی او یاد شده است .

۱۵ **آغاز** : هوالمعین . بسمله . وبه نستعین . الحمدلله علی آلائه والشکر علی نعمائه والصلوة علی سید انبیائه وخیر اوصیائه اما بعد فکثیر من طلاب العلم لایتیسر لهم التحصیل وان اجتهدوا ... لانهم اخطأ واطریقه وترکوا شرائطه و کل من اخطأ الطریق ضل فلاینال المقصود فاردت ان ابین طریقه التعلیم علی سبیل الاختصار علی ما رأیت فی الکتاب وسمعت من اساتیدی اولوالعلم . . فابین المقصود فی
۲۰ فصول شتی .

انجام : او یتبرك بالآثار الواردة فی الطب الذی جمعه الشیخ الامام ابوالعباس المستغفری فی الکتاب المسمی بطب النبی یجده من یطلبه . والحمدلله رب العالمین

[۱۹۰۸]

۱۱۶۵ این نسخه ش ٥ دفتراست و بخط شکسته نستعلیق و فصلها در نیمه‌های دوم شماره ندارد و محمد تبریزی در روز پنجشنبه شعبان ۱۲۲۳ آنرا نوشته‌است .
۱۹۹ الف – ۱۰۲ ب .

٥ [۱٦۱۱] **آغاز و انجام** (فارسی)

از خواجهٔ طوسی که در ص ۲۰٤ همان فهرست شناخته‌ایم (ش ۸۹۰/۹ و ۱۰٤٦/۱٦) و در آن روش تأویل عارفان و فیلسوفان اسلامی که اسماعیلیان در اندیشه و پندار دینی خود از آن بهره برده‌اند بکار برده شده است .

طوسی فیلسوف از خاندانی دوازده امامی بوده و نزد دانشمندان شیعی امامی پرورده
۱۰ شده و هنگام دانشجوئی «غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع» ابن زهره را نزد سالم بن بدران مصری در نسخهٔ نوشتهٔ تاریخ ٦۱٤ در هفده سالگی خوانده و در ۱۸ ج ٦۱۹/۲ در بیست و دو سالگی اجازهٔ روایت همین کتاب را از او گرفته است (اجازات بحار ص ۱٦) و پیداست که تنها از رهگذر فلسفی چنین روشی را در پاره ای از کتابها مانند اوصاف الاشراف برگزیده بود. مگر اینکه هنگام گرفتاری
۱٥ در دربار اسماعیلیان ایران ناگزیر شده بود « سیر و سلوك » برای مجلس عالی ناصرالحق والدین بنویسد و در آن از فصول مقدس حسن علی ذکره السلام نخستین خداوند الموت (٥٥۷–٥٦۱) یاد کند (ص ۲۷٥ همین فهرست – ش ٦٤۰ راهنمای فرهنگ اسماعیلی ایوانف بانگلیسی) و همچنین اخلاق ناصری در ٦۳۳ برای ناصرالدین ابوالفتح محتشم قهستان در روزگار علاءالدین محمد بن حسن (٦۱۸–
۲۰ ٦٥۳) بنگارد (ص ٦٤۹) والادب الوجیز للولد الصغیر ابن مقفع را برای همان ناصرالدین بپارسی کند و در همین قهستان زبدة الحقائق همدانی را برای همو بپارسی در آورد . این هم گفته شود که ایوانف روضة التسلیم و مطلوب المؤمنین را که هردو کتابی است درست اسماعیلی و باطنی بنام طوسی بچاپ رسانده است و کتابی هم بنام تحفه (ص ۱۹٦ همین فهرست) و کتابی بنام روضة القلوب (ص ۲٦۹

همین فهرست وش۶۳۹/۳ مجلس) بنام او هست گرچه این روضة‌القلوب در نسخهٔ ش ۲۹۱۱ (ص ۹۸- ۱۰٤) سپهسالار بنام بستان‌القلوب از سید شریف گرگانی دانسته شد. این چهار کتاب روشن نیست که از طوسی باشد اگرچه تحفه وروضة‌القلوب بروش اسماعیلیان نوشته‌نشده است.

۵ باری این«آغازوانجام» ازطوسی‌است وگرچه روش تأویل در آن هست ولی رنگ آئین اسماعیلی ندارد.

آغاز. (منازل‌السالکین من کلام خواجه نصیر علیه‌الرحمه) بسمله. (هوالذی انزل علیك‌الکتاب منه‌آیات‌محکمات هن ام‌الکتاب و اخر متشابهات فاماالذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاءالفتنة وابتغاء تأویله ومایعلم
۱۰ تأویله الاالله والراسخون فی‌العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوالالباب. العلماء ورثةالانبیاء) ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع‌الناس لیوم لاریب فیه ان‌الله لایخلف‌المیعاد. سپاس آفریدگاری را که آغاز همه (از) اوست و انجام همه بدوست (با اوست) بلکه خود همه اوست. و درود برگزیدگانی را که
۱۵ راهنمایان‌اند خلق را (رهنمای‌خلق‌اند) بآغاز(زآغاز) وانجام خصوصاًبرمحمد وآل او علیه‌السلام.

دوستی عزیزی ازمحررضعیف این (ازمحرمان ازین ضعیف) «تذکره» التماس کرد که‌نبذی(بندی)ازآنچه‌سالکان راه‌آخرت مشاهده کرده‌اند (کنند) از انجام‌کارآفرینش شبیه بدانکه در کتاب خدای تعالی مسطوراست و برزبان
۲۰ اولیا وانبیاء (علیهم‌السلام) مذکور از احوال قیامت و بهشت و دوزخ وغیرآن ثبت کند برآن وجه که اهل بینش بعیان (می) بینند نه برآن وجه که اهل‌دانش بیان میکنند... پس اگراین «تذکره» ازآنچه مراد آن عزیز است قاصر آید باید که چون عذرواضح است مؤاخذه نفرمایند.

انجام. چه‌دنیاوآخرت برمردخداحرام‌است. الدنیاحرام‌علی‌اهل‌الآخرة

والآخرة حرام علی اهل‌الدنیا وهما حرامان علی اهل‌الله تعالی (این است آنچه تحریرش درین وقت دست داد. والله ولی‌التوفیق. التماس‌از بینندگان که درین فصل نظر کنند آنستکه دعاء خیر دریغ ندارند واصلاح سهوها که قابل اصلاح بود بجای‌آرند والله‌اعلم واحکم وحسبناالله ونعم‌الوکیل نعم‌المولی ونعم‌النصیر والحمدلله رب‌العالمین) .

چهار نسخه‌ایکه دراین کتابخانه دیده شده با دو نسخه چاپی جدائیهـا دارند و درچاپ شیراز دیباچه و فهرست آن نیست شایسته است این کتاب بـارهٔ سوم ازروی سنجش بانسخه‌های کهن‌تری بچاپ رسد . درنسخه ش ۶۰۶/۳ دردیباچه پیش‌از « ولیس‌الخبر کالمعاینة فکیف اذا کان‌الخبر بالاسماء والاشـارة » دارد : « وفی‌الفقیه عن‌النبی » که دردیگر نسخه‌ها چنین چیزی نیست درحاشیه این رباعی را دارد .

« درسی که حقیقت است درسی نبود
درسی نبود هرآنچه درسینه بود
صد خانه پر از کتاب سودی ندهد
باید کـه کـتابخانـه درسینه بود»

[۱۹۰۹]

۶۵۶ این نسخه ش۳ دهم وبخط نستعلیق وچندجاحاشیه داردبنظم‌ونثر. گ۸۳ب ـ ۹۵ ب .درگوشه‌ٔراست گ۸۳ ب دارد . « تذکرهٔ خواجه نصیرالمله والدین طوسی ره المشهور بآغاز وانجام » .

(گ ۲۰۰)کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی فرسوده
اندازه : ۱۱ ۱۸/۵ ـ ۸ ۱۴ س ۱۲

[۱۹۱۰]

۱۱۱۳ این نسخه ش۱۵ دهم وبخط نستعلیق باعنوانهاو نشانه‌های شنگرف وگاهی عنوانها سفیداست. گ ۱۱۳ الف ـ ۱۳۵ب. دراین نسخه است کـه آنرا «منازل‌السالکین» نامیده‌اند ودرپایان دارد : هذه تذکرة للا(ما)م المعظم فریدالدهر استادالبشر افضل‌المحققین عمدة‌الموحدین نصیرالحق والملة والدین محمدبن الحسن الطوسی قدس روحه ونور ضریحه » .

[۱٦۱۲] اثبات الواجب (عربی)

امیرصدرالدین ابوالمعالی محمد دشتکی شیرازی (بامداد سه شنبه شعبان ۸۲۸- کشتهٔ آدینهٔ ۱۲ رمضان ۹۰۳) دراین نامه که دارای دوازده فصل و یك خاتمه میباشد و بنام ابوالمظفر احمد بهادر (کشتهٔ ۹۰۳) نگاشته شده، بود خدا را روشن نموده است (طوس ۱: ۱٦ و ٤: ۳ - همین فهرست ص ۱۲۸) پسراو غیاث منصور بر آن بنام کشف الحقائق المحمدیه گزارش نوشته است و نسخه‌ای ازاین گزارش که در ۹٤٦ نوشته شده در طوس (۲۲٤۰٤) هست. او در پایان این گزارش سرگذشت پدررا یاد نمود.

آغاز : بسمله . الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی . منه الابتداء وبه البقاء والیه الرجعی نسأله ان یصلی علی من هدانا صلاح الدنیا وفلاح العقبی ونبتهل الیه فی ان یبلغنا الی درك صفاته العلیی . وبعد فهذه رسالة فی اثبات الباری تعالی وصفاته الحسنی مشتملة علی براهین دقیقة انیقة . . . وقد جعلها جامعها وهو الفقیر الحقیر الشهیر بصدر الحسینی الشیرازی . . . تحفة لمجلس کل ذکی اوحدی . . . و فیها فصول .

انجام . ومایکون نفس الامر من غیر تعین النفس هو الوحده (تمت الرسالة والحمدلله المتعال اولا و آخرا) .

[۱۹۱۱۱]

۱۱۴۷ این نسخه ش ۱ دفتر است که بنسخ و نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . این شماره بخط نستعلیق است با همانگونه عنوانها و نشانه‌های شنگرف و در گ ۱ ب - ۷ الف . اندمر نسخه‌ایست کهن که برخی جاها را موریانه خورده و پاره‌ای ازعبارتها هم آسیب رسیده است . چند مهر است در آن بدینگونه : «نورث من عبادنا من کان تقیا ۱۰٤۲» بشکل بیضی در گ ۷ و ۹ و ۳۵ و ۷۷ و ۸۳ و ۱۰۷ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۲٤ و ۱۲۸ و ۱٤۳ همه الف و ۱۰۲ ب و این تاریخ در گ ۱۰۷ و ۱۱۸ و ۱۲٤ و ۱٤۳ همه الف بخوبی خوانده میشود نیز «افوض امری الی الله عبده محمد صالح» چهار گوش در گ ۳۵ و ۸۳ و ۱۰۷ و ۱۲٤ و ۱۲۸ همه الف و « الفقیر بیان عیان » گرد

در ۳۵ و ۶۲ و ۷۷ همه الف و «یا بیان لا تخف مخلوقاً یعصمک الله رباك جل» گرد در ۹ و ۳۳ و ۸۳ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۱۸ و ۱۲۴ و ۱۲۸ همه الف و «یاهو محمد صالح» در ۷۷ الف.

از این مهرها و نشانه‌های دیگر برمیآید که این دفتر پیش از ۱۰۴۲ در روزگار غیاث‌الدین دشتکی و پیش از ۹۴۸ باید نوشته شده باشد چه اینکه در هامش ش ۳ در گ ۴۹ ب حاشیهٔ «منه مدظله» دارد و در پایان همین شماره هم از دشتکی بمانند زنده یاد شده است

۵ و ماتا نویسندهٔ همه شماره‌ها یکی است ولی بقلمهای گوناگون و اگر ش ۱۳ کامل میبود شاید نام نویسنده و تاریخ نوشتن او بدست میآمده است.

شیخ تقی بن شیخ علی شریف لاهیجانی در نزد باك ۱۰۴۲ نسخه را داشته بود و بخط او این عبارتها دیده میشود: «هو. الآن فدا انتقل الی ووجب حفظه علی» باهمان مهر

۱۰ «ورث ... تماه» در گ ۱۲۸ الف و «هو من جملة کتب العبد الآنس بمولاه الایس عمن سواه، شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهجانی» با همان مهر در ۱۱۸ الف و «هو. عاریة من عندالله الاجل عند عبد الاقل شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهجانی» باهمان مهر در ۸۳ الف و «من عواری الزمان، دخل فی سلك ملك العبد المفتاق الی رحمة رب الغنی، شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهجانی» در ۶۳ الف و «من کتب العبد

۱۵ الانس بمولاه الایس عمن سواه شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهجانی» با همان مهر در ۹ الف و «من کتب المحتاج الی رحمة رب الغنی المغنی شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهجانی» باهمان مهر در ۳۵ الف.

(همهٔ دفتر ۱۴۳ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۰ × ۱۹ و ۵ × ۱۱ س ۱۷

۲۰ [۱۶۱۳] اثبات الواجب الجدید (عربی)

اثبات واجب جدید دانشمند دوانی در ۱۴ فصل است و یك خاتمه و در آغاز آن میگوید که در جوانی رسالی در این باره نوشتم و برهانهای فیلسوفان و کلامیان و آنچه بذهنم میرسید آوردم اکنون آنچه را که روشن‌تر و آشکارتر واستوارتر و کوتاه‌تر است در اینجا یاد میکنم.

۲۵ دوانی در آن از سخنان فارابی و ابن‌سینا و البهجة والسعادة والتحصیل بهمنیار بهره برده و از شیخ اشعری خرده گرفت و از مواقف و نهایة الاقدام فی علم الکلام محمد شهرستانی یاد کرد. در فصل ۳ آن از روش خویش که دربارهٔ نسبت هستی

واجب و ممکن پیش گرفت و بنام «ذوق التاله» نامبردار است یادنمود (ص ۱۲۲ همین فهرست) .

آغاز : رسالة اثبات الواجب و صفاته للعلامة الدواني وهو الملقب بالجديد ـ بسمله . و (تو کلی علیه العلیم القدیم) منه الاعانة فی التتمیم و له الحمد علی کرمه العمیم منه القدیم ... فهذه نبذ (ة) من الحقائق و زبد (ة) من الدقائق فیه نفائس المطالب العالیة . . . وهی اشرف المباحث المتعلقة بذات المبدء الاول و صفاته العلی و اسمائه الحسنی و نسبة وجود الممکنات الیه تعالی علی ما حققه ذوو البصائر النافذة . . . حررتها مع تفرق البال و تشتت الحال ... و نورد ملك الاصول ... فی فصول .

انجام : خاتمة اذ تأملت فی صفاته العظمی . . وهما یرجعان الی العلم کما حق و العلم عین الذات فقد رجع الامر کله الی الله الا الی الله نصیر الامور و الحمد لله الکریم الشکور و الصلوة .. (در نسخه ما تا همین جاست و پیداست که کم دارد) .

[۱۹۱۲]

۱۱۳۶ این نسخه ش ۲ دفتر است و نسخ با نشانه ها و عنوانهای شنگرف میباشد. در فصل ۳ میان گ ۶ و گ ۷ اندکی و گویا باندازه یك برگ را ندارد پیش از آن یك صفحه است از اثبات واجب قدیم دوانی بهمین خط بدینگونه « فلعلنا الکلام الیه حتی یلزم ان یکون الشیء الواحد و جودات غیر متناهیه وهو باطل . . وا بهذه المباحث مزید تفصیل انما نمرعامه فی تعلیقاتنا و لکن هذا آخر ما قصدت الیه فی هذه رسالة مع تفرق المجال و تشتت الحال و وقوعی فی زمان اضحی الهمم متقاصرة و الجهله ناصرة یکتفون بالخضاب عن الشباب و یستغنون برائی السراب عن الروی بالسراب لکن هو الله یحق الحق بفضله و یبطل الباطل بعد له بیده الحسنی و الیه الرجعی له الحمد فی حمده و الصلوة و السلام علی من لا نبی من بعده و علی آله المعصومین و صحبه المرحومین التابعین لهم الی یوم الدین . تم . (ص ۳۰۴ ـ ۳۰۹ طوس) پیداست که این دفتر رسالهٔ اثبات واجب دوانی را داشت و پراکنده شده و پس از جستجو چهار برگ آن در پیدا شده است .

گ ۳۰ ، ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد
اندازه : ۱۱ ۱۶ ـ ۶/۵ ۱۰ س ۱۷

(فارسی) **اجابة المضطرین در بیان** [۱۶۱۴]

الاصول وفروع الدین

سید جعفر فرزند ابی‌اسحق موسوی کشفی دارابی بروجردی (۱۱۸۹-۱۲۶۷)
ایندفتر را در کلام با استدلال و بروش شیعی اخیر و در فروع بپرداخت و آن
در نسخه‌ها و چاپ هند دارای مقدمه در ۳ نصرت‌است دره اصل دین و هر نصرتی ۵
چندین اجابت است. عنوان بابها نصرت و فصلها اجابت است و دارای فهرست
میباشد و در هند بسال ۱۳۰۶ و در ایران بچاپ رسید (ذریعه ۱ : ۱۲۰ — اعلام الشیعه
۲۴۱۰۲ — نخبة المقال ص ۲۴) دارابی این کتاب را برای شاهزاده محمد تقی
میرزا پسر فتحعلی‌شاه قاجار ساخته‌است (ص ۱۹۸۸ همین فهرست)

آغاز : بسمله . فهرست آنچه درین مجلداست : مجلد اول از کتاب اجابة ۱۰
المضطرین است که مشتمل است بر مقدمه و مقاله . . . اجابت هشتم در بیان معنی
شفاعت ولزوم آن‌واسرار متعلقهٔ بآن (گ ۱ ب — ۶ ب فهرست مطلبهااست) بسمله .
ملك الکلام قول الله و حمده و ملاك التحیة والسلام الصلوة علی محمد رسول الله و عبده ..
و بعداوان طلوع طالع جوزائی زمان سطوع ساطع شاهنشاهی قبلهٔ عالم ناسوت را
ازقبل عالم لاهوت مستعد استفاضهٔ فیض اقدس ماهویت گردانید (۹ ب) . ۱۵

انجام چاپ هند : چنانکه خاتمهٔ مقالهٔ ما را بگفتگوی در شفاعت آنجناب
گردانیدی ... مشتی خاکم حه آید از مشتی خاك — انجام نسخهٔ ما. و چنانکه اراده
فرموده و مقاله اول باتمام رسید امید آنستکه اراده فرمائی و مقالهٔ دوم ایضا
بانجام رسد. تاریخ اختتام کتاب دردوازدهم شهر جمادی‌الاول در ۱۲۵۵ تحریر
پذیرفت (۳٤۰ الف) . ۲۰

[۱۹۱۳]

۱۱۱۷ این نسخه دارای مقدمه ومقاله یکم کتاب‌است و بسمله‌ها و عبارتهای عربی
بنسخ و زیر خط سرخ و عنوانها شنگرف میباشد. در گ ۲۷۲ الف حاشیه‌ایست
ازمحمد باقر خراسانی . فهرست ۲ ب — ۷ ب . کتاب ۱۰ ب — ۳٤ الف .

(۳٤۳گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد ساده
اندازه : ۱۶' ۲۲/۵—۸ ۱۵ س ۱۷

[۱۶۱۵] اجازهٔ کلباسی (عربی)

حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م ۱۲۶۲) در ربیع دوم ۱۲۶۰ برای پسر خود آقامحمد این اجازه را نوشته‌است . کلباسی در آن از استادان خود یاد نمود و سلسلهٔ اجازه را بلؤلوه و جز آن رساند و نوید داد که اجازهٔ دیگری درازتر بنویسد . او اجازهٔ دیگری‌هم برای او در ۱۲۵۹ و اجازه‌ای بتاریخ رمضان ۵
۱۲۶۰ برای همو نوشته که جز این میباشد (ذریعه ۱: ۱۳٤) .

آغاز : وهوالغنی . بسمله . اجزت ولدی وقرة عینی محمدا ... جمیع مالی من الطرق المذکورة فی تصانیفی کالاشارات وغیرها .

انجام : فی المقبولة المسلمة بین الطائفة . حرر نه فی ربیع الثانی من الالف والمأتین و ستین . (کتب هذه الکلمات الشریفة افل السادات حسن بن ابی الحسین ۱۰
الحسینی عفی عنهما ـ هذا مطابق لاصله « عبده محمد ابراهیم بن محمد حسن ») .

[۱۹۱٤]

۹۰۷ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نسخ درشت‌تر با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از سید حسن بن ابی الحسین حسینی و سنجیدهٔ با اصل نسخه بگواهی خود
۱۵ کلباسی است . گ ۵۸ ب ـ ٦٤ ب .

[۱۶۱٦] احکام نجوم (فارسی)

در این گفتار از سخنان سلیمان و جاماسب و جالینوس دربارهٔ برجهای دوازده گانه و طالعهای آنها و دعاهائیکه در اسلام دربارهٔ آنها آمده است یاد گردید

۲۰ **آغاز** : بسمله . و به نستعین حمل ثور .. حوت . بدان طالع مذکور اینست جالینوس حکیم گوید حمل خانهٔ مریخ است طبع وی گرم و خشک است .

انجام . طالع حوت . هر آن زنیکه بر طالع حوت زاید حوت برج آبی است و سه وجه دارد . . دعا اینست . بسمله . وجعلنا من بین ایدیهم سدا . . . احفظ

صاحب کتابی برحمتك یا ارحم الراحمین .

[۱۹۱۵]

۸۷۷ این نسخه ش۳ دفتر است و بخط نستعلیق میباشد . گ ۹۶ب ـ ۱۳۰ الف .

[۱۶۱۷] اختیارات (فارسی)

در این گفتار از اختیارات روزهای بد و نیك بروایت از پیشوایان شیعی یاد ۵
شده است .

در ذریعه (۱: ۳۶۷) از «اختیارات الایام» مجلسی دوم (در پانصد بیت) و آقا جمال
خوانساری و مولی محمد صادق هرسه بفارسی یاد شده و نسخهٔ ما هیچیك از آنها
نیست (نیز فیض قدسی نوری) .

آغاز : بسمله و به نستعین . اختیارات روزهاء سعد و نحس . حضرت امام جعفر ۱۰
صادق رضی الله عنه روایت میکند از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه و حضرت
امیر از حضرت محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات که بیان فرمود
که هر روزی از روزها چه چیز را شاید و چه چیز را نشاید و هر روزی از ماه
چون است و این اختیارات بغایت نیکو و مجرب است. روز اول ماه· امیر المؤمنین
علی کرم الله وجهه گوید که روز سعد است و مبارك . ۱۵

انجام : روز سی ام ماه· امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه گوید که در مشیت
حق است نیك و بد این روز را هیچکس نداند الا حق سبحانه و تعالی والله اعلم
بالصواب و الیه المرجع والمآب .. والحمد لوليه والصلوة علی نبیه والسلام علی
وصیه و علی آلهما و اصحابهما اجمعین .

[۱۹۱۶] ۲۰

۲۲۹ این نسخه ش۳ دفتر است و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف . گ ۲۷۹ب ـ
۲۸۴ الف . در برگ ۲۸۴ ب ـ ۲۸۵ الف شعر است . مهر «سلیمان»
در ۲۸۵ ب دیده میشود . (۲۲۹/۲) .

[١٦١٨-١٦٢٧] الاربعينيات لكشف الانوار القدسيات (عربی)

حکیم کوچك قمیان قاضی میرزا محمد سعید فرزند حکیم محمد مفید قمی (١٠٤٩-١١٠٣) شاگرد مولی رجبعلی تبریزی (١٠٨٠) وفیض کاشانی که شاعر فارسی و تازی وفیلسوفی شیعی اخباری و پزشك دربارشاه عباس دوم بوده‌است مجموعهٔ اربعینیات نوشته که باید چهل رساله درآن باشد . او بروش داماد وصدرای شیرازی مینگارد ودرپاره‌ای جاها باشیرازی نمسازد . این اربعینیات بگفتهٔ نگارندهٔ روضات ازگزیده‌ترین وبهترین نگارشهای اوست و میخواست چهل رساله درآن بگذارد مگر اینکه گویا نرسید بدین‌کار و همین اندازه توانست که از ١٠٨٩ تا ١١٠٢ ده رساله خودرا بهم بپیوندد و درآن بگنجاند. نسخه‌ای از آن درمجلس هست (ش ٦٤٥ ص ٤١٢ ج ٢) و مانند نسخهٔ ما میباشد (١) .

ازاین اربعینیات ده رساله درنسخهٔ ٩٧١ این کتابخانه هست :

١ـ روح‌الصلوة که رازنمازرا درآن گفته وافعال‌آنرا بروش باطنیان تأویل کرده است و این رساله ارمغانی است برای (فیض کاشانی) مولانا محمد محسن استاد او (٠ ١٠٩١) پس باید پیش‌از این تاریخ نگارش درآمده باشد گرچه درنسخهٔ ما دربارهٔ او « اعلی‌الله درجته » دارد او خود برآن حاشیه نوشته که ازروی خط او درنسخهٔ ما دیده میشود.این رساله دارای مقدمه و سه درجه ویك‌ختام‌وخاتمه‌میباشد.عنوانهای«فذلكة وتنوير وتبيان وتذييل وايماض وحكمة الهية وتحقيق عرفانی وتقدس وتحقيق ايمانی و نورعرشی‌وسرقدسی »هم درآن

١ـ نگرید به : روضات ص ٣٠١ـ دریعه ٤٣٦:١ ـ فهرست طوس ٤ ١٧و٣٤٣ و١٣٨:٥و٢٧٩ ـ همین فهرست ص ٤٥٤ ـ دیباچهٔ چاپ آقای مشکوة بر کلید بهشت چاپ تهران١٣١٥ که سرگذشت قمی درآنجاآمده وپاره‌ای ازنگارشهای اودرآنجا شناسانده شده است . و این چاپ‌کلید بهشت از روی نسخه ش ٣٧٤/١ این کتابخانه میباشد وگراور دوصفحهٔ آغاز وپایان آن‌هم هست .

دیده میشود. او در پایان بشرح خود بر توحید صدوق باز گرداند و گفت که رازهای نماز را در آنجا بخوبی روشن ساخته‌ام و نیز گفت که در نماز پیشین، شیعی باید پیامبر را یاد کند و در نماز پسین علی را و در نماز شام فاطمه را و در نماز خفتن یازده پیشوای دیگر و در نماز بامداد پیشوای نهانی را یاد کند و نماز رستگاران همین است .

۵

آغاز : (اربعینیات مولانا قاضی سعید القمی رحمه‌الله تعالی) بسمله . وبه الاستعانة فی التتمیم . الحمد لمن لا یحوم حول مشرع عبوبه ومهمه شهوده من السابحین والسابحات والسائحین والسائحات احد ولا تصل الی ذیل شامخ جبال جلاله ایدی وهق الخیال وسلم العدد . قد ظهر مع اختفائه فی جلباب سائرات کمونه کالرؤیة من نور العین و اختفی مع ظهوره و بروزه کلمعان البرق قبل ابتلاجه فی حجب حجاب سواد العین ... وبعد فالعبد الملتجی الی ارباب التوحید محمد المدعو بسعید یقول انی عند ارتیاضی فی اربعین تخمیر طینة آدم ع قبل ان اخرج من افق المحو الی عالم الصحو قد کانت صحیفة قلبی مرقومة برقوم الاستیهال لقبول الاضواء من مشرق انوار الائمة الاطهار . . . و ذلك بعد تسیاری فی بساتین رموز الحکماء والمتالهین و تذکاری لاسرار العرفاء الکاملین من الاقدمین والآخرین . . . فجمعت ذخائر فی دفاتر متفرقة و نظمت درازی فرائد فی نظام التفرقة ثم رأیت ان اضع اربعین کنزاً من صغائر هذه اللئالی و ذخائر تلك المعانی العوالی فی مجموع شامل لبیوت او اهل فمنح لی اربعون باباً من کنوز التحقیقات البدیعة وعثرت منها علی اللئالی النازلات من تلك السحائب الرفیعة ادرجتها فی تلك الکراریس للخلان الاوانیس و سمیتها با « لاربعینیات لکشف انوار القدسیات » ... فهذه رسائل ارباب الشهود ومسائل اصحاب العهود و مکاتیب اخوان الوفاء و مراسیل خلان الصفاء .. ولعمر الحبیب ان المبتغی للمعارف والاسرار ان کان خاطباً لعذاری ابکار الاخبار فتلك الحجال مفترع عذرتها وها انا ابن بجدتها وان کان مقتطفاً لجنا جنه حکمة الابرار طالباً لثمرة نتائج الافکار ففی هذه البساتین عذیقها المحکك و جذیلها المرجب

۱۰

۱۵

۲۰

اكرم بها و ان كان سالكا سبل اهل‌الله غائصا فى بحار معرفةالله ففيها مصابيح نوارعلم‌اليقين و مشاعل عين‌اليقين ... جعلكم‌الله و ايانا من‌الذين يسمعون‌القول يتبعون احسنه انه‌ولى‌الفضل‌والهداية . الرسالةالاولى وهى رسالة « روح الصلوة » لمهدية الى حضرة استادنا فى‌العلوم‌الالهية مولانا « محمد محسن » اعلى درجته : بسمله . و بعد الحمدلله والصلوة على رسول‌الله و اهل بيته آل‌الله فالعبدالمعناق لى‌الله‌الولى... محمدالمدعو بسعيدالشريف‌القمى ... بالخواننا‌الروحانيين واصدقائنا لروحانيين ... انا نريد فى هذه‌المقالة ان نبين لكم . . من حقيقةالصلوة ومعناها روح هذه‌العبادة ومغزاها

انجام : ففى صلوةالظهر اتوجه الى‌الله بمحمد رسول‌الله .. وفى صلوةالعصر نذكر اميرالمؤمنين و فى‌المغرب فاطمة . . . وفى‌العشاء‌الحسن والحسين والتسعة من ذريةالحسين و فى‌الصبح حجةالله والقائم . هذا صلوة اهل‌الفلاح والحمدلله فى‌المساء والصباح (بلغ . قوبلت مع‌النسخة‌التى كانت بخط‌المصنف قدس سره — گ ۱ ب — ۱۱ الف) (۱) .

۱ــ قمى بجز روح‌الصلوة سه رسالهٔ ديگر در راز نماز نگاشته‌است : يكى ش۱۷/۱۰۳۰ اين كتابخانه كه در كنار شرح هدايهٔ شيرازى بچاپ رسيده (ص۴۰۷ همين فهرست) و آغاز آن درست مانند همين روح‌الصلوة و پس از ديباچه دوتا مساوى‌اند و اين كه چاپ شده مانندگزيده‌اى از همين روح‌الصلوة ميباشد و انجام آن هم جز انجام اين و چيزى ديگراست و همين‌است كه در دوم سيزده‌روز گذشتهٔ ازشوال سال ۱۰۸۴ نگاشته‌شده‌است. در آن (ص ۳۵۷ چاپى) نوید رسالهٔ ديگرى داده شده واز آن ما نا همين روح‌الصلوة خواسته شده است كه پس‌از ۱۰۹۱ نگارش درآمده و گسترده اين گزيده ميباشد .
همين است كه بنام «مقالة توحيد» يا «حقيقةالصلوة» در ص نو ديباچهٔ كليد بهشت (نيز ص كح) شناسانده شد .

دوم ش۱۰۳۰/۱۹ و ۵۹۸/۲ (ص ۴۰۷ و ۵۸۹ همين فهرست) كه آنهم در آغاز نزديك بروح‌الصلوة ميباشد ولى انجام آن چيزديگراست .

سوم اسرارالعبادات كه راز پاكى و نماز و زكوة وروزه وحج وجنگ وامر بمعروف دنبالهٔ حاشيه در صفحهٔ پس‌از اين

۲- «فی حقیقة الاختلاف الواقعة فی القراات السبع» یا «الکشف عن القراات السبع» (ش ۱۰۳۰/٤ ص ۱۸۲ فهرست آقای منزوی ج ۱) که در یك مقدمه و چند اشاره و بشارة است و قمی شالودهٔ آنرا درمیان نمازشام و خفتن شب آدینهٔ دوشب گذشتهٔ از ج۲ سال ۱۰۸۹ درقم ریخته و در دوشب ماندهٔ ازهمان ماه بانجام رسانده سپس در یکم همان ماه سال ۱۰۹۸ درسپاهان آنرا در این مجموعه گذارده است روش باطنی قمی در این رساله پیداست و او برپایه فلسفهٔ اشراقی شیعی این مسئلهٔ هفت قرائت را گذارده و روشنش نمود .

آغاز . (الرسالة الثانیة فی حقیقة الاختلاف الواقع فی القراات السبع . اشارة و بشارة) بسمله وبه نقی . الحمدلله الذی نجم القرآن و سبع ذلك النبیان فشیعه سبعة آلاف من ملئکة الرحمن و صار ذا سبعة وجوه حسان و اشتمل علی سبع من المثانی و نزل علی سبعة احرف من المبانی فله سبعة بطون من التأویل و هو علی سبع قراآت من التنزیل . و بعد اعلموا اخوانی فی الدین و خلانی فی طلب الیقین انی کنت لیلة الجمعة المبارکة للیلتین خلتا من شهر جمادی الآخرة لسنة تسع و ثمانین و الف من الهجرة بین صلوة المغرب و العشاء الآخرة بوطنی قم المحروسة متوجها الی باریء الکل و مفیض العقل اذ سنح لی اصل شریف یا ملف به حقیقة الاختلاف الواقع فی القراآت السبع

انجام . و کان احد لا یخاطب رسول الله ص بای لسان خاطبه الا وقع فی مسامعه بالعربیة کل ذلك یترجم جبرئیل بشریفا له من الله تعالی . الحدیث . و فی ذلك کفایة لمن تدبر و درایة لمن استبصر هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلك المقالة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

و نهی از منکر در آن روشن گشته و سورهٔ قدر در آن گزارش گردید بجای سورهٔ توحید که میگویند در گزارش توحید صدوق (آغاز جلد دوم نوشتهٔ ۱۰۹۸) و در رسالهٔ جداگانه (گویا همان مقاله توحید) آنرا گزارش نمودم . چنین است آغاز و انجام آن : « و لیکن ذلك مقدمة فی الاصول ـ انه اعظم فی هذا الباب مع اختصاره و ایجازه » (شماره چهارم ص یو دیباچهٔ کلید بهشت) و این یکی جز آنها است که یاد گردید

الله ولى الهداية . واتفق ذلك على يدى مؤلفها العبد المذنب العاصى محمد المدعو سعيد الشريف القاضى للبلنين بقيتا من الشهر الذى مضى ثم ادرجتها فى هذه المجموعة لمسماة بالاربعينيات فى غرة الشهر المذكور لافتتاح عام ثمان و تسعين و الف اصبهان صينت عن طوارق الحدثان (تمت و آلاؤه عمت . قوبل مع النسخة التى كانت بخط المصنف ره ـ گ ۱۱ ب ـ ۱٦ ب) .

۳ـ الفوائد الرضويه كه گزارش « حديث رأس الجالوت » يا گفتگوى پيشواى هشتم شيعى با رهبر آوارگان يهود (رش گالوتا) كه جز حديث ۱۲ اربعين قمى است ميباشد ودارای يك مقدمه وسه فائده در چند مبحث و مطلب و خاتمه است ودر روز سه شنبه ۱٤ ربيع يكم سال ۱۰۹۹ آنرا بپايان رساند .

او در ديباچه ميگويد كه من هنگاميكه به نيمهٔ سال هفتاد رسيده و در دههٔ چهل بوده‌ام بدين حديث برخورده‌ام و آنرا دست نخورده يافتم و خواستم آنرا گزارش بنويسم .

پس بايد در سال ۱۰۸٤ بدين گزارش پرداخته باشد. فهرست مطلبهای آن در فهرست طوس (۱۳۸:۵) ياد گرديد و در آنجا از روضات (ص۳۰۲) دارد كه اين رساله دومين رسالهٔ الاربعينيات ميباشد (نيز ذريعه ۱ ۴۳۷) ولى چنين نيست و نگارندهٔ روضات هم اين را از كمهٔ كسى آورده و خود آنرا نديده بود .

آغاز : الرسالة الثالثة « فوائد رضويه » على المنسوب اليه الف ثناء و تحية) بسمله . الحمدلله الواحد المتوحد والفرد المنفرد الذى توحد بالوحيد فى توحده و تفرد بالتفريد فى تفرده انبجست منه الكثرات بجملتها لوحدته و ابتدات منه المزدوجات برمتها لفرديته . وبعد فالفقير . محمد المشتهر سعيد الشريف القمى يقول ان الحكمة كل الحكمة ماورد فى الكتاب والسنة والعلم حق العلم ماصدر عن مدينة العلم وان فى اخبار الائمة الطاهرين لبلاغاً لقوم عابدين وان فى ذلك لذكرى للعالمين ... ولنسم تلك المقالة بالفوائد الرضوية .

انجام : وعلى الله توكلى واليه انقطاعى وبه عن شر خلقى اعتصامى و بمحمدص

توسلی والله ولیی فی جمیع احوالی وهو حسبی . انفق تسویده یوم الثلثا رابع عشر ربیع الاول سنة تسع و تسعین و الف علی یدی مؤلفه حامداً مصلیا (تمت وآلاؤه عمت قوبلت مع النسخة التی کانت بخط المصنف قدس سره – ۱۷ الف – ۴۱ ب) .

۴– مرقاة الاسرار فی ربط الحادث بالقدیم وحدوث العالم حدوثاً زمانیاً که ۵ در دو درجه نخستین در ده قاعده و دومین در چهار فائده میباشد. پس از این دو مرقات است و در آنها عنوانهائی است بمانند آنچه که در نگارشهای دیگر او و نوشته‌های دشتکی و دامادو شیرازی و کاشی دیده میشود و پس از اینها خاتمه‌ای هست . او در قم در ۵۰ سالگی در ۱۰ ذی‌قعده ۱۰۸۴ آنرا بپایان رساند و در ۱۰۹۹ در این مجموعه گذارده است(۱)

۱۰ او جهان حسی را حادث زمانی میداند و روی حرکت ذاتی جسم طبیعی حادث را بقدیم پیوند میدهد او در آغاز درجهٔ دوم میگوید که هستی اصیل نیست و ماهیت را اصالت است و در همین رساله مثل را ثابت میکند . فهی درمبحث چهارم فوائد رضوی (گ ۳۷ الف) ازاین رساله بمانند بالا یاد کرد .

آغاز (الرسالة الرابعة وهی المسماة بمرقاة الاسرار فی بیان ربط الحادث ۱۵ بالقدیم وحدوث العالم) بسمله الحمدلله العالم بکل الاشیاء ، رب العالمین من الارواح والنفوس الاصفیاء ، الرحمن بالمسخرات تحت الطبیعة ، الرحیم بالنفوس الزکیة . . . و بعد فالعبد ... محمد المدعو بسعید القمی الشریف .. یقول ان مسئلة ربط الحادث بالقدیم و صدور المتغیر عن الثابت المقسم لعویصه عظیمه الاشکال ومعرفة الحق فیها لخفیة عن اکثر الرجال وانی . اخوض فیها و.. ارمی الی ذراها مع توزع البال

---

۲۰ ۱– ازاینجا برمیآید که قمی در ۱۰۴۹ زاده است چنانکه درهامش روضات ص ۳۰۲ آمده ولی درفهرست طوس ۱۸:۴ دارد که او در ۱۰۴۸ زاده است و سند آنها گویا عبارتی است از دیباچهٔ شرح عمامه (ش ۴۰۳) که در آنجا دارد که من در ۵۱ سالگی در ۱۰۹۹ درسیاهان این گزارش را نوشته‌ام (بنگرید به ص ۴۵۴ این فهرست و ص ۲۶۴ ج ۱ فهرست سپهسالار که در آنجاها ازروی همین گزارش زادن او ۲۵ در ۱۰۳۹ دانسته شده است ودرست نیست) .

من معادات الزمان و تشتت الحال من مقاساة الاحزان لالتماس بعض اخوانی الصالحین واقتراح جمع من خلانی الصادقین ... وسمیتها بمرقاة الاسرار لاشتمالها علی درجتین یبتنی لهما قواعد للعروج الی مرقاة تعمنی منها فوائد.

انجام. هذا آخر مااردنا ایراده فی تلك المقالة وقصدنا ابرازه من الكن فی هذه الرسالة والله ولی الاعانة واتفق الاتمام علی یدی مؤلفه احوج المربوبین فی وطنه قم المحروسة المشرفة بعدمامضی من العمر خمس وثلثون سنة عاشر ذی القعدة من اشهر الحرام المباركة لسنة اربع و ثمانین من الالف الثانی من الهجرة وقلت فی تاریخ الرسالة (نظم) · مرقاة اسرار الهدی فتدرجوا - منها الی ذی العرش خیر سبیل - اوتیتها من فضل خلاق الوری - تاریخها مرقاه سرجمیل . (وجدنا هذا المصراع الاخیر بخط المصنف ره هكذا: « تاریخها مرقاة سر دلیل » - والموافق بالتاریخ الذی كتب نثراً لاتمام الرسالة هو ما كتبنا لا ماوقع بخطه ره وكانه نشاء منه سهوا) وكان نقله فی هذه المجموعة باصبهان المحروسة سنة تسع وتسعین والف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً والحمدلله (نقل من خط المصنف ره) (قوبلت مع نسخة المصنف ره - ٤١ ب - ٦٤ الف).

٥- النفحات الالهیة والخواطر الالهامیة وهی مسجعة المبانی محققة المعانی كه در ص ۳۸۸ همین فهرست شناسانده شده است قمی آنرا در نوروز و ماه ذی‌حجه چنانكه در آن نسخه آمده یا ماه محرم (روی این نسخهٔ كنونی) سال ۱۰۸٤ نگاشته و در ۱۷ ربیع دوم ۱۰۸۹ نزدیك نوروز و در سپاهان درروزگار شاه سلیمان صفوی آنرا در این مجموعه گذارده است. دو نسخهٔ ماانندكی ازهم جدائی دارند. روی سخن او دراصیل بدانسین هستی گویا بصدرای شیرازی میباشد.

آغاز (الرسالة الخامسة وهی رسالة النفحات الالهیة وهی مسجعة المبانی محققة المعانی) بسمله. بعد الحمدلله واهب العلم والعقل. یقول ... محمد المدعو بسعید الشریف القمی هذه خواطر الهامیة و نوادر ربانیة قد ظهرت لی بعض الاوقات وان لربكم فی ایام دهركم نفحات.

انجام : وهو آدم الاول بل انسان العوالم والعالمين و خليفةالله و سلطانه فی السموات والارضين والحمدلله رب العالمين والصلوة علی محمد و آله الاطيبين. هذا آخر ما اردنا ايراده فی تلك المقالة واتفق الفراغ من اتمامها فی يوم النيروز علی يد مؤلفها الجانی فی الجانبين اراه الله الاشياء بعين اليقين ورزقه مرتبة حق اليقين فی محرم سنة ١٠٨٤ والسلام - و كان نقله الی هذه المجموعة فی سابع عشر ربيع الثانی قريباً من نيروز سنة تسع و ثمانين من الالف الثانی حين توقفی باصبهان دار السلطنة فی زمن السلطان الاعظم الشاه سليمان خلدالله ملكه وسلطانه (نقلناه من خط المصنف ره - قوبل مع نسخة المصنف ره - گ ٦٤ ب - ٧٠ الف).

٦- الانوار القدسيه كه درسه نور (١- درهيولی ٢- درصورت ٣- نفس) هريك چند فتوح ميباشد ودر ١٠٨٥/١/١ نگاشته ودرسپاهان بسال ١٠٩٩ آنرا دراين مجموعه گذارده است او درديباچه از بدكارانيكه با دانش و فرهنك دشمنی ميكنند وجای رهبران مؤمنان راگرفتند و ديگران را بی‌دين ميخوانند ياد ميكند و برآنها نفرين ميفرستد (ش ١٦/١٠٣٠ ص ١٥٩ اين فهرست).

آغاز : (الرسالة السادسة رسالة الانوار القدسية فی تحقيق الهيولی والصورة والنفس و فوائد آخر) بسمله . الحمدلله الذی آتانا الحكمة لكی نتوصل بها الی ماالديه وهدانا الی النبی وآله نتوسل بهم اليه وبعد فالفقير . محمد المدعو بسعيد الشريف القمی يقول تلك « انوار قدسية » افيضت علی روعی بعض اوقات المذاكرة اثبتها لكی ينتفع بها المتزيی بزی الحق والحكمة ولست من يتشدد فی تقليد السلف ويحتمل فی تصحيح مقالاتهم كل العسف بل الحق هو المتبع و برهان الله هو المطاع الارفع .

انجام من احسن تعبير و ابلغ تفسير والله اعلم و احكم . هذا ما اردنا ايراده فی ذكر الهيولی وشرفها و علوها و تجردها وسيرها الانواری و معراجها الاسراری وانفقت مساعدة توفيق الله لاتمام تلك علی يدی مؤلفها غرة محرم الحرام لسنة خمس و ثمانين بعد الالف من الهجرة النبوية و ذلك فی وطنه قم المحروسة .

الحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً و کتب بذلك راجياً رضوان الله حامداً مصلياً مستغفراً سائلا من الله ان يعين لاتمام فدشرطت من ادخار الرسائل السوانح والفوائد لفواتح في هذه المجموعة وقد وقع النقل الى هذه المجموعة على يدي المؤلف بدار السلطنة اصفهان المحروسة سنة تسع و تسعين بعد الالف (قو بلت مع نسخة المصنف ره ـ گ ۷۰ ب ـ ۸۰ ب).

۷ ـ المقصد الاسنى في تحقيق مهية الحركة و وجودها در دو مقصد و پنج مقدمه و يك ختم که درقم بسال ۱۰۸۸ نگاشته و درجمادی دوم ۱۰۸۹ درسپاهان آنرا دراين مجموعه گذارده است . او درمقدمهٔ يکم هستی ذهنی را با برهان باطل ميسازد وميگويد که ما در برخی از رسالههای خود دليلها برای اين آورديم ودراينجا بيك دليل ساده کم رنجی بس ميکنيم .

آغاز : (الرسالة السابعة رسالة المقصد الاسنى في تحقيق مهية الحركة) بسمله . الحمدلله رب العالمين ... و بعد فيقول .. محمد يدعى سعيد الشريف ... هذه عجالة في تحقيق الحركة و وجودها وسر هذه الدقيقة و نزولها و صعودها . . . وسميتها بالمقصد الاسنى .

انجام : فهناك يتعانق الابد والازل و يتصافح الآخر مع الاول والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد و آله دائماً . تم على يدي مؤلفه سنة الف و ثمان و ثمانين بوطنه قم المحروسة والحمدلله . وقع النقل الى هذه المجموعة شهر جمادي الآخرة بسنة تسع و ثمانين والف من الهجرة ايام سكناي بدار السلطنة اصفهان صينت عن حوادث الزمان (قوبلت من مجموعة المصنف ره ـ گ ۸۱ الف ـ ۸۷ ب) .

۸ـ الحديقة الوردية في السوانح المعراجية درسه حديقه و معراج در آن تأويل فلسفی وعرفانی ميشود ودرپايان آن سفارش ميکند که راز را بنادانان نگويند . اين رساله را در ۱۹ جمادی دوم سال ۱۰۹۹ درسپاهان دراين مجموعه گذارده است . اين رساله را در گشودن اين مشکل نوشته که چرا درعلل الشرايع صدوق آمده

که گل سرخ از خوی پیامبر در شب معراج و گل زرد از خوی براق که از چهار پایان بهشت است آفریده شده است با اینکه اینها پیش از معراج بوده‌اند. قمی میگوید که پیش از من کسی بدین اشکال پاسخ نگفت. او از راه عرفان آنرا حل میکند. در آغاز دارد که معراج پیامبر هم جسمانی و هم نفسانی و هم عقلانی بوده است.

آغاز (الرسالة الثامنة رسالة الحديقة الوردية في السوانح المعراجية) بسمله. ۵
و به نستعين. الحمدلله الذي نعرج الملئكه والروح في يوم كان مقداره خمسين الف سنة.. و بعد فالفقير. محمد المدعو بسعيد الشريف القمي يقول قد استعضل اكثر ارباب التحقيق والعرفان فهم الخبر المروي عن ائمة اهل الايقان على ماروا ه شيخنا الاجل في كتاب العلل من ان تكون الورد الاحمر كان من عرق صاحب المعراج في تلك الليلة وان تكون الاصفر منها انما حدث من عرق براق الذي كان من دواب الجنة ۱۰

انجام. و كتب بيده الجانيه. مؤلفه الملتجي الى الله واهب العقل والحكمة والحمدلله اولا و آخراً و صلى الله ابداً دائما وانفق النقل الى هذه المجموعة في تاسع عشر شهر جمادي الآخرة سنة تسع و تسعين و الف من الهجرة باصبهان دار السلطنة (تمت. مقابلت مع مجموعة المصنف ره - ۸۷ الف - ۹۵ ب).

۹- البرهان القاطع وهي ترجمه رسالة (وجود) مولانا رجبعلي بالعربية. ۱۵
قمی در این یکی رساله پارسی «اثبات واجب» یا «وجودیه» مولانا رجبعلی (م ۱۰۸۰) را که در ص ۱۳۲ و ۴۰۵ همین فهرست شناسانده شده است بتازی درآورده و در ۳ محرم ۱۱۰۰ آنرا در این مجموعه گذارده است. پس میان ۱۰۸۰ و ۱۱۰۰ بنگارش در آمده است.

آغاز. «الرسالة التاسعة ترجمة رسالة استادنا الحكيم الالهي مولانا رجبعلي ۲۰
ولنسمها بالبرهان القاطع والنور الساطع) بسمله. الحمد لواهب العقل و خصاله والصلوة على محمد و آله و بعد فهذه ترجمة رسالة استادنا الحكيم الالهي مولانا رجبعلي افاض الله على روحه النور الجلي والخفي نقلتها من الفارسية الى العربية. قال قدس سره: بسمله. قال الله تعالى ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر مادون ذلك

ن یشاء و بعد فهذه رسالة مشتملة علی مقدمة ومطالب خمسة وخاتمة .

انجام : و اطلاق الواجب علیه سبحانه علی انه لیس بممکن . والحمدلله علی
له. الی ههنا ترجمة کلامه اعلی الله مقامه . و کتبه مترجمه تلمیذه افل العبید
مد المدعو بسعید . وفرغ من نقله الی هذه المجموعة ثالث شهر محرم الحرام عام
ب ومائة والحمدلله وحده (فوبلت مع مجموعة المصنف ره – ٩٥ ب – ٩٨ ب)

۱۰– الطلائع والبوارق یا البوارق الملکوتیه که دریك مقدمه و شش طلیعه
ریك چند بارقه میباشد. این رساله درازترین و گسترده ترین این ده رساله است
در آن بروش عرفانی از بسیاری از مسئله های فلسفی کاوش شده است او در طلیعهٔ ۳
۱۱٤ الف) از خوابی روحانی که درمیهن خویش قم درحرم دیده بود یاد کرد
در طلیعهٔ ٥ (۱۲۲ ب) داستانی آورد از استاد استادان خود بهاءالدین عاملی
گاهیکه بدیدار یکی از عارفان که در گورستانی درسپاهان میزیست رفته بود .
از (۱۳۰ الف و ۱۳۱ ب) از یکی از استادان بزرگ یاد کرد که خیال را گوهری
ایدار میدانست و از او خرده گرفت و گویا از او صدرای شیرازی را میخواهد
چنانکه گویا در جای دیگر هم باو اشاره نمود (۱۳۹ب) او در این رساله از اثولوجیا هم
ورده و آنرا از ارسطو پنداشت .

قمی آنرا در آغاز ۱۰۹٥ درسپاهان آغاز کرد (دیباچه) و در روز یکشنبه سوم
صفر ۱۱۰۲ در این مجموعه گذارده است .

آغاز : (الرسالة العاشرة رسالة الطلائع والبوارق فی تحقیق ان لکل حقیقة
من الحقائق الامکانیة صورة وان احسنها الصورة الانسانیة) بسمله . امابعد الحمدلله
واهب العلم والصور والصلوة علی خیر البشر وآله خیر اهل البدو والحضر فالفقیر
الی الله الغنی والممسك بحبل النبی والوصی محمد المدعو بسعید الشریف القمی ...
نقول نحن نرید فی هذه المقالة ... ان نبین حقیقة مافتح لنا فی الاستفتاح من عام
خمس وتسعین من الالف الثانی فی بلدة اصبهان ... من ان لکل موجود سواء کان
فی العالم العقلی او المثالی او الکونی صورة بقتضیها حقیقته و تطلبه ذاته . . .

و بالحری ان نسمیها بالبوارق الملکوتیة حیث ما فیها من انوار الهیة تستقدمها طلائع نوریة.

انجام: ولنختم الکلام ... والحمدلله. اتفق النقل الی هذه المجموعة یوم الاحد ثالث شهر صفر... سنة الف ومائة واثنین حامداً مصلیاً علی ید مصنفه ... محمد المدعو بسعید القاضی جعله الله من اهله واعطاه مناه فی نفسه واولاده واخوانه والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطنا.

[۱۹۱۷-۱۹۲٦]

۹۷۱ این نسخه‌ها ده شمارهٔ دهری است بستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد حسن فانی پسر حاج عبدالرسول حسینی زنوزی که بنوشتهٔ خود او درچندجا با «مجموعه» خود می و بخط او در سپاهان در ۱۲۰٦ مقابله گردید. در پایان دارد: «تمت فقد وفقنی الله تعالی بلطفه الخفی والجلی والامتنان بتصادف هذه الرسائل العشر وکتابتها فی دارالسلطنة اصفهان صینت عن حوادث الزمان و طوارق الحدثان حین رجوعنا سفر خراسان علی مشرفها صلوات الرحمان وکان ذلك فی اواسط شهر صفر المظفر من السنة السادسة من المائة الثالثة من الالف الثانی من الهجرة النبویة المصطفویة علیه وعلی آبائه واجداده وخلفائه وتابعیه آلاف الثناء والسلام والتحیة وانا العبد الاذل الجانی ابن الحاج عبدالرسول الحسینی الزنوزی التبریزی محمد المدعو بالحسن المتخلص بالفانی عامله الله بلطفه الخفی والجلی بحق النبی والولی. تمت. وقوبلت هذه المجموعة المسماة بالاربعینیات مع مجموعة المصنف التی کانت بخطه ره فی دارالسلطنة اصبهان فی سنة ۱۲۰٦ کتبه الکاتب الدلیل والله الهادی الی خیر سبیل».

(۱۵۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج تریاکی ضربی

اندازه: ۱۱ ۱۵/۵ ــ ۷ ۱۱ س ۱۸

[۱٦۲۸] اسرار الصلوة (عربی)

دراین نامه نماز تأویل عرفانی و باطنی شده و در آن روشن گردید که دانشمندان ورهبران وفرمانروایان وشاهان وداوران بد نمازرا تباه ساختند. ازعبارت (کماذکرنا) که در آغاز آن دارد برمیآید که دنبالهٔ نامهٔ دیگری است مگراینکه درنسخهٔ ما رساله‌ای جدا بشمار آمده ونگارندهٔ آن ناد انسته است.

آغاز: بسمله . الحمدلله اولا و آخرا وصلی علی نبینا المصطفی باطنا وظاهرا . امابعد فاعلم ان الصلوة بالحقیقة فی النبوة الاولی رکعتان رکعة فی الجنة ورکعة فی النار کماذکرناوفی النبوة الاخیرة رکعتان رکعة فی الذات ورکعة فی الصفات .

انجام : فهؤلاء الاصناف الخمس حین اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات . والآن
٥ بحمدالله ومنه اهلکهم (اهلکم ـ نسخه) و فرقهم وشتتهم حین خرجت الصلوة مع نورها الی اهل النور واتم الله النور فی اهله (تم) .

[۱۹۲۷]

۳۹۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بسنعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۹ ب ـ ۲۰ الف .

۱۰ [۱٦۲۹] الاصلاح (عربی)

از سید مجاهد که در ص ۱۷۷۸ همین فهرست شناسانده شده است .

[۱۹۲۸]

۱۱۸۱ این نسخه بخط نسخ است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و چنین است پایان آن : وحکی بعض الاصحاب ان (قال کل اسم یلیق بجلاله ویلیق کماله
۱٥ مما لم یرد به اذن یجوز اطلاقه علیه تعالی الا انه لیس من الاذن وهو جید . المسئلة السادسة) ماننه دو کتابه در نسخه ش ۹۳۸ نیست .

(۱۳۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد

اندازه : ۳۱ ۲۹/۵ و ۱۲ ۳۱/۵ س ۲۰

[۱٦۳۰] اصول دین (فارسی)

۲۰ در این نامه از اصول دین از روی آئین شیعی گفتگو شده و عنوانها در آن « مسئله » است و بروش پرسش و پاسخ

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین . امابعد بدانکه اصول دین بر هشت قسم است .

انجام : مراد پیغمبرعلیه‌السلام در اینجا از اسلام ثمرات و علامات اسلام بود نه حقیقت اسلام (تمت الرسالة الشریفة بعون‌الله تعالی وحسن توفیقه .)

[۱۹۲۹]

۵۱۰۱۵ این نسخه ش ٤ دفتر است و بستعلیق در گ ۷ الف ـ ۱۱ ب .

[۱۶۳۱] **اصول الدین** (عربی) ۵

ابوعبدالله محمدبن یوسف بن عمر بن شعیب حسنی سنوسی دانشمند اشعری پارسای تلمسان (۸۳۲-۸۹۵) بر صحیح بخاری و آجرومیهٔ نحو و لامیهٔ جزائری در توحید و جبر و مقابلهٔ ابن یاسمین و جمل منطق خونجی گزارش نوشت و سورهٔ ص و پس از آن را تفسیر نمود و رساله‌ای در پزشکی نگاشت و نصرة الفقیر در پند و اندرز .

۱۰ در کلام « عقید اهل التوحید المخرج من ظلمات الجهل و ربقة التقلید المرغمة انف کل مبتدع عنید » یا « العقیدة الکبری » دارد و خود بر آن گزارشی بنام « عمدة اهل التوفیق والتسدید فی شرح عقیدة اهل التوحید » نگاشته سپس آنرا کوتاه ساخته و در روز نهم ذی‌حجهٔ ۸۷۵ از این یکی بیاسود . این عمده در چاپخانهٔ جریدة الاسلام بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید .

۱۵ او را دفتری دیگر است بنام « ام البراهین » یا « السنوسیة الصغری » یا « العقیدة الصغری » که همهٔ عقیده‌های توحید را در آن آورده و در پایان آن دو کلمهٔ شهادت را گذارده است . این یکی با ترجمهٔ آلمانی پ ه ولف Ph. Wolff در لایپسیک بسال ۱۸٤۸ و با ترجمهٔ فرانسوی و تعلیمات وشیانی در الجزائر بسال ۱۸۹٦ و در فارس و مصر چندبار و در جاوه بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید . خود او ۲۰ این را گزارشی سودمند به « دول » نوشته است .

شهاب الدین ابوالعباس احمدبن محمد غنیمی انصاری (م ۱۰٤٤) و محمدبن عمر تلمسانی و عمادالدین هم بر آن گزارش نوشته‌اند و نسخهٔ « ۱۰۹۷/۲ » ما

هیچیك از این چهار گزارش نیست. محمد بن محمد الهدهدی و گمنامی دیگر هم بر آن گزارش دارند.

او در توحید باز «الوسطی» و «المقدمات» دارد و «صغری الصغری» که خود بر این یکی گزارشی نگاشته است و این گزارش او در مصر بسال ۱۲۸۲ و با گزارش

۵ ابی اسحق اندلسی بر «المواهب الربانیة فی شرح المقدمات السنوسیة» در مصر بسال ۱۳۰٤ بچاپ رسید (۱).

در این نسخهٔ ما (۱۰۹۷/۲) از خداشناسی و پیامبری بروش کلامیان بررسی شده و نمیدانم کدامیك از این نگارشهای سنوسی است.

آغاز: بسمله. و به نستعین. قال الشیخ الامام العالم ابوعبدالله محمد بن الشیخ

۱۰ الصالح سید یوسف السنوسی: الحمدلله والصلوة والسلام علی رسوله اعلم ان الحکم العقلی ینحصر فی ثلثة اقسام الوجوب والاستحاله والجائزه.

انجام: وعدد ماغفل عن ذکرك الغافلون ورضی الله تعالی عن اصحاب رسول الله اجمعین وعن التابعین لهم باحسان الی یوم الدین. الحمدلله رب العالمین.

[۱۹۳۰]

۱۵ ۱۰۹۷ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ و در گ ۱۱۸ ب - ۱۲۲ الف.

[۱۶۳۲] الزام النواصب بامامة علی بن ابیطالب (عربی)

این نامه همانستکه در ص ۵۳۸ همین فهرست و ص ۷۲ بازپسین سخن بخش دوم آن شناسانده شده (ش ۵۷۵/۲) واز خود آن آشکارا بر نمیآید که از کیست.

۲۰ برخی آنرا از علی بن طاوس (۶۶٤) و گروهی از شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی

۱- نگرید به: چلبی ۲: ۱۲۷ و ۱: ۱۵۱ - زرکلی ۳: ۱۰۰۷ - فهرس خزانهٔ تیموری ۳: ۹۶ و ۱٤۶ - معجم المطبوعات در «سنوسی» - فهرست اسعد طلس ص ۲۶۵ و ۲۸۶ و ۳-۲۹۲.

(زندهٔ در ۹۰۹ - ۹٤٤) دانسنند ودر تذکرهٔ شیخ سلیمان‌بن عبدالله ماحوزی (م ۱۱۲۱) دارد که ازشیخ مفلح صیمری میباشد (۱).

ازقطیفی نباید باشد چه‌اینکه در کتاب او «الوافیة فی تعیین‌الفرقة‌الناجیة» ازهمان خبرهای شیعی‌آمده (روضات) ودراین رساله تنها خبرهای سنی‌آورده شد. نگارندهٔ آن درچندین‌جا خودرا یکی از «اهل کتاب» نشان داده که بدین اسلام درآمده و دید که درمیان آنها اختلاف سختی است و خواست آنچه که راست‌است بیابد وسرانجام دریافت که شیعیان‌درست میگویند وازروی‌خبرهای سنی پیشوائی علی ع را آنچنانکه شیعیان میگویند روشن بداشت (۲).

۱- برای قطیفی بنگرید به. روضات ص ۸ واجازات بحار ص۷۵و۷۷- کتابی بنام « تعیین‌الفرقة الناجیة » (طوس ۳۵.۲ ش ۱۱۷) از قطیفی یاد کرده‌اند که نباید ازاو باشد همچنین کتابی دیگر بنام «الوافیة فی تعیین‌الفرقة‌الناجیة» (طوس ٥:۵۱- ذریعه ٤:٤۳۱) و هردو جزاین الزام‌النواصب است - برای تذکرهٔ ماحوزی بنگرید به: فهرست طوس ٤ : ۲۸ و ذریعه ۲:۲۸۹ - صیمری درزمان محقق کرکی میزیسته وهمانند علی‌بن هلال جزائری بوده‌است. درروی‌نسخه‌ای ازقواعد بخط خود در۸۷۳ اجازه‌ای‌نوشت. بجزغایة‌المرام (س۲ ۱۹۵ همین‌فهرست) گزارشی برموجزاستاد خود ابن‌فهد حلی نوشته و مختصر صحاح و منتخب یا تلخیص خلاف (ذریعه ٤ ٤۳۲) وجواهرالکلمات فی صیغ‌العقود والایقاعات نوشتهٔ ۱۰ج۱/۸۷۰ (ذریعه۲۷۹.٥-طوس ش ۶۰۰) دارد (روضات - ذریعه ٤ ٤۳۸) همچنین المسائل فی‌الارث والتوریثات (ذریعه ۳۳۵.۳).

۲- ازنکته‌های تاریخی این کتاب عبارت زیر است که درپایان آن دیده میشود:

« وممن اعترف بان‌الحق لعلی ع الخلیفة الناصر من بنی العباس وعبدالله بن المعتز بالله من بنی‌العباس والسلطان علی بن نورالدین یوسف تسلطن بدمشق وتملک اخوه‌العزیز الدیارالمصریة وکان اسمه ابوبکر واخاه‌العزیز وعمه‌العادل واسمه عثمان حصرا دمشق واخذاها من علی بن نور الدین فکتب الی الخلیفة الناصر یشکو عمه العادل المسمی بابی‌بکر واخاه‌العزیز المسمی بعثمان هذه‌الابیات شعرا:

مولای ان ابابکر و صاحبه ... عثمان قد غصبا بالسیف حق‌علی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین والحمدلله الواصل الحمد بالنعم والنعم بالشکر نحمده علی آلائه لما نحمده علی بلائه و نستعینه علی هذه النفوس البطا(؟) عما امرت به الراع الی مانهیت عنه . . . واعلم یا اخی انی رجل من اهل الکتاب سألت الله الهدایة الی الصواب فهدانی الله لدین الاسلام ... فلماصرت منهم وفیهم وصار لی مالهم و علی ماعلیهم جالست علمائهم وصاحبت فضلائهم فرأیت بینهم اختلافاً کثیر و تفسیماً و تکفیرا . . فاجتهدت فی تفسیر الفرقة الناجیة التی عناها النبی ... فلماجعلت اعتمادی علی ماأورده الشیعة ... ولابد من ایراد رسالة وجیزة من طرق الاختصام ... وسمیت هذه الرسالة « الزام النواصب بامامة علی بن ابی طالب » وهی مشتملة علی مقدمة وابواب وفصول .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وهوالذی قد کان ولاه والده	علیهما فاستقام الامر حین ولی
فخالفاه و حلی عقد بیعته	فالامر بینهما والنص فیه جاء جلی
فانظر الی حظ هذا الاسم کیف لقی	من الاواخر مالاقی من الاولی

فاجابه الخلیفة الناصر بجواب اوله شعرا :

وافی کتابك یا ابن یوسف معلنا	بالود یخبر ان اصلك طاهر
غصبوا علیا حقه اذ لم یکن	بعد النبی له بیثرب ناصر
فابشر فان غدا علیه حسابهم	واصبر کما صبر الامام الناصر

وهذا اعترف الامام الناصر وهو خلیفة من ملوك بنی العباس ان علیاع قد غصبه حقه المقدم علیه و کذلك اعترف به السلطان علی بن نورالدین یوسف » .

این گفتهٔ او اشاره است بجنگها و ستیزه‌ها که میان پادشاه دمشق الملك الافضل علی پسر صلاح الدین یوسف الملك الناصر ایوبی (دمشق ۵۸۲ ـ ۵۹۲ و م ٦۲۲) و برادرش عثمان الملك العزیز (مصر ۵۸۹ و م ۵۹۵) وعمش سیف الدین ابوبکر الملك العادل (الجزیره ۵۸۹ ودمشق ومصر ۵۹۲ و م ٦۱۵) در گرفت و علی بناصر عباسی (۵۷۵ـ٦۲۲) شکایت کرده بود .

گرچه در عبارت بالا نادرستیهائی هم هست چه نام پدر صلاح الدین است نه نورالدین که لقب محمود بن زنگی مخدوم اواست و نام عزیز برادر علی هم عثمان است نه ابی بکر که نام عمش عادل میباشد .

انجام : فيه عبرة لاولى الابصار فقدعلمت ان الحق مع على يدور حيث مادار لما اخبر به النبى المختار فويل للذين كفروا من النار و غضب عليهم الجبار و صلى الله على محمد و آله الاخيار و رزقنا و جميع المؤمنين الجنة بغير حساب بحق النبى والولى واولادهما الاطهار (تمت الرسالة بحمدالله وحسن توفيقه) .

۵

[۱۹۳۱]

٦٥٤ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنستعلیق خوش عنایت‌الله نزدیك ۱۰۵۳ وعنوانها ونشانه‌ها در آن بشنگرف است .
(گ ۱۳۳ ب ـ ۱٦۲ الف) (بنگرید به ٦٥٤/۱) .

[۱٦۳۳] الاموات (رسالة احكام ...) (عربى)

۱۰

این نامه از نگارندهٔ جواهر است که از همان گزین کرده و بخشی است از نجاة العباد او نه گزیده از آن و دارای یك باب و در یك مقدمه و چند مبحث و یك خاتمه میباشد (کنتوری ص ۲۳۱ - ذریعه ۱ ۲۹٤) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمين و الصلوة على خير من ارسله للعالمين ... و بعد فيقول .. محمد حسن ابن المرحوم الشيخ باقر قدس سره هذه رسالة مشتملة على احكام الاموات اختصرتها من كتابنا الكبير .

۱۵

انجام انتظر حتى يقضى الله تعالى شأنه والحمدلله اولا و آخرا و باطناً وظاهرا .

[۱۹۳۲]

۱۱۹٦ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و ابراهیم شهرباری در ۲۱ ع ۱۲٦٤/۱ آنرا نوشته و تصحیح هم شده است . گ ۱۰۳ الف ـ ۱۳٤ الف .

۲۰

[۱٦۳٤] الانصاف (فارسى)

فیض کاشانی در این نامه از سرگذشت علمی خود پاره‌ای آورد و روشن

نمود که چرا بروش فیلسوفان و صوفیان نگارش نموده است . آنرا در ۱۰۸۳ بپرداخت و بنام « هدیة‌الاشراف » از آن گزین کرده و آن در ۱۲۹۷ و ۱۳۱۱ بچاپ رسید (ذریعه ۲ ۰ ۳۹۸) و باکلمات مکنونهٔ همو هم در ۱۳۱٦ چاپ سنگی شده است (۲۲۰ + ۱۱ ص ربعی) گرچه در ذریعه دارد که او در فهرست از آن یاد نمود ولی من در آن ندیده‌ام .

در آن دارد « ذکر فی مجلس النبی .. ارسطاطالیس، فقال. لو عاش حتی عرف ماجئت به لاتبعنی علی دینی » .

آغاز . کتاب الانصاف فی بیان الفرق بین الحق والاعتساف للمحقق المحدث مولانا محمد محسن الکاشی المعروف بالفیض . بسمله . الحمدلله الذی انقذنا بالتمسك بحبل الثقلین من الوقوع فی مهاوی الضلال ... اما بعد فهذه رسالة فی بیان طریق العلم باسرار الدین . . . سمی بالانصاف لخلوها من الجور والاعتساف چنین گوید . . . محسن بن مرتضی .

انجام : واجعل حبك شعارنا وذکرك دثارنا بجودك وکرمك یاحنان یامنان سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین .

[۱۹۳۳]

۱۱٦۹ این نسخه ش۲ دوم است و بهمان خط ش۳ و در هامش برگهای ۳٦-٤۲ الف .

[۱٦۳۵] انگشت شماری (عربی)

حاج مولی علی بن میرزا خلیل پزشك مازندرانی حدیث اسلام ابی‌طالب را بروش انگشت شماری و حساب جمل گزارش کرده است (ص ٥۲٤ و ۸۳۷ همین فهرست) .

آغاز . بسمله . الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین روینا بالاسناد المتصل عن المجلسی ره بسنده المتصل عن اسمعیل بن ابی زیاد عن ابی عبدالله «قال اسلم ابوطالب بحساب الجمل» و عقده بیده

ثلثاً وستین.وفی تفسیره خبرآخرعن حسین‌بن روح ثالث‌النواب‌الاربعة قال عنی بذلك«اله‌احد جواد»

انجام :کالقوس والوتروقس علیه ماعداه و هذا ممـا الفه شیخنـاالجلیل والفاضل‌النبیل الحاج مولی علی‌بن میرزاخلیل‌الطبیب‌المازندرانی .

۵ [۱۹۳۴]

۵۹۰ این نسخه ش ۲ دفتراست وبهماخط ش ۱ میباشد .
گ ۱۴۱ الف ـ ۱۴۲ الف .

[۱۶۳۶] الانوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة (عربی)

این دفترهمانست که درس۵۳۹و۵۶۳ همین فهرست شناسانده شده ومتن پارسی (ش ۱۱۱۹/۷)ازطوسی‌وترجمهٔ نازی (ش۲۸۲/۳و۱۰۸۸/۲) از گرگانی ۱۰ زندهٔ۶۹۷است‌و گزارش‌ازسیوری که‌برای‌سیدنقیب جلال‌الدین‌ابوالمعالی‌علی‌بن شرف‌الدین مرتضی علوی حسینی آوی و ابوالفضائل (ابوالفضل) سید نقیب شرف‌الدین مرتضی علی فرزند او نوشته است میباشد . دراینـدفتر از یکتاپرستی وداد گری‌خداوندو پیامبری و پیشوائی ورستاخیز درچهارفصل‌بروش کلام شیعی آمیختهٔ بافلسفه گفتگو کردید خواجه درآن بتوحید عرفانی ومقامات تصوف ۱۵ نیزاشاره‌نمود ومشرب‌عرفانی‌اوازآن‌پیداست وسیوری‌هم‌دراین‌باره داد سخن‌را داده مطلب را بمانند یك فیلسوف عارف روشن نمود (پایان فصل یکم) .

از نسخهٔ تاریخ۷۸۱ طوس برمیآید که این گزارش از نگارشهای نخستین سیوری میباشد (ذریعه ۴۲۳۰۲) .

۲۰ [۱۹۳۵]

۱۱۱۵ این نسخه بنستعلیق باعنوانهاونشانه‌های شنگرف نوشتهٔ امیربن نفس در ۸ ذی‌حجهٔ ۹۵۱ میباشد . حاشیه‌هائی‌هم درکنارصفحه‌هاداده میشود گ۲ب ـ ۱۰۱ ب .

در ۱الف‌وب‌و۲الف و۱۰۲الف شعرهائی نوشته‌شده‌ودر۱۲الف‌هم‌شعرهائی‌است

درستایش از کتاب ومهر کمال الدین وسه مهر دیگر که درست خوانده نمیشود وهمچنین تاریخ ۱۲۷ (گویا ۱۲۰۷) ونیز تاریخ ۱۲۹۳ در ۱ ب و ۱۰۲ الف ودومهر محمدعلی در ۱۰۱ ب ومحمدنقی در ۱۰۲ ب دیده میشود. نسخهٔما در آغاز و انجام اندکی با نسخهٔ ۲۸۲/٤ و ۱۰٤٦/۲۸ جدائی دارد.

(۱۰۲گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه: ۱۳ × ۱۹ ـ ۱۲/۵ س ۱۲

[۱٦٣۷] الانوار الجبلیة (عربی)

فی اجوبة المسائل الجبلیة الاولی

سیدعبدالله بن نورالدین بن نعمةالله بن عبدالله حسینی موسوی جزایری شوشتری (م ۱۱۷۳) در ۷۰ مسئله این نامه بپرداخت و درروز پنجشنبه ۲۸ ج ۱۱٤۹/۱ آنرا بپایان رساند.

این نامه در پاسخ پرسشهاایست در فقه وادب و کلام واخبار که سیدعلی علوی نهاوندی بروجردی هنگامیکه شوشتری بکوهستان (جبل) میگذشت ازاو کرده و پرسشها و پاسخها در برخی جاهاهم بفارسی میباشد.

سیدنورالدین پدرهمین شوشتری در روی نسخهای ازاین درجمادی دوم همین سال ۱۱٤۹ ستایش نوشته ومحمد زکی همدانی وسید محمد بروجردی استادان اوهم روی نسخهای از آن بستودند (ذریعه ۲: ۸۰۰ و ٤۲۳ و ٤: ۲۱۷).

اودر برابر فیلسوفان روشی نرمتر دارد تا نیای خود واوازآنها بد نمیگوید. درمسئله هفتادم عینیهٔ شیخ رئیس را از روی تاریخ ابن خلکان و حیوةالحیوان دمیری آورده و گزارش نمود وازروی توحید وعلل الشرائع صدوق بشیخ پاسخ داد وماناد راینجا ازمقامات النجاة نیای خود (س. ۱۵٤ همین فهرست) گرفته است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی نصب العلم ذریعه للنجاه و رفع الذین اوتوا العلم درجات... و بعد فیقول. عبدالله بن نورالدین بن نعمةالله بن عبدالله الحسینی الموسوی.. انما الماقضی الله. بالمرور علی بلاد الجبل والاجتماع بمن فیهامن الاولیاء الکاملین... ومنهم. السید علی العلوی النهاوندی ... سألنی ... عن مسائل متبددة عن ابواب

متعددة فاتيته فيها بما حضر في الحال على طريق الارتجال ... وسميته الانوار الجلية في اجوبة المسائل الجبلية .

انجام : وهذا آخر ما تيسر من تحرير جوابات مسائل السيد . . . ادام الله وجوده ... فقد اتفق ذلك على طريق الارتجال وفي غاية الاستعجال مع ضيق الحال وخمود البال وكثرة البلبال وفقنا الله واياكم . . وختم الله لنا ولكم بالنبي الامين واهل بيته الاطهار الاكرمين .

(صورة خط المصنف) وكتب . عبدالله بن نور الدين بن نعمة الله بن عبدالله الحسيني الموسوي في يوم الخميس الثامن والعشرين من شهر جمادي الاولى من السنة التاسعة والاربعين بعد المائة والالف والحمدلله رب العالمين .

[١٩٣٦]

٦٩١ این نسخه ش ٢ دفتر است و نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که همان نویسندهٔ ش ٣ آنرا در نیمهٔ روز دوشنبه ١٦ ذی‌حجهٔ ١١٦٣ نوشته است . گ ٣ ب ــ ٨٥ ب .

در ش ١ « القصيدة الموسومة بناطقة الاحزان في الشكوى من الزمان » است ودارد « من انشاء جدي العلامة السيد نور الدين » وپیدا است که آن سرودهٔ نور الدین فرزند سید نعمة الله شوشتری میباشد .

پس از این یکی بار شعرهائی است از همان نور الدین در پاسخ میرزا قوام الدین تبریزی و بار شعرهائی ازاو در بارهٔ اقتباس و همچنین شعرهائی ازاو بفارسی که کمبود دارد (١ ب ــ ٢ ب) در شمارهٔ نخستین حاشیه‌هائی با نشانه‌های «منه سلمه الله» و «منه ره» و «منه» و « منه زید عمره » و « منه عفی عنه» و بی نشانه دیده میشود و از آنها برمیآید که نگارندهٔ آن از کدام دانشمند بهره برده است .

مهر «جزو کتابخانهٔ ضياء الدين النوري» در آن هست

همهٔ دفتر ١٤٥ گ ، ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی

اندازه : ٥ ٢٥/٥ و ١٠ ١٩ س ٢٣

[١٦٣٨] بحر الاسرار (فارسی)

(السبع المثانی)

میرزا محمد تقی (بن محمد کاظم) مظفرعلیشاه نعمة اللهی کرمانی (م ١٢١٥)

این مثنوی عرفانی را سروده (ذریعه۳۹:۳۹)ودرآن سه‌سورهٔ حمدوفلق وناس را تفسیر وحدیث حقیقت کمیل را گزارش نموده است . وآن نزدیك به ۵۰۰۰ بیت و بسال ۱۳۲۹ در کرمان بچاپ رسید (مجلس ۶۳۹:۳ طوس ٤۰۹:٤) این یکی جز السبع‌المثانی‌شیخ نجیب‌الدین رضای تبریزی است که درشیراز بسال ۱۳٤۲ با رساله‌هائی ازخواجهٔ انصاری وروزبهان وعین‌القضات و با تحفهٔ عباسی بچاپ رسیده است .

آغاز : کتاب بحرالاسرارالمسمی بسبع‌المثانی من منظومات کشاف‌الحقایق جناب میرزا محمد تقی المسمی بمظفرعلی شاه نعمةاللهی نورالله مرقده .

باء بسم‌الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم

١ گنج حکمت آن کتاب رحمت است بسمله چون باب گنج حکمت است

گنج حکمت شهرعلم مصطفا بسمله رمز علی بابها

بسمله آئینهٔ گنج احد بسمله گنجینهٔ گنج صمد

مطلع دیباچهٔ ام‌الکتاب مجمع مجموعهٔ فصل‌الخطاب

١ مشرق انوارفرقانی است این مخزن اسرارقرآنی‌است این

هرچه درقرآن خفیه واضحه مجمع آمد همه درفاتحه

هرچه‌درسبع‌المثانی‌مطوی‌است بسمله‌برجمله‌طرامحتوی‌است

انجام :

درمیان چون نرد عشق آمد درست

٢ خوبش را در باخت درد او نخست

(بتاریخ یوم‌الخمیس شانزدهم شهرشوال سنه۱۲۵۹باتمام رسید بخط حقیرفقیر علی‌بن ابوطالب) .

[۱۹۳۷]

١١٧٩ این نسخه ش۲ دفتر است وبهمانگونه‌خط واز همان نویسندهٔ ش۱ ودرروز پنجشنبه ۱٦ شوال ۱۲۵۹ نوشته شده است . گ ۱٤۹ ب – ۲۸۹ ب .

[۱٦۳۹] **بشیر و نذیر** (عربی)

این دفتر جلد دوم و در دوازده باب است و دعاهای گوناگون بروش شیعیان در آن آمده است.

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی جعل لاختلاف اللیل والنها و حرکات الانجم والکواکب والظلم والانوار عللا وفوائد وغایات لاتحصی .. فهذا جلد الثانی (؟) ۵ من کتابنا المسمی بالبشیر والنذیر .

انجام اضعف الله اجره وینعم به المیت وفی روایة وینعم بذلک .

[۱۹۳۸]

۱۱۸۳ این نسخهٔ تازه در متن وهامش و بخط نسخ است ودعاها در برخی جاها معرب میباشد . ۱۰

(۲۲۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوالی

اندازه : ۱۸ ۲٦ و ۱۲ ۱۷ س ۲۵

[۱٦٤۰] **پاسخ رستمداری بنامهٔ اوزبکان** (فارسی)

هنگامیکه عبدالله خان اوزبك مشهد طوس را درسالهای ۷-۹۹٦ حصار داد یکی از فقیهان و پرهیزگاران آنشهر نامه‌ای بدو نوشت که جرا این شهر را ۱۵ محاصره کرده‌اید و مردم آن را که بیشتر سبهدند ازمیان برده و مالهای مردم را تاراج نموده و اوقـاف « سرکار فیض آثـار » (۱) را بر بودید ؟ ! خان اوزبك بدانشمندان وراردو که در اردوی او بوده و بدین کشتار و چپاول فتوی داده‌اند فرمود که بدین نامه پاسخ نویسند آنها هم نامه‌ای نوشتند و دلیلها آوردند که شما چنین ستمها را شایسته‌اید . ۲۰

مولانـا محمد بن فخرالدین علی رستمداری کـه درآستانهٔ طوس خـادم

۱ـ درفهرست طوس (۳ ۷ ۲۵۷) در آنجا که از «ذهبیه» یادمیشود دارد : حضرت «سرکار فیض آثار» ثامن الائمة ـ پس در اینجا هم آستان طوس خواسته شده است .

ومدرس بوده و گویاهم‌ازشاگردان خاتم‌المجتهدین شهاب‌الدین مولی‌عبدالله‌بن مولی محمودبن سعید شوشتری طوسی خراسانی حلوائی (۱) بشمارمیآمده‌است

۱ــ این دانشمند شوشتری که استاد یا شاگرد رستمداری بوده است از نزدیکان دربار شاه تهماسب و شاه عباس بوده و عباس بگفتهٔ سید عبدالله شوشتری مدرسه‌ای نزدیك قیصریه بنام اوساخت ورقباتی بدرخواست اونام چهارده معصوم وقف نمود . دانشمندان روزگارش مانند بهائی وداماد اورا مسلم میداشتند . او «اربعین حدیث» دربارهٔ برتریهای علی وامامان دیگر نزدیك ۹۸۲ نوشته است (ذریعه ۱:۱۳۹و۴۲۰) وگویا همان باشد که درص ۱۰۶۹ شناسانده‌ایم. وی‌درطوس رساله‌ای فارسی‌دراثبات امامت (ذریعه ۲:۳۲۹) نوشته واز سنیان درآن خرده گرفت و آنرا برای دانشمندان ورارود که درلشکرگاه خان اوزبك بوده‌اند فرستادوآنهاهم بدوپاسخ داده‌اند واین پس‌ازآن بود که رستمداری نامهٔ خودرانوشته بود ودرهمان سال ۹۹۷ که عبدالمؤمن خان شاه اوزبك مشهد را محاصره نموده و عبدالله خان درنزدیك آن شهر بوده و اوزبکان بچپاول میپرداختند . سرانجام این شد که آنها شهر مشهد را بگرفتند و اوراهم درهمین سال گرفتار ساخته ببخارا برده بکشتند (ذریعه ۲ : ۳۲۹) پس‌از رسیدنش بشهر بخارادانشمندان آنجابااو گفتگوها کردند واوهم خودرا شافعی وانمود میکرد دانشمندان خشك مغزحنفی اورابنوشتهٔ عالم‌آرادرسال ۹۹۷ بابکنده وقلمتراش بکشتند و نعش را درمیدان بخارا بسوختند . چنانکه درپایان نامهٔ بخارائیان آمده وسید عبدالله شوشتری درتذکرهٔ شوشتر (ص۵۳) مینویسد اوزبکان بدربارشاه عباس ایلچی فرستادند که کسی را نزد آنها گسیل بدارد تا آنانرا ازآئین شیعی آگاه سازد و با او دربارهٔ درستی دو آئین شیعی و سنی از روی کتاب و سنت گفتگو بدارند وروشن گردد که کدامیك راست است این بود که ملاعبدالله روانهٔ بخارا شده و دربار ومردم آنجانخست اوراگرامی بداشتند وهمینکه دانش او نزدخان آشکارگشت وپس‌از گفتگوها با او دیدند که با او برابری نمیتوانند بکنند دانشجویان آنشهر برسرش ریختند و با قلمتراش ومشت ولگد اورا بکشتند .

شوشتری مینویسد که این درسال ۱۰۲۱ بوده‌است واین درست نیست وگویا باسال مرگ عزالدین‌عبدالله‌بن حسین شوشتری اشتباه نموده‌است چنانکه اودرهمینجاآخوند ملاحسنعلی شوشتری که بگفتهٔ او درزمان واخشوخان درشوشتر (۱۰۴۱ ــ ۱۰۷۸) بوده و پیشتر درسپاهان مزیسته ودرمسجد شاه امامت جمعه و جماعت را داشته است پسر این یکی میداند بااینکه پسرهمان ملاعبدالله‌بن حسین است .

(نیز بنگرید به . روضات ص ۳۵۸ــ۳۶۱ــ عالم‌آرا ص ۱۱۳) .

یا استاد او باین نامهٔ سنیان پاسخ نوشته‌است . خان بخارا آنرا ندید و بدانشمندان گفت که باید بدان پاسخ دهید آنها نتوانستند و بخان گفتند خوب استکه بااین شیعیان گفتگو مدارید تا دیگران با شنیدن سخنان آنها سست اعتقاد نگردند . باید آیتهای قرآن را ازاین نامه با مقراض درآورد و آنچه میماند در جلو مردم سوزاند و بآنان گفت که آنرا پاسخی نیست . ۵

متن نامهٔ نخستین شیعیان در دست نیست ولی نامهٔ سنیان و پاسخ رستمداری در مجالس المؤمنین (مجلس ۱ دربارهٔ رستمدار) و تاریخ عالم‌آرا (ص ۲۵۸-۲۶۵) و مطلع الشمس مراغه‌ای (ص ۲۹۸-۳۱۱) هست .

در ذریعه (۸ ۲۸۲) آمده که آندو درمجلهٔ خرد (ش ۱۱ س ۲) در تهران بچاپ رسیده است و نیز دارد (۵ : ۱۷۵) « جواب اعتراضات علماء ماوراءالنهر ۱۰ علی الشیعة للمولی محمدالمشهدی » که در ۱۲۵۷ (گویا ۱۰۵۷) درطوس درگذشت .

آغاز (سواد مکتوبی که علماء ماوراءالنهر بعلماء خراسان نوشته فرستاده بودند) پوشیده نیست برهیچ مؤمن عالم که تعرض باموال و نفوس کسانیکه گویندهٔ . لااله الاالله ... باشند ... جایز نیست . ۱۵

انجام (باید) که رئیس خود (خویش فضائل مآب مولانا) ملاعبدالله را (بیرون فرستند تا) امان داده با بعضی از ملازمان رکاب (همایون) اعلیحضرت خاقانی مناظره نماید (نمایند) باشد که مذهب حق برهمه کس ظاهر گردد (تمت) تمام شد نامهٔ ازبکیه (۱) .

آغاز . جواب نامهٔ (مکتوب مذکور) علماء ماوراءالنهر که ملا محمد ۲۰

۱ــ آغاز را از روی نسخه‌ای که خودم در دست داشتم نوشتم و در نسخهٔ کتابخانه از این نامه بهمان اندازه که در انجام یاد کرده‌ام هست جز آنچه که درمیان دو کمانه نبوده شده است

ازاین نامه که در آن سنیان از آئین شیعی خرده‌ها گرفتند پیدا است که در پاسخ نامه‌ای ازدانشمندان شیعی نوشته شده است و روی‌هم سه نامه باید باشد . ۲۵

مشکلك) رستمنداری (مانا: رستمداری مانندچاپی) استرابادی نوشته‌اند (نوشته
ماوراءالنهر فرستاده) ـ نتایج افکار و رشحات اقلام درر (عنبر) بار افاضل
اوراءالنهر هدیهم‌الله و ایانا (الی) سبیل‌الرشاد و حفظهم عن‌التعصب والعناد
وقوف (پیوسته) بیان در آن باب آنچه صواب و (که بوقوع پیوسته در آن باب
ا صواب آنچه) موجب اجر وثواب است مذکورمیشود.

انجام: وفتوی بقتل (بخون) فقیران داد (۱۰) بد بارك‌الله (فیکم و) عظم‌الله
جورکم واصلح (الله) امورکم.
ـکن مکن که ره جور راکناره نباشد

مکن‌مکن که‌پشیمان‌شوی(و)چاره‌نباشد
والسلام علی من‌اتبع‌الهدی) تمام شد (۱ الف ـ ۷ الف).

[۱۹۳۹]

۱۱۷ این نسخه ش ۲ دفتراست که دارای ۹ رساله و گفتارمیباشد و همهٔ آن بخط
نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد ودرشوال وذی‌قعده ۱۲۳۶
وشته شده است و دراین دفتر از نامهٔ سنیان جز چند سطر پایان دیده نمیشود
امداده است.

(۳ ۳۷) ـ کاغذ فرنگی ـ بی‌جلد
اندازه: ۱۳/۵ ۲۱ ـ ۸/۵ ۱۵ س ۱۷

[۱٦٤۱] پاسخ پرسشهای بهائی (عربی)

پاسخ سه پرسش است نخستین دربارهٔ گفتار بیضاوی در تفسیر «وما انزل
لی‌الملکین ...» دوم دربارهٔ سخن طبرسی درمجمع‌البیان در تفسیر «ربنا انی
سکنت من ذریتی بواد غیرذی ذرع عند بیتك‌المحرم» وسوم در تفسیر آیهٔ افك
اولئك مبرؤن ممایقولون لهم‌مغفرةورزق کریم» ودر آن نخست پرسشهاوسپس
سخنهاآمده وازفخررازی وطبرسی ودوانی‌وشرح عقائد عضدیه دربارهٔ داستان
اروت وماروت یادگردید. این سخنان بگواهی نسخه باید ازشیخ بهائی باشد

ودرذریعه (۲۰۲:۵) هم از او دانسته شده ودارد که گویا برای برادر خود عبدالصمد (م ۱۰۲۰) که صمدیه را هم بنام او ساخته است نگاشته باشد.

آغاز: بسمله. امابعد الحمد والصلوه وابلاغ السلام الی الاخ الاعز الفاضل الکامل الفقیه النبیه الجلیل الزکی الذکی الالمعی ادام الله فضله واجزل نبله فالمنهی لدیکم افاض الله نعمه علیکم انه قد وصل الی المحب الحقیقی ما ادرجتموه فی مکاتبتکم الشریفة من المسائل التی المستتم کشف نقابها ورفع حجابها فقابلت التماسکم بالقبول والامتثال و حررت ماسنح بالبال الکثیر الاختلال وانا اورد کلامکم سلمکم الله بلفظه ثم اردفه بالجواب راجیاً سلوك جادة الصواب.

انجام: اذ لاریب انه مشروط ببقائهم علی الایمان الی وقت الوفاة. والله اعلم (کاتبه محمد امین القاری فی سنة الف وعشرین من الهجرة).

[۱۹٤۰]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۷ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد امین قاری در ۱۰۲۰ گ ۲۸۰ ب – ۲۸۳ الف

[۱٦٤۲] پاسخهای همدانی (عربی)

آقاشیخ محمد باقر همدانی در برابر پرسشی که پیروان کتاب کرده و از قرآن وغیبت امام خرده گرفته بودند پاسخ داده است

آغاز. بسمله. الحمدلله رب العالمین .. اما بعد چنین گوید این بندهٔ خاکسار محمدباقر. که در این اوان مجلد افتراق سؤالاتی چند رسید از بعضی از اشکالات که رفع آنها را خواسته پس عنوان سؤالات را سؤال و عنوان جوابها را جواب قرارداده.

انجام: ورد شمس و شق قمر هدایت نکردند فما تغن الآیات والنذر عن قوم لایؤمنون... و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین قد تم فی الثانی عشر من شهر ذی القعدة الحرام من شهور سنة ۱۲۹۹ حامداً مصلیاً مستغفرا (تمت).

۹۳۲ این نسخه بنستعلیق تاریخ ۱۲۹۹ میباشد وماتا نسخهٔ اصل است.

(۴۳۲) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه : ۱۱ ۱۷/۵ و ٦ ۱۴ س ٦

[۱٦٤۳] پریشان (فارسی)

میرزا حبیب‌الله قاآنی فرزند میرزا محمدعلی گلشن (۱۲۲۲ - ۱۲۸۲) شاعر دانشمند دراین نامه بروش گلستان سعدی رفته و آنرا پس‌ازسی سال ازمرگ پدر (ص ۱٤٥ چاپ ۱۲٦۱) درسالیکه محمدشاه برای گشودن هرات رفته بود (ص ۱٤۲) بنام همین شاه نگاشته و در سی و یك سال و نه ماهگی خود در ۲۰ رجب ۱۲٥۲ آنرا بانجام رساند (پایان) (۱).

دربارهٔ آن دردیباچه گفته است :

درین کتاب پریشان چه بینی از ترتیب

عجب مدار که چون‌نام خودپریشان است

دربارهٔ شاه گفته است

محمدشه آن شاه درویش دوست

که شاهی اگرهست درویش اوست

۱ ـ درذریعه (۳ ۱۹۷۰) از نسخه‌ای ازاین پریشان که نجمی را داشته ودرتاریخ ۱۲٥۹ نوشته شده بود یادگشت و دارد که آن درتهران بسال ۱۲۷۱و۱۳۰۲ بچاپ رسیده است.

پریشان جداگانه در ۱۸۱ ص ربعی بخط نستعلیق میرزا آقا پسر میرزا اسماعیل شیرازی بسال۱۲٦۱ بچاپ سنگی رسید. همچنین نام کلستان حکیم قاآنی در۱۲۲ص ربعی درنولکشور کانپور بسال ۱۸۹۷ (۱۳۱٥) چاپ شد. درآغاز دیوان قاآنی هم بخط آقامحمد ابراهیم درمبئی بسال ۱۲۷۷ در ٤۸ ص رحلی بچاپ سنگی رسید. نیز در آغاز همین‌دیوان بخط نستعلیق‌در٦۸ص‌وزیری درچاپخانه میرزاعبدالرحیم علمی درتهران بسال۸ـ۱۳۲۷خ چاپ سنگی شده‌است سرگذشت اوهم دراینچاپ هست.

آغاز : بسمه . و به نستعین . توانا خدائیکه بیخودان بزم محبت گاهی مست قدرت اویند و گاهی مست رحمت او .

انجام :

یارب ازینغم دل من شاد کن　　　و زغم دنیا دلم آزاد کن

۵　[۱۹٤۲]

۱۱۰۱　این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط ش۱ و در گ۱۰۱ب ـ ۱۵٤ ب . چنین است انجام آن : « حکایت علوی زادهٔ را یاد دارم که طلعتی داشت گلگون . . . با قدحی باده ببالین علوی زاده رفتم ساق و ساعدش مالش دادم تا سر از بالش برداشت » .

۱۰　[۱٦٤٤]　تاریخ عترت　(عربی)

این نامه آنچنانکه نگارندهٔ آن در دیباچه مینویسد «جلدی (است) در ذکر عترت مصطفی و جزوی (است) در محمدت و منقبت و کیفیت وضع و مولد و مسکن و مسقط و مدفن و حسن سیرت و فضل سریرت هریك» و در رجب ۸۰۳ بدرخواست دوستی در شهر حلب بنگارش در آمده است و در آن دارد که « لفظ برطبق معنی ۱۵ پی در پی میرسید و شرطی که رفته در سطور مرعیست مگر در نقش نگین هریك ... چون محل تغییر و تصرف نبود بروضع خود مرویست» سر گذشت پیامبر و دوازده پیشوا در آن یاد شده است .

آغاز : بسمله . صنوف حمد بیحد و فنون شکر بیعد در نعت حضرت معبودیست که بیرنك هستی بر لوح وجود کشیدهٔ بند تصویر وییست ؛ و ضروب ۲۰ مدحت بیمر و شعوب منت بی کیفر وسیلهٔ قربت مقصودی که جبین هر موجود درمحل سجود برعتبهٔ تقدیر وی . . و بعد سبب تحریر سطری چند که مرقوم میگردد و موجب تسطیر حرفی دو که مزبور میشود تقریر کرده تحریر میپذیرد که هر شغلی بسببی منوطست و هر عملی بموجبی مربوط در شهور رجب مورخ هشتصد و سه هجری .

انجام. درعهدوی ... پرعدل وخصب گردد والله اعلم بالصواب والیه المرجع والماب.

[۱۹٤۳]

۱۱۶

این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق با عنوانهای شنگرف و پاره‌ای از عبارتها روی چسبیدن برگها بهمدیگر از میان رفته است. گ ۳۸ ب – ٤۸ ب در متن و هامش. در گ ٤۰ ب – ٤۲ الف در متن بدست بفارسی نسخ سیاه و شنگرف زیر عنوان «فصل جهت حصول مرادات».

[۱٦٤٥] **تحریر التحریر** (عربی)

بسبب التدبیر

این نامه همان «حاشیهٔ قواعد» ضیاءالدین عبدالله بن اعرج است که در ص ۱۸٦٤ همین فهرست شناسانده شده است و خود او در دیباچه گوید «وسمیته بتحریر التحریر بسبب التدبیر» و این عبارت در نسخهٔ ش ۷۰٤/۲ نیست و آن نسخه در دیباچه هم اندکی درمیان عبارتها کم دارد و در آن نسخه پس از دیباچه دارد «شرح الحاق التدبیر من کتاب القواعد» و این دو نسخه یکنواخت نیستند.

[۱۹٤٤]

۱۱۹

این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نسخ کهن و در صفحهٔ عنوان گ ۹۹ الف دارد: «کتاب تحریر التحریر فی شرح الحاوی المدبر تألیف مولانا الامام العالم الافضل الکامل السید الحسیب النسیب شرف الطالبیین مجد آل طاوس (طه وس ؟) ضیاء الحق والدین عبدالله بن الاعرج الحسینی ادام الله ایامه و حرس مجده وانماه بمحمد وآله» پس این نسخه در زمان او نوشته شده است. حاشیه هم دارد بخط متن و متن است. پایان آن «لا ثلثة اخماس المصنف و تحلف خمسماه تکون معما ولا یعمق عایه زید من ذلك والالزم بمعرفة ما ذکرته» (برابر با س ۳ از دوازده و در پایان برگ ۲۵۰ ب ش ۲ ر ۷۰٤) و یکی دو صفحه‌ای کم دارد. ۹۹ ب – ۱۰٦ ب.

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

ك ٩٩ ب نحو التحرير لسبب المدير ش ١١٩٢

دراین دفتر که در سه فصل است نخست صد آیه که مفسران سنی در برتری
برمؤمنان علی یاد کرده‌اند آنگاه صد حدیث آنهم از پیروان سنت که دربارهٔ
انشین بی‌واسطه‌بودن او آمده است وهمچنین خبرهائی دربارهٔ تبهکاری خلفا
دربارهٔ معجزه‌های پیشوایان شیعی ودلیلهائی نقلی نوشته شده و در پایان آن
ازده دلیل سه ازلغت وسه ازمنطق وسه ازقانون فلسفی وسه ازقانون پیوستهٔ
دلیلهای نقلی آمده است (۱) .

۱ـ درآن از شرح تجرید و شرح مواقف و شرح طوالع یاد گردید ودرروزگار
فویان نوشته شده‌است ودر گ ۱۸٤ ب نسخهٔ ما از «نواب فردوس مکان علیین آشیان
اه طهماسب» یادشده ودر ۱۸۵ الف دارد «دربن عصر که اوزبکیه مشهد مقدس را
رفتند» .
دربرگ ۱۸۲ دارد : «وجه سیم آنکه ازمعظم نعم الهی بقاء کتب مذهب امامی است
اکه هرگاه درمدت هزار سال پادشاهان با قدرت و سیاست همگی همت مصروف
ختن کتب امامیه داشته باشند و اختفاء کتب فی نفسه باعث اندراس کتب باشد ومع
ا کتب شیعه از حد حصر بیرون است و کتاب هست که تاریخ کتابت او پانصد سال
ششصد سال است و مکرر واقع شده که کتابخانهای شیعه را سوخته‌اند و تفحص
وده‌اند وهر کتابیکه بهم رسیده ضایع ساخته‌اند و بعض‌اوقات صواحب کتب بواسطهٔ
غلظ نفس کتابهای مصحح نفیس را ضایع کرده‌اند چنانکه درعصر حقیر استماع افتاد
ه درقصبهٔ کنا باد که درمیان بلادشهری ندارد واز ثقات آنجاشنیده شد که درروزی که
زبکیه شومیه بآن حدود آمده بودند واهل آنجارا فرصت پنهان کردن کتب نشده‌بود
شنیده بودند که درهرات از خانهٔ کسی کتاب فقه امامی بیرون آمده بآن سبب جمیع
ل آن خانه را قتل نموده بودند کتابها را جمع نموده درحوض وسیعی انداخته‌بودند
ه آن حوض مملو از کتاب شده بود و در مشهد مقدس چندین هزار کتاب را ضایع
ده‌اند واین حقیر روزی بمعفرت پناه مولانا عبدالله شوشتری ثانی میگفت که مرا برقتل
م مشهد مقدس تأسف نیست چرا که آخرهمه مرکسب وسعادتی مثل آن نیست که
حب اهل بیت جماعتی بدرجهٔ شهادت رسند وفردای قیامت درزمرهٔ شهداء آنحضرت
دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

[۱۹٤۵]

۱۰۵۹ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد وروی پارهای ازعبارتها خط سرخ کشیده شده است . میان برگهای ۱و۲ کم دارد و پارهای ازفصل ۱ در آن هست .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

محشورشوند واما برگ انها که درمذهب مذهبه تصحیح یافته بود وضایع شد تأسف است مولانا مغفور فرمودند مدار اجتهاد بر کتب اصول اربعهٔ حدیث است و در آن عصر که درمشهد مقدس حدیث مقابله می نمودند وحاضر بودند چند نسخه بود وحالا نیزمقابله میشود ملاحظه نمایند چند نسخه است چون بغداد شد بعد آن نسخها نسخهای دیگر موجودبود پس مشخص شد که حافظ حق سبحانه و تعالی است واین دلیل است برآنکه مذهب امامیه حق است ومصداق آیهٔ «یریدون ان یطفئوا نورالله» که تفسیر آن مذکور شد هست پس چنانکه اصل مذهب بلطف الهی محفوظ مانده و هرچند مخالفین سعی نمودند اثر نکرد هرچند سعی نمودند که کتب شیعه باقی نماند مانده نکرد » .

دربرگ ۱۸۳ الف و پس از آن یاد شده از ویران ساختن « نواب غفران پناه علیین آشیان شاه اسماعیل » گور ابوحنیفه را هنگامیکه بغداد راگرفته بود وشعریکه مولانا حیرتی گفته بود .

شیعه در گور حنیفه مؤمنا دیدی چه کرد

هست . . . گاه شیعه سجده گاه سنیان

وانکه سنیان خواستند در برابر آن قبر میرسید مرتضی را بشکافند بدانستند قبر میرسید رضی الدین را شکافتند ودیدند که نعش برو تازه پس از پانصد سال مانده است، نیز شکافتن خواجه طوسی گورخواجه ربیع را که دیدند پوسیده ودستمالی برزخمش بسته است و گشودند ودیدند خون روان شد دستمال را باز برزخمیکه بآن کسته شده بود ببستند خون ایستاد خواجه این کار راکرد تا بمردم برساند که تن امام رضا هم درگورش هست وازمیان نرفت

دربرگ ۱۸٤ ب میفرمایند « از پدرم رحمه‌الله شنیدم که چون علامت قبر هارون‌الرشید که درزمان او پیدا بود دیده بودم کهاول اورا او زیارت میکردند ... میفرمودند که خلیفه رسول است وبعدازاو وجه مرقد مطهر امام رضا علیه‌السلام میشدند که ولیعهد خلیفه بوده و مردم را منع مینمودند ازآنکه حضرت امام رضا علیه‌السلام را اول

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

درمیان گ۲ الف آیه ۱۷ میآید و برگهای ۱۸۷ تا۲۱۱ باید اینجا گذارده شود .
سخه را درهنگام صحافی درهم و آشفته ساختند و باید بکمك نسخهٔ دیگری آنرا درست
ود . چنین است :

آغاز . سه فرقه‌اند : طائفهٔ ناجیه وطایفهٔ هالکه مصممه و طائفهٔ هالکهٔ مجادله اما
ائفهٔ ناجیه شیعهٔ اثنی‌عشریه‌اند ... این رساله‌را بکتاب تحفه‌الائمه تسمیه نمود و برسه
صل ترتیب داد .

انجام : دلیل هفتم برهان حکمت طبیعی (ازدوازده دلیل پایان) .

(۴۲۹۸ف) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۲/۵ ۲۲ و ۸/۵ ۱۷ س ۱۷

[۱٦٤٧ تذكرة الفتن (فارسی)

آخوند ملامحمد کاظم پسر مولی محمد شفیع هزارجریبی که در کربلا زیسته شاگرد وحید بهبهانی بوده ودرهمان شهرمیان سالهای۱۲۳۲و۱۲۳۸در گذشت گزارنده این کتاب است که دردوجلد وچند باب ودرامامت‌میباشد. اودرفهرست کتابهای خود هم ازاین یادکرده است (ذریعه ٤ : ٤٢) درآن از سه جانشین روی آیه‌هاوخبرهای سنی وشیعی نکوهش شده و گفته شده که کی ایرانیان را ارث بردن از تازیان بازداشته و باج برزمین « سواد » نهاده است (۲٤۰ ب ۲٤۱ الف) .

بالأ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

ارت کنند و نشب نمرده مطهر حضرت مینمودند و زیارت مأمون میکردند و بعدازآن
فه بجهت حضرت امام رضا علیه‌السلام میخواندند چون نواب جمجاه عفران پناه
ه اسماعیل مشهد مقدس را گرفت فرمود که قبر هارون را بشکافتند و خاك دیگر
ـن آوردند و اثر قبر برطرف شد و بعداز شاه اسمعیل اوزبکیه مشهد مقدس را
برف‌شدند و علامت قبر ساختند وتاآنکه نواب‌فردوس مکان علیین‌آشیان شاه‌طهماسب
هد مقدس را متصرف شد علامت قبر را برطرف نمودند و دراین عصر که اوزبکیه
شهد مقدس را گرفتند چون بعد سپاهی شده بود وخواست الهی آن بود که نشان قبر
مای بنی‌عباس نباشد اصلا بخاطر اوزبکیه نرسید وندانستند که قبر خلیفهٔ ایشان آنجا
ـد وسبب این مکر از بطلان مذهب ایشان وحقیقت مذهب امامی

آغاز: (هذا کتاب تذکرة الفتن من تألیفات المرحوم المبرور المغفور فخر المحدثین وزبدة المتورعین جناب آخوند ملا محمد کاظم الهزارجریبی) بسمله . الحمد لله الذی خلقنی فیهدین والذی هو یطعمنی و یسقین . . . اما بعد باید دانست که بهترین اعمال بعد از معرفت خدا و رسول و حجتهای او دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا است . . لهذا فقیر بعضی از آیات و اخباریکه مشتمل بر شقاوت وضلالت آن پیشوایان کفر وغوایت بود در این رساله ایراد نمودم و قلیلی از قبایح افعال و شنایع اعمال آن کافران بدآمال باشمهٔ از پستی حسب ودنائت نسب ایشانرا در اینجا ذکر کردم . . . فی الجمله بروفق مراد باتمام رسید مسمی بتذکرة الفتن گردید و آن برچند باب است

انجام · علاوه برقبایح مذکوره که سابقا جملهٔ از آنهارا دانستی والسلام علی من اتبع الهدی .

[۱۹۴۶]

۶۱۱۰

این نسخه نسخ وعنوان کتاب و نگارندهٔ آن شنگرف میباشد وروی پاره‌ای از عبارتها خط کشیده شده است و محمد بن صفر فخار در ۷ جمادی دوم گویا سال ۱۲۳۹ آنرا بپایان رساند . کتابخانهٔ مؤذنی نسخه را در « ربیع المولود ۴۱ » از کتابخانهٔ علامه خریده است . تاریخ ۱۵/۱/۱۹ هم در آن دیده میشود (گ ۱ الف) در پایان دارد : (در هفتم جمادی الثانی در سنهٔ هزار و سی و نه بدست حقیر محمد بن صفر الفخار سنهٔ ۱۲۳۹) گویا واژهٔ « دویست » افتاده است ولی رقم درست نوشته شده بود و کسی نادانسته خواست نسخه را کهنه نشان دهد با اینکه رقم را با شمارهٔ حروفی یکسان و برابر سازد این بود که رقم «صدها» را پاك کرد و بجای آن صفر گذارده تا ۱۰۳۹ خوانده شود و رقم پاك شده را (۳) هم میتوان خواند پس تاریخ ۱۳۳۹ میشود.

۱۰۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵ ۲۱/۵ و ۹ ۱۵ س ۱۸

[۱۶۴۸] ترجمان القرآن (فارسی)

میر سید شریف گرگانی (۷۴۰–۸۱۶) در «ترجمان لغات قرآن» باترتیبی

کو کلمات قرآنی را بپارسی ترجمه کرد وازسورهٔ حمد سپس سورهٔ ناس آغاز تا سورهٔ بقره بانجام رساند و بعکس ترتیب رسمی قرآن رفتار نمود (طوس ۳٦۷ - سپهسالار ۱ : ۱۸۵ - ذریعه ٤ : ۷۱) سپس کسی آنرا بترتیب قرآن آورد (فهرست آقای منزوی ۱ :۳۳ ش ۱۰٦۸) آنگاه عادل بن علی بن عادل افظ شیرازی (زندهٔ درسدهٔ نهم) آنرا بترتیب حروف تهجی از روی ریشهٔ ات درآورد و این یکی در تبریز بسال ۱۳۱۳ ق و در تهران بسال ۱۳۳۳ خ چاپ رسید . این نسخهٔ ما جزهمهٔ اینها است وهمهٔ لغات مفرد و مرکب ومشتق ارسی ترجمه شده وتنها همان حرف نخستین رعایت شده است .

آغاز : بسمله . الله : خدا . احد . یکی . انما : جزاین نیست . ابدا : همیشه . توا واوتی : داده شد .

انجام : یبغین : طلب کردن . یغبطون . حسد کنند . برمی : میرند . یمتاز : دا میشود .

[۱۹٤۷]

۱۱ این نسخه ش۱ دمراست و بنسخ و لغات عربی شنگرف میباشد ودرپاره‌ای جاها سفید گذارده شده گویا برای اینکه پس‌ازآن بنویسند. گ ۳ ب - ۲ ب .

(همهٔ دفتر ۳۸۵گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج زرد
اندازه : ۱۲/۵×۲۰ و ۷ ۱۵ س ۱٦

[۱٦٤ ترجمهٔ اسرار النجوم (فارسی)

یکی از کتابها که بدروغ از ارسطو پنداشته‌اند «اسرار النجوم» است که نسخه‌ای آنرا بارواب دیگری و نسخه‌ای دیگر مانند آن وهردو بنام « مقالة فی احکام نجوم » در ص ۵ - ۹۵٤ همین فهرست شناخته‌ام این دفتر که اکنون میشناسیم جمه و گزارشی است از روایت دیگری ازهمان نخستین (ش ۳٤۷/۳) که بنام سرار النجوم » خوانده شده است

آغاز : شرح اسرارالنجوم ارسطاطالیس الحکیم . و به نستعین . سپاس
ومنت وجودی را که واجب الوجود است وهرچه جزوی ممکن الوجود وهرچه
ممکن الوجود است کردهٔ اواست وهمه چیز را جداگانه از اجناس و انواع را
علتی پدید کرده وهیچ چیزرابی علت نیافریده ... امابعدچنین گویدمحمداکبرابن
نصرالله میرزابن شاهرخ شاه بن رضاقلی میرزابن نادر شاه افشار . . . که مدتی ۵
بود . که جمعی کثیرازدوستان ومحبان خواهش ازاین حقیر نمودند کهاسرارالنجوم
معلم اول ارسطاطالیس را ترجمه بزبان فارسی نموده شرح وبسطی لایق داده
شود . . . دراین زمان . . که بملازمت . . . اردشیر میرزا . . . سرافراز گردید
حسب الامر بترجمهٔ این کتاب مستطاب صد باب اسکندری مفتخر و سرافراز
گردید ... و این کتاب مشتمل است برصد باب هذا دیباجه کتاب اسرارالنجوم ۱۰
لارسطاطالیس فیلسوف . وضع هذاالکتاب لاسکندرالملك ورسم هذاالفصول
بالقضایاوهی مائة فصل ترجمه این کتاب مستطاب اسرارالنجوم ارسطاطالیس
حکیم است . . قال ارسطاطالیس انت ایهاالملك بعزه موقعه منی و جلالك فی
نفسك واستکمالك فضائل الانسانیة و استکمالك علی احدالصفات الملکوتیة حقیق
بان تکون وارثاً للعلوم الحکمیة التی اودعهاالملك الخبیر هرمس الکبیر حین علم ۱۵
بما یکون من الطوفان ولم یقدر علی استخراجه بعده الاالحکیم الفاضل بلیناس
وانا اخذته منه واستقدمته .

انجام . فصل صدم قال ارسطاطالیس الحکیم القمر اذافسدای فساد کان
وکان صاحب الطالع صالح الحال دل علی البلوی بعدها نعمة المشکورة .

ترجمه : چون قمر فاسدالحال باشد و هرفسادی که باشد صاحب طالع ۲۰
صالح الحال بود دلالت کند برآنکه اولا مولود ببلیه و بلائی و عارضهٔ گرفتار
شود وبعدازآن نعمت ومالی وثروتی بمولود برسد که ازآن نعمت ودولت شکر
خدای کند . والله اعلم بالصواب (حسب الخواهش سرکار نواب مستطاب قمررکاب
اعنی شاهزادهٔ آزاده محمد رضا میرزا زیدالله اجلاله و دولته و عزته و طول الله

ره بتاریخ یوم یکشنبه غرهٔ شهر صفر المظفر سنهٔ ۱۲۶۹ تحریر یافت راقمه هاشم وسوی الهروی) .

[۱۹٤۸]

این نسخه نستعلیق و عنوانها و نشانه‌ها شنگرف و متن زیر خط سرخ میباشد . نسخه در ۲۷ شعبان ۱۲۷۱ از آن شاهزاده‌ای بود و محمد مهدی بن محمد ن بن محمد حسن بن بدیع الزمان حلبی منجم در ۱۲۸۹ آنرا خریده و علی اصغر بن مد ابراهیم در سنچمان تل ۱۲۹۳ آنرا داشته بود . مهر « منجم باشی » هم در آن ده میشود .

(۳۱۰۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج خاکستری درون سرخ

اندازه : ۱۱ ۱۷/۵ و ۶/۵ ۱۲ س ۱۵

[۱۶۵ ترکیب الکافیه (عربی)

این نامه که بنام « اعراب الکافیه » (ذریعه ۲ . ۲۳۶) و در عنوان نسخهٔ ما ر کیب الکافیه » خوانده شده از شیخ حاجی بابای طوسبوی (طوسی) است مانند که در طوس هست (۳۰٤ ش ۱۰) و باید پیش از ۹۷۰ نگارش در آمده مد جلبی (۲ ۲٤۹) از رساله‌های اعراب کافیهٔ مولی کمال الدین آق ففنان لی در ۱۰۲۸ و محمد بن ادریس بن الیاس مرعشی و افصاح یکی از دانشمندان ات مرادی یاد نمود و نسخهٔ ما هیچ یک از آنها نیست .

آغاز [illegible] الکافیة [illegible] الام [illegible] الجنس .

انجام [illegible] المنون کفو الیه ای [illegible] . [illegible] یوم الخمیس و خمسة [illegible] المبارک علی [illegible] . [illegible] الدین [illegible] سنة ۹۷۰ .

[۱۹٤۹]

این [illegible] ۲ [illegible] حاجی [illegible]

[illegible] ۱۵ [illegible] ۹۷۰ [illegible] ۹۷ [illegible] ۹۷

[illegible]

[۱۶۵۱] **تشریح الافلاک** (عربی)

این رساله همانستکه در ص ۸۵۸ همین فهرست شناسانده شده و شیخ بهائی در آن گزیده‌ای از علم هیئت را گنجانده است . حاشیه‌هائی که خود او برآن نوشته دراین نسخهٔ ما پاره‌ای در کنار برگها با رمز «منه» دیده میشود .

۵

[۱۹۵۰]

۹۸۷ این نسخه ش ٤ است و بهمان سعلمق ش ۲ و ٤ باعنوانهای نسخ ودرستنر وبا نشانه‌ها و رقمها و شکلهای شنگرف میباشد ودرسپاهان درماه شعبان ۱۰۶۷ نوشته شد ودرپایان پس‌از « وهی الی خلاف جهة‌الظل » دارد « تم بعون‌الله وحسن توفیقه فی شهرشعبان‌المعظم سنة ۱۰۶۷ فی دارالسلطنة اصفهان » گ۱۵۲ب – ۱۶۰ الف . (بنگرید به ۹۸۷/۲) .

۱۰

[۱۶۵۲] **التعجب (کتاب ...)** (عربی)

ازابوالفتح‌محمدبن‌علی‌بن‌عثمان کراجکی‌خیمی که‌بادانشمندانی‌مانندسید مرتضی‌برخورد کرده‌و خودهم‌ازبزرگان‌شیعیان‌ورهبرآنهاوازسرامدان‌درفقه‌بوده ونگارشها از خود بیادگار گذارده‌است او بنحو ولغت وستاره شناسی وپزشکی وکلام آشنائی داشته ودرمیان یاران مرتضی او ازبزرگان شمارمیآمده است .

۱۵

ازاواست . تلقین‌الاولاد ، الاغلاط فیما رویه‌الجمهور ، موعظةالعقلاء للنفس ، المنازل ، کتاب عدد ماجاء فی‌الاثنی عشر ، کتاب‌المؤمن . او درشهر صور درماه ربیع یکم سال ٤٤۹ در گذشت (صفدی درالوافی بالوفیات جزء ۳ – یافعی درمرآة‌الجنان۳: ۷۰)سرگذشت این‌دانشمندبزرگ‌شیعی‌درمقابس‌ص۹وروضات ص ۵۵۲ ومستدرک ۳ ٤۹۷ و ماممانی س ۱۱۱۳٤ و ۱۱۰۵۲ هست شهید اورا

۲۰

علامه وعلامهٔ حلی‌رافاضل‌خوانده‌است . او بسیاری‌از کتابهای خوددرادرطرابلس نوشته است . یکی از همزمانهای او فهرستی برای نگارشهای او نوشت و آن درمستدرک دیده میشود . شمارهٔ نگارشهای اورا به ۱۶۱ تا ۱۷۰ رسانده‌اند .

این دانشمند از کراجك که نام دو دیه است یکی در واسط دیگری در حلب و از شیخ ابو یعلی سالار دیلمی و شیخ مفید هم بهره برده است. قاضی عبدالعزیز لبراج طرابلسی شامی و شیخ ابی محمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسین نیشابوری محمد ریحان بن عبدالله حبشی از شاگردان او بوده‌اند.

کراجکی در این کتاب «التعجب» میگوید که چون یکی از برادران دینی در میانهٔ کتابهای «امالی» مفید به «اطراف الدلائل و اوائل المسائل» که در ...ت است برخورد و در پایان آن پاره‌ای از غلطها و فریبخوارگیهای شگفت‌انگیز ...ان در فصلی کوتاه نگریست و آنرا بسیار پسندید از من درخواست که بپیروی ...در کتابی جداگانه همین را با شیوائی بنویسم من بدو گفتم که او «مفاتیح ...الغد و مصابیح المراشد» نیز دارد و شایسته است از آنهم پیروی نمود. سخنان ...ست و غلطهای سنیان در بارهٔ امامت بسیار است. آری از کسانیکه از جاهلیان ...ی کرده‌اند چنین سخنانی دور نمیباشد. این بود که من بدرخواست آندوست ...فتر بپرداختم و سخنان ناسازگار سنیان را در آن آوردم.

از سخنان سنیان که کراجکی در این دفتر آورده در بارهٔ وصیت است و نص ...تیار و امام و علم امام و عصمت و امامت مفضول و تقیه و غلو در صحابه و بغض ...بیت (۱) و آیهٔ غار در بارهٔ برتری ابی بکر و خبرهائی در بارهٔ او و عمر.

۱ــ در همان التعجب دارد: «و من عجیب ما سمعنا انهم فی المغرب بمدینة قرطبه ...ون فی لیلة العاشور راس بقرة میتة ویحملونه علی عصاة و یحمل و یطاف به الشوارع ...سواق وقد اجتمع حوله الصبیان یصفقون و ...ون و ...ون به علی ابواب البیوت ...ون ... فی المرو ... المطلقات ... تعدلهم و یکرمون ...ر ... وحدثنی شیخ بالقاهرة من اهل المغرب کان یخدم القاضی ابا سعید الفارقی ... کان ممن یحمل هذا الراس فی المغرب وهو صبی فی لیلة عاشورا ... من ... لاهل التشیع و ... علی الامام وقد سمع هذه الحکایة ... لهم فتعجب منها وانکرها ... ان ...ها فقلت اعجب ... راس الحسین بن علی بن ابی طالب ع علی رمح عال ...» (ص ٤٥).

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

در پایان میگوید که اینست اندکی از بسیار غلطهای سنیان (۱).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نیز دارد که در شام خانوادههائی بنام «بنو: السراویل، السرج، سنان، الکبری، الطشتی، القضیبی، الدرجی) از دودمان کسانیکه شلوار امام را ربودند یا برای پایمال ساختن تن او زیر سُم ستوران اسبها زین بستند (که برخی از این اسبها بمصر رسیده بود و نعلهای آنها را از پاشنهها کندند و برای خجستگی بدرهای خانهها کوبیدند وهنوزهم اینگونه رسم هست) یا سر امام را بر نیزهٔ خویش کردند یا پشت سر او تکبیر گفتند یا طشتی را که در دمشق سر او در آن بوده است برداشتهاند یا چوب برای یزید آماده کردند که بردندانهای او زند یا سر اورا در درج حرون گذاردهاند (ص ٤٦).

۱ــ در جنگی بچاپ سنگی و بخط نسخ باندازهٔ خشتی این کتابها دیدهام:

نخستین عقائد الاسلام محقق اردبیلی ترجمهٔ محمد بن نقی از ترکی بعربی، ص ۱٤٤ چاپ حاجی محمد رضا آقا تاجر شبستری بخط عبدالصمد بن احمد تبریز در ۱۳۲۱ دوم سرگذشت همین کراجکی سوم کنز الفوائد کراجکی چاپ حاجی قاسم تبریزی اردبیلی و آقا شیخ محمد حسین بن حاجی ملارضا تبریزی در ۱۳۲۲ در کارخانهٔ استاد مشهدی اسدآقا بکوشش استاد میرزا اسمعیل بخط حسن بن محمدعلی؛ فهرست و غلطنامه در ۱٤ ص و کتاب در ۳۰٤ ص چهارم همین کتاب التعجب بخط احمد بن محمد حسینی خوشنویس چاپ کارخانهٔ مشهد اسدآقا در ۱۳۲۲ در ٦۹ ص.

کراجکی در کنز الفوائد یاد میکند از قاضی ابوالحسن محمد بن علی بن محمد بن صخر ازدی بصری که در ٤۲٦ در مصر از او روایت دارد (ص ٥۰) و از شیخ خود ابن الواسطی ابوعبدالله حسین بن عبد (عبید) الله بن علی (ص ۸۷ و ۱۸۱ و ۱۹۹) و از شیخ مفید رض (ص ۱۰۱ــ۹ــ۱٦۳) و حسین بن محمد بن علی صیرفی و قاضی ابوالحسن اسد بن ابراهیم سلمی حرانی بغدادی (ص ۱۳٦ و ۲۲٥) و ابن شاذان (ص ۲ــ۱٥۱) و ابوالحسن طاهر بن موسی بن جعفر حسنی در مصر در شوال ٤۰۷ (ص ۱٥۳ و ۲٦۲) و ابوالمرجا محمد بن علی بن ابی طالب بلدی در قاهره (ص ۱٦٤ و ۲۷۱) و از تاریخ بودن خود در قاهره در ع ۲ سال ٤۲٦ (ص ۱٦٤) و از امالی مفید (ص ۱٦٦) و از ابوسعید احمد بن محمد بن احمد مالینی هروی در رمله در شوال ٤۱۰ (ص ۱۸۱) و از بودن خود در رمله در ج ۲ سال ٤۱۰ (ص ۲٤۷) از سال ٤۱۸ (ص ۱٤۱) هم در آن یاد شده است.

کراجکی «الاستنصار فی النص علی الائمة الاطهار» دارد که با «مقتضب الاثر

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

آغاز : اللهم انا نحمدك على ما انعمت و اعطيت و نشكرك لما اوليت و اسديت ...
فهذا كتاب حدانی علی عمله ان احد الاخوان .. اطلع من امالی الشیخ المفید رض
علی کتاب موسوم باطراف الدلائل و اوائل المسائل بضمن كلاماً فی الامامة فرای
اواخره باباً من اغلاط العامة اورد الشیخ رض علی سبیل التعجب .

انجام فهما اوردناه مثال للفاصل و کفایة للعامل و تنبیه للغافل و قضاء لحق
السائل و الحمدلله ولی النعم الکامل .. ذوی الاداب و الفضائل

[۱۹۵۱]

٦١١٨ این نسخه ش ۱ دفتر است و بسیج با نشانه‌های شنگرف و روی عنوانها خط
سرخ کشیده شده و مرتضی بن سید علی پیشاوری تهرانی حائری در دی‌حجة
۱۳۰۷ آنرا نوشته است گ ۱ ب - ۳٦ ب . ضیاء الدین نوری دارنده نسخه بوده است

(همهٔ دفتر ۸۱ گ — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ سادهٔ متوالی
اندازه : ۱۵/۵ ۲۱/۵ و ۸ ۱۴ س ۱۷

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

فی النص علی الائمة الاثنی عشر » ابن عیاش از روی نسخهٔ میرزا محمد حسن شیرازی
م ۱۳۱۲ که پیش از سدهٔ ۷ نوشته شده بود بدستیاری سید محمد دارندهٔ چاپخانهٔ علوی
نجف در ۱۳۵٦ باندازهٔ رقعی در ۳۸ | ۵۷ ص بچاپ سربی رسید. او در آن از محمد
رض و ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قمی رض و از «ایضاح دفائن
النواصب» او در مسجد حرام مکه بسال ۴۱۲ و از محمد بن عثمان ذهبی یاد کرده و از این
دانشمندان در آن روایت دارد

المسلسل کراجکی در تهران بسال ۱۳۲۹/۱۳۷۰ در ۳٤ ص با الغیبة نوشته
بن الوالدین او در ۱۰ ص بچاپ سربی رسید. او در آن از روایت خود از ابوالحسن
علی بن الحسن بن مندة در ... سال ٤۳٦ (ص ۸) و از ابوالحسن محمد بن احمد بن
شاذان قمی (ص ۱۱ و ۱٦ و دیگر جاها) و ابوعبدالله الصدانی معروف بابن الواسطی
شیخ او (ص ۱۲) و قاضی ابوالحسن (الحسن) احمد بن ابراهیم بن ... سلمی حرانی
بغدادی ... سال ٤۱۰ (ص ۲۱ و ۲۷) و ابو ... محمد بن عبدالرحمن
... (ص ۲۱) و ... ابوالحسن ... محمد بن علی بن ... (ص ۲۳) یاد
کرده است ... شیخ ... الله ...
فی حقوق الوالدین و ... در ۱۳۷۱/۱۳۳۰ در تهران چاپ شده
و فهرست ٦۱ ... اجازه ... بوده ...

[۱٦۵۳] **تفسیر حمد** (فارسی)

تفسیریست کوتاه بفارسی و بروش حروفیان برای سوره حمد و در آغاز نسخهٔ ما خود سوره آمده و زیرو روی سطرهای این سوره دستور تجوید کلمات آنست بتازی . مفسر آن دانشمندی است سنی و اشعری و خدا را دیدنی می پندارد . شاید بتوان گفت که نگارندهٔ آن همان بغوی نگارنده فقه فارسی (ش ۱۰۱۲/۱) باشد.

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . اندکی از شرح و معنی علامتها از کی نوشته . الحمد سه جای وقف ناصر است نزد امامان حجاز و شام و بصره .

انجام خدای تعالی همهٔ مؤمنان را این ثواب روزی کناذ و برهمه رحمت کناذ بمنه و فضله .

[۱۹۵۲]

۱۰۱۲ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نسخ کهن در گ ٤٤ الف ـ ٤٦ الف .

[۱٦۵٤] **تلخیص المحصل** (عربی)

خواجه طوسی در دیباچهٔ این دفتر میگوید که در اصول دین کتابی جز محصل امام فخر رازی در دسترس نیست که آنهم نکو و بسنده نمیباشد . و نادرستیهای بسیار دارد من میخواهم درست آنرا از نادرست و تباه بازشناسانم از پیروی این دفتر پرداختم و « تلخیص المحصل » نامیدم و بعلاءالدین بهاءالاسلام صاحب دیوان دستور پسر صاحب بهاءالدوله محمد ار مغان داده ام این دفتر در کلام و گزارشی است بمال و اول بر محصل که رازی آنرا بدرخواست گروهی نوشته است .

خواجه در آن از اندیشه‌های اشعری رازی سخت خرده گرفت اینستکه آنرا نقدالمحصل هم میخوانند در ذریعه (٤٢٦٤) از نسخهٔ تاریخ روز پنجشنبه ٦۷۳/۱٤/۳ نوشتهٔ محمد بن سنقر و مقابله شدهٔ بانسخهٔ سنجیده شدهٔ باخط طوسی با کمك فیلسوف کلامی شرف الدین محمد قزوینی یاد گردید . محصل رازی

درمطبعهٔ حسینیهٔ مصر بسال ۱۳۲۳ در ۱۸۳ ص وزیری با معالم اصول‌الدین او بچاپ سربی رسید و تلخیص طوسی درزیر صفحه‌ها باشماره هست و کم و کاست هم دارد و گویا نخواسته‌اند همه را بچاپ رسانند !! (۱).

آغاز بسمله. الحمدلله‌الذی یدل افتقار کل‌موجودفی‌الوجود‌الیه علی وجوب وجوده . . . . وبعد فان اساس‌العلوم‌الدینیة علی علم اصول‌الدین .

انجام · ولما التزمنا تلخیص کلامه فی هذاالکتاب فلنقطع‌الکلام حامدین لله تعالی و مصلین علی نبیه و آله علیهم‌السلام و مستغفرین عماجری علی قلمنا مما لایرضی‌الله سبحانه به .

[۱۹۵۳]

۱۱۵ این نسخه صحیح کهن است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و با نسخه هم دارد .

مهرهای «محمدصالح» و «اقل‌العباد واحوجهم الی رحمة ربه ابراهیم بن فتح‌الله بن محمد الواعظ الحسنی اصلح‌الله شأنه و عمر الله دنیاه» و «کفی بالله نصیرا» و دو مهر دیگر وخطوطی درصفحهٔ عنوان ۱ الف دیده میشود .

انجام نسخهٔ ما : والعدل من حکم بما هو الحق المؤکد ... قال ... لا الایمان لایزید ولاینقص لانه لما کان اسماً لتصدیق الرسول ... برابر با ص ٤ من ۱۷۵ چاپی درحاشیه دارد ... تمت الرسالة ولله الحمد ؛ درحاشیه‌های دیگر هم دارد . ... ولله‌الحمد یا تمت الرسالة ولله‌الحمد والمنه در شماره‌ها ... حاشیه‌ها در پایان ... ای‌ها شاید ... این گواهی ... است

(۳۴۰۶) ــ کاغذ سمرقندی زرد موریانه‌خورده ــ جلد تیماج ... سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۳ ، ۲۳ و ۸/۵ ، ۱۸ ــ س ۲۱

[۱۶۵۵] تسهیل الآثار انشاد (عربی)

این نامه ... در س ۱۹۷۸ از ان ... دوم ... میباشد و دو ... است (قواعد اصولی وادبی) که هریک دارای ... میباشد ودرپیمن

۱ ــ گویا ... در برابر خرده‌گیری رازی ... پاسخ میدهد که آن ازامامیان نیست .

گ۱ الف صفحهٔ عنوان ملخص المحصل ش ۱۱۵۰ و کهنگی نسخه از آن پیدا و آشکار است

گ ۱ ب تلخیص المحصل ش ۱۱۵۰

روز آدینهٔ یکم محرم ۹۵۸ بانجام رسیده است (کنتوری ص ۱۴۰و۴۰۷) بر آن گزارش‌هم‌نوشتند وسه حاشیه دارد (ذریعه۶:۴۹) فهرستی که شهید بر آن نوشته درهمان سال ۹۵۸ بنگارش درآمده است (طوس ۲:۱۸۷).

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی وفقنا لتمهید قواعدالاحکام‌الشرعیة و تشیید ارکانها بتوطیدالقوانین‌العربیة .. و بعد فان علم‌الفقه لایخفی شرفه . . . ومسیس حاجة‌المکلفین‌الیه ... و (لما) کان اعظم مقدماته علم اصوله و علم‌العربیة اذالاول قاعدته ودلیله والثانی مسلکه وسبیله ... فلاجرم رتبنا هذاالکتاب .. علی قسمین احدهما فی تحقیق‌القواعدالاصولیة وتفریع مایلزمها من‌الاحکام الفرعیة والثانی فی تقریرالمطالب العربیة و ترتیب مایناسبها من‌الفروع‌الشرعیة واخترنا من کل قسم منهما مائة قاعدة متفرقة من ابوابه مضافة الی مقدمات و فوائد و مسائل یتم بهاالمقصود . . وسمیته بتمهیدالقواعد الاصولیة والعربیة لتفریع فوائدالاحکام الشرعیة .

انجام : وان یغفرلنا مااخطأنا فیه سبیل‌الصواب انه غفور رحیم فرغ من تألیفه عصر یوم‌الجمعة المفتتح للشهر الحرام محرم‌المفتتح بعام ثمان و خمسین وتسعمائة ومؤلفه .. زین‌الدین (بن) علی‌بن احمدالشامی‌العاملی . . حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً (الحمدلله رب‌العالمین حمداً کثیراً کما هواهله . . . والصلوة علی محمد وآله‌الطاهرین) .

[۱۹۵۴]

۱۱۹۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از محمدتقی بن محمدکاظم که درشب آدینهٔ محرم ۱۲۶۱ نوشته است حاشیه‌هائی درآن هست با نشانهٔ «منه رحمه‌الله» و « ا م ن ر ه» و «امین» گ ۲ ب ــ ۸۶ ب .

(همهٔ دفتر ۱۸۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۷ ۲۸/۵ و ۹×۱۸ س ۳۹

[۱۶۵۶] توضیح المطالب (فارسی)

میرزا ابوطالب بن میرزا بیك موسوی فندرسکی نوادهٔ میرفندرسکی

وهمزمان نگارندهٔ ریاض‌العلما خلاصة‌الحساب بهائی‌را بنام شاه سلیمان (۱۰۷۷–۱۱۰۵) ترجمه و گزارش نموده‌است (سرگذشت بهائی از نفیسی ص ۱۰۰– ذریعه ۱۷۷:۳ و ۴۹۸:۴– ص ۱۸۶۳ همین فهرست).

دراین گزارش هیچگونه استدلالی نیامده ولی مطلبهای کتاب روشن شده وچیزهائی هم برآن افزوده دارد

آغاز: بسمله . و به نستعین . حمد وسپاس بیحساب وعد جناب مقدس اسرع الحاسبینی راسزد که‌جهت حصول‌اعداد‌نامتناهی کاینات و افراد لامتناهی‌موجودات نه رقم صور افلاك تسعه را برلوح ایجاد کشیده .

انجام . پس صیانت کردن‌این‌علم از کسیکه متصف بصفت مذکوره باشد لازم ومتحتم است . الحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً و صلی‌الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله‌الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین وسلم تسلیما .

[۱۹۵۵]

۱۱۷ ؛ این نسخه نسخ است وعنوانها شنگرف و جدولها و رمزها سیاه و شنگرف و محمد صادق بن عبدالمحمد نوری ناحیه‌ای در ۱۲۵۲ آنرا نوشته است .
حاشیهٔ منه هم دارد بستعلیق
(۱۹۵ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی
اندازه : ۱۵ ۲۵/۵ و ۱۰ ۱۹ س ۲۰

[۱۶۵۷] سِجِفْر (عربی)

ابن خلدون مغربی در مقدمه (ف ۵۳ ب ۳ ص ۳۳۴ و ۳۳۸ چاپ مصر ب مصر ن ف ۲۳ ب ۶ چاپ ۴۸) می‌نویسد که « کتاب جفر نسخهٔ آن از کتاب هارون بن سعید عجلی رهبر زیدیان است که آنرا از جعفر صادق روایت میکرده و در آن پیش‌بینی‌هائی در بارهٔ خاندان پیامبر بوده‌است واین پیشگوئیها را جعفر صادق ودیگر بزرگان شیعی از راه کشف و کرامت کرده بودند وآن در پوست گاو نر کوچکی نوشته شده بود و همین هارون آنرا روایت کرده و بنام همان پوست « جفر » نامید .

چه جفر کوچك را گویند . در این جفر تفسیر باطنی قرآن بروایت از صادق بوده است . از این جفر نشانی اکنون نمانده جز پراکنده‌ها و پاره‌هائی از آن که دلیلی با آنها نیست و اگر روایت آنها بصادق درست باشد بهترین سند خواهد بود چه او و خاندانش دارندگان کرامت‌اند و خود او پیش بینی‌هائی هم کرده است » . ۵

باز میگوید که « یعقوب بن اسحاق کندی ستاره شناس رشید و مأمون در فرانهای اسلام دفتری بساخت که شیعیان آنرا بنام کتاب خود که از جعفر صادق می‌پنداشتند « جفر » نامیدند و در آن درباره سرانجام کار عباسیان و تباه شدن فرمانروائی آنها در نیمهٔ سدهٔ هفتم پیش‌بینی شده است و ما از این کتاب نشانی ندیدیم و شاید هولاکو پادشاه تاتار آنرا با کتابهای دیگر در دجله انداخته باشد . ۱۰ در مغرب (افریقا) کراسی که گویند از همین کتاب است پیداشده و آنرا جفر کوچك گویند و مانا برای خاندان عبدالمؤمن برای یادآوری از پادشاهان نخستین موحدان ساخته شده است » از سخنان ابن خلدون با روش نویسندگی ولنری که دارد پیداست که او هیچیك از اینگونه پیشگوئی هارا نمی‌پذیرد (۱) .

۱۵ آملی در نفائس الفنون (فن چهارم مقالهٔ سوم در تصوف) می نویسد که گویند رمزهای علم حروف و جفر در صحیفهٔ آهو نگار شده و آن هم در کوه حرا درزیر خاك نهاده شده بود . جبرئیل آنرا بپیامبر و او بعلی آموخت و از او بفرزندانش رسید .

چلبی (۱ . ۳۹۳) مینویسد که میگویند علی ع هشت حرف را در پوستی نگاشته و بگسترد و باروسی سرنوشت و سرانجام و آینده از آن دانسته میشود . ۲۰

۱ــ درمیانهٔ دانشمندان اسلامی نخستین کسیکه روش نویسندگی ولنر فیلسوف داشته و منخواسته است پوشیده از اندیشه و پندار دستگاه فرمانروائی نازی خرده بگیرد جاحظ بود و از سخن او درباره جن و شیطان وملك (حیوان ۶:۱۵۸ــ۲۸۲) این روش او پیداست . دومین کس همان ابن خلدون است که در مقدمه از تازیان وفرمانروائی آنها کاوش نموده ودر نهان خرده‌ها گرفت و نکوهشها نمود . ۲۵

ن دانش‌از او بفرزندانش و بزرگان رسید. جفر و جامعه‌دو کتاب است بزرگ.
کی را علی بربالای منبر برخواند و دیگری را پیامبر درنهان بدو آموخت
فرمود که آنرا دردیوانی بنویسد. علی آنرا درپوست شتری رنگ کرده
وشته است. روش هندوان وافلاطون و صادق ع دراین کتاب هست. محمدبن
للحة نصیبی شافعی (م ٦٥٢) «جفرجامع و نورلامع» دارد.

درذریعه (٥ . ۱۱۸) آمده که «جفر» بزغالهٔ چهارماهه است و آنچه جبرئیل
رای پیامبر وحی میآورد بدست علی در پوست بزغاله‌ای نوشته مشده است.
ز کافی کلینی واختصاص مفید و بصائرالدرجات برمیآید که‌علی وصادق‌وقائم ع را
جفر ابیض وجفر احمر و جامعه بوده است بگواهی جابربن حیان و ابن‌خلدون
ابن قتیبه درادب‌الکاتب و شریف گرگانی درشرح مواقف و ابن خلکان علی
صادق را جفر وجامعه بوده است.

علم جفریکه‌امروزه‌هست وخواجهٔ طوسی وبهائی ودهدار وکاشفی وبسطامی
همدانی ورشنی ودیگران دربارهٔ آن کتاب نوشتندآنستکه با شمارش ابجدی
ازروی گمان آینده را پیشگوئی کنند» (۱) یکی ازدفترهای جفرهمان‌استکه
کنون نسخهٔ آنرا میشناسیم ونگارندهٔ آن شناخته نگشت.

۱ قاآنی درقصیده‌ایکه بعنوان « شکایت بحکمران پارس از بدرفتاری مردم
زار » بدین مطلع:
ای داور زمانه که از وصف خلق تو
خاطر شده است مطلع خورشید انورم
سروده است میگوید:
نه شاعرم نه ساحر گیسم من نه فالگیر
نه سیمیا نگارم و نه کیمیاگرم
رمال نیستم که بقانون ابجدی
از نوک خامه نقطهٔ اعداد بشمرم
نه فاضلم که درگه تسخیر ارث شوی
بینی مساهم پسر و دختر و همسرم
دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

[۱۹۵۶]

1154 این نسخهٔ سراسرجدول بخط نستعلیق است ورقمها مشکی وخطوط جدولها شنگرف میباشد .

درپشت جلد روی کاغذی سفیدی بخط نستعلیق چنین نوشته شده : « این کتاب
۵ جفراست وازجفر و علم جفر که عددی مافوق طاء . . . (خوانا نیست) که نهمین مرتبهٔ
کمال است ندارد ومابقی اعداد مخلوق طاء است وتا روزمحشرچون بشماری از عدد
یك اضافهٔ نقطه یا نقاطی که اصل علم وخلقت است زیادترنمیشود واین‌علم حفرکه علم
حساب است ازتنزل وترقی اعدادآن معلوم میکند که درآتیه چه خواهد شد یا درحال
حاضر دنیا واشخاص درچه حالی هستند و این علم را نسبت بامام جعفر صادق میدهند
۱۰ ولیکن دراین دورهٔ آخرالزمان سنهٔ ۱۲٦۰ هجری این علم را ... (خوانا نیست) را
دیدومؤمن بامام عصرشده ؛ واین کتاب‌راخرید صحیح‌است هرکس‌بفهمد خلافی‌ندارد».

درگ ۱ الف بخط نستعلیق دارد :

« هوالله تعالی این اعجوبه کتاب جفری است که مصنف و نویسندهٔ این‌کتاب
پانصد ساله بست و هشت حروف ابجدی را در نوشتن ضرب در بیست و هشت نموده
۱۵ وقواعدآنرا بدست داده هر کس دراین‌کتاب تعمق نماید خواهد فهمید که مشکل‌ترین
علوم علم جفر است ولیکن درنزد اهلش که هوس‌ناك درشهوات نباشد سهل‌ترین
علومی‌است که وقعات حال واستقبال‌آنرا معین میمایند واگرصاحب ملکیت این‌کتاب
ازگرسنگی بمیرد بهتر است تا این کتاب را از ورقی کمتر از ده پوند کمتر بفروشد
مگر بیادگاروبخشش بدوستان ومؤسسات ملی یکی‌ازممالك نمایند . رحمةالله علیکم
۲۰ اجمعین حرره‌العبداقاءالحقی قائم مقامی »

(۳۹۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد زرکوب درون سرخ مقوائی
اندازه : ۳۹/۵ ۲۹/۵ و ۲۲/۵ (۲۴) س ۲۸

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

نه و اعظم که بینی بهر فریب خلق
۲۵ تحت‌الحنك فکنده بـبالای منبرم

نه مفتیم که همچو حروف قسم زکبر
نا بی بصدر برم بزرگان مصدرم

هم‌روضه خوان نیم که پی کسب سیم وزر
مدح یزید و شمر روان بینی از برم
۳۰ (ص ۳۱۲ دیوان قاآنی‌چاپ۱۳۲۸ شیراز)

٤، ٢ ب آغاز كتاب مص ش ١١٥٤

گ ۳۹۴ الف انجام کتاب جفر سن ۱۱۵۴

[۱٦٥۸] جنات الوصال یا کنز الاسرار (فارسی)

این مثنوی عرفانی بروش صوفیان اخیر شیعی ایران سروده شده و در آن بجنگ مولوی رفته مگر اینکه ازداستانها و خبرهای شیعی بهره برده شده‌است. شعرهای آن سست میباشد و شمارهٔ بیتهای آن به ۷٦۰۰۰ میرسد.

چنانکه از انجام دفتر ٦ برمیآید در ۱۲۵۰ (ظهور الحق) سروده میشده‌است. در دنبال عنوان «در بیان جامعیت حضرت انسان کامل مکمل و سلطان دریادل ...» (ص ۱۰) دارد: «حال ای عزیز همگی گوش و هوش شو. مفصل نثر را از نظم شنو. بو که بوی یوسف غیب را از پیراهن سخن بکشی و از کاس الکرام کلام جرعهٔ از مدام میخانهٔ قدم بچشی تادمی دل را حاضر دم داری و نقدی ازاین (گنج اسرار) بکف آری بعنایة الله و توفیقه.

برقع از رخ برگرفت آن بیمثال
در تماشاگاه جنات الوصال

کنج اسراری که بود او بی‌نیاز
گوهرافشان گشت باز از عز و ناز»

در دنبال عنوان «ماجرای عشق و عقل با یکدیگر در وجود کامل جامع بشر از صنع وحکمت حضرت دادگر» (ص ۱۷) دارد.

باز گو ای پاك ومعصوم از خطا	شمهٔ زانسر که هو کردت عطا»
باز گو ای سر معصوم علی	ساز دلها راز کدرت منجلی»

(ص ۱۸).

از اینجا برمیآید که سرایندهٔ این مثنوی «معصوم علی» نامیده میشود. این را میدانیم که حاج میرزا آقامعصوم‌علی شاه تهرانی نعمة اللهی (شعراز ۱٤ع۱/۱۲۷۰-۱۱ شعبان ۱۳٤٤) شاگرد میرزا محمد حسن شیرازی و ملامحمد حسن اردکانی و نگارندهٔ طرائق الحقائق فرزند حاج میرزا زین العابدین نائب الصدر رحمعلی شاه (کاظمین ۱٤ع۱/۱۲۰۸ - شب یکشنبه ۱۷ صفر ۱۲۷۸) بوده است و او پسر

حاج معصوم (م ۱۲۶٤) پسر حاج محمد حسن (م ۱۲٤۰) پسر حاج محمد معصوم علیشاه شهید قزوینی شیرازی دکنی که بدستور آقامحمد علی بهبهانی زندانی شده و در ۱۲۱۲ کشته شده یا در آب خفه گردید میباشد (۱) آیا سرایندهٔ این مثنوی همان حاج معصوم م ۱۲۶٤ است؟

ریو درفهرست خود (۷۰۹ الف) از جنات الوصال درویشی نعمةالهی یاد میکند که درمیان ۱۱۳۵-۱۱۵۹ سروده شده وجز مثنوی ما است (۲).

۱- بنگرید به: روضات ص ۱۸۱- فارسنامهٔ ناصری- بستان السیاحه ص ۲۲۳ و ۳۲٤- طرائق الحقائق ۳:۳-۱۵۲ و ٦-۱۷۵ و ۱۷۹- ریحانة الادب ٤:٤٦.

۲- چنین است این مثنوی ما: **آغاز دفتر ۱**: هوالعلی العظیم. بسمله.

ای خدائی کاینهمه هستی ز تست — دردل هر ذرهٔ هستی ز تست
ای صفات و ذات پاکت لایزال — پاك از آلایش مثل و مثال

انجام:

خوش شنو دردفتر دیگر تمام — کرد چون تحویل از این دفتر تمام
هش کنون بردفتر دیگر گمار — از کرم چون آمد اینجا نوربار
گر خدا خواهد دراین دفتر ورا — شرح او خود گوید آن سر خدا
لیك میجو از خدا مهم دیگر — کاین نیابی جز بعلم (نور) دادگر

(تمت دفتر الاولی من کنز الاسرار ۲۵/ح۱۳۱۱/۲) (ص ۱-۷٦).

آغاز دفتر ۲: هوالعلی. دفتر ثانی از کنز الاسرار.

ای شهنشاهی که شاهی مر تو راست — ای که بر ذاتت شهنشاهی سزاست

انجام:

گرچه گفتم گفتنی ناگفته ماند — گوهر مقصود دل ناسفته ماند
دردوم دفتر از آن فرد وحید — شمهٔ ناگفته برپایان رسید
رانَد فضل ایزد از جلد دوم — فتحهٔ اسرار دفتر را در سیم
جلوه درجلد سیم آغاز کرد — باب سیم جنتش را باز کرد
که کند بر ورق سر مستان نثار — از گلستان حقایق گل نثار
تا ز گل ریزی گلزار کمال — بو کشند از بزم جنات وصال

(۷۷-۱۵۷).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

[۱۹۵۷]

۳٦۹ این نسخه بنستعلیق باعنوانهای شنگرف و دارای دفتر۱ تا ۸ س۱ــ ۷۲۲

(۳٦٦گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه ۱۷× ۲۲ و ۱۳/۵×۱۷، س ۲۴

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آغاز دفتر ۳ : اول دفتر سیم از کنزالاسرار . آغازدفترسیم . بسمله .

ای خداوند کرم دارای کریم   کز کرم افراشتی عرش عظیم   ۱۵۷

انجام :

چون هش ازهرسو بیکسوجمع شد   نطق بیسو را کماهی سمع شد

(مورخهٔ هفدهم شعبان المعظم سنهٔ ۱۳۱۱ دفترسیم اتمام پذیرفت ورجوع بدفتررابع شد بعون الله تعالی شأنه العزیز . هوالعلی) (۱۵۷ـ۲۲۹) .

آغاز دفتر ۴ : بسمله .

ای بیکتائی سزاوار آمده   وزهمه یکتا پدیدار آمده

انجام :

منت ایزد را که چارم دفترش   خوش بپایان شد ز بی پایان فرش

تا کند آغاز جلد پنجمین   از دم فیاض دل دل را معین

***

خوش ره اندر سمت پنجم کنند   کسب نورازمهرچون انجم کنند

بادهراچون ریخت در (بر) جام دگر   هم تو خور انجام اتمام دگر

(مورخهٔ بیست وششم شهررمضان من شهورسنهٔ ۱۳۱۱) (۲۲۹ـ۳۱۲)

آغاز دفتر ۵ : اول دفتر پنجم از کنزالاسرار . بسمله .

ای خداوندی که از محض کرم   دمبدم موجود گردانی عدم

انجام :

چون در آن دفتر علم زد آفتاب   هم تو جوزان فتح سادس فتح باب

باب ششم گنج را چون باز کرد   گوهر افشانی ز نو آغاز کرد

پس تو هم زانسوی کش هش را عنان   تا بری پی بر گهرهای عیان

راهی اندر سمت سادس کنی   عقل را دردین و دل حارس کنی

گوش هش نگشا چو خورشید نورپاش   تا نماید هرنهان را پرتو فاش

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

[۱۹۵۸]

۳۷۰ این نسخه هم بنستعلیق با عنوانهای شنگرف است و دارای دفتر ۹ تا ۱۲ ص ۷۲۳ – ۱۱۸۷ — در ۱ الف نوشته شده است : ۱۱۸۷ صفحه ودرهریك ۶۰ بیت میشود ۷۱۲۲۰ بیت .
(۳۵۹۶ ب) —کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی ۵
اندازه : ۸ ×۲۲/۵ و ۱۳/۵×۱۷ س ۲۵

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

(مورخهٔ بیست وهشتم شهر ذیحجةالحرام سنهٔ ۱۳۱۱) (۳۱۲–۳۹۵) .

آغاز دفتر ۶ : بسمله .

ای خداوندیکه از جودت پدید | میکنی درهر نفس خلقی جدید ۱۰

انجام :

دل گرفت اینجا عنان از گفتگو | سوی هفتم دفتر او را کرد رو
ششمین سفرش‌هم اینجا کردختم | آنکه امرش بودنافذ حکم‌ختم
پنج پنجه بود افزون ازهزار | کاین ششمین شد ازغیب آشکار
درظهورالحق ششم فتحش تمام | گشت ازفیاضی رب‌الانام ۱۵

❊❊❊

پس توهم ای مستعد تاب فیض | تاب جوشد باز هرجا باب فیض

(۳۹۵–۴۹۲) (ظهورالحق برابراست با ۱۲۵۰) .

آغازدفتر۷ : بیان دفتر ثانی ازجنات وصال – بیان دفترهفتم از کنزالاسرار . بسمله . ۲۰

ای‌خداوندی که‌این عالی و پست | شد پدیدار ازتو باهرچیز هست

انجام ·

لب فروبند ابدل از سرکهن | ران بجلد هشتم از هفتم سخن
باز پیچ از دفتر هفتم عنان | سوی هشتم دفتر ای گنج روان
فتح‌سابع شد چوفتح ازفتح باب | فتح ثامن راکنون کن فتح باب ۲۵

❊❊❊

موی بموی‌خویش گوش‌وهوش کن | بخود آنکه سفر هشتم گوش کن
کامد آنجا از عنایت نور بار | نخل طورکس نه الانور بار

(۴۹۲–۵۹۴) .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین ۳۰

[۱۶۵۹] **جنات الوصال** (فارسی)

نور علیشاه محمدعلی پسر فیض علیشاه میرزا عبدالحسین پسر امام جمعهٔ تون محمدعلی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آغاز دفتر ۸ :

ایکه هر پیدا ز تو پیدا شد — وز تو هر شیدا دلی شیدا شده

انجام :

فتح هشتم را چو فتح آمد تمام — راند درفتح نهم فتحش کلام
دم کشید از دفتر هشتم دمم — تا دمید اندر نهم دفتر دمم
گشت از آن در رقص آید جسم و روح — ره گشاید روح در اصل فتوح
تا عیان بنمایدت در این طلسم — کنز اسرار شه بی رسم و اسم
در نهم جنت ز جنات الوصال — قطره ات یابم پذیرد اتصال
قطره و نم را ره اندر یم شود — بی نم و یم یم عیان از نم شود
لا شود با تیغ لا لا تا آله — ماند و غیری نماند تا آله
(۵۹۴-۷۲۲) .

آغاز دفتر ۹ : ابتداء دفتر نهم از کنزالاسرار و جنات وصال بسمله . و به نستعین

ای خداوندی که از ایجاد تو — شد خراب آباد لا آباد تو

!!!!!!

خود دل هر ذره آمد طور تو — گشت در هر طور اناالله نور تو
(این بند که ۲۷ بیت است هم در پایان ش۳۶۰ و آغاز ش۳۷۰ هر دو دیده میشود).

انجام :

پس نهم دفتر کنون گشت او چو بس — گرچه اینجا بیشتر راند او فرس
کرد از جلوت نهم مجلس تمام — جلوه سازی کش بود مفتاح نام
ختم کرد او گرچه جنات وصال — کنز اسرارش پر است و مال مال
جلوه سازی باز در کنز دهم — دارد آنکو هر سری او راست دم
هم تو راهی زن نهم دفتر تمام — در دهم دفتر ببین جا برا تما
تا بری جان بوی زان دمیدم — از تجلی کنز اسرار قدم
(۷۲۲-۸۳۰) .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از آن

رقی طبسی (م موصل ۱۲۱۲) عارف نعمت‌اللهی و شاگرد سید معصوم‌علی شاه خواسته بود بشماره درهای هشتگانهٔ بهشت ایندفتر عرفانی و خلقی را درهشت مجلد بسراید وهمین‌اندازه توانست آنچنانکه درفهرست آقای ابن یوسف آمده تا ۴۳۰ بیت ازسومین را بپایان برد پس‌ازاوجانشینش رونق علیشاه (م ۱۲۲۵)

۵

آغاز دفتر ۱۰: بسمله. وبه نستعین.

ای خدا ای بی‌نهایت جود تو — کشته هرنابود بود از بود تو

انجام:

پس دهم دفتر کنون اینجا تمام — نور باشی آفتاب بی‌غمام

فتح چون فتح دهم گشت ازخدا — شد بجلد یازده نور هدا

۱۰

تا درآن گردد تجلی سازباز — کنز اسراد ازکرم براهل راز

(مورخهٔ بیست وسوم ۲۳ شهرذی‌الحجة‌الحرام ۱۳۱۲) (۸۳۰–۹۴۵).

آغاز دفتر ۱۱: ابتداء دفتر یازده ۱۱ – بسمله وبه نستعین.

ای خدائی کز تو شد موجود ومست — سر بسر ذرات این بالا و پست

انجام:

۱۵

پس‌دراین‌فتحت گهرباشی دگر — زان سخن در دفتر اثنا عشر

تا بانجام آید از رب‌الانام — کنز اسرار اندرآن فتحت تمام

(مورخهٔ چهارشنبه پانزدهم ۱۵ شهرصفرالمظفر سنهٔ ۱۳۱۳) (۹۴۵–۱۰۵۵).

آغاز دفتر ۱۲: بیان دفتر دوازدهم ۱۲ – بسمله. وبه نستعین.

ای‌خدائی کز تو شد هست این‌همه — ور می ایجاد تو مست آن همه

۲۰

انجام:

چون رسد این جسم‌ها بر کمال — روح باقی وانمود آنگه جمال

کرد پی‌ بن جلوه‌هایش چون دروغ — جلوه پیرا راستی را شد فروغ

(تم الکلام بعون الملك العلام یوم دوشنبه بعد از ظهر بیست و چهارم شهر ربیع‌الثانی من شهورسنهٔ ۱۳۱۳ هجری.

۲۵

ای فتح و نصرت تو هواخواهم از عدم

توفیق بندگی بدهم باز از کرم

شاکر ز شکر نعمت توعاجز است ولال

کام و زبان ناطقه را تو ولی نعم

(۱۰۵۵–۱۱۸۷).

آنچه ازسوم مانده بود وهمهٔ چهارمی وپاره‌ای از پنجمی را سروده است آنگاه نظام علیشاه احمدبن حاج عبدالواحد کرمانی (م ۱۲۴۰ یا ۱۲۴۲) جانشین مجذوب علیشاه پنجمی را بانجام رساند ودرششمی که درصد لمعه است « مصباح الشریعه » را ترجمه و گزارش نمود و هفتمی را هم برآن افزود (۱) نویسندهٔ نسخهٔ ما شمرهای این سه عارف را برشمرد چنانکه خواهم دید وشمارش او باشمارش بالاساز گار نیست چه: ۵۷۸۵ . ۲۶۶۸ | ۲۶۸۷- |- ۴۳۰ نه ۵۳۵۵ پس همان دوجلد نخستین سرودهٔ نورعلیشاه خواهد بود . چه : ۵۳۵۵ ۲۶۸۷- |- ۲۶۶۸ (۲) .

۱ــ بنگرید به : ذریعه ۱۵۲:۵ ــ سپهسالار ۴۸۹:۲ ــ مجلس ۱۷۱.۳ ــ فهرست آقای منزوی ۸۸:۲ .

۲ــ آغاز این مثنوی:

بسم‌الله الرحمن الرحیم	افتتاح کنز اسماء عظیم
بازگو از نام نامی آله	سوی جنات وصالش جوی راه
ای بنامت نامهـا نامی همه	نامهـای نامیت نامی همه

!! !!!!

نامی از جنات وصلم باز کن	از وصالم ساز و برگی ساز کن
تا درآن جنات گیرم گوشه‌ای	چینم از هرخرمن گل خوشه‌ای
خوشه خوشه بدم از گل دسته‌ها	دسته دسته آورم گلدسته ها

!! !!!!

هردم از جنات نامی وا کنم	در ریاض جنتی مأوا کنم
آورم گلها بدامان سخن	هدیهٔ اصحاب درهرانجمن

انجام جلد یکم :

دادن بیم نبی سودی نداشت	کفرایشان روبه بهبودی نداشت
دردوعالم کور و نابینا شدند	نقش ولانی زده رسوا شدند

(تاریخ الخمیس بیست و پنجم شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر نور علی بن ابوطالب جلد اول جنات‌الوصال من کلام جناب نورعلیشاه قدس سره ــ از جزو ۶۰۰۴ ، جلد اول ۲۶۶۸) .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

[۱۹۵۹]

۱۱۷۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنستعلیق وعنوانهای شرو نظم بشنگرف میباشد وعلی بن ابی‌طالب آنرا نوشته ودرع۱۲۵۹/۱ آغاز و جلد یکم را درروز

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

آغاز جلد دوم : بسمله . ۵

این زبانها را بکام از نام تو — نعمت نطق و بیان انعام تو

تا نمایم درج گوهرنامه را — بازگردم گوهرافشان خامه را

انجام :

این زمانم بار می‌بندد زبان — تا کجا بازم کند رطب‌اللسان

منت ایزد که دردارالسلام — شد چو خلدم جنت ثانی تمام ۱۰

(بتاریخ یوم‌الاحد چهاردهم شهرربیع‌الثانی باتمام رسید بخط حقیرفقیرعلی‌ابن ابوطالب جلد دوم جنات‌الوصال من کلام جناب نورعلیشاه قدس سره فی سنه ۱۲۵۹ ـازجزوه ۱۰۶۷ ـجلد دوم ۲۶۸۷) .

آغازجلد سوم : بسمله .

این سپهر عشق را انجم بود — جلد ثانی جنت سیم بود ۱۵

باز شهباز سخن پرواز کرد — صید کردن‌سوی دشت‌آغاز کرد

انجام :

سر بسر بینا بمطلوب آمدند — هم‌محب‌هم‌خویش محبوب‌آمدند

شاهد این حال از نص مبین — هست والله یحب‌المتقین

(بتاریخ یوم‌الجمعه بیست‌وششم شهرربیع‌الثانی سنهٔ۱۲۵۹ جلدسیم جنات‌الوصال باتمام رسید من کلام جناب رونق علیشاه بخط حقیرفقیرعلی‌ابن‌ابوطالب (ازجزو۶۴۳ـ جلد سیم : ۱۷۹۷) . ۲۰

(درمیانه این جلد درنسخهٔ ما نشانی نیست که از کجا سرودهٔ نورعلیشاه بپایان میرسد) .

آغاز جلد چهارم : بسمله . ۲۵

این‌گشوده از کرم باب نعیم — اسم اللهت ز رحمن و رحیم

ای‌که لاتحصی بود انعام تو — ای‌که لاتجزی بود اکرام تو

انجام :

آن حبیب حضرت سلطان علی — منبع هرفیض دراعیان علی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین ۳۰

پنجشنبه ۲۵ ع۱ و دومی را درروز یکشنبه ۱٤ع۲ و سومی را درروز آدینهٔ ۲٦ع۲

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

صد هزاران لعنت خلق و خدا — غاصبان مسند و محراب را

(بتاریخ یوم السبت یازدهم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر فقیر علی بن ابوطالب جلد چهارم جنات الوصال من کلام جناب رونق علیشاه — ازجزو: ٦۳۵ — جلد چهارم: ۲۱۹۱).

آغاز جلد پنجم: بسمله.

باز دریای سخن شد موج زن — موج زن شد باز دریای سخن

هر یکی موجش یکی بحری شگرف — موجهایش نقشهای صوت و حرف

انجام:

چون خلیل آمد مر آن بارم وطن — از دم آن نور پاك ذوالمنن

با وجود آنکه گفتا فی المثل — نی بحکم حنمی ای مرد اجل

(بتاریخ یوم السبت پانزدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر فقیر علی ابن ابوطالب — ازجزو ۸۷۱ — جلد پنجم: ۱۰۲۷۳ — رونقعلی شاه: ۳٦۵۱ — نظام علیشاه: ٦٦۲۱).

درمیانهٔ این بیت:

گر بر او چندی بر این سان بگذرد — رشتهٔ مدبیرت از کف بگسلد

دارد. « نظام علیشاه » و ما را میخواهد برساند که از اینجا سروده نظام علیشاه میباشد.

آغاز جلد ششم:

بسم الله الرحمن الرحیم — فاتح الابواب جنات النعیم

الحمدلله الذی نور قلوب العارفین بذکره و قدس ارواحهم بسره . . . فهذا کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة من کلام الامام الصادق.. وهو مشتمل علی مائة باب والله الموفق للصواب.

انجمن آرای جنات الوصال — ابتدا برذکر نام ذوالجلال

باز صبح صادق از آفاق جان — پرتو افکن شد باطراف جنان

انجام:

رحمت و صلوات لاتحصی مدام — برحبیب الله و برآل کرام

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

وچهارمی را درروزشنبه۱۱ج ۱ و پنجمی را درروزشنبه ۱۵ رجب وششمی را درروز سه شنبه ۸ رمضان وهفتمی را درروزشنبه۱۲رمضان همین سال بانجام رساند . شماره جزءهاوشعرهاهم‌درآن یاد شده است . گ۲ب ــ ۲۴۸ الف. نسخه را میرزاسیدعیسی دیوانهٔ عربشاه (با نواب خلیفهٔ سلطانی) به پسر خود سید میرزا حبیب‌الله نعمةالهی درآدینهٔ ۱ رمضان ۱۳۲۹ بخشیده‌است (۲ ب) خط حبیب‌الله در گ ۲۴۹ الف بتاریخ یکشنبه ۲۵ج۱/۱۳۳۸ هم هست . ۵

(۲۹۰گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۵×۲۳ س ۲۸

[۱۶۶۰] **چهار عنوان** (فارسی)

این نامه همان گزیده و منتخب کیمیای سعادت غزالی است از باباافضل کاشانی (م نزدیك ۶۱۰) (رسالةالاسلام ش ٤ سال ۱ ص ٤۰۵) که در ص ۲۲۶ این‌فهرست ش۸/۳٤۰ شناسانده شده‌است (نیزص۶۷ بازپسین سخن بخش دوم) . ۱۰
آغاز : بسمله . این سخنان کیمیای سعادت است که مردم شایسته و اهل

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ بازپسین

دوستان او و آلش بردوام	غرق رحمت از خداوند سلام ۱۵
این بود فهرست لمعات کتاب	میشود هر لمعه را زآن فتح باب

.. (فهرست لمعه‌های‌صدگانه به‌نثر) (بتاریخ یوم‌الثلثاوهشتم شهررمضان‌المبارك سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید جلدششم جنات‌الوصال‌من کلام‌جناب رونقعلی‌شاه بخط حقیرفقیر علی‌ابن‌ابوطالب‌ــ‌ازجزء ۲۹۱ ‌جلدششم ۷۱۳۱/۰۰۰) . ۲۰

آغاز جلد هفتم :

بسم‌الله الرحمن الرحیم	آیت توحید(تحمید)و تمجید کریم
بعد تحمید خداوند وحید	بعد تمجید شهنشاه حمید
آن خداوندی که سبحان‌ولیست	آن شهنشاهی که‌سلطان علیست

انجام : ۲۵

یاری حق کردن و اعز از دین	رهنمای راستی برضالین

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آخرت را سودمند بود چنین گوید که نامهٔ مردمی بچهار عنوان تمام بود عنوان اول آنستکه حقیقت خودرا بشناسد .

انجام : کلید شناختن آخرت روحانی شناختن حیوة وروح است وچون کلید یافتی آسان بود در گشودن . والحمدلله . کفی افضاله و حسب نواله . والصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین .

[۱۹۶۰]

۱۱۱۴ این نسخه ش ۱۷ دهراست و بنستعلیق میباشد گ ۱۶۱ الف ـ ۱۷۷ الف پس ازاین دو گفتاراست از بایزید بسطامی با پیشنمازی که با او نماز گذارد واز ابوسعید ابی الخیر بفارسی درده سطر چلیپا .

[۱۶۶۱] حاشیهٔ تفسیر بیضاوی (عربی)

حاشیه ایست ازشیخ بهائی و جز حاشیهٔ اواست براین تفسیر که درفهرست طوس (۴۳:۴) و سپهسالار (۱ : ۱۱۷) شناسانده شده است . بهائی بجزاین حاشیه‌ها گزارشی بزرگ هم برآن دارد (ذریعه ۶:۴۴) .

آغاز : بسمله قال‌الله سبحانه فی سورة‌الملك . «کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها .. فسحقا لاصحاب‌السعیر» (آیه ۸-۱۱ سورهٔ ۶۷) وقال‌الفاضل البیضاوی بعد هذه‌الآیه «فاسحقهم‌الله سبحانه سحقاای ابعدهم من رحمه . والتغلیب للایجاز والمبالغة والتعلیل» انتهی کلامه . وقداختلف‌الاعلام فی حل‌هذاالکلام علی وجوه .

انجام . لم یکن فی الکلام اشعار بعلة اسحاقهم . وهذاالوجه مماخطر بالخاطر الفاتر والله اعلم بحقیقة‌الحال (نقلت هذه‌الفائدة العالیة من صورة مؤلفها ادام‌الله

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ناتوان را ا توان بشناختن ..در حق افتاده را دریافتن

(تاریخ یوم‌السبت دوازدهم شهر رمضان‌المبارك سنة ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر علی بن ابوطالب جلد هفتم ۷۳۴ ـ ك کتـاب ۲۷۴۸۰ ـ حسـاب شاه : ۵۳۵۵ ـ روی علیشاه : ۱۵۵۰۴ ـ نظامعلی شاه . ۶۶۲۱) .

تعالی ایام افضاله الی یوم‌القیام فی بلدة نخجوان فی اواخر شهر ربیع‌الثانی سنه اربع عشر والف) .

[۱۹٦۱]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۰ دفتر وبهمانگونه نستعلیق قاری که درنزدیك بپایان ربیع دوم ۱۰۱٤ درنخجوان ازروی خط بهائی نوشته است . گ ۲۲٤ ب ـ ۲۲۷ الف . حاشیهٔ «منه مد ظله» و «منه مد ظله‌السامی» دارد . دردنبال آن آغاز رسالهٔ « قصرالصلوة » است که در ش ـ ۹۱۸/۱ گ ۲٦٦ الف و ب دیده میشود ودرپایان این دارد «مدظله» .

[۱٦٦۲] حاشیهٔ تهذیب (عربی)

جلال‌الدین دوانی برتهذیب‌المنطق تفتازانی این حاشیه را نگاشته‌است . (ص ۳٥ همین فهرست) .

[۱۹٦۲]

۱۱٦۸ این نسخه ش ۲ دوراست و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و تاریخ آن ماننا ۱۰۲۸ است حاشیه‌هائی برآن هست بنسخ و نستعلیق . گ ۸۱ ب ـ ۱٤۷ ب . چنین است انجام آن :

لانهم انما بنوا النسبة بین المعنیین علی ما ذکرنا فمن عبر تعبیرهما الی ما اراده وبین النسبة بین ماقصده بینهما ولا نزاع له فی المعنی (قوله) او بعدم ضرورة خلافه ای ان حکمه فیها بعدم ضرورة (سنه ۱۲۸ ـ یك صفحه جدید) نزدیك به ۸ سطر کم دارد ازش ۲٦۷/۱

[۱٦٦۳] حاشیهٔ حاشیهٔ شرح مطالع (عربی)

این حاشیه برحاشیهٔ میرسید شریف گرگانی است برشرح مطالع رازی (ص ٤۰ همین فهرست) و گویا از ملا شمس‌الدین محمد حنفی میباشد (چلبی ۲ : ٤٥۳ ـ ذریعه ٦ : ۷۳ ـ طوس ۱ : ۲٤ منطق) این حاشیه برمبحث نسبت حاشیهٔ گرگانی نوشته شده است .

آغاز : بسمله . (کل مفهوم اذا نسب الی مفهوم آخر) لابدان یقیدالمفهوم

ههنا بمالا يتناول المفهومات التصديقية وما فى حكمها من المفهومات التصورية الغير الصالحة للصدق والحمل اذمدار تحقيق النسب الاربع فى هذا المقام على الصدق

[۱۹۶۳]

۱۱۸۹ این نسخه بخط نستعلیق است وچنین است انجام آن : « كذا ذكره قدس سره فى حواشيه للرسالة الشمسية ولا يخفى عليك انه تكلف بعيد . (هى المباينة الكلية) قد بين فيما سبق ان صدق كل واحد من المفهومين على شىء بدون صدق الآخر عليه معتبر فى المباينة الكلية . . . لان اللاممكن العسام لما كان اخص مطلقاً من الانسان ومفهومه كان اخص من الممكن » حاشیه‌هائی با نشانه «ف» دارد .

(۳۳۶ك) ــ كاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه . ۱۶ ۲۱ و ۸/۵ ۱۶ س ۲۷

[۱۶۶٤] حاشية حاشية مختصر (عربی)

ملا عبدالله فرزند شهاب‌الدین یزدی (م ۹۸۱) بر حاشیهٔ خطائی بر مختصر تفتازانی حاشیه‌ای نوشت و آنرا در شیراز در ۱۷ ذی‌حجهٔ ۹۶۲ بپایان رساند . نسخه‌ای دیگر از همین حاشیه در فهرست آقای منزوی (۳۷۹۰۲ش۹۷۵) شناسانده شده است (ذریعه ۷۱:٥ــ طوس ۵۷۳و۵۹ ــ سپهسالار ۲: ٤۱۱ــ معارف ۲: ۱۶۶ که عبدالله را خطائی خوانده است وخطائی را هم در ۲: ۱۶۵ عبدالله نامید) .

آغاز : (رب وفقنی لاتمامه) بسمله . يقينى بالله ثقتى . حمداً لمن خلق الانسان وعلمه البيان وشكراً لمن اعلمه بدايع المعانى فى روائع التبيان . قوله : نحمدك اللهم الاصل فيه ياالله حذف حرف الندا و عوض عنه الميم ولا يقال عليه (كليشه ص ۷٤۵ ج ۲) .

انجام : قوله او الخطاب . اى او يقال بترك الخطاب مع معين الى غيره . . . حتى لايفوت ذلك الحسن هذا . والمرجو من الله تعالى حسن الخاتمة . . والحمدلله على توفيق الاتمام والسلام على سيد الانام و آله وعترته الغر الكرام وقد اتفق الفراغ من تعليق ما وسعه المجال مع توزع البال و تشتت الحال لافقر الخلق الى عفو ربه

الابدی عبدالله بن شهاب الدین الیزدی فی السابع عشر من ذی الحجة حجة اثنین وستین وتسعمائة بدار الملك شیراز ... فی المدرسة الصدریة المنصوریة ... والحمدلله و صلواته علی عباده الذین اصطفی (کلیشه ص ۷٤٦ ج ۲) قد فرغ من تنمیق تلك الحواشی الشریفة فی وسط الیوم الرابع والعشرین من شهر ذی الحجة ... سنة ۹۷۳ ... بمشهد ... علی بن موسی الرضا ... اقل الخلیقة ... محمد باقر بن عبدالقادر الحسنی الاسترابادی الملقب بدرار کدو (؟) عفی عنهما .

[۱۹٦٤]

۸۱۲ این نسخه ش۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش۱ از همان استرابادی که در نیمهٔ روز ۲٤ ذی‌حجة ۹۷۳ این را نوشته است . گـ ٦۰ ب ـ ۱۸۱ ب . مهر « توکلت علی الله محمد باقر بن عبدالقادر الحسنی » و دو مهر دیگر که پاك کردند و درست خوانده نمیشود در ٦۰ الف و ۱۲۱ ب هست . حاشیه‌هائی هست با نشانه‌های « م » و « منه سلمه الله » و « منه مدظله » . گویا این استرابادی از شاگردان یزدی بود و نسخه را هم در روزگار او نوشته است .

[۱٦٦٥] حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

میر صدرالدین محمد بن منصور دشتکی (۸۲۸ - ۹۰۳) برشرح جدید قوشجی بر تجرید خواجهٔ طوسی دو حاشیهٔ قدیم و جدید دارد که با سه حاشیهٔ دوانی بر آن « طبقات » نامیده میشود. حاشیهٔ جدید او بنام سلطان ایلدرم بایزید نوشته شده است (ذریعه ٦ : ۱۱۷) . نسخه‌های طوس (۱:۳٥ ش ۱۰۱) وفاضلیه (ص ۱۰ ش ۱۲) جز این نسخهٔ ما میباشد . دشتکی در این حاشیهٔ نسخهٔ ما (همان نسخهٔ ش ٤۸۹ ج ٤ ص ۷٦ طوس) بسخنان دوانی مینگرد و بذوق المتالهین او میتازد (ص ۲۳۳ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . قوله . ای علی آله واصحابه الذین . الخ . قال الشارح فیما کتب علی الحاشیة قیل لم یرد به معیناً بل مایتناول متعدداً اعنی من اتصف من محبوبیته بزیادة الکرم فی الجملة. وفیه نظر لان افضل التفضیل اذا اضیف فله معنیان

انجام : والعلة مطلقا . لماعرف المصنف العلية ... لانه مقارن لماهو علة ذاتية لوجود الحادث غير مسلم ... والمقدم على الشيء بالزمان لايكون مقارنا له . تمت الحاشية الصدرية على الامور العامة .

[۱۹۶۵]

۱۱۱۶ این نسخه بخط نستعلیق است و با عنوانها و نشانههای شنگوف میباشد . دربرخی جاها عنوانها درهامش است . برگهای ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۸ تازه میباشد . حاشیههائی دارد با نشانهٔ «ح م ح» .

(۲۱۸گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد لیماج مشکی ضربی کهنهٔ فرسودهٔ مقوائی
اندازه : ۱۰ ۲۲ و ۴ ۱۷ س ۲۶

[۱۶۶۶] حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

ملامیرزا جان حبیب‌الله شیرازی باغنوی (م ۹۹۴) برشرح تجرید قوشچی این حاشیه را نوشته‌است (چلبی ۱: ۲۵۳) درآغاز این حاشیهٔ اواز حاشیهٔ سید دشتکی (ش ۱۱۱۶ گ ۲ الف) بندی آورده است . این نسخهٔ ما همانستکه در ص ۲۲۹ همین فهرست ش ۳۷۱ ودرفهرست طوس (۴ ۲-۸۱ ش ۵۰۶ تا ۵۱۰) شناسانده ۱ شده است .

آغاز . قال المصنف رحمه‌الله تعالى اما بعد حمد واجب‌الوجود لايبعد ان يقال فى ترك الموصوف ههنا ايماء لطيف الى ماسيجى من ان صفاته تعالى عين ذاته ففيه نوع من براعة الاستهلال .

انجام : قوله . فان الميل الطبيعى يشتد بحسب القرب من الحيز الطبيعى . فيه ۲ نظر لان الاشتداد انما الطول الحركة ان يكون الحركة فى الاول اشد من الحركة فى الثانى .

(قد اسودت وجوه البياض فى تسويد هذه الحاشية الجليلة المنسوبة الى الفاضل النحرير مولانا ميرزا جان وتم اسوداده يوم الثلثاء من العشر الاول من شهر ذى قعدة الحرام سنة الف مزيداً عليها سنة عشرة على يدى اضعف احقر عبادالله المعين العلى ابن

رکن‌الدین بن محمد بهاء‌الدین الجیلانی الفومنی عفی عنهم - صاحبه کاتبه ثم اخوان المؤمنین . و م . - بلغ قبالا بقدر الوسع ایدناالله وسائر المؤمنین) .

[۱۹۶۶]

۱۱۱۴ این نسخه بخط نستعلیق وباعنوانها گاهی درهامش و با نشانه‌های شنگرف میباشد و بهاء‌الدین بن رکن‌الدین بن محمد گیلانی فومنی آنرا درروز سه‌شنبه ۵
دههٔ یکم ذیقعدهٔ ۱۰۱۶ برای خود نوشته است . حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ « منه » و «ص د» و «س» وازقاضی سلمه‌الله و ابراهیم رحمه‌الله و عبدالله و حسین خلخالی . «بلغ قبالا» درمیانهٔ کتاب و «بلغ قبالا بقدرالوسع ایدناالله وسائرالمؤمنین» در ۲۵۱ الف دیده میشود . آخوند ملااسمعیل دارندهٔ نسخه بوده است (۱ب) مهر «عبده‌الاقل علی اشرف» ومهر دیگری در ۲ ب هست . ۱۰

(۲۵۱گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی دریکسوی
اندازه : ۱۲×۱۶ و ۱۲×۷ س ۱۸

[۱۶۶۷] حاشیهٔ فوائد ضیائیه (عربی)

عصام‌الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی (م ۹۴۳) برالفوائد الضیائیهٔ عبدالرحمن دشتی فارسی جامی (۸۱۷-۸۹۸) که گزارشی است بر کافیهٔ ۱۵
نحو ابن حاجب (م ۶۴۶) واو آنرا برای پسر خود ضیاء‌الدین درنیمهٔ روز شنبه ۱۱ رمضان ۸۹۷ نگاشته است این حاشیه را نوشت . درچاپهای ایران از شرح جامی این حاشیه جسته گریخته دیده میشود (طوس ۳:۹ ش ۲۷) .

آغاز : بسمله . یا هادیاً لسالك مسالك محامدك ویا سامعا لجامع مسائل حامدك . . . فیقول . . . ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی عصام‌الدین هذه ۲۰
حواش ... غواش ما فیه للفوائدالضیائیة واش .

انجام : اللهم شکر نعمائك علی قدر آلائك ... وصلی علیه بدوام ارضك وسمائك (تمت کتابة هذه الحاشیة المنسوبة الی اعلم العلماء و افضل الفضلا مربی الطلبة لعلم الدین نافع الفقراء والمساکین اعنی عصام الملة والدین رزقه‌الله تعالی مایطلبه ویتمنا فی یوم الجزاء فی سنة ۹۴۶) . ۲۵

[۱۹۶۷]

۱۱۵۰ این نسخه بنستعلیق است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف با حاشیه‌هائی بنشانه‌های «منه» و «سید» و «عص» و جز اینها . عنوان مطلبها بشنگرف درهامش هست . هادی بن جلال الدین محمد اصغر بن رضی الدین محمد حسنی حسینی دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف) .

(۱۴۲ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج خاکستری
اندازه : ۱۲/۵ ×۱۹ و ۸×۱۲/۵ س ۲۴

[۱۶۶۸] حاشیهٔ قواعد (عربی)

جمال الدین احمد بن النجار شاگرد شهید یکم که نسخه‌ای از قواعد علامهٔ حلی را در ۸۲۳ نوشته و پیش از ۸۳۵ درگذشته بود حاشیه‌ای بر همین کتاب نگاشته و گویا همان حاشیهٔ استاد را گردآورده است و همین است که به « حاشیهٔ نجاریه » نامبردار است و پاره‌ای از آن بانشانهٔ « نجاریه » در هامش قواعد چاپ ۱۳۱۵ (از نکاح تا پایان) دیده میشود (ذریعه ۶ ۱۶۹ و ۱۷۲) از سنجیدن نسخهٔ ما با آنچه در چاپی آمده برمیآید که ایندو درست یکی نیستند و چاپی هم در شمارهٔ حاشیه‌ها و هم در خود حاشیه‌ها افزوده دارد و از آغاز تا عطایا هم که در نسخهٔ ما هست در چاپی نیست بجز یک حاشیه (دربارهٔ عبارت : لو ضم التبرد) که در نسخهٔ ما (گ ۳ الف) آمده و همانست که در ص ۱۰ چاپی بانشانهٔ (۱۲) دیده میشود ولی ایندو در پایان یکی نیستند. در پایان هم در نسخهٔ ما بندهائیست که در چاپی نیامده و بندیکه در هردو هست (قوله ولو دان اسبرأ ضمن الدية) هم در چاپی افزوده دارد و دوسه بند در چاپی هست که در نسخهٔ ما نیست. پس گفتار افندی در اینکه دو حاشیهٔ نجاریه و شهید یکی هستند درست نیست و همین اندازه میدانیم که در نجاریه از حاشیهٔ شهید بهره برده شده است و میتوان گفت که نسخهٔ ما همان حاشیهٔ شهید است که در نسخهٔ قواعد ابن نجار بوده (پایان نسخهٔ ما) و او گویا با افزایش و کاهش و گسترش در این حاشیهٔ استاد « حاشیهٔ نجاریه » خود را نگاشته است .

[۱۹٦۸]

۱۱۹۳ این نسخه بنسخ کهن است و باعنوان (قوله) بشنگرف ودرشت نروشماره های ابجدی بندها هم بشنگرف میباشد و درآغاز شوال ۸۸٤ بپایان رسیده و از روی نسخهٔ مزیدی نوشته شده است . گ ۲ الف ــ ۱۹٦ ب . خط دارندهٔ نسخه محمدبن محمد باقرحسینی عرب و همچنین مهر « محمد باقربن محمد تقی الموسوی » و خط محمد اقدس ابن علم الهدی که نسخه را در سپاهان درذی حجهٔ ۱۰۳۷ یا ۱۳۰۷ بیهای ۳۰۰۰ دینارخریده است در ۱ الف دیده میشود .

درصفحهٔ عنوان بخط دیگری دارد «هذه الحاشیة علی قواعد العلامة امامن مصنفات الشهید الاول واما من مصنفات الشهید الثانی» وبخط دیگری دارد «حاشیهٔ قواعد شیخ علامهٔ حلی من اول القواعد الی آخره» درصفحه ایکه ازجلو از بسته شدن برگها بدست میآید دارد « حاشیة علی قواعد العلامه و یکون لاحد الشهیدین » همچنین درچنین صفحه ایکه دربالای برگها بدست میآید دارد «حاشیه قواعد علامه والحاشیة اما للشهید الاول اوللثانی » درحاشیه ۲ الف بخط نستعلیق تازه ای دارد « چندین قرینه یافته شد که معلوم شد که حاشیهٔ قواعد ازشهید اول است اعلی الله مقامه وهمان استکه مسمی بحاشیهٔ نجاریه است ودرجامع المقاصد مکرر نقل میفرماید ازاین حاشیه» .

آغاز : «د» هذا التعریف صادق علی العزم فانه لمالم یشترط فیه المقارنة کان اعم من النیة والعزم ... « ز » هومنقوض فی عکسه بنیة الاحرام والصیام وجوابه هماتوطین النفس والتوطین ایجاد . قوله وهی شرط الی آخره هنا سؤال وهو انه حکم بان النیة من الافعال بادیا ثم حکم بکونها من الشروط ثانیاً و ذلك متناف و جوابه من وجوه (دربارهٔ : النیة وهی ارادة ایجاد الفعل علی الوجه المأمور به شرعاً وهی شرط ــ ازفصل ٤ مقصد ۳ کتاب الطهارة قواعد ص ۹ چاپی) .

انجام : قوله : بالفاظ مختصرة وعبارة محررة اشارة الی هذین المعنیین . قوله : وطریقه السداد . هذا آخر ماوجد من الحواشی . [علی قواعد الشیخ جمال الدین احمد بن النجار قدس الله نفسه وروح رمسه ونقلت من (نسخة) بخط المزیدی (۱) نقلها من (نسخة)

۱ــ ابن مزیدی گویا شیخ علی بن منصور بن الحسن مزیدی زندهٔ در ۸۷۷ باشد نه شیخ رضی الدین ابوالحسن علی بن السعید جمال الدین احمد بن یحیی مزیدی حلی (م ۷۵۷) که شاگرد پدرخود وابن معیه وابن الابریسمی و نجیب الدین محمد بن نما وصفی الدین محمد بن یحیی بن سعید وصفی الدین محمد بن معد موسوی وجمال الدین محمد بن احمد بن صالح ستینی قسینی وابن داود وعلامهٔ حلی واستاد شهید یکم بوده است (روضات ص ۳۸۷ مستدرك ۳:٤٤۲) .

صنف المشركين وغير واجب كنكح غير الامام وعدم دهم العدو
فيجب الدية في الثاني دون الاول اذ الاباحة عابنها اسقاط
القود قوله ولو قتل صبيا ومجنون مسلماً ففي ايجاب الكفارة نظر
انه به العدم والاقرب وجوبها على الذي لكن سقط بالاسلام
وعلى قاتل نفسه وجه الاقرب في قاتل نفسه تناول عموم
النصوص فقد وجد المقتضي وانتفا المانع اذ دليل اجنابة
على نفسه وهو لا يصلح للمانعية ويحتمل عدم الوجوب لان قوله
تع ومن قتل مومنا عدي الفعل الى المفعول ويحتمل المغايرة
بين الفاعل والمفعول وكذا باقي النصوص ولهذا ينبني
وهو عدم اشتراط بقا المكلف وفرع رابع وهو وجوب
اربع كفارات على الجاملين وصحيحه قوله وفقاك الله لكل
محذوراي صرف عنك قوله لخصته لك لست فتاوي ليس
الشي هو خالصه التلخيص هو الشرح والايضاح وقد يقال
على حذف الزوايد والاتيان بالفوايد والكتاب مشتمل على
المعنيين اذ ليس طويلا مملا ولا موجزا مخلا فبالاعتبار الاول
يصدق عليه المعنى الثاني وبالاعتبار الثاني يصدق عليه
المعنى الاول وقوله بالفاظ مختصرة وعبارة محررة اشارة
الى هذين المعنيين قوله وطريقة السداد هذا اخر ما وجد
من الحواشي فرغ العبد محمد عبد ... الحسيني ... على مجلسه
في ... يوم ... عشر شوال سنة اربع وخمسين ...

ک۱۹۶اب پایان حاشیهٔ قواعد ش ۱۱۹۳

ذکر کاتبها نقلها کما وجدها بخطه وکا (ن) فیها من علا (مة) اواس (ط) فهو من خطه ک (ذا) والحمدلله والصلوة (علی) خیرخلقه (محمد) وآله] (این بند درحاشیهٔ نسخه است وفرسوده شده ورفته و آنچه میان دو کمانه گذارده‌ام بگمان خوانده‌ام) فرغ العبد ... (یك کلمه خوانده نشده) محمد بن عبدالعلی بن هاشم الحسینی من نسخها علی عجلة فی الکرك یوم عیدالله غرة شوال من سنة اربع وثمانین وثمانمائة .

در گ ۱ ب یك صفحه است از جامع الفوائد حلی که در کاشه می‌بینیم وحاشیهٔ شهید در ۲ الف است تا ۱۹٦ ب . در گ ۱۹۷ و ۱۹۸ هفت بند است از حاشیهٔ محقق کرکی برقواعد با نشانهٔ «ح ل» ودر پایان نخستین دارد «هذا الحاشیة منقولة من شیخنا الشیخ علی ابن عبدالعال اطال الله بقاه» و درپایان دومی دارد «من املاء شیخنا عبدالعال دام ظله ومن منقوله» درسومی دارد «من املاء شیخنا سلمه الله تعالی» و درهفتمین مانند اینها چنانکه در کاشه (۱۹۸ ب) می‌بینیم . در ۱۰۳ ب هم دارد «حاشیة من قواعد بن عبدالعال : من ان الوکیل امین ...» .

(۱۹۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا وگردش تیماج وفرسوده

اندازه : ۱۴ ۱۸ و ۱۰ ۱۴ س ۱۹

[۱٦٦۹] حاشیهٔ مختصر (عربی)

سراج الدین ابی یعقوب یوسف سکاکی خوارزمی حنفی معتزلی (م ٦۲٦) مفتاح العلوم درهشت علم ادب و در سه بخش نوشته است . جلال الدین محمد قزوینی شافعی خطیب دمشق (٦٦٦ - ۷۳۹) بخش سوم آنرا که درمعانی و بیان و بدیع است گزین کرده بتلخیص المفتاح بپرداخت و سعدالدین مسعود تفتازانی (م ۷۹۲) برا ین تلخیص گزارشی بزرگ بنام مطول برای سلطان ابوالحسن محمد کرت در گرگانج خوارزم در روز دوشنبه ۲ رمضان ۷٤۲ آغاز و در هرات روز چهارشنبه ۱۱ صفر ۷٤۸ پاکنویس آنرا بانجام رسانده . او گزارشی کوچك بنام مختصر درغجدوان بسال ۷٥٦ نگاشته است . ملازاده نظام الدین عثمان خطائی (م ۸۰۱) برمطول حاشیه نوشته (فهرست مروی ۲:۳۷٦ ش ۱۰٥٦) وبرمختصر هم این حاشیه را که اکنون میشناسیم نگاشته است . چلبی (۱:۳۲٥) گویا این دو حاشیه را درست نشناخته بود (ذریعه ٦: ۷۰ - طوس ۳ : ٥۷ - سپهسالار و معارف ۲: ۱٦٥) .

یک صفحه از جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد حلی، در نسخهٔ ش ۱۱۹۳ گ ۱ ب

آغاز : بسمله . و به نستعين . رب وفقنی لاتمامه . نحمدك اللهم علی ما اعطيتنا من سوابغ النعم و بوالغ الحكم و نصلی علی نبيك الهادی للعرب والعجم علی وجه اكمل واتم . قوله : نحمدك . آثر الحمد علی الشكر لان الحمد يعم الفضائل والفواضل والشكر يختص بالاخير .

انجام : قوله : وقد يترك الخطاب مع معين . قال ره فی قول السكاكی وحق الخطاب ان يكون مع معين ... وكلامه ره لايحتمل هذا والاولی ان يقال بل المتروك بالمتروك اليه فيقال بترك المعين إلی غير المعين او الخطاب (تمت كتابة هذه النسخة الشريفة فی تاسع عشرين من شهر ذی الحجة الحرام سنة احدی وسبعين وتسعمائة ۹۷۱ فی يوم الثلثا علی يد العبد الضعيف المذنب الفقير الی الله الغنی محمد باقر بن عبد القادر الخطيب الحسنی اللهم اغفر له ولابويه ولجميع المؤمنين والمؤمنات رب وفقه علی ما اراده)

[۱۹٦۹]

۸۱۲ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای (قوله) و نشانه‌های شنگرف از محمد باقر بن عبدالقادر خطیب حسنی استرابادی که در روز سه شنبه ۲۹ ذی‌حجهٔ ۹۷۱ آنرا نوشته است . گ۱ ب ـ ۵۸ ب . حاشیه‌هائی دارد با نشانه‌های «ع ا ه» و «ع آ ه سلمه ا ه» از همان حاشیهٔ یزدی در ش ۲ همین دفتر و «سیف» و «حامد» (ذریعه ۵:۷۱و۷۲وطوس ۵۸:۵ وسپهسالار ۲:۴۰۵) و «منه» و «داود» و«جمره» وحاشیه‌های یزدی وسیف در بیشتر جاها هست. در صفحهٔ عنوان دارد «خطائی حاشیهٔ برمختصر وملاعبدالله حاشیهٔ برخطائی» .

(همهٔ دفتر ۱۲۳گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا وگردآن میشن
اندازه : ۱۰×۱۸ و ۵×۱۱ س ۱۸

[۱٦۷۰] **حاشیهٔ نحوی** (عربی)

این دفتر که در نسخهٔ ما آغاز آن نیست و گمنام و بی‌نام میباشد حاشیه‌ایست بر کتابی در نحو که فهرست بابهای آن چنین است :

الباب الاول فی الاصطلاحات النحویه (۲ الف) الباب الثانی فی العوامل اللفظیة القیاسیة (۲٦ ب) الباب الثالث فی العوامل اللفظیة السماعیة (۳۷ ب) در آن از شیخ عبدالقاهر وزمخشری و کشاف او ومفتاح (سکاکی) یاد شده است و پیداستکه متن ازاین سه تن نخواهد بود (۱).

[۱۹۷۰]

۵

۱۱۷۲ این نسخه بنسخ کهن است وعنوانها سیاهتر ودرش ... و عبدالله بن جلال بن سراج الدین حسینی در ۷۳۳ ... انوشته است ... حاشیه‌های دارد ... نسخ ریزتر وروشن‌تر. کتاب ۱ الف. ۷۳ الف.

(۳۷۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا

۱۰ اندازه. ۱۵ . ۱۷ و ۱۱ ۱۴ س ۱۷

(عربی)

[۱٦۷۱] ... ((و ... الله ...))

این رساله در حج است ودرش ... باب میباشد.

آغاز: هذه رسالة الشیخ فی الحج بسمله و ... وهو حسبی و کفی. الحمدلله الذی بر الانام و عرفهم ما یلزمهم من مهمات الاحکام ومیز لهم الحلال

۱۵ من الحرام. اما بعد فهذه مختصرة ... لبیان الحج والعمرة ... لاحب الناس واعز الخلق علی. وحیث کان العزم علی ... فی طریق ... الی طیبة علی واضح المنهج فصرنا البحث علی الحج ... للخارج من المدینة وعمرته...

وینحصر البحث فی ستة ابواب.

انجام: وروایة المعانی عن الص ع انه قول الرجل لا والله و بلی والله و سباب

۲۰ الرجل والعمل علی الاول والاحتیاط لایخفی (تم بالخیر والسعادة. تم).

۱ـ آغاز نسخهٔ ما: ... فیه والعامل ... کان المعنی الذی حصل فیه وهو من النحو ... من النحو ... الا الا انه یعنی غناء التمیز فی دفع الابهام ... قوله ان ... والمعنی ... الطعام فی الفم وقد یکنی به عن الاکل لانه من ... و ...

۲۰ ... دیده میشود.

گ ۸۳ الف پایان حاشیهٔ نحوی ش ۱۱۷۲

[۱۹۷۱]

۱۱٦٥ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف ــ ۹ ب ــ ۲۷ ب . پیش از آن در ش ۱ گ ۱ ب ــ ۷ ب پاره‌ایست از کتاب فقهی در اعتکاف بهمین خط و پس از آنهم در ش ۳ گ ۲۸ الف ــ ٤۳ ب پاره‌ای

۵ از کتابی فقهی درباره کفن و نماز مرده بنسخ .

(همهٔ دفتر ۱۰۴گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج آریاکی

اندازه : ۱۲×۲۰ و ۷×۱۵/۵ س ۲۰

[۱٦٧۲] الحج والزیارة (رسالة...) (عربی)

این رساله دربارهٔ حج و زیارت است و گویا از همان نگارندهٔ رسالهٔ

۱۰ تولانیه باشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله علی سوابغ نعمه الغزار والسلام علی نبیه محمدالمختار وآله الاطهار ــ فهذه جملة تشتمل علی مالابد منه من بیان مناسك حج بیت‌الله الحرام وزیارة رسوله وآله . وضعتها علی سبیل الاختصار بالتماس خلاصة بعض الاخوان الاخیار . . وهی موضوعة علی مقدمة وفصول .

۱۵ انجام : فمن زارهم رغبة فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کانت ائمتهم شفعائهم یوم القیمة ولیکن هذا آخر رساله والحمدلله رب العالمین .

[۱۹۷۲]

۱۱٦۳ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمان خط ش ۱ و جای عنوانها سفید است . در گ ۷۰ ب درهامش نشدی باعنوان «فائدة» افزوده شده ودرپایان دارد «هذه

۲۰ الفائدة الحقها المصنف بعدما صنف الکتاب» درپایان دارد «تمت الرساله فی الیوم السابع عشر من شهر شعبان المعظم سنه خمس والف من الهجرة النبویه» گ ٦٥ب ــ ۷۳ ب .

[۱٦٧۳] سیر العباد (فارسی)

این منظومه از ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی (٤۳۷ ــ نزدیك ٥٤٥) میباشد و بهترین چاپ آن همانستکه آقای مدرس رضوی درتهران بسال ۱۳۲۹

کرده‌اند . و برای شناختن آن بدیباچهٔ همین چاپ میتوان نگریست (نیز ریحانةالادب ۲:۲۳۰) .

آغاز :

ای درون پرور برون آرای   وی خرد بخش بیخرد بخشای

خالق و رازق زمین و زمان   حافظ و ناصر مکین و مکان

انجام :

شد تمام این کتاب در مه دی   که در آذر فکند این را پی

پانصد و سی (بیست) و چهار رفته ز عام

پانصد و سی (بیست) و پنج گشت تمام

باد برمصطفی درود و سلام   ابدالدهر صد هزاران عام

صدهزاران ثنا چوآب زلال   از رهی باد برمحمد و آل

[۱۹۷۳]

۱۰۶۶ این نسخه بخط نستعلیق است و با عنوانهای شنگرف و در جدول زرین و شنگرف ودرصفحهٔ نخستین میان سطرها زراندود میباشد سرلوحی دارد بزر وشنگرف ولاجورد . کتاب دره ب ـ ۳٤٤ الف . درگ ٥ الف دارد «بمعرفت ملامحمد ابتاع شد» و «دردارالخلافهٔ تهران بمبلغ سه‌تومان ابتیاع کرده‌ام‌شهرذیحجهٔ ۱۳٤۳ خلیل بن... سلطانی» (بامداد نوشته شده) و « حدیقهٔ سنائی ۱۰۰ریال »- این نسخه را آقای اسماعیل اتحادیه بآقای مشکوة هدیه کرده و ایشان دراین کتابخانه گذارده‌اند .

(۳۴۷گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سبز ممقوالی درون آراسته بزر و بیرون زرکوب ودررویهٔ آن درهرسوی سه بار بزر چنین نوشته شده : « امید شفاعت زمحمد ناصر » .
اندازه : ۱۰×۱۷/۵ و ۵/۵×۱۲ س ۱۷

[۱۶۷٤] حقائق جمیع الارکان (عربی)

نگارندهٔ این‌نامه دردیباچه میگوید که من درجوانی بپاره‌ای ازرازهای نماز برخورده بودم و برای یکی از یارانم نامه‌ای دراین زمینه بپارسی نوشته‌ام

سپس در هنگامیکه بشام میخواستم بروم و بتبریز گذشتم رساله‌ای در « حقائق الاصول الخمسة التی هی مبانی الاسلام » از یکی از دانشمندان تبریز بدیدم و خودم هم بنکته‌هائی برخوردم که در آن یاد نشده و کسی هم نگفته بود این بود که من در راه حجاز « قصیدة فی مناسك الحج » بسرودم و در بازگشت بآذربایگان ۵ که رسیدم این « الرسالة المعربة عن حقائق جمیع الارکان » را دریك مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه نگاشته‌ام ـ نگارنده ماناسنی است و روشی عرفانی و فلسفی هم بکار برده است .

چنین است فهرست این رساله : مقدمه در دو مطلع (وجه بناء الاسلام علی الخمس ـ بیان الاصطلاحات) فصل نخستین : الحقیقة الاولی من الخمس (الشهادتان) . فصل ۱۰ دوم : اقام الصلوة . فصل سوم : ایتاء الزکوة . فصل چهارم : صوم رمضان . فصل پنجم : الحج . خاتمه : نصیحة المحب .

آغاز : بسمله . الحمد لله الذی هدانا بنعمة الاسلام و اصطفانا من بین عباده بالاکرام وبنی علی الاصول الخمسة فاشرفنا به من الانعام . . . و بعد فانی عثرت فی بعض خلواتی عند اخضرار نباتی علی حقائق اوضاع الصلوة فاملیت بالعجمیة فیها رسالة ۱۵ لبعض رفقائی فی طریق النجوة .

انجام : عفیف النفس لا عن الاموال و الاسباب و الشهوات و اللذات لا بالتعفیف و التبصیل بل بالاعراض عنها و الله اعلم بالصواب .

[۱۹۷٤]

۲۰ ۱۱٦٤ این نسخه ش ۳ دفتر است و نسخ روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ ٤۲ ب ـ ٦۳ الف .

[۱٦۷٥] **الحکمة المتعالیة** (عربی)

فی الاسفار الاربعة العقلیة

همان نگارش صدرای شیرازیست که در ص ۲٥۲ همین فهرست شناخته‌ایم

بسم الله الرحمن الرحيم

گ ۱ ب آغاز الحکمة المتعالیة ش ۱۱۷۰

(ذریعه ۲: ۶۰ و ۷: ۵۹) میرزای جلوه و ملااسماعیل سپاهانی و میرزامحمدرضای قمشهی و ملاعبدالله زنوزی و پسرش آقاعلی مدرس تبریزی و ملاعلی نوری و میرزا محمود قمی و سید محمد مشکات بیرجندی و حاجی ملاهادی سبزواری برآن حاشیه نوشتند (ذریعه ۶: ۱۹).

[۱۹۷۵] ۵

۱۱۷۰ این نسخه بخش سوم است و بخط نسخ و حاشیه‌ها دارد بخط نستعلیق وعنوانها و نشانه‌ها درآن بشنگرف میباشد. مهدی حسینی اعرجی فریدنی متن را درشبی ازشبهای دهۀ نخستین صفر ۱۲۷۶ وحاشیه‌ها را درروز ۳ ج ۲/ ۱۲۸۰ پایان برده است.

۱۰ (۱۶۴گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد ندارد

اندازه: ۱۸×۳۰ و ۶×۱۸/۵ س ۳۳

گ ۱۶۴ الف پایان الحکمة المتعالیة ۱۱۷۰

[۱۶۷۶] حل المسائل (فارسی)

قطب الدین عبدالحی بن عزالدین زاهدی دیری حسنی لاری پس ازنگارش حل و عقد درنجوم و سراج السالکین دراعمادات بدستور دانشمندی این نامه بپرداخت و درآن مقدمه‌ای دارای دوازده فصل و دوازده باب و یك خاتمه گذارده است اواین را درزمان «شاه عباس صفوی حسینی» وبنام امام قلیخان

وامیرابوالحسن نوشته (پایان) وآزمودهٔ خودرا درستاره شناسی درآن آورد .
درآن‌از کتابهای دانشمندان یاد شده‌است . جدول جایگاه ستارگان ثابت بسال
۱۰۴۲ برابر با ۱۰۰۲ یزدگردی درآن‌آمده (گ ۹۸ ب) وازروز دوشنبه ۱۲
ذی‌قعدهٔ ۱۰۳٦ هم یادگشته است (۹۵ الف) آقامحمد ناظر متصدی لار دربارهٔ
اینکه خواجه عبدالجواد مروستی درآنجا فرمانروا شده است پرسشی کرده ۵
که درآن دیده میشود (۸۹ ب) جدول میل وعرض و دیگر جدولهای نجومی
درآن هست . (۹٦-۱۰۲) .

فهرست : مقدمه دربیان مسائل که واجب است قبل‌از شروع دردوازده
فصل (پرسنده و پرسیده وراه پرسش ـ آمدن چند تن یکجانزد ستاره شناس ـ
آزمایش ـ درستی درآوردن‌ضمیر ـ یافتن‌دلیل‌ضمیر ـ یافتن‌ضمیر ـ قاعده کل‌یافتن ۱۰
ضمیر ـ منسوبات‌دوازده‌بیت ـ نشانه‌های‌فرجام‌کار ـ یافتن‌وروا شدن‌نیاز ـ رواشدن
نیاز ـ یافتن خبی) بابها روی بیتها و برجهای دوازده گانه نهاده شده و خانمه
درمسئله‌های پراکندهٔ ستاره شماری‌است . این کتاب درست‌مانند مسائل‌قصرانی
ساخته شده‌است نسخه‌ای ازاین درمجلس هست (۹۳:۲ ش۱۷۲) ودرذریعه هم
ازآن یادگشت (۷٤:۷) ونگارندهٔ آن‌عبدالحی‌وعبدالحسین‌هردوخوانده‌شد(۱). ۱۵

آغاز : بسمله . بعدالحمدلله سبحانه (و) الصلوات‌علی نبیه‌وولیه . برارباب
خبرت پوشیده نماناد که . . . قطب‌الدین عبدالحی‌الحسینی چون از تألیف کتاب
« حل وعقد نجوم » وتصنیف کتاب « سراج‌السالکین » دراعتقاد فارغ شد یکی
ارفضلا . تأکید نمود برتألیف رسائل و... فرمودند خلق زمان ازاکابر وغیره
دراین‌اوقات بیشتردرطالع مسئله‌بجهت سوانح حالات پرسش‌مینمایندبنابراین ... ۲۰
این کتاب را بحل‌المسائل موسوم ساخت و برمقدمه و دوازده باب و خاتمه
ترتیب داد .

۱ـ بنگرید به ص۸۸۳و۹۱۹همین فهرست . سرگذشت مصلح‌الدین بن صلاح بن
جلال بن کمال بن محمد لاری انصاری سعدی عبادی شافعی م ۹۸۹ شارح هیئت قوشچی
که درآنجا یاد شده درفهرست سوری ص ۱۱٦ هست. ۲۵

انجام : امید که چون بنظر اصلاح رسد خطا و زلل آن بذیل الطاف عام بپوشند .

[۱۹۷۶]

۱۱۱۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق در پایان چلیپا با عنوانها و نشانه‌ها ورقمها وجدولها بشنگرف که محمد حسین بن حاجی شمس‌الدین محمد بن حاجی محمدعلی آرانی درسپاهان درروز دوشنبه ۲۵ صفر ۱۰۵۷ آنرا بانجام رساند . گ ۲ ب ــ ۱۰۳ ب . در ۱ ب ــ ۲ الف چند قاعده‌ایست درستاره‌شماری . در ۱۰٤ الف ــ ۱۰۵ ب هم چند قاعده‌ایست درستاره شناسی وستاره شماری ازمولانا علیشاه خوارزمی وازلباب‌الحکمه (ازرموزهرمس) وازحسین فارسی محاسب وجاهای دیگر. ش ۱ درمیانه کم وکاست دارد . از برگ ۷٤ کمی افتاده است . شش برگ نخستین وپانزدهم تازه است . محمداسمعیل ستاره شناس فرزند مالك محمد گلپایگانی شیرازی درربیع یکم ۱۱۸۹ ودیگری در ۱۱۹۲ دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ ۱۰۹ ب) .

(همهٔ دفتر ۱۰۰۳ــ) ــ کاغذ سمرقندی ــ تیماج سرخ سادهٔ مقوائی

اندازه : ۸٫ ۱۹ و ۴٫ ۱۴ س ۲۱

[۱٦۷۷] حل الموجز (عربی)

جمال‌الدین محمدبن‌محمد بن محمد آقسرائی ۷۷۹ ه در این دفتر موجزالقانون ابن‌النفیس علاءالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الحزم قرشی ۶۸۷ ه را گزارش نمود . در آن جز از قانون و کامل و حاوی و نگارشهای نجیب‌الدین سمرقندی و مانند اینها نیاورد و خود آنرا « حل‌الموجز » نامیده است (۱) متن پس‌از قال و گزارش پس‌از اقول آمده است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی افضل انبیائه محمد و آله اجمعین . اما بعد فان‌الطب علم شریف لشرف موضوعه و وثاقة دلالته وشدة‌الحاجة الیه . فلذلك صرفت نبذ من زمن تحصیلی الیه وقرأت‌المختصرات

---

۱ ــ بنگرید به : فهرست دانشکده پزشکی ص ۱۷۰ ــ ۱۷۳ ــ همین فهرست ص ۸۱۱ فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۱۹۵ ــ فهرست قنوانی ص ۲۰۸ .

المشهورة فيه علي والدي وطالعت اكثر مابلغني من المطولات وما اكتفيت بما اكتفي
به المعاصرون من الاطباء وهو القدر الذي به يتعيشون وبواسطته الى الملوك يتقربون
بل حققت قواعده على وجه يوافق الاصول الحكمية وكان من جملة ماقرأت عليه
موجز القانون للحكيم المحقق ابي الحسن القرشي المعروف بابن النفيس فاردت ان
اشرحه لمافيه من المشكلات افادة للطلاب .

انجام : وفي العسل والسكر اربع مثقال والله اعلم (بتحقيق الحال واليه
المرجع والمآل) قال الشارح (الشيخ الفاضل ... جمال الدين . . .) هذا آخرما
سمحت به قريحتي القريحة وفطنتي الجريحة من شرح موجز القانون وقد وقع
الشروع فيه والتمام في احوال يصير بها الذهن كليلا والقلب عليلا والمرجو من الناظر
فيه اصلاح ماوقع فيه من الخطايا احسانا والله تعالى بجازيه روحا وريحانا) والحمدلله
تعالى والمنة) :

[۱۹۷۷]

۱۱۲۸ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش و باحاشیه هائی از شرحهای
قانون مانند سدیدی وقطبی وخجندی وازالمائه و جزاینها بنسخ ریزتر ویا
بنستعلیق ودر گ۲ الف وب حاشیه ایست با «منه رحمه ا ه» ودرجاهای دیگر. نسخهٔ ما
درباب۳ درورمها وبثور وجذام ووباء ووبا دردرمان « دبیله وخراج » بدین عبارت
« قال : العلاج استفراغ المدة والحمية . . . مع لعاب الخردل مفجر . . جميع ذلك في
دهن» پایان مییابد در گ۱ الف ـ۲ الف جدولی است درباره داروها و بیماریهائیکه
با آنها درمان میشود .

(۴۲۵گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد ندارد
اندازه : ۱۶/۵× ۲۷ ـ ۹/۵×۱۸ س ۳۱

[۱۹۷۸]

۱۱۸۲ این نسخه بنسخ و عنوانها شنگرف ومتن زیر خط سرخ میباشد و حاشیه ها
دارد با نشانهٔ « قطب ، منهاج ، نفیس ، منه رحمه‌الله » .
حاج اسماعیل درتبرداران سرای عتیق معموره بسال۱۱۶۳ دارندهٔ نسخه بوده است
(۲ ب) مهر او « بندهٔ رب جلیل اسماعیل » هم هست همچنین خط و مهر دارندگان

نسخه سید عبدالقادر و محمدصالح حسنی و محمدهادی طبیب . کتاب : ۳ب — ۱۸۷ ب .
(۳۱۸۹ن) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۸×۲۶ و ۱۰×۱۷ س ۲۶

[۱٦٧٨] الخطب (کتاب ...) (عربی)

شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی (م ۱۱۳۵) این خطبه‌ها را برای دو خطبهٔ نماز آدینه و خطبه‌های غدیر و سوگواری بر حسین ع در سالهای ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۵ و پیش از ۱۱۲۸ ساخته و در برخی از خطبه‌های آدینه از شاه سلطانحسین بهادرخان و شاه‌صفی قلیخان نام برده و بستوده است و بسیاری از آنها تاریخ دارد . (ذریعه ۱۸٤:۷ روضات ۳٦۳) .

آغاز . هذه الخطب انشاء رئيس المحدثين و عمدة المحققين و زبدة المدققين الشيخ الاواه عبدالله بن صالح السماهيجي البحراني . بسمله الحمدلله الذي ابتدع الموجودات بقدرته القاهرة الازلية واخترع المخلوقات بمشيته الباهرة السرمدية .

انجام واذل اضداده و عدوانه بحق محمد و آله الطاهرين .

[۱۹۷۹]

۱۲۰۳ این نسخه نسخ معرب و عنوانها و نشانه‌ها شنگرف میباشد واز عنوان خطبه‌ها برمیآید که در روزگار او نوشته شده است. بسیاری از جاها سفید گذارده شده و کم دارد .

(۳٤۷۵ن) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی
اندازه ۱۰/٥ ۱٥/٥ و ٦ ۱۰ س ۱۰

[۱٦٧۹] خطبة ... (عربی)

این نامه از شیخ بهائی است و در س ۸۸٤ شناسانده شده است .

آغاز . بسمله . نحمدك يامن لا يحيط بجميع نعمه عدد .

انجام ... و ... اليك والله حفظ عليك .

[۱۹۸۰]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ معرب باعنوانها و رقمهای شنگرف که طهماسبقلی در ۱۰۵۰ برای خود نوشته است . حاشیه‌های «منه رحمه‌الله» دارد بنستعلیق .
در گ ۹ الف دارد : «قدانتقل الی الکتاب . محمد جعفر بن میرزا ابوالقاسم ۱۲۷۲» .
گ ۹ الف ـ ۴۲ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱) . ۵

[۱۶۸۰] خمس (رساله در احکام ...) (فارسی)

در این نامه در چند بحث از خمس کاوش گردید .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلق الاشیاء بقدرته و اجری الاحکام بین عباده بقضائه و قدره . . . این رسالهٔ مختصریست در بیان احکام خمس که مقرر فرموده است آنرا خداوند عالم بعوض زکوة از برای حضرت رسول و اولاد ۱۰ وذریهٔ طاهرین او .

انجام نسخهٔ ما : چنانچه احوط اگر نباشد اقوی این است که رجوع نماید (سلطان) (بند ٤ فصل ۲ مبحث سوم در انفال) .

[۱۹۸۱]

۱۱۹۶ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و باید از همان ۱۵ شهریاری باشد و کمبود دارد . گ ۸۳ الف ـ ۱۰۲ ب .

[۱۶۸۱] الدر المنتخب من التقریب (عربی)

و شرح المکتسب

المکتسب فی صناعة الذهب دفتریست کیمیائی که جلدکی در غایة السرور ودیگر نوشته‌های خود از آن بسیار بستود و گویا از ابوالقاسم عراقی باشد مانا ۲۰ همان حکیم ابوالقاسم احمد بن محمد معروف بخروشاه عراقی سیماوی نگارندهٔ عیون الحقائق و ایضاح الطرائق (ص ۱۰۰۹ همین فهرست ـ چلبی ۳۱۸:۱ و ۲ :

۱٤٤و۵۱۱ - سیگل ص۳۰) جلدکی آنرا بنام «نهایةالطلب فی شرح‌المکتسب»
گزارش نمود و این را چلبی گویا دیده ولی با گزارش دیگر او براین کتاب
که همین نسخهٔ ما باشد یکی پنداشت با اینکه نهایه بنوشتهٔ او دارای سه سفر
هریکی دارای مقدمه ومقالات وخاتمه است واین کتاب دارای مقدمه و دوازده
۵ باب ویك خاتمه است او درآغاز همین گزارش میگوید که نگارندهٔ‌مکتسب‌نام
خود را نهفته داشت و دانسته نشدکه او کیست . چلبی نیز میگوید که من هم
سرگذشت او را جائی ندیده‌ام و در پشت نسخه‌ای خوانده‌ام که از شیخ علامه
ابوالقاسم‌عراقی‌است . جلدکی این‌الدرالمنتخب را ازالتقریب‌فی‌اسرارالترکیب
۱۰ خود وازشرح مکتسب آنهم ماناازخوداو (همان‌نهایةالطلب) گزین نموده است
وروی همین بود که چلبی‌آندورا ازهم بازنشناخته است .

جلدکی دراین‌گزارش بندهای متن را پس‌از « قال‌الشیخ » وسخنان خودرا
پس‌از « الشرح » میآورد .

جلدکی درباب دوم پس‌از یاد کردن سخن عراقی درمتن که شش فلز یك
۱۵ گوهرند و بمام و نفس دارند ودر کیف باهم ناسازگارند نه در گوهرمیگوید
که ابن سینا هریکی‌ازآنهارا گوهری جداگانه پنداشته که نمیتوانند بیکدیگر
برگردند آنگاه مینویسد که شهید نورالدین طغرائی در حقائق‌الاستشهاد بدان
پاسخ گفته و نوشته که بگواهی شفا ابن سینا دراین‌باره ودربارهٔ کانها وپایداری
جان پس‌ازتن سرگشته‌است مانندجالینوس‌دربارهٔ جان وروان . بیشترفیلسوفان
۲۰ اینگونه انقلاب‌فلزات رانپذیرفتندوحنین‌بن‌اسحق‌هم همان‌سخن‌ابن سینا را دارد
وابومحمدبن حزم آنرا جادو و پندارداننده و نادرست . ابن تیمیه گفته که میشود
فلزی برنگ فلزدیگردرآید ولی‌پس‌ازهفتادسال برمیگردد .

جلدکی دراینجا سخن‌آنهائی را که انقلاب رانمی‌پذیرند رد میکند تا اینکه
مینویسد که من کتابی از ابن سینا دربارهٔ همین هنر دیدم که درآن راست را

دروغ ونادرست را درست پنداشته‌است و برهان هم نیاورد وانقلاب‌را نپذیرفت.
سپس او بسخنان ابن سینا وحنین‌بن اسحاق دریکی‌ازرساله‌های خود وابن‌حزم
وابن تیمیه درهمینجا پاسخ گفته است (۱).

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدلله تعالی عن‌العلل والمعلولات و تقدس
عن لوازم‌الاجساد والمتحیزات وتنزه ان تحیط به‌العقول والادراکات ... و بعد ۵
فانه بتوفیق من‌الله تعالی لمااطلعت علی کلام‌المتقدمین وفهمت عبارات‌المتأخرین
وتفرجت فی بساتین کتب‌الاساطین و نظرت فی‌شرح شذورالذهب واعجبنی‌شرح
المکتسب‌فاردت‌اختصاره‌لتسهیل مراجعته‌للحکیم ویقرب من‌فهم‌من‌ارادالتعلیم...
ورتبته علی مقدمة واثنی عشر باباً وخاتمة ... وسمیته بالدرالمنتخب من‌التقریب
وشرح‌المکتسب ... قال (الحکیم‌المحقق‌والنحریرالمدقق‌الامام) ایدمربن‌علی‌بن ۱۰
ایدمرالجلدکی (تغمده‌الله برحمته واسکنه فسیح جنته) اعلم‌ان من‌المفترض علینا
فی عقولنا کتمان هذاالعلم وتحریم اذاعته‌لغیرالمستحق من بنی‌نوعناوان‌لایکتمه
عن اهله.

۱ــ سخن ابن‌خلدون درمقدمه (فصل ۲۳و۲۶ باب ٦) برمیآید که فارابی چون
تهیدست بود کیمیا را درست میپنداشت ولی ابن‌سینا که وزیربوده است وتوانگرآنرا ۱۵
دروغ میدانست. خود ابن‌خلدون هم این هنر راکردار روانی نیکان و برگزیدگان
وبا جادو وچشم‌بندی بدکاران میداند نه هنری طبیعی بلکه مینویسد که فرجام‌خواندن
نوشته‌های کیمیاگران جز نومیدی نخواهد بود. او از خرده گیری طغرائی از سخن
ابن‌سیناهم یاد میکند.

ابن سیناگرچه در «رسالة فی‌مستورعلم‌الصنعة» و «الصنعة‌الی‌الامام ابی‌عبدالله ۲۰
البرقی» آنرا پذیرفت ولی در «رسالة ابطال احکام‌النجوم» و فصل ۵ فن ۵ طبیعی
شفا آنرا تباه دانست.

ابوریحان بیرونی درالجماهر (ص ۸۰) درآنجا که از یاقوت یاد میکند سخن
طبیعیان را دراینکه یاقوت بتدریج ازرنگی برنگی دیگر میرسد وزرهم نخست جیوه
وکبریت بوده سپس ارزیز ومس وسرب وسیم شده تااینکه برنگ زرین درآمده‌است ۲۵
مانند مردمی که از سگی و خرسی و بوزینگی درآمده و ساخت خودگرفته است
یاد نمود.

انجام : قال الامام والرصاصان ينفعان العين الفشفة ويقويان الناظر وهو صحيح ... فهذه هي القوى التي اشار اليها الشيخ انها تقوى الناظر يعني انها تناسب العين وتوجب فيها قوة وزيادة منفعة . والسلام .

[۱۹۸۲]

۱۱۷۸ این نسخه ش ٤ دفتر وبنستعليق باعنوانها نسخ یا نستعلیق ودرشت‌تر بسیاه یا شنگرف و با نشانه‌های شنگرف میباشد پاره‌ای از عنوانهای مطلبها دربالای صفحه‌هم هست . حاشیهٔ بانشانهٔ «محمد نصير» هم دارد . در پایان دارد : «تم فی شهر ربیع الثانی ۱۸۸ (۱۰۸۸) تم تم تم» گ ۱۳٦ ب ـ ۱۹٦ ب .

[۱٦۸۲] درر الفرائد فی شرح الفرائد (عربی)

آخوند خراسانی محمد کاظم بن حسین طوسی (م ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۹) بر رسائل یا فرائد الاصول شیخ مرتضی انصاری شوشتری (س ۱۷۰۸ همین فهرست) در نجف این حاشیه را نوشته است (ذریعه ٦ : ۱٦۰ و ۸ : ۱۳۲) و آن در بارهٔ مباحث ظن و برائت واستصحاب وتعادل وتراجیح میباشد وتاریخ نگارش او را درشناسائی نسخه‌می بینیم واین نخستین حاشیهٔ او نیست که بچاپ نرسیده و بهترین حاشیه‌هااست بلکه حاشیهٔ دوم است که در تهران در ۱۳۱۹ با چند رسالهٔ دیگر چاپ شده‌است وحاشیهٔ بربخش استصحاب آن در نسخهٔ ما نیست .

[۱۹۸۳]

۱۱۷۳ این نسخه بخط نستعلیق وعنوانها وپاره‌های متن پس ازمتن ... زیرخط گذارده شده است و آنچنانکه آقای مشکوة در گ ۱ الف نوشته‌اند نسخهٔ دست آخوند خراسانی میباشد که برائت را درروز آدینه دههٔ یکم ج ۱۲۹۵/۲ در نجف وهمهٔ آنرا درروز آدینه دههٔ سوم ذی‌حجهٔ ۱۲۹۸ بانجام رسانده . گ ۲ الف ـ ۱۲۱ ب .

(۳۲ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوا ی

اندازه ۱۲/٥ . ۱۹ و ۸ = ۱٤/٥ س ۱۹

التوكيد او الامر به وفيه ان التدارك في المصلحة انما هو متعلق بتمامية في الوقت لا اصل فوات المسلم
حتى لزم تدارك المصلحة الفائتة بمصلحة التوكيد او الامر به انما هو فيما اذا لم ينكشف
الخلاف فلا يلزم ان يكون هناك مصلحة فضلا عن التدارك بها فان المتيقن هو
لزوم كون المصلحة بحيث يتدارك بها الفائتة فيما اذا لم ينكشف الخلاف
مطلقا ولا يخفى ما في الوجهين الاولين اما في اولها فلزوم كون الفعل خارج
الوقت اصلا لا تدارك اصلا لتدارك مصلحة الايقاع في الوقت بالمصلحة
المستوفاة حين امتثال الامر الظاهري واصل الفعل غير موقت بل ما دام العمر كما
هو المفروض فهو في وقته لا في خارجه وهو خلاف ظاهر الاداء موقتات حيث
كانت ظاهرة في كون المطلوب امرا واحدا وهو المقيد كما هو كذلك لا متعدد
فتأمل واما في ثانيها فلزم فوت مصلحة الوقت بالكلية والا لما قيد به كما لا يخفى اللهم
الا ان يقال انه لا يلزم ان يكون فيما ينكشف فيه الخلاف مصلحة تصلح للتدارك
بانفرادها واما المصلحة المتدارك بالمجموع منها ومن امضاء اصل الفعل خارج
الوقت جميع مصلحة المقيد بالوقت فلا يرد الاشكال والتوهم [illegible] على هذا الوجه
الاول او بينهما تفاوت بعيد فلا تغفل قوله فهو لا يخلو الخ اقول يحرز
بعدما علمها بمجرد وجودها والا فالعلم بها بالفعل لا بالقوة وهذا واضح لا سترة
عليه قوله اما المتعبد بالظن الاستصحابي الخ اقول توضيح الحال يتوقف على تمهيد
مقال فاعلم ان الركون الى الظن الغير المعتبر اما ان يكون في خصوص
الجوارح بان يأتي بالفعل مثلا اذا ادرك وجوبه او استحبابه في غير احتياط

[۱٦٨٣] درمان اسب (فارسی)

دراین نامه ازدرمان بیماریهای اسب گفتگو شده و برای سلطان سنجر بنگارش درآمده است . درآن افسوس وتعویذ هم هست .

آغاز : بسمله رب یسرو یختم بالخیر الحمدلله رب العالمین ... این نسخه ایست درباب معالجات اسب و این نسخه را بجهت مطالعهٔ سلطان اعظم سلطان سعید ۵ سلطان سنجر ابن ملکشاه انارالله برهانه تصنیف کرده بوده اند که پیوسته بر لفظ مبارك آن حضرت چنین رفتی که «اسب نیك نیکویاریست مرد را درهمه وقت ودرهمه جا بکار آید »

انجام : علاجش اینست که سنك مقناطیس برسر زخم بندند تا پیکان را بیرون آرد(تمام شد نسخهٔ معالجات اسب والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب) ۱۰

[۱۹۸٤]

۲۲۹ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نستعلیق با نشانه های شنگرف . گ ۲۷۳ ب ــ ۲۷۷ ب (بنگرید به فهرست آقای منزوی ۲:۲۸۰) در ۱ الف دارد « الله حسبی من کتب ابی بکر بن رستم بن احمد الشروانی » .

[۱٦٨٤] دفع الغم من الموت (عربی) ۱۵

این نامه همانستکه در ص ٦٦١ شناخته ایم همانکه از ابن سینا پنداشته اند ورساله ۱۵ بخش ۲ رسائل اخوان صفا هم درهمین باره است .

[۱۹۸۵]

۱۱۱۳ این نسخه ش ۱۰ دفتر است و بهمانخط ش ۱ و چنین است انجام آن : ۲۰ « اکثر من مائة الف رجل واحسب کل من فی العصر کذلك . . . لیعلم له الارض لا تسعهم قیاماً متواصبین فکیف قعوداً ومنصرفین ولا بقی » و کم دارد . گ ۹۵ ب ــ ۹۹ ب .

[۱۶۸۵] دفع المناواة عن التفضيل والمساواة (عربی)

مجتهد مفتی امیر سید حسین بن سید ضیاء الدین ابی تراب حسن بن سید ابی جعفر محمد موسوی کرکی عاملی قزوینی اردبیلی دخترزادهٔ محقق شیخ نورالدین ابوالحسن علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰ بیش از ۷۰ سال) و جانشین او نزد فرمانروایان بوده و پس از مردن او در روزگار طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) مفتی و قاضی شده است. او درمیان عربها مشهور بوده و از هرراهی از دائی خویش «شیخ عبدالعالی بن محقق شیخ علی کرکی» برتری داشت و مردی شیوا بوده است.

نویسندگان او را در سجلات ارقام و دفاتر احکام «خاتم المجتهدین» و در توقیعات «سید المحققین و سند المحققین وارث علوم الانبیاء والمرسلین خاتم المجتهدین» می نوشته‌اند؛ اگرچه دانشمندان زمان این را نمی‌پذیرفتند. این کرکی جز قاضی امیر حسین دیگریست که نسخهٔ فقه رضوی را آشکار بداشت.

از اوست: رفع البدعة فی حل المتعة - النفحات الصمدية فی اجوبة المسائل الاحمدية - النفحات القدسية فی اجوبة المسائل الطبرية - سيادة الاشراف که در آن روشن بداشت که فرزندان دختری هاشم هم سیدند و برتر از دیگران - اللمعة الدمشقية فی عينية صلوة الجمعة - الرسالة الطهماسية فی الامامة - رسالة فی جواب من سأله عن نجاسة اهل الخلاف - دعامة الخلاف فی الحكم بكفر عامة اهل الخلاف - رسالة فی نعیین قاتل الخليفة الثانی - رسالة فی تحقيق معنی السيد و السيادة - فی ايمان ابی طالب - و چندین رساله و کتاب دیگر.

از نام این کتابها اندیشه و پندار او بخوبی پیداست او کتاب اجازات دارد و برخی از آنها اجازهٔ دائی او همان شیخ عبدالعالی و پسر خالهٔ او سید داماد و شیخ بهائی میباشد که در آن کتاب دیده میشود گویند که شاه اسماعیل دوم که بروش سنت و جماعت میگرائید و با میرزا مخدوم شریفی همنشین بوده است بنفرین او شبی ناگهان در گذشت.

او این دفع المناواة را بنام « سلطان ابوالمظفر شاه طهماسب صفوی » ساخته و در آن روشن بداشت که امیرمؤمنان علی با پیامبر برابر است جز در پیامبری ولی از همهٔ پیامبران دیگر برتر میباشد و اینکه امامان دیگر با همدیگر و با پیامبران دیگر چه نسبتی دارند .

۵ این کتاب او در ٤ ربیع یکم ۹۵۹ بپایان رسید (روضات ـ مستدرك ـ ذریعه) نوری نسخه‌ای از آن را داشت که مجلسی بر آن اجازه نوشته بود و تهرانی از نسخه‌ای یاد میکند که محمدبن علی بیونی در دهۀ سوم ربیع دوم ۹٦۲ آنرا نوشته بود . افندی میگوید که من نسخه‌ای از آن در لاهیجان دیده‌ام که کرکی آنرا مانند برخی از کتابهای دیگر خود بنام « سلطان احمد خان » حسینی گیلانی ۱۰ شاه گیلان (م بغداد ۱۰۰۹) در ربیع یکم ۹۵۹ ساخته بود و نسخه‌ای دیگر از آن دارم که دیباچۀ آن بنام «شاه تهماسب» است ـ این کار دشواری نیست چه او خود دیباچه را دیگرگون ساخته است   نسخه ماهم بنام تهماسب است .

این دانشمند در قزوین بسال ۱۰۰۱ بطاعون در گذشت و جسدش را بعراق برده‌اند (۱) .

۱۵ باری او در این کتاب از نوشته‌های سنی وشیعی بهره برده و بسیار از آنها آورد و از روایت تصدق خاتم علی از سرالعالمین غزالی (۲) و نصایح الملوك او

۱ـ بنگرید به : عالم آرا ص۱۰۹ـ روضات ص۱۸٦ـ رسالة فی تحقیق الکتاب المعروف بفقه الرضا از میرزا محمد هاشم خوانساری سپاهانی چهارسوقی چاپ شدهٔ با مبانی الاصول در۱۳۱۷ ص ۲۰ـ۲۱ـ مستدرك ص ۳٥٤ـ ذریعه ۸ ۲۳۲ـ فرهنك ۲۰ دهخدا در «احمدخان گیلانی» ص ۱٤۲٦ .

۲ـ این کتاب بگواهی خود آن از غزالی نیست . کتابی بنام اثبات الوصیة از علامهٔ حلی با دیباچهٔ محمد هادی امینی در نجف بی تاریخ چاپ شده در خود آن الحجج القویه فی اثبات الوصیه نامیده شده و آنهم از حلی نیست چه در آن ص۱۰ از زین الدین علی بن یونس نباطی بیاضی م ۸۷۷ وصراط المستقیم او نوشتهٔ ۸٥٤ (ذریعه۱:۱۱۱ و٦:۲٦٥) ۲۵ و ص ۲۳ از ابن العودی شاگرد شهید یاد گردید . در آن (ص ۱۳ و ۲۹) این کتاب

دنباله حاشیه در صفحهٔ پس از این

(۷۱ الف و ٥٦ب) یادنمود . دردیباچهٔ آن ازتهماسب بسیار بستود و شعرهائی‌هم درستایش او آورد (٥ ب – ۷ الف) .

فهرست مرصدهای آن چنین است :

المرصدالاول فی مساواة علی للنبی ص فیماعداالنبوة (در ۳ منهج ۷ ب) .

المرصدالثانی فی الافضلیة علی سائرالخلق سوی نبینا (در ۲٦ طریق ۲۰ ب) .

المرصدالثالث ان الائمة الاحد عشر بعدالنبی والوصی افضل البشر (در ۳۰ وجه گ ۷۸ ب) .

درذریعه ازآغاز آن همین اندازه آمده است : « هوالله الذی لااله الاهوالملك القدوس المؤمن المهیمن » .

[۱۹۸٦]

٥٥٦ این نسخه بخط نسخ است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی دارد که بنستعلیق است و پاره‌ای به «منه» یا «منه سلمه‌الله» پایان مییابد . شمارهٔ جزوها در گوشه بالای چپ رویهٔ برخی از برگهادیده میشود . این نسخهٔ ما ازآغاز وانجام کم دارد وچنین است :

آغاز : عنه صلی الله علیه و آله عن جبرئیل قال یامحمد قلبت الارض مشارقها ومغاربها فلم اجد انسانا خیراً من بنی هاشم . و بعد فقد سأل من تفرد بمعالی فطرته ووقاد قریحته وحسن سلیقته . اسئولة اعلی من الشهد .. عن مساواة علی للنبی وعن افضلیة ماعدا نبینا من نبی و وصی . الی بیان حال باقی الائمة ... و وسمت هذه المحالة بدفع المناواة عن التفضیل والمساواة واهدیت الی عامر خزانة والی ولایة الولایة . . . ابوالمظفر طهماسب . و ثالثاالمقاصد ببیان مراصد (۱ الف – ۷ ب) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ازغزالی (٤٥٠ ٥٠٥) دانسته شد و کسان دیگرهم پیروی ازیکدیگر و نیاندیشیده سرالعالمین را که در آن میگوید معری (۳٦۳، ٤٤۹) برایم شعرخوانده و باید ساختهٔ اسماعیلیان باشد ازغزالی پنداشتند . نگرید بغزالی نامهٔ آقای همائی ص۲۳۷ـ نگارندهٔ الغدیرهم آنرا از غزالی پنداشته ۱۰٥:۱ و۲٦۷ چاپ یکم ـ گویا دومین کس شوشتری باشد درمجالس المؤمنین (مجلس۷درسرگذشت غزالی) که در۹۹۸ـ۱۰۱۰ نوشته‌است و میگوید اوسرالعالمین را درپایان زندگی نوشت و پاره‌ای از عبارت همین کتاب را آورده است. گذشته پیروان آنرا ازغزالی ندانستند .

انجام: ولنحبس هہنا علی عنان‌العلم و ان هذا مضمار واسع لایدرك غوره . . .
والملك اذن تستخرج منه بنصب منافخ‌الروية واشعال نار .

(۳۱۸۹م) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد سادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۴×۱۹/۵ ــ ۱۲/۵×۷/۵ س ۱۷

[۱٦۸٦] الذخيرة الباقية فی المسائل (عربی)

الجبلية الثانية

این نامه درسی مسئله و پاسخهایست از سید عبدالله شوشتری (م ۱۱۷۳) به سید علی نهاوندی بروجردی دربرابر پرسشهائی که نوشته و برای او فرستاده بود و پس‌از «انوارجلیه» (ص ۲۱٤٤ همین فهرست) درپسین روز یکشنبه ۱۷ شعبان ۱۱۵۱ بنگارش درآمده است . پرسشها و پاسخها بپارسی یا تازی است ودرفقه وفلسفه وعرفان واخبار . (ذریعه ۲:۸ و ٤۲٤ و ۵:۲۱۷و۱۰:۱۵) .

آغاز الحمدلله‌الذی فرض طلب‌العلم علی کل مسلم و مسلمة و جعل حامليه ادلاء‌الهدی فی دیجور الجهالات‌المظلمة ... وبعدفیقول ... عبدالله‌بن نورالدین‌بن نعمة‌الله‌الموسوی . . قد خدمت فیما مضی‌حضرة . . . السیدعلی‌العلوی‌النهاوندی الاصل‌البروجردی‌المسکن ... بما تیسر من اجوبة مسائله‌العلیة فی رسالة‌الانوار الجلیه‌فی‌جوابات‌المسائل‌الجبلية...ثم‌انه . ارسل‌بمسائل‌اخر...فی کتاب‌یطلب‌الجواب عنها فبادرت الی امتثال امره . . . وسمیته‌الذخيرة‌الباقية فی‌المسائل‌الجبلية الثانية

[۱۹۸۷]

این . . . ش۳ دو . . . و . . . همانگونه خط ش۲ واحمدبن محمدبن نورالدین‌بن نعمت‌الله . . . موسوی برادرزادهٔ نگارنده درمحرم ۱۱۷۷ درشوشتر آنرا نوشته است . . . ۸٦ ب ــ ۸۷ الف فهرست مطلبها است و نیمه‌کاره گذارده شده و . . . ۸۸ ب ــ ۱٤٤ . . . آ . . . این شماره از ۱ تا ۵۷ برگشماری شده است .

ام لانه كان نبياً قبل النبوة وكيف كان فلا ينافي ذلك ما ورد في الروايات. وقد تقدم بعض
منها في المسائل المتقدمة ان الصلوة انما فرضت ليلة الاسراء لوجوه احدها احتمال ان تكون الصلوة
قبل الاسراء غير واجبة وانما كان يأتي بها تطوعاً ولا ينافي هذا حديث الثلث قبيل المذكور آنفاً اذ يحتمل ان
يكون المراد وهي اول صلوة فرضها الله عند ما فرض الصلوات وللمراجعة فيها انما فرضت اذ ذاك الثاني
احتمال ان تكون الصلوة قبل الاسراء واجبة عليه خاصة ويكون المفروض ليلة الاسراء عموم التكليف بها
الثالث احتمال ان تكون قبل ذلك واجبة على وجه العموم لكنه لم يكن مأموراً بالدعوة اليها الا عشيرته
الاقربين وانما وقع الامر بالدعوة العامة ليلة المعراج وفي بعض الروايات ارشاد الى هذا الوجه الرابع
احتمال ان يكون وجوبها قبل الاسراء على وجه الاجمال من دون تعيين اعدادها واوقاتها وتشريع التكليف
بها وبيان فضلها وعقاب تاركها ونحو ذلك ثم بين تفاصيل ذلك في المعراج وفي الاخبار ما يرشد
الى هذا الوجه ايضاً والمتأمل الدقيق يهتدي لوجوه اخر غير ما ذكرناه للتوفيق نسأل الله التوفيق والهداية
ونعوذ به من الخذلان والغواية ونبتهل اليه ان يغفر لنا ما قدمناه من الخطيئة والاسراف في النفس
وان يتدارك لنا بمعونته وتأييده ويجعل يومنا خيراً من الامس وان يفعل ذلك بوالدينا وبسائر من
وجب حقه علينا من اهل الايمان خصوصاً سيدنا الاجل الانبل الاكمل الافضل الذي قلما يسمع بمثله
الزمان لا زال محفوظاً مصوناً ومن المكاره محروساً مأموناً وهذا آخر الكلام في اجوبة هذه المسائل
التي لم يكن المسؤول بها باعلم من السائل مع ترادف الاشغال ووفور البلبال وتزاحم الهموم
وتراكم الغموم على الغموم وقلة البضاعة وكثرة الاضاعة وقلة الاستطاعة فمهما كان من خطأ او زلل
فرجوا اصلاحه من السيد الاجل وكتب الفقير الحقير المضيع عمره في التفريط والتقصير عبد الله بن نور الدين
بن نعمة الله بن عبد الله الحسيني الموسوي الجزائري اصلاً التستري موطناً غفر الله ذنوبه وستر عيوبه في اصيل
يوم الاحد سابع عشر شهر شعبان المعظم من السنة الحادية والخمسين بعد المائة والالف حامداً لله مصلياً
ومسلماً على رسوله الامين واهل بيته الطاهرين الاكرمين. قد وقع الفراغ من كتابته بيد الفقير الى الله الغني احمد
بن محمد بن نور الدين بن نعمة الله الحسيني الموسوي في شهر محرم الحرام من شهور السنة السابعة والسبعين

ومائة والف الى غايته تستر صينت
عن الآفات والحوادث حامداً لله مصلياً مسلماً

۹۱ ب

[۱۶۸۷] رسائل اخوان صفا (عربی)

درهمین فهرست (ص ۳٤٥ و ٤٢٠) ازسرگذشت « اخوان صفا » که انجمنی نهانی و دشمن با دستگاه فرمانروائی بیگانهٔ زمـان خود بنیادگذارده بودند اندکی آوردهام (۱) دراینجاهمین اندازه میگویم که این رساله‌ها گذشته ازاینکه

۱ــ اخوان صفا که از مردم ایران بوده‌اند خواسته‌اند میان فلسفه و شریعت آشتی دهند وازاین راه رخنه‌ای دراندیشه و پندار اشعری دستگاه فرمانروائی بیگانهٔ تازی افکنند.چنـانکه ابوسلیمان محمدبن بهرام منطقی سیستانی همین نکته را دریافته و باابوحیان توحیدی شیرازی و ابوالعباس بخاری دوشاگرد خود گفته بود.مگراینکه این دانشمند سیستان چنین روش آنان را نپذیرفت و ازآن نکوهید اگرچه از سخنان او و ابوحیان درسراسر امتاع و مؤانسه و مقابسات پیداست که هردو آنها ازاندیشه و پندارآنان بیگانه نبودند وگویا ازترس نمیتوانستند خودرا همکاروهمرأی باآنان نشان دهند .

این گونه روش وکار راگویا اخوان صفا آغاز نکرده بودند بلکه ازگفتگوی ابوسلیمان محمدبن معشر بستی مقدسی یکی از اخوان صفا و حریری غلام ابن‌طراره بر میآید که پیش‌ازآنها کسانی بودند که میخواستند میان فلسفه و شریعت آشتی دهند مگر اینکه کاری از پیش نبردند و نومید ماندند . از آنها بود ابوزید احمدبن سهل بلخی شاهستانی فیلسوف جاحظ خراسان (۲۳٤ــ۳۲۲) که باین کار بپرداخت وزیدی‌هم شده وار پادشاه خراسان نیز پیروی کرده بود همچنین ابوتمام نیشابوری که ازگروه شیعی یاری نمود و بمطرف‌بن محمد وزیر مردآویز گیلی پناه برد . نیز ابوالحسن محمدبن یوسف عامری خراسانی (۳۸۱ م) شاگرد ابوزید بلخی که اورا ملحد وفیلسوف خواندند و هراسان و ترسان از شهری بشهری میگریخت وگاهی بتودهٔ مردم پناه میبرد و کتابها دریاری اسلام می‌نوشت وگاهی‌هم بسپهدار نیشابور وگاهی باابن‌العمید قمی (م ۳٦۰) پناهنده میگشت این سه دانشمند ازاین کار سودی نبردند و بآنچه میخواستند نرسیدند (امتاع و مؤانسه ۱ :٤ــ۲۳ــ نیز فهرست نامهای هرسه جلد آن ومقابسات ــ الحکمة الخالده ص ۳٤۷) .

این هم گفته شود که فارابی نیز دراین روش کمی از اخوان صفا نداشت وگذشته از رشته‌ها و بحثهای دیگر فلسفه که بسیار درآنها باآنان نزدیك است درسیاست

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

فرزانگان اسماعیلی بدانها ارج می‌نهادند دانشمندان شیعی هم آنها را چندان
بی‌ارزش نمیدانستند. صدرای شیرازی درنگارشهای خود ازسخنان آنان گواه
آورده و شاگردش فیض کاشانی درفهرست نوشته‌های خویش گزینی از همین
رسائل رایکی ازنگارشهای خودخوانده وچنین گفت «انتخاب رسائل اخوان الصفا
وخلان الوفا الاحدی والخمسین فی تهذیب النفس واصلاح الاخلاص من کلام الصوفیة» ۵

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و کشورداری هم چنانکه از «مبادی آراء اهل المدینة الفاضلة» و « تحصیل السعادة »
ودیگرنگارشهای اوآشکاراست و ابن‌رشد نیز بدین گواهی داده مانند همانها پندار
ایرانیان باستان واندیشهٔ فلسفی یونانی وآئین شیعی‌را باهم بیامیخت (ص۶۵۵و۷۶۳
همین‌فهرست) پس میتوان گفت که اخوان صفا ازسخنان اووبلخی ونیشابوری وعامری ۱۰
بهره بردند ودفترخوش را نگاشتند.

ازهمهٔ اینهاپیداست که مردم ایران وبویژه آنها که یکی ازآئینهای شیعی مانند
زیدی واسماعیلی واثناعشری را داشته‌اند دربنیادگذاردن این انجمن فرهنگی نهانی
کمك بوده‌اند. شاید بتوان گفت که اسماعیلیان مصروایران ازاینگونه اندیشه وپندار
بیشتر بهره‌مند شدند وتاریخ گواهستکه پیروان سنت ودانشمندان دربارنازی چه‌اندازه ۱۵
باین گروه و دوستاران آنها شکنج و رنج رواداشته و نکوهشها کرده‌اند. نمونهٔ
خرده گیری آنها را درسخن همین حریری هم میبینیم که میگوید روش اخوان صفا را
آنها که باطن وظاهرمیگویند واز اسلام می‌نکوهند (قداحین) و هجریان (قرمطیها)
وآشوبگران قزوین که مردم شهرهارا بسوی خود خوانده‌اند پذیرفته‌اند. این را هم
میدانیم که مشکویهٔ رازی وابن‌سینا و بیشتردانشمندانیکه درنوشته‌های توحیدی‌ازآنها ۲۰
یادشده‌است وهمهٔ فیلسوفان اسلام تابرسد بخواجهٔ طوسی که بدست اودستگاه تازیان
دربغداد برچیده شده بلکه همهٔ فیلسوفان شیعی همین روش را داشته‌اند.

این‌است نمونه‌ای‌ازسرگذشت سیاسی‌این گروه نهانی که شایسته‌است بیش‌ازاینها
دربارهٔ آن سخن گفت.

ازکتابهای سودمند که دربارهٔ انجمنهای نهانی خاور وباختر مانند اخوان صفا ۲۵
نوشته شده «تاریخ الجمعیات السریة والحرکات الهدامة» محمدعبدالله عنان (چاپ۱۹۲۶
مصر) و Les Sociétés secrètes de l'antiquité à nos jours
از J. Heron Lepper (چاپ۱۹۳۶ پاریس Payot) و les Sociétés Secrètes
en Chine از B. Favre (چاپ ۱۹۳۳ پاریس) میباشد.

نوادهٔ برادری او نورالدین محمدکاشانی (فهرست نامهای همین فهرست) هم دربرخی ازنگارشهای خود ازاخوان صفا یاد کرده است (ص ۵۰۲).

دانشمند حکیم سیف‌الدین مظفر حسین کاشی که با صدرای شیرازی و میرفندرسکی گفتگوی علمی داشته بود (۱) هم از این رسائل گزین کرده ودر آغاز آن چنین نوشت : « هذاماجمعه مظفرحسین بن امین‌الدین محمدالکاشانی من رسائل اخوان‌الصفا استخرج منهامااشتمل علی الفوائد و اسقط مافیهامن الزوائد کتب منهاالمهمات و حذف عنهاالمکررات.استغنیت بهذه‌المجموعة عن جمیع ما فی رسائلها لانك وجدت فیهاکلماوجدت فی کلهامع ان استنباط الاصول والمقاصد منها ایسرواسهل و الظفرعلی حل‌المشکلات والمرموزات بمطالعتها اتم‌واکمل. فان‌المطولات الزائدة کالمختصرات‌القاصرة فی طرفی‌الافراط والتفریط فی اداء المعانی والمقاصد فخذالاوسط فان خیرالامور اوسطها » (۲).

آغاز . بسمله . و به‌الحول‌والقوة . الحمدلله‌الذی لانحسن‌الاشیاء الاان یکون

۱ــ پرسش وپاسخی که میان او و شیرازی وکاشانی شده در ص ۱۷۹ و ۱۹۱ یاد گردید . درعالم‌آرا (ص ۷۵۳) آمده که او پزشك درباری بوده ودر چهل و یکمین سال پادشاهی عباس صفوی درسلطانیه بسال ۱۰۳٦درگذشت . پسر اوشمسامحمدهم پزشکی دیوانی بوده ودرپیری پدرکار اوراهم میکرده است .

۲ــ نسخه‌ای ازاین گزیده که برابر با ص ۱۹ج ۱ تا ص ۳۲۹ ج ٤ چاپ مصراست درتهران دیده‌ام که پس‌ازاین پاره‌هائی از شجرة الهیة شهرزوری و کتاب‌الابحاث عن‌الاحداث نوشته شده سپس « جوامع‌المقالات الثلث لافلاطون فی‌النوامیس » آمده است . نسخه بخط شکسته نستعلیق است وعنوان مطلبهادرهامش آمده وباندازهٔ رقعی با کاغذ سپاهانی و جلد تیماج سرخ ضربی . درآغاز نسخه (گ ٤ الف) دارد « اعلم ان مصنفی [illegible] اخوان‌الصفا خمسة انفس وهم حکماء علماء اجتمعوا و صنفوا هذه‌الرسائل‌الاحدی والخمسین رضی‌الله عنهم اجمعین وهم ابوالحسن علی‌بن [illegible] و [illegible] و ابواحمد‌النهرجوری وزید بن رفاعه وابوالحسن علی بن هرون‌الصابی فهؤلاء‌الخمسة هم اخوان‌الصفا والاصدقاء‌الکرام حشرهم‌الله فی زمرة‌المقدسین . [illegible] الاحرف عن خط [illegible] محمد بن منصور بن صدرالحسنی [illegible] همان مظفرحسین‌کاشانی باشد .

بدوها حمده و کل ناطق و ساکت فهوعبده الذی تاهت الالباب فی عظمته و کلت عقول اهل معرفته عند مشاهدته من عز جبروته وصلی الله علی المنتخب من خلقه من خیرته محمد النبی وعترته . اعلم انه لما کان من مذهبی طالبی العلم (النظر فی جمیع علوم الموجودات التی فی العالم من الجواهر والاعراض والبسائط والمرکبات... مانند چاپی) . ۵

انجام : فانتبه یا اخی من نومة الغفلة ورقدة الجهالة ... (چنانکه در کلیشه دیده میشود) .

[۱۹۸۸]

۱۱۵۵ این نسخه بسیار پاکیزه بنسخ درشت با عنوانهای درشت ترو بشنگرف است که محمد بن محمد بن بهاء الدین انصاری هوی روز ۱۸ شعبان ۹۶۸ در قاهره نوشتن ۱۰ آنرا بانجام رساند. چنانکه دیده ایم در برخی از کتابها شمارهٔ رساله های اخوان صفا پنجاه و یك دانسته شده و در نسخهٔ ما هم ۵۱ است برخلاف چاپی که ۵۲ است چه اینکه ریاضیات آن که در چاپی ۱۴ رساله است در این نسخه ۱۳ است و اینهم برای اینستکه «باری ارمینیاس» رسالهٔ جدائی بشمار نیامده و با قیاس آمیخته شده و گویا کسی در آن دست برده و باید این رسالهٔ جداگانه ای باشد چنانکه درچاپی آمده است . در این نسخهٔ ما «صورة الارض ۱۵ والاقالیم» چهارم است و موسیقی پنجم بعکس آنچه که درچاپی دیده میشود . درطبیعیات و عقلیات این نسخه با چاپی درشمارهٔ رساله ها جدائی ندارد . در الهیات هم همان یازده شماره را دارد مگر اینکه ترتیب آن باچاپی یکسان نیست و بدینگونه است : ۱ـ الاراء والمذاهب . ۲ـ ماهیة الطریق الی الله . ۳ـ کیفیة عشرة اخوان الصفا . ۴ـ ماهیة الناموس الالهیة. ۵ـ کیفیة الدعوة الی الله . ۶ـ کیفیة افعال العارفین ۷ـ انواع ۲۰ المنامات . ۸ ـ کیفیة نضد العالم . ۹ـ بیان اعتقاد اخوان الصفا . ۱۰ـ ماهیة الایمان وخصال المؤمنین . ۱۱ـ ماهیة السحر والعزائم .

این نسخه درمتن هم دربسیاری از جاها با چاپی یکسان نیست و فهرست آغاز چاپی هم در آن دیده نمیشود چنانکه خطبهٔ آغاز آن درچاپی نیامده است .

در ۱ الف فهرست ۵۱ کتاب است وخود کتاب در ۱ب ـ ۴۳۰ب میباشد. یك برگ ۲۵ درآغاز افزوده هست که بشمار نیامده است . از برگ ۲۷۸ تا پایان درجدول شنگرف ولاجورد است . فرهادمیرزا دارندهٔ نسخه بوده وخط اوبتاریخ روزیکشنبه ۱۲ شعبان ۱۲۶۵ در گ ۴۳۰ ب هست . عبدالله بن عبدالقادر ساوجبلاغی مکری چنانکه درهمینجا

مینوی بسا آنرا در ۱۳۲۹ خریده است . این نسخهٔ ما دارای چهار بخش است نخستین ۱۳ دومی ۱۷ سومی ۱۰ چهارمی ۱۱ و رویهم ۵۱ باب میباشد (مانند نسخهٔ ۱۲۷۸ مجلس) و دارد که ۲۵ هزار بیت میشود .

(۴۲۴ف) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده متوالی

اندازه : ۱۷ ۲۵ و ۱۲ ۱۸/۵ س ۲۹

[۱۶۸۸] الرسالة النفلية الاثنی‌عشریة (عربی)

شیخ شمس‌الدین علی نولائی عاملی در این رساله از نماز گفتگو داشته‌است. از خود رساله و نسخهٔ ما پیداست که او شیعی بوده و پیش‌از ۶ شعبان ۱۰۰۵ درگذشته است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الله احمد علی سوابغ النعم و ترادف القسم وایاه استل ان یصلی علی سید الاصفیاء من الامم . و بعد فان الصلوة من اهم العبادات... وهذه الرسالة قد تکفلت ببیان شروط الیومیة و افعالها و تروکها و کثیر من سننها واحکامها واحکام السهو الواقع فیها فی اربعة فصول .

انجام : ویستحب له جبر کل مقصورة وقبل کل صلوة بقول سبحان الله .. والله اکبر ثلثین مرة عقیبها

[۱۹۸۹]

این ... ــ ... واشنا های شنگرف و با حاشیه‌هائی رمز ... دارد ... وجد من هذه الرسالة الشریفة ... وهو ... الشیخ شمس الدین المولائی اسمه علی وهو من ... عامل ... والحمد ... علی کل حال .. و ... الفراغ من هذه الرسالة فی یوم السادس من شهر شعبان ... من ... من الهجرة .. علی ید ... جمال الدین بن محمد ... و ... دارد ... الرسالة النولائیة ... شمس الدین علی ... العاملی ... محمد باقر بن محمد ... الموسوی ... ۵ ...

(۲۷۴) ــ کاغذ سپاهانی ... جلد تیماج سرخ ... متوالی

اندازه ۱۳ ۱۹ و ۷۵ ۱۳ س ۱۵

دردفتر ش ١١٢٩ چند رسالهٔ پزشکی است که اکنون میشناسیم :

١ـ رسالهٔ خجندیه که در نه فصل میباشد و فصل یکم آن در نسخهٔ ما نیست وچنین است دیگر فصلها :

٥　الفصل ٢ فی قوانین العلاج وهو ثلثة انواع : التدبیر والعلاج بالدواء و اعمال الید .

الفصل ٣ فی نصوص هی کالفصوص .

الفصل ٤ فی القوانین الکلیة للاستفراغ .

الفصل ٥ فی القوانین الجزئیة للاستفراغ

الفصل ٦ فی قواعد تبدیل المزاج .

١٠　الفصل ٧ فی تدبیر الناقه علی وجه کلی .

الفصل ٨ فی احکام البحران .

الفصل ٩ فی اختیارات نجومیة

آغاز نسخه ما : المتخذ سریع الانهضام ویجب ان یراعی العادة [illegible] الاحوال وخصوصاً فی امر الغذا (بخش پایان فصل یکم)

١٥　انجام و انما یعمل بهذه الاختیارات عند اتساع الوقت و [illegible] التشنیع من یعقدها . ولیکن هذا آخر کلامنا فی هذا المختصر . فمن [illegible] بالاصابة فی اعماله و بالتحقیق فی افعاله . و صلی الله علی محمد رسوله و آله الطیبین الطاهرین . تمت الرسالة الشریفة الخجندیة فی شهر جمادی الاولی سنة ١٠٠٥ الف وخمس فی بلدة اصفهان صانها الله تعالی [illegible] (٢٣٠ الف ـ

١٠　٢٤٠ ب) .

٢ [illegible] کلامنا [illegible] فخر الدین [illegible] ابی نصر خجندی [illegible] من کتاب القانون [illegible] . در فهرست فاضله وص ٧٩٢ همین فهرست (ص ٤٥٩/٢) [illegible] فهرست آن چنین است

المقدمة فی تحقیق معنی الفرق ، المقالة الاولی تشتمل علی خمسة فصول تتضمن ثمانیة و عشرون فرقاً یتعلق باحوال یعرض لاجزاء الراس ، المقالة الثانیة فی فروق بین احوال و امراض یعرض لآلات التنفس و فیها ثلثة فصول ، المقالة الثالثة فی فروق بین احوال و امراض یعرض للآلات الطبیعیة تشتمل علی اربعة فصول ، المقالة الرابعة تشتمل علی ثلثة فصول (امراض لایختص بعضو ، والقروح ۵ والاورام ، واحوال الناقهین) ، المقالة الخامسة تشتمل علی فصلین (احوال النبض واحوال البول) .

آغاز . الرسالة فی الفروق للعلامة الخجندی . بسمله . الحمدلله الذی هدانا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و نشکره علی ما اسبغ منه (و) نعمه و اولانا و نشهد بو حدانیته سراً و اعلاناً و نرجو من فائض رحمته عفواً و غفراناً اما بعد فانی لما رأیت اطباء الزمان ۱۰ لایعرفون من الامراض الا ما تصوروه عن الکتب بدلائله و اسبابه .

انجام . و ایضاً بما ینسع کل واحد من المدلولین من الاعراض الخاصة بهما . تمت الرسالة فی وقت الظهر فی یوم الاربعاء السادس والعشرین من اول الجمادیین سنة ۱۰۰۵ بید کاتبها وهو محمد بن مؤید الطبیب فی دار السلطنة اصفهان (گ ۵ الف - ۱٤ ب) . ۱۵

۳ - رسالهٔ موسیقی فخرالدین خجندی که در آن عبارت « وینبغی ان یعلم ان فی النبض طبیعة موسیقاریة موجودة ... و جالینوس یری ... وانا استعظم ... » از فصل ۱ جملهٔ ۱ درس از تعلیم ۳ فن ۱ کتاب ۱ از قانون شیخ ص ۱۲۵ ج ۱ چاپ مصر گزارش شده و از یکی از گزارندگان خرده گیری گشت و در آن ۲۰ از امام علامه یاد گردید و روشن شد که میان پزشکی در شناخت نبض و همان موسیقی چه پیوندی است .

آغاز . رسالة فی الموسیقی للفاضل المتبحر فخر الحق والدین الخجندی رحمة الله علیه . بسمله . بعد الحمد والصلوة علی نبیه محمد و آله ؛ اقول لما کانت النسبة الموسیقیة نوعاً مخصوصاً من النسب ، و الطبیعة النوعیة لا تحصل فی الاعیان

والاذهان ، دون تحصیل مایهومهامن الاجناس والفصول ، اوردنا فی هذاالموضع ماهواهم و اقرب الی غرضنا لیکون کالمقدمة لما قصدناه من تفسیرالمتن . فاقول النسبة انیة احد مقدارین متجانسین عندالآخر .

انجام : واعتبرذلك بالطبیب الماهر فی علمه و عمله فانه مما ظهر له بتوسط استکماله فی قسمی الطب ملکات حدسیة توفقه بالسرعة علی احوال غامضه یتعسر علی الحذاق ادراکها ولنقتصر علی هذاالقدر من الحاشیة حامداالله شاکراً لانعمه . تمت الرسالة (١٤ ب ـ ١٥ ب) .

٤ـ رسالهٔ «علاج وجع المفاصل» از نجیب الدین ابو حامد محمدبن علی بن عمر سمرقندی م ٦١٨ که در آن پس از دیباچه‌ای در بارهٔ خوراکهای مردمی و گونه گون بودن آنها از درمان درد بندها گفتگو شده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی النبی محمد وآله الطاهرین . وبعد فان الله تبارك وتعالی لما خلق الحیوانات مختلفةالامزجة والطبائع لم یجعل اغذیتهم من جنس واحد .

انجام : فهذا ما عندی فی علاج المرض المعروف بوجع المفاصل والحمدلله تعالی اولا وآخراً و ظاهراً و باطنا (تمت الرسالة المعروفة بعلاج وجع المفاصل للفاضل النحریر نجیب الحق والدین محمدبن علی السمرقندی تغمده الله بغفرانه فی شهر جمادی الاول سنه ١٠٠٥ هجریه باصفهان) (گ ١٦ الف ـ ١٧ الف) .

٥ـ الاشراق والاشفاق از انصاری که دارای ۳٥ باب است (١)

١ـ فهرست مطالب ابواب آن که در نسخهٔ ما هست چنین است :

الباب الاول فی شرح اسمه ورسمه (گ ١٨ ب) .
الباب ٢ فی شرح الریاح [illegible] (گ ١٨ ب) .
الباب ٣ فی بیان الحاجة والسبب الموجب الی تألیفه (گ ٢٠ ب)
الباب ٤ فی السبب الی تألیفه (گ ٢١ ب) .
الباب ٥ فی ذکر طبقات الحکماء المؤلفین له (گ ٢٣ ب) .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله . هذا کتاب الافتراق والاتفاق تألیف الفقیه الاجل العالم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
الباب ٦ فی ذکر من زاد ومن نقص فی التریاق (گ ۲۳ ب) .
الباب ۷ فی کیفیة ترکیبه من کلام جالینوس (گ ۲٤ ب) .
الباب ۸ فی ترکیبه من کلام المتأخرین (۲۷ الف) .
الباب ۹ فی کیفیة ترکیب الاندروخورون ومقدار ما یستعمل فیه (۲۷ ب) .
الباب ۱۰ فی صفة اقراص العنصل (۲۹ الف) .
الباب ۱۱ فی کیفیة عمل اقراص الافاعی (۳۰ الف) .
الباب ۱۲ فی وصف الحیات وذکر اجناسها ولحومها (۳٤ الف) .
الباب ۱۳ فی ماهیة ادویة المفردة وقواها واعراضها ومنافعها وصفاتها وهیآتها وطعومها وروایحها واختیار الجید منها واشکالها ومواضعها وقت اختیارها بطریق کلی (۳٦ الف) .
الباب ۱٤ فی الکلام علی کل واحد ادویة المفردة وماهیته ومزاجه وطعمه ورائحته وقوته وفعله ومنفعته وشکله وموضعه واختیاره ووقت اختیاره بطریق جزئی (۳۷ الف) (دراینجا داروها بترتیب ابجدی شناسانده شده وسخنان پزشکان در آن آمده است ودر بسیاری از جاها برمز (ج) جالینوس را میخواهد) .
الباب ۱۵ فی الابدال لما یبدل من ادویته عند فقده (۸۵ الف) (داروها بی ترتیب یاد گردید) .
الباب ۱٦ فی الخلاف والغلط الواقع فی مفرداته وذکر ما یغلط به ویغش (۸۷ الف) (اینجا نیز در یاد کردن داروها ترتیبی نیست) .
الباب ۱۷ فی ذکر ما وقع فیه من الاختلاف فی ترکیبه وکیف وقع ومن خالف فیه (۹۲ الف) (دراینجا نام دانشمندان برمز یاد شد) .
الباب ۱۸ فیما وقع من الناس فیه فی ترکیبه من الغلط وکیف وقع (۹۳ الف) .
الباب ۱۹ فی ذکر سبب وقوع الغلط فی التریاق والخلاف فیه وکیف وقع (۹۳ ب) .
الباب ۲۰ فی تعلیل وضع مفرداته (۹٤ الف) .
الباب ۲۱ فی تعلیل اوزان ادویة التریاق (۹۸ ب) .
الباب ۲۲ فی صفه امتحانه ومعرفة ما هو الفاسل منه وکیفیة طریق اختیاره واللون المطلوب فیه (۱۰۰ ب) .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

الفاضل الاوحد نور الدين ابو الحسن علی بن عبد العظیم المتطبب الانصاری . قدر تبته علی خمسة و ثلثین بابا . الباب الاول فی شرح اسمه و رسمه و کیف سمی بهذا الاسم اعنی التریاق و لقب بالفاروق و المخلص و الحافظ .

انجام : الباب ٣١ فی التشکیک علی التریاق و الجواب عنه لقائل ان یقول قد اطنب الاطباء فی مدح هذا المرکب و تعظیمه و مدح مفرداته . . فان کان مستنده التجربة فالاشکال علیه من وجوه احدها فی قول فاضل الاطباء ان رای اهل التجربة غیر صحیح اذ کان بلا قیاس فکری . . و ذلک محال علی ما قرر فی العلوم الحکمیة و ثالثها (١٨ ب – ١١٠ ب) .

٦– گزارشی است بر فصل ٨ (فی تدبیر الماء و الشراب) تعلیم ٢ فن ٣ کتاب ١ ص ١٦٨ – ١٧٠ ج ١ قانون و در نسخهٔ ما از عبارت « و الابتداء بالصغار اولی من الکبار » تا « و من احتاج الی سکر شدید » از همان فصل گزارش شده است .

آغاز نسخهٔ ما : اذا کانت سلیمة المزاج واهیة الترکیب مثل المطبوخ و المشمش و غیرهما . قال « و الابتداء بالصغار اولی فیه بالکبار » اقول الابتداء بالاقداح الکبار یضر المبرودین و المحرورین .

انجام . و لا تظنن ان الشیخ انما اورد امثال هذه الاشیاء لکونها خالیة عن النکایة و الضرر بل کان غرضه من ایراد امثالها تکمیل الصناعة و تتمیم السلف . و هذا آخر معانی هذا الفصل و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد

رسالة [illegible] بونس

الباب ٢٣ فی [illegible] (١٠١ ب)

الباب ٢٤ فی [illegible] (١٠٤ الف)

الباب ٢٥ فی [illegible] (١٠٤ ب) ([illegible] ١٠٤ و ١٠٥ [illegible]) .

الباب ٢٨ فی [illegible] (١٠٦ الف)

الباب ٢٩ فی [illegible] (١٠٨ الف) .

الباب ٣٠ فی [illegible] (١٠٩ ب) .

الباب ٣١ فی التشکیک علی التریاق و الجواب [illegible] (١١٠ ب)

وآله اجمعين . فرغ من كتابته العبدالمذنب المحتاج غفران ربه الصمد ابن مؤيد سالك الدين محمدالحموى فى ليلة الثلثا حاد يعشر جمادي الاول سنة خمس والف ببلدة اصفهان صانها الله تعالى اهله من الوباء والطاعون (۱۱۱ الف - ۱۱۳ ب) .

۷- رسالة في الفحم از خجندی که گزارشی است برعبارتی ازقانون .

۵ آغاز . رسالة في الفحم للعلامة الخجندى رحمة الله عليه . بسمله . الحمدلله رب العالمين وصلوته على محمد خير النبى و بعد قد التمس منى بعض المخلصين ان احل عقد كلام الشيخ الرئيس رحمة الله عليه فى فساد الشهوة فبادرت الى ما التمس مستعيناً بالله تعالى . قال الشيخ : اذا اجتمع فى المعدة خلط ردى مخالف للمعتاد ... بل الفحم والتراب والجص واشياء من هذا القبيل .

۱۰ انجام : واين ندل على كلية الشرطية مع اهمال المهملة الكلية ايضاولايحتاج الى ذكرهافر بمارشد الهادى فكر فى سياق كلامه . هذاماسنح لى فى هذا الموضع وانه ولى التوفيق (تمت المقالة فى سنة ۱۰۰۵) (۱۱۳ ب - ۱۱٤ الف) .

۸- مختصر فى صناعة الطب که برای نوآموزان نوشته شده و جز اصول تركيب الادوية نجيب الدين سمرقندى از «خمسهٔ نجيبيات» (ش۱ ص۲۳٦ فاضلیه) میباشد ودردو بخش است بدینگونه :

۱۵

القسم الاول فى اصول تركيب الادوية واستخراج صنائع المركبات و تحقيق الاوزان والمكائيل وما يناسبها و ذكر احكام الترياق -القسم الثانى فى دستورات صحيحة لم يشك احد من العقلاء فى صحته (وكل منها يشتمل على فصول) .

آغاز : بسمله . نحمدالله على ما هدانا سبل الرشاد و اوضح علينا سنن - ۲۰ الاسترشاد . . . و بعد فهذا مختصر فى صناعة الطب الفته لبعض المتعلمين و اودعته فوائد غريبه و فرائد عجيبه لم توجد فى اكثر الكتب المصنفة فى هذا الفن و جعلته قسمين منفصلين

انجام الفصل ۹ (من القسم الاول) فى قانون تحويل وزن الدراهم الى وزن المثاقيل و تحويلها الى الدراهم هذا تمام الكلام فى تحويل الاوزان و انما

ذکرت ذلك لاحتیاج الطبیب فی بعض الاحوال الی هذه الاعمال . خاتمة فی احکام الترياق الاکبر ولماکان هذا المرکب اجل المرکبات ... فاقول خبر المسخ للترياق هی النسخة الاصلية لاندروماخوس القدیم وهی هذه تأخذ من اقراس ...والدارصینی والغاریقون (١١٤ ب - ١١٦ ب) .

[۱۹۹۷-۱۹۹۰]

۱۱۲۹ این نسخه‌ها ش ۱ تا ۸ دفتر است و همهٔ آن بخط نستعلیق ریز چلیپا میباشد و سالك الدین محمد بن مؤید الطبیب الحموی در سپاهان در جمادی یکم سال ۱۰۰۵ همه این رساله‌ها نوشته است .

(گ ۱۱۶) ــ کاغذ سپاهانی ــ بی‌جلد
اندازه ۱۳ . ۱۹ ــ ۱۰ ۱۵ س ۲۵

[۱۷۰۸-۱۶۹۷] رساله‌های دوانی (عربی و فارسی)

دردفتر ش ۱۰۲۱و۱۱٤۷و۱۱٤۹ دوازده رساله از محقق دوانی (۸۲۸-۹ع ۹۰۸/۲ در ۸۰ سالگی) (۱) است که اکنون میشناسیم :

۱ـ دوانی نخست نزد پدر خود ملا سعدالدین اسعد آموخته سپس بشیراز نزد ملا محیی‌الدین انصاری شاگرد سیدالمحققین شریف بیاموخت ودر آن شهرچون توانائی روغن چراغ نداشت شبها دردهلیز مسجد عتیق شیراز در برابر چراغ برپا ایستاده کتاب میخواند سرانجام کارش بالا گرفت و نامبردار گشت و بمنصب پایمردی در [illegible] فرمانروای عراق وفارس و آذربایگان اورا ازشیراز به تبریز خواند و نوازش نمود ورهبری داوران فارس بدو سپرد . روزی میان او و ابواسحق بن عبدالله قاضی شبانکاره‌ای نیریزی نگارندهٔ رساله فارسی امکان حکم بر حرف (ش ۱۰۲۱/۱۵ ص ۹ فهرست) گفتگوی علمی درگرفت و چیزی نمانده بود که دوانی در برابر زبان‌آوری نیریزی درماند و قاضی [illegible] یزدی از شاگردان دانشمند دوانی که در آنجا بوده گفت من کمینه شاگرد او هستم خوبست که با من گفتگو کنید و نیریزی را بمن واگذارید . چنین کردند و او بر نیریزی چیره گشت و همگنان از او ستودند و قاضی صفی‌الدین عیسی نیریزی اززادگاه او پرسید دوانی گفت که از بزرگ‌زادگان یزد است و بدرخواست دوانی داوری و تصدی موقوفات یزد را بدو سپردند و با نواخت شاهانه فروانهٔ پرورش گردانیدند (مجالس المؤمنین درسرگذشت دوانی که فهرست نگارشهای او راهم آورد) میان دشتکی بر انموذج العلوم

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

۱ـ انموذج‌العلوم بتازی که ده مسئلهٔ است و در ص ۱۵۸ همین فهرست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وزوراء وحاشیه شرح‌چغمینی و حاشیهٔ شمسیه و حاشیهٔ تهذیب دوانی ردنوشت ومیان حواشی پدرخود ودوانی برشرح تجرید وشرح عضدی محاکمه نمود .

دوانی حاشیهٔ بزرگ‌زورا را بدرخواست شیخ شرف‌الدین حسن فتال و حاشیهٔ کوچك را درپاسخ ملاقطب‌الدین محیوی انصاری که برعبارتی از خطبهٔ آن خرده گرفته بودنوشت(مجالس‌سرگذشت دوانی وغیاث) . ۵

دوانی‌دردیباچهٔ انموذج‌العلوم استادان خودراچنین‌یاد میکند :

۱ـ پدر او سعدالدین اسعد صدیقی دوانی که محدث جامع مرشدی‌کازرون بوده است درادب وفقه وحدیث و تفسیر وعقلیات،واو خود شاگرد اینان بوده درحدیث وتفسیر:یکی شرف‌الدین عبدالرحیم صدیقی جرهی (ازگره که دیهی است درشیراز) شاگرد خواجه شیخ علی بن مبارکشاه صدیقی ساوی،دیگر شمس‌الدین محمدبن محمد جزری درحدیث بویژه صحیح بخاری، دیگر جمال‌الدین محمود بن حساح ابی‌الفتح سروستانی درفقه واین سروستانی حاوی صغیررا نزد لسان‌الدین نوح سمنانی وپدرش مولی اختیارالدین لعمان وآندو آنرا نزد جمال‌الدین محمد قزوینی و او نزد پدرش نجم‌الدین عبدالغفار قزوینی مصنف شاگرد ابی‌القاسم محمدبن عبدالکریم رافعی خوانده است،دیگر زین‌الدین شریف علی‌گرگانی درفلسفه که پدرش آنرا ازمشایخ دیگرهم‌آموخت . ۱۰ ۱۵

۲ـ صفی‌الدین عبدالرحمن حسینی ایجی که دوانی همهٔ اربعین نووی را نزدش خواند وایجی‌حدیث قاضی حن را باوزبانی اجازه داد . ۲۰

۳ـ مظهرالدین محمدکازرونی که دوانی نیمی از « محررالفقه » را نزد وی خوانده واجازهٔ زبانی‌ازوی‌گرفت . این‌کازرونی‌درفلسفه شاگردسیدشریف ودرحدیث وتفسیر شاگرد مجدالدین ابی‌طاهرمحمدبن یعقوب فیروزآبادی وشمس‌الدین محمدبن محمد جزری بوده است .

۴ـ شهاب‌الاسلام ابوالمجدعبدالله بن میمون کرمانی گیلی درحدیث وازاواجازهٔ ملفوظ مکتوب گرفت واوخودعوارف را ازشیخ نورالدین‌عبدالرحمن قزوینی باخواندن زین‌الدین ابوبکرخوافی شنیده است . ۲۵

۵ـ رکن‌الدین روزبهان بقلی شیرازی که دوانی دریك نشست اربعین نووی را

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

(ش ۸٦۸/۱) شناخته شده است . این دو نسخهٔ ما اندکی ازهم جدائی دارند .
دوانی درآن ازفرمانروای روزگارخود بسیار بستود وآنرا بنام او نوشته‌است .
درشعرهائیکه درآن آمده از سرزمین هند یادگردید . او دردیباچه استادان
خودراهم برشمرده‌است . غیاث‌الدین منصوردشتکی برآن ردی نوشته (مجالس
المؤمنین) ومحمدامین اسرابادی دربارهٔ مسئلهٔ نهم آن که درآن بگفتهٔ ابن‌سینا
دربارهٔ اینکه تصور رسانندهٔ تصدیق‌نیست نگریسته شده بررسی نموده و گفتاری
دراین زمینه دارد (ش۱٦طوس ٦۰۱)- شاه طاهربن رضی‌الدین‌اسماعیلی‌حسینی
اثناعشری خواندی کاشانی د کنی م۹۵۲ نیزانموذج‌العلوم دارد (مجالس‌المؤمنین
پایان مجلس ۷) چلبی (۱ : ۱٦۱) از انموذج‌العلوم شمس‌الدین محمد فناری (م
۸۳٤) که‌درصدمسئلهٔ‌صدعلم‌است وانموذج‌الفنون میرزاجان شیرازی (م۹٤۰)هم
یادنموده است درذریعه (۲ : ٤۰٤) از چند انموذج‌العلوم دیگر که پس‌ازاین
تاریخها بنگارش درآمده است یادگردید .

آغاز بسمله والاعتصام‌بکرمه‌العمیم. الله‌المحمودفی کل‌فعاله‌وهوالمشکور
علی جزیل نواله .. فیقول .. محمدبن اسعدالدوانی‌الصدیقی . . . انی کنت برهة
من‌الزمان ومدة من‌الاوان مشغوفاً بان‌انسلک‌فی خدام حضرة من‌واق سلاطین‌الانام .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
نزد وی خوانده واجازهٔ روایی نوشتنی ازوی گرفت [illegible] روزبهان خودشاگرد [illegible] آبادی
شاگرد شیخ مجدالدین ابی‌الجواد (محیی‌الدین‌بن‌الحداد – نسخهٔ ما) شاگرد نووی
بوده است .

٦ – [illegible] محمد کوسکباری (کوشکباری) انصاری شاگرد حاج عفیف‌الدین
[illegible] محدث شاگرد امام‌الدین ابوالمکارم علی بن عمار کشاه‌صدیقی، ودوانی
[illegible] (در [illegible]) و پاره‌ای از حواشی‌شرح تجرید وشرح مختصر
[illegible] را نزد این کوسکباری خوانده است و همین کوسکباری
شاگرد شهاب‌الدین [illegible] شیرازیان اجازه داد بوده است. آنگاه دوانی
[illegible] ازمردم شیراز [illegible] اجازه دارم سپس
[illegible] (نسخهٔ‌خطی مورخ ۹۳۸)

انجام : هذا آخرما قصدت ایراده فی هذه‌الرسالة . جعلته انموذجا لتلك
العلوم . فلینظرفیه‌الاذکیاء بعین‌الارتضاء متجانباً للفساد والمراء (وآخردعوانا ان)
الحمدلله‌رب‌العالمین وصلواته وسلامه علی خیرخلقه‌محمدوآله (وصحبه اجمعین)م.
(اندکی از عبارت برای اینکه کاغذ را موریانه خورده از میان رفت و بقرینه
خوانده ودرمیان دو کمانه گذارده‌ام) (۱۱٤۷/۲ گ ۹ ب - ۳۳ الف) .   ۵

۲- تفسیر آیهٔ « قال آمنت . . من‌المسلمین » بعربی و دوانی بدرخواست
کسی این آیه را دومین بار تفسیرنموده و در آن از ایمان و کفر فرعون گفتگو
کرده است .

آغاز : الحمدلله قابل‌التوبة اذا تاب لاسیما یفرح بتوبته کماورد عن سید
الاحباب .. امابعد فقد سألنی من اجابته علی فرض عین . . . سلالةالسلف‌الطاهر   ۱۰
الجناب‌الفاخر ذوالعزة والدین روحه‌الله روحه فی‌العالمین ان اکتب علی قوله
« قال انه لااله الاالذی آمنت به بنواسرائیل وانا من‌المسلمین » فاجبته علی ذلك
فی غابرالزمان حسب ماظهر من غیرتقلید ثم عن لی اشیاء من فیض موالی‌الحمید
فاجبت‌الزیادة .

انجام وهذاالقائل یقول بعدم سعة رحمة‌الله و یقنط عباده‌و تحکم‌و تحیشهم   ۱۵
من روح‌الله ولاییاس من روح‌الله الاالقوم الکافرون (الحمدلله علی تمام‌الرسالة
المنسوبة الی جلال‌الملة والدین‌الدوانی رحمه‌الله) (۱۱٤۹/۳٦ گ ۲٦۸ الف -
۲٦۹ ب) .

۳- «خلق‌الاعمال» بعربی (ش۱۱٤۹/۱۸) که درهنگام سفرو بدرخواست
سعدالدین محمد استرابادی در کاشان نگاشته است (ص ۲۵۹ همین فهرست)   ۲۰
تهرانی درذریعه (۸۲:۵) بنام « الجبروالاختیار » ازهمین رساله (مانند نسخهٔ ما)
وازدوانی یاد کرد ودرجای دیگر آن (۲٦۰:۲) از «افعال‌العباد» دوانی یاد کرده
و گفته که آن در « کلمات‌المحققین » بسال ۱۳۱۵ (ص ۱۵٦ - ۱٦۰) بچاپ
رسیده‌است. درجای دیگر (۲٤۳:۷)ازهمین‌دو بنام«خلق‌الافعال» ازدوانی یادنمود

و آندورا دو رسالهٔ جداگانه دانست . گویا نسخهٔ خطی که دیده بود و پیداست که دیباچهٔ نسخهٔ ما را که در چاپی نیامده داشته‌است بانسخه چاپی نسنجیده و پنداشت که دو رساله است با اینکه یکی بیش نیست . تازه دوانی دراین رساله روش اشعری دارد و چنین نگارش اورا نباید درشمارهٔ نوشته‌های شیعی آورد .

درفهرست طوس (۳۲:۱ ش ۱۱۳) از رسالهٔ « جبر و اختیار » فارسی دوانی که گویابرای غیاث‌الدین نوشته است یاد شده و آن جز رسالهٔ ما است بازدر آن (۱۲۷:٤) ازخلق اعمال دوانی (مانند همین نسخهٔ ما) یاد شده است (۱) .

٤ـ الرسالةالخلخالیه عربی و دوانی دراین رساله از گفتار فقیهان دربارهٔ اندازهٔ شرف زن که خلخال دویست درهمی یا صد درهمی است یاد نمود وسخن خود را هم آورد و گفتهٔ اوزاعی را دراینکه شرف در دسته‌های گوناگون یکسان نیست .

آغاز : بسمله . اعلموا ایهاالطلاب وفقکم‌الله لنیل‌الصواب انه قد شاك (۲) مثل اکثرالفقهاء حدالشرف فی‌المراءة بخلخال وزنه مائتادرهم ومثله بعضهم بخلخال وزنه مائة درهم

۱ ـ در دفتری دو رساله از دوانی دیده‌ام یکی به نام خلق الاعمال که بنام همین استرابادی نگاشته است (نوشتهٔ تاریخ ۲۰ ج ۱۲۲۷/۲) دومی تفسیر سورهٔ اخلاص هو که تفسیر اخلاص ابن سینا را [illegible] در آن آورده و آن را [illegible] ابوالفتح عبدالقادر سلطان نگاشته است (نوشتهٔ روز دوشنبه ۲۵ ج ۱۲۲۷.۲)

[illegible] آغاز چاپی

رسالة خلق اعمال العبد [illegible] الجلیل [illegible] العلامة الدوانی . [illegible] . (اما بعد) فهذه رسالة فی تحقیق [illegible] من غوامض الاسرار اعنی مسئلة خلق الاعمال [illegible] العلامة الدوانی [illegible] (الا [illegible]) قال العلامة و بالله [illegible] اعمال العباد . [illegible] نسخه چاپی [illegible] از دیباچه‌ایکه در [illegible] ما [illegible] آنرا [illegible] است

۲ ـ در نسخهٔ چاپی پس از این گزارش [illegible] شرح کلمات خمس حضرت امیر در جواب کمیل [illegible] آمده است پس باید دوانی هم همان را خواسته باشد

انجام : فلذلك اختل الاحكام وضعف مراسم الاسلام (تمت الرسالة الخالية لمولانا جلال الدوانی) (۱۱٤۹/۳۵ گ ۲٦۸ الف).

٥- صیحه وصدا بفارسی که در ص ٤۷۲ همین فهرست آنرا شناختهایم.

آغاز : بسمله. (و به نستعین) سبحانك سبحانك انت انت تعالیت عن مداناة الاشباه والامثال. انت کما انت تقدست عن محاکاة الوهم والخیال. انت کما اثنیت علی نفسك تنزهت (عن) ان یحیط بمحامدك دائرة المقال ... (وبعد) برادر طریقی ودوست حقیقی فخر القبایل وذخر الاوایل ... التماس نمود تا تذکرهٔ بعضی از سوانح وقت درین جزو ثبت رود ... و مقصود این رساله بعد از تمهید این مقدمه برسبیل قرع العصابه صیحه (واحدة) و چند صدا سمت ادا یافته.

انجام : پس ملاك امر (در) دین مبین وطریق مستبین تسلیم وانقیاد است فلاوربك لایؤمنون ... ویسلموا تسلیما. اللهم وفقنا لاتباع حبیبك فی الفعل والقول والعمل .. بحق حماك علیه و حقه عندك و بحق من له عندك رتبة من الاولیاء والصدیقین والشهداء والصالحین اللهم صل و سلم علیه و علیهم اجمعین (تمت ش ۱۰۲۱/۱۱ گ ۷٦ الف - ۸۱ الف) (وسلم تسلیماً کثیراً طیبا مبارکاً فیه . م. ش ۱۱٤۷/۱۰ گ ۱۱۸ ب - ۱۲٤ الف)

٦- رسالهٔ عرض بفارسی که شوشتری در مجالس المؤمنین در بارهٔ آن گفته « رسالهایکه درعرض لشکر سلطان مذکور در حوالی بند امیر شیراز نوشته ودر آنجا رعایت حسن عبارت بجا آورده» پیش از این اوراز «سلطان خلیل بایندری وحسن بیك»(۱) یاد کرده است پس بگفتهٔ او باید این رساله در بارهٔ سان دیدن خلیل باشد با آنکه از خود رساله برمیآید که در بارهٔ سانی که بهادرخان سلطان ابوالنصر

۱- دوانی در رسالهٔ دیوان مظالم (ش ۱۰۲۱/٦ گ ۳۹ ص ٦٦۲ همین فهرست) هم از سلطان ابوالنصر حسن بیك بهادرخان (انارالله برهانه) مانند درگذشته و همچنین از پادشاه بزرك یعقوب بیك خان (احله الله فرادیس الجنان) یاد کرده و نوشته که آنها دادگر بودهاند و حسن هر هفتهای دو روز در دیوان مظالم می نشست و کارکنان او این روزرا «روز دیوان بزه مسکین» مینامیدند.

اوزون حسن بیك آق قونیلو (۸۷۱ - ۸۸۲) از سپاهیان و دیگران از درویشان
و دانشمندان و شاهزادگان دیده است بنگارش درآمده است. نیمهٔ نخستین این
نامه سراسر ستایش بس بیجا و چاپلوسانه‌ایست که این دانشمند ازاین فرمانروا
کرده‌است وجزعبارت پردازیهای بی‌ارزشی بیش نیست در نیمهٔ دوم آن که از سان
۵ وعرض سخن بمیان میآید نکته‌های لغوی و تاریخی بسیار سودمندی هست .

آغاز : بسمله (رب اعني بالاتمام) . اللهم صل علی محمد و آله و صحبه اجمعین .
قال‌الله سبحانه وتعالی ولقد کتبنا في‌الزبور من بعدالذکر ان‌الارض یرثهاعبادی
الصالحون . از پرتو اشعهٔ این نص قدسی سنابان منظر تحقیق را این معانی مشاهد
و معاین گردد که عرصهٔ فسیح ربع مسکون مضرب خیام دولت و محط سرادق
۱۰ (عظمت) سعادتمندی تواند بود که جهت (وجههٔ) همت وقبلهٔ او صلاح امور عباد
وبلاد ونظم مصالح ایشان درمعاش ومعاد باشد .

انجام :

ندیده بدین عقل وروشن دلی سپهر کهن سال دردور خود

اللهم خلد ظلال معدلته ورأفته علی بسیط الارضین وامدانوار سلطنته وخلافته
۱۵ علی قاطبة المسلمین و اجعل رآیاته مرفوعة فوق قبة الخضراء و احکامه نافذة فی
جمیع اسقاع الغبراء بحق محمد (عین) اعیان الانسان و آله وصحبه اصحاب الشهود
والعیان - ش ۱۰۲۱/۷ گ ۴۳ ب - ۵۸ ب (تمت الرسالة الموسومة بالعرض بعون‌الله
تعالی وحسن توفیقه والصلوة والسلام علی رسوله و حبیبه علی وعلی آلهما
وعترتهما اجمعین - ش ۱۱۴۷/۷ گ ۸۳ ب - ۱۰۲ ب) (دو نسخهٔ ما اندکی باهم
۲۰ تفاوتی دارند. شماره که در میان دو کمانه نموده شده)

۷ - کاشفا و حمد بپارسی که در مجالس المؤمنین بنام «پولیدیه» در شرح کلمهٔ
توحید نامیده شده و دارد که به نام سلطان محمد اوز نوشته، و پیش از این عبارت
از «سلطان خلیل بایندری و پدر او حسن بیك» یاد شده پس باید این رساله
بنام خلیل باشد ولی در ذریعه (۴ : ۵۱۶) دارد که بنام حسن بیك نوشته است .

دردو نسخهٔ ۱۰۲۱/٤و۱۱٤۷/۱۲ جای نام شاه سفید گذارده شده است .

دراین رساله از «کلمهٔ توحید» از رهگذر لغوی و فلسفی و عرفانی کاوش شده و در آن دو مقام است نخستین در مباحث علم رسمی در دو موقف(مباحث لغوی ـ مباحث عقلی در سه مسلك متکلمان و حکیمان و اشراقیان) دومی در کشف حقایق شهودی در دو موقف (حقایق توحید در سه مرتبه ـ لطایف توحید) (فهرست فاضلیه س ۲۸ ش ۵۱/۲) .

آغاز : (رسالة فی کلمة التوحید لمولانا جلال الدین الدوانی قدس سره ـ گوشهٔ بالائی راست گ ۱۲۸ ب ش ۱۱٤۷/۱۲ بنستعلیق خوش شنگرف و باید از نویسندهٔ نسخه باشد)

بسمله . (والاعتصام بکرمه العمیم) آفتاب جمال قدم از آن متعالی است که خفافیش ظلمت سرای حدوث بنظر کلیل فکر و نظر مطالعه سبحات انوار آن توانند نمود ...

انجام درمرتبهٔ ثلثه بعدار شعور (شعوری)(بوحدت) حقیقی ذاتی کما بدا کم تعودون منه بدا و الیه یعود کل شیء الیه فدتم بحمدالله و حسن توفیقه م ـ۱۱٤۷/۱۲ گ ۱۲۸ ب ـ ۱٤۳ الف (کما بدا کم تعودون والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب . تم بحمدالله و حسن توفیقه جمادی الآخر سنهٔ ۹۲۹ ش ۱۰۲۱/٤ گ ۲۲ ب ـ ۳۳ الف) (نیز نسخه ایکه در دفتر ۱۰٤٦ هست ـ. ص ۷٤ ج ۱ فهرست آقای منزوی) .

۸ـ گزارش «انا النقطة تحت الباء» بفارسی که روی نشانه‌های نسخه و سبك نگارش باید از دوانی باشد .

در آن از پاسخ پرسش کمیل از امیرمؤمنان در بارهٔ حقیقت یاد شده است (۱۱٤ الف) .

آغاز : بسمله . الحمدلله مفیض الحکم والصلوة علی محمد و آله وسلم . دی یك ناگاه از عراق وفاق بر سرحد بسط و استنطاق رقمی از عزیزی رسید

مشعر باستکشاف معنی « اناالنقطة تحت الباء » (جای این عبارت در نسخهٔ ماسفید گذارده شده وهمچنین در برخی از جاهای دیگر و از نگریستن بسراسر نسخه برمیآید که این رساله در گزارش این عبارت است که ازعلی ع پنداشته‌اند گرچه دررساله ازاو نامی برده نشد).

۵ انجام: وجهی چند درطی این حروف و عبارت سحر آفرین مدرج است. آنچه الحالة هذه برجریدهٔ شاعر ثبت بود صورت تحریریافت تاطالبان هوشمندرا ازمائدهٔ زمان ماحضری باشد. بیت:

ز قند سخن پخت حلوا کمال — ببینید یاران که چون آمده است

والحمدلله رب العالمین. تمت و آلاء ربنا عمت (۱۰۲۱/۱٤ گ ۱۱۲ ب -

۱۰ ۱۱٦ ب).

۹- گزارش بیتی ازدیوان حافظ بفارسی که بااندکی جدائی در آغاز همانست که در ص ٤۵۲ (ش ۱۰٤٦/۱۹) شناسانده شده است در آن چهار مقدمه و یك فذلك است.

آغاز: بسمله. (و به نستعین فی التتمیم) لك الحمد اللهم ملهم الصواب و علی

۱۵ نبیك الاواب الصلوة المستجاب و السلام المستطاب و علی اتباعه من الال و الاصحاب. و بعد (امابعد) کلمهٔ چند در تبیین معنی یك بیت از اشعار لسان الوقت حافظ شیرازی رحمه‌الله برحسب التماس بعضی از احوان صفا و خلان وفا .. بیت

پیر ما گفت خطا برقلم صنع نرفت — آفرین بر نظر پاك خطاپوشش باد

انجام: با آنکه صعوبت مطلب و غموض مبحث و قلت مستأهلان ادراك غوامض

۲۰ اسرار و ... معاندان و اهل انکار و شیوع جدال واصرار و نفاذ سوق اشرار (ز ز) مانع است. شعر

اوول بالحمد ... انه — خوف الرقیب وما بالحمد من خال

اللهم ارنا الحق حقا وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه والحمدلله حمداً کثیراً یبلغ مبلغ اللاتناهی وعلی نبینا الصلوة والسلام صلوة یؤدی (یزدی)

علی نفحات‌الدراری و تباهی (تمت حامداً و مصلیاً ومستغفرا . م .) (۱۰۲۱/۹ گ ۶۲ ب - ۶۵ الف و ۱۱۴۷/۸ گ ۱۰۳ ب - ۱۰۷ الف) .

۱۰ - گزارش غزلی از دیوان حافظ بفارسی که پس‌از دیباچه‌ای بیتهای غزل :

« درهمه دیر مغان نیست چو من شیدائی ۵

خرقه جائی گرو باده و دفتر جائی

یکایك آمده و گزارش شده است . درمیان سخنان سیاری از شعرهـای دیگر حافظ هم آمده است .

آغاز : بسمله . (و به نستعین علی‌التتمیم) دیریست تا بحکم وجوب اداء حق اخوت درشرع فتوت ودین مروت بررقبهٔ قلم سست قدم اداء معنی این غزل ۱۰ ازسخنان‌لسان‌الوقت ترجمان‌الزمان‌حافظ شیرازی که بحقیقت‌صدای نغمه‌شناسان مقامات طلب است باکه راست نوای عشاق پرده شناس شعب طریق عشق قضا حق التماس برادران طریقه را دینی واجب (است) .

انجام . وبنابرین (این) در تکثیر وجوه محامل این ابیات شعف (ننمود) بلکه بآنچه بذوق حاس ناظم انسب بود اکتفا نمود (مصراع .) « اندك گفتم ۱۵ وبسیاردیگر دانستم » والحمدلله علی ماهدانا وله‌الشکر علی ما اولانا والصلوة والسلام علی سیدنامحمدالذی عن داءالجهل نجانا والی معارج‌القدس رقانا (تمت الرسالة بیدالفقیر علی‌بن مسافرالقاضی - ش ۱۰۲۱/۱۰ گ ۶۵ ب - ۷۵ ب) (تمت‌الرسالة . م . ش ۱۱۴۷/۹ گ ۱۰۷ ب - ۱۱۷ الف) .

۱۱- گزارش بیتی از گلشن راز بفارسی که پس‌از مقدمه‌ای عرفانی آن ۲۰ بیت گزارش شده و شعرهائی بتازی و پارسی درمیان سخنان آمده است . این گزارش جزآستکه در ص ۴۵۳ (۱۰۸۸/۲۲) شناخته‌ایم .

آغاز بسمله . ومنه‌العون فی‌التتمیم . بعد الحمدلله بماستحقه . والصلوة علی نبیه کما هوحقه . نموده میشود که از دیوان وزارت که مرکز رایت اقبال

ومحیط سعادت و کمال و محط رحال رجال فضل و افضال است ... مثال واجب الامتثال رسید مشتمل برامر به تبیین معنی بیتی از ابیات گلشن راز که مشتمل برلباب مقاصد آن کتاب است . . و بیت مذکور اینست .

تفکر رفتن از باطل سوی حق بجز واندر بدیدن کل مطلق

انجام . وچون اشارة (اشارت) علیه براختصار رفته بود بتکثیر محامل وتشعیب وجوه شعف ننمود. والکلام مع نفهم من النقطة الحرف و من الالف الالف فلاحاجة الی التطویل والله (یحق) الحق و(هو) یهدی السبیل . ش ۱۰۲۱/۸ گ ۵۹ ب - ۶۲ ب) (تمت الرسالة الشریفة ش ۱۱۴۷/۱۱ گ ۱۲۴ ب ۱۲۸ الف) .

۱۲- گزارش رسالة عمل طوسی . اری که در ص ۲۷۶ همین فهرست آنرا شناختهام از فهرست مجلس (۲ ۳۶۵ و ۴۱۲) برمیآید که این گزارش در ۸۸۶ بنگارش در آمده است (طوس ۴ ۱۸۰ . وانشنامه ص ۲۰ و ۲۱ و ۲۹) شوشتری درمجالس المؤمنین درباره آن میگوید و شرح رسالة نصیریه در تحقیق معنی نفس الامر « (۱۱۴۷/۱۳ گ ۱۴۳ ب)- مولانا محمد امین حنفی گویا تبریزی درهرات در پنجشنبه ۷ ج ۹۱۲/۲ گزارشی بر همین رسالة طوسی نوشته است (طوس ۴ ۱۸۲)

[۱۹۹۸ ۲۰۰۱]

(۷ ([illegible] رسالة [illegible] ۹۳۹ [illegible] مسافر [illegible] راز است [illegible] ۱۴ گزارش [illegible]

[۲۰۰۲ ۲۰۱۰]

۷(([illegible] العلوم [illegible] ۲۸ [illegible] با شارة [illegible] ۳۲ ، و ۳۴ الف [illegible] است [illegible] درش ۸ [illegible]

گزارش بیتی ازحافظ است بنسخ ش ۷ ودرش ۹ گزارش غزلی از حافظ است بهمان نسخ با حاشیه‌های لغوی بنستعلیق و عنوانهای مطلبها درهامش بهمان خط حاشیه .
درش۱۰ صیحه و صدا است باهمان نسخ وبا عنوانهای شنگرف وبا حاشیهٔ نستعلیق .
درش۱۱ گزارش بیتی ازگلشن راز است بهمان نسخ باعنوان مطلبها بنستعلیق درهامش.
در ش ۱۲ کلمة التوحید است بهمان نسخ . در ش ۱۳ گزارش رسالهٔ عقل طوسی است ۵
وبنسخ درشت تری ومتن زیرخط سرخ وباید این‌هم بخط نویسندهٔ شمارهٔ پیش باشد .
دراین شماره باندازهٔ یک صفحه‌ای ازاین گزارش بیش نمانده وبرگهای دیگر افتاده‌است.
چنین است « بعد حمدالله مبدع الحقائق .. وقال شکرالله سعیه (لانشك ... ويحكم به)
عطف

[۲۰۱۳-۲۰۱۱] ۱۰

۱۱۴۹ دراین دفتر از رساله‌های دوانی در ش ۱۸ «خلق الاعمال» است (۴۹ الف و ب) ونیمی ازآن را دارد وبدینجا «ان صفة القدرة والارادة والعلم ليست في شيء من المواد باعتبار الموصوف» میانجامد وسفید گذارده شده است . ودرص۳۵ الرسالة الخلخالية همو (۲٦۸ الف) ودر ش ۳٦ تفسیر همان آیه است (۲٦۸ الف – ۲٦۹ ب) همهٔ اینها بخط نستعلیق است بروش ترکان و بقلم دیگریست که دراینده‌فتر ۱۵
افزوده است .

[۱۷۰۹-۱۷۱۳] رساله‌های رد یهود (فارسی)

دردفتر ش ۱۱۸٦ چند رساله‌است دررد یهود که اکنون میشناسیم :

۱ـ محضرالشهود فی رد یهود از حاجی بابا فرزند محمد اسماعیل قزوینی
یزدی وچنانکه دردیباچه میگوید پدرش‌ازدانشمندان یهودبوده وباسلام گرائید ۲۰
این بود که همکیشان اورا نکوهشها نمودند وخواسته بودند اورا بدین پیشین
بازگردانند ولی او دراسلام پایدار مانده و آنها را باین دین میخوانده است
پسرچهل سالی که گذشته بود درهمان نزد بنگارش این دفتردر۷ باب بپرداخت
و از روی نوشته‌های عبرانی درستی آئین اسلام را روشن بداشت . عبارتهائی
بعبری بخط فارسی در آن آمده و بپارسی شده است . درهامش نسخهٔ ما همو ۲۵
مینویسد که ملاسلیمان یهودی‌درطوس در کتابی نوشته که من پیامبران اسرائیل را

نمی‌پذیرم و چنین نیست من همهٔ آنها را راستگو میدانم و بگفتهٔ آنها بپیامبر اسلام گرائیدم . در پایان آن از گفتگوی دینی که میان او و دانشمندان یهود در شهر یزد در ذی‌قعدهٔ سال ۱۲۱۰ شده و نوشته‌ایکه همانها نوشتند و گفتند که از روی «نبوت‌هیله» (وحی کودك) محمد پیامبر است یاد گردید

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی هدانا سواءالسبیل و اکرمنا بمتابعة اشرف من ولد من نسل اسماعیل الذی اشرف بانتسابه ابراهیم الخلیل محمدالمزبور وصفه ۵ فی‌الزبور والتورية والانجیل وصیرنا من‌المحبین لآله وعترته‌الواقفین علی‌اسرار التأویل والتنزیل سیما ابن عمه ووصیه مظهرالحق ومبطل‌الاباطیل و بعد چنین گوید ... ابن محمداسماعیل حاجی بابای قزوینی ساکن یزد ... پس هرگاه آنرا مسمی گردانیم بمحضرالشهود فی رد یهود لفظ بامعنی و ظاهر با فحوی مطابق خواهد بود ... واین کتاب مشتمل است بر چند باب .

۱۰ انجام و چون مضمون تمام بیکدیگر قریب بود در نقل باقی فائده ندید از ایراد اعراض نمود . الحمدلله اولاو آخراً والصلوه والسلام علی نبیه محمد ... ختم .. فی‌السادس من شهر رمضان‌المبارك سنة ۱۲۱۱ احدی عشرة و مائتین بعدالالف من‌الهجرة‌النبویه علی مهاجرها آلاف سلام و تحیه (۱ ب ـ ۸۱ ب) .

۲ رسالهٔ کوچکی است از همین قزوینی در نکوهش از یهود و در آن یادی ۱۵ از رسالهٔ ۱ و پدر خود میکند

آغاز : بسمله . و به نستعین اما بعد بر [illegible] پوشیده نماند که طایفهٔ یهود را عناد ولجاج و تعصب بیجا [illegible] و این کلمت که طبیعت ایشان مجبول بر انکار و جحود است

انجام [illegible] نوشته شد والسلام علی ۲۰ من اتبع الهدی (۸۱ ب ـ ۸۳ ب)

۳ رساله‌ای از همو در اینکه یهود [illegible] تورات و گفتار موسی کار نمیکنند واز آن بیگانه‌اند در این هم از [illegible] یهودان در خرده‌گیری از اسلام نوشته واز او هم [illegible] یاد گردید

آغاز : بسمله . و به نستعین . بر ارباب الباب مخفی نماند که جماعت بنی اسرائیل را داعیه اینست که ما بشریعت توراة بفرمودهٔ حضرت موسی عمل مینمائیم .

انجام : وعام بودن شریعت آن حضرت و ابدی بودن آن هیچیك مخفی نمانده و تمام دراین رساله ذکرشده والسلام (قد فرغت من تسویده و تحریره فی یوم الاربعاء من شهر رمضان . . سنة ثمانیة وسبعین ومأتین بعدالالف . . فی بلدة الشریفة العلویة .. وانا ... ابن المرحوم المغفور سیداحمد جوادالطباطبائی الیزدی ملتمس من الناظرین فی النسخة الدعاء ۱۲۷۸) (۸٤ الف - ۹۰ ب) (۱) .

٤- حجج الاسلام ازمحمدحسین بن مرتضی حسینی حسنی طباطبائی یزدی که در آن از روی آیتهای چهار انجیل سریانی ارمنی که متن آنها را هم آورد روشن نمود که پیامبر اسلام و پیشوایان شیعی راستگو بوده و آئین شیعی درست است در آن هشت حجت است و یك خاتمه در خرده گیری از نصارا .

آغاز : هذا کتاب حجج الاسلام . بسمله . و به نستعین . بهتر کلامی از خامهٔ لسان که بر صحایف خواطر نگارش پذیرد و خوشتر مرامی از نامهٔ بیان که مصاحف مساطر نمایش گیرد حمد خداوندیست . که گم گشتگان وادی ضلالت را بسوی طریق مستقیمش هدایت نمود و سرگشتگان بادی جهالت را سبیل فویش عنایت فرمود ... و بعد برمرآت صدور صافیهٔ ارباب الباب واخلاء اطیاب نسطیر و تحریر مینماید . ابن مرتضی الحسینی الحسنی الطباطبائی الیزدی محمد حسین ... آنرا مسمی بحجج الاسلام گردانید .

انجام : بهتر آنست که در اینجا ختم کنیم .. فرغت من تألیفه و تحریره عصر یوم الثلثا السابع والعشرین من شهر جمادی الثانیه من شهور سنهٔ خمس وسبعین ومأتین

۱- از این پس (۹۰ب - ۹۱ب) حاشیه هائی است بفارسی گویا از همان طباطبائی نویسندهٔ نسخه در محضر الشهود در بارهٔ دعای قدیش و متن عبری آن هم آمده و ترجمه شده (از کتاب سدور و سیمان ۲٤ سفر ٤ تورات) وداستان شست وشو دادن یحیی در رود اردن از روی انجیل ارمنی (فصل ۳ متی) و چند آیهٔ دیگر در بارهٔ نسخ آئین یهود از خود تورات بجز آنچه که در محضر الشهود آمده است .

بعدالالف . . فی‌البلدة‌الشریفة‌الرضویة علی‌مشرفهاالاف سلام وتحیة (۹۲ الف ـ ۱۰۰ الف) (۱) .

۵ـ رساله‌ای ازعلی‌بن محمد جدیدالاسلام که‌در آن آیتهای تورات بعبارتهای عبری بخط فارسی‌یا عبری آمده وترجمه‌شده‌وبسود آئین‌اسلام تفسیر گشته‌است

آغاز : بسمله . مؤلف گوید این اوراق علی‌بن محمد جدیدالاسلام فصل‌اول درسفراول توراة مذکور است که حضرت ابراهیم درالهام‌نبوت یافت که چندین پیغمبران ازاولاد اسحق ع درایام بنی‌اسرائیل پدید میابند .

انجام : و شریعت توراة کامل شد . ودراثبات نسخ گوئیم مصالح تفاوت کند نمی‌بینی طبیب همیشه‌یك دواندهد. نسخ (۱۰۲ب ـ۱۱۳ الف ، درمیانه دربرخی جاها سفید گذارده شده و کمبود دارد و درپایان هم یك برگ و نیم صفحه‌ای سفید گذارده شده و در گ ۱۱۵ الف دارد) دربیان الفاظیکه دروحی کودك درنام ونشان حضرت محمد .. درحرف لام تاآخر گفته .. مجملا گردرین فصل بعبرت‌نظری گمارند انشاءالله رفع شبهه‌امیشود منه (۱۲٤ب ـ این‌بند که الفاظ وحی کودك درآن آمده وتفسیرشده باید دنبالهٔ همین رساله باشد) .

[۲۰۱۸ ۲۰۱٤]

۱۱۸۶) این [illegible] ها [illegible] و [illegible] است و [illegible] و [illegible] در خط [illegible] و [illegible] ۱۲۷۸ باید نوشته شده باشد . [illegible] در [illegible] جاها [illegible] .

همهٔ دفتر ۱۲۵گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی [illegible]

اندازه : ۱۵ ۲۰/۵ و ۵ ۸ ۱۳ س ۱۷

[۱۷۱٦ ۱۷۱٤] [illegible] (عربی)

[illegible] ۱۰٦۳ [illegible] رسالهٔ [illegible]

۱ [illegible] (۱۰۰ الف ـ ۱۰۲ الف) [illegible] و [illegible] از تورات وانجیل [illegible] است .

۱- کره متحرک اوطولوقوس وجز تحریر طوسی است از آن که در ص ۸۴۸ (ش ۱۰۶۳/۳) شناسانده شده است (طوس ۳:۳۵۴).

آغاز نسخهٔ ما : ا ه ج ه د فان قوس ط ل مساویة لقوس ا ح (از نیمهٔ شکل ی و کم دارد).

انجام (شکل ىب) اذا كانت دائرتان ثابتة على كرة يقطع دائرة اخرى من الدوائر المتحركة ... فكل واحدة من دائرتى ا ب ج د ، د ب د عظيمة لان مركزهما مركز الكرة و ذلك ما اردنا ان نبين . تم كتاب اوطولوقس فى الكرة المتحركة (۲۷ الف ۲۸ الف).

۲- مطالع ابسقلاوس (هوپسیکلاوس Hypsiclès) مهندس اسکندرانی (سدهٔ پنجم پیش از مسیح) که قسطای بعلبکی آنرا بتازی در آورده و کندی آنرا اصلاح نموده است (ص ۸۴۴ همین فهرست - طوس ۳:۳۵۶).

بسمله . كتاب ابسقلاوس فى المطالع مما اصلحه الكندى و نقله قسطا بن لوقا البعلبكى وهو يشتمل على ثلث مقدمات وصدر و شكلين . المقدمات اذا كانت مقادير عدتها زوج .

انجام . اذا عرفنا مطالع الجزء و كانت الزيادات معلومة فمطالع جميع الاجزاء معلومة وذلك ما اردناه . تم كتاب اسقلاوس (۲۸ الف - ۳۰ الف)

۳- تحریر مأخوذات ارشمیدس از خواجهٔ طوسی (طوس ۳:۳۵۳).

آغاز . بسمله تحرير كتاب مأخوذات ارشميدس ترجمة ثابت بن قرة خمسة عشر شكلا و تفسير الاستاذ المختص ابى الحسن على بن احمد النسوى . قال الاستاذ المختص هذه مقالة منسوبة الى ارشميدس فيها اشكال حسنة قليلة العدد كثيرة الفوائد فى اصول الهندسة فى غاية الجودة و اللطافة و قد اضافها المحدثون الى جملة المتوسطات التى لا يتم قراءتها فيما بين كتاب اوقليدس والمجسطى الا ان فى بعض اشكالها مواضع يحتاج الى اشكال آخر يتم بها بيان ذلك الشكل وقد اشار فى بعض ذلك ارشميدس الى اشكال اوردها فى سائر مصنفاته وقال كما بينا فى الاشكال القائمة

الزوايا و كما بنيا فى تفسير فى جملةالقول فىالمثلثات و كما قد تبين فى قولنا
فىالاشكال ذواتالاضلاع الاربعة و اورد فىالشكل الخامس برهاناً على طريق
اخص ثم بعد ذلك عمل ابوسهل القوهى مقالة سماها تزئين كتاب ارشميدس فى
المأخودات واورد برهـان ذلكالشكل بطريق اعم و احسن مع ما يتعلق به من
٥ تركيبالنسبة و تأليفها فلما وجدتالحال على هذه جعلت للمواضع الغامضة من
هذهالمقالة شرحاً على سبيل تعليقالحواشى و بينت ما اشاراليه باشكال اتجه اليها
خاطرى و اوردت من اشكال ابى سهل شكلين يحتاج اليهما فىالشكل الخامس
و تركتالباقى اجتناباً منالتطويل و استغناء عنه (ا) اذا تماس دائرتان كدائرتى
ا ه ب، ج ه د.

١٠ **انجام** : و ذلك لان ه دوترالسدس ودج و ترالعشر وقد تبين ذلك فىالشكل
الثالث عشر منالمقالة الثالثة عشر منالاصول و ذلك ما اردناه تمتالمأخوذات
لارشميدس . وفرغالمصنف طاب ثراه (رحمهالله منه رر ك ه خنج ـ چاپ هند).

[٢٠١٩ ٢٠٢١]

یادداشت: (این [illegible] ٥ تا ٧ [illegible] خط شماره‌های [illegible] میباشد.

١٥ [١٧١٧ ١٧١٩] رسالة [illegible] (فارسی)

اینک [illegible] رسالهٔ فارسی در طبیعی [illegible] را میشناسیم
١. در [illegible] و [illegible] و [illegible] است بروش پیشینیان واندکی
[illegible]

آغاز [illegible] رساله فی [illegible] عالم [illegible] عاقل را واجب است
٢٠ [illegible]

انجام و [illegible] و این دلیل
روشن است والله اعلم بالصواب (٢٠ [illegible] ٢٤ الف)

۲ـ در هیئت و جهانشناسی است .

آغاز : در بیان عالم . بدانکه عالم که عبارت از ماسوی الله است ذات مقدس باری عز اسمه موجود ساخته است از سیزده کره .

انجام : سیم افق حسی مثل انداختن بصر در نزدیکیها (۲۴ب – ۲۵ب) .

۳ـ در کائنات جو و کانها است و در فصل ۱ مقصد ۱ آن از ابن سینا یاد گردید (۲۷ ب) . ۵

آغاز : باب . این لجه ایست در تنقیح و تشخیص ابر و باد و رعد و برق ـ بسمله الحمدلله الذی یرسل الصواعق فی ازمنة مقدرة . . . والصلوة والسلام علی . . . محمد .. المستغرق فی بحار العلم والعرفان . اما بعد این مختصریست در بیان کائنات جو وارض مشتمل بر مقدمه ودو مقصد . مقدمه در بیان بعضی امور که قبل از شروع ۱۰ در مقصود دانستنی است . مقصد اول در بیان کائنات جو (در سه فصل) . مقصد دوم در بیان کائنات ارض (در سه فصل) .

انجام : و از اختلاط زیبق با کبریت متکون میشود طلا و نقره و مس و آهن و برنج وسرب و قلعی . تم الکلام بعون الملك العلام (تحریراً فی شهر شوال المکرم سنة ۱۲۳٦) (۲۵ ب – ۳۰ ب) . ۱۵

[۲۰۲۲-۲۰۲٤]

۱۱۳۰ این نسخه ها ش ٤ و ٥ و ٦ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ و ۲ .

[۱۷۲۰-۱۷۲٦] **رساله های عرفانی** (فارسی)

در دفتر ش ۱۱۱۳ چند رساله عرفانی و فلسفی است که باید همهٔ آنها از خواجه محمد بن ابومحمد محمود بن محمد دهدار عیانی یافانی خفری شیرازی ۲۰ (۹٤۷-۱۰۱٦) باشد .

این دانشمند عارف، آشنای بجفر و اعداد و هنرهای شگفت دیگر بوده

و آرامگاه او در حافظیه یا دارالسلام شیراز میباشد.او علمهای رسمی را از شاه فتح‌الله شیرازی و طریقت را ازشیخ حسن نجفی درهند بیاموخت (۱) .

اینك رساله‌ها :

۱- عشرهٔ کامله که برای خـان خانان نگاشته و در یك مقدمه (نبود نیستی خواهان‌هستی و هستی خواهان‌هستی مطلق‌است و چندقاعده‌دیگرعرفانی وفلسفی) وده فقره درده مسئله عرفانی وانجام کلام دردانش وهستی میباشد درفقرهٔ سوم داستانی ازتکفیر ابی‌سعید ابی‌الخیرآورده نیزدرفقرهٔ پنجم اززندگی او نکته‌ای یاد کرد و گویا ازاسرارالتوحید گرفته است .

آغاز : (هذه رسالة موسومة بعشرة کاملة من مؤلفات خواجـه محمد دهدار رحمه‌الله) بسمله . حمد و سپاس مرخداوندیراست کـه خواص بندگان خود را بنعمت توفیق برخوردارداشته توجه والتفات‌ایشانرامرحم‌جراحات زخم یافتگان معرکهٔ حوادث وقتی ساخت وشکر و ستایش مرمنعمی‌را است که تو سن ارباب نعم عاجله را بریسام قضای حوایج درماندگان بوادی محن درآورده بتکاپوی تحصیل‌درجات‌نعیم عاجله‌انداخت . چنین گوید . . محمدبن‌محمودالملقب بدهدار که بمعنی خمر فیض اثر « ان لربکم‌الله فی ایام دهر کم نفحات » نفحهٔ اشارهٔ وافرةالبشاره . خان خانان . رسید . پس بموجب « الافتعرضوالها » متعرض اطاعت آن شد چون بعزم شرف صحبت مشرف شد .. لازم آمد که چندی

۱- بنگرید به : فهرست منزوی ۳۰۰۴ و فهرست نامهای آن - ریحانةالادب ۲:۶۸ [illegible] او که رساله‌ایست در [illegible] فارسی و درچاپخانهٔ موسوی شیراز سال ۱۳۱۹ [illegible] در ۴۱ ص بچاپ رسیده است پیداست که او با دانشمندان هند گفتگوها کرده (ص ۱۷) و همچنین [illegible] گفتگو نموده است

او در آن از [illegible] و ملحدان و [illegible] و [illegible] هند یاد میکند و آنها را [illegible] میشمارد (ص ۱۴) در آن از چهار گروه دینی هندی [illegible] « [illegible] رشند » که مشترش با اسلام [illegible] یاد [illegible] (ص ۲۷) و [illegible] را [illegible] ملحدان میکشاند واز کارهای زشت یکی ازآنها که داروغهٔ [illegible] بوده و [illegible] یاد مینماید (ص ۳۰) .

از خصوصیات آن ذات حمیده صفات درضمن حکایات بنوعی مندرج سازد . . .
و بموجب « تلك عشرة كاملة » ده فقره سخن از اخبار و آثار مذکور میسازد
که مشتمل است براصل صفات کمال انسانی ومشعراست برخصال این نور دیده
کامرانی .

۵ **انجام** : و چون این عبارت برزبان قلم جریان یافت لازم دیدم برآن
وبردعای افزونی دولت دارین این مدرك سعادات دو جهانی وقابل کمالات جاودانی
اللهم اجعل نعمته تاماً و کرامته عاماً و ارزقه فضلك . . . و کن له ولا تكن علیه
بمحمد وآله وصحبه وذريته وعلى جميع اخوانه من النبيين والصديقين والشهداء
والصالحین . آمین یا رب العالمین . (تمت بالخیر) (گ ۳ الف ـ ۲۵ ب) .

۱۰ ۲ـ رسالهٔ توحید که بروش عرفانی و برای ابوالغازی مرتضی نظام شاه
نوشته است و دارای یك مقدمه و سه فصل و یك خاتمه است . نسخه‌ای از آن
درفهرست طوس (۱۱۹:٤ ش ٦۲۰) شناسانده شد .

آغاز بسمله . حمدوسپاس بی‌قیاس مرخداوندیرا که‌درمشکوة دل انسان
چراغ «ولیکن یسعنی قلب عبدی المؤمن» برافروخت وبرقامت استقامتش خلعت
۱۵ « الانسان سری واناسره » دوخت . . . این چند کلمه است برسبیل وسیلهٔ عرض
حاجات بدرگاه پادشاه ... ابوالغازی مرتضی نظام شاه بن شاه ... رقمزدهٔ کلك
عبودیت ذرهٔ بی‌مقدار محمد دهدارشد ... و این ارقام مرتب شد برمقدمه و سه
فصل .

انجام : چنانچه شاه داعی‌الله علیه‌الرحمة میفرماید :

۲۰ اگردانی وگر هرگز ندانی — که باقی تا ابد باقی بماند

والله یقول الحق ویهدی السبیل وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین والسلام
علی من اتبع الهدی (۲۵ ب ـ ۳۸ ب) .

۳ـ ترجمهٔ رسالهٔ « اقرب الطرق الی‌الله » نجم‌الدین طامهٔ کبری خیوقی
که درده قاعده‌است وشعرهای فارسی‌هم درآن آمده‌است (ص ٤۱۱ همین فهرست)

درفهرست گ ۱ الف نسخهٔ ما دارد « رساله درسیروسلوك مشتمل برده قاعده »
این ترجمه هم باید ازهمین دهدار باشد .

آغاز : بسمله . حمد و ثنای نامتناهی پروردگاری را که استحکام قواعد اسلام را ملجأ طالبان سعادت ملکوتی گردانید واهتمام تزکیهٔ نفوس را معراج
سالکان درجات جبروتی گردانید واعتصام بجذبات عنایت اللهی را جناح طایران فضای ساحات لاهوتی گردانید ... بدان ای برادر عزیز که راههای طالبان حق بجناب بارگاه احدیت بیشتر از آن است که آنرا حصر توان کرد . الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق . اما همگی آن راهها بسه قسم باز میگردد .

انجام : وازلذت وحلاوت میوهٔ حکمت وولایت محروم مانده جعلنا الله وایاکم
ممن سعد بطاعته وفاز بمحبته انه قریب مجیب والحمدلله وحده (گ ۴۵ ب - ۵۰ ب) .

۴- گفتاریست گویا از همین دهدار دراینکه معلول و صفتهای آن سایهٔ علت است .

آغاز : بسمله . المعلول صورة العلة وظاهرها والعلة حقیقة المعلول و باطنه .

انجام : فیظهر لك ان المدرك بالحقیقة هوالله تعالی وتقدس والله یقول الحق وهو یهدی السبیل (۶۳ الف - ۶۴ الف) .

۵- الف انسانیت که از همین دهدار است و درفهرست آقای منزوی (۹۰۱)
وفهرست طوس (۳۰۰۴) شناخته شده است

آغاز : بسمله . حمد و سپاس و ستایش بی قیاس حضرت خداوندیرا است
جل وعلا که از نقطهٔ حب ذات جوهر انسان را بیافرید تا آیینهٔ تجلیات شئون ذات شود اورا درفضای عموم مطلق سیر قوسین نزول و صعود فرمود و شواهد آثار وافعال واسما وصفاتش را در آن سیر جلوه نمود ... چنین گوید ... محمد بن محمود الملقب بدهدار . . این رساله را که موسوم است بالف انسانیت مصدر ساخت بجهت مناسبت بتأویل این دوسوره از کلام مجید که فی الحقیقة یك سوره اند

انجام : واتمام نوروجود ما بنوروجود تووپوشیدن مائی ما بآشکارساختن توئی تو مقدور تست وعین قدرت تو وصلی الله اللهم علی نورك الطاهر بك محمد وآله واولاده وصحبه اجمعین (۶٤ب – ۸۵ب. پس ازاین چند بیتی است بفارسی).

۶– ذوقیه که رساله‌ایست عرفانی از دهدار و در آن از اشارات ابن سینا و اوصاف الاشراف و شرح حکمة الاشراق و کتاب توحید بندهائی آورده است (فهرست طوس ٤ : ۱۰۲).

آغاز : بسمله . لك الحمد وانت اهل له حمداً یعلو حمد الحامدین من الازل الی الابد . . . چنین گوید محمد دهدار که این کلمه‌ایست برسم انموذج از ذوقیات عقلی ومعقولات ذوقی بطریقی که مطابق مشرب صافی صوفیه ومتکلمین نیز باشد .

انجام : نفس آدمی بواسطهٔ هرعملی درووصفی ثابت میشود وباعتبار آن وصف اسمی میآید و از روی آن اسم بکمالی ظهور میکند اگر در وصفت خوانندگی و دانش ثابت شد باسم دانا موسوم است و باین کمال معروف آمد وموجب ترقی درجات اوشد والله اعلم (۸۶ الف – ۹۵ ب).

۷– اصطلاحات صوفیان است بفارسی که باید گرفتهٔ از رسالهٔ تازی عبدالرزاق کاشی (ص ٤۰۷ همین فهرست) باشد . گویا همین دهدار آنرا بپارسی درآورد .

آغاز . من کلام شیخ عبدالرزاق الکاشی . بسمله . تصوف : تصفیهٔ قلب است از کدورات قالب دنیا عبارت است از آنچه بنده را ازخدای تعالی بازدارد .

انجام : پاکبازی : عبارت از توجه خالص است که نه دراعمال ثواب خواهد ونه درمال مرتبه بلکه خدای تعالی راخواهد وبس (تمت الرسالة بحمدالله وحسن توفیقه) (گ ۱۰۰ الف – ۱۰٤ الف).

[۲۰۲۵–۲۰۳۱]

۱۱۱۳ این نسخه‌ها شماره‌های ۱و۲و۵و۷و۸و۹و۱۱ دفتر است وهمه بخط نستعلیق وبتاریخ ۱۲۹٤ میباشد . درش ۱ عنوانها سرخ وعبارتهای عربی هم زیرخط

سرخ است . در ش ٥ عنوانها سفید گذارده شده است . در ش ۱۱ عنوانت و الفاظ بشنگرف میباشد .

(همهٔ دفتر ۱۷۸ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی سادهٔ معوالی
اندازه : ۱۱×۱۷ و ۸. ۱۴ س ۲

٥ [۱۷۲۷-۱۷۳٤] رسالههای کلامی (عربی و فارسی)

دردفترشمارهٔ ۱۲۰۲ هشت رسالهٔ کلامی استکه اکنون میشناسیم :

۱ــ حاشیهمحقق خفری که درس۲۳۲همینفهرست شناختهایم (ذریعه٦: ۱۱٦).

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله ربالعالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین و بعد فیقول . . . محمدبن احمدالخفری هذه تعلیقات اتفقت منی علی

۱۰ شرح الهیاتالتجرید ... قوله: استدلعلی وجودالواجبالخ. اختار المصنف قدس سره فی اثباتالواجب منهجالحکماءالالهیین .

انجام :کانالواجبالوجود بذاته واجبالوجود بغیره تعالی (قد تم بحمدالله وحسن توفیقه بیدالاخ الفاضل اللوذعی الالمعی المحفوف بالطافالرب الرحیم بتاریخ هشتم محرمالحرام سنهٔ هزار و نود و هفت تحریر یافت . نم .) (٤ ب ــ

۱٥ ٤٦ الف) .

۲ ـ حاشیهایست از میرنظامالدین احمد دشتکی پسر غیاث منصور برالهیات تجرید و شرح آن درذریعه ازاین حاشیه یادی نشد ودر گ ٤٦ الف نسخهٔ ما وفهرست آغازآن چنین شناسانده شده است .

آغاز الحمدللهالذی وفقنا لتوضیح عقائدالاسلام وتصحیحاً من تجریدالعقائد

۲۰ و اعاننا لتبیین مرام اهلالکلام فیما هوا علیالمآرب و اقصیالمقاصد . . . فهذه حواشی . وشمت بهاماهو غایةالقصوی من مقاصد کتابالتجرید وشرحهالجدید ... قالالمصنف المقصدالثالث فی اثباتالصانع وصفاته وآثاره الخ.ای فی بیان ثبوته وتقریردلیل وجوده

انجام : بل کافةالمتکلمین اعترفوا بان له تعالی جهات کثیرة و اضافات کثیرة

الی مخلوقات کثیرة . هذاغایة ما یمکن ان یقال فی تحقیق هذاالمرام فتأمل فیه .
(۴۶ ب - ۶۵ ب) .

۳- رسالهٔ جبر و قدر خواجهٔ طوسی بفارسی (ص ۲۲۲ همین فهرست)
که اندکی با آن نسخه‌ها جدائی دارد و چنین است انجام آن :

فامسکوا و نعم ماقال : ۵

پاك از آنها که عاقلان گفتند پاکتر ز آنچه عاقلان گفتند

(بحمدالله و توفیقه تمت رسالة‌الجبر والقدر المنسوبة الی افضل‌المحققین
خواجه نصیرالدین الطوسی رحمه‌الله اللهم‌اغفر لکاتبه ووالدیه واقاربه بحق محمد
وجاه محمد وآله علیهم‌السلام) (۶۵ ب - ۷۸ الف) .

۴- حاشیه‌ایست از سلطان‌العلما سید حسین آملی سپاهانی (۱۰۰۱ - ۱۰
۱۰۶۴) بر همان حاشیهٔ خفری ودر آغاز آن از الاسرار الخفیه علامهٔ حلی آورده است
(ذریعه ۶:۶۵) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد وآله‌الطاهرین
وبعدفهذه تعلیمات کتبها العبد . . خلیفه سلطان . . علی الحاشیة‌المنسوبة الی العلامة
الخفری قدس‌الله تعالی سره علی‌الهیات‌التجرید حین مطالعتها تذکرة لنفسه ولمن ۱۵
اراد ان یذکر ... واوثق الخ. لان صورة‌الطرق‌الآخر شبیهة بصورة‌الآن .

انجام : الجنس. ای حیث یکون مهیة‌الجنس او مهیة‌النوع عین‌الوجود
(۷۹ ب - ۱۱۰ ب) .

۵- حاشیه‌ایست در بارهٔ تجرید طوسی ودر دو فهرست آغاز نسخهٔ ما ودر گ
۱۱۱ الف آن دارد که از ملاشمسای کشمیری است بر حاشیهٔ خفری ودر ذریعه از چنین ۲۰
حاشیه‌ای یاد نگشت

آغاز بسمله . الحمدلله‌العلیم‌الحکیم والصلوة والسلام علی خاتم‌النبیین
وآله‌المعصومین . قال‌المصنف قدس‌سره:المقصدالثالث فی اثبات‌الصانع.فیه‌اشارة
لطیفة الی ان‌العالم باسره متعلق‌الصنع

انجام : بحث من وجهين آه اى فى تأويل كلام الحكماء له ... لانه تعالى يعلم الجزئيات جميعها و كلها فان البحث فى (سفيد گذارده شده) (١١١ب - ١٧٣ ب - حاشيه‌های « منه » دارد) .

٦ـ حاشيه ايست از ميرزا محمد ابراهيم دانشمند لاكمی و فرزند صدرای شيرازی بر تجريد و شرح آن و حاشيهٔ خفری (ذريعه ٦: ٦٤ و ١١٦) .

آغاز : بسمله . و به نستعين . ياهو يا لا اله الا هو يامن لا هو الا هو و لا يعلم ماهو الا هو كلت الانس عن تفسير صفتك و انكسرت العقول عن كنه معرفتك ... فيقول ... ابن صدر الدين محمد الشيرازی محمد ابراهيم . . . هذه تعليقات لتبيين مطالب اقصى المقاصد من كتاب التجريد و شرحه الجديد و حواشيه للمحقق العلامة الخفری كتبتها اثناء مباحثتها ... المقصد الثالث فى اثبات الصانع الخ. انما لم يعنون باثبات الواجب .

انجام : (قوله) ره اى يلزم . هذا بيان فائدة تخصيص القيد المخصص بالمعتزلة حيث لا يمتنع عندهم عنه خلاف ما يجری عليه عادته من الخيرات . (١٧٤ب - ٢٠٨ الف - حاشيه‌هائی دارد بانشانهٔ « منه » « منه ره » و « ك م » و «١٢») .

٧ـ حاشيهٔ فياض عبدالرزاق بن على بن الحسين لاهيجی (١٠٥١) است بر حاشيهٔ خفری (ص ٢٣٠ همين فهرست - ذريعه ٦: ٦٦ و ١١٥) (گ ٢٠٩ب - ٢٧٩ الف - حاشيه‌هائی دارد بانشانهٔ « منه ره » و « منه رحمه‌الله » و « نوری » بخط تازه‌تر) .

٨ـ حاشيهٔ شمسای گيلانی است كه در ص ٢٣٥ همين فهرست شناخته‌ايم (ذريعه ٦: ٦٦ و ١١٦) . و چنين است آغاز آن در نسخهٔ ما الموجود موضوع فى العلم الالهى و لا يجوز ان يكون موضوع العلم محمولا . . قال المصنف قدس سره: و صفاته و آثاره جعل الآثار معادلا للصفات اشاره الى ان الصفات عين الذات (٢٨٠ الف - ٤٠٨ الف - حاشيه‌های « منه ره » دارد)

[٢٠٣٩ ٢٠٣٢]

ر د ر ۱ اين نسخه‌ها هشت شماره دو را است و بخط نستعليق روشن و ... و انها اشتكرف ... در پردلی ... هم ... گذارده شده است ... ش ١ در ٨ محرم ١٠٩٧

و ش ۸ درذی‌حجهٔ همین سال نوشته شده است .

(۳۴۱۰ک) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۴٫۲۳/۵، و ۷٫۱۵ ، س ۱۹

[۱۷۳۵--۱۷۳٦] رساله‌های کیمیائی (عربی)

دو رسالهٔ کیمیائی اکنون میشناسیم یکی که از سفیان ثوری پنداشته شد . ۵

آغاز : نسخهٔ اخری . قال الشیخ الامام العالم العلامة سفیان الثوری رحمة الله علیه هذا کتاب استخراج اصل صدقه من کتاب الله تعالی وهو قوله عزوجل انزل من السماء ماء ... زبد مثله . . . وقال سفیان الثوری رحمة الله علیه قداختصرت هذا الکتاب و شرحت فیه الصنعة والعقاقیر التی یعمل بها وهی حقیرة سهلة لاقیمة لها ولاقدر ولاتصاب بالاثمن . ۱۰

انجام . فانك تجدر بل خشن مثل بزر الفحل له شعاع وهو معدن و رطله تسع اواق والبخور لبان ذکر والعمل فیه یوم الجمعة عندالزوال .

دوم رساله‌ایکه ازمحمد کثیر بن ابراهیم بن نصیر میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین . والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمدو آله وصحبه وسلم . قال العبد ... محمد کثیر بن ابراهیم بن نصیر . فی الطریقة المعروفة بالسلم فصل عزیز جدا هذاالعلم وجد فی بعض ادبرة دهشور فی لوح من الذهب مکتوب فیه بالفضة فنقل الی العربیة فی ایام بعض الخلفاء المصریین ورمز علی هذاالمثال . ۱۵

انجام . ونضع علیه مرارة الماعز بجلدها و کلها فانه ینحل ماء فاشرط ماعلیه من الثفل واستعمل فیماترید . والله اعلم . ۲۰

[۲۰۴۰-۲۰۴۱]

۱۱۷۸ این نسخه‌ها ش ۳ و ۲ دهم است و بهمانگونه خط ش ۱ و برخی رقمها بشنگرف است . گ ۱۳٤ ب ــ ۱۳۵ ب و ۱۳۳ ب ــ ۱۳٤ ب .

[۱۷۳۷-۱۷۴۰] **رسالههای کیمیائی** (فارسی)

چهار رساله کیمیائی دیگر که ترجمههاایست لفظی از تازی نیز میشناسیم :

۱ـ ترجمهٔ مرآت‌العجائب که متن آن بگفتهٔ چلبی (۲ : ۴۱۴) از ابی‌عبدالله محمدبن المهتارمیباشد. گرچه اودردنبال واژهٔ کیمیا که ازدرستی ونادرستی‌این هنر سخن راند از مرآت‌العجائب ابن‌سیناهم‌دردوجانامبرده است (۲ : ۶–۳۴۴) دردیباچهٔ آن از خوابیکه ابن‌المهتار دربارهٔ کیمیا آموختن خود دیده است یاد گردید. شکلهائی هم در آن هست. درص۱۰۰۷ همین فهرست ازترجمهٔ دیگر همین نامه یاد شده است.

آغاز : بسمله. حمد وسپاس‌سزاوار خالقی است که منفرد است‌ببقاء ومقهور کرده است عباد خودرا بفناء . . . بدان ای برادر حقیقةً که من طالب بودم علم صنعت را درکمال دقت چراکه درآن جلالت و رفعت است . . . شرح اشکال مصوره دراین مرآت ذکرشده است درنه فصل وخالی نیست هیچیك ازاصول .

انجام . درشرح دوائرتسعه است پس هرگاه اراده کنی ای برادرمعرفت این را برتوباد بمطالعهٔ رسالهٔ بحریه (ص ۹۶۴ همین فهرست) که درآن شرح دادهام این مطالب را وای برادرسئوال میکنم ازتو وازبرادران دیگرکه حفظ نمایند این کتاب را ازجهال وازناهلان چه حکما دراین باب گفتهاند.

جاهلان را علم وفن آموختن	دادن تیغ است دست راهزن
تیغ دادن‌در کف‌زنگی‌مست	به که آیدعلم جاهل رابدست

وازخدا طلب مینمایم که ظاهرنماید اسرارآن را درنظر اهل و مستحق این کتاب والله یرزق من یشاء بغیرحساب (۱۲۰۷/۱ گ ۲ ب – ۲۱ الف).

۲ـ درمنظومه واسرارمکنونه.

آغاز بسمله. الحمدلله‌الذی کون‌الاکوان و خلق‌الانسان علمه‌البیان . . . بدانکه چون من نظر کردم دراین علم شریف .. پس من واضح کردم آنها را دراین رساله و نامیدم آنرا بدر منظومه‌و اسرار مکنونه و مرتب کردم برمقدمه وفصلین وخاتمه.

انجام : وماء ثقیل وروح رطب وعطارد ومشتری وماء الحیوة وماء الارواح (تمت الرسالة بعون الله تعالی) (۱۲۰۷/۲ گ ۲۱ ب - ۲۳ ب) .

۳- نامه‌ایست درچند بند .

آغاز : بسمله . الحمد لولیه والصلوة علی نبیه . بدانکه این مقدمه‌ایست مشتمل برمعرفت اصول طبایع از فنون اصل درباب حکمت که خالی کردم من آنها را ازپوست رمز وتدهیش . ۵

انجام : پس مکنوم دار ابیض را برجوهرابیض واحمررا ازبرای جوهر احمر. فافهم ترشد انشاءالله تعالی (تمت النسخة بعون الله) (۱۲۰۷/۳ گ ۲٤ الف - ۳۱ ب) .

٤- ترجمهٔ انوارالدررفی ایضاح الحجردرده باب ویك وصیت ویك خاتمه که متن تازی آن ازجلدکی میباشد (چلبی ۱ ۱٦٦) درآن ازبسیاری‌از کتابهای خود جلدکی ودیگران یاد شده است . ۱۰

آغاز . حمد و سپاس بی‌قیاس خدای را سزاست که مقدس است ذات او ازترکیب وتحلیل وشبه ومثال ومنزه است ازاتحاد و حلول وحرکت وانتقال .

انجام نسخه : (باب دهم) درترکیب عمل است (گ ۷۲ الف) ... ورمز کرده‌اند این حکما براین اشیاء بهرچیزیکه یافت میشود درعالم وهرکه بشنود (کم دارد گویا دوبرگی) (۱۲۰۷/٤ گ ۳۲ الف - ۷۳ ب) . ۱۵

[۲۰٤۵-۲۰٤۲]

۱۲۰۷ این نسخه‌ها چهارشمارهٔ دفتراست و همه بخط نستعلیق ماره وحای عنوانها سفید میباشد . ۲۰

(همهٔ دفتر ۷٤گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۱/۵ ۱۸/۵ و ۷٬۵ ۱۲/۵ س ۱۳

[۱۷٤۱] **زبدة التصانیف** (فارسی)

دانشمند محدث مولی حیدربن محمد خوانساری نگارندهٔ « مضیء الاعیان

فی استخراج اسماء اهل البیت من القرآن » و استاد فلسفهٔ آقا حسین خوانساری ۱۰۹۹ ه (روضات سر گذشت آقاحسین ص ۱۹۵) دراین زبدة التصانیف از تفسیر و حدیث و سر گذشت پیامبران و فقه و کلام و اخلاق گفتگو نمود ودر آن همان ترجمهٔ حدیثها را آورد (دیباچه) او در دیباچه از خود نام برده و کتاب را بنام شاه عباس یکم (۹۸۵-۱۰۳۸) ساخته است . این کتاب در یك مقدمه و دوازده باب هریك دوازده فصل و یك خاتمه در دوازده بحث میباشد ودر ۱۰۳۸ (احسنت احسنت) بپایان رسید . فهرست مطلبها در آغاز هست . در فصل چهارم باب نهم (۳٤٤ب) مناجاتی بفارسی در ۱۹ بیت از شیخ بهائی آمده است بدینگونه :

دلا تا بکی از در دوست دوری گرفتار دام سرای غروری

او از شیخ بهائی بمانند در گذشته یاد میکند پس این کتاب در سدهٔ ۱۱ از ۱۰۳۰ و تا ۱۰۳۸ بنگارش در آمده است(۱) .

۱ــ چنین است :

آغاز : بسمله (وبه نستعین وهو ثقتی) الحمدلله رب العالمین (والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین) حمد بی حد و ستایش بی عدد معبودی را سزد که پروردگار عالمین (عالمیان) است (آنچنان) حمدیکه برتر از حد تصور بشر است و حمد حامدین و در نیابد پایهٔ قدر ورفعت او را ادراك سریع الفهم (دو صفحهٔ ملك و در اینجا صفحهٔ ما آغاز میشود :) اوهام عالمین (آنچنان معبودیکه خالق کل شی است و ممیت کل حی و رازق مرزوقین واجب) الوجودی که آفرینندهٔ موجودات و رافع سموات است و رویانندهٔ نباتات و گسترانندهٔ ارضین؛ غفور ودودیکه وعده دهندهٔ مؤمنین و مهیا است بهشت برین...

اما بعد، چون علت غائی خلق عالم و آفرینش بنی آدم معرفت و عبودیت حق سبحانه و تعالی است و این بی دلائل عقلیه و نقلیه حاصل نمیشود پس بر هر یك از کافهٔ انام از خواص و عوام واجب است شناختن صفات الهی و طریق بندگی ذات نامتناهی بدلائل نه بتقلید و ... و معرفت [illegible] (کامل) سعادات دارین است علم کلام و فقه و تفسیر و حدیث است پس دانستن این علوم شریفه ضروری است و چون فرا گرفتن علوم مذکوره بر جمعی از اهل ایمان [illegible] متعذر است خاطر این فقیر ... ابن محمد حیدر الخوانساری ... بعد [illegible] مجموعهٔ [illegible] از واهب متعال [illegible] و طلب توفیق

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

[۲۰٤٦]

۶۲۳ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانهای لاجورد و زرین است درمتن و شنگرف درهامش و درجدول زرین و سرخ و لاجورد و میانه سطرهای

دنبالهٔ حاشیه صفحه پیش

نموده فقرهٔ چند ازعلم کلام و بعضی ازواجبات ومندوبات صوم و صلوة و حج و زکوة و برخی ازفضائل ومعجزات و آیات حضرت بهترین کاینات وخلاصهٔموجودات ... وحضرات ائمه طاهرین ... ونقلی چند ازقصص انبیای کرام .. واحادیث واخباری که سبب ترغیب عبادات مؤمنین ومؤمنات است درسلك تحریر کشید و چون (ازاینجا آغاز نسخهٔ ش ٤٦ ج۲ س۲۱ کتابخانهٔ مجلس است) ذکر احادیث (مذکورهٔ) ماثوره وبیان هریك بعربی سررشتهٔ کلام بطول متمادی انجامید ازاین (آن) جهت اکتفا بترجمهٔ آن نمود تا فارسی زبان را ازاوحظی وافر باشد . تحریرش درزمان دولت قاهره و ایام نصرت باهرهٔ پادشاه جمجاه . رواج دهندهٔ مذهب حق اثنا عشر . . . غلام باخلاص امیرالمؤمنین حیدر .. السلطان .. الخاقان ابن اسدالله الغالب ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان ... واین مجموعه مسمی است به « زبدة المصانیف » ...

انجام : پس ای عزیزان عجب ورطه‌ایست و طرفه دشمنی است ابلیس لعین جهد کنیم وسجدهٔ بی ریا بجای آریم شاید که ازشر شیطان برهیم (آمین یارب العالمین) (مناجات مولانا اهلی شیرازی:)

الهی باعزاز پاکان تو | بسوز دل دردناکان تو

چنان کار دنیا و دینم بسار | که درهردو عالم شوم بی نیاز
نگه دار از من بد روزگار | زهر بد که باشد مرادوردار

بحق سید ابرار وائمهٔ اطهار آمین یا رب العالمین . پوشیده نماند که هریك را ازتصانیف خود تاریخی بنظم آورده واین رباعی جهت تاریخ این زبده گفته شد :

صد شکر که بار دگر از ذهن و شنفت
از گلشن طبعم گل امید شگفت
برخواست بفکر و عقلم از روی هوس
«احسنت احسنت» از پی تاریخش گفت

(نسخهٔ ش ۱۳۸۵ کتابخانهٔ ملك که پس ازاین دارد .) « حسب الخواهش مخدوم مکرم میرزا محمد رضی تحریر پذیرفت . امید که مقبول خواطر مشکل پسندش گردد

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

دو صفحهٔ نخستین آراسته و نشانه‌ها شنگرف است و عبارتهای تازی بنسخ شنگرف یا لاجورد میباشد . در گ ۱ الف دارد : « ورق کتاب زبدةالتصانیف نه ورق کم شش صد سنهٔ ۱۲۱۳ » برگهای ۱ تا ٤ وصالی شده و عبارتها از بالا و پائین رفته‌است . برگهااز کنار بریده شده وشماره‌گذاری پیشینهم دربیشترآنهارفته‌است .

نسخه در ٥ رمضان ۱۱۳۸ ازسید محمدقزوینی خریده شد (گ۱الف) در گ ۳٤٥ ب دردنبال دعائی که خوانساری از خود میکند نویسندهٔ نسخه درمیان متن این عبارترا گنجانده : و خصوصاً این فقیرکاتب منتسخ منه و اقل خلق‌الله و تراب اقدام مؤمنان حسن‌بن محمد محرر این نسخهٔ شریف را بحق رب‌العباد و رسول‌الامجاد و آله شفیع یوم‌المعاد » .

(۳٥۹۷گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱٦ × ۳۰ و ۱۱/٥ × ۲٤ ــ ۳۱ س

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

فی‌السادس من شهر رجب‌المرجب فی ۱۲٦۲ » (و نسخه ۱۵۹ همان کتابخانه که‌اندکی با آن جدائی‌دارد چنانکه در نسخهٔ ۱۳۸٥ آمده) . « ای عزیز طرفه دشمنی داریم ، چه‌بدی کنیدوسجادهٔ بوریا بجای آریم . »

درنسخهٔ۱۵۹ مناجات الهی چنین است :

«الهی باسرار پاکان تو | بسوز دل دردناکان تو
[illegible]
بفقر تو کس را چه یاران آن | که گوید بجان این ترا یاجمان»

(این نسخه با اینکه تمام [illegible] چند بیتی ازهمین الهی افزوده دارد که در آن نسخه [illegible] نسخهٔ ۱۳۸٥ پاکیزه [illegible] در ۲۸۹گ رحلی میباشد ونسخهٔ ۱۵۹ زیبا و نسخ در ٤۷۳گ و زیبا است [illegible] ندارد و دربایان هم چند سطر آن نیست ولی [illegible]) .

[illegible] دو [illegible] که از امام سیدالله علیه‌السلام روایت است که [illegible] و چون از قرائت [illegible] فارغ میشد میگفت «الحمدلله [illegible]» (هشت‌ [illegible] دهم [illegible])

انجام نسخهٔ ما : [illegible] بجای آورده [illegible] که در قرآن [illegible] (نسخه دوازدهم [illegible]) این کتاب در تهران [illegible] ۱۲۷۸ بچاپ رسیده (فهرست [illegible] ص ۱۲۲)

[۱۷۴۲] زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر (عربی)

این نامه از بهاءالدین محمد بن محمد باقر حسینی نائینی میباشد و در روز آدینهٔ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰۹ آنرا بپایان رساند. بنثر شیوا و بسجع و با شعرهای تازی که پاره‌ای از خود اوست و باشعرهای پارسی میباشد. نائینی این را در پند و اندرز نوشت تا اینکه خود را آگاه سازد. عنوانهای «تعریف، توصیف، تذنیب، تأدیب، بیان، اصل، تأصیل، تفریع» و مانند اینها دارد. چنین است فهرست بابهای آن:

الباب الاول فی النفس وعاداتها ودقایق حالاتها ومالها من التدلیس والتلبیس والمواطات لابلیس (۶ ب).

الباب الثانی فی دواعی النفس الی الطاعات وزواجرها عن السیئات والتزهید عن الدنیا والترغیب الی العقبی (۲۳ الف).

الباب الثالث فی التوبة عن الخبائث (۷۰ ب) مسک الختام الکلام فی الانباء عن انباء الاولیاء واطراء هؤلاء الاذکیا (۸۵ ب)

آغاز: هو الموفق بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان بصنیع قدرته القاهرة وعلمه البیان ببدیع حکمته الباهرة سیر المعانی من القلوب الی القلوب و خیر المعانی فسر بین سر بین المطلوب .. فیقول ... بهاءالدین محمد الحسینی النائینی ... انی ایها الاخوان .. لقد خاصمت نفسی المیشومة کثیرا.

انجام. وفرغ صائغ الفهم عن افراغه فی قالب تألیفه ... فی صدر یوم الجمعة الثانی عشر من شهر ذی القعده الحادی عشر من العام التاسع من العشر الاول من المائة الثانیة من الالف الثانی ... و بلغ ههنا المسیر بقدم قلم الفقیر ... ابن محمد باقر بهاءالدین محمد الحسینی النائینی ... وهو ولی المواهب ومنتهی کل واهب وفرغ المؤلف من کتابته ثالثا فی شهر ذی الحجة من سنة احدی وعشرین ومائة والف.

[۲۰۴۷]

۲۱۰ این نسخه بسیخ روشن با عنوانهای شنگرف است و خط خوردگی درمتن دارد و اصل است. حاشیه‌هادارد بنستعلیق ریز با نشانهٔ «منه» واین را خود

نائینی برای سومین بار در ذی‌حجهٔ ۱۱۲۱ نوشته‌است . عبدالحسین آنرا از بازماندگان آقامیرزا محمد خوئی بیهائی که آقا میرزا محمد علی مازندرانی کتابفروش برآورد نمود در ۱۲۷٤ خریده‌است . نیز مهرهمو : «عبده عبدالحسین» (۱ الف) برخی برگها آب گرفته ووصالی شده است .

۵

(۳۹۳گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوائی
اندازه : ۱۲ ۱۹ و ۶/۵ ۱۲ س ۱۵

[۱۷٤۳] تنفشیر (عربی)

غیاث‌الدین منصور دشتکی (۹٤۸م) در این نامه از هیئت گفتگو نموده و در آن چهار باب هریك در چهار فصل گذارده است . شوشتری در مجالس‌المؤمنین از آن بنام « سفیر درهیئت » یاد نمود و نسخهٔ آنرا هم دیده بود. درفهرست طوس (۳۳٤:۳) از نسخهٔ نوشتهٔ ۹۵۷ بنام « سفیرالغبراء والخضراء » یاد شده و نسخهٔ ما باید کهن‌تر از آن باشد (۱) .

۱۰

آغاز . بسمله . تبارك الذی بسط الارض مهاداً وبنی فوقها سبعا شدادا . صورها و نورها بانوارالرسل والانبیاء . . . وبعد فهذا سفیر ینبهك علی شیء من بدائع صنائع‌الله تعالی فی‌الغبراء والخضراء اسفره‌العبدالذی‌دعاه‌مولاه منصورا . جعله‌الله بنیل ماابتغاه مسروراً جوابالماسأله بعض‌الالباء من‌الاولیاءالاحباء من تصویرالهیئة التی اثنی‌علی‌الناظرفیهاالکتاب واطری‌فی‌نباهة قدرها اولوالالباب موجزاً مجملا مفصلا بفصول یشتمل علیها ابواب .

۱۵

انجام . فهذا شیء من مسائل هذاالفن‌اجمالاو من‌اراد تفصیله فعلیه‌النظر فی‌اللوامع‌الذی‌نظمناه وسائررسائلناورسائل غیرهافانهم شکرالله بذلوالمجهود . و نحن بعون‌الله تعالی ادرکناالمقصود فالله‌المحمود (تم کتاب‌السفیر فی‌الهیئة بعون‌الله وحسن توفیقه . تم) .

۲۰

---

۱ ـ سرگذشت این دانشمند درمجالس‌المؤمنین بافهرستی ازنگارشهای اوهست و دارد که او با طلسم و افسون ذوالفقار فرمانروای بغداد راکه با پادشاه دین پناه نافرمانی میکرده است بکشت واین داستان برسرزبانهاهست واوهم دردانون‌السلطنهٔ خود آنرا یاد نمود .

۲۵

۱۱٤۷ این نسخه ش ٤ دفتر است و بهمانگونه خط نستعلیق شمارههای پیش باعنوانها ونشانههای شنگرف وباجدولهائی بشنگرف میباشد. در گ ٦٤ الف جای جدول سفید است. گ ٦۲ ب - ۷۷ الف.

۵ [۱۷٤٤] **السماع والرقص (رسالة فی تحریم ...)** (عربی)

ابومحمد محمود دشتی در پاسخ پرسشی که از او درباره سماع ورقص صوفیان کردهاند این نامه بپرداخت و آنها را ناروا نشان داد. چند عنوان «فصل» در آن دیده میشود.

در آن یادی از پادشاهی مجوسی که بصره را بگرفت و اینکه مجوسان را

۱۰ بر تازیان برتری می‌نهاد یاد گردید ودارد که مادر سال ۷۵٤ هستیم (گ ۱۵ ب) از دانشمندانی چند و نگارشهای آنها در آن نامبرده شده است مانند: المسئلة فی تحریم الغنا والرقص از ابوبکر محمد بن الحسین آجری واربعین اولزوم طریق التحقیق والنهی عن الغنا والتصفیق از حافظ ابوالعباس و تحریم الغنا والرقص واللهو والرد علی المشتغلین بذلك علی مذهب الامام الشافعی و مالك از ابوبکر

۱۵ محمد بن ولید فهری طرطوشی وذم اهل الرقص والرد علیهم از ابوالحسین بن قاضی ابی یعلی بن الفراء حنبلی واز ابوالمحاسن حرانی والرد علی اهل الرقص والسماع از ابوالمحاسن هبة الله بن نصر حرانی وفضائل الفقراء وذم المتشبهین بهم ولیسوا منهم از قاضی ابومحمد بن ابی الحسن النیجی الشافعی والمناهی و عقوبات المعاصی از ابویعقوب محمد بن اسحق نیشابوری والامر بالمعروف والنهی عن المنکر

۲۰ از ابوبکر خلال و [illegible] ابوعبدالله [illegible] و [illegible] سلیمان خطابی (۵۰۱) و [illegible] ابوالقاسم طبری و کتاب قاضی ابوالطیب طبری و کتاب امام ابوالحسن حرانی والترغیب والترهیب وخط موفق عبدالله بن قدامة مقدسی. در آن از حافظ محمد بن عبدالواحد روایتی کرده و از ابوعلی حسن بن علی کرگانی

ولمام ابی‌عبدالله (۵۰۰) یاد نموده است . شیخ ابویعقوب خراط در نکوهش و ذم اهل رقص وسماع منظومه‌ای دارای بیش‌از ۳۰۰ بیت سروده‌است و پاره‌ای از آن دراین نامه دیده میشود .

آغاز : بسمله . وبه نستعین قال‌الشیخ الامام‌العالم الحافظ المصنف المفتی ناصرالاسلام والسنه ابومحمد محمودالدمشقی جامع‌الورعین وقامع‌المبتدعین قال : ان سائلا سألنی بعد ان کتب صورة ما سأل : ماقول‌السادة العلماء وفقهم‌الله تعالی فی‌قوم یجتمعون فی مسجدا وغیره ویسمعون‌الدفوف والشبابات والغناء بالالحان المطربة ویتواجدون ویرقصون ویزعمون هذاجائزاًومن‌المندوبات ؟ فانکرعلیهم قوم آخرون : فقالوا هذا ماینبغی لکم ولایحسن بکم وقد قال رسول (الله) علیه‌السلام : شرالامورمحدثاتها . وان هذا من‌المحدثات ومن‌البدع والضلالات . والمساجد مابنیت لهذا . وهذاتضییع‌الاوقات . ولم یکن هذامن فعل‌رسول (الله) علیه‌السلام ولامن افعال‌اصحابه رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم‌اجمعین ولاهذه ممایتقرب به احد الی‌الله تعالی ولاطریق احدمن‌الصالحین . فالاولی بالعبد غیرذلك من‌الحذر والجد بالتعبد وما اجمع علی استحبابه . فقالوا لمن انکر علیهم : قد ورثنا ذلك عن ابائناالاولین ومشائخناالمحققین العادلین واباحه‌الامامان العالمان : مالك‌بن انس‌ومحمدبن‌ادریس‌الشافعی‌ونحن‌لسادتنامن‌التابعین وفیمانحن‌علیه‌غیرمبتدعین... وهاانا اذکر ما جاء فی النهی عن‌الرقص والسماع بالکتاب والسنة والاجماع ورداستدلالهم فی نصرةالابتداع واذکرمن اخلاق نبینا . . . وماجاء من‌الصحابة والتابعین ... ومن بعدهم . فابدأ اولا واقول الحمدلله‌الذی بصرنا بالحق وحببنا لاتباع‌القرآن . . . وبغض الینا قوما ینتمون الی مذهب الشیطان فی‌استماع الاغانی وصحبة المردان وبغض الینا اقرانهم اهل الاراء (و) المقائیس المعاندین لاهل الایمان . امابعدفانه لماکانت‌الهدایاتزرع‌الحب وتولدالولاء والشفقة (؟) احببت ان اذکرفی کتابی هذا عن‌الائمةالسالفین ومانقلوا من‌الاخبار والآثارفی ذم‌الغنا والرقص وصحبة احداث‌المرد والنساء والانکارعلی فاعلیه .

انجام . فهذامانقلناه‌من کتاب‌الله ... ومن‌سنةرسوله... ومن‌اقاویل‌الصحابة

والتابعين ومن بعدهم من العلماء ... وعبادهم... ما ورد في اخلاق الاولياء والصالحين...
وكلامهم وسيرهم وآدابهم وذكر عباداتهم وحفظ اوقاتهم خلافاً لاخلاق المشائخ
والفقراء من اهل زماننا وخلافاً لسيرتهم وآدابهم لطال ذالك على الناظر وقصرت
الهمة عن ذلك والله اعلم .

۵ [۲۰٤۹]

۱۰۹۷ اين نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعليق با نشانه‌ها و جدول شنگرف
كه خليل بن حاجى حسن همهٔ شماره‌هاى آنرا نوشته و در پسين روز پايان
جمادى يكم سال ۱۰۹۷ اين شماره را بانجام رسانده . گ ۱ ب – ۱۱٦ ب . در گ ۱
الف دارد : « رسالهٔ سيد محمد جرجانى و چند رسالهٔ ديگر » و خط و مهر « عبده
۱۰ محمدباقر بن محمد هاشم الموسوى » كه دارندهٔ نسخه بوده است .
(همهٔ دفتر ۱۴۳گ) – كاغذ فرنگى – جلد ندارد
الدائره : ۱۱/۵ ، ۲۲ و ۵/۵ ، ۱۷ س ۱۹

[۱۷٤۵] هدية الهداية (فارسى)

آقا محمد على فرزند آقا محمد باقر سپاهانى بهبهانى كرمانشاهى (كربلا ۱۱٤٤–
۱۵ كرمانشاه ۱۲۱٦) نگارندهٔ مقامع الفضل وقطع المقال فى رد اهل الضلال ومعترك
الاقوال فى احوال الرجال ميباشد و شاگرد روايت نگارندهٔ حدائق و استاد
ميرزا محمد اخبارى بوده است چون بسيارى از درويشان وصوفيان را بكشت
صوفى كش مشهور گشته بود . مگر اينكه پسرش صوفى و درويش شده بود .
او در اين كتاب كه داراى يك مقدمه و سه فصل و يك خاتمه است بدرخواست
۲۰ برخى از سنيان از امامت كاوش نمود و در آن از غزالى و ابن حجر در اينكه
از سوگوارى حسين (ع) بازداشته بودند خرده گرفت (۱) در آن بپادشاه بخارا
دشنامها گفته وشعر فارسى آورده است . در فهرست بلوشه (٤٦۰۱) ازروى پايان
نسخهٔ ش ۱٤۸ آنجا آمده كه كرمانشاهى اينرا در ثلث دوم از عشر چهارم

۱ . نگارنده . . . الاحباب ص ۱۸۲ – روضات ص ٦۳۲ – ريحانة الادب ۲ : ٤٤٦ –
۲۵ فوائد رضويه ۲ : ۵۷ – [illegible] ص ۱٤۱

ازربع دوم ازثلث‌سوم‌ازنصف‌اول ازخمس‌پنجم‌ازعشرنهم‌ازعشردوم ازالف دوم ازهجری نبوی » بانجام رساند.

انجام این‌نسخه هم بانسخهٔ ماجدائی دارد (نیز نسخهٔ ناقص ش۷۵۷ طوس ۱٦٤:٤) ازنسخهٔ ما برمیآید که او آنرا در۱۲۰۲ بپایان برده است.

آغاز: احمده علی نوالـه مصلیاً علی احمده و صحبه و آله اما بعد چنین گویند بنده فانرقاصرمحمدعلی ابن محمدباقراصفهانی مشهور به بهبهانی که این چندکلمه‌ایست درباب امامت که بالتماس بعضی‌ازطالبان راه هدایت ازاهل سنت وجماعت قلمی میگردد ... و آن مرتب برمقدمه وسه فصل‌است وخاتمه و به « سنة الهداية لهداية‌السنة » مسمی گشت.

انجام. وبرعنوان‌نامه نوشته درقبةالبلوی و بئس‌الملوی بخارا خربهاالله بالطاعون والوبا صحيفة‌الاذى دلخراش و سینه‌کاو عالیجاه جهالت پناه رذالت دستگاه سفاهت‌اکتناه ضلالت‌انتباه امیرالخنازیروالکلاب‌المطرودعندالوالالباب معصوم‌بن دانیال‌الملقب به بیگخان خلده‌الله فی اسفل درك‌النيران خواهدگردید. نمیقه فی‌شهرشعبان حجةشافية تاريخية سنة۱۲۰۲هزارودویست ودو(تمت‌الكتاب بعون‌الملك‌بيداقل‌الطلبه‌ابوالقاسم‌الكازرونی فی‌شهررمضان‌المبارك سنة ۱۳۱۲).

[۲۰۵۰]

٦۱۱ این‌نسخه بخط نستعلیق بانشانه‌های شنگرف که‌ابوالقاسم‌کازرونی دررمضان ۱۳۱۲ نوشته است. مهر کتابخانهٔ ضياءالدين نوری در آن دیده میشود.

(۱۴۸گ. ــ کاغذفرنگی ــ جلدتیماج سرخ سادهٔ‌مقوائی باروپوش پارچه‌ای‌گل وبوته دار اندازه: ۱۷ ۲۲ و ۹ ۱۵/۵ س ۱۸

[۱۷٤٦] سرزرگداز (فارسی)

ملامحمدرضای نوعی خبوشانی مشهدی (درگذشتهٔ درهند بسال ۱۰۱۸) درلاهور و کشمیرمیزیسته واز نزدیکان دربار میرزایوسف خان صوبه‌دار کشمیر بوده وشاهزاده دانیال وآن شاه‌را ستایش میکرده‌است. دیوان او نزدیك بچهار هزاربیت میشود. ساقی‌نامهٔ او به هفتصد بیت میرسد. او پس‌از شاهزاده دانیال

بدربار نواب سپهسالار خانخانان رفته ودر ٤٨ سالگی در گذشت .

این مثنوی « سوز و گداز » او که در بحر خسرو شیرین شیخ گرامی است ونزدیك به ۵۰۰ بیت ، تاریخ یك شاهزاده بانوی هندی است که در نخستین شب جشن زناشوئی، دامادش زیر دیوار رفت و بمرد و بااینکه شاه نوازشها بدو کرده واورا ازسوختن خویش بازداشته بود او روی تودهٔ هیزمی که برای سوزاندن تن دامادش آماده ساخته بودند رفته بسوختن تن در داده است . این سوز و گداز را خبوشانی بشاهزاده دانیال نیاز کرده ودر زمان اکبر سروده است .

این را میرزا ی . داود ایرانی و انندا . ك . کوماراسوامی . (Ananda K. Coomarasuwamy) سیلانی بانگلیسی در آوردند و این ترجمه در ٦٥ ص با ص نقشه درلندن بسال ۱۹۱۲ بچاپ رسیده است (فهرست چاپی موزهٔ بریتانیا ص ٥١٦) خود این سوز و گداز درپایان نخستین جلد اکبرنامه درلکهنو بسال ۱۲۸٤ چاپ شده است (۱) .

خبوشانی در آغاز آن میگوید :

چو این غمنامهٔ سوزان حکایت — نفس بگداخت در کام روایت

رهزد خامهٔ معجز طرازش — محبت نامهٔ سوز و گدازش

الهی این گرامی بکر مستور — نشاند آستین بر عفت حور

ز پاس شوهرش از سربلندی — بترویج قبولش ارجمندی

(ص ۱۳ نسخهٔ حقوق . گ ۱۱۸ ب نسخهٔ ما)

در سبب نظم کتاب میگوید

[illegible] — گهی در رشتهٔ آتش کشیدم

[illegible] — [illegible]

دربارهٔ دانیال میگوید

۱ - [illegible] ص ۲۰۰ - ۲۱٦ چاپ ۱۹۲٦ لاهور – دیل چلبی ۳۰۰۲ – فهرست مجلس ۱٦۸۰۳ - فهرست ریو ص ٥٥۱ ب و ٦۷٤ الف

«چراغ افروز مسند گاه اقبال	گل خورشید نوشهزاده دانیال
چودیده افتادن من قدبرافراشت	بدست‌خودسرم‌ازسجده‌برداشت
بگفت ای برهمن زاد محبت	کهن شاگرد استاد محبت»

(۱۱۶ ب – ص ۱۰) دربارهٔ اکبرمیگوید:

«گرامی گوهر نه بحراخضر	مسمی ذوالجلال الله اکبر» ۵

ومیرساند که تنها من درروزگار اوناکامم.

خبوشانی دراین بیتها ازخود یاد کرده:

من و نوعی ندامت زادگانیم	که چون آئینه ازدل سادگانیم
کسی نوعی نمی‌آساید از عشق	ازینها هرچه گوئی آید ازعشق
بجز نوعی که از ماکس نهادی	مرادش شد شهید نامرادی ۱۰
ترا نوعی ز مردم شرم بادا	وزین دون همتان آزرم بادا

(گ ۱۱۴ الف و ۱۱۸ الف – ص ۵و۱۲و۱۶و۴۳ نسخهٔ دانشکدهٔ حقوق)
اودرآغازازاکبرشاه هم ستایش کرده (ص۱۴ نسخه حقوق که در نسخهٔ مانیست)
ودرپایان رساند که من درز ندانم و کارم بس زاراست (ص ٤٤).

عنوانهای بندها چنین است: ۱۵

نخست آغاز حمد باری جل شانه دوم مناجات بدرگاه قاضی‌الحاجات.
سوم نعمت حضرت رسالت پناه محمد. چهارم صفت شب وسبب آغازاین خجسته
داستان (در نسخهٔ ما دارد: درطلب‌نمودن شاهزاده دانیال نوعی را بجهت نظم
کتاب) پنجم سبب نظم کتاب (تنها در نسخهٔ ما این عنوان هست). ششم درمدح
پادشاه .. اکبرشاه وصفت عدل او(در نسخهٔ ما نیست نه این عنوان و نه شعرهای ۲۰
آن). هفتم آغازداستان محبت‌نامهٔ سوزوگداز. هشتم رفتن داماد بخانهٔ عروس
ودرراه فرودآمدن دیوار برسراو. نهم خبریافتن پادشاه و طلب‌نمودن دختراو
منع کردن‌وقبول‌نکردن‌او. دهم‌طلب‌نمودن پادشاه دختر را و انعام نمودن آن.
یازدهم دستوری‌پادشاهزاده ملازمان‌را ازبرای‌هیمه‌جمع نمودن. دوازدهم آمدن

[۱۷۴۷] شذور الذهب (عربی)

دیوان ابن ارفع راس اندلسی (۵۹۳ ه) است در کیمیا و برمز میباشد. (بروکلمن پیوست ۱: ۹۰۸ – نیز آنچه که دربارهٔ غایةالسرور خواهم نوشت).

آغاز: هوالله سبحانه بسمله. قال الشیخ الامام العالم العلامة برهان الدین سراج الاسلام حجةالشریعة زین الائمة شرف الفقهاء ابوالحسن علی بن موسی بن ابی القاسم بن علی الانصاری ره. قافیة الالف.

اذا ثلث المریخ بالزهرة امرؤ　　و قارن بالبدر المنیر ذکاء

انجام:

والا فلا تربع بها فهی روضة　　قد امتلأت للرائدین الافاعیا

[۲۰۵۲]

۵۰۲ / ۱ این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نسخ و حاشیه‌هائی دارد بخط نستعلیق با نشانهٔ «۱۲۱» و «س» در پایان دارد «سنهٔ ۸۴۶» و پیداست که تاریخ نسخه نیست چه خط آن بسیار تازه است. گ ۲ ب – ۶۸ الف. تاریخ ۱۳۵۲ در گ ۱ الف دیده میشود

(همهٔ دفتر ۱۵۷ گ – کاغذ فرنگی – جلد تیماج مشکی ساده
اندازه: ۱۳ ۱۸/۵ و ۸ ۱۲/۵ س ۱۱ و ۱۹ در ش ۲

[۱۷۴۸] شرح اصول الدین (عربی)

گزارشی است آمیخته برای رسالهٔ «اصول الدین» سنوسی که در ص ۲۱۳۷ شناسانده شده است.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی شهدت بوجوده جمیع الکائنات والصلوة والسلام علی سیدنا المبعوث بالآیات الواضحات

[۲۰۵۳]

۱۰۹۷ / ۱ این نسخه ش ۳ دفتراست و بهمانگونه خط ش ۱ ودر گ ۱۲۳ ب – ۱۴۳ ب. ازمتن باندازهٔ س ۱۳ گ ۱۲۱ ش ۱۰۹۷/۲ هست و این گزارش درنسخه

کم دارد وچنین است انجام آن : ونحو ذلك مما هو مستطر فی کتب علماء السنة (و یوخذ منه وجوب صدق الرسل ... فیلزم ان لایکون فی جمیعها مخالفة) .

[۱۷۴۹] شرح الفیه (فارسی)

محمد مقیم بن حاجی صفی قزوینی به خواست پسر خود الفیهٔ ابن مالك را بپارسی گزارش نمود او در هر بیت نخست تازی با پارسی آنرا ترکیب نحوی سپس ترجمه و گزارش بفارسی میکند

در فهرست طاوس (۳ : ۱۹) از گزارش پارسی سلطان محمد بن علی کاشانی برای پسر خود محمد جعفر بر همین الفیه یادکشته است و آغاز آن جز این مکی است .

آغاز : بسمله . الحمد لله الذی جعلنی من المسفرین ولم یجعلنی من المستودعین.. فیقول . . ابن الحاجی الصفی محمد مقیم القزوینی . سئل عنی الولد . سمی الامام السادس ان اشرح علی الفیة . محمد بن مالك فالصاد فیه علامة المتن والکاف علامه الترکیب والشین علامة الشرح

انجام . پس [illegible] الام [illegible] و ما جمعه [illegible] قد کمل . و صحه [illegible]

[۲۰۵۴]

(۱) [illegible] ۲۵۲ [illegible]

(۲۵۳) [illegible]
[illegible] : ۱٦ [illegible] ۱۷ [illegible] ۱٦

[۱۷۵۰] شرح [illegible] (عربی)

مولی [illegible] بن میرزا محمد بن حسن شیروانی (فوائد رضویه ۲ : ۱۶۷ - ذریعه ٦ ۱۸۲) در [illegible] آنچه از اخبار محکم از اصول توحید و حجت وفروع

آندو دردو کتاب کافی کلینی و توحید صدوق ابن‌بابویه و جز ایندو آمده است
گزین و گردآوری کرده‌وخبرهای متشابه درسند ومتن‌را کنار گذارده وپس‌از
هرخبری اندکی هم گزارش‌نموده است .

آغاز : هوحسبی ونعم‌الوکیل . بسمله . وبه‌نستعین . الحمدلله‌رب‌العالمین
و صلواته و سلامه علی خیر خلقه محمد و آله‌الطیبین‌الطاهرین و بعد فیقول فقیر ۵
عفوالله تعالی حیدر علی بن میرزا محمدالشیروانی انی لما رأیت کتاب‌الکافی . . .
و کتاب‌التوحید حاویین من اخبارالتوحید والحجة‌الفرائد والفوائد .

[۲۰۵۵]

۱۱۹۹ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و تازه میباشد .
برخی جاها حاشیه دارد با نشانهٔ «منه طاب‌ثراه» . محمد باقر بن محمد تقی ۱۰
دارندهٔ نسخه بوده است .

چنین‌است انجام‌نسخه : «وروی عن‌المفید قدس‌الله روحه‌انه‌روی مسنداًعن مولی
لامیرالمؤمنین ع ازبعد ۲۵ «اجابة دعائه ص فی ردالشمس علیه بابل » ازباب «آیات
وبیان علی »

(۱۳۱ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا ۲۰
اندازه : ۶، ۲۱ و ۹ ۱۵ س ۱۸

[۱۷۵۱] شرح تهذیب (عربی)

سید جمال‌الدین بن عبدالله بن محمد بن حسن حسینی گرگانی نقره کار (صفحهٔ
عنوان بخط آقابزرگ) بر تهذیب‌الوصول الی‌علم‌الاصول علامهٔ حلی این گزارش
آمیختهٔ با متن را نگاشته و بسیار پسندیده وموشکافانه است (کنتوری س ۳۳۰ ۲۰
و ۳۳۱ ــ ذریعه ٤ . ۵۱۲) چون سخنی را که تهرانی از محمد امین استرابادی
از شرح تهذیب امیر جمال‌الدین محمد حسینی استرابادی آورده، دربارهٔ اینکه
تهذیب حلی گزیدهٔ مختصرمنتهی حاجبی و این یکی گزیدهٔ احکام آمدی گزیدهٔ
ازمحصول رازی گزیدهٔ ازمعتمدابی‌الحسین محمدبن علی بصری معتزلی (م ٤٣٦
دربغداد) میباشد، آنچه من گشته‌ام دراین گزارش نیست پس باید این یکی ۲۵

جز گزارش آن دانشمند استرابادی باشد. نسخهٔ دیگری از همین گزارش در کتابخانهٔ ملك (ش ۱۹۵٦) نوشتهٔ مغیث‌الدین حاجی میرجعفر حسینی در شب دهم ذی‌حجهٔ ۹۸۰ (اندکی پس از نسخهٔ ما) دیده‌ام که در آغاز نیم صفحه‌ای ندارد. نیز نسخه‌ای در فهرست مجلس (۱۱۰:٤ ش ۱۲۹۸۳) یاد گردید.

آغاز : بسمله. اللهم ان العجز عن احصاء ثنائك مقام سید انبیائك وسند اولیائك فانی لنا دعوی العجز عن تحمیدك والشکر علی جزیل عطائك. اخلائی هذا ما واعد ناکم من شرح التهذیب فی علم اصول الفقه للشیخ العلامة . الحسن بن المطهر... علی وفق مقترحکم وطبق ملتمسکم.

انجام : فلیطلب فی کتابنا المسمی بنهایة الوصول الی علم الاصول فانه قد بلغ الغایة فیما ارادوتجاوز النهایة فی ابلاغ السالك منهج السداد والله الموفق للصواب والیه المرجع والمآب (قال الشارح المحقق) وقد فرغ العبد المفتقر الی الله الغنی جمال الدین بن عبدالله بن محمد بن الحسن الحسینی الجرجانی عن تعلیق ماهو بمنزلة الشرح فی اواسط شهر ربیع الآخر سنة تسع وعشرین وتسعمائة اوتی کتابه بیمینه وحشر یوم یدعی کل اناس بامامهم بمن اقتدی بهم فی دینه (وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب فی تاریخ شهر ذی القعدة سنة ۹۸۰)

[۲۰۵٦]

(۲) این نسخه بخط نسخ و نستعلیق است و متن زیر خط سرخ و در ذی‌قعدهٔ ۹۸۰ نوشته شده است ... برگ در آغاز تازه و نونویس میباشد. گ ۲ ب ـ ۲۱۰ الف.

(۲۱۰گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۷ ۲۳ و ۱۰ ۱٦ س ۲۷

[۱۷۵۲] **شرح تهذیب** (عربی)

ملاخلیل قزوینی (۱۰۰۱ – ۱۰۸۹) آنچنانکه در صفحهٔ عنوان نسخهٔ ما (۱)

۱ ـ نویسندهٔ این یادداشت در تاریخ ۱۸ع۱۳۵۱/۲ (۱الف) هرگاه بوده گویا نسخهٔ ما را با نسخهٔ دیگری در کتابخانهٔ ملك سنجیده و چنین نوشت و من در آن کتابخانه هرچه در برگه‌ها و فهرستهای آن گشتم چنین کتابی نیافتم!

ک ۲۱۰ الف پایان شرح تہذیب ش ۱۲۱۰

آمده است بر تهذیب حلی این گزارش آمیخته را نوشته و بیشتر از کتابهای سنی و کمی از شیعی در آن بهره برده است . در دیباچهٔ آن نه بکتاب نامی داده شده و نه از نگارندهٔ آن یاد شده است واز خود گزارش تا آن اندازه ایکه در نسخهٔ ما هست بر نمیآید که ازقزوینی باشد ودر سر گذشت اوهم در کتابها چنین گزارشی یاد نکرده‌اند . همین اندازه از این گزارش برمیآید که نگارنده پس‌از « شیخ علی » و«شهید ثانی» میزیسته‌است (٦الف) و در خیلی جاها از «الشارح رحمه‌الله» عبارتهائی آورده و خرده گرفت

تهرانی در ذریعه در دنبال « تهذیب‌الوصول » که گزارندگان آنرا برشمرد از قزوینی یاد ننمود (نیز کنتوری) و تا نسخهٔ کاملی از آن دیده نشود چیزی نمیتوان گفت .

آغاز : بسمله . نحمدالله فی‌البدایة والنهایة و نشکره علی منتهی‌العنایة الذی نورقلوبنا بتهذیب بیان‌الخطاب و شرح صدورنا بایضاح متشابه‌الکتاب . . امابعد فغیر خفی علی ذوی‌العقول النقادة والبصائر الوقادة شرف‌العلوم‌الفقهیة .. وقد نصب علی تلك‌الدلائل والامارات و خص من شاء بتمهید قواعدالمدارك والاستنباطات . . فاثروی ذات‌المهج من‌المألف . ممن حازالمکارم فی‌میدان السباق . . آیةالله فی‌العالمین . جمال الدین الحسن بن یوسف‌بن مطهر . . . فانه قد صنف فیه کتبا و کان من جملتها تهذیب‌الوصول الی علم‌الاصول . . و کنت قد علقت جملة من‌الفوائد علی هذاالکتاب ملتقطا لها من‌اماکن‌عدیدة فی اوقات متعددة فجمعتها شرحا . متصفحا لجمله من کتب هذاالفن

|۲۰۵۷|

(۹۵۴۰) این [illegible] چنین‌است [illegible] والتمیزالناسخ من‌المنسوخ [illegible] (از [illegible] ۷ [illegible]) نسخه دردست «علی‌بن‌محمد [illegible]» (٤-۱۰۱۲-۱۱۰۳) بوده‌است (بخطاو) [illegible] علی ۱۰٤۳»

پس نسخه نسخهٔ روزگارقزوینی خواهدبود. گ۲ ب ـ۱۲۱پ. در ۱۰الف حاشه‌ایست به‌نستعلیق تازه با نشانهٔ «محمدبن عبدالله».

(۱۲۲گ، ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه: ۲۰ ۲۸/۵ و ۱۱ ۲۱، س ۲۹

[۱۷۵۳] شرح خلاصة الحساب (عربی) ۵

گزارشی است با استدلال ریاضی برخلاصة‌الحساب بهائی از شاگرد او جوادبن اسعدبن جواد کاظمی که دردیباچهٔ آن ازاستاد خود بسیار بستود وآنرا پس‌ازمرگ او(۱۰۳۰) (دیباچه) و پیش‌از ۱۰۵۳ (تاریخ نسخهٔ ۱۱۶۱ ما) بانجام رساند. و آن در تهران در ۱۲۷۳ بچاپ سنگی رسیده است.

آغاز: بسمله الحمدلله الواحد العظیم والفرد القدیم . فیقول.. جوادبن اسعدبن جواد لما کان علم الحساب مما اشتهر علومرتبته عند اولی الالباب. ۱۰

[۲۰۵۸]

۱۱۶۱ این نسخه به‌نستعلیق است و عنوانها شنگرف و متن زیر خط سرخ یا سیاه میباشد ودرروز ٤ رجب ۱۰۵۳ درزمان خودکاظمی از روی خط او نوشته شده‌است. حاشیه‌هائی بانشانهٔ «...» فراوان دارد وبا «منه دام ظله» درچندین جا برخی حاشیه‌ها بانشانه «احمدبن ع...» و «م شیخ شریف» ، شیخ محمد شریف، م ش، محمد شریف ؟ است درخیلی جاها متن خط خورده و سیاه کرده شده وگویا بدستور خودکاظمی بوده‌است. صفحهٔ نخستین نونویس‌است. سطرهائی درحساب پارسی وتازی درهامش آمده است. کتاب ٤ ب ـ ۱۱۹ الف ۱۵

(۱۲۱گ، ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی نه آن سرخ ۱۰

اندازه: ۱۴ ۲۰ و ۷/۵ ۱۴ س ۲۰

[۲۰۵۹]

۱۱۹۰ این نسخه بخط نستعلیق است وعنوانهاشنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد و مرادش صفقلی بن ذوالقدر در روز پنجشنبه ۱۹ شوال ۱۱۱۹ آنرانوشته است. حاشیه‌هائی دارد برخی بانشانهٔ «احمد دام ظله» و «منه قدس سره». ۲۵

(۱۱۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی

اندازه: ۱۵/۵ ۲۰/۵ و ۷ ۱۵ س ۲۱

[۱۷۵٤] **شرح الشرح** (عربی)

محقق تفتازانی (۷۲۲-۷۹۲) برشرح قاضی عضد ایجی برمختصر منتهی ابن حاجب این گزارش را که نزدیك به هجده هزار بیت است نوشته و در خوارزم در ۲۰ ذی‌حجهٔ ۷۷۰ آنرا بپایان رسانده. درفهرست طوس (۲ : ۱۹۵ ش ۳۲) نسخهٔ تاریخ ۸۵۱ ازهمین گزارش بنام « حاشیه برشرح مختصر اصول عضدی » شناسانده شده و چون آغاز آن افتاده بود ندانستند از کیست. نسخهٔ سپهسالار (۱:۵۸۰) تاریخ ۹۸۱ را دارد. چلبی هم از آن یاد کرده است (۲:۵۳۸).

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی وفقنا للوصول الی منتهی اصول الشریعة الغراء وشرح صدورنا بنور الاهتداء الی سلوك محجتها البیضاء والصلوة علی سیدنا محمد خیرالرسل وختم (خاتم) الانبیاء و علی آله و اصحابه هداة السبیل الی النجاة یوم الجزاء و بعد فکما ان المختصر للشیخ الامام جمال الدین ابن حاجب خصه الله من الکرامة باعلی المراتب یجری من الاصول مجری الغرة من الکمیت بل الدرة من الحصی والواسطة من العقد لاالعقرة من الحلی کذلك شرحه للعلامة المحقق النحریر المدقق عضدالملة والدین اعلی الله درجته فی علیین یجری من الشروح مجری العذب الفرات من البحر الاجاج بل عین الحیوة من ینابیع الفجاج و یلوح خلالها کانه بدر مضیء بین الاجرام بل کوکب دری توقد فی الظلام (لم یر) ولم یرو مثله فی زبر الاولین ولم یسمع بما یوازیه ویدانیه فکر الاخرین

انجام وهذا معنی قوله « وفیما ذکر ارشاد لذلك » والله الهادی سبیل الرشاد والمسئول لنیل العصمة والسداد وهو حسبی و نعم الوکیل (وصلی الله علی سیدنا محمد خاتم النبیین والمرسلین وعلی آله وصحبه اجمعین) (قال المصنف) وقد اتفق الفراغ من جمع هذه الفوائد (و نظم هذه الفرائد) الفقیر الی الله الغنی مسعود بن عمر المدعو بسعد التفتازانی فی العشرین من ذی الحجة حجة (سنة) سبعین و سبعمائة بخوارزم حمیت عن الآفات انشاء الله تعالی (الحمدلله) نسخهٔ تاریخ ۱۰۰۰ بخط ... نورالدین ابوالحسن محمد ... محمد بن علی. سپهسالار (۱:۵۸۰)

(کمل انتساخ شرح الشرح من جمع الفاضل الاوحد عمدة المجد وعماد الفضل السعد سعدالدین التفتازانی اعلی الله کعبه کما جمل جنابه لحجج الفضل کعبة والمشروح (من) مصنفات قاضی القضاة علم الهدی الذی یاتم به الهداة عضدالدین تغمده الله بالرضوان و بواه بحابیح الجنان شرح مختصر منتهی السئول تألیف الشیخ الامام جمال العرب ابی عمرو عثمان بن الحاجب المالکی رحمه الله لسبع بقین من المحرم ۵
المحرم من شهور سنة سبع وسبعین و سبعمائة هجریة نبویة والکاتب هو عبدالله ابوالمعال بن محمد بن مسعود الحسنی نجارا (؟) و فخارا و الهروی دارا و قرارا کتبه حامداً و مصلیاً و مسلما .)

[۲۰۶۰]

۱۱۷۵ این نسخه بسیار پاکیزه و کهن تصحیح شده بنسخ بی نقطه است . عنوانهای قوله و عنوان مطلبها بشنگرف یا بنسخ درشت سیاه میباشد و ابوالمعالی ۱۰
عبدالله بن محمد بن مسعود حسنی هروی در هفت روز ماندهٔ ازمحرم ۷۷۷ هفت سال پس از نگارش تفتازانی و در زمان او آنرا نوشته است . حاشیه‌هائی دارد بخط ریزتر با نشانه «ه» با «۱۲» و در گ ۲۷ الف با نشانهٔ «سلطان دام ظله» و در ۳۳ و ۳۴ الف با نشانهٔ
«سلطان العلماء دام ظله العالی» . برخی برگها در میانه پهنای کمتری دارد . در ۱ الف ۱۵
بیازی دارد که «عبدالغفار الرضوی» نسخه را به «عبدالباقی الرضوی» که پسر بزرگتر و گرامی تر او بوده است بخشید بخط شکسته نستعلیق و مهر پسر و یا مهر پسر در دوجا. مهر «عبده الموفق المسداد محمدعلی بن عبدالجواد» هم در اینجا هست . مهری گرد و ناخوانا در ۲ الف دیده میشود . همچنین مهری گرد کوچك و ناخوانا در پایان زده
شده است . این نسخهٔ ششصد ساله تااندازه‌ای خوب مانده است . ۲۰

(۱۶۱ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد ضربی

اندازه : ۳۰/۵×۲۵ و ۱۴ ۱۹ س ۳۶

[۱۷۵۵] شرح شواهد مجمع البیان (عربی)

ابی محمد میرزا محمد حسین بن محمد طاهر شریف وحید آنچه از شعرها
که طبرسی در مجمع البیان گواه آورده است در این گزارش از رهگذر لغت ۲۵

ودستور زبان روشن نمود وآشکارساخت که چرا طبرسی آنها راگواه آورده و « محل استشهاد » چیست ودربیشترجاهاسرایندهٔ شعرهارا هم نشان داده‌است . درخیلی جاهـا هم گفت کـه این شعر درپیش گذشت یا پس‌از این خواهـد آمد ودر نسخهٔ کامل آن شمارهٔ برگهای آنجاهاهم نشان داده شده است . او گاهی‌هم ازسخنان طبرسی خرده گرفته است .

نگارندهٔ این گزارش باید پسرعمادالدوله وزیرمیرزامحمد طاهرشریف وحید قزوینی مجلس نویس و وقـایع نگار شاعر سه زبان پارسی و تـازی و ترکی (١٠١٥-١١١٢) برادر محمدیوسف نگارندهٔ تاریخ خلدبرین و پسرمحمدحسین‌خان قزوینی باشدو نام نیای‌خودرا داشته‌است. پدر او درعلم معمای مرآةالاعجاز بفارسی بنام‌شاه‌عباس دوم‌در١٠٦٦ورسالهٔ‌صرف‌فارسی‌در١٠٨٨ورسالهٔ‌فارسی در « تعلیم الجوارح للصید » وانشاآت فارسی (ذریعه ٢: ٣٩٤) دارد ودیوان او به نه هزار بیت میرسد . عباسنامه کـه تاریخ رخدادههای سالهـای ١٠٥٢ تا ١٠٧٣ میباشد از اواست (١)

روش کار این دانشمند از یادداشتهایکه بفارسی در کنار بیشتر برگهای نسخهٔ ما که اصل پیش‌نویس اوست نگاشته و در درازای آنها منوشته است پیدا میگردد . او در این یادداشتها دستور کار روزانهٔ خود در بررسی‌هائیکه از کتابها باید بکند و بدانها بنگرد منوشته و در بسیاری از جاها آن یادداشتهارا خط زده و برخی را بجا گذارده است . افسوس که این یادداشتهای او در این نسخه بخط ریزی نوشته شده و از فرسودگی و کهنگی لبه‌های کاغذ بسیاری از آنها خوانا [illegible] است . چنانکه یاد خواهیم کرد او در بسیاری از جاها در متن سفید

(١) [illegible] عباسنامه [illegible] دیباچهٔ ذیل [illegible] روضةالصفا [illegible] ٨ [illegible] یاد کردت [illegible] شمع انجمن ٥١٣- [illegible] ١٠٠ [illegible] ١٧٥.٤- فهرست سپهسالار ٢: ٦٩٩-٧٠٢ [illegible] ٦١٧٣ - ٦٢٠ ریحانةالادب ٤ : ٢٨١ .

گذارده که پس‌ازاین پر کند و گویا برای این بود که در کنار برگها یادداشت میکرد که بکدام کتاب بنگرد و در آن سفیدیها بنویسد و گاهی در آن سفیدیها نوشته که « بیاض صحیح » یا « اندکی بیاض بقدر دو سطر گذاشته شود » یا « یك سطر بیاض بگذارد » و اینها مانا پس‌از نگریستن بکتابها بوده است . در این یادداشتها گاهی نوشته که بفلان کتاب نگریسته شود و اگر نیست زده شود . ۵

اینك نمونهٔ کمی از آنها که بسیار است : « استشهاد ملاحظه » و « اصل نسخه ملاحظه » و « استشهاد از تبیان معلوم » و « ص دیده شود سله » و « حدیث دیده شود از جای دیگر » و « نسخ ملاحظه » و « شرح قصاید دیده نشده » و « لغات ابیات قبلا از لغت نوشته شود و « عبارت ازهری ازاصل نسخه ملاحظه » و « کشاف و دیوان ابی‌تمام ملاحظه دارد و نسخ ملاحظه موافق » و « صحاح ۱۰ ملاحظه و مراجعه شود و عبارت و لغات از کتب ملاحظه » .

کتابهائیکه او بدانها می نگریسته ازهمین یادداشتها پیداست مانند:

تاریخ ابن‌خلکان ، مجالس‌المؤمنین ، تفسیر ثعلبی ، تبیان ، کشاف ، معالم التنزیل ، شرح نهج ، دیوان ، مجمع‌الامثال ، مطول ، کتاب سیبویه ، شرح مفصل ، شرح رضی ، شرح تصریف رضی ، شرح شواهد کشاف ، شرح شواهد ۱۵ مفصل ، شرح ابیات ایضاح ، برهان‌قاطع ، تهذیب‌ازهری ، معجم ، صحاح‌جوهری نهایهٔ ابن‌اثیر ، قاموس .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الاکرم‌الذی خلق‌العلم و اخرج‌الانسان من کتم العدم وعلمه مالم یعلم وخوله جزال‌النعم ورزقه من‌الطیبات و کرم و فضله علی کثیر ممن خلق وعظم . . . وبعد فان‌الانف یتلوه‌الحتف والکشف یانفه‌السجف ۲۰ والخلف وراءالامام ولکل حاملة تمام . . وتشبثوا فی امور کم بذیل‌القرآن ... وتمسکوا‌الاستکشاف کوامنه فی مکامنه و استخراج فرائده من معادنه بالتفسیر المسمی بمجمع البیان . . غیر ان اکثر فیه‌الاستشهاد بمنظومات‌الفصحاء و شحنه بالاستدلال بماثورات‌البلغاء وهن بخدورهن محتجبات وفی حدوجهن مستترات

وفیه نبذ من المذلل وشیء من الخلل فاختلطت الغثوث بالسمان وامتزجت الاصداف بالجمان فان اردت ان تطلع علی حقیقة معانیها المسبوکة من الابریز و تصوغها فی غالب المعرفة والتمییز وتعرف مزاله وتستبین مضاله فانظر الی «شرح شواهد» اقل الاماء والعبید و احوج المحتاجین الی عفو بارئه اللطیف المجید «ابی محمد

۵ محمد حسین بن محمد الطاهر الشریف الوحید» فانه ... علق ... علی شواهده شرحا راض صعابها و کشف منها نقابها و ذلل ماردها وزین ناهدها و ربما ذیل الشرح بما ممیز الخطاء من الصواب وافرز المعمر من اليباب .

انجام : وسوس یدعو مخلصاً رب الفلق . سراً وهو اون ناوین العقق . مر فی شرح شواهد تفسیر سورة الاعراف (تمت کتابة الکتاب بعون الملک الوهاب .

۱۰ قدوقع الفراغ من تسوید هذه (؟) الکتاب فی یوم الاحد من شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة سبع و مائة بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الف الف تحیة و سلام علی ید اقل الخلیفة بل لا شیء فی الحقیقة ابن شیخ رجبعلی زین العابدین–۱).

۱ــ از روی نسخهٔ کامل استاد دانشمند آقای اعتماد زادهٔ مازندرانی که نسخه‌ایست در دو جزء و پنج و شمرها و نشانه‌ها شنگرف و در ۵۸۸ برگ با شماره و مانند اصل

۱۵ جز در برخی از جاها هیچ سفید نگذارده شده و زین‌العابدین بن شیخ رجبعلی در روز یکشنبه ذی‌حجه ۱۱۰۷ آنرا نوشته است [illegible] در ۱ [illegible] بسیاری از برگها شمارهٔ برگ جاهائیکه [illegible] بازگشت داده شده یا [illegible] که در آن برگها با آن پیوستگی دارد نشان داده شده است و این شماره گذاریها [illegible] که اینها را بخوبی خوانده و دیگری [illegible] انجام یافته است . نام سوره‌ها در گوشه راست بالای برگها نوشته

۲۰ شده و [illegible] از سوره‌ها با نشان دادن برگها در [illegible] ۱ ب نسخهٔ مازندرانی هست .

در ۲ الف [illegible] فلذا لا تغلوا من صحة [illegible] که گزارنده و شارح [illegible] را نوشت و کاست [illegible] یا چنانکه در بسیاری

۲۵ از جاهای [illegible] نگذارد که عبارتها را [illegible] شده است چنانکه این نسخه [illegible] حاشیه در صفحهٔ پس از این

انجام نسخهٔ طاوس : شواهد تفسیرسورة‌الفلق‌منها (همانفثانی فی من فمو یهما(فسو یهما)علی النافث‌العاوی‌اشدرجام)مر فی شرح‌شواهدتفسیرسورة‌الزمر (ص۵۱۳الف‌نسخهٔ کامل)والاستشهاد به‌هنافی قوله نفثاًفان‌النفث‌شبیه بالنفح.شواهد تفسیر سورة‌الناس منها (تسمع للحلی وسواساً اذاانصرفت ـ کما استعان بریح عشرق زجل) مر فی شرح شواهد تفسیرسورة اعراف (۲۵۸ ب) ومنها (وسوس یدعو مخلصاًرب‌الفلق‌ـسرأوقداون‌تاوین‌العقق) مر فی شرح شواهد تفسیرسورة الاعراف (۲۵۸ ب) ـ قد فرغ من تسوید هذاالکتاب فی یوم‌الثلثاً غرة شهر رجب‌المرجب من شهورسنة ثمانی وخمسون ومأتان بعدالالف من‌الهجرة‌النبویة علی هاجرها الف الف تحیة وسلام ۱۲۵۸ (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

باآن یکی کم و بیش دارد . چنانکه در گزارش بیت :

« الا ن فقد فرغت الی نمیر فهذا حین صرت لهم عذابا »

درسورهٔ یونس دراین نسخه گ ۲۹۹ عباراتی آمده که درنسخهٔ ما (۹۷ ب) نیست ودر آن‌سفید گذارده شده‌ودارد« یك سطر بیاض بگذارد»درهمینجا کسی(گویا : دارندهٔ‌مهر «عبده‌محمد زکی » یا « لااله الاالله الملك‌الحق‌المبین الرضا » از روی دومهریکه زیر آن‌نوشته هست) بتازی گواهی‌میدهد که‌این «شرح شواهد مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن » گردآوری «میرزامحمد حسین پسرمیرزامحمد طاهروحید » است . محمدمهدی حسینی حسنی در۱۲۱۵ نسخه را خرید وخط‌ومهراوهست. نسخه از کتابخانهٔ حاج میرزاباقر قاضی درتبریز بوده وسید حسن فراهانی تبریزی هم در۱۳۷۱ دارندهٔ نسخه بوده است .

نسخه‌ای دیگر ازاین گزارش درطوس هست و ازآغاز سورهٔ رعدست تا پایان قرآن وبتاریخ نکم رجب ۱۲۵۸ و به ش ٤۸۷٤ وچنین است :

آغاز . شواهد تفسیرسورة‌الرعد (کان عینی فی عربی مقتله ـمن‌النواضح‌تسقی جنة سحقا) وقائله زهیر وقبله مر فی شرح شواهد تفسیر سورة‌البقرة عندقوله(مازلت ارمقهم حتی اذاهبطت) وبعده‌تمطوا‌الرشاه فتجری فی ثنایتها ... (برابر با گ۳٤۵ ب نسخهٔ کامل) .

۱ـ نیزازروی‌همان‌نسخه کامل ـ برو کلمن‌در پیوست‌تاریخ‌فرهنگ‌عربی (۷۰۸.۱) از نسخهٔ کتابخانه‌دیوان‌هند لندن (۱۱۰۷) ازهمین شرح شواهد مجمع‌البیان‌یادمیکند .

[۲۰۶۱]

۱۱۷۱ این نسخه نستعلیق و شعرها نسخ و شنگرف میباشد . در بسیاری از جاها سفید گذارده شده و بحاشیه باخط ریزتری رفته و خط خورده است . درمیانهٔ برگها برخی جاها سفید گذارده شده دارد « بیاض صحیح » پیداست که نسخهٔ پیشنویس و مسودهٔ خود

۵ نگارنده است و کاربك نگارندهٔ ایرانی ازاین نسخهٔ اصل بخوبی نموده میشود . در ۱ الف دارد « شواهد خط مصنف » و « شواهد مجمع البیان من آیة (و آمنو بما انزلت مصدقا لما معکم) فی اول سورة البقره الی اواخر سورة یوسف مع تأخیر سبعة اوراق منه فی الآخر وتقدیمها فی الاول وقع من الصحاف » و « مال آقا محمد خلیل ». همین نسخه را تهرانی چنانکه درحرف ش ذریعه (نسخهٔ خطی) نوشته در کتابخانهٔ حاجی

۱۰ شیخ محمد سلطان المتکلمین در تهران بسال ۱۳۵۱ دیده است .

چنانکه دیده‌ایم هفت برگ درپایان بوده و باید در آغاز باشد ودر صحافی جابجا کرده‌اند واکنون درجای خود گذارده شده است . پس نسخهٔ چنین میباشد :

آغاز : فـالام . . . (سفید گذارده شده باندازهٔ چند کلمه‌ای ولی درنسخه آقای آیةالله زاده عبارتهائی آمده که دراین نسخه نیست) الاستشهاد فی قوله الام طاعم

۱۵ فانه ارادالام من طعم اوالامفر بن اوفوج طاعم و لذا افرد طاعم . ومنها « من اناس لیس فی احلامهم ... عاجل الفحش ولا سوءالجزع » قاتله سوید بن ابی کاهل (روی عبارت ... فاتاه . . کاهل درنسخهٔ ماخط کشیده شده ولی در نسخهٔ آقای آیةالله زاده گ ۵۹ ب هست و چیزهائی در آن افزوده دارد که درنسخهٔ ما نیست) .

انجام : ومنها « نهارك یا مغرور سهو و غفلة و لیلك نوم والردی لك لازم ـ

۲۰ وسعیك فیما سوف تدرك غبه ... [illegible] » قائلهما [illegible] کدام . . [illegible] اهمال الرأه والدال الهلاك . الاعراب : قوله نهارك مبتدأ وسهو خبره والمنادی معترض بینهما و قوله غفلة عطف علی سهو ولیلك نوم جمله اسمیة (گ ۳۳۹ الف نسخهٔ آقای آیةالله زاده که با نسخهٔ ما دراینجا یکنواخت نیست و آنچه درحاشیه نسخهٔ ما آمده در آن [illegible] آنچه که دراین نسخهٔ ما خط خورده است) .

۲۵ [illegible] :

آغاز [illegible] (آغاز [illegible] نسخهٔ ما کم دارد) الهداة السکون [illegible] والسمر [illegible] والراء المسامرة وهو الحدیث باللیل [illegible] وهو [illegible] . ([illegible] و کم دارد) الاستشهاد به کالاستشهاد بماقبله [illegible] (وانشد المصراع)

۳۰ (این عبارت میان دو نشانه همان در نسخهٔ ما نیست) (گ ۷۹ الف نسخهٔ آقای آیةالله زاده)

گ ۲، الف شرح شواهد مجمع البیان ش ۱۱۷۱

گ ۹ الف شواهد مجمع البیان ش ۱۱۷۱

انجام : « وماذنبه ان عافت الماء باقر ــ وما ان تعاف الماء الا لیضربا » قائله الاعشی ... الاستشهاد به فی قوله باقر فانه جمع البقر کالجامل للجمل (کجامل وجمل قال الجوهری الباقر جماعة البقر مع رعاتها ــ نسخهٔ آقای آیة الله زاده گ ۷۸ ب) ومنها (این عبارت بعبارت بالا میپیوندد) .

(۱۱۱گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد الدارد

الدازه : ۱۶ ۲۶ و ۱۱ ۲۲ س ۲۳ ۵

[۱۷۵۶] شرح کافیه (عربی)

جمال الدین ابن الحاجب ابی عمرو عثمان بن عمر مالکی نحوی اصولی (م ۶۴۶) در نحو کافیه نوشته و آنرا شیخ رضی الدین نجم الائمه محمد بن الحسن استرابادی نحوی شیعی گزارشی نمود که در نجف بسال ۶۸۳ یا ۶۸۶ آنرا بانجام رساند (چلبی ۲:۲۴۹) ۱۰ این گزارش در ایران بخط نسخ محمد هادی بن بهرام طالقانی در روز سه شنبه ۱۸ ج ۱۲۷۱/۱ با حاشیه‌هائی وتعلیق برخی با نشانه « س سره » که از میرسید شریف میباشد باندازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید (بنگرید بفهرست آقای منزوی ۲:۴۰۷ و ۴۱۲)

۱۵ **آغاز** : بسمله وصلی الله علی محمد وآله وسلم وبه نستعین . الحمد لله الذی جلت آلاءه عن ان تحاط بعد وتعالت کبریاءه عن ان تشتمل بحد ... وبعد فقد طلب الی بعض من اعتنی بصلاح حاله ... تعلیق مایجری مجری الشرح علی مقدمة ابن الحاجب فی النحو عند قراءتها علی فانتدبت له . . . ثم اقتضی الحال بعد الشروع التجاوز عن الاصول الی الفروع فان جاء مرضیاً فببرکات الجناب المقدس الغروی صلوات الله علی مشرفه لاتفاقه فیه . ۲۰

انجام بخلاف زیادة الانکار لان هذه انما تزاد اذا لم یقصد الوقف .

[۲۰۶۲]

۱۱۵۳ این نسخه نسخ خوش و معرب در برخی جاها و عنوانهای قوله و نشانه‌ها بشنگرف و متن پس از قوله زیر خط سرخ میباشد نسخه بدلها درهامش

دیده میشود . حاشیه‌هائی دارد درپاره‌ای جاها با نشانه « ش ر ح » و « سید ر ح » و «سید رح‌الله» و «سید س» و «سید شریف» (۱۲۹ ب) و « قاضی » و « شرح ابیات للمفصل» (۱۲۵ ب و ۱۲۶ ب) .

در گ ۱ الف و ب شعرهائی است ازفیراطی (رحمه‌الله) درستایش ارمغنی ابن‌هشام و نیز ازسرگذشت ابن‌هشام و پاره‌ای از تکمیل شرح التسهیل امام ابی‌حیان (رحمه‌الله) در ۲ الف دارد «عدد اوراق ۳۹۰» و «من نعم‌الله علی عبده‌الفقیر محمود بن محمود بن الحاج محمد بن الحاج حسن غفرلهم» (گردش خط کشیده شده) و «من نعم الله علی عبده‌الفقیر ابوبکر بن عثمان بن محمد عفی عنهما» (گرد آن هم خط کشیده شده) لسنة اثنین و سبعین والف» با مهر «محب ابوبکر چهار یارم» و «ثم دخل فی نوبة الفقیر الیه عزشأنه محمد المدعو عبدالله زاده؟ .. غفرله» گرد اینهم خط کشیده شده و سیاه هم شده است) با مهری که سیاه کرده‌اند . و «من نعم‌الله علی عبده احمد بن النجار الحنبلی» (گردش خط کشیده شده)و «من نعم‌الله علی عبده پیر محمد الشهیر بحمزه زاده» (گردش خط کشیده شده) با مهری که همین اندازه خوانده میشود «الواثق بالملك الحمید الشهیر پیرمحمد» و « ثم دخل فی نوبة الفقیر الیه سبحانه و تعالی محمد الشهیر بعبدالله زاده ؟ غفرله » (گردش خط کشیده شده) و « حلواجی الحاج عمر بدندن الّلی درت غروشه الندی » و «حالا من کتب الفقیر المعروف بشوائی (؟) زاده سنة ۱۱۹۵» با مهر «من الاله الکریم عبده الحافظ محمد امین بن الحاج ابراهیم ۱۱۹۸» و «حالا من کتب الفقیر الحقیر الحافظ محمد امین المعروف بشوائی (؟) زاده سنة ۱۱۹۵» با همان مهر که در گ ۳۸۷ هم هست . مهر «کتابخانهٔ آدمیت . تهران «Librairie Adamiyat Teheran» در اینجا هست دو بار . کتاب از رو یه برگ دوم که در آغاز هست و شماره‌گذاری شده است تا ۳۸۷ ب میباشد . این نسخه را آقای دکتر مصباح زاده استاد دانشکدهٔ حقوق باین کتابخانه بخشیده‌اند .

۳۹۰گ — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ عربی متوالی با ترنجدان

اندازه ۱۸ × ۲۱ و ۱۱ × ۱۶/۵ س ۱۷

•

[۱۷۵۷] شرح کافیه (فارسی)

میر سید شریف گرگانی زمانیکه درمدرسه درس میخواند و بسیار تهیدست بود برای پسر کیمیاگری این گزارش فارسی بر کافیهٔ نحو ابن حاجب بپرداخت و دربرابر خوراك روزانهٔ خود را از کیمیاوسان ازآن مرد کیمیائی میگرفت

(طوس ۳:۱۵) (۱) .

آغاز : بسمله . (الکلمة لفظ وضع لمعنی مفرد) معنای کلمه در اصل لغت یك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی (نحویان) لفظی است که نهاده شده باشد از برای معنیئی که مفرد است و الف و لام در کلمه از برای جنس است یعنی جنس کلمه و ماهیت او پیش نحویان آنستکه مذکور شد . ۵

انجام : پس علامت اعراب پیش از او نشاید که ظاهر شود زیرا که وسط کلمه است و بعد از او نشاید که لازم آید آنکه اعراب فعل جاری بر حرفی شود که کلمهٔ دیگر است حقیقة (تمت تمت . تمت) . (مانند نسخهٔ طوس)

[۲۰٦۳]

۱۱٦۲ این نسخه تاره درست مانند چاپی و بنستعلیق است و متن نسخ و زیر خط سرخ و آغاز بندهای متن در برخی جاها شنگرف میباشد . نیمهٔ دوم صفحهٔ نخستین ۱۰ رفته و کاغذ تازه تری چسبانده‌اند . برگ دوم هم نیست . خط دارندهٔ نسخه و مهر «یا اباعبدالله الحسین» او در ۲ الف هست .

(۱٦۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج تریاکی
اندازه : ۱۲/۵، ۲۲ و ۷/۵ ۱۴/۵ س ۱۸

[۲۰٦٤]

۱۲۱۸ این نسخه بخط نسخ است و پاره‌های متن زیر خط سرخ و عنوانها و نشانه‌ها ۱۵ شنگرف میباشد . عنوان مطلبها درهامش هم آمده است . شعیب خاقان بن محمد درروز پنجشنبه ۲۸ رجب ۱۱۰۸ نوشتن آنرا بپایان رسانده . درگ ٦۷ الف حاشیه‌ایست بتاریخ ۱۲٦۱ ـ مصطفی حسنی در ۱۳۲٤ دارندهٔ نسخه بوده است (خط ومهر او در ۱ الف) چنین است انجام آن : (والمفتوح ماقبلها نقلب الفا) وآنچه مذکور گذشت آن حکم نون خفیفه در وقف درصورتی بود که ماقبل آن نون مضموم ومکسور ۲۰

---

۱ ـ چلبی مینویسد که میرسید شریف و علاءالدین قوشچی و محمد امین هروی (برای امیر علی شیر بسال ۸۸٤ بنام ارجاح المتعلمین ش۳۵۵۹ ملك) بر کافیه گزارش فارسی نوشته‌اند (۲ : ۲٤۹) درذریعه (۱۲۹۰٤) آمده که آقاهادی مترجم پسر محمد صالح بن احمد مازندرانی (م ۱۱۲۰) کافیه را بپارسی کرد . عبدالنبی احمد نگری درجامع الغموض کافیه را بپارسی گزارش نمود (چاپ کانپور در۱۳۰۳) .

این گزارش گرگانی درحاشیهٔ کافیهٔ لکهنوء در ۱۳۱۳ دیده میشود (فهرست ۲۵ فارسی چاپی موزهٔ بریتانیا چاپ ۱۹۲۲ ص۷۱۵) همهٔ این گزارش درمطبع بشیری کلکته سال ۱۲۷۹ در ۱۹۰ ص با متن بچاپ سربی رسید و مانند دو نسخهٔ ما و طوس دیباچه‌ای در آن نیست . دومین نسخهٔ ما از همین گزارش ، ترجمهٔ فارسی است با گزارش کوتاه‌تر در نیمه‌های دوم .

باشد ... واختم لی بخیر واصلبت خیرا پس میگوئی در اضرب اضربا درحال وقف ـ این نسخه گویا املای دیگریست از میرودر نیمهٔ دوم گزیده‌تر از آن یکی میباشد و همهٔ متن هم در آن بند بند آمده است .

(۱۸۸ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ساده

۵ اندازه : ۱۴×۱۹ و ۷/۵×۱۳/۵ س ۱۷

[۱۷۵۸] شرح مراح الارواح (عربی)

کتابی درصرف بنام مراح الارواح نگاشته شده و دری دانشجویان دینی آنرا میخوانده‌اند . خوانساری درسرگذشت عصام (س ٥٠) نگارندهٔ آنرا درست نشناخت و سیوطی در بغیة الوعاة هم ندانست که او کیست مگر اینکه

۱۰ نسخهٔ قاهره از ۸٤٠ است (معجم المطبوعات س ۳۷٤ و ۹۰٦) دردیباچهٔ این شرح، متن از احمد بن علی بن مسعود دانسته شده و گویا همان ابوالقاسم احمد بن علی بن مسعود بن عبدالله نحوی (م ٦١٣) باشد .

مراح در کارخانهٔ حاجی ابراهیم بکوشش عبدالرحیم در ۱۲۹٦ در ٤٧ ص خشتی بنسخ و با حاشیه‌های نستعلیق بچاپ سنگی رسید .

۱۵ این گزارش به « دول » وازملاحسن پاشا فرزند علاءالدین اسود است (طوس ۲۷:۳ ش۹۷) و گویا درروز ۲۵ رمضان ۸٤۱ بنگارش درآمده‌است. گزارشهای دیگری هم بر آن نوشته‌اند (چلبی ۲ : ٤١٥)

آغاز : بسمله وبه نستعین الحمدلله الذی صرف افکارنا وبنا الی الصراط المستقیم... وبعد فان الکتاب المسمی بمراح الارواح فی التصریف للامام ... احمد بن علی بن

۲۰ مسعود . کتاب جلیل . فاردت ان اکتب له شرحا .

انجام : قوله ویقول فی تثنیة المؤنث الی آخر الکتاب غنی عن الشرح .

[۲۰٦٥]

۱۱۵۷ این نسخه نسخ است با عنوانهای شنگرف و حاشیه دارد درپایان آن آمده : تم الاوراق بعون الرزاق والله اعلم بالصواب . وقد فرغ من تسوید

هذه‌الاوراق فی وقت‌الضحی فی خمسة و عشرین من شهر رمضان‌المبارك تاریخ سنة احدی واربعین وثمانمائة قد وقع‌الفراغ من شهورسنة ستة عشروتسعمائة فی‌اوائل شهر ذی‌القعده علی ید خضر بن تمورتاش الاقهاری‌المحتاج الی‌رحمة‌الرحمن ». درالف‌دارد که علی اصغر حسنی حسینی آنرا خریده‌است

(۸۴گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوای تیماج مشکی

اندازه : ۱۴ × ۱۸ و ۱۰ × ۱۳/۵ س ۱۹

[۱۷۵۹] شرح ملخص (عربی)

گزارشی است ازسید شریف علی گرگانی (۷۴۰ – ۸۱٦) بر « الملخص فی‌الهیئة البسیطة » چغمینی خوارزمی (م ۷٤٥) که پاره‌ای از عبارتهای متن را باعنوان قال‌آورده و گزارش نموده‌است ودیباچه راگزارش نکرد. نسخهٔ تاریخ ۸٦۲ این گزارش درطوس هست (ش ۱۲۳ ج ۳ ص ۳۳۸ فهرست آنجا) (۱) ۱۰

آغاز : بسمله . و به نستعین . رب یسر ولاتعسر . سبحانك اللهم یا مدبر اطباق‌السموات بلاعمد و اوتاد علی‌القطب والمحور . و یا مزین اجرام‌العلویات بالثوابت والسیارات والنیرالاعظم والاصغر . . . و بعد فقد دلت‌البراهین‌العقلیة والشواهدالنقلیة علی ان اقصی ما یترجی للانسان من معارج‌الکمالات و اعلی مایتسنی له من مدارج‌السعادات معرفة‌الصانع بتقدیس‌ذاته وتنزیه صفاته وان‌ذلك ۱۵ بالتفکر فی‌المبدعات و اسرارها والتدبر فی‌المصنوعات و اطوارها و علم‌الهیئة الباحث عن‌الافلاك واشکالها والکاشف عن‌العناصرواحوالها نعم‌العون علی ذلك ... ثم ان‌المختصر الموسوم بالملخص قد احتوی من اصوله علی قواعدها ومن فروعه علی نکتها و فوائدها یجمع الی وجازة‌الالفاظ غزارة‌المعانی و یضم الی رشاقة العبارة وثاقة‌المبانی فشرحته شرحاً یتضح به سرائره وینکشف عن‌وجوه خرائده ۲۰ ستائره واشرت فی‌بعض‌المواضع الی مایتوجه علیه واجتهدت فی‌دفعه حسبماوصل ذهنی الیه مراعیاً فی ذلك شریطة‌الانصاف منفادیاً عن طریق‌الاعتساف وهاانا

---

۱ ــ نگرید به : ص ۹۱۷ وص ۷۸ ازبسین سخن بخش ۲ همین فهرست ــ چلبی ۵۱۷:۲ ــ بروکلمن ۴۷۳:۱ وفهرست نامهای جلد ۳ پیوست درچغمینی .

افیض فی المقصود متوکلا علی الصمد المعبود. قال: و جعلته یشتمل علی مقدمة و مقالتین
اقول: و ذلك لان ما یذکر فی ذلك الکتاب اما ان یکون مقصوداً بالذات فی هذا الفن
او یتوقف علیه المقصود.

انجام: (الظل بمأخوذ) الظل قسمان لانه اما مأخوذ من القیاس المنصوب علی
۵ موازاة سطح کوتد قائم عموداً علی لوح او جدار ... و هذه السنة ناقصة عن السنة
الشمسیة الحقیقیة بعشرة ایام و عشرین ساعة و نصف ساعة بالتقریب. والله اعلم
بالصواب و الیه المرجع والمآب (۸۷ الف ـ ۸۹ ب ـ برابر با گ ۹۷ ب ش ٤۷۷
از گزارش قاضی‌زاده در باب سوم مقالهٔ دوم).

[۲۰٦٦]

۱۰ ۱۱۵۵ این نسخه بخط نستعلیق است و عنوانهای دال و اول بشنگرف و در بیشتر
جاها سفید گذارده شده است و محمد نصیر رضوی گلپایگانی در رجب ۱۲۳٤
آنرا داشته و خط او در ۱ الف دیده میشود و همچنین خط و مهر سید ابراهیم (با نسب
او) و خط محسن با مهر «یا محسن قد اتاك المسیء» و محمد شفیع بن محمد صالح و نیز
مهر «حسبی الله و نعم الوکیل عبده محمد رضا» در ۲ الف و دو مهر ناخوانا در ۸۹ ب
۱۵ هست. کتاب در گ ۲ ب است تا ۸۹ ب. شکلهای هندسی سیاه و شنگرف و در بیشتر
جاها جای آن سفید گذارده شده است.

۹۰ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج آلباکی ضربی هوالی
اندازه: ۱۳/۵ ۱۸ ـ ۸ ۱۳ س ۱۷

[۱۷٦۰] شمسیه در حساب (عربی)

۲۰ نظام الدین حسن بن محمد قمی نیشابوری (ش ۸٦٤ همین فهرست) این نامه را
در یک مقدمه (در دو فصل) و دو فن (اصول حساب در دو باب ـ فروع حساب
در چهار باب) نگاشته است و در آن از حساب و جبر و مساحت و خطائین گفتگو
نموده. در دیباچه میگوید که دیرزمانی بود میخواستم کتابی دراین باره برای خودم
و یاران بنویسم و گرفتاریها نمیگذاشت تا اینکه درسفری فرصتی بدستم
۲۵ آمد و بدین رساله پرداختم. در پایان می نویسد که نزد شمس الدین محمد بن

جمال‌الدین ابراهیم‌بن محمد طبسی رسیدم و او این رساله را بدید و پسندید ودستور داد که حساب خطائین و حساب وزن اعمال را بر آن بیافزایم ــ ملاعبدالعلی بیرجندی (م ۹۳٤) بر آن گزارش نوشته است (چلپی ۲:۶۹ ــ طوس ۳-۳٤۱) .

آغاز : الحمدلله‌الفرد بلاندالمنزه عن‌الزوج والضد لامرکب فینحل ولا اول له فیعلل ... و بعد فان .. الحسن‌بن محمدالنیشابوری یعرف بنظام ... یقول الحساب علم لایکاد یستغنی عنه طلاب‌العلوم .

انجام : لکنه نافع فی تشحیذالذهن و مؤکد لصحةالعمل والعمدة هی ماذکرنا والتوفیق من واهب‌الوجود .

[۲۰۶۷]

۱۱۶۸ این نسخه ش۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌ها و رقمهای شنگرف میباشد . مهر « محمد باقر » در ۲ الف هست . حاشیه‌هائی در آن هست با نشانه‌های «مح» یا «شرح» و «۱۲» وجز آن . گ ۲ ب ــ ۸۰ ب .

(همهٔ دفتر ۱۴۸گ ــ کاغذ فرنگی ــ جلد ندارد

اندازه : ۹/۵ `۱۶ و ۱۱/۵ س ۱۵

[۱۷۶۱] **الشموس المضیئة** (فارسی)

مولی احمدبن حسن بیرجندی یزدی (م نزدیك ۱۳۱۰) پس از نگارش باقیات صالحات و بحرالدموع و سماءالغزوات و خزائن‌الانوار و ینابیع‌الموعظه بدرخواست دوستان سر گذشت پیامبران را از روی قرآن و اخبار در ایندفتر آورد و در پسین روز دوشنبه صفر ۱۲۹۱ آنرا بپایان رساند . (اعلام‌الشیعه ۱:۹۵)

آغاز . هذا کتاب شموس‌المضیئه بسمله . الحمدلله‌الذی توحد بالقدم والبقاء و تعزز بالعظمة والکبریاء ... امابعدچنین گوید ... احمدبن حسن البیرجندی الیزدی

انجام :

خانهٔ هرکس ز تو آباد شد   خانهٔ خود را ببین برباد شد

قد فرغت من تسوید هذاالکتاب‌المستطاب فی عصر یوم‌الاثنین من شهر صفر المظفر فی سنة احدی و تسعین و مأتین بعد الف من‌الهجرة‌النبویة صلی‌الله علیه وآله وسلم .

[۲۰۶۸]

۵ ۱۱۹۷ این نسخه بنسخ و عنوانها دربرخی جاها شنگرف میباشد وسید محمدبن حیدرحسینی یزدی حمصی در ۲۶ صفر ۱۲۹۱ آنرا نوشت .

(۲۷۲ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه : ۱۷×۲۲/۵ و ۹/۵ - ۱۶ س ۲۳

[۱۷۶۲] شیر و شکر (فارسی)

۱۰ منظومه‌ایست ازشیخ بهائی که چندبار بچاپ رسیده است .

آغاز :

ای مرکز دائرهٔ امکان وی زبدهٔ عالم کون و مکان

تو شـاه جواهر ناسوتی خورشید مظاهر لاهوتی

انجام :

۱۵ پیوسته خجسته مقامش کن مقبول خواص و عوامش کن

[۲۰۶۹]

۱۱۰۱ این نسخه ش ۳ دفتراست و بخط ش ۱ در گ ۹۸ الف ـ ۱۰۰ ب . محمد ابراهیم آتش درشب چهارشنبه ۲۲ ذیحجه ۱۲۶۳ آنرا نوشته است .

[۱۷۶۳] [illegible] (فارسی)

۲۰ همان کتاب‌الایمان والکفر از مساوی ملاخلیل قزوینی است که در ش ۱۳۸۵ همین فهرست شناسانده شده است .

[۱۰۷۰]

۱۱۹۲ این نسخه بنسخ معرب درمتن و بتعلیق درشرح و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد جدولهائی درهامش افزوده شده وروی بسیاری ازعبارتها

خط خورده است . پیداست که نسخهٔ اصل درست شدهٔ دست قزوینی است . برخی جاها وصالی شده وکاغذ نوتری چسبانده‌اند ولی نسخه پاکیزه مانده است . دو گ ۱ الف دارد « وقف براولاد الاقرب فالاقرب شد » و در برخی جاها درآغاز و انجام روی سطور نوشته شده «وقف عام» این نسخه را آقای دکتر مصباح زاده استاد دانشکدهٔ حقوق باین کتابخانه بخشیده‌اند . این نسخه همهٔ کتاب ایمان و کفر را دارد نه مانند نسخهٔ ش۶۸۲ که تا بند۲۱ باب۲۰۳ میباشد . از سنجیدن ایندو نسخه برمیآید که قزوینی درنسخه‌های خود دست می‌برده است . این کتاب درح۱۰۶۷/۱ آغاز ودرروزسه شنبه ۱ ج ۱۰۶۸/۲ بانجام رسید .

آغاز : بسمله . وبه ثقتی . « الحمدلله‌الذی حبب الینا‌الایمان وکره الینا‌الکفر والفسوق والعصیان ... وبعد چون بتوفیق الهی و توجه پادشاهی مأمور شد فقیر حقیر خلیل بن الغازی‌القزوینی عفاالله عنهما بشرح کتاب‌کافی ... الکلینی . . . بزبان فارسی وبانجام رسانید شرح کتاب‌العقل و کتاب‌التوحید وکتاب‌الحجة را شروع نموددرشرح کتاب‌الایمان والکفر که کتاب چهارم است از کتب کافی بتاریخ جمادی‌الاولی سال هزاروشصت وهفت هجری وعلی‌الله التوکل » (افزودهٔ درهامش) اصل . کتاب‌الایمان والکفر «این کتاب چهارم است ازسی کتاب که جزء کتاب‌کافی ابوجعفرمحمدبن یعقوب کلینی رحمه‌الله تعالی است » (روی این بند خط سرخ کشیده شده) الایمان گرویدن بربوبیت رب‌العالمین که عمل دلست .

انجام : اصل . هذا آخر کتاب‌الایمان والکفروالطاعات والمعاصی من‌الکتاب الکافی والحمدلله وحده و صلی‌الله علی رسوله محمد وآله . شرح . این از الحاقات کاتبانست . یعنی : این آخر کتاب ایمان و کفر و طاعات منجیات و معاصی مهلکاتست ازکتاب‌کافی و سپاس الله تعالی راست بتنهائی و درود فرستد الله بررسول او محمد وآل او . فرغ‌الشارح خلیل بن‌الغازی‌القزوینی عفاالله عنه وعن والدیه واخوانه واعوانه من‌تحریرشرح هذاالکتاب یوم‌الثلثاء غرة جمادی‌الثانیة سنة ثمان وستین والف هجریة حامداً مصلیا .

هزاران درودوهزاران سلام ‏ ‏ ‏ ‏ ز ما برمحمد و آلش تمام

بلغ بعون‌الله من اوله وآخره .

(۳۸۰گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی با برگردان

اندازه : ۱۹ ۲۸ و ۵ ۹ ، ۲۰ س ۲۳

[۱۷٦٤] الصحيفة الثانية (عربی)

شیخ محمدبن حسن حرعاملی در این دفتر آنچه از دعاها که دانشمندان از سید سجاد آورده‌اند و در صحیفهٔ نخستین نبود گرد آورده و در دیباچه آن میگوید که من مقدمه‌ای دارای بیش از هشتاد فصل در خبرهائیکه از پیشوایان شیعی دربارهٔ دعا آمده است ساخته بودم و بدرخواست دوستان آنرا از این دفتر برداشتم و بهمان دعاها بس کردم تا بدرازا نیانجامد و خسته کننده نباشد. عاملی در خطبهٔ دیباچه از بسیاری از کتابهای شیعی یاد نموده و سندهای دعاها را در کتاب نیاورد.

آغاز: بسمله. الحمدلله المجيب من دعاه القريب ممن ناجاه الذی جعل الدعاء جنة واقية وجنة باقية وعدة الداعی ونجاح الساعی ... فيقول ... محمدبن الحسن الحر العاملی لايخفی شرف الدعاء.

انجام: وكان من دعائه ع يوم الجمعة ... يامن اظهر الجميل وستر القبيح ... وان تفعل بی كذا وكذا.

[۲۰۷۱]

ع ۲ د ۱ — این نسخه بنسخ و عنوانها و ترجمهٔ لفظی پارسی همهٔ این صحیفه بنستعلیق و میان سطرها شنگرف میباشد. گ ۲ ب ــ ۲۰۰ الف.

(۳۲۰۱) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج زرد ضربی متوالی

اندازه: ۱۰/۵ ۱۵/۵ و ۵ ۱۰ س ۱۰

[۱۷٦٥] الصمدية (عربی)

این رساله همانست که در ص ۹۲۰ ضمن فهرست شناسانده شده و شیخ بهائی در آن از اصطلاحات نحوی و مسائل دو ازده دستوری بسیاری از گرامی‌ترین دوستان خردسال خود در یک ... و چندین اشاره و تبصره بپرداخت و در بارهٔ آن کتاب مثالها بالصمدیه و خود بر آن حاشیه هائی نوشته که در نسخهٔ

۹۸۷/۲ ما در کنار برگهاپاره‌ای از آنها آمده و باعبارت (منه) پایان مییابد (۱) .

[۲۰۷۲]

۹۸۷ این نسخه ش۲ دفتری‌است دارای ۵ رساله واین رساله بخط نستعلیق میباشد باعنوانهای درشت‌تر وبا نشانه‌های شنگرف ودرپایان دارد : « فرغ من کتابتها فی بلدة اصفهان حفت من آفات‌الزمان فی شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۰۶۷ » گ ۱۴۳ ب ـ ۱۴۸ الف .

[۲۰۷۳]

۱۱۱۲ این نسخه ش ۲ دفتراست و بخط نستعلیق بمانند ش ۱ ومورب با عنوانهای شنگرف تاریخ۱۰۴۹ وازهمان نویسندهٔ ش۱است.درپایان پس‌از«والحمدلله رب‌العالمین» دارد « والله اعلم بالصواب » سپس دارد : «بتاریخ ۱۰۴۹» گ ۱۰۶ الف ـ ۱۰۹ الف (بنگرید به ۱۱۱۲/۱) .

[۱۷۶۶] صیغ عقود نکاح [فارسی]

رساله‌ایست دربارهٔ صیغ عقود نکاح .

آغاز : بسمله . وبه‌نستعین . الحمدلله‌الذی‌احل‌النکاح وندب‌الیه ... امابعد غرض از تحریر این رسالهٔ وجیزه آنستکه جمعی از برادران ایمانی و دوستان روحانی فمیررا تکلیف وتحریص نمودند برتحریرانحاء صیغ عقود نکاح وانواع تعبیرات آن .

انجام : خاتمه دربیان بعضی از صیغ طلاق ... وکیل زن میگوید طلق موکلتی علی مابذلت وکیل مرد میگوید هی علی ذلك طالق .

[۲۰۷۴]

۱۲۱۹ این نسخه ش ۱ دفتراست با نشانه‌های شنگرف و باید در۱۲۰۳ نوشته شده باشد . حاشیه هائی هم دارد . گ ۲ ب ـ ۳ الف . در ۲ ب ـ ۶ الف

۱ ـ صفحه درجنگی بنسخ با حاشیه‌های نستعلیق باندازهٔ ربعی درتهران بسال ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید ودرآن زبدة‌الهیئة فارسی خواجهٔ طوسی است درص۱ـ۸۹ ومرآة‌الکائنات‌فارسی درکائنات جوازمولا نامحمدطالش درص۹۰ـ۱۱۱وهمین صفحه در ص ۱۱۲ـ۱۱۹ .

بندهاایست دررضاع واوزان شرعی وتفسیرآیهٔ رضاع بفارسی درمتن و هامش بتاریخ ۱۲۰۳ و این سومی رساله مانندیست . در ٦ ب ـ ۹۷ ب پاره‌ایست از تفسیر فارسی گویا ازملافتح‌الله .

[۱۷٦۷] الضیاءاللامع فی شرح جمع‌الجوامع (عربی)

تاج‌الدین عبدالوهاب علی سبکی مصری شافعی اشعری (م ۷۷۱) از روی دو گزارش که برمختصر حاجبی و منهاج بیضاوی نوشته است جمع‌الجوامع دراصول فقه نگاشته ودر آن از بیش‌از سد کتاب بهره برده است .

براین کتاب او گزارشها نوشته‌اند و شمس‌الدین محمدبن محمد اسدی غزی شافعی (م ۸۰۸) خرده‌ها ازآن گرفت و برای خود سبکی فرستاد و او آنها را بدید و پسندید و درپاسخ آنها « منع‌الموانع عن جمع‌الجوامع » نگاشته است .

یکی‌از گزارندگان ابن حلولوا ابی‌العباس‌احمد مالکی مغربی زندهٔ در۸۷۵ (فهرست خزانهٔ تیموریه ۷۸:۳و۱٦۷) است که درآغازهمین گزارش او (الضیاء اللامع) نامش برده شده است . چلبی دربارهٔ آن میگوید : شرح ابی‌العباس احمدبن خلف‌بن‌حلولو (حلولو العروی،القردی)المردی(گویا القروی) المتوفی (بعد) سنة(۸۹۵) (دوچاپ عثمانی ۳۹۸:۱ ونرکی ۵۹٦:۱)

پاره‌های متن دراین گزارش با نشانهٔ « ص » و گزارش پس‌از نشانه « ش » می‌آید .

آغاز (رب یسر تقی و بمحمد وآله نساله الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله‌الطاهرین) قال‌الشیخ الامام‌العالم العلامة الاوحدالمتقن المحقق ابوالعباس‌احمدبن الشیخ ابی‌زید عبدالرحمن‌بن موسی‌بن‌عبدالحق‌البزلنتی الشهیر بابن حلولو القروی المالکی الحمدلله ذی‌الجلال‌الذی لانهایه له والاکرام الذی لاغایة له ذی‌الالاء العظام والعفو والانتقام . و بعد سألنی بعض من‌ادام‌الله عزته ان اسمع مختصرا علی جمع‌الجوامع للامام العلامة تاج‌الدین عبدالوهاب بن

تقی‌الدین‌السبکی فاجبت ... وسمیته بالضیاءاللامع فی شرح جمع‌الجوامع .

انجام : وقد تم فی‌جملةالشرح‌التنبیه علی دقائق من کلام غریبة واشارات بدیعة عجیبة مع اعتقادنا ان کلامه محتوعلی اکثرمما ذکرناه لقصورنا عن بلوغ شاوءای غایته واللهالمسئول ان یبلغ مانال و یجزیه عنا ماهو اهل له وکذا من تقدمنا لشرحه . قال‌المصنف کان‌الفراغ من تألیفه یوم‌الثلثا رابع عشرون ربیع الثانی سنة ۸۵٤ .

[۲۰۷۵]

۱۱۸٤ این نسخه بنسخ‌است باعنوانهاو نشانه‌های شنگرف و نوشتهٔ حاج محمدعلی بن عبدالکریم در ۲۰ ذی‌القعده ۱۲۳۸ میباشد . خط ومهردارندهٔ نسخه «علی بن محمدعلی حسینی» و خط محمد تقی گلپایگانی در ۱۲٦٤ درآن هست (۲ الف و ب و۱۲٤ ب و۱۲۵ الف و ب و۲٤۵ ب) کتاب در گ ۲ ب – ۲٤۵ ب .

(۳۳۴۷) –کاغذ فرنگی – جلد تیماج ترياکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۴/۵×۲۲/۵ و ۸/۵×۱٦ ، ۲۵ س

[۱۷٦۸] **ظفرنامه** (فارسی)

این نامه‌همانست‌که درص٦٦۸ همین فهرست شناسانده شده ودراین‌نسخهٔ ما نام ابن سینا نیامده است .

آغاز سپاس وستایش مر خدایرا که جلت قدرته که آفریدگار آدمیان وپدیدارندهٔ‌زمین‌وزمان‌وروزی‌دهندهٔ جانوران‌است .. چنین گویند که‌درروزگار انوشیروان هیچ چیز بهتراز حکمت نبود وهیچ قوم از حکمابزرگتر نبود وحکماء آن‌زمان همه متقی و پرهیزگار بودند .

انجام گفت . جامهٔ نرم و دیدار نیکو و صحبت نیکان و نیکوئی دیدن ازدوستان وگرمابهٔ معتدل و بوی خوش .

[۲۰۷٦]

۱۱۱۳ این نسخه ش۳ دفتراست وبهمانخط ش ۱ وبتاریخ ۱۲۹٤ میباشد . گ ۳۹ الف – ٤۲ ب .

[١٧٦٩] العبادات المالية (عربی)

در این نامه ازعبادتها که جنبه مالی دارد در چند باب کاوش شده است .

آغاز : بسمله . و به ثقتی . الحمدلله الذی افاض نورالوجود من ظلمة العدم وصلی الله علی محمد و آله سادات العجم امابعد فهذه نبذة مما حضرنی من المسائل
٥ الشرعیة المتعلقة بالعبادات المالیة کالخمس و الصدقات الواجبات و المندوبات و مایلحقها من الوقوف و العتق و الکفارات و النذور و باقی المبرات . کتاب العبادات المالیة وفیها ابواب .

انجام : ویکره السؤال واظهار الحاجة . . خصوصاً ما کان لمن (؟) لمزارع والعقارات باقسامها من السؤال کما یظهر الحال . والله الموفق للصواب .

١٠ [٢٠٧٧]

١١٦٥ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و در روز چهارشنبه ١٣ع١/١٢٣٣ نوشته شد . گ ٤٤ ب ـ ٩٨ الف .

[١٧٧٠] در عروض ((و رسالهٔ ...)) (فارسی)

این رساله ازسیفی است ونامش در پایان « فصل در بیان حروفی که ملفوظاند
١٥ ومکتوب نه » درمصرع « هست سیفی از دعاگویان مجو آزار ازاو » هم برده شده است (٨ الف) .

آغاز بسمله . و به ثقتی الحمدلله الذی جعل علم العروض میزان الاشعار والصلوة علی صاحب دیوان الرسالة و اهل بیته الاطهار اما بعد بدانکه باعث بدین تألیف آن بود که گاهی که با اصحاب از علم عروض مباحثه کرده میشد ودر هر دوره نکتهٔ
٢٠ میگفتند و بر هر مدعی دلیل عقلی یا نقلی میخواستند که آن کتاب ودلائل بتمامها در هیچ کتاب این فن از تصانیف عربی متقدمان و متأخران نبود بحکم آنکه العلم صید والکتابة قید خواسته شد که بجهت حفظ آن سخنان رسالهٔ ترتیب داده شود بیت

کـه درو سر هر سخن باشد   گرچه‌متن‌است شرح فن‌باشد

التماس از مستفیدان آنستکه چون از این مائده فائده برداند سیفی را بدعای خیر یادآرند .

انجام : « العاشق فی هواك سـاه ساهر » تقطیعش : العـاش ، مفعول . قفی هوا ، مفاعلن . کساهن ، فعولن . ساهر ، فعلن . وشك نیست که این مصراع چنین تقطیع میتوان کرد کـه : العـاش ، مفعول . قفی‌هوا ، مفاعلن . کساهنسا ، مفاعیلن . هر ، فع . والحمدلله علی‌الاتمام وعلی نبیه‌الصلوة والسلام ۱۲٦۵ .

[۲۰۷۸]

۱۲۰۸ این سنخه بنسخ تازه وباعنوانهای شنگرف میباشد ودر۱۲٦۵ یا پس‌ازآن نوشته شده است اگر آنچه درپایان آمده تاریخ نگارش سیفی باشد . گ ۳ ب – ۴۰ ب .

(۳۴۲م) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱٦ ، ۲۲ و ۸ ۱۴/۵ س ۱٦

[۱۷۷۱]   عقائد اصولین   (فارسی وعربی)

امیراسماعیل حسینی مدرس خاتون‌آبادی سپاهانی‌ازدانشمندان روزگار صفویان‌و شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ۱۰٦۵ بوده ودر مدرسهٔ شیخ لطف‌الله میسی سپاهانی‌م۱۰۳۳ میزیسته‌است آرامگاهش‌درتکیه‌ایست درجلو گورستان تخت فولاد واین تکیه ازآن اوبوده است (روضات ص ۲۸۷) .

او دراین « عقائد اصولین » که بفارسی و تازی هردو است ودرچند باب وچند مقصد میباشد ازمسئله‌های کلامی وفلسفی گفتگو نمود .

مقصد نخست آن در معـارف ربانی است و در چند فصل کـه یکم آن درخداشناسی ودوم‌آن در برهان اثبات آفریننده میباشد . همه رسالهٔ‌اثبات واجب « استادالبشر مولانا رجب علی تغمده‌الله بغفرانه » کـه در یك مقدمه و ۵ مطلب ویك خاتمه است (ش ۳۷٤/۲ و۱۰۳٦/۱ – نیز ص ۲۱۳۳) درهمین مقصد بپارسی

آمده و در چند بحث خرده گیری از آن شده است (۴۲ الف – ۴۶ ب) از فصل
سوم این مقصد که در ازلیت خدا و حدوث جهان است کتاب بعربی است و نیمه کاره
گذارده شده در نسخهٔ ما. در آن از قبسات داماد (۵۳ ب) و دوانی (۵۵ الف)
و تعلیقات شیخ (۶۰ ب) و اثولوجیای معلم اول و شرح عیون الحکمه امام و اجوبه
۵ واسئلهٔ قونویه و شرح مسئلهٔ علم خواجهٔ طوسی (۶۳ ب) یاد گردید.

آغاز: بسمله. و به اعتمادی. حمد بی‌حد و ثناء بی‌عد معبودی را سزاوار است
که نوع بنی‌آدم را بعقائد حقه از حضیض شقاوت و سفالت باوج سعادت و شرافت
رسانید ... و بعد ... اسمعیل الحسینی الشهیر بالمدرس الخاتون آبادی را بخاطر
فاتر رسید بنابر التماس بعضی از اصدقاء صلحا که در این اوراق تقریر و تحریر
۱۰ کنم بعونه (و) منه عقاید اصولیه و فروعیه از معارف ربانی و احکام دینی و عبادات
شرعی و معاملات ملی ... و این مبوب است بر چند باب و مسمی گردید بعقاید
اصولین.

انجام نسخهٔ ما: و قال ایضاً فیها فی فصل التقدم والتأخر و اعلم انه کما ان
الشیء قد یکون محدثاً بحسب الزمان کذلک الشیء محدثاً بحسب الذات.

۱۵ [۲۰۷۹]

[۲۰۷۹] این نسخه ش ۲ دفتر است و [illegible] ملی و چند [illegible] ندارد یکی با نشانهٔ «منه»
در ۶۴ [illegible] ۴۰ ب – ۶۸ ب. نسخه [illegible] بسر رسیده و کم دارد. در ۶۹
الف – ۷۰ الف و ۷۲–۷۵، ۸۱ [illegible] های [illegible] است. ک ۷۱ و ۷۶ الف –
۸۱ الف [illegible] است که [illegible] میرسیدعلی قاینی
۲۰ [illegible] و پیدا است [illegible] و او [illegible] که بر شرح حدیث
[illegible] (ش ۱) در ۳۰ الف [illegible] (۶۰۶/۴).

[۱۷۷۲] [illegible] (عربی)

خواجهٔ طوسی در این نامه که در ص ۳۰۵ همین فهرست (ش ۱۰۷۹/۱۰)
شناخته شده است از راه راستی وحدت عقل را اثبات کرده است.

آغاز : بسمله . هذه رسالة فی تفسیرقول‌العلماء « فی نفس‌الامر » لمولانا نصیرالدین محمدالطوسی علیه‌الرحمة قال اعلم انالانشك فی کون‌الاحکام‌الیقینیة التی یحکم‌بها اذهاننا ... ممالم یسبق‌الیه ذهن اصلا ... مطابقة لما فی نفس‌الامر .

انجام : وتارة بالکتاب‌المبین‌المشتمل علی کل رطب ویابس وذلك ماالردنا بیانه والله اعلم بالصواب (تمت‌الرسالة بعون‌الله تعالی) . ۵

[۲۰۸۰]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۵ دفتر است بهمانگونه نسخ طهماسبقلی در ۱۰۵۰ گ۷۳ ب — ۷۵ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱) .

[۱۷۷۳] عمل سنه (فارسی)

شیخ طوسی بدرخواست برخی از بزرگان دیندار ازمصباح‌المتهجد خود گزین نموده دعاها واعمالیکه بکار بستن آنها آسان باشد یکجا گرد کرد و این همانست که در برابر آن یکی « مصباح‌المتهجد صغیر » نامیده میشود (فهرست منزوی ۱ : ۲۱۰و۲۱۲) ودو بار بفارسی شده یکی آنکه درذریعه (٤ : ۱۳٦) یاد گشت دیگرهمینکه اکنون میشناسیم وهمین‌اندازه میدانیم که نگارش پیش‌از ۲٦رمضان۹۸۳میباشدواز دیباچه پیداست که «عمل‌سنه» نامیده‌میشودو ترجمه‌ایست کهن و چندان با متن هم برابر نیست وفشرده‌تر از آنست . ۱۰ ۱۵

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد و آله اجمعین امابعد چنین گوید شیخ ابوجعفر طوسی رضی‌الله‌عنه که چون‌ازمصباح کبیرفارغ شدم جماعتی دوستان و محبان درخواست کردند که آن کتابی بس مطول است وبسیار کس‌ازفائدهٔ آن محروم مانند که در آن شروع نکنند تقرب‌بخدای کردم و استعانت از وی خواستم درجمع کردن مختصری — ذکر منتخب از آن جمله عبادات سال مطابق و موافق رفت ، بروجهی که بهیچ چیز خللی در آن نباشد وشك‌نیاورد وبتوفیق خدای‌تعالی در آن شروع کردم و نام‌این کتاب « عمل سنه » ۲۰

نهادم و این کتاب بیان کمیت و کیفیت عبادات بالفاظ عربی کرده بود و جماعتی
دوستان که از لغت عربی بی‌نصیب بودند ایشان را فائده گرفتن ازین مختصر
تعذری داشت التماس کردند تا آن الفاظ عربی بفارسی گفته شود تا از آن بهره‌مند
شوند واجب دیدم ملتمس ایشانرا مبذول داشتن بـاری عزوجل ارزانی داشت
۵ که آنرا تمام کردم ـ ارکان عبادات پنج‌اند .

انجام : یوم النیروز نیروز الفرس عن المعلی ابن الخنیس . . الدعاء اللهم صل
علی محمد ... یاذا الجلال والاکرام وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین وسلم
تسلیماً کثیراً کثیرا .

[۲۰۸۱]

۱۰ ۱۲۰۰ این نسخه بنستعلیق در ترجمه و نسخ معرب درخود دعاها و باعنوانهای شنگرف
میباشد و درپایان دارد « تم کتاب المصباح الصغیر فی ست العشرون من شهر
رمضان المبارك سنة ثلاث ثمانون وتسعمائة من الهجرة النبویة المصطفویة بمدینة اصفهان
صانت عن الآفات والبلیات » پس از این دو دعا است بنسخ تازه‌تر و دومی بتاریخ شب
یکم شوال ۱۰۵۸ میباشد . محمد رضا بن باقر حسینی دارندهٔ نسخه بوده وخط و مهر
۱۵ او درپایان هست .

۳۴۴ص) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد سرای متوالی .
اندازه : ۱۵٫۵ ۲۲٫۵ و ۸ ۱۴ س ۱۵

[۱۷۷٤] [illegible] (فارسی)

محمد حسین طبیب فرزند علی قراجه داغی تبریزی در سی سالیکه بپزشکی
۲۰ میپرداخت و دوازده سالیکه در شوشی برد بهمن میرزا فرمانروای آذربایجان
... بست در درمان ... را ... نام ... در بیماریهای آتشك وافیون داروی
چوب چینی را آزموده و در زمان ناصرالدین شاه این نامه را درباره آن در یك مقدمه و
دو مقاله (نخستین در سه باب و دومی در دو باب) نگاشته و در آن از سخنان دانشمندان
... بوده ... آورده است از رسالهٔ چوب چینی حکیم عمادالدین محمود (طوس

۲۶۰:۳) در آن یاد شده است (بنگرید به ص۷۲٤ و۷٤٥همین فهرست) و آن جز عین‌الحیوة محمد مجیراستکه درفهرست طوس (۲۷۷:۳) نام برده شد.

آغاز: رسالهٔ چوب چینی. هوالعلی‌الاعلی. بسمله. و به نستعین انه خیر موفق ومعین. سپاس چون انفاس عیسوی روح پرور و جان فزا سزای بارگاه خالقی‌است که بحکمت بالغه وقدرت کامله پیکر بدیع منظرانسانرا ... ازامتزاج اجناس متضاده وانواع مختلفه ترکیب وبزیورظهور جلوه گرفرمود.

انجام: این بود آخر نامهٔ قول و کلام و اختتام همگی مقصد و مرام که‌درمقدمه ومقالات وفصول این کتاب بیان‌نمود. والحمدلرب‌الارباب والصلوة علی خیر من نطق بالصواب و اصحابه خیر آل و اصحاب و این رسالهٔ موسومة بعین‌الحیوة درروزسه شنبه درهیجدهم‌ماه شعبان درقلعهٔ شوشی سنهٔ سبع وسبعین ومأتین بعدالالف من‌الهجرة ... سمت اختتام وصورت اتمام پذیرفت.

فبك اللهم اعتصم . . . والله‌الموفق والمستعان وشافی فی‌الاسقام بفضل‌الله تعالی وتوفیقه.

[۲۰۸۲]

۱۲۱۳ این نسخه بخط نستعلیق خوش وعنوانها و نشانه‌ها شنگرف میباشد. احمد کرمانی درپایان صفر ۱۲۹۸ بخط خود درپایان یادگار نوشته است. مهر «حسین منی وانا من حسین» درآغاز وانجام هست. گ ٤ ب ـ ٥۹ ب و۱۱۱ س. برگهای ۱ ـ ٤ الف و۶۰ ـ ۷۷ سفید است.

(۷۷ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه: ۱۳/٥ ۲۰/٥ و ۷/٥ ۱۳ س ۱۳

[۱۷۷٥] غاية‌السرور فی شرح‌الشذور (عربی)

برهان‌الدین ابی‌الحسن علی‌بن ابی‌القاسم موسی‌بن ارفع راس جیانی مجریطی اندلسی انصاری (م ٥۹۳) دیوانی بترتیب تهجی در کیمیا برمز دارد بنام «شذورالذهب» (مجلس ۲: ٤٥۹ ش ۷۲۳ – فهرست سیگل ص ٤۱ و ٤۶

ش ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰ گوتا) که خود او و دیگران بر آن گزارشها نگاشته‌اند وشرف‌الدین محمدبن موسی قدسی آنرا تخمیس نیکوئی نمود . ابن‌خلدون گویا ازهمین جیانی‌است که‌بنام ابن‌المغیربی ومغیربی یادمیکند ومیگوید اوشعرهائی بسیار نیکو وبحروف معجم و برمزدارد که کسی از آن چیزی درنمییابد (مقدمه فصل۲۳ و ۲۶ باب ٦) .

عزالدین علی بن ایدمر جلدکی (ص ۱۰۰۸ همین فهرست) آنرا بنام « الدر المنثور » درقاهره بسال ۷٤۲ گزارش کرد و سپس آنرا در « کشف‌الستور » گزین ساخته‌است. اوقلائدالنحور فی شرح صدرابیات‌الشذور هم دارد (فهرست عربی موزه بریتانیا ش ۷۸٤/۳) گزارش دیگراو برهمین دیوان « غایة‌السرور » (چلبی ۲: ٤۸) است که اکنون میشناسیم .

اودراین گزارش شعرهای اندلسی را بند بند آورد وبروش رمز کیمیاگران دربارهٔ آنهاکاوش نمود . نسخه‌ای ازبخش چهارم آن درفهرست سیگل (ص ٤۷ ش ۱۲۹۱ گوتا) شناسانده شده است . دراین نسخهٔ ما همهٔ گزارش هست و مانا دربخش چهارم بانسخهٔ سیگل سازوار [illegible] . نسخه‌های شذور و گزارشهای آن وشماره بیتهای آن درهر حرفی ازواه‌ها درهمان فهرست سیگل نشان داده شده است (۱) .

آغاز هوالسرور [illegible] الحمدلله مالك‌الملك [illegible] القدیر الغفور الخالق [illegible] واتقن [illegible] والظهور [illegible] . فقدوقفت علی دیوان [illegible] القاسم [illegible] الانصاری... [illegible] وسمیته غایة‌السرور فی شرح [illegible] حروف‌الاالرابع

(۱) [illegible] (م ۷٦۲) هم « شذور الذهب » [illegible] گزارش [illegible] (۴۹۰۲ - [illegible] ۲۸۳) درفهرست [illegible] ۱ ۸ ۱ [illegible] یاد گردید .

فانه مستوعب شرح ثمانية حروف من النظام .

انجام : وهذا آخر ما اوضحه الحكيم وشرحناه وهذه خاتمة مباركة اعلم ان الشيخ رحمه الله قد حقق نظمه فی هذا الديوان بالعام الصحيح وصانه بالنظم عن التحريف ... ونسأل من وصل اليه من اخواننا الحفظ له والصيانة عن غير اهله وايصاله لمن انس منه رشدا والتزم علينا وعلى المسلمين وطلب المغفرة لنا من الله ۵
الكريم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم اجمعين وسلم تسليماً كثيراً دائما الى يوم الدين .

[۲۰۸۳]

۱۱۷۸ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق ومتن بنسخ و زبر خط سرخ وعنوانهای «الشرح» و جز آن شنگرف و درشت‌تر و باید نزدیك ۱۰۸۸ نوشته شده ۱۰
باشد (پایان ش ۳) نسخه بدلها درهامش هست . عنوانهای مطلبها پاره‌ای درهامش وبالای صفحه بنسخ درشت دیده میشود . حاشیه‌هائی هست با نشانهٔ «محمدنصیر». خط محمدعلی بن محمد نصیرطبیب دارندهٔ نسخه بامهرش «ورفعناه مكاناً عليا» در ۵ الف و ٦ الف هست همچنین در ٦ الف تاریخ شب پنجشنبه ۲۲ج۱/۱۱٤۱ وخط عبدالحسین مکتبی و آقاسید حسن بن سید محمد حسینی مکتبی که در کوی سفیداب قم میزیسته ۱۵
ودارندهٔ نسخه در ۲۰ رجب ۱۳٤۰ بوده است (نیز در ۱ ب و ۲ الف) و خط محمد بن صالح با مهر « محمد رسول الله » که در کاشان در ۱۱٤۱ نسخه را خریده بود و خط مؤمن بن عبدالرحیم جدبهٔ طبیب که در ۱۱۵۰ دارندهٔ نسخه بود بامهر ش « المؤمن امان فی الله» وخط پسراو غیاث‌الدین علی که نسخه باو رسیده بود با مهر او « عبده غیاث‌الدین» دیده میشود . کتاب : گ ٦ ب ـ ۱۳۳ ب . هرچهارشمارهٔ این دفتر بیك ۲۰
خط است .

(همهٔ دفتر ۲۰۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۷ ۲٦ و ۱۰/۱۷ س ۳۵

[۱۷۷٦] **الفرائد البهية** (عربی)

فی شرح الفوائد الصمدية ۲۵

شیخ بهائی برای برادر خود عبدالصمد الفوائد الصمدية درنحو و در پنج

حدیقه نگاشته و آنرا درچاشت روز دوشنبه ۷ شوال ۹۷۵ (سابع شهر شوال) بانجام رساند . همین است که تا کنون از کتابهای درسی دانشجویان شیعی درمدرسه‌ها هست و بارها بچاپ رسید . آنرا محمد بن علی حرفوشی عاملی کرکی شامی (م ۱۰۵۱) گزارش نمود وسید صدرالدین علیخان شیرازی مدنی (۱۰۵۲- ۱۱۲۰) فرزند نظام‌الدین احمد حسنی حسینی سه گزارش بر آن نوشته است نخست بزرگ واستدلالی بنام الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة که در بامداد روز دوشنبه ۱۳ روز گذشتهٔ از جمادی دوم سال ۱۰۷۹ بپایان برده است و آن بسال ۱۲۹۷ و ۱۳۰۲ در ایران بچاپ رسید دومی بنام الفرائد البهیة که پس از آن یکی نگاشته است و بنام شرح صغیر خوانده میشود و بنام شرح صمدیه در ۱۲۷۰ باندازهٔ خشتی و بی صفحه شماری بچاپ سنگی رسیده است اینهم گزارشی است آمیخته واورا گزارش میانین هم بر آن هست (کنتوری ص ۱۹۴ و ۳۴۵- ذریعه ۶: ۲۹۰ - ریحانة الادب ۱ : ۳۵۸) دیباچه‌ایکه در نسخهٔ پاکیزه ما هست ودرز بر می بینم در جایی نیامده است (۱)

(۱) آغاز [illegible] الله الرحمن الرحیم

[illegible] نوال ،
[illegible] جانب نعمات ،
[illegible] السمات ،
[illegible] لاتسارع لك في
[illegible] ولا حوانا
[illegible] داخل ، ونعم
[illegible] من غير
[illegible] ممن
[illegible] والاعلام
[illegible] على مصلات
[illegible] ما عادت
[illegible] درصفحهٔ پس از این

[۲۰۸۴]

۱۱۶۶ این نسخه بنستعلیق خوش است و عنوانها و نشانه‌ها شنگرف ومتن زیر خط وحاشیه‌های «منه» و «منه مدظله» دارد. ودر ۱۱۱۹ بانجام رسید. آقامیرزا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

صلة الی موصول، واثرعامل فی معمول. وبعدفان المختصر المنسوب الی العالم العامل، الفاضل الکامل، قدوة المحققین وزبدة المدققین، بهاء الملة والحق والدین، محمد العاملی، عامله الله وایانا بلطفه الجلی، المسمی بالفوائد الصمدیه فی علم العربیه، ملیح المقال، عزیز المثال، عمیم النفع، عظیم الوقع، و قدشرحناه شرحاً ذلل صعابه، وکشف عن وجوه نقابه، و استقصی الاصول الاصلیة واستوفی الفوائد الجلیلة، والنکات الدقیقه، والتنبیهات الرشیقه، فجاء بحمدالله قرة عین المناظر البصیر، وحیوة قلب للسایر الخبیر وملجاء یاوذ به المنتهی فی علم الاعراب، ومنهلا یستقی من هو منه علی اوثق الاسباب، الا انه لدقة معانیه، ورقة مبانیه جل عن مبلغ ایدی المبتدئین، وکل فیه من لم یکن علی سبب متین، فسألنی بعض احباب الاصحاب، من انجاب الطلاب، شرح الله صدره، وسهل امره، ان اشرحه ثانیاً ولو کسلا و متوانیا شرحاً مختصرا یدانی من الکتاب، فی الوجازة وعدم الاطناب، مقتصرا علی شرح الاعراب الاما شذ لطرد الباب فاسعفت مسئوله وحققت مأموله وتر کت اکثر المناقشات فی القواعد الوضعیات وذکرت فیه بعض الالغاز النحویه تشویقاً لمن یرغب فی الاحجیه، وحذفت القب مرتباً عن النسب، وشففت من سمی سمة وبینت بذلک صفته فسمیته بالفوائد البهیة فی شرح الفوائد الصمدیة، بنصر الله ینصر من یشاء وهو علی ما نقول وکیل، ومنه الاستعانة وبه الاعتصام وعلیه التعویل. قال المصنف قدس الله روحه بعد البسملة (ما انجا درچاپی نیست): «احسن کلمة یبدأ بها الکلام ... ویشتمل علی خمس حدائق اولها فی تعریف العلم و بیان موضوعه وفائدته وغیرها مما یعرف من المقدمه

انجام: (الم نشرح لک صدرک) فانها الاستکاری .. وقد سلکنا فی هذه الحدیقة ولاسیما فی الاخیر مسلک الاقتصار علی مجرد شرح قصیر لانی کنت علی جناح السفر مشوش البال موزع الخاطر بعد وطرء نقول کما قال المصنف قدس سره: «اللهم اشرح صدورنا بانوار المعارف ونور قلوبنا بحقائق اللطائف واجعل ما اوردناه فی هذه الوریقات خالصا لوجهک الکریم | ما اینجا در چاپی هست | والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً — الحمدلله سبحانه که حسب الفرمان ... که این کتاب پرآب و تاب را درشب سه شنبه چهارم شهر رجب المرجب سنهٔ تسع عشرة ومائة بعد الالف ۱۱۱۹ باتمام رسانید انشاءالله تعالی خدای عزوجل کسانی را که بامر کتاب مشغول اند توفیق دهاد بمحمد وآله

رضاقلی شریعتمدار فرزند حاجی شیخ حسن سنگلجی در ۲۲ رمضان ۱۳۲۱ دارندهٔ نسخه بوده‌است خط ومهر او «عبده رضاقلی بن حسن» در ۳ الف و پایان هست محمد بن حسن سنگلجی در ۱۷ ع ۱۳۲٦/۱ و مهدی سمیع رشتی در ۲۷ شوال پنجی ئیل ۱۳۳۸ هم دارندهٔ نسخه بوده‌اند. گ ۳ ب ــ ۱٦۹ ب.

٥ (۱۷۱ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سبز مقوائی درون رنگارنگ
اندازه: ۱۱×۲۰/۵ و ٦×۱۴/۵ س ۱۴

[۱۷۷۷] فردوس الحکمة (عربی)

ابن ندیم در فهرست (ص ٤۹۷) خالد بن یزید بن معاویه (۸۵ م) را از کیمیاگران بشمار آورد و نوشته که خالد چون از فرمانروائی نومید گشت بدین هنر بپرداخت و گویند که او بدان رسیده بود و کتابها و رساله ها نوشته شعر های بسیاری در این باره دارد و خود من پانصد برگ از آن را دیده‌ام (از سخن ابن ندیم پیداست که او کیمیاسازی خالد را درست باور نکرده است) جاحظ در البیان والتبیین (۱: ۳۱٤ چاپ ٦٦) دربارهٔ او گوید «کان اول من ترجم کتب النجوم والطب والکیمیاء» (نیز الحیوان چاپ محمد هارون ۱: ۷٦) ابن خلدون در مقدمه (ف ۲۳ ب ٦ ص ٥۰٥ چاپ مصر) می‌نویسد که روشها و اندیشه‌ها و سخنانی را در هنر کیمیا از خالد میدانند با اینکه او نژاد از تازیان دارد و این نژاد هم به بادیه و بداوت بسیار نزدیکتر پس او از هرگونه دانش و هنر دور خواهد بود چه برسد بهنری شگفت که دشواری در آن هست آنهم نوشته‌های طبیعی و پزشکی در آن روزگار مهجور بزبان تازی در نیامده بود تا در دسترس او گزارده شود. شاید بتوان گفت که سراینده این شعرها و گوینده این سخنان خالد بن یزید نبوده و دیگری بوده و در کیمیا آشنائی داشته است.

باری این دیوان که در نسخهٔ ما «فردوس الحکمة» نامیده شده از خالد بن یزید بن معاویه دانسته شده و شعر ها است با قافیه‌های گوناگون و هر یک دربارهٔ

یکی از مسئله‌های کیمیا است و عنوانها در نسخهٔ ما به نثر است و مانا کسی آنها را گردآورده است .

از ساخت و ریخت این شعرها هم پیداست که سروده سدهٔ نخستین هجری و آنهم از یك عربی بدوی نباید باشد . آنچه چلبی (۲ : ۱۸۶) یاد نموده گویا گردآوری دیگریست از این دیوان . شماره بیتهای آنرا او ۲۳۱۵ دانست .   ۵
از بروکلمن (۱: ۶۷ و پیوست ۱: ۱۰٦) برمیآید که دیوان النجوم از اوست و همین فردوس الحکمه او هم در بیروت هست و کتابی از او هم بلاتینی شده بود .

آغاز : بسمله . قال امیر خالد بن یزید فی السبیکة و مدحها و نبه علیها و ذکر من افعالها مفردة و مرکبة :

الحمد لله جل الله مقتدرا	مدبراً هادیا فضلا لمن شکرا ۱۰
کذاك بالعلم یسعی من اطاع علی	علم به کان فی المقدور قد قدرا

انجام :

ومن بها بیضها منعنا	فالله مما خاف انجاه
حسمی بما بینت من شانها	ودون ما ینسب اجزاه

۱۵   [۲۰۸۵]

۱۲۰۵ این نسخه ش ۲ دفتراست و نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد و در پایان دارد : تم الکتاب الموسوم بفردوس الحکمة للحکیم خالد بن یزید فی آخر شهر رمضان المبارك سنة ۸٤٦ . ولی نباید این تاریخ نوشتن همین نسخه باشد چه نسخهٔ تازه‌ایست . حاشیه‌هائی بنستعلیق . گ ۷۱ ـ ۱۵۵ ب .

[۱۷۷۸]   فصول   (فارسی)   ۲۰

خواجهٔ طوسی در این نامه نمونه‌ای از فلسفه و کلام را آورده است و این همانستکه گرگانی آنرا تازی کرده و سیوری و عبدالوهاب استرابادی این تازی را گزارش نوشته‌اند (ش ٤ ۲۸۲/٤ و ۱۰٤٦/۳۸ ص ۵۳۹ و ۵٦۳ همین فهرست ـ

ش ١١١٥ ص ٢١٤٣ همین فهرست ـ طوس ١:٦٥و٤:١٨٩و٢١٤) احمدبن محمد خواجکی شیخ شیرازی شافعی شیعی شدهٔ درزمان قطب شاه در گلکندهٔ دکن بسال ٩٥٣ براین فارسی گزارش نوشته است (طوس ١:٥٩).

آغاز : بسمله . اصل . هر که از چیزی آگاهی یابد لامحاله از هستی آن چیز آگاه شده باشد . ٥

انجام : ایزدسبحانه کافهٔ اهل رحمت را توفیق رفیق گرداناد والطاف در زیاده داراد انه خیر موفق ومعین والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین .

|٢٠٨٦|

١٠ ١١١٩ این نسخه ش ٧ دفتر است و بخط نستعلیق با نشانههای شنگرف ودر پایان دارد : « باتمام رسید رسالهٔ افضل المتقدمین والمتأخرین خواجه نصیرالدین طوسی علیه الرحمة بتاریخ شهر ذی الحجه الحرام سنهٔ یکهزار و . . . » که بریده شده و کاغذی بدان چسبانده و گویا از همان نسخه بوده [illegible] شمارههای دیگر در ١٠٥٠ باشد گ ٧٩ ب ـ ٩٣ الف (میکروفیلم ١١١٩/١٠).

١٥ |١٧٧٩| الفصول المختار (عربی)

این کتاب همان الفصول المختارة مرتضی است از دو کتاب مفید که در ص ٥٦٤ همین فهرست ترجمهٔ خوانساری از آن یاد کرده است و پیداست که مرتضی در هنگامیکه استادش هنوز زنده بود این گزینش را کرده است.

ابن ادریس در پایان سرائر پس از سرگذشت [illegible] از [illegible] یاد کرده است

٢٠ [illegible] از [illegible] معاصر کتاب [illegible] در بارهٔ [illegible] مؤمن دربارهٔ دیگران [illegible] آورده است.

این نسخه [illegible] تا فصل ٤١ جزء ٢ پایان میگیرد و پایان چاپی فصل ٣٤ آنست و ترجمهٔ خوانساری به فصل ٣٥ آن میرسد.

آغاز : بسمله . الحمدلله الموحد بالقدم العام لجميع خلقه بالنعم . . . سألت

ایدك‌الله ان اجمع فصولا من کتاب شیخنا محمدبن‌النعمان ... فی‌المجالس و نکتا من کتابه‌المعروف بالعیون والمحاسن.

انجام فصل اخری : فان قالوا افلیس قدم رسول‌الله ص ابابکرفی حیاته علی‌جمیع اهل‌بیته واصحابه . الجواب قیل‌لهم: اماالظاهرالمعروف فهوتأخیر رسول‌الله ص ابابکر عن‌الصلوة . فاما تقدمه علی‌الناس فانماکان بقول عایشة   ۵

دون‌النبی

[۲۰۸۷]

۷۷/د این نسخه ش ۲ دفتر است و [illegible] با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد .
۲۰ ـ ۹ ، ۱۵۲ ـ

[۱۷۸۰]   قرآن   (عربی)   ۱۰

کتاب آسمانی پیامبر اسلام است و بهترین دفتری که در آن تاریخ و سرگذشت آن آمده است [illegible] و فصل‌الخطاب نوری است نلدکهٔ Noldeke آلمانی وشاگردانش شوالی Shwally و برگشتراسر Bergstrasser و پرتزل Pretzl در تاریخ قرآن بزبان آلمانی در سه جلد بررسی و موسکافی کرده‌اند   ۱۵
[illegible] آرتور جفری A. Jeffery بتازی وانگلیسی برآن نوشته و بررسی [illegible] و در بارهٔ مصحفهای صحابیان و تابعیان و امامان شیعی وقراتهای گوناگون آنان کرده است [illegible] تازه‌ترین کتابیکه در بارهٔ تاریخ قرآن [illegible] ترجمهٔ فرانسوی رژیس بلاشر Regis Blachère (چاپ ۱۹٤۷ پاریس) میباشد واو در آن سخنان نلدکه ودیگران را هم آورده است   ۲۰

[۲۰۸۸]

۱۱٤۸ این [illegible] بخط محمدی [illegible] محمدخان خوانساری در ۱۲۷۰ میباشد [illegible] دو صفحهٔ آغاز [illegible] شماری شده است عنوانها بشنگرف

درزمینهٔ زرین و نشانه‌هاهم در آن بشنگرف میباشد . این نسخه‌را آقای لیستر بکتابخانه بخشیده‌اند .

(۳۲۵۵) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد روغنی فرسوده
اندازه : ۱۴٫ ۲۲ و ۹ ۱۵٫۵ س ۱۴

۵ [۱۷۸۱] قواعد العقائد (عربی)

خواجهٔ طوسی دراین نامهٔ گزیده‌ای از علم کلام بروش شیعی دوازده امامی آورده است و آن جداگانه با الزام النواصب و منهاج السالکین در ۱۳۰۳ بچاپ رسیده و همچنین با گزارش علامهٔ حلی بر آن همراه با رساله‌های شهید و صدرای شیرازی در ۱۳۰۵ چاپ شده است . این کتاب مانند گزیده و کوتاهی است
۱۰ از تجرید همو .

آغاز بسمله الحمد لله المنقذ من الحیرة والضلالة والصلوة علی محمد المخصوص بالرسالة یقول صاحب هذه المقالة انی اوردت فیها قواعد العقائد من العلم المنسوب الی الاصالة

انجام و یکون لها لذات بحسب ما یحسب ادراکها لذاتها ولما لا بدلها منه والله
۱۵ اعلم بحقائق الامور وهو مدبر الازمان والدهور العدل الذی لا یجور والحمد لله وحده .

[۲۰۸۹]

(۱۱۱) [illegible] شنگرف [illegible] ماسبقلی
[illegible] ذی حجهٔ ۱۰۵۰ پس از گذشتن
[illegible] حاشیه دارد ۴۳ ب ــ
۲۰ ۷۲ [illegible] (۱۱۱۹)

[۱۷۸۲] الرد [illegible] (عربی)

این نامه همانستکه درص ۱۹۷۸ شناخته شده است .

[۲۰۹۰]

۱۱۹۱ این نسخه ش۲ دفتراست و بهمانگونه خط ش۱ تاریخ ۱۲۶۱ و نام نویسنده رفته وتنها «قربانعلی حداد» خوانده میشود که گویانام پدریانیای اواست . کناره چپ برگها سوخته و کاغذ نوتری چسبانده‌اند وپاره‌ای از عبارت درمیانهٔ بیشتر صفحه‌ها رفته است . گ ۸۹ ب ـ ۱۸۱ب .
۵

[۱۷۸۳] کافیه (عربی)

ابن‌الحاجب این مقدمه را در نحو نگاشته و آن بنام کافیه خوانده میشود . چلبی (۲:۲۴۹) آنرا شناسانده و گزارشهای آنرا برشمرد .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الکلمه لفظ وضع لمعنی مفرد .

انجام : والمفتوح ماقبلها یقلب الفا .
۱۰

[۲۰۹۱]

۱۱۰۸ این نسخه ش۱ دفتراست و بخط نستعلیق بانشانه‌های شنگرف وباحاشیه‌هائی ریز نر . گ ۱ ب ـ ۶۸ الف . محمد مؤمن دارندهٔ نسخه بوده (۶۹ ب) ومهر « بنده وچاکر امام مبین ـ بوس غمگسار نورالدین » هم در گ ۱ الف و۷۰ الف دیده میشود .
۱۵

(همهٔ دفتر ۹۹گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی معمولی
اندازه : ۱۳ ۱۹ و ۶ ۱۰/۵ س ۶

[۱۷۸٤] کدو مطبخ قلندری (فارسی)

این‌نامهٔ جلفی و عرفانی از داستانهای شیعی است بنام ادهم قریشی واعظ که در آن داستانهائی شیرین آورده و در بسیاری از آنها از فقیهان و آخوندها
۲۰
خرده گرفته‌است . شعرهائی ازسنائی غزنوی و وحشی وخواجهٔ طوسی ومولوی وحافظ وسعدی وبهائی درآن دیده میشود .

آغاز : هذا کتاب‌المسمی به کدو مطبخ قلندری ـ بسمله . و به نستعین . انواع حمدات نامحدود و اصناف تحیات نامعدود لایق و سزاوار معبودیست

جلت قدرته که صحایف کائنات و مراتب موجودات تمامی و همگی مرآت ذات
و مظاهر صفات اویند .. امابعد این مجموعه‌ایست مؤلف موافق ذوق سالکان
طریق معنی و مناسب مشرب قاطعان بیابان دعوی مسمی بکدو مطبخ قلندری
که این خادم فقراو محب علما و خاکسار بیمقدار و نمود بی‌بود ادهم قریشی واعظ
۵ جهت ترتیب دماغ رندان قلندرصفت و تزیین مجلس درویشان ابدال سیرت جمع
کرده‌ودر آن برخی‌ازهرمقوله‌از نصایح طریقت ودقائق حقیقت کلمات تحقیق آمیز
شوق انگیز اکثر درلباس مزاح و ظرایف و صورت قصص و حکایات مرقوم
ساخت ورعایت مناسبت وربط میان سخنان کماهو حقه نمود تااسم بامسمی باشد .
انجام : همه هیچند وهر چه هست همه اوست وداناتی‌اوراخود نه بدایت است
۱۰ ونه نهایت ...

خداوندا گنه بسیار دارم ولیکن راه فضلت می‌سپارم
چنان کن عاقبت‌محمود گردد وجود ما تمامی جود گردد

(تمت‌الکتاب بفضل‌الملك‌الوهاب بتاریخ بیستم (۲۰) شهر ذی حجة‌الحرام من
شهورسنة‌۱۲٦۳ علی یداقل خلق‌الله محمد ابراهیم‌ابن مرحمت وغفران پناه جنت
۱۵ و رضوان آرامگاه‌المغفور المبرور حاج محمد علی آتش سمت اتمام پذیرفت
ازخوانندهٔ این نسخهٔ شریف التماس دارم

مگر صاحب دلی روزی برحمت کند درحق مسکینان دعائی
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقائی

از خوانندہ مستدعی میشوم که هرگاه غلط و سهوی نظر شریف آورند
۲۰ ازمرحمت لطف قلم عفو براو گذارند والسلام خیرختام)

|۱۰۹۲|

(۱) ... ش ۱ ... و ... و شانه‌های شنگرف
... محمد ... محمد علی آتش در ۲۰ ذیحجه ۱۲٦۳ آنرا
نوشته ... ۱ ... ۹۰ الف

۳۵ ... ۱۵۳ ... کاغذ فرنگی ... جلد مقوای ...
اندازه ... ۳۱ و ۹ ۱۷ س ۱۲

[۱۷۸۵] **کشف الغرائب** (فارسی)

این نامه درخرده گیری و نکوهش از چگونگی روزگار و از روش فرمانروایان زمان است و بسال ۱۲۷۷ بنگارش درآمده است (گ ۴۹ الف) درآن از رسالهٔ ظرایف و لطایف اقبال‌الدولهٔ هندی بغدادی که دربارهٔ ایران نوشته ودرروزنامهٔ زوراء چاپ شده‌است یاد گردیده و بندهائی ازآن آمده‌است ۵ (۵۳ الف) گویا از میرزاملکم خان پسر میرزا یعقوب ارمنی سپاهانی (جلفای زاینده رود ۱۲۴۹- لویزان۱۳۲۶) دانشمند و نویسندهٔ سیاسی‌ایران در روزگار قاجارمیباشد (۱)

آغاز:

من گنگ خواب دیده [و] عالم کر ۱۰

من عاجزم ز گفتن وخلق ازشنیدنش

تنزلات محسوسه وامراض مزمنه که ازاین ریاست بیحرکت آناًفآناً عارض دولت علیه ایران میشود بقاطبهٔ اهالی ممالك محروسه وعده میدهد وقوع یك امرعظیمی راکه احدی ازآحاد خلق نتوانند ازآلایش آن مستثنی نمایند.

انجام: نادرسایهٔ خواستهٔ کردگار چیست ـ تمام‌شد کشف‌الغرایب‌دریوم ۱۵ صبح روزشنبه دوازدهم شهرربیع‌الاول اودئیل ترکی یکهزاروسیصد و نوزدهٔ هجری دردارالخلافهٔ طهران صانهاالله تعالی عن‌الحدثان بیداقل خلق‌الله وچاکر درگاه ابوالقاسم مستوفی دیوان اعلی سمت تحریر یافت.

هر که خواند دعا طمع دارم   زانکه من بندهٔ گنه‌کارم

۲۰ [۲۰۹۳]

۱۱۰۴ این نسخه بخط شکسته نستعلیق میباشد و ابوالقاسم مستوفی دیوان شاهی در تهران در بامداد شنبه ۱۲ع۱ (اودئیل) ۱۳۱۹ آنرا بانجام رسانده.

(۵۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ سادهٔ مموالی

اندازه: ۱۳/۵ ۲۰/۵ و ۸ ۱۵ س ۱۳

---

۲۵ ۱ـ سرگذشت اودرمجموعهٔ آثارمیرزاملکم خان ازمحمد محیط طباطبائی چاپ ۱۳۲۷ تهران هست ولی ازچنین نامه‌ای نام برده نشده.

[۱۷۸۶] کشف المراد (عربی)

خواجهٔ طوسی بدر خواست کسی در کلام شیعی امامی تجرید الاعتقاد در شش مقصد هریکی چندفصل نگاشته و در آن کلام را بافلسفهٔ مشائی بیامیخت و اصول آئین شیعی را بادلیل استوار بداشت. دانشمندان شیعی و سنی گزارشها و حاشیه‌ها بر آن نوشته‌اند و بفارسی هم در آمده است (ذریعه ۳۵۲:۳ و ۳۱:۶) نخستین بار شاگردش علامهٔ حلی بر آن بنام «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد» گزارش نوشته و بگفتهٔ شمس الدین محمود سپاهانی سنی در تسدید القواعد اگر او چنین کاری نمیکرده بود متن تجرید هیچگاه روشن نمیشده است. حلی آنرا بسادگی و روانی گزارش نمود و گذشته از بخش بندی خود خواجه هر فصلی را هم بچند مسئله و با شماره بخش کرده و بندهای متن را پس از «قال» و سخنان خود را پس از «اقول» آورده است.

در دیباچه میگوید که من از استادم طوسی بهره بردم و اورا دانشمندی بزرگ یافتم و آنگاه که زنده بود از او پیروی کرده‌ام. پس از درگذشت او این «تجرید الاعتقاد» همو را که بسیار رسا و نیکو یافته‌ام چون مرا گرفتن آن دشوار بود در این «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد» گزارش کرده‌ام.

در فهرست طوس (۶۷۰۱ و ۶۸) از این گزارش یاد گشته و نسخه‌ای شناسانده شد که محمد بن محمد بن اسفندیار آملی در ۷۴۵ آنرا نوشته و آنرا نزد فخرالدین پسر علامه خوانده و او در پایان آن بدین خواندنش گواهی داده است. یکی از دانشمندان روزگار فخرالدین در پایان آن نوشته که علامهٔ حلی این گزارش را در ۱۵ ج ۱ ۶۹۶ بپایان رسانده است. حلی در خلاصه (ص ۲۴) در تاریخ ۶۹۳ از این نوشتن نام یاد کرده است. پس او چهارسالی بدان میپرداخته است.

این گزارش در بمبئی بسال ۱۳۱۱ سنگی و در صیدا بسال ۱۳۵۳ سربی بچاپ رسید و چاپ سنگی چاپخانهٔ کلمهار سپاهان در ۱۳۵۲-۳ را هم دیده‌ام.

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله‌القاهر سلطانه‌العظیم شأنه‌الواضح برهانه‌العامر احسانه .

انجام : وسقط وجوبهمادفعاللضرر. فهذاماحصل‌لنا من شرح هذاالکتاب ونحن نسأل‌الله تعالی ان یجعله ذخرالنا یوم‌المعاد وان یوفقنا للرشاد بمنه و کرمه والحمدلله وحده .

۵

[۲۰۹٤]

۱۱۹٤ این نسخهٔ کهن بنسخ وعنوانهای «قال ــ اقول» وجز آنها بشنگرف‌ودرشت‌تر است . برخی‌جاها حاشیه دارد بخطریز. ر.خواننده‌ای‌در برخی‌جاهاعنوانهای مطلبها را بخط تازه‌تری بنستعلیق نوشت .

چنین است آغاز : (روحه‌الزکیة فی) العلوم‌الالهیة والمعارف‌العقلیة ووجدناه (راکبا) نهج‌التحقیق (ازدیباچه ــ میانهٔ دو کمانه درنسخه سائیده شده است) .

۱۰

انجام : اقول‌الامر بالمعروف وهوالقول‌الدال ... واستدل‌المصنف علی‌ابطال الثانی بانهماالووجبا (دوازده سطری کم دارد) گ ۳ الف ــ ۲۳٤ ب .

(۳۲۳٦) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تریاکی وزبرآن سرخ وگرد آن زرد وضربی مقوالی .

اندازه : ۱۳/۵ ۱۹/۵ و ۹، ۱۳/۵ س ۱٦

۱۵

[۱۷۸۷] گزارش خبر کمیل (فارسی)

گزارشی است برخبر « حقیقت » کمیل بفارسی .

آغاز : ازجمله حدیث مروبه ازمولی‌الموالی آقای‌مؤمنان حضرت مولای متقیان‌امیرالمؤمنین ع که یکروزی برشتری سوار بودند و کمیل‌رارديف فرموده درعرض راه کمیل عرض کرد یا امیرالمؤمنین‌ماالحقیقه .

۲۰

انجام . فرمودچراغ را فرونشان که‌صبح طالع گشت یعنی آنچه درخور فهم تو بود گفته شد و آنچه ازوحدت حقه و کثرات موهومه توانستی فهم کردی وقربت ما وولایت موهومهٔ را دانستی .

[۲۰۹۵]

۱۱۶۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق شکستهٔ خوش ودرهامش برگهای ۴۳ الف ـ ۴۲ ب میباشد . درهمینجا ترجمهٔ حدیث علی «یا کمیل مر اهلك ان یروحوا فی کسب المکارم ... کما یطرد غریبة الابل» هست بهمین خط و بتاریخ روز ۱۵ صفر ۱۳۲۸ . ۵

[۱۷۸۸] گفتار افلاطون (فارسی)

این گفتار همانستکه در ص ۳۲۶ شناخته‌ایم و پند افلاطونست بارسطو که دراخلاق ناصری آمده است .

آغاز : بسمله. وصایای افلاطون حکیم الهی که بشاگرد خود ارسطاطالیس را فرموده است . میگوید معبود خویش را بشناس . ۱۰

انجام : همیشه بر ملازمت سیرت عدل و استقامت و التزام خیرات مواظبت کن.

[۲۰۹۶]

۱۱۱۳ این نسخه ش ٤ دفتر و بهمان خط ش ۱ میباشد . گ ٤۳ الف ـ ٤۵ الف .

[۱۷۸۹] گفتار حلاج (عربی)

سخنانی است بنظم و نثر از حلاج عارف که کسی آنهارا گرد آورده است . ۱۵

آغاز : قال . لم اسلم النفس بالاسقام تبلیها ـ الا لعلمی با . (موریانه خورده) یحییها ـ نفس المحب علی الآلام (آلام ـ نسخه) صابرة ـ لعل مسقمها یوما یداویها ـ و من کلامه منثورا : من التمس الحق بنور الایمان کان کمن طلب الشمس بنور الکواکب . . . وقد کان یطربنی وجدی فاشغلنی ـ عن رؤیة الوجد من فی الوجد موجود ـ قال العارف الاوحدی : انك لست انت . انت هو بلا انت . ۲۰ لا هو داخل فیك و لا هو داخل فیه . و لا هو خارج منك و لا انت خارج منه .

انجام : و ما لا یجوز وجوده لا یجوز فنائه . وجودك لا شیء . و اللاشیء الی شیء .

[۲۰۹۷]

۱۱۴۷ این نسخه ش ۵ دفتر است و بنسخ ساده و باید از نویسندهٔ ش ۷ باشد. گ ۷۸ الف.

[۱۷۹۰] **لوامع الاسرار** (عربی)

فی شرح مطالع الانوار

قطب رازی در این دفتر مطالع ارموی را گزارش نموده (ص ۲۵ همین فهرست) و در آن از سخنان امام رازی و خونجی و خود ارموی و دیگران که خواسته‌اند در برابر گفته‌های شیخ رئیس و فارابی از خود رأیی آشکار بدارند خرده‌ها گرفت.

آغاز: الحمدلله فیاض ذوارف المعارف و ملهم حقائق المعارف واهب حیوة العالمین ورافع درجات العالمین.

انجام: ولنقنع بهذا القدر من الکلام حامدین لله علی الاتمام موجهین الی حضرة النبوة علیه افضل الصلوة والسلام

[۲۰۹۸]

۱۱۹۸ این نسخه بخط نستعلیق تاریخ ذی‌حجهٔ ۹۷۹ میباشد. حاشیه‌هائی هم در آن هست. عبدالله ... محمد ... احمد اردکانی و حبیب‌الله (باخط ...) و ... حسنی طباطبائی در ۹۹۰ دارندهٔ نسخه بوده‌اند.

(۱۹۸) ... تیماج ... مقوائی

اندازه ۱۴/۵ × ۲۶ ، ۸ ، ۱۸ س ، ۳۶

[۱۷۹۱] **زاد الزائرین** (عربی)

از ... استرآبادی تهرانی (م شب آدینهٔ ۱۰ صفر ۱۲۶۳) در این رساله که دارای یک مقدمه و هشت باب است از زیارت پیامبر و پیشوایان گفتگو نموده است. (ذریعه الذریعة ۲ ، ۳۱۹)

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی کرمنابخاتم‌الانبیاء وشرفنا بسیدالاوصیاء ... فیقول . . . محمد جعفرالاسترابادی انه لاریب ان زیارات المعصومین من احسن الطاعات .

انجام : وادع بما احببت فانه یقضی . . . الحمدلله‌الذی وفقنی لجمع هذه الزیارات فی‌المشهدالمقدس ... بقرة عین‌السادات . . . ابی‌عبدالله‌الحسین علیه ... صلوات‌الله رب‌المشرقین .　　۵

[۲۰۹۹]

۱۱۸۰ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف درمتن و هامش ودر دو جدول شنگرف و مشکی که نجفعلی انجدانی درجمادی یکم ۱۲۵۷ نوشتن آنرا بپایان رسانده است .　　۱۰

(۳۲۵۷گ) ــ کاغذ فرنگی ــ تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۴، ۲۲ و ۸×۱۵ س ۱۵

[۱۷۹۲] مجمل‌الحکمه (فارسی)

این کتاب را در ص ۳٤۵ همین فهرست شناخته‌ایم و آن درهمهٔ سرفصلها ۵۱ رساله خوانده شده و بخش چهارم آن نه مانند متن تازی نسخهٔ ما و چاپ هند و مصر دارای ده رساله میباشد و بترتیبی دیگر وباعنوانهای دیگراست . بخش سوم آن هم باچاپ هند یکی نیست گرچه همان ۱۷ شماره را دارد .　　۱۵

[۲۱۰۰]

۱۱۱۳ این نسخه ش۱٦دهر است و بهمانخط ش۱ وچندرساله‌ایست ازمجمل‌الحکمه بدینگونه : رساله ۱ قسم ٤ (آراء و مذاهب و دیانات) گ ۱۳٦ الف ــ ۱۳۹ الف و آغاز آن در س۲ ص ۱٤٦ چاپ ۱۳۰٤ هند دیده میشود ونیم صفحه‌ای کم دارد ؛ رسالهٔ ۲ قسم٤ (ماهیة‌الطریق‌الی‌الله) گ ۱۳۹ الف ــ ۱٤۰ ب ؛ رسالهٔ۳ قسم ٤ (اعتقاد اخوان‌الصفا) گ ۱٤۰ ب ــ ۱٤۱ ب ؛ رسالهٔ ٦ قسم ٤ (بیان آنچه بعداز مرگ خواهد بود) گ ۱٤۱ ب ــ ۱٤۳ الف ؛ رسالهٔ ۸ قسم ٤ (شناخت روحانیان) گ ۱٤۳ ب ــ ۱٤٤ ب ؛ رسالهٔ ۵ قسم ۲ (تکون معادن) گ ۱٤٤ ب ــ　　۲۰　　۲۵

۱۴۸ الف ، رساله ۳ قسم ۳ (عالم حیوان بزرگ است) گ ۱۴۸ الف ـ ۱۵۱ ب ، رسالهٔ ۱ قسم ۱ (ارثماطیقی) گ ۱۵۱ ب ـ ۱۶۰ الف .

[۱۷۹۳] محصول (عربی)

دانشمند پارسای شیعی سید محسن بن حسن حسینی اعرجی کاظمی بغدادی نجفی (م ۱۲۴۰) نگارندهٔ این دفتر است (کنتوری ص ۴۹۳) که در اصول استدلالی است و در دو فن (مباحث الفاظ ـ ادلهٔ اربعه) باید باشد. تنکابنی (ص ۱۴۳) آنرا گزارش وافیهٔ تونی (ص ۱۷۴۶ همین فهرست) پنداشته است ولی از خود آن برمیآید که کتابی است جداگانه چنانکه در روضات (ص ۵۲۳) آمده «و کتابه الکبیر الذی وسمه بالمحصول فی علم الاصول» و آنرا او پس از گزارش خود بروافیه که در روضات در بارهٔ آن آمده «و کتابه الآخر الذی سماه بالوافی فی شرح وافیة مولانا عبدالله التونی» نگاشته است چه اینکه در آغاز آن دارد «وقد اوضحنا فی الشرح» ودر «المقام الثانی فی الاباحة الشرعیة» (گ ۱۴۹ الف) دارد «وقد كنا فی شرح الوافیة بینا الكلام علی ذلك»(۱).

آغاز . بسمله . وبه نستعین علی القوم الکافرین الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین اما بعد فیقول . محسن بن الحسن الحسینی الاعرجی . . هذا ما كنت وعدت به الطلاب من تألیف كتاب محرر فی اصول الفقه لایحتاج معه الی کتاب .. سمیته بالمحصول فی علم الاصول .. ورتبته علی مقدمة ومطالب

انجام . الا انه سائر لوازم المقارنة امارة مانها (وجوب مقدمة واجب ـ گ ۱۶۹ ب) المطلب السادس فی الاوامر والنواهی الكلام فی الامر تارة تقع فی هذه الكلمة (۱۷۰ الف) وذهب بعض الفقهاء والمتكلمین الی انها حقیقة فی الندب .

۱ـ ذریعه . مستدرک ۳: ۳۹۹ ـ الکنی والالقاب ۳: ۱۲۹ ـ فوائد رضویه ۲: ۳۷۳ ـ ریحانة الادب ۳: ۴۸۵ .

هذا . قد جف قلمه طاب رمسه (گ ۱۷۲ الف از بحث سوم مطلب دوم دراوامر ونواهی که درپایان گذارده شده و گویا نسخهٔ ما آشفتگی دارد) .

[۲۱۰۱]

۱۱۸۸ این نسخه بنسخ و باعنوانها ونشانه‌های شنگرف‌میباشد . نویسنده‌فن نخستین را در۳ محرم۱۲٤۲ نوشته است (گ ۷۰ ب) و نامش موسی بن شیخ محمدعلی اعسم است ومطلب یکم همین فن را در۷ ج ۱۲٤۳/۲ نوشت (۳۵ الف) «محمد منخا الشیخ عبدالحسین الاعسم » در ۱۲٤۱ درآن نگریسته و « جوادالشیخ محمدالحکیم در ۱۲٤۸ دارندهٔ آن بوده است .

(۱۷۳گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۲/۵×۲۳ س ۳۱

[۱۷۹٤] مخزن گوهر [فارسی]

یعقوب‌شاه نورالله بسال ۹۲۸ دراین منظومه که بدان‌نام «مخزن گوهر »(برابر با ۹۲۸)داده است ازمعما گفتگو نمودو نخست آنراتعریف کرد سپس در برابرهر کلمه‌ای شعرهائی گفت‌ودر دیباچه بنام خداو پیامبرو پیشوایان‌شیعی و تاریخ نگارش شعرهائی بروش معما آورد. تاریخ۱۰۰٦ درهم‌درهامش‌درهمینجادیده‌میشود.

آغاز :

بسم رب مفتح‌الابواب — فتح‌الله لی طریق صواب
ان علیمی که عالم‌الاسماست — هرمعما باسم او پیداست

انجام :

این نسخه که شد مخزن گوهر بمثال
بگرفته ز نظم جوهری زیب وجمال
آخر بکمال چون رسید اتمامش
یارب که شود قبول ارباب کمال

والحمدلله علی الاتمام وحسن الاختتام والصلوة والسلام علی محمد خیرالانام

وآله و اشياعه‌العظام‌الكرام اسمائه‌المعصومين الهمام ـ سپس در بارهٔ عبارتهای
« حضرت شاه نورالدین نعمةالله ابقاه‌الله وخلد احسانه واجلاله‌آمين » و « حضرت
سلطان‌عادل‌شاه‌ولی سلطان مداللہ ظلال عدالته‌الله واحسانه آمين » دوقطعه شعر
دارد بدينگونه : « هذا ايضاً من صاحب‌البر له غفران‌السر ... وله ايضاً روح‌الله
٥ روحه‌العزيز ... درعصر درآستانهٔ حضرت معصومه قلمی گرديد » .

[۲۱۰۲]

۱۲۰۱ اين نسخه بخط نستعليق است وباعنوانهای شنگرف . گ۲ ب ـ ۵۰ الف .
در ۵۰ ب هم چند شعر يست درمعما .

(۵۰گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

۱۰ اندازه : ۱۱×۱۷ و ۸×۱۳ س ۱٦

[۱۷۹۵] المذكر والمؤنث (عربی)

اين رسالهٔ نحوی ازاحمدبن محمدبن احمد عروضی ميباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمين وصلواته علی سيدنامحمد وآله اجمعين .
هذا كتاب يشتمل علی ذكرالمذكر والمؤنث الذی روی عن‌العرب و ذكروه
۱۵ فی‌الاشعار وجاء‌القرآن

انجام وماالحق بالثالث‌الحديد والقفا والسبيل والصلاح والثوب (وجدت
بخط‌المولی محمد تقی‌المجلسی حشره‌الله تعالی مع‌النبی والوصی و اولادهما
فی ظهر كتاب تهذيب‌الاخبار حشرالله مؤلفه مع‌الائمه‌الاخيار فی ۱۱۱۵ – من
[illegible] احمدبن محمدبن احمدالعروضی)

۲۰ [۲۱۰۳]

[illegible] اين [illegible] ش ۲ در [illegible] گهای ٤ ب (ازچهار
[illegible] بی‌شمارهٔ [illegible]) [illegible] ۱ الف از [illegible] گهای شماره‌دار دردوصفحه (بنگريد
۶۳۵/۲ [illegible])

[۱۷۹٦] **مرآت المحققین** (فارسی)

این رساله که از شیخ محمود شبستری است (ش ۲٦۹ طوس و ٦۲٦/۳ مجلس) در نسخه ش ۲۱٤٤ فیض‌الله استانبول از ابن سینا دانسته شد (ش ۱۰٤ قنواتی و۱۸۲ ارگین - فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۳۰۱ - ص ۷٥٤ چاپ یکم روضات) . ٥

این رساله آمیخته‌ایست از فلسفه و عرفان و در هفت باب (نفس طبیعی ونباتی وحیوانی وانسانی - صورموجودات - واجب وممکن وممتنع - حکمت آفرینش - مبدء ومعاد - برابری آفاق وانفس (برابری تن باگیتی) برابری آفاق وانفس درجهان آسمانی) ودرشیرازدر۱۳۱۷ بچاپ رسید (ص٤۹۲ فهرست ما) .

۱۰ آغاز : مرآت‌المحققین - بسمله وبه نستعین . حمد وثنای بی‌عدد حضرت ذوالجلال راکه آثار قدرت او درعالم آفاق و انفس ازآفتاب جهانتاب برچشم اهل بصیرت تابان (تر) است ... بباید دانست که این مختصریست در بیان معرفت نفس وعلم خداشناسی ودیدن ودانستن لقای حق ... واین کتاب‌رامرآت‌المحققین نام نهاده آمدی .

۱٥ **انجام** . واماچون نظربذات کنیم همه‌درتصرف امروقدرت او یك چیزیم اینجا وحدت روی نماید والسلام علی من‌اتبع‌الهدی (والله اعلم بالصواب) .

[۱۱۰٤]

۱۱۳٥ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱و۲ و در گـ ۷ الف - ۲۰ ب .

۲۰ [۱۷۹۷] **المسائل الفخریة** (عربی)

فخرالدین محمد فرزند علامهٔ حلی برقواعدالاحکام پدرخود که برای او نوشته اشت گذشته ازگزارشی که بسام ایضاح‌الفوائد نگاشته حاشیه‌هائی هم نوشته است واین حاشیه‌هارا چنانکه درذریعه (۱۷۲:٦) هم‌آمده علی بن مظاهر

شاگردش در دیوانی گردآورده و همانستکه بنام «المسائل المظاهریة» خوانده میشود در نسخهٔ ما که «المسائل الفخریة» نامیده شده است(۱).

در گ ۸٤ الف دارد: «قوله وبعد اسقاط المتکرر یرید بالمتکرر الدینار ... من ثمانیة عشر جزءا من درهم ه. تمت والحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین قریت علی الامام فخرالدین و کتب بخطه اجازة لعلی بن مظاهر ونقلها عنه مشافهة» (پایان کتاب القضاء).

در گ ۸۸ الف (کتاب الحدود مطلب ۲ مقصد ٤) دارد: «هذه املاء دام ظله حرفا حرفا بحد(و)د نیم مردان علی طرف بحر القلزم فی خدمة السلطان خدابنده محمد خلدالله ملکه شوال سنة اثنی عشر و سبعمائة. بلغت المقابلة مع الشیخ فخرالدین بن المطهر و کتب علی بن المظاهر» (۲).

در این نسخهٔ ما در آغاز و انجام بسیاری از بندها دارد «فخرالدین» برمز و در بسیاری از جاها دارد «فخرالدین مشافهة» و «فخرالدین بن المطهر» و «فخرالدین بن المطهر مشافهة» و «قال فخرالدین» و «کتب فخرالدین» و «قال فخرالدین بن المطهر» و «کتب محمد بن المطهر» و «قال فخرالدین بن المطهر مشافهة» و «ذهب

۱ــ فخرالدین در ارشاد پدرش هم حاشیه‌هائی نوشته است، همانکه ظهیرالدین نیلی (روضات ص ۳۸۸) از گفته‌ها و نوشته‌های او گرد آورده است (ص ۱۷۵٦ همین فهرست). مانند اینها و «المسائل الآملیات» (ص ۲۰۱۵ همین فهرست) است که نوری در مستدرک (۳۵۹:۳) از آن بنام «المسائل الحیدریه» یاد نموده و همچنین «المسائل المدنیات» او (ص ۲۰۲٤ــ اجازات بحار ص ۱۷۲)

۲ــ [illegible] با همین [illegible] در آن آمده بروشی دیگر و باغلط در تاریخ در هامش ص ۲٦۰ ج ۲ فوائد چاپی با شماره «۱۲» دیده میشود. در کتاب الوصیة ایضاح الفوائد (ش ۷۰٦ کتاب ۱۷٤ الف) (ص ۱۷۸۵ همین فهرست) چنین دارد: «واتفق [illegible] والذی [illegible] المسئلتین والحقتهما بالفوائد ونحن علی ساحل بحر القلزم فی سنة اثنی عشر وسبع مائة فی صحبة السلطان غیاث الدین خدابنده محمد رحمه الله» همچنین دارد: «وهذه المسئلة وقعت فی مازندران وسئل والدی المصنف عنهما حین وصلنا فی صحبة السلطان غیاث الدین خدابنده الی جرجان سنة اثنی عشره وسبع مائة».

فخرالدين » و « كتب محمدبن المطهر مشافهة » و « كتب فخرالدين مشافهة » و «مشافهة» و « بخطه... فخرالدين » و « بخطه » و « من املاء فخرالدين » و « من املاء فخرالدين (محمدبن المطهر) مشافهة » و « من لفظه » و « من املاء مولانا محمدبن المطهر مشافهة » و « فخرالدين بن المطهر املاء » و « من املاء شيخنا فخرالدين محمدبن الحسن بن المطهر رحمه‌الله مشافهة » و « من املاء المصنف » و « انقل عن مولانا فخرالدين بن المطهر مشافهة » و «قوى الشيخ فخرالدين بن المطهر » و « قال الشيخ فخرالدين بن المطهر » و « كتب محمدبن المطهر صحيحة » و « من لفظ مولانا فخرالدين بن المطهر مشافهة » و « منقول من اشكالات القواعد لمولانا فخرالدين المطهر» و «حاشية من املاء المصنف قدس‌الله سره» (هامش) و « ليست فی الاصل بل حاشية » و «هذه صحيحة و كتب محمدبن المطهر » پس روشن است كه علی بن مظاهر اين را ازروی گفته‌ها و نوشته‌های استاد خود نگاشته است . واستاد هم دربسياری ازجاها از سخنان پدر و پاسخها كه او بپرسشها ميداده است آورد . اين شاگرد نسخهٔ قواعدی را كه فخرالدين نزد پدر خوانده بود در دست داشته وازآن دربسياری ازجاها سود برده است . همهٔ اين نكته‌ها از عبارتهای آينده پيداست چنانكه دارد :

« وجدت فی الكتاب الذی قراءه فخرالدبن علی والده » و « من الكتاب الذی قراءه فخرالدين » و « من الكتاب الذی قراءه فخرالدين بن المطهر دام ظله علی والده المصنف » و همين عبارت با افزودهٔ « و بخطه » و « من الكتاب الذی قراءه علی والده » و « كتب محمدبن المطهر عنه مشافهة » و » و كتب فخرالدين املاء عنه » و « فخرالدين و نقل عن والده » و « من املاء المصنف نقلها من الكتاب الذی قراءه ولده » و «وجدت فی كتاب فخرالدين بن المطهر علی القواعد التی قراءها علی والده المصنف رحمه‌الله بخطه » و « من املاء المصنف ادام (رحمه : بسرخی) الله ايامه من الكتاب الذی قراءه عليه (علی ـ خط خورده روی ، ی ،) ولده (والده ، بوده وروی ، الف ، خط خورده) فخرالدين رحمه‌الله » و « نقله عن والده قدس

سره وقراءة » و « من الکتاب الذی قراءه فخرالدین بن المطهر علی المصنف والده قدس‌الله روحه » .

و «الاولی عندی مااختاره والدی قدس‌الله سره فی المختلف . . و کتب محمدبن المطهر مشافهة » (۱) و « مایقول مولانا ... و کتب محمدبن المطهر عنه مشافهة » و « مسئلة ما یقول مولانا (ادام‌الله فوائده) . . . و کتب فخرالدین » (دردوجا) و « ما یقول مولانا ادام‌الله حیاته فی‌الارشاد . . . الجواب عن ذلك کله . . . کتب محمدبن المطهر عنه مشافهة » .

در پایان قضاء (گ ۸۵) دارد : « من املاء شیخنا فخرالدین محمدبن‌الحسن بن المطهر رحمه‌الله مشافهة . . . ه . تمت بحمدالله وصلی‌الله علی سیدنا محمد وآله و کتب محمدبن‌الحسن بن‌المطهر فی ثانی عشر جمادی‌الاول سنة خمس و خمسین وسبعمائة » پس تاریخ حاشیهٔ فخرالدین ازاینجا روشن میگردد که نزدیك ۷۵۵ بدان میپرداخته است .

نیز دارد : « قال ضیاءالدین » و برمز « ض » درخیلی جاها چنانکه درپایان وصایا ازاین نشانه یادنمود . همچنین نشانهٔ «فخرالدین و ض» در آن دیده میشود . پیداستکه سخنان ضیاءالدین بن اعرج حسینی هم‌دراین حاشیه آمده‌است . دروصایا (گ ۶۳ الف) دارد « معین‌المصری قال . . » پس از گفتهٔ او هم بهره برده شد . دراحیاء موات (گ ۶۱ ب) دارد « ابن‌النجار عن‌الشهید رحمه‌الله » پس این حاشیه پس‌ازدرگذشت شهید یکم (۷۸۶) بنگارش درآمده است و چون در آن دارد « مسئلة نقلت عن مولانا محمدبن‌المطهر رحمه‌الله بحضرة مولانا وسیدنا ابی‌عبدالله الحسینی ع مشافهة » پس چون برمیآید که علی بن مظاهر گفته‌ها و نوشته‌های استاد خود فخرالدین [illegible] را درزمان او و در کربلا و شاید درجاهای دیگر هم گرد میآورده است و پس از مرگ او (۷۷۱) هم بدین کار میپرداخته‌است .

۱ [illegible] حاشیه [illegible] در گ ۲۷۱ ب ش ۷۰۴ قواعد علامه در فصل رابع فی‌الجعالة دیده میشود [illegible] وجدت بخطه دام ظله و [illegible] ان‌الاجارة عقد لازم . . . » گویا این هم از فخرالدین است .

نام‌درست این علی بن مظاهر « حاج زین‌الدین علی‌بن عزالدین حسن‌بن‌احمدبن
مظاهرحلی » میباشد وفخرالدین روی نسخه های نهایةالاحکام علامه در ۱۰ع ۱
۷۵۵ وقواعد همو درذیحجهٔ ۷۴۱ برای‌او اجازه نوشته‌است. این دو می‌دراجازهٔ
بیاضی به بویهی در ۸۵۲ گذارده شده است (اجازات‌بحار ص۴۶-ذریعهٔ۱: ۲۲۱)
واز آن‌بر میآید که سید زین‌الدین علی‌بن دقماق و جمال‌الدین احمدبن حسین‌بن ۵
مطهر ازهمین ابن‌مظاهر همین اجازه را گرفته و به‌بیاضی داده اند. فخرالدین
همین « مسائل مظاهریه » را که به « الحواشي الفخریه » نامبردار است بهمین ابن
مظاهر بخط خود اجازه داده است. (ذریعهٔ۱: ۲۳۶)

آغاز در ۱ الف نسخهٔما : رأس المال الدراهم الساقطة ه قال فخرالدین:
مثاله ان‌تأخذ من الدراهم المتجددة بقدر تلك ... و جعلناه رأس‌المال. تکمیل. ۱۰
قوله: والحیاکة ه عمل الکتان ه والنساجة عمل الزلالی.قال‌فخر الدین مشافهة.
قوله و کسب‌الصبیان ه یرید به الکسب‌المجهول سببه ووجهه فیکره ذلك‌للولی
وللاجنبی معا (کتاب‌المتاجر مقصد۱ فصل۱ قواعد ص ۱۱۹ ج۱ چاپی)

پایان وصایا در ۴۱ ب: قوله و خمس المأتین علی‌الثانی ه ای علی‌الوجه
الثانی وهوالقسمةاسداساً ... حصلت علی‌الباقی بین‌القسمة للاول‌والثانیة من‌العبد ۱۵
لاغیر ه فائدة: الاشیاءالتی بناهاالشارع علی‌التغلیب ستة متفق علیها وهی‌الجنایة
والعتق والوطی والرضاع والاسلام والارث و واحد مختلف فیه و هوالتدبیر ه
من املاء فخرالدین.

فرغ‌من‌تسویه‌هذه‌المسائل‌بعون‌الله‌وتوفیقه‌اکثرالعبادزللاواقلهم‌عملاالراجی
من الله غفران ذنبه وستر عیبه بمنه و طوله محمدبن اسمعیل‌بن علی‌بن یونس‌بن ۲۰
عباس‌بن محمدبن منصور بن حسین‌بن الیاس‌الزاهد عفاالله عنه وعن والدیه وذلك
آخر نهار الثلثاء لخمس خلت من شهر رجب الاصب سنة ثمانیة عشر و ثمانمائه.
و کل مسئلة علیها ص نطهرلی انه‌الشیخ بهی والدی عن الفخر ملدمین علیها اسمه
و ماخلا من‌العلامة ماعرف سنده. و افق‌الفراغ من نقلها سادس شهر ذی‌الحجة

سنة سبع وعشرین و ثمانمائه. والحمدلله وحده وصلی اله علی سیدنا و سیدالمرسلین محمد و آله. (آنچنانکه من توانستم بخوانم. بکلیشه بنگرید)

آغاز نکاح در گ ۳٤ ب: بسمله. اللهالموفق. کتاب النکاح. قوله وینبغی ان یتخیر الولود ه. التی تکون امها و لودا واقار بها کذلك الانادرا ه. ضیاءالدین الاعرج:

۵ لو ضم الی السنة طلب المال و الجمال لم یکره بخلاف مالو لم یطلب السنة بل لهما او لاحدهما. و لو طلب کل من المال او الجمال و لم یضم الولد و لا السنة کان ذلك مکروها. قوله ویکره ان یطرق اهله لیلا ه فخرالدین بن المطهر: یرید به الزوجة لاغیر ولایرید به غیرها من الاهل کالاخت و البنت و شبه ذلك. قوله و فی المحاق ه. فخرالدین مشافهة: المحاق یکره فیه الجماع لیلا و نهارا. قوله واوسعهن رزقا ه.

۱۰ ای یرزقه بسببها رزقا و اسعالان نفقتها واجبة فاذا رزق کثیرا کان رزقها وسیعا. ضیاءالدین. قوله و محتلما قبل الغسل ه. من الکتاب الذی قراءه فخرالدین علی والده المصنف و بخطه: روی الصدوق عن رسول‌الله .. فلایلو من الانفسه ه فخرالدین مشافهة قول الشیخ نجم‌الدین سعید.

انجام در گ ۱۹٤ الف و ب: قوله ولامجنون وان ورثوا ه. لوعقل المجنون

۱۵ وهو من العصبة بعد الجنایة او بلغ الصبی .. و کونه معتقا حالها و کتب محمد بن المطهر رحمه... قوله والشرکاء فی عتق عبد واحد ه. من الکتاب الذی قراء علی والده و بخطه: الشرکاء فی عتق عبد واحد .. مثل ذلك الاخ مع بینة. قوله و فی اشتراط ایجاد الجرح اشکال ه. مثاله لوضربه خارصات متعددة فی مواضع ... ضعیف فی عدم التحمل ه. الاقوی عندی ان العاقلة لایحمل ذمة ماتقص عن الموضحة و یؤخذ ماتقص خطاء من الجانی فی ثلث ستین و کتب محمد بن المطهر.

۲۰ قوله ولاتضمن العاقلة عبداً ولا بهیمة ه. مثاله لو جنی عبد لاتضمنه عاقلة مولاه و کذا فی البهیمة. تمم ه. دعاء الرعفة... دعاء الاستخارة جعل یدیه علی منکبه. تحرر المسائل المغربیة بعون‌الله و توفیقه و ذلك فی اوقات آخرها نهار الخمیس لیلة بقیت من شهر رجب المبارك سنة ستة و عشرین و ثمانمائة والحمدلله وحده. غفرالله لمن دعا لکاتبها و جامعها

[۲۱۰۵]

۱۱۹۲ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ کهن وعنوانها بشنگرف میباشد و نیمی از آن درپایان روز سه شنبه پنج روز گذشتهٔ ازرجب ۸۱۸ نوشته شده ودر ٦ ذی‌حجهٔ ۸۲۷ پاکنویس گردید و نیمهٔ دوم درروز پنجشنبه یکشب ماندهٔ از رجب ۸۲٦ نوشته شده است . نام نویسندهٔ آن درپایان نیمهٔ دوم دیده میشود . گ ۱ ب ــ ۹٤ ب . ۵
در ٤۲ الف و ٤۳ الف دعا و خبراست و بندی دربارهٔ کنیه‌های امامان. در ۹۵ الف ــ ۹۹ هم اخباراست بخط دیگرو بدینگونه آغازمیشود «من الجزء الثانی من کتاب تمییز(؟) الطالبین ومناقب الخلفاء الراشدین للشیخ محمد بن یوسف بن محمد الشافعی » .

(همهٔ دفتر ۱۰٦ گ) ــ کاغذ سمرقندی زرد ــ جلد ندارد
اندازه : ۱۹×۱٤ و ۱۰×۱۲/۵ س ۱۹ ۱۰

[۱۷۹۸] مساحت (رسالهٔ ...) (فارسی)

این نامه درسه باب است ودرمساحت .

آغاز : بسمله . بدانکه مساحت عبارت‌است ازاستعلام امثال واحدمفروض خطی یا ابعاض او درممسوح .

انجام : ومساحت جمیع اقسام مذکوره ازاسطوانه یعنی مستدیره ومضلع وقائم ومائل حاصل ضرب قاعدهٔ اواست درارتفاع او . ۱۵

[۲۱۰٦]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۱ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف ودرپایان دارد : «تمت الرسالة الشریفة فی شهر ذی‌قعده من شهورسنة خمسین بعدالالف حرره الداعی طهماسب قلی » درپهلوی آن بخط شکسته دارد : « ازروی خط سیدالسادات میرمحمد زمان سبزواری سلمه‌الله تعالی مسوده نموده شد » گ ۲ ب ــ ۵ الف مهر سیدمحمد کریم دردو برگ آغازدیده میشود . ۲۰

(همه دفتر ۹۳ گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی با برگردان
اندازه : ۱۳/۵×۲۳ ــ ۸×۱۵ س ۱۵

گ ٨٤ الف المسائل الفخريه ش ١١٩٢

گ ٨٨ الف المسائل الفخريه ش ١١٩٢

[۱۷۹۹] **مضیء الاعیان** (فارسی)

مولی حیدر بن محمد خوانساری نگارندهٔ زبدة التصانیف (ص ۲۲٦۷ همین فهرست) بنام «ابو المظفر شاه عباس حسینی بهادر خان» ایندفتر بپرداخت و در سال ۱۰۱٤ (= مضیء الاعیان) آنرا بانجام رساند. ایندفتر شاهکاریست در محاسبهٔ آیتها با شمارش ابجدی . ۵

آغاز : بسمله بدانکه این رساله ایست مسمی بمضیء الاعیان در بیان اظهار اسامی شریف شافع روز محشر و ائمهٔ اثنی عشر ... از زبر بینات آیات معینهٔ کلام ربانی که حضرت حق ... در شأن ... علی بن ابی طالب و باقی ائمه ع تنزیل فرموده ... و بدانکه نزول این آیات . . . در حق علی بن ابی طالب نه تنها از طرف شیعه مشهور است بلکه در کتب جمهور نیز مسطور است چنانکه ... مولانا فتح الله بن ۱۰ مولانا شکر الله کاشی قدس الله سره و نور ضریحه در تفسیر خود که مسمی بمنهج الصادقین است از تفاسیر اهل سنت بیان نمودو... مولانا ابی طالب استرابادی علیه الرحمة و الغفران در ... حدائق المتقین اظهار آن فرموده .

انجام .

صد شکر که ثنای شاه دوجهان ز اسرار کردم نکتهٔ چند بیان ۱۵
تاریخ رساله را و اسمش را هم چون پرسیدم گفت مضیء الاعیان

۱٤۱ (۱۰۱٤) (والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطنا و صلی الله علی محمد و آل محمد) .

[۲۱۰۷]

۱۱۹٦ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنستعلیق و عبارتهای تازی بنسخ درشت تر و رقمها برخی شنگرف میباشد و درروز پنجشنبه ۲۲ ج ۱۲٦٤/۱ ابراهیم ۲۰ شهریاری نوشتن آنرا بانجام رساند . گ ۲ الف ــ ۸۱ الف .

(همهٔ دفتر ۱۳۴ گ) پ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی یکلا
اندازه : ۱۱×۱٦/۵ و ٦×۱۲ س ۱۴

[۱۸۰۰] معدن البكاء (عربی)

محمدصالح بن محمد برغانی قزوینی پس از نگارش غنیمة المعاد و مسلك الراشدین بنوشتن ایندفتر درسر گذشت امام حسین ع بنام معدن البكاء فی مصیبة خامس آل العباء در یك مقدمه وچهارده مجلس و یك خاتمه بپرداخت (ص ۲۰۴۳ همین ۵ فهرست).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین اما بعد فیقول... محمد صالح بن محمد البرغانی مسقطا القزوینی منزلا.

انجام: فادخلت النار فانقلب لسانی الی لسان اهل النار الحمدلله اولا وآخراً ۱۰ وظاهراً وباطنا.

[۲۱۰۸]

۱۱۸۷ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای درشت ترونشانه‌های شنگرف ودردوجدول سرخ وسبزاست از «ا.والقاسم».

۲۷۷ص) - كاغذ فرنگی - جلد تیماج گرباکی متوالی

۱۵ اندازه: ۲۰ ۲۹/۵ و ۱۲/۵ ۲۱/۵ س ۲۷

[۱۸۰۱] معراج الاصول (عربی)

ایندفتر همانستكه درص ۱۷۲۳ همین فهرست شناخته شده است. نام آن دراین نسخهٔ ما «معراج الوصول فی شرح منهاج الاصول» میباشد.

[۲۱۰۹]

۲۰ ۱۲۱۲ این نسخه نسخ با ... و ... است و برخی جاها حاشیه دارد بخط ریزتر و عنوانها درشت میباشد. عنوان مطلبها در گوشهٔ راست بالائی رویهٔ برگها ... نوشته شده است. برگ ... یارپسین نونویس میباشد. برخی برگها را موریانه خورده و ... از عبارتها هم رفته است.

گ ۲ ب معراج الوصول فی شرح منهاج الاصول ش ١٢١٤

آغاز : بسمله . رب تمم ویسر . سبحانك . اللهم یا واجب‌الوجود ویا واهب‌الخیر والجود .

انجام : والله اعلم بالصواب . ولاحول ولا قوة الا بالله‌العلی العظیم والحمدلله رب‌العالمین .

۵ (۳۴:۳) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه . ۱۲/۵× ۲۲ و ۸/۵× ۱۸ س ۲۰

[۱۸۰۲] معراج‌الحکیم ومنهاج‌القویم (فارسی)

دراین‌دفتر از کیمیا گفتگو شده و نگارندهٔ آن ناشناخته است .

آغاز : بسمله . و به نستعین . این کتاب که مسمی بکتاب معراج‌الحکیم

۱۰ ومنهاج‌القویم بود بدست این‌بنده آمده و پس‌ازشرح مفصل سرلوحهٔ آن که نامی از شارح و مصنف آن برده نشده بود و نسخه کننده درآخر کتاب نوشته بود که این نسخه ازخزانهٔ حضرت ثامن‌الائمه حضرت رضاعلیه‌السلام استنساخ شده تیمنا و تبرکا از مقدمه شروع نمود و من‌الله‌التوفیق و علیه‌التکلان . اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم بسمله بدان ارشدك‌الله الی سواءالسبیل که موضوع علم

۱۵ صناعت کیمیا فلزات ذائبه منطرقه است از حیث استعداد وصول آنها بغایت کمال که آن مرتبهٔ ذهبیت است .

انجام پس هرجسدی که قابل و لایق داند طرح کند وهوالموفق والمعین (این نسخه از کتابخانهٔ حضرت امام رضا . نوشته شد قد تم‌الکتاب بیدی ... فی لیلة‌الثامنة من شهر رجب . سنة ۱۳۰۵ ... حسب‌الفرمایش ... این وجیزه

۲۰ [illegible] در لیلهٔ [illegible] و چهارم رجب یکهزار و سیصد و پانزده ۱۳۱۵ بیداقل [illegible] (الفرشی) .

[۲۱۱۰]

[illegible] ها [illegible] و درشت‌تر میباشد .

[illegible] ۱-۱۰۹

۲۵ (۶۲:۱) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای

اندازه : ۱۱× ۱۷ و ۷× ۱۲/۵ س ۱۳

[۱۸۰۳] معراج الشريعة فى شرح منهاج الهداية (عربى)

دانشمند شیعی محمد ابراهیم کلباسی درفقه منهاج الهدایه نگاشته است (کنتوری ص ۵۶۷ – طوس ۵ : ۶۲۹) و گویا پسرش محمد مهدی (م ۱۲۹۲) این گزارش آمیخته را بر آن نوشته و بدین نام نامید (طوس ۵:۵۰۹).

[۲۱۱۱] ۵

۱۲۱۵ این نسخه بنسخ است وعنوانها شنگرف ومتن زیرخط سرخ و چنین است :
آغاز : الجزء الثالث من اجزاء معراج الشريعه . و به توكلى و اعتمادى .
بسمله . الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين ... و بعد فهذا هو الجزء الثالث من اجزاء معراج الشريعة فى شرح منهاج الهداية فى صلوة الجمعة والعيدين والآيات وغيرها من الصلوات الواجبة والمستحبة واحكام السهو والشك والجماعة ۱۰ و صلوة المسافر و احكام الجنائز . قال اعلى الله مقامه : المقصد الثالث فى بقية الصلوات وفيه منهاج .

انجام : و ليكن هذا آخر المجلد الثالث من مجلدات معراج الشريعة ويتلوه المجلد الرابع فى كتاب الزكوة والخمس و الصيام وفقنا الله للاتمام .. وكان الفراغ من تسويده فى العشر الآخر من شهر ربيع الاول سنة خمس وستين و مأتين من بعد الالف من الهجرة ۱۵ على هاجرها آلاف التحية والسلام والصلوة (۲ ب – ۱۷۴ الف) .

(۱۷۴گ) – كاغذ فرنگى – جلد تيماج سرخ ضربى مقوالى
اندازه : ۱۹´ ۲۹ و ۹/۵´ ۱۸ س ۲۷

[۱۸۰۴] معيار الساعات (فارسى)

این نامه همانسنکه در ص ۹۵۰ همین فهرست (ش ۴۸۱) شناسانده شده است . ۲۰

[۲۱۱۲]

۹۷۲ این نسخه ش۳ دفتر است و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف درگ ۱۹ ب – ۳۵ الف میباشد .

[۱۸۰۵] معیار العرفان (عربی)

غیاث‌الدین منصور فیلسوف دشتکی شیرازی (م ۹۴۸) تعدیل‌المیزان نوشته
ودرآن بشفای شیخ وسخنان لوکری و بهمنیار و فخر رازی و خواجهٔ طوسی‌و
سهروردی‌وابهری‌وکاتبی‌وسمرقندی‌نگارندهٔ‌قسطاس‌وشهرزوری‌شارح‌تلویحات
۵ و پدر خود که درآن زمان زنده بود نگریسته و برخی ازآنها را با رمز نشان
داده است . این کتاب او که خود دردیباچه چنین نامیده چند نمط و یك مشرع
ودومنهج هریك دارای چند مطلب درآن گذارده شده است . او میخواسته‌آنچه
این‌دانشمندان درمنطق گفته‌اند درآن بیاورد و بررسی‌های خودرا برآن بیافزاید
وروش ارسطورا‌هم نگاه‌بدارد . شوشتری درمجالس‌المؤمنین میگوید «کتاب
۱۰ تعدیل‌المیزان در منطق که خلاصهٔ منطق شفا است با سوانح طبع نقاد ایشان ،
دیگر کتاب معیارالافکار که خلاصهٔ تعدیل‌المیزان است » او پس‌از برشمردن
نگارشهای دشتکی می‌نویسد « اینست آنچه از تصانیف حضرت میر بنظر فقیر
رسیده » آغاز این تعدیل را چنانکه در نسخه‌ای ناقص که تا پاره‌ای از مطلب
چهارم منظر یکم نمط چهارم درمبحث حمل از رسالهٔ پنجم و کتاب چهارم
۱۵ درانولوطیقاوقیاس را دارد چنین دیده‌ام «بسمله . یاغیاث‌المستغیثین ایدنابتعدیل
میزان‌الانظار تبصرة لمقاصدالنجاة والشفاء وسددنا بتقویم معیارالافکار وصولا
الی منتهی اشارات‌العرفاء ... »(از روی نسخهٔ مرعشی- نیز ذریعه ۴:۲۱۱- ذیل
چلبی ۱:۲۹۵) .

دشتکی چنانکه شوشتری هم گفته است از تعدیل‌المیزان گزین نموده در یك
۲۰ فاتحه و نه فن در سه بروش فارابی و ابن سینا «معیار العرفان» چنانکه در نسخه ما
آمده نام معیارالافکار» چنانکه در مجالس‌المؤمنین و پیروی از آن‌درذریعه یاد
شده است نوشته و در چندجای آن (مانند گ ۶ ب و جز آن) از همین تعدیل‌المیزان
یاد کرده و خواننده را بدان باز گرداند. او درهریکی از فنون همین معیارالعرفان
همان نامهای یونانی بخشهای ارغنون ارسطو را داده‌است‌و گویاپس‌از خواجهٔ‌طوسی

دراساس الاقتباس و منطق تجرید کسی بجز دشتکی کتابی باین خوبی و رسائی آنهم بروش پیشینیان ننوشته باشد .

او پس از برهان در فنون ششم تا نهم، مغالطه و شعر سپس خطابه و جدل را آورده است نه بروش پیشینیان .

۵ درفهرست طوس (۱: ٤ منطق) از تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار اثیر الدین ابهری و گزارش آن از خواجهٔ طوسی بنام تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار نگارش ٦٦٥ یادشده و این دومی معیار الافکار دشتکی پنداشته شده است با اینکه بگواهی ذریعه (٤: ۲۱۰) باید از طوسی باشد (نیز چلبی ۱: ۳۳۷- ذریعه ٤: ٤٥٥) و این یکی با هیچیك از دو کتاب تعدیل المیزان و معیار العرفان دشتکی پیوستگی ندارد .

۱۰ درهمین فهرست طوس (٤: ۳٦۸) دو نسخه از همین «معیار العرفان» شناسانده و پنداشته شده که «تعدیل المیزان» دشتکی است با اینکه فهرست مطلبها و آغاز و انجام آنها درست مانند نسخهٔ ما میباشد. پس با نسخهٔ ما سه نسخه از معیار العرفان دشتکی را میشناسیم . این هم گفته شود که در هامش حاشیهٔ ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق تفتازانی چاپ ۱۳۲۳ حاشیه هائی است با نشانهٔ « تعدیل المیزان » و آن از دشتکی ۱۵ نیست و حاشیه ایست بر این حاشیه و چنانکه چاپ کنندهٔ آن نوشته است همهٔ آنهم درهامش آمده است (ذریعه ٦: ٦۱) و محشی آن هم شناخته نگشت .

آغاز : بسمله . اللهم ایدنا بالمنطق الفصیح و وفقنا بالنظر الصحیح و صل علی غیاث حق منطقه معیار العرفان و تعدیل میزان الحجة و البرهان و اجعل اهله اهل الحق منصوراً و من صدقه بنیل ماصوره مسروراً و بعد فان الفقیر الحقیر غیاث ۲۰ المشهور بمنصور یقول لما ذهبنا بتکمیل عیار جواهر الانظار المحلی بها مرآة حقائق الافکار ودقائق الاسرار الشارقة من مشارق الانوار دعانا بعض الاخیار الی نظم معیار اعتبار هذه العیار فرتبناه تبصرة للنظار من ارباب الانظار و تذکرة للاحبار الاخیار من اصحاب الاعتبار و نظمناه مسئولا فی تسعة فنون مفتتحاً بفاتحة نافعة .

انجام : فمبادی الجدل اما عامة او محدودة او مخصوصة ومنفعته الزام المبطلين
و افحام المعاندين و اقناع العوام و المتعلمين القاصرين عن درجة البرهان و الصلوة
والسلام على سيد العالمين محمد النبي العربي الامي الهاشمي الذي هو خير من اوتي
الحكمة و فصل الخطاب و على آله و احبائه مقتدي اهل العلم و اولي الالباب (تمت
۵ الرسالة المسماة بمعيار العرفان . اللهم ابد ظلال مؤلفها على كافة الطلاب و اجعله
على اعدائه منصوراً و مظفوراً . م) .

[۲۱۱۳]

۱۱٤۷ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط شمارههای پیش است و پیداست
که در زمان خود دشتکی نوشته شده است . گ ۳۵ ب ـ ٦۲ الف . حاشیههائی
۱۰ در آن هست بهمان نسخ متن ولی ریزتر یا بنستعلیق با نشانهٔ «منه» و «منه مدظله»
(٤۹ ب و جاهای دیگر) و «صدر القضاة» (٤۳ الف) و «ملاجلال» (٤۳ ب) . عنوانهای
مطلبها در کنار برگها دیده میشود .

[۱۸۰٦] مقابس الانوار و نفائس الاسرار (عربی)

شیخ اسدالله بن اسماعیل درفولی شوشتری کاظمی (نزدیك ۱۱۸٦ - ۱۲۳٤)
۱۵ در این کتاب از فقه با استدلال کوشش نمود او در دیباچه از سرگذشت دانشمندان
شیعی نوشتهای سودمند آورده است (باندازهٔ نسخهٔ ما) و شاید همین دیباچه باشد
که جداگانه نوشته و تنکابنی آنرا سرگذشتنامهای دیگر ازاو بشمار آورده است
(تنکابنی ص ۳ ـ ذریعه ٤ : ٦۰ و ۱۰ : ۹۵ ـ اعلام الشیعه ۲ : ۱۲۲ ـ اعیان الشیعه ۱۱ :
۱۳۵ ـ فهرست ۵ : ۱۳۵ و ٦۱۹) .

۲۰ [۲۱۱٤]

۱۰۷ [illegible] ۱ دفتر است و [illegible] های شکرف میباشد .
[illegible] ۲ ب ـ ۱۵۲ الف [illegible] ۲ ـ ۳ دیباچهٔ مقابس الانوار چاپ سنگی
[illegible] ۱۳۲۲ .
آغاز : [illegible] انوار هدایة و شرائع الاسلام و قواعد الاحکام .
۲۵ انجام : [illegible] الاقناع و ایرجع الیه من حاول مرید التحقیق

ووفور الاطلاع والله المستعان فی البدو والختام و به الاعتصام.

پس از این در ۵۳ب ـ ۵۴ الف بخط نستعلیق بندیست دربارهٔ بانك كردن گوش درشبها وروزهای هفته .

(همهٔ دفتر ۱۰۰گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشكی ضربی
اندازه : ۱۰/۵×۱۵/۵ و ۶×۱۰/۵ س۱۵ ۵

[۱۸۰۷] مقامات (عربی)

ایندفتر در ۵۰ مقامه است و ابی‌قاسم‌بن علی حریری بصری (۴۴۶-۵۱۶) دربصره بروایت ازدو مردی ساختگی بنام حارث‌بن همام از ابی‌زید سروجی برای انوشیروان وزیر آنرا ساخته است . چندین گزارش براین مقامات نوشته‌اند كه درچلبی (۲:۹-۴۹۴) یادگردید (۱) . ۱۰

۱ـ پیش از حریری ابن بسام ابی‌الحسن علی بسامی شاعر م۳۰۳ برای ابی‌حامد محمدبن محمد شهزوری در ۳۰ مقامه و بدیع‌الزمان همدانی م ۳۹۸ در ۴۰ مقامه بروایت ازعیسی بن هشام از ابی‌الفتح اسكندری ودرروزگار حریری و پس از او زمخشری م۵۳۸ پس از ۵۱۲ در ۵۰ مقامه و شیخ جمال‌الدین ابی‌الطاهر محمد سرقسطی ابن‌اشتر كونی م ۵۳۸ بروایت از منذربن حمام از سائب‌بن همام در ۵۰ مقامه بنام سرقسطیهٔ لزومیه ۱۵
و ابی‌العباس یحیی نصرانی بصری پزشك م ۵۸۹ بنام مسیحیه و ابوالندی ابن صیقل معدبن ابی‌الفتح نصرالله‌بن رجب جزری م ۷۰۱ بروایت از قاسم‌بن حربال از ابی‌نصر مصری بسال ۶۷۲ بنام زنبیه و بدرالدین ابی‌المحامد احمد رازی بروایت از قعقاع‌بن زنباع در ۱۲ مقامه بسال ۷۰۰ و شمس‌الدین محمد جذامی صائغ دمشقی م ۷۲۰ بنام شهابیه برای قاضی شمس‌الدین خوئی وسیوطی م ۹۱۱ در ۲۹ مقامه یا رساله ۲۰
مقامات نوشته‌اند . ازمقامات روحهٔ محمدبن عیاض لیثی هم نام برده‌اند . درزبان فارسی مقامات حمیدی را میتوان یاد كرد كه نگارندهٔ آن در ۵۵۹ در گذشت ودر ۲۴ مقامه است (سبك شناسی ۲:۳۲۴) .

اطواق‌الذهب زمخشری در ۹۹ مقاله و اطباق‌الذهب شرف‌الدین عبدالمؤمن شفروهٔ سپاهانی (سدهٔ ۱۰) در ۱۰۲ مقاله گرچه افسانه نیستند ولی درعبارت نزدیك ۲۵
باین مقامات میباشند .

آغاز : هذا کتاب مقامات الحریری لابی القاسم البصری . بسمله . اللهم انا نحمدك علی ماعلمت من البیان والهمت من التبیان .

انجام : ویحظی بالمفوا نههواهل التقوی واهل المغفرة وولی الخیرات فی الدنیا والآخره والحمدلله تعالی حمدا یضاهی فضله ویشکل نعمته والصلوة علی نبیه المصطفی وآله اجمعین .

[۲۱۱۵]

۱۱۰۵ این نسخه بخط نستعلیق خوش است با نشانهها و عنوانهای شنگرف میباشد . حاشیهها لغوی در آن هست بخط ریزتری در ۱ الف تاریخ ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۶۸ دیده میشود . در آن دارد «سنهٔ ۱۲۶۰ـ این کتاب مقامات را درمیدان صاحب تبریز دریوم سه شنبه دهم ربیع ثانی عام ۱۲۹۴ خریدم بمبلغ ۵۰۰۰۰ .

۲۴۴گ ، کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵/۵×۲۲/۵ و ۷ : ۱۴ س ۹

[۱۸۰۸] المقتنی فی سرد الکنی (عربی)

شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی ترکمانی دمشقی شافعی حافظ مورخ (۶۷۳ ـ ۳ ذی‌قعدهٔ ۷۴۸) در این نامه از کنیه‌هائیکه در آغاز آنها « اب » یا « ام » است گفتگو نمود و آنرا از روی الکنی از نسائی وابواحمد حاکم که در چهارده سفر است نوشته است و ایندو ترتیبی نداشتند و او مرتب نموده و کنیه‌های « ام » را هم که در آنها نبوده است بر آن افزود (ریحانة الادب ۵۵:۲) چلبی (۲۰۰۰۵) مینویسد که ذهبی آنرا در ۷۳۲ بانجام رسانده وسقافسی هم آنرا در همین سال بر وی خوانده و جزئی در کنی نسائی بر آن افزود . در نسخهٔ ما چنین یادداشتی هست و آن جزئی هم که دربارهٔ کنیهٔ زنان است افزودهٔ خود او است

آغاز : بسمله . وصلی الله علی سیدنا محمد و آله . الحمدلله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ابدا . یقول ... محمد بن احمد بن الذهبی ... فهذا مؤلف تمس الیه اعظم الحاجة فی معرفة الکنی .

انجام : ام‌الهذیل عن انس هی حفصة بنت سیرین . . . و کثیر منهن تکنی بکنیة زوجها والله اعلم (تم الکتاب المبارك ... علی ید .. عمران بن عامر الازهری المالکی ... اواخر یوم الاحد المبارك ثانی عشری شوال ... من شهور سنة ۱۰۹۰ وحسبنا الله ... ویتلوه ... نزهة الالباب فی الالقاب لابن حجر جزء لطیف نحو امن خمسة عشر کراساً والله اعلم) .

[۲۱۱۶]

۱۱۵۶ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف عمران بن عامر ی ازهری مالکی که در پایان روز یکشنبه ۲۲ شوال ۱۰۹۰ آنرا بانجام رساند . گ ۱ ب ـ ۱۰۵ الف .

(همهٔ دفتر ۳۱۷۴) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد تیماج تریاکی زرکوب مقوائی با برگردان
اندازه : ۱۹×۲۹ و ۹/۵×۲۰/۵ س ۲۹

[۱۸۰۹] ملاذ الاوتاد (عربی)

محمد جعفر استرابادی معالم را نزد سیدعلی طباطبائی درس خوانده و آنچه از استاد شنیده بود (با نشانهٔ «قس . . . کذا» «ر الاستاد» یا مانند این) در این دفتر که ملاذ الاوتاد نامیده است گنجانده و از خود هم چیزهائی بر آن افزود و نشانهٔ اینها در بیشتر جاها « اقول » میباشد . آنرا او در ماه هفتم ۱۲۲۸ بانجام رساند .

آغاز : بسمله . الحمد لله الذی هو اصل فوق الاصول والذی انشأ الفروع من الاصول ... فیقول ... محمد جعفر الاسترابادی هذه تعلیقات ... علی اصول المعالم کتبتها حین اشتغالی بتحصیلها علی وجه الاستدلال عند . . . مولانا السید علی الطباطبائی البهبهانی دام ظله و جمعت فیها ما سمعت منه دام اقباله . . . سمیتها بملاذ الاوتاد .

انجام : هکذا آخر ما اراد ... محمد جعفر الاسترابادی تألیفه من تحقیقات ... السید علی الطباطبائی البهبهانی ادام الله ظله و مما وصل الیه نظری القاصر و لما کان غالب هذه التعلیمه من تحقیقات الاستاد سمیتها بملاذ الاوتاد و کان الفراغ من تألیفها

في الشهر السابع من السنة الثامنة من العشر الثالث من المائة الثالثة من الالف الثاني من الهجرة النبوية المصطفوية على هاجرها الف صلوة وسلام وتحية .

[۲۱۱۷]

۵ ۱۲۱۲ این نسخه بنسخ ملا علی محمد قندهاری است در تاریخ ع ۱۲۳۳/۲ و دو تاریخ ۱۲۹۲ و ۱۳٤٦هم ازدارندگان نسخه در ۳ الف دیده میشود . کتاب ۳ب ـ ۲۵۷ ب .

(۳۲۶۰م) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱۶٬ ۲۱ و ۱۰ - ۱۵ س ۲۲

[۱۸۱۰] ملهمة بالصواب (فارسی)

۱۰ آخوند ملا محمد بن علی اصغر گلپایگانی نگارندهٔ واردات غیبی (چاپ ۱۲٤۸ تهران) و تکملة الصافی و تقریب المرام و کشکول از دانشمندان بنام بوده است .
او در این دفتر که در کلام شیعی آمیختهٔ با عرفان اخباری است یك مقدمه در جواهر و اعراض و سه مقاله، نخستین در اثبات واجب در شش فصل دوم در احوال مبدء کائنات در هیجده فصل و یك خاتمه سوم در معاد در یك مقدمه و سه طریقه ۱۵ هر یکی چند فصل، گذارده است او آنرا بدرخواست برخی نگاشته و در ۱۲٤٤ بدان میپرداخت .

آغاز : (رسالهٔ ملهمة بالصواب محمد بن علی اصغر گلپایگانی) اما بعد . نظر بمسئول بعضی از اجلهٔ کرام و التماس گروهی از طالبین ذوی العز والاحترام عنان ارادت بسوی آن مصروف شد که کلماتی چند در بیان احوال مبدء و معاد ۲۰ [illegible] آورم [illegible] و اکنون نفس با انتهاء من سنهٔ شکسته بال محمد ابن علی اصغر جز ماده‌ای درین حال از کثرت افسردگی و نهایت دلتنگی چنان مقدورم نبود که درین باب کتابی مؤلف در آورم که در بسط آن اکثری از مسائل علوم مفصل مشروح رود لهذا بمرمت جمع بین اجابت مسئول و امتثال دستور اهل وصول و بمقتضای شوریده حال و خاطر ملول در آمدم رسالهٔ باختصار نزدیك

وعجالةً ازاطناب‌وعبارت‌پردازی‌دور بترتیب درآورم و آنرا «ملهمة بالصواب»
نام‌نهادم .. واین رساله مشتمل است بریك مقدمه وسه مقاله (گویا یك صفحه‌ای
ازخطبه در نسخهٔ ما نیست) .

انجام : بدانکه این‌رساله چون در تاریخ یکهزارودویست وچهل وچهار
بتألیف درآمد و پیش‌از آنکه از مسودهٔ باطله باوراق صحیحه مسطور گردد ۵
ازبرای شخص بزرگی ازروی مسوده نسخهٔ مکتوب رفت و چونکه حقیر خود
خواستم که‌آن مسوده را دراوراقی چند بکتاب‌آورم درقسم معادآن تغییر کلی
دادم که کمی‌از آن عبارات واندکی‌از آن کلمات را نسخه کردم وعبارات وجیزهٔ
دیگر و کلمات انیقهٔ بهتر درحال تحریر بجای آن عبارات متروکه درآوردم
ودرقسم مبدء هم تغییرجزئی درفصول‌آن دادم پس‌هرگاه‌آن مسوده یاآن نسخه ۱۰
که ازروی‌آن مسوده مکتوب رفت بنظر تو رسد ودردست تو افتد ودرهریك
ازآنها عبارتی رکیك ومطلبی سخیف مشاهدت نمائی حمل برسهوقلم و نسیان
خاطر کن نه برسوء اعتقاد وفساد مقال و هرگاه براین نسخه که خود از مسوده
برداشتم ودرجرح وتعدیل عبارت آن اهتمام نمودم مطلع گردی وآنرا دریابی
شاید که تصدیق‌آوری واذعان کنی والسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی (ولقدحرره‌الاقل ۱۵
الآثم محمد تقی‌بن محمد کاظم‌الگیلانی‌اللاهجانی ... وکان‌الاتمام فی یوم‌الاربعاء
من سادس عشر شهر ربیع‌الآخر فی سنة ۱۳۲۰ فی قصبة‌الآشتیان . اللهم اجعل
عواقب امورنا خیرا ... بمحمد وآله صل علی محمد وآله) .

[۲۱۱۸]

۱۰٦۲ این نسخه بخط شکسته نستعلیق است وعربیها وعنوانها نسخ وآغازمطلبها ۲۰
زیرخط سرخ میباشد . کتاب۲الف ـ ۵۸ الف . در۵۸ب ـ ٦۳ب مطلبهای
پراکنده است از نظم و نثر . در ۱ ب گفتاریست از جناب واقف دربارهٔ همین
گلپایگانی

(٦۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا تیماج

اندازه : ۱۰/۵×۱٦ و ۷×۱۲ س ۱۳

[۱۸۱۱] منیة الممارسین (عربی)

پرسشهایست فلسفی و اصولی که شیخ یاسین بن صلاح الدین بن ناصر بن علی بلادی از شیخ عبدالله بن شیخ صالح بحرانی سماهیجی اخباری (م ۹ ج ۲/۱۱۳۵) کرده و پاسخ گرفته است (کنتوری س ۵۷۰ ـ روضات س ۳٦۳ ـ فوائد رضویه ۱:۲۵۱ ـ ریحانة الادب ۲:۱۲۳) او پس از دیباچه نخست پرسشها را آورده آنگاه بند ببند بدانها پاسخ گفته است .

[۲۱۱۹]

این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نسخ و عنوانها بشنگرف و در بیشتر جاها جای آنها سفید است حاشیه‌های لغوی دارد بنستعلیق شمارهٔ مسئله‌ها تا ۵۱ درهامش خوانده میشود . گ ۱ ب ـ ۵۹ ب .

آغاز : والمرتبة الوسیعة وتبحر فی علم الحدیث الواسع المضمار (از دیباچه) . . . و قد سمت هذا الکتاب بمنیة الممارسین فی جوابات الشیخ یاسین .

انجام : قال لازال محروساً وما العلة فی کون الاشهر اثنی عشر والاسبوع سبعة ـ لم اقف فی ذلک الآن علی حدیث ... قال زاده الله تعالی اماناً وهل الاسلام والایمان مترادفان ام العموم لاحدهما ـ لاشك ان الاسلام اعم من الایمان مطلقا .. الا انا نقتصر منها علی اثنی عشر حدیثا

از گ ٦٤ تا ۸۵ ب شرح زیارت است عربی و از ۸۵ ب تا ۹۵ الف اخبار است فارسی و از ۱۰٦ الف تا ۱۷۳ الف ... رسی و همه اینها ناقص است دیگر برگها سفید میباشد .

(۳۱۷۷ م) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ عربی متوالی
اندازه ۵/۲۱ ۵/۳۱ و ۱۳ ۵/۲۲ س ۲٦

[۱۸۱۲] نامهٔ فرزند (فارسی)

دو ترجمه نامه «ایها الولد» از رساله محمد غزالی در الجواهر الغوالی درمصر سال ۱۳۴۳ بچاپ رسیده است و از سر بخش آن با این نامه برمیاید که ترجمه‌ایست از آن رساله که در کشف (۱ : ۴۱) می‌نویسد «ومنها ایها الولد وهی فارسیة

عربها بعض العلماء وسماه بهذا الاسم مشهور» پس باید متن فارسی آن از غزالی بوده و دانشمندی آنرا بتازی درآورده باشد نه اینکه این یکی را هم غزالی ساخته باشد. از این پارسی دو نسخه‌ای در این کتابخانه هست و یکی (ش۸۸۱/۱۳) آن در ص ۵۰۷ و ص۷۱ باز پسین سخن همین فهرست شناسانده شده است. این پارسی در دنبال «مکاتیب فارسی غزالی» در تهران بسال ۱۳۳۳ خ بچاپ رسید (۱) ودر آنچاپ نوشته نشد که فارسی «ایها الولد» است. متن تازی در بسیاری از جاها کم دارد و ترجمان عبارتهائی از آنرا انداخته است. یك بیت:

«واز عم انی هائم ذو صبابة — لربی فلا ابکی و تبکی البهائم»

درفارسی نیامده (ص ۹۷) ودر تازی دیده میشود (ص ۳٤). شعر:

گرمی دو هزار رطل بر(همی) پیمائی

تا می نخوری نباشدت شیدائی»

درهردو (ص۲۹ این و ص۹۳ آن) دیده میشود. عبارت «همچنین در طریق اهل البیت علیهم السلام دعاهای نیکو بسیار آمده است» (ص ۱۱۲) در تازی (ص ٤۷) ترجمه نگشت و بهمان ترجمهٔ «اما دعائی که خواسته دعاها در صحاح بسیار آمده باید که آنجا یاد گیری» بدینگونه «واما الدعاء الذی سألت منی فاطلبه من دعوات الصحاح» بس کرده شد. باز در پارسی این عبارت «همچون عایشهٔ صدیق رضی الله عنها و عن ابیها» آمده و در تازی دیده نمیشود (همانجاها) از نگریستن بمتن تازی برمیآید که بشیوائی وروانی سخنان غزالی نیست و کسیکه آنرا از روی فارسی بتازی درآورد مانند غزالی آزاد اندیش نبوده و نمیخواست از آئین شیعی نشانی در آن باشد. دلیل دیگر بر اصل بودن تازی همان بیت فارسی است که درهردو آمده و دور است که در کتابی تازی شعری پارسی گواه آمده باشد.

۱ــ در این چاپ نامه‌های غزالی همانهائیکه در اکبرآباد هند بسال ۱۳۱۰ و در تهران باز بکوشش آقای مؤید ثابتی درهمین سال بچاپ رسید آمده است. درفهرست مجلس (ش۵۹٤/٤) از «جواب مسائل نامه خراسان» یاد گردید که پاسخها است گویا از شهاب الدین عمر سهروردی به نوزده پرسش عرفانی و بتازی.

درپرسش شاگردیکه این نامه را از استاد غزالی خواسته است و همچنین درخود نامهٔ او یادی از «احیاء» شده است (ص ۹۱ و ۱۱۱ پارسی و ص ۲۷ و ۴۷ تازی) درپارسی درپرسش آن شاگرد از کیمیا و جواهرالقران ومنهاج السنة هم یادگردید پس میتوان گفت که این نامه دردور ذوقی روزگار غزالی بنگارش درآمده است (نیز بنگرید به گفتار وات Watt در ص ۴۲ و ۴۴ روزنامهٔ انجمن همایونی آسیائی ش ۱ و ۲ سال ۱۹۵۲ـ متون ماسینیون ص ۹۳ – ص ۶۴۶ همین فهرست) میشود هم گفت که خود غزالی آنرا بتازی درآورده است چنانکه کیمیای سعادت او نیز گزیده‌ایست از پارسی بتازی (ص ۶۷۱ همین فهرست) دربارهٔ آن زبیدی (۱:۲۵) میگوید «وممانقم علیه ماذ کرمن الالفاظ المستبشعة بالفارسیة فی کتابه کیمیاء السعادة» واز اینجابرمیآید که گذشته ازاینکه ظاهریان از روش آزاد غزالی ناخشنود بودند دسته‌ای عرب مآب هم از فارسی‌نویسی او نکوهش میکردند چنانکه از سیداسمعیل گرگانی (۴۳۴ – ۵۳۱) هم خرده گرفتند که چرا ذخیره را بپارسی نوشت واو ناگزیرشد که آنرا بتازی درآورد (همین فهرست ص ۷۶۰) پس میتوان گفت که خود غزالی هم ناگزیرگشت که کیمیا را بتازی درآورد گویا هم دیگری بدین کار پرداخته است چنانکه نصیحة الملوك او را که بسال ۵۰۳ برای ملك مشرق سنجر بن ملکشاه (۴۹۰ – ۵۱۱) نوشته است صفی الدین ابوالحسن علی بن مبارك اربلی دانشمند سدهٔ ششم گویا برای اتابك موصل آل سلجوق (۵۹۵) بنام التبر المسبوك فی نصیحة الملوك بتازی درآورد (۱)

(۱) [illegible] ۱۷ ـ ۱۳۱۵ ج تهران – زبیدی ۱ [illegible] ۴۳ [illegible] ۱۱۰۴ [illegible] ۱۷۵ و ۱۸۰ـ [illegible] رای کیمیای [illegible] ۸ ش ۷ ص ۴۳۵ ـ [illegible] المسبوك [illegible] ۱۳۱۷ [illegible] استوان دیده‌ام [illegible] ۲۹ و ۱۱۱۱/۱ [illegible] وده و اندکی [illegible]

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز : بسمله . حمد بی‌نهایت ومدح بی‌غایت آن خدائی را که حمد جملهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نخستین بار که احیاء غزالی بمغرب رسیده بود یکی از مغاربه از آن خرده‌هائی گرفته و کتاب‌الاملاء فی‌الرد عن‌الاحیاء نوشته است سپس خوابی بدید که بزرگواری ونیك نهادی عزالی در آن برای او آشکار شده بود واوهم‌ازاین گناه خویش پشیمان گشت (زبیدی ۱:۲۸) روی همین خرده گیریها بود که غزالی ناگزیر شده بود «الاملاء علی مشکل‌الاحیاء» بنگارد وبدانها پاسخ‌دهد واین‌همانست که «الاجوبة‌المسکتة عن‌الاسئلة المبهتة» هم نامیده میشود ونخستین کتابی‌است که دربارهٔ احیاء نوشته شده ودفتریست کوچك ولطیف که زبیدی آنرا داشته بود ومیگوید که ندیده‌ام پیش‌از من کسی بجز این کتاب درباره احیـاء چیزی‌نوشته باشد یاگزارش کرده باشد جزآنها که حدیثهای احیاء را بیرون کشیده‌اند و سند آنها را آشکار بداشتند (همانجا ص ۴۰و۴۱) . این کتاب بنام « الاملاء فی اشکالات (مشکلات) الاحیـاء » درکنار جلد یکم گزارش زبیدی (ص ۴۱ـ۲۵۲) بچاپ رسید . همچنین در گزارش زبیدی (ج ۹ ص ۳۹۴ ـ ۴۰۰ و ۴۱۱ ـ ۴۱۷) پاره‌هائی‌از آن آمده است .

این‌را بایدداست که خرده گیریهای‌خراسانیان ومغربیان برسخنان غزالی‌دراحیاء وکیمیای‌سعادت ومشکوة‌الانوار والمنقذ من‌الضلال دربارهٔ هفت موضوع است .

یکی اینکه چرا توحید را بچندگونه بخش کرده و موحـدان را چند دسته پنداشته است او درپاسخیکه بخراسانیان داده و همان را نوشته برای پادشاه سنجر فرستاده است ازتوحید عوام وخواص و از شش درجهٔ آن : زبانی وتقلیدی و برهانی وحالی ورهدی وفنائی گفتگو نمود (مکاتیب فارسی غزالی چاپ تهران ص ۱۲ـ۲۰) ودراملاء هم (ص ۷۴ـ۱۵۹) گفته که چرا دراحیاء چهارگونه توحید : «ارباب‌النطق المفرد (ص۷۶و۸۱) واهل‌الاعتقادالمجرد(۱۰۰) ومقربین(۱۱۹) وصدیقین (۱۴۸)» گفته وبخرده گیران پاسخ داده است .

درنامه‌ایکه عزالی به نظام‌الدین احمد در۵۰۴ نوشته است هم از عوام وخواص و خاص‌الخاص مردم یادکرده (مکاتیب ص ۴۲ ـ کشکول بهائی ص ۲۶۷ ـ دیباجهٔ معیارالعلم ـ غزالی‌نامهٔ همائی ص ۱۹۳) .

دوم‌اینکه‌چرا خدا رانورخوانده‌است وپاسخ‌این‌یکی‌درهمان پاسخ بخراسانیان

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

دربرابر کمترین درجه ازدرجات آلاء و نعماء وحقیر است . شکر گفتن بندگان
مرنعمتهای او را عین نعمت اواست و مشغول بودن مکلفان بعبودیت و طاعت او
محض هدایت ورحمت او. فیض فضل او برمحتاجان موقوف سؤال ایشان نابوده
وهرجزء لایتجزی که درعالم کائنات ومبدعات رقم نیستی دارد برمقدسی او براهین
نامتناهی نموده ودرود فراوان وصلواة بی‌پایان برمرقد مطهرومشهد منورمعطر ۵
محمد مصطفی صلی‌الله علیه وآله باد و برآل واصحاب اوسلم تسلیماً کثیرا .

یکی از شاگردان محمد غزالی بعداز آنکه درخدمت او تحصیل علوم
کرده بود وازهرعلمی بهرهٔ تمام برده با خود اندیشه کرد .

انجام : واعتق رقابنا و رقاب آبائنا و امهاتنا من‌النار برحمتك یا عزیز
یاوهاب یا غفور یا غفار یا کریم یا ستار یا حلیم یا جبار بفضل رحمتك یا ارحم ۱۰
الراحمین .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

درفتوحات اندلسی (۲ : ۳۸۰ ــ ۵۳۷ چاپ ۱۳۲۹ مصر) گسترده‌تر گشته و گزارش
شده است .

۱۵ گویند احیاء بمغرب که رسیده بود فرمانروای آنجا علی‌بن یوسف دستور داد
آنرا بسوزانند چون پنداشت که سخنان فلسفی درآنست و بیم داد که هرکس را
نسختی ازاحیا نزدش بیابند خواهم کشت و همین سبب شد که درکشورش آشفتگی‌ها
رخ دهد وسپاهیان براوشوریدند واوهم پس‌ازاینکه شاهی دادگر بوده مردی ستمکار
وتبهکار گشت (تعریف‌الاحیاء بفضائل‌الاحیاء عبدالقادرعیدروسی باعلوی درکنار اتحاف
۲۰ زبیدی ۱: ۲۵) .

نیز میگویند که قاضی عیاض دستور داده بود که احیاء را بسوزانند و غزالی
این را شنید و باو نفرین کرد . اودرهمین هنگام که درگرمابه بود ناگاه بمرد وبرخی
گویند که مردم شهرش اورا یهودی خواندند چون اوروزشنبه ازخانه بیرون نمی‌آمد
چه‌اینکه بنگاشتن شفامیپرداخت وروی همین،مهدی دستورداد که اورا بکشند . زبیدی
۲۵ میگوید که این سخن نباید درست نباشد چه او درمراکش درروز آدینهٔ هفتم جمادی
دوم یا رمضان سال ٥٤٤ و پس‌از غزالی درگذشت . (زبیدی ۱ : ۲۷ و پس‌ازآن
که ازدشمنان وشیفتگان احیاء گفتگو نمود) .

فکرکم ان کان فی غیرالحبیب　　مالکم فی‌النشأة الاخری نصیب

فاغسلوا بالعشق عن لوح‌الفؤاد　　کل علم لیس ینجی فی‌المعاد

در کشکول آملی (ش ۶۵۴/۱ گ ۱۸ ب) بیت دوم و سوم آمده گرچه در ص ۳۲ چاپی آن دیده نمیشود ودر آن این دوبیت ازیکی ازدانشمندان دانسته شده است. گویا بهائی هم ازهمین کشکول گرفته باشد (۱).　۵

آغاز: بسمله. امابعد حمدالله علی افضاله والصلوة والسلام علی اشرف الخلائق محمدوآله. فیقول‌افقرعباداللّه الی رحمةاللّه‌الغنی محمدالمشتهرببهاءالدین

۱ـ چهار چاپ ازاین نان و حلوا را من دیده‌ام: یکی چاپ سنگی بغلی بی‌صفحه‌شماری درجنگی دارای حدائق‌السحر و طواط در ۱۲۷۲ و همین نان و حلوا کامل در۱۲۹۳ وشیروشکر بهائی درهمین سال ودیوان لامعی در۱۲۹۵.　۱۰

دیگری دارای نان وحلوا بی‌دیباچه ونان وخرما ونان وپنیر وشیر وشکر همه ازبهائی چاپ سپاهان در ۱۳۳۸ در ۵۸ ص بغلی.

سوم جنگی چاپ سربی مصر در ۲۷۲ ص ربعی بسال ۱۳۴۶ دارای سرگذشت بهائی ازعالم‌آرا وخلاصةالاثر و «پند اهل دانش و هوش بزبان‌گربه و موش» بنام بهائی وموش وگربهٔ زاکانی ونان وحلوا ونان وپنیر وشیروشکر همه ازبهائی.　۱۵

چهارم همین نان وحلوا بی‌دیباچه چاپ اسلامیهٔ تهران در۳۶ ص بغلی. درچاپ ۱۲۹۳ دیباچه‌ای دارد بدینگونه: «بسمله. الحمدللّه‌الواحدالمعین... فیقول‌الفقیر محمدالمشتهر ببهاءالدین‌العاملی... هذه سوانح سفرالحجاز فی‌الترقی الی‌الحقیقة من‌المجاز نظمتها بالعربیة والفارسیة ویستحق ان یکتب بالنورعلی وجنات‌الحور».

دربارهٔ «پند اهل دانش وهوش» این را باید گفت که آن بنام «جواهرالعقول» یا «موش وگربه» (موش صوفی وگربه طالب‌علم) بنام مجلسی‌دوم در۱۳۲۴ (ذریعه ۱۹۹:۳ و۲۷۲:۵) وهمچنین در۱۳۷۳ بچاپ رسیده است. آقای مجتبی مینوی دوبارهٔ آن گفتاری دارد درمجلهٔ یغما (ش ۲ س ۸ تاریخ اردیبهشت ۱۳۳۴ ص ۴۹ـ۵۵).　۲۰

نامه‌ای دیگر منظم بنام «گلشن هوش درجدال گربه وموش» دیده‌ام که درآن موش‌عقل و گربه‌جهل‌دانسته شد (چاپ‌سنگی نسخ‌مصطفی قلی‌پسرمحمد هادی‌سلطان کجوری در۱۲۶۲ باندازهٔ ربعی) سرایندهٔ آن همین اندازه پیداست که شیعی است.　۲۵

العاملی وفقه‌الله للعمل فی یومه لغده قبل ان یخرج‌الامر من یده : هذه نبذة من‌السوانح و جملة من‌الموانح قد سنح اکثرها فی طریق حج بیت‌الله‌الحرام و زیارة سیدالانام علیه و آله افضل‌الصلوة والسلام . اثبتها فی هذه‌الاوراق تذکرة منی للاحباء‌الراغبین والاخلاء‌الطالبین و علی‌الله‌التوکل و به استمد و به استعین . مثنوی :

ایهااللاهی عن‌العهد القدیم	ایهاالساهی عن‌النهج‌القویم
استمع ماذا یقول العندلیب	حیث‌یروی‌من‌احادیث‌الحبیب

انجام :

یا بهائی اتخذ قلبا سواه	فهو ما معبوده الاهواه

(تم هذاالمنظوم‌المستطاب علی ید افقر عبادالله‌الباری محمد امین‌القاری فی بلدة یزد فی عشرین شهرشوال سنة سبع عشرة والف) .

[۲۱۲۱]

این نسخه ش ۱۸ دفتراست و بنستعلیق درمتن وهامش باعنوانهای شنگرف از محمد امین قاری دریزد ۲۰ شوال ۱۰۱۷ میباشد گ ۲۹۳ ب ـ ۲۹۹ الف ورگهای پس‌ازاین افتاده و پریشان است .

[۲۱۲۲]

این نسخه‌ش۲ دفتراست و بهمانگونه خطش ۱ ودردیباچه‌همان دارد «بسمله» وپس‌گ ۹۱ ب ۹۸ الف درعنوان دارد « نان و حلوای شیخ بهائی علیه‌الرحمة» .

[۱۸۱۴] نزهة‌الالباب فی الالقاب (عربی)

ابن حجر شهاب‌الدین ابوالفضل احمدبن علی عسقلانی مصری مکی اشعری شافعی دانشمند آشنای بفقه وحدیث ورجال و ادب (۷۷۳-۳-۸۵۲) این نامه را درپانزده... دارای ... وسه باب نگاشته و آنرا ازالقاب ابی‌بکرشیرازی

وگزیدهٔ آن از ابی‌الفضل‌بن طاهر و نوشته‌های ابی‌الفضل‌بن‌الفلکی و ابی‌الولید ابن‌الغرضی محدث اندلس و ابی‌الفرج ابن‌الجوزی گزین نمود و از اسباب‌الاسماء حافظ ابی محمد عبدالغنی بن سعید ازدی مصری و المستخرج ابی‌القاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحق ابن منده چیزهائی هم گرفته بر آن افزود (چلبی ۱ : ۱۴۴ - ذیل چلبی ۲ : ۶۳۷ - ریحانة‌الادب ۵:۳۶) . ۵

در این نامه در دنبال هر لقبی گزارشی درباره آن آمده و بسیار سودمند میباشد .

آغاز : بسمله . وصلی‌الله علی سیدنا محمد و آله . الحمدلله‌الذی له‌الاسماء الحسنی والعزالاسنی والصفات‌العلیا والفضل الاسما . . امابعد فان من اجل‌العلوم معرفة فنون‌الحدیث‌النبوی والتنقیب عن اسانیده تضعیفاً وتصحیحاً واحوال رواته تعدیلا وتجریحا . ۱۰

انجام : الیا . الیزیدی یحیی‌بن‌المبارك‌العدوی مولاهم ... ومثله احمدبن محمدبن‌عبدالکریم‌الجرجانی کان یسکن بجرجان باب‌الیهود (وقدتجز نزهة‌الالباب والحمدلله علی ذلك . للعلامة ابن‌حجر ... فی اواخرمحرم‌الحرام سنة ۱۰۹۰ علی ید ... عمران المالکی والحمدلله وصلی‌الله علی سیدنا محمد اولا وآخراً و باطناً وظاهراً وسلم تسلیما کثیرا) . ۱۵

[۲۱۲۳]

۱۱۵۶ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ از همان عمران ازهری در نزدیك بپایان محرم ۱۰۹۰ ودر گ ۱۰۲ ب - ۱۰۵ الف فهرست نزهه‌است از ازهری در جدولی بشنگرف و سیاه و زیبا و خود کتاب در گ ۱۰۶ ب - ۱۷۴ الف است . ۲۰

[۱۸۱۵] **نصایح** (فارسی)

عبدالوهاب امامی در فصل نخستین این نامه زیانهای وزارت را برای پسر خود

گزارش میدهد تا آنرا ترك گوید وروشن میدارد که هیچ سودی در آن نیست (۲٤ ب) درفصل دوم آداب وزارت راگزارش میدهد. پس‌از هرمطلبی گواهی تاریخی بیشتر از نظام‌الملك در آن آمده است.

[۲۱۲٤]

۱٤۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. گ ۱ الف ـ ٦٤ الف. دو برگ از آغاز بریده شده ودو کلمه‌ای از آندو مانده ودیباچهٔ رساله درهمین برگها بوده است.

چنین است آغاز: و مخاطرات این منصب است. پس بباید دانست که اگرچه وزارت ثانی سلطنت مینماید ... لیکن کار کثیرالخطراست و ذکر هریك مخاطرهٔ آن منفرد بتطویل می‌انجامد بلکه قابل تقریر نیست ولیکن از مخاطرات کلیه که هرکلی آن برجزئیات متکثرومشتمل‌است یك چند بیان کرده شود ... مخاطرهٔ اول: بدانکه وزیررا هرروز از هرباب برهرکس چندین حکم مختلف می‌باید کرد.

انجام: باری سبحانه و تعالی حسن توفیق رفیق شفیق این مسندنشین باستحقاق گرداناد تا همچوآباء دولت نامدار و اجداد بزرگوار نام نیکو برصحایف روزگار مثبت ومخلددارد والله یرحم عبدأقال آمینا. مقررهذه‌الصایح جامعها المعتصم بالله‌الغنی عبدالوهاب‌الامامی (تم هذه‌النصایح بتاریخ خامس وعشرین شهرربیع‌الاول من‌شهور سنة ۱۰٦۳ ثلاث و ستین بعدالالف هجری نبوی مصطفوی صلعم فی قریة‌الخاتوناباد قریة من قرای اصفهان صانها‌الله عن‌الحدثان. تم.).

[۱۸۱٦] ذكر بشر او قشر (عربی)

(رسالة ...)

آخوند ملا حسن بن محمدعلی یزدی تهرانی کربلائی (م ۱۲٤۲) شاگرد سید علی طباطبائی و سید محمد مجاهد بوده است. او تجویدالقرآن بفارسی نوشته ودر آن از تجوید حجة‌الاسلام سیدمهدی بهره برده ورساله‌ای دارد درشکوك و کتابی در صلاة ... المقیم که در ۱۲٤۲ نگاشته است. اصلاح‌العمل سید مجاهدرا او بپارسی کرده ... از اصلاح ... موضح‌الاحزان را او در ۱۲۳۷ بنگارش در آورد (قصص‌العلماء ص ۷۱ ـ طوس ۵ ۳۳۷ ـ اعلام‌الشیعه ۲ ۲٤٦).

یزدی این کتاب را بدستور سید مجاهد نگاشته و در روز پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۲۳۶ در کربلا بانجام رسانده.

چنین است فهرست مطابهای آن:

مقدمه: دلیلهای وجوب امر بمعروف و نهی از منکر و خطر بدعتها ووجوب رفع آن واجتناب از اهل بدع وضلال ومعاصی (۱۰۵ الف). ۵

مقصد یکم: مذاهب فاسد و طوائف آنها درشش فصل (۱ - مذاهب صوفیان ۲ - وحدت وجود ومفاسدآن ۳ - دلیلهای عقلی اثبات آن ٤ - دلیلهای نقلی آن ٥ - دلیلهای عقلی برابطال وحدت وجود ٦ - آیات برای ابطال آن ۷ - اخبار دال برردآن) (۱۰۷ ب).

مقصد دوم: بدعتها وخصائص معروف وباطل آنها در ٥ فصل (۱ - وجد واضطراب ۲ - غنا ۳ - ذکرخفی وجلی ٤ - ریاضتهاواربعینیات ٥ - شیخ ومرشد) (۱۲٤ ب). ۱۰

مقصد سوم: سرگذشت برخی از شیوخ درده فصل (۱ - حسن بصری ۲ - سفیان ثوری وابوهاشم کوفی ۳ - بایزید بسطامی ٤ - حسین بن منصورحلاج ٥ - ابراهیم‌ادهم‌وجنیدومعروف کرخی‌وشبلی٦ - عبدالقادر گیلانی۷ - محیی‌الدین وکفر وزندقه او ۸ - غزالی (فتوای اودرحرمت لعن یزید وسخنانی دیگرازاو) ۹ - ملای رومی ۱۰ - فریدالدین عطار) (۱٤۲ ب) خاتمه در کشف (۱٦۹ الف) ۱۵

دربارهٔ نورعلیشاه درفصل ٥ مقصد ۲ (گ ۱٤۰) میگوید: «فواحسرتاه هل النورعلیشاه اللاعب بالچارتائی والشطرنج والشارب للبنج له قابلیة لان یکون ولیا وقطبا ومرشداً ومتصرفا فی القلوب وعالما بالغیوب ...» ۲۰

یزدی بسیاری از کتابهای صوفیان وردها که برآنها نوشته‌اند خوانده و تصوف را سراسر تباه میسازد و آبروئی برای صوفیان نمیگذارد. گفته‌های اوچندان علمی نیست وهمان تکفیر ودشنام است وبس. درآن یاد میشود ازسید اعظم علی بنکپوری و دلدار علی (نصیرآبادی) و تونی (احمدبن محمد)

که رساله‌های رد برصوفیان آنها در کشف‌الحجب (ص ۲٦٤) یاد شده است همچنین از شیخ علی عاملی نگارندهٔ «الرد علی من یبیح‌الغناء» (کنتوری درهمینجا) و میرزای قمی و محمد طاهر قمی و اردبیلی که از صوفیان نکوهش کرده‌اند. گویا ازسخنان همهٔ اینها بهره است.

۵ باز یاد میشود در آن از عمدةالمقال فی کفر اهل‌الضلال حسن بن علی بن عبدالعال کرکی که از صوفیان در آن نکوهش نموده است (۱٤۰ الف و ۱٤٦ الف) همچنین از الهادی الی‌النجاة من جمیع‌المهلکات ابن حمزه و در هامش مینویسد که آن ردی است برصوفیان بادوازده دلیل و نزد من هست نیز ازالرد علی اصحاب‌الحلاج شیخ مفید (فصل ۱ مقالهٔ ۱ گ ۱۲۵ الف) (۱).

۱۰ ۱ـ درفهرست طوس (۵ : ۹۵) از رساله‌ای گمنام بفارسی درنکوهش از تصوف که گویا از دانشمندی امامی اسفراینی زندهٔ درپایان سدهٔ ۱۱ باشد یاد گشته است ودردنبالهٔ آن [illegible] و برادرش میرزا [illegible] ازدانشمندان طوس مانند حر عاملی و نظام‌الدین علی موسوی [illegible] دربارهٔ تصوف [illegible] و پاسخ آنها [illegible] تیماج سرخ

۱۵ [illegible]

دیده‌ام [illegible] نوشته شده است.

۱ـ [illegible] بخاری دردمشق بسال ۸۳٤ [illegible] تصوف بیازی.

۲ـ [illegible] عبدالرحمن اهدل حسینی [illegible] ۳ـ سرگذشت

۲۰ [illegible] از [illegible] خدا کرده‌اند [illegible] های دانشمندان [illegible] او شده است [illegible] وابن‌تیمیه [illegible] شمس‌الدین محمد بن یوسف جزری

۲۵ [illegible] مدرس فخریه [illegible] درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی نصب الحق وقوی بنیانه وازهق الباطل وهدم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وشیخ نورالدین کبری وشیخ وحید فرید شرف الدین عیسی زواوی مالکی که حسین بن عبدالرحمن اهدل حسینی شافعی امام الزمان للفقهاء والمفسرین والمتکلمین در کشف الغطاء خود مناقب و صلابت این دانشمندان را یاد کرد نیز گفته‌های همین اهدل وتقی الدین سبکی و شاگردش زین الدین مراغی فقیه مدینه درشرح منهاج نووی و سراج الدین بن النجوی درشرح منهاج وقشیری قاضی القضاة تقی الدین ابوالفتح محمد بن علی معروف با بن دقیق العید در بارهٔ کفر صوفیان بخصوص ابن عربی ـ وقاضی شرف الدین بن اسماعیل مقری در کراسه‌ای ازفصوص وفتوحات نکاتی نوشته وبفقها نشان داد وآنها فتوا بکفر آنها دادند واسمعیل مقری پرسشی در بارهٔ تکفیر کرمانی نگرندهٔ بفصوص کرد وفقها حکم بکفر دادند برای کسانیکه باینگونه مقالات خوشنودند وحکم اتداد آنها وجوابها بسلطان منصور نموده شد اوهم خواست در بارهٔ کرمانی اجرا کند که یاتوبه کند یا کشته شود واوهم توبه کرده گاهیکه امیرصدیق منصور اورا نزد خود خواست واومنشوری نوشت ودرروی منبر جامع زبید خواند تا رهید . شیخ شمس الدین جزری دمشقی هم چنین پاسخی داد که متن آن هست دراین فصل ـ گفتهٔ عزالدین ابامحمد عبدالعزیز بن عبدالسلام دمشقی در بدگوئی از ابن عربی ـ پاسخ همان اهدل درتکفیر ابن عربی ـ فصل: گفتهٔ ابوسلیمان خطابی در کفر صوفیان.در پایان دارد که روز آدینه ۲۲ ... پایان یافت (سفید است) .

۳ـ گفتگوی شهاب الدین بن حجر با ابن الامین پیرو ابن عربی بنقل تقی الدین فارسی بتازی که ایندو در بارهٔ ضلالت ابن عربی در رمضان مباهله کردند وابن الامین پس از این در روضه در ذیقعده ۷۹۷ کور شد ومرد وابن حجر میگرید من میدانستم که بکسال نمیکشد (ازایضاح الفصول فی نقض الفصوص) .

٤ـ ازفضایح الملحدین وعقائدالموحدین در بدگوئی ازصاحب فصوص .

٥ـ پاسخ ابن تیمیه در برابر پرسش از عقیدهٔ ابن عربی و تکفیر او که جزآن اولی است .

٦ـ مسئله‌ایست متن وشرح در باره تقلید ازسنی‌هااست .

۷ـ النهج الاتم فی تبویب الحکم (شرح کتاب الحکم ابی الفضل تاج الدین احمد بن عبدالکریم بن عطاءالله اسکندری) از علی بن حسام الدین هندی در ۳۰ باب درمقامات عرفانی است وآخرآن مناجات .

دنبالهٔ حاشیه دوصفحهٔ پس ازاین

انجام : ومن تأمل فی فتوحاته المکیة یراه ناسخاً للآیات الفرقانیة فکیف یکون هذا تابعاً لله ولرسوله فکیف حال من بعده فی الاولیاء بل یقول انه خاتم فص الولایة ختم الله علی قلوبهم .. ولعن الله اولهم وآخرهم ورفع الله عن المسلمین شرهم بمحمد وآله الطاهرین . هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه العجالة ... وکان الفراغ فی یوم الخمیس سابع عشر من شهر محرم الحرام من شهور سنة ست وثلثین ومأتین بعد الف من الهجرة المقدسة فی بلد کربلاء المشرفة المقدسة علی ساکنیها الف الف تحیة والسلام والحمد لله علی ذلک .

[۲۱۲۵]

۷۷۳ این نسخه ش ۳ دهر است و بنستعلیق با نشانه‌ها و عنوانها در برخی جاها شنگرف گ ۱۰۳ ب - ۱۷۳ ب - (بنگرید به ۷۷۳/۱) .

[۱۸۱۷] نموذج الفنون (عربی)

ابوالقاسم علوی فاطمی طباطبائی بدرخواست دوستان این نامه را برای تمرین کودکان نوشته و پاره‌ای از مطلبهای دشوار ادبی و منطقی را در آن روشن نموده است .

آغاز . بسمله . وبه نستعین . الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین . فیقول ... ابوالقاسم العلوی الفاطمی الطباطبائی قد سئلنی بعض الاخلاء ... ان اجمع رسالة لتمرین الصبی .

انجام لا تنظر الی من قال وانظر الی ما قال وجدته شاهد صدق لذلک المقال.

[۲۱۲۶]

۱۱۶۹ این نسخه ش ۱ دهر است و نسخ و عنوانها درشت‌تر و صفحه شماری دارد . و ابوالقاسم بن محمد زمان مرشی قمی عبدکانی در پسین روز چهارشنبه ع ۱۳۲۶/۲ آنرا نوشته است حاشیه‌هائی دارد بخط نستعلیق که مطلبهای پراکنده‌ای بنظم و شرح درآنها هست و در ص ۵۱ دعائی است از حاجی ملا محمد جعفر کبودر آهنگی مجذوب علیشاه .

گ ۲ ب ـ ۵۶ الف . پیش و پس‌ازاین هم پراکنده‌هائی است بنستعلیق .
(۵۶گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ
اندازه : ۱۱/۵×۱۷/۵ و ۶/۵×۱۱/۵ س ۱۴

[۱۸۱۸] نورالقبور و سرور یوم‌النشور (عربی)

ایندفتر دراصول دین و کلام شیعی است ودر بسیاری از جاها بویژه درامامت امیرمؤمنان علی‌از قرآن دلیل‌آورده شده وبیشتر آنهم درامامت است . یك مقدمه و پنج اصل و دوازده بـاب و یك خاتمه درآن هست . نگارندهٔ آن عبدالله بن حاجی محمد هادی هرندی میباشد .

آغاز : هو حسبی و نعم‌الوکیل بسمله . الحمدلله‌الذی قبض قبضة من‌المدر و امطر علیه من سحـاب رحمته فخمر فخلق منه‌الانسان . . . فهذا کتـاب موسوم بنورالقبور و سرور یوم‌النشور الفه ... عبدالله‌بن حاجی محمد هادی‌الهرندی ... ورتبته علی مقدمة واصول خمسة واثناعشر باباً وخاتمة .

انجام : و یدخل علیهم‌النور فی‌القبور وهم منتظرون لنفخ‌الصور ویشوقون البعث و النشور والحمدلله رب‌العالمین تم .

[۲۱۲۷]

این نسخه نسخ روشن است با سرنامها و عنوانها و نشانه‌های شنگرف . صفحه‌شماری شده و ۲۷۸ ص دارد .
(۱۳۹گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد [illegible]
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۸/۵×۱۵ س ۱۹

[۱۸۱۹] فواید الاصول (عربی)

فی شرح منهاج الوصول

قاضی ناصرالدین ابوالخیر عبدالله بیضاوی شیرازی شافعی (د. ۶۸۵) منهاج الوصول الی علم‌الاصول خود را دریك مقدمه و هفت کتاب نوشته است (ص ۱۷۰۳ همین فهرست) .

دانشمندان بر آن گزارشها نوشته‌اند یکی از آنها گزارش جمال‌الدین ابومحمد عبدالرحیم‌بن حسن اسنوی شافعی (۷۰۴ - ۷۷۲) میباشد که بهترین گزارشهاست و گویند برادرش عمادالدین محمد (۶۹۵-۷۶۴) چنین گزارشی را آغاز نموده و او آنرا بپایان برده است این گزارش بچاپ رسیده است (چلبی ۵۵۳:۲- معجم‌المطبوعات ص ۴۴۵و۶۱۶) . ۵

[۲۱۲۸]

۱۱۹۵ این نسخه بنسخ و عنوانهای « قال - اقول - قوله » و جز آنها درشت‌تر و بشنگرف یا سیاه آمیخته بشنگرف میباشد . دردهٔ نخستین ذی‌قعدهٔ ۸۰۳ درقاهره نوشته شده است . شمارهٔ کراسه‌های ده برگی در گوشهٔ راست بالائی رویهٔ برگ نوشته شده‌است. حاشیه‌هائی‌دارد بخطریزتر و تازه‌تر و ازدانشمندی شیعی میباشد ۱۰ (مانند گ ۸۹ الف) نسخه بدلها درهامش بهمان خط کهن متن هست .گ ۳ ب - ۱۸۴ الف .

(۱۸۴گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج گریاکی درون سرخ وضربی مقوائی بابرگردان
اندازه : ۱۷×۲۶ و ۱۲×۲۱ س ۲۹

[۱۸۲۰] نهایة الطلب فی شرح المکتسب (عربی) ۱۵

جلدکی دراین‌دفتر کتاب‌العلم‌المکتسب فی‌زراعة (صناعة) الذهب عراقی (س۲۲۱۳همین‌فهرست) را که‌درد جمله‌در۱۹فصل‌است(فهرست‌عربی‌موزهٔ‌بریتانیا ۷۸۴/۲- خدیویه‌ه:۳۹۰۰)درسه‌سفر(۱-در۳ مقاله، ۲- در۲مقاله،۳- در۲ مقاله هرمقاله درچند باب) گزارش نمود (۱) اودرآغاز از رنجی که درراه فراگرفتن هنر کیمیا برده و ازاینکه از جان و مال دریغ نکرده و بشهرهای عراق و روم ۲۰

۱- عراقی را احمدبن محمد ومحمدبن احمد هردونوشته ونسخه‌ای بنام «فوائد من کتاب‌عیون‌الحقائق و ایضاح‌الطرائق» در سی باب هم‌از‌اوشناسانده‌اندو در فهرست عربی موزه بریتانیا (۷۸۴/۱) آمده که او درنزدیك ۸۵۰ زنده بود (نیز خدیویه ۵ : ۳۴۸) ولی نباید چنین باشد چه جلدکی که گزارندهٔ المکتسب اواست در ۷۴۲ میزیسته ودر ۷۵۰ درگذشته است (مجالس ۴۵۴:۲) . ۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] صلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم • رب يسر وأعن وتمم بالخير •
الحمد لله الذي مهد أصول شريعته بكتابه القديم الأزلي • وأيد قواعدها بسنة نبيه العربي •
وشيد أركانها بالإجماع المعصوم من الشيطان الغوي • وأعلى منارها بالاقتباس من القياس الخفي
والجلي • وأوضح طرائقها بالاجتهاد ذي الاعتماد على السبيل القوي • وشرع للقاصرين عن رتبتها
استفتاء من هو بأحكامها ملي • وصلواته وسلامه على سيدنا محمد المبعوث إلى القريب والبعيد
الشريف والدني • وعلى آله [illegible] أولي كل فضل سني وقدر علي • وبعد فإن أصول
الفقه علم عظم قدره وبان شرفه وفخره إذ هو قاعدة الأحكام الشرعية وأساس الفتاوى
الفرعية التي بها صلاح المكلفين معاشا ومعادا ثم إن أكثر المشتغلين به في هذا الزمان
قد اقتصروا من كتبه على المنهاج للإمام العلامة قاضي القضاة ناصر الدين البيضاوي
رضي الله عنه [illegible] صغير الحجم كثير العلم مستعذب اللفظ وكنت أيضا ممن لازمه درسا
وتدريسا فاستخرت الله تعالى في وضع شرح عليه موضح لما أبهم من معانيه محرر لأدلته
مقرر لأسئلته كاشف عن أستاره باحث عن أسراره منبها فيه على أمور أخرى مهمة أحدها
ذكر ما يرد عليه من الأسئلة التي لا جواب [illegible] أو عنها جواب ضعيف الثاني التنبيه على
ما وقع فيه من الغلط في النقل الثالث [illegible] تبيين مذهب الشافعي بخصوصه ليعرف
الشافعي مذهب إمامه في الأصول فإن [illegible] بالمسألة فيما وقع لي من كتب الشافعي كالأم والإملاء
والأمالي ومختصر المزني ومختصر البويطي [illegible] منه بلفظها غالبا مبينا للكتاب الذي هي فيه
ثم الباب وإن لم أظفر بها في كلامه عزوتها [illegible] عنه الرابع ذكر ما يتفرع على القاعدة
من فروع مذهبنا في المسائل المختلفة [illegible] الخامس التنبيه على المواضع التي خالف
المصنف فيها كلام الإمام أو كلام الآ[illegible] وكلام ابن الحاجب فإن كل واحد منهم [illegible]
عمدة في التصحيح يأخذ به [illegible] في كلام أحد منهم تنبيه عليه أيضا السادس
ما ذكره الإمام وابن الحاجب من [illegible] وأهمله المصنف فإني أذكره [illegible]
غالبا السابع التنبيه على كثير مما [illegible] الشارحون من التقرير الذي ليس بمطابق
وقد كنت صنفت التشريح [illegible] ثم رأيت الاشتغال به يطول لكثرته [illegible]
بعض يسير وهو المشهور فلا [illegible] فلذلك أضربت عن ذكرها في الأكثر
السنة لأنها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ٣ [illegible] أصول [illegible] ١١٩٥

فقد يجب عليه الاجتهاد في ذلك ... وقال ابن برهان لا يجب ذلك ثم اذا اجتهد فان ترجح احدهما
مطلقا في ظنه تعين العمل بقوله وان ترجح احدهما في الدين واستويا في العلم وجب الاخذ بقول الادين
وان ترجح في العلم واستويا في الدين فمنهم من خيره ومنهم من اوجب الاخذ بقول الاعلم وهو الاقرب
وان ترجح احدهما في الدين وترجح الاخر في العلم فقيل يؤخذ بقول الادين والاقرب الاخذ بقول
الاعلم وان استويا مطلقا فقد يقال لا يجوز وقوعه كما قيل في استواء الامارتين وقد يقال
بجوازه وحينئذ فاذا وقع ذلك تخير ورجح ابن الحاجب جواز تقليد المفضول مع وجود الفاضل
وحكى خلافا في استفتاء المفضول ونقله الى الاكثر منهم الآمدي وهو وارد على الامام في دعواه الاتفاق
على المنع منه كما تقدم **فرعان** احدهما قال ابن الحاجب يجوز خلو الزمان عن المجتهد خلافا
للحنابلة لنا قوله عليه الصلاة والسلام ان الله لا يقبض العلم انتزاعا ينتزعه ولكن يقبض العلماء
حتى اذا لم يبق عالم اتخذ الناس رؤساء جهالا فسئلوا فافتوا بغير علم فضلوا واضلوا **الثاني**
اذا قلد مجتهدا في مسئلة فليس له تقليد غيره فيها اتفاقا ويجوز ذلك في حكم اخر على المختار فلو التزم مذهبا
معينا كما اتفق لطائفة الشافعية والحنفية ففي الرجوع الى غيره من المذاهب ثلاثة اقوال ثالثها يجوز الرجوع
فيما لم يعمل به ولا يجوز فيما عمل **فائدة** ذكر القرافي في شرح المحصول ان تقليد مذهب
الغير حيث جوزناه فشرطه ان لا يكون موقعا في امر يجتمع على ابطاله الامام الذي كان على مذهبه
والامام الذي انتقل اليه فمن قلد مالكا مثلا في عدم النقض باللمس الخالي عن الشهوة فلا بد
ان يدلك بدنه ويمسح جميع راسه والا فتكون صلاته باطلة عند الامامين **الفائدة الثانية**
تقليد الصحابة رضي الله عنهم ينبغي ... [illegible] ... كما حكي عن ابن برهان في الاوسط
لان مذاهبهم غير مدونة ولا مضبوطة حتى يمكن المقلد الاكتفاء بها فيؤدي ذلك الى الانتقال
وقال امام الحرمين في البرهان اجمع المحققون على ان العوام ليس لهم ان يتعلقوا بمذاهب اعيان
الصحابة رضي الله عنهم بل عليهم ان يتبعوا مذاهب الائمة الذين سبروا ونظروا وبوبوا الابواب
وذكروا اوضاع المسائل لانهم اوضحوا طرق النظر وهذبوا المسائل وبينوها وجمعوها
وذكر ابن الصلاح ايضا ما حاصله انه يتعين تقليد الائمة الاربعة دون غيرهم لان مذاهب الاربعة
قد انتشرت وعلم تقييد مطلقها وتخصيص عامها ونشرت فروعها بخلاف مذهب غيرهم
رضي الله عنهم وارضاهم وحشرنا في زمرتهم ... [illegible] ... والله الموفق للصواب
واليه المرجع والمآب ولا حول ولا قوة الا بالله وحسبنا الله ونعم الوكيل

وكان الفراغ من ... [illegible] ... سنة ثلاث وثمانمائة
... [illegible] ... الله تعالى وسلم ... [illegible]
[illegible]
[illegible]

قال المصنف مولانا الشيخ الامام العالم جمال الدين عبد الرحيم بن الحسن الاسنائی تغمده الله تعالی برحمته
واسكنه فسيح جنته فرغت من هذا الكتاب المبارك عند فراغ سنة احدى واربعين وسبعمائة
وكان ابتدائی بالقاهرة المعزية بالمدرسة الملكية الشريفية رحم الله واقفها وابتدائی فيه سنة
... سنة اربعين وسبعمائة جعله الله تعالی خالصا لوجهه الكريم اللهم فكما ارشدتنی الی ابتدائه
واعنتنی علی انتهائه فاجعله خالصا لوجهك موجبا للفوز لديك يوم القدوم عليك وانفع به مؤلفه
وكاتبه والناظر فيه وجميع المسلمين

گ ۱۸٤ الف پایان «نهایة السؤل» ش ۱۱۹۵

ومغرب ومصر ویمن وحجاز وشام رفته است یاد نمود .

در دیباچه دربارهٔ نگارندهٔ المکتسب میگوید « ولم نعلم من هو مصنفه ولا من
۱۰ وضعه » در آغاز دوسفر نخستین از برخی از کتابهای جلدکی یاد شده است . او
در باب ۲ مقاله ۱ سفر ۱ نیز از امکان هنر کیمیا یاد کرده و گزیدهٔ همان
سخنانی که در الدر المنتخب دربارهٔ گفتههای جالینوس و حنین اسحاق وابن سینا
وابن حزم وابن تیمیه وطغرائی نوشته است آورد (ص ۲۲۱٤) ازشعرهای شذور
ودیوان خالد هم در این کتاب دیده میشود و پیداست که او این را پس از گزارش
۱۵ برشذور (غایة السرور) نگاشته است .

آغاز : بسمله ... الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب وبه استعین ،
الحمد لله الذی تعالی عن العلل والمعلولات وتقدس عن لوازم الاجسام والمتحیزات
وتنزه عن ان تحیط به العقول والادراکات الواجب الوجود لذاته القدیم الصفات ...
وبعد فانه ... الذی ... لنا حل مشکلات علوم الاوائل وما نقل من اساطین
۲۰ الحکماء الافاضل فی الحکمة الالهیة والصناعة الفلسفیة .. وضعنا کتابنا هذا المسمی
نهایة الطلب فی شرح المکتسب فی زراعة الذهب ... وبنیناه علی ثلثة اسفار
لکل سفر مقدمة ومقالات وفصول وخاتمة .

[۲۱۲۹]

۱۲۱۹ این نسخه ش۳ دفتر است و سفر نخستین و بخط نستعلیق تازه است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و حاشیه‌هائی هم دارد. گ ۱۰۶ ب ـ ۱۴۷ الف.
چنین است انجام آن:

قال الشیخ فاما نقض الفساد فکالنحاس الذی یصیر بخارا... وذلك هی الغصن النباتی بل المعدنی انشاءالله تعالی. الشرح: اعلم ان صاحب المکتسب رحمه‌الله قد افصح فی کتابه عن جزء من التدبیر... وهذا مالم یسمح به احد فی مثل هذا الموطن وانما ذکروه واوماؤا الیه فی اماکن لایعتد بها وسنذکر (از باب ٤ مقالهٔ ۲ سفر ۱ و پاره‌ای از همین باب وهمهٔ دو باب مقالهٔ سوم همین سفر در آن نیست).

در ۱۴۷ ب ـ ۱۴۸ الف پراکنده‌ها است.

(۱۵۶گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

الداره: ۲۰×۲۹ و ۱۲/۵×۱۹/۵ س ۳۰

[۲۱۳۰]

۱۲۲۰ این نسخه دو سفر ۲ و ۳ و بخط نستعلیق با عنوانهای درشت‌تر بنسخ و شنگرف و نشانه‌ها هم شنگرف است. حاشیه‌هائی بر آن هست. نیمی از آنرا محمد مهدی در ۱۲۱۸ نوشته و نیم دیگر را محمد بن میرعبدالفتاح موسوی در ٦ محرم همین سال برای او نوشته و همان محمد مهدی آنرا در صفر ۱۲۱۹ مقابله نمود. نسخه در دو بخش برگشماری شده است.

چنین است نسخه:

آغاز: بسمله. ربی الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب الحمدلله الذی اظهر الآیات الباهرة دالاعلی انه واجب الوجود لذاته وجعل للعقول اعلام العلوم الزاهرة دالة علی نعوت جلاله وصفاته.

انجام: ونثبت لك هذه التواریخ الالتعلم مقدار ما اوصلناك فی کتابنا هذا ولتکن من امرك علی بصیرة والسلام والله تعالی نسئل الهدایة والتوفیق وحسن الخاتمة ولیکن آخر السفر الثانی من هذا الکتاب والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وخاتم النبیین وامام المتقین و آله وصحبه اجمعین الطیبین الطاهرین وحسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ثم الحمدلله رب العالمین (کتب... محمد مهدی هذه الاوراق واستکتب باقیها... فقد اوبی خیراً کثیراً فی سنة ۱۲۱۸) (سفر دوم: گ ۱ ب ـ ۱۱۸ ب).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله العلیم باسرار مخلوقاته الدال علی نفسه

گ ۲۷۲ الف؟ پایان نهایة الوصول ش ۱۱۷۶

[۲۱۳۲]

۱۱۷۷ • این نسخه بخط نسخ کهن است وعنوانها درشت‌تر ودر ۱۸ ج ۷۵۵/۲ نوشته شده است . حاشیه‌هائی دارد بخط ریزتر . ده برگ درآغاز و چند برگ درمیانه نونویس . نسخهٔ کهن آن روی شمارهٔ کراسهای ده برگی که در گوشهٔ راست بالائی برگهای ۱۰ و ۲۲۰ و ۲۳۰ و ۲۴۰ بنازی و بخط متن دیده میشود باید ۲۸ کراس باشد که از پسین آنها شش برگی بیش نیست و رویهم نسخه درآغاز ۲۷۶ برگ بوده است واکنون با برگهای نونویس ۲۵۶ برگ میشود و بجای بیست برگ افتاده از نونوشته وبرآن افزودند

آغاز : بسمله . المقصد التاسع فی الخبر و فیه فصول . الفصل الاول فی ماهیته وفیه مباحث . الاول فی لفظ الخبر :

انجام : اذن فطابقه هـ هـ قال المصنف ادام الله ظلاله ولیکن هذا آخر ما نورده ... و یوقف کل مسند للاستفادة منه ویبعد کل ممار مجادل عنه والحمدلله رب العالمین هـ هـ وصلی الله علی محمد وآله . تم الکتاب المبارک بعون الله وعونه وحسن توفیقه وکان الفراغ من سطر بعضه فی ثامن عشر فی جمیدی الآخرة من شهور سنة خمس وخمسین وسبعمائة

هجرية وصلى‌الله على سيدالبررةو على آله العترة الطاهرةالزكية .

دراين دونسخه (ش ۱۱۷٦ و ۱۱۷۷) رويهم همهٔ نهايه هست بجز مقصد نهم دراجماع كه كمبود دارد .

(۲۵٦گ) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج سرخ ضربى مقوائى

اندازه : ۱۵/۵×۲۳/۵ و ۱۳×۱۸/۵ س ۲۳ ۵

[۱۸۲۲] نهج السالكين (فارسى)

محمد قورچى افشار دراينـدفتر دعاهائيكه بيشتر بآن نيازهست آورد .

آغاز : بسمله . سبحانك اللهم و بحمدك ثناوستايش خداوندير اجلت‌عظمته سزاست كه‌بوجود فائض‌الجودحضرت رسول‌الثقلين .. گمراهان وادى ضلالت را هدايت نموده . . و بعد ... محمد قورچى افشار ... ادعيه ضروريه كه اكثر اوقات ۱۰ درسفر و حضر بآن احتياج افتد بتاريخ دوازدهم شهر جمادى‌الثانى سنه ثلاث و خمسون بعدالالف از كتب معتبره انتخاب كرده . . . و اين مجموعه را مسمى به نهج‌السالكين گردانيد مشتمل برمقدمه وسه باب وخاتمه .

انجام : دروقت تحويل بايدخواند : اللهم‌ان‌هذه سنة‌جديدة ... ياذاالجلال والكرام . ۱۵

[۲۱۳۳]

۱۱٦۷ اين نسخه بنسخ وعنوانهاونشانه‌ها شنگرف ميباشد كتاب۱ ب ــ۱۰۱ الف . گ ۱۰۱ ب ــ ۱۰۷ الف هم دعااست به‌نستعليق و نسخ ديگر .

(۱۰۷گ) ــ كاغذ سپاهانى ــ جلد مقوا

اندازه ۱۱/۵×۱۸/۵ و ٦×۱۱ س ۱۲ ۲۰

[۱۸۲۳] وجود (رسالهٔ ...) (عربى)

عبدالرحمن جامى دراين نامه كه درص۵۱۷ (ش ۱۰۳۵/٤) همين فهرست شناخته شده است وحدت وجود وبود كلى طبيعى را روشن داشته است .

آغاز : (لمولاناجامی) بسمله . الوجود (ای ما) بانضمامه الی الماهیات یترتب علیها آثارهاالمختصة بها موجود .

انجام : و کونه تتمة و کونه قائما بالمجموع فلایجدی نفعا (تمت‌الرسالة للجامی) .

[٢١٣٤]

۵

۱۱۱۹ این نسخه ش ٦ دوم است و بهمانگونه نسخ و معرب از طهماسبقلی در ۱۰۵۰ روی یکنواخت بودن خط. گ ۷۵ ب ۷۹ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱).

گفتار پانزدهم

پاره‌ای از نگارشهای ابن سینا

درسه نسخهٔ ش ۱۱٤۷ و ۱۱٤۹ و ۱۱٦٤ هفتاد و چهار نامه و گفتار بنام ابن سینا دیده میشود که اکنون همهٔ آنها را میشناسیم :

۱- سرگذشت که نیمهٔ نخستین آن از ابن سینا و نیمهٔ دوم از جوزجانی میباشد. من در ص ۷۰۸ همین فهرست ودر دفتر نخست سال دوم فرهنگ ایران زمین　۵
دربارهٔ آن اندکی بررسی کرده‌ام . این نسخه مانند آنستکه در بیهقی وشهرزوری دیده میشود وفهرست نگارشهای ابن سینا درمیانهٔ آنست (نیز بنگرید به ص ط - یب فهرست آقای دکترمهدوی) .

آغاز : شرف الملك ابو علی الحسین ابن عبدالله بن سینا . کان ابوه رجلا من اهل بلخ من عماله انتقل الی بخارا فی ایام ملك المشرق نوح بن منصور السامانی .　۱۰

انجام : ثم مات فی یوم (الجمعة) الاولی فی شهر رمضان سنة (٤۲۸) (میان دو کمانه زیر کاغذ رفته است) (۱۱٤۹/۱ در گ ۳ الف آغاز ودر ۲ الف میان ودر کنارهٔ ۳ الف دنباله ودر کنارهٔ پائین ۲ ب انجام آن هست) .

۲- کتاب المعاد که در ص ۳٦۰ همین فهرست و ش ۱۲۱ فهرست آقای دکترمهدوی شناسانده شده‌است . در رسائل ابن سینا (ش ۲ چاپ ۱۹۵۳ استانبول　۱۵
ص ۱۰۹-۱۵٤) بچاپ رسید .

آغاز : الحمدلله اهل کل حمد لن یکون الاله و رغبة لن یکون الا الیه و توکل لن یکون الاعلیه وثقة لن یکون الا به و صلوته علی خیرته من الخلیقة محمد النبی وآله الاخیار و بعد فهذه رسالة عملتها باسم بعض الخلص من الاخوان مشتملة علی مخ ماتؤدی الیه البراهین من حال النفس الانسانیة .　۲۰

انجام : ثم حرمت علی جمیع من یقرأه من الاخوان ان یبذله لنفس شریرة

او معاندة او یطلعها علیها او یضعه فی غیر موضعه و جعلت الله تعالی خصمه عنی وهو المسئول للتوفیق ان ینعم به والحق ان یهدی الیه وله الحمد علی کل حال و صلوته علی المصطفین من عباده و خصوصاً علی نبینا محمد و آله المقتدی بهم اجمعین (تم الرسالة) (۱۱٤۹/۲ گ ۳ ب - ۱۵ ب).

۳ـ رسالة فی النفس (ص ۳۹۳ ف ـ ش ۱۲۰ م)

آغاز : بسمله . خیر المبادی مازین الحمد لواهب القوة علی حمده ..

انجام : و یمیز ظالبی فضلها بمحمد و آله الطاهرین . تمت رسالة النفس (۱۱٤۹/۳ گ ۱۵ ب - ۲۱ ب).

٤ـ الرسالة العرشیه (ص ۲۵۰ ف ـ ش ٦۱ م).

آغاز : بسمله . الحمدلله والحمد من نعمه و اعول فی جمیع احوالی علی کرمه اما بعد فقد سألنی بعض من ینتمی الی ان اذکر له رسالة مشتملة علی حقائق علم التوحید .

انجام : وان کان کل به یقدر والحمد لواهب العقل وملهم الصواب اللهم افض من نور هدایتك علمنا والف اسرار ولایتك الینا حتی نرزق جوارك فی المقام الاعلی والاسعاد بمشاهدة جمالك فی المقصد الاقصی [illegible] القوی و اهل المغفرة [illegible] تمت الرسالة العرشیه (۱۱٤۹/٤ گ ۲۱ ب - ۲۵ ب).

۵ـ رسالة العروضیه (ص ۵۲ م) [illegible] روایت دوم آن [illegible] است [illegible] و روان رسازد . (چاپ [illegible])

آغاز : [illegible] أعلاه [illegible] و [illegible] و رحمته وفیضان [illegible] الیها ولا کل [illegible] البسط [illegible] علی بن [illegible] ادام الله فضله . [illegible] و اظن انی قد بلغت

الکفایة وعبرت عن المقدار الذی نبلغه من المعرفة تقرباً الی الشیخ الکریم الاستاذ جعلنی الله فداه فههنا اختم الرسالة متوکلا علی الله فهو حسبی و نعم الوکیل (تمت رسالة الحروف) (۱۱۴۹/۵ گ ۲۵ ب – ۲۸ ب).

۶– جوهر الاجرام السماویة که بدو روایت بچاپ رسیده است (ش ۵۳ م).

آغاز : بسمله . رسالة الشیخ الرئیس ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری رحمه الله فی تعریف الرای المحصل الذی حتمت علیه رای الاقدمین فی جوهر الاجسام السماویة والعبارة عن مذهبهم المحقق عنده بمقدار اطلاعه علی مآخذهم . فصل : قالوا ان الاجسام الطبیعیة ینحصر فی قسمین .

انجام : و یشبه ان یکون الشعاعات حوامل القوی العارضة . والله اعلم . (تمت الرسالة) (۱۱۴۹/۶ گ ۲۸ ب – ۳۱ ب).

۷– رسالة الحدود (ص ۴۲ ف – م ۵۷) که المباحث الصدیقیه هم نامیده میشود .

آغاز : بسمله . امابعد . فان اصدقائی سئلونی ان املی علیهم حدود اشیاء یطالبونی بحدیدها فانی اسعفیت من ذلک علما بانه کالامر المتعذر علی البشر .

انجام . والقدیم بحسب الذات هو الذی لیس له مبدأ (یتعلق به) علی وجه وهو الواحد الحق تعالی عما یقول الجاهلون علواً کبیرا (تمت رسالة الحدود) (۱۱۴۹/۷ گ ۳۲ الف – ۳۵ ب).

۸– رسالة فی الصلوة (ص ۴۰۵ و ۴۰۶ و ص ۷۰ بازپسین سخن ف – ش ۸۵ م) که پنج بار بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خص الانسان بشرف الخطاب والهمه بمدافعة الخطاء وملازمة الصواب .

انجام : واعتذر الی من یطالع هذه الرسالة واستشفع الیهم لفیض العقل و نور العدل ان لایفشوا سری و ان امن شری فان الامر مع الخالق و خالقی یعلم امری ولایعرفه غیری (۱۱۴۹/۸ گ ۳۷ الف – ۳۹ الف).

۹ـ تفسیر سورهٔ اعلی (ش ۵۰ ج م) که در فهرست طوس (۲۲:۱ تفسیر ش۶۲) بنام ابن‌سینا دانسته شده و در همانجا (۳۲:۱ منطق ش۱۱۳/۶) باز تفسیری از همین سوره بنام امام فخر رازی یاد شده که مانا همین یکی باشد. این تفسیر در مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات س۱ ش ۴ ص ۵۴ ـ ۶۰ تاریخ تیر ۱۳۳۳ خ بچاپ رسید. نوری درمستدرک (۴۲۴:۳) در سرگذشت صدرای شیرازی از خرده‌ها که بر روش فلسفی او گرفته است این را یاد نمود که فیلسوف شیراز در تفسیر سورهٔ اعلی (۱) از کتاب التنبیه علی بعض الاسرار المودعة فی بعض سور القرآن العظیم والفرقان الکریم امام رازی (۲) بهره برد و سخنان رازی را دست نخورده درمیان

۱ـ تفسیر سورهٔ اعلی از شیرازی یکبار با شمس الفوائد فی شرح قواعد العقائد از علامهٔ حلی در ۱۳۱۱ بچاپ رسید و یکبار هم در تفسیر او پس از تفسیر سوره حدید در تهران بسال ۱۳۲۰ بکوشش طاهر طبرسی باهدارهٔ رحلی [illegible] سنگی شده است.

۲ـ این تفسیر در چهار فصل است: ۱ـ الهیات [illegible] تفسیر سورهٔ اخلاص. ۲ـ تفسیر سبح اسم ربك الاعلی در الهیات [illegible] و در فصل ۳ تین وزیتون و در فصل ۴ [illegible] در این تفسیر شده [illegible] در طوس و یك نسخه در مجلس و [illegible] همینگاه اکنون [illegible] ۶۷ [illegible] شده بدینگونه: ش ۱۰۲۲ [illegible] ۹۳ [illegible] ۱۰۳ [illegible] ۱۰۳۵ [illegible] ۱۴۱ ۱۴۷، ۱۰۴۶ [illegible] ۶۲ الف ـ ۶۵ [illegible]

آغاز [illegible] القرآن العظیم [illegible] الرازی طاب ثراه) [illegible] الی مشاهدة [illegible] عزة جلاله [illegible] ابوعبدالله [illegible] (هذه) رسالة [illegible] (العظیم والفرقان) [illegible] غیر واصلین [illegible] فی مبانی [illegible] در صفحهٔ پس از این

گفته‌های خود گنجانده. من که باین تفسیر شیرازی آشنا بوده و برسالهٔ ابن سیناهم

هذه التلويحات لاح له ان الامر فوق ما يظنون وسيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون
ورتبت (فرتبت) هذه الرسالة على اربعة فصول .

انجام تفسیر رازی : فذكرت (فقد ذكرت) لك تفسير هذه السور الاربع (بعة)
فى هذه المطالب الا ربعة (بع) والله تعالى هو العالم بالحقائق (وانما العلم عندالله ومن الله ۵
التوفيق و اليه الملجأ والمآب والحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد
سيد المرسلين وآله الطيبين الطاهرين اجمعين).(تم والحمدلله رب العالمين والصلوة على نبيه
وآله اجمعين) این سه نسخه یکنواخت نیستند چنانکه پاره‌ای از جدائیهای آنها درمیانهٔ
دو کمانه نموده شده است .

آغاز تفسیر سورهٔ اعلی در این تفسیر رازی : الفصل الثانى فى تفسير سورة مشتملة ۱۰
على الالهيات والنبوات والمعاد وهى سورة سبح اسم ربك الاعلى. اعلم ان هذه السورة
مشتملة على مطالب ثلثة المطلب الاول اثبات الاله (سبحانه و) تعالى وذلك (هو) قوله
(سبحانه وتعالى) سبح اسم ربك الاعلى (الى قوله احوى) الذى خلق فسوى والذى قدر
فهدى والذى اخرج المرعى فجعله غثاء احوى و اعلم ان المقصود منه الاستدلال بنوعين
من الدلائل على وجود الاله الحكيم (تعالى) فالنوع الاول الاستدلال بخلقة الحيوان ۱۵
واعلم ان الحيوان مركب من بدن ونفس .

انجام آن : و اعلم ان الله تعالى لما قرر هذه المطالب الثلثة ختم السورة بقوله
ان هذا لفى الصحف الاولى صحف ابراهيم و موسى والمعنى ان جميع كتب الله المنزلة
ليس المقصود منه (منها) الا تقرير هذه المطالب الثلثة وهى معرفة الالهيات اولا ثم معرفة
النبوات ثانياً ثم معرفة المعاد ثالثاً واعلم ان التأمل (من تأمل) فى اسرار هذه السورة ۲۰
منبه (تنبه) على ان الاشتغال بما سوى هذه المطالب الثلثة عبث وان سعادة (حال) الانسان
لايتحصل (يحصل) الا بمعرفة هذه المطالب الثلثة (والله ولى الارشاد) (الهداية)
در فصل ۳ تقریر المعاد داود :

ثم ورد هناك (ههنا حصل) سؤال مشكل وهو(فانه) انه تعالى خلق هذه الابدان
وعند ذلك هل له عناية بها اوليس له عناية (بها) فان حصلت (حصل) له بتدبيرها عناية ۲۵
فكيف ابطلها وردها الى اسفل السافلين وان قلنا انه ماكانت (كان) له عناية باصلاحها
فكيف خلقها وكيف اعتبر جميع انواع العناية (القيامة) فى تخليقها شعر (و نظم
عمر الخيام هذا المعنى بالفارسية):دارندهٔ چو ترکیب چنین (طبایع) خوب ار است باز
ازچه سبب (از بهرچرا) فکند اندر کم و کاست .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین ۳۰

این التنبیه از رازی دانسته شده است .

نکته دیگر اینکه تفسیر سورهٔ عصر در فصل چهارم همین التنبیه با اندکی جدائی همانستکه از خواجهٔ طوسی دانسته‌اند (فهرست آقای منزوی ۱:۵۵و۶۷) .

صدرای شیرازی هم چنانکه نوری یاد کرد بند بند همین تفسیر اعلی را گرفته ودرمیان سخنان خود گذارده است مگر اینکه از خود هم بررسیها نموده وچیزهائی افزود . پس دربارهٔ درستی استناد این تفسیر بابن‌سینا دلیلی جز گواهی برخی نسخه‌ها دردست نیست . ۵

آغاز : بسمله . اعلم ان هذه السورة مشتملة علی مطالب ثلثة . المطلب الاول اثبات الاله .

انجام : وان سعادة الانسان لاتحصل الا بمعرفة هذه المطالب الثلثة (و بالله التوفیق وعلیه التکلان) (۱۱٦٤/٤ گ ٦۳ الف - ٦۹ ب) . ۱۰

۱۰- رسالة فی تفسیر سورة الاخلاص (فهرست منزوی ۱ : ٤۸ - ش ۵۰ الف م) که بروشی فیلسوفانه است و درآن درنسخهٔ ما و ص ۳۰٤ هامش شرح هدایهٔ شیرازی دارد «فی المنطق من تصنیفی فی کتاب الشفاء» ولی درچاپ جامع البدائع (ص ۱۹) دیده نمیشود . ۱۵

دوانی درتفسیرهمین سوره ازاین تفسیر ابن‌سینا بندبند آورده است (ص ۲۲٤٤ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . قوله (تعالی) جل جلاله (وعم نواله) « قل هوالله احد » الهو (هو) المطلق (و) هوالذی لایکون هویته موقوفة علی غیره (مستفادة من غیره) . ۲۰

انجام : لاجرم کانت معادلة لثلث القرآن فهذاماوقفت من اسرار هذه السورة والله المحیط باسرار کلامه (۱۱٤۹/۹ گ ۳۹ ب - ٤۰ ب و۱۱٦٤/۵ گ ٦۹ ب - ۷٦ الف) .

۱۱- رسالة فی تفسیر الفلق بروش فلسفی (منزوی۱:۵۵- ش۵۰ ب۱ م) .

آغاز : تفسير « قل اعوذ برب الفلق » بسمله . قوله جل جلاله « قل اعوذ برب الفلق » فالق ظلمة العدم بنور الوجود وهو المبدء الاول الواجب الوجود لذاته

انجام : وماعظم لذاتها المفارقة عنه ان كانت مفارقة بالذات و الملاقة وبجميع الحالات رزقنا الله تعالى التحرك (التحريك) التام والنالة الكامل بحق (بحرمة)

۵ النبى محمد و آله (وسلم) الطاهرين (۱۰/۱۱۴۹ گ ۴۱ الف و ب — ۶/۱۱۶۴ گ ۷۶ الف — ۷۹ (الف) .

۱۲— رسالة فى تفسير سورة الناس بروش فلسفى (منزوى ۱ : ۵۷ . ش ۵۰ ب ۲ م) .

آغاز : تفسير « قل اعوذ برب الناس » بسمله . « قل اعوذ برب الناس » قد ذكرنا

۱۰ (در تفسير فلق) ان الربوبية عبارة عن التربية (المنزيه) والتربية (والتنزيه) اشارة الى تسوية (تقوية) المزاج .

انجام : الجن هو الاستتار والانس هو الاستيناس (الناس) وهما الحواس الظاهرة والباطنة . وهذا هو الذى يبلغ العقل اليه فى هذه السوره والله اعلم باسراره جعلنا الله من اهل ذلك (والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب والحمد لله وحسن

۱۵ توفيقه والصلوه والسلام على خير خلقه محمد وسلم تسليما كثيراً كثيرا) انه الجواد الوهاب (۱۱/۱۱۴۹ گ ۴۱ ب ۴۲ الف — ۷/۱۱۶۴ گ ۷۹ ب — ۸۱ الف) .

۱۳— رسالة المعقول (طوسى ت ۶۷۲) كه [illegible] اماى د [illegible] مهدوى ش ۱۸۶ [illegible] است از رساله حدود (ص ۷۸ [illegible] رسائل) ولى در آن دارد « ذكره ارسطاطاليس فى [illegible] » و « قال المأولانى قدس الله روحه فى حد العقل »

۲۰ و [illegible] در رسالة حدود [illegible] و گويا كسى با نگريستن بهمين بخش از رسالة حدود [illegible] در نسخة ما اين رساله با رسالة حدود [illegible] خدا و معنيهاى عقل و چهار نوع [illegible] آنچه [illegible] آمده است

آغاز [illegible] البارى تعالى لا حد له و لا رسم لانه لا جنس له ولا فصل

۲۵ له ولا [illegible]

انجام : وماذ کرناه شرح الاسم والحمد لربناوله المکارم والعلی والجود . (تمت رسالة العقول . والحمدلله وصلوته علی سیدنا ومولانا محمد النبی وآله الطیبین الطاهرین وصحبه المنتجبین وهو حسبی ونعم الوکیل) (۱۱۴۹/۱۲ گ ۴۲ ب – ۴۳ الف) .

۱۴– رسالة فی اقسام الحکمة (ش ۳۲ م) .   ۵

آغاز : بسمله . الحمدلله ملهم الصواب ومنور الالباب وواهب العقل والمتکفل بالعدل وصلاته وسلامه علی انبیائه المرسلین خصوصا علی محمد خاتم النبیین وآله واصحابه اجمعین وبعد فقد التمست منی ان اشیر الی اقسام العلوم العقلیة .

انجام : فقد دللنا علی اقسام الحکمة وظهرانه لیس شیء منها یشتمل علی مایخالفه الشریعة وان القوم الذین یدعونهانم یزیغون عن منهاج الشریعة انمایضلون من تلقاء انفسهم ومن عجزهم ومن تقصیرهم لاان الصناعة نفسها توجبه فانها بریئة منهم . فلنختتم الان مقالتناهذه حامدین واهب العقل والتوفیق ومصلین علی انبیائه اجمعین خصوصاً علی خاتمهم محمدالمصطفی وآله الغرالمیامین (تمت رسالة اقسام الحکمة والحمدلله علی الائمة وصلی الله علی خاتم انبیائه محمدالمصطفی وآله الطیبین الطاهرین) (۱۱۴۹/۱۳ گ ۴۳ ب – ۴۵ ب) .   ۱۰ ۱۵

۱۵– رسالة المعاهدة بالله که همان روایت نخستین میباشد (ش ۹۲ م) .

آغاز : بسمله . عاهدالله بتزکیة نفسه بمقدار ماوهب لهامن قوتهالیخرجها من القوة الی الفعل عالما من عوالم العقل فیه الهیئة المجردة من المادة .

انجام : عاهدالله انه یسیر بهذه السیرة ویدین بهذه الدیانة کان الله له ووفقنا لما یتوخاه والسلام عن لانبی بعده . تم العهد . تمت . (۱۱۴۹/۱۴ گ ۴۶ الف) .   ۲۰

۱۶– رسالة الطیر که در ص ۲۹۹ همین فهرست (ش ۱۰۷۴/۷) شناخته شده است واین سه نسخهٔ مانندکی ازهم جدائی دارند (ش ۸۸ م) در فهرست مجلس (۱۶۳:۳) از ترجمهٔ طیر ابن سینا در تذکرهٔ ممیز یاد گشته است .

آغاز : بسمله . (وبه الاستعانة ومنه التوفیق . قال الشیخ الرئیس ابن سینا

تغمده‌الله برحمته) هل لاحد من اخوانی ان یهب لی من سمعه .

انجام : ومن اعتقد غیرهذا خسر وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون (تمت الرسالة کتابتها علی یدی من لایفصح عن اسمه و نسبه خجالة من سوء کتابته وسائر افعاله والحمدلله علی کل حال . والصلوة علی النبی والآل (۱۱۴۷/۶ گ ۷۸ ب - ۸۱ الف) (تمت الرسالة . و الحمدلله و حده و اشرف صلواته و ازکی تحیاته علی سیدالمرسلین و خاتم النبیین محمدالمصطفی و آله الغرالمامین و صحبه وهو حسبی ونعم الوکیل) (۱۱۴۹/۱۵ گ ۴۶ ب - ۴۷ الف)

۱۷- رسالة الشیخ الی ابی سعید فی اجابة الدعاء و کیفیة الزیارة که درص ۱۷۴ همین فهرست شناخته‌ایم (ش ۴ د م) گویند که چون پاسخ شیخ باو رسید چنین گفت و ما حصلناه فی ستین سنة فقد اعطی هذاالشاب فی صغر سنه .

آغاز : بسمله . (وبه الاستعانة . کتب الشیخ السعید ابو سعید ابی الخیر قدس الله سره الی الشیخ الرئیس ابی علی بن سینا رحمه‌الله) سلام‌الله تعالی و برکاته و تحیاته علی سیدنا و مولانا الشیخ الرئیس افضل المتأخرین مدالله عمرك ورزقنا مجاورتك ... وبعد فاسأل مولای و رئیسی (وسیدی) جددالله انواع السعادة .

انجام و جعلناالله وایاك الی تخلیص النفس الناطقة عن (من) شوائب هذاالعالم المعرض للزوال فانه لمایرید خبیر (من العمر) فعال وله الحمد لانهایه . تمت الرسالة والحمدلله وحده وصلواته علی سیدنا محمدالنبی و آله الطاهرین و صحبه المیامین وهو حسبی ونعم الوکیل (الحمدلله رب العالمین و الصلوة علی نبیه و آله و صحبه اجمعین . تم) (۱۱۴۹/۱۱ گ ۴۷ ب - ۴۸ الف) و ش ۷۵ گ ۳۹۵ ب - ۳۹۶ ب)

۱۸- الخطبة الالهیة (س ۵۱۲ ف فهرست مصر و ی ۱۳۴۱- ش ۲۰ م) [illegible] ۲۷۲ [illegible] است [illegible] در آورد و دو روایت ازاین پارسی در دست [illegible] و [illegible] روایت در مجلة شرق (س ۱ ش ۸ تاریخ [illegible] ۱۳۱۰ [illegible] ۴۴۹ - ۴۶۲) و [illegible] آقای نفیسی (چاپ ۱۳۳۳ خ ص ۲۶۰ - ۲۷۰) [illegible] شاعر [illegible] علی خسروی (سدة ۵۹۴)

وفخرالدین اسعد گرگانی شاعر (سدهٔ ۵) درویس ورامین که مانند این خطبه است
بچاپ رسید. درمیوهٔ زندگانی حاج ملاعباسعلی کیوان قزوینی (چاپ ۱۳۴۹
ص۳۲۶-۳۲۸) روایت کوتاهتر آن دیده میشود. متن بنام «الخطبة فی التمجید»
و ترجمهٔ آن بروایت درازتر در ص ۱۲۶ - ۱۳۶ «رباعیات حکیم خیام» چاپ
استانبول بسال ۱۳۳۲ دیده میشود. ۵

آغاز: سبحان الملك الجبار الاله القهار لاتدركه الابصار وهو يدرك الابصار
ولا يمثله الافكار لاجوهر يقبل الاضداد فيتغير ولاعرض لسبق وجوده الجوهر.

انجام: وعليك المعول ... نسألك التوفيق ... وكشف الشبهة انك ولي ذلك
والقادر عليه و مبدأوه واوله وآخره بحمدالله ومنه (تمت والحمدلله رب العالمين
وصلواته على سيدنا محمد النبي وآله الطيبين الطاهرين وصحابته المكرمين وهو ۱۰
حسبي ونعم الوكيل) (۱۱۴۹/۱۷ گ ۴۸ ب - ۴۹ الف).

۱۹- ادویهٔ قلبیه (ص ۷۱۶ ف - ش ۱۴ م).

آغاز: كتب الشيخ الرئيس ابوعلي بن سينا ره الى الشريف ابي الحسن بن
علي بن ابي الحسين. وردامر السيد ان اجمع لمطالعته مقالة تشتمل على احكام الادوية
القلبية و اتحرى فيها الاختصار فتلقيته بالطاعة وسئلت الله التوفيق والعصمة. قال ۱۵
الشيخ الرئيس ابوعلي الحسين بن عبدالله بن سينا البخاري رضي الله عنه. فصل.
ان الله سبحانه و تعالى خلق التجويف الايسر من تجويفي القلب خزانة للروح
ومعدنا لتولده.

انجام: فهذا ماحضرنا من الكلام في الادوية القلبية على اقصى ما يمكن
من الاختصار وقدحان لنا ان يتمم هذه المقالة حامدين واهب القوة على تمامها ۲۰
وهوحسبنا ونعم الوكيل (۱۱۴۹/۱۹ گ ۵۱ الف - ۶۱ الف).

۲۰- ارجوزة في الطب (ش ۱۵ م).

آغاز: قال الشيخ الرئيس الفاضل الفيلسوف ابوعلي الحسين بن سينا البخاري،
رضي الله عنه واجره ثوابه، في تقسيم الطب:

الطب حفظ صحة برؤ مرض — من سبب فی بدن منه عرض

قسمته الاولی لعلم و عمل — والعلم فی ثلثة قد اکتمل

انجام :

اقل ما تبرء فیه شهر — وربما یتم ذاك عشر

۵ وقد عرفت من جمیع العلل — والآن اقطع بقول مکمل

(۱۱۴۹/۲۰ گ ۶۱ ب ـ ۶۹ ب و ۲۳۵ الف ـ ۲۳۷ ب).

۲۱ـ مباحثات (س۳۳۷ ف ـ ش۱۰۵م) که هرشش مباحثهٔ آن در این نسخهٔ ما هست و مانند نسخه بادلیان میباشد . چنانکه یاد کردهایم (س ۳۴۰) نسخهٔ ش ۱۰۳۷/۶ ما درشش فصل است و پیداست که ازمباحثه پنجم آغازمیگردد .

۱۰ آغاز : بسمله . وبهالعون . وصل للشیخ عدة کتب تشترك فی الایناس بخبر سلامته وذلك ممایعظم الاستبشار به .

انجام : ویعنی بالمؤبدمؤبدالذات ومااللذات ومن هذاالعدر لایلزم غیرهذاالقدر (تم المباحثات بحمدالله تعالی وحسن توفیقه) (۱۱۴۹/۲۱ گ ۷۰ ب ـ ۱۰۹ الف)

بخشی ازمباحثهٔ پنجم آن در گ ۳۳۲ ب ـ ۳۳۴ ب نسخهٔ ماش ۱۱۴۹ هست همانکه

۱۵ قنوانی در ش۱ فهرست خود بنام « اجوبة ست عشرة مسألة لابی الریحان البیرونی » یاد کرده است (س ۱۴ و ۲۱۲ م) و بهمین نام هم دررسائل ابن سینا چاپ ۱۹۵۳ استانبول دیده میشود ولی ۱۷ پرسش و پاسخ است . چنین است این بخش:

آغاز بسمله مامعنی العقل بالقوه فان الشیء الذی یدرك مناالمعقولات قدبان انه مجرد عن المادة و قد قیل ان ما تجرد عن المادة فهو عقل بالفعل فما معنی

۲۰ العقل بالقوه

انجام لعل هذا ... الی القول الجزم (فیه) (س ۱۴ گ ۳۳۴ ـ نسخهٔ ما که پایان چاپ است ... در نسخهٔ ما افزوده دارد بدینگونه:) اما قوله ان ... اولیا . فهی موجودة بالفعل عنه بعض القوی ... ان ... القوة الخیالیة ... فی آلة جسمانیة . و قوله .

لعل المزاج واسطة ... علیه تحریك مخالف له ـ این هم گفته شود که قنواتی این
بند « ولاخلاف لمایوجبه القوة المجبولة فیها . . . و ذلك هوالمطلوب (الباقی)
(گ ۳۳۴ ب ـ ۳۳۵ ب) را که در نسخهٔ ما پس ازاین آمده ودرحکمت عروضی
(مقالهٔ ۱و۲ طبیعی) و نجات (ف ۱و۲ م ۱ طبیعی ص ۱۰۲ - ۱۰۴) دیده میشود
پاره‌ای ازهمین « جواب ست عشرمسئله » پنداشت . ۵

۲۲- شرح حی بن یقظان (ص۲۰۹و۲۵۶ ف-ش۶۵م و۲۱۹ق) ازابن زیله
که همهٔ آن درمجلة المجمع العربی دمشق (ش ۳و۴ س ۲۹ تاریخ ۵۴ وش ۱و۲
س۳۰ تاریخ۱۹۵۵ و پس از آن) ازروی نسخهٔ ش ۴۵۶ بادلیان اکسفورد نوشتهٔ
۶۳۴ بچاپ رسید ولی درص۷-۵۶۶ آنچه نسخهٔ بادلیان کم داشت ازروی «مختصر
فی تفسیر معانی رسالة حی بن یقظان » نسخهٔ بنگال و دو چاپ آن مانند نسخه ۱۰
۱۰۷۴/۱۷ ما آمده‌است . دراین نسخهٔ ماهم در گ ۱۱۰الف س۲۰ میان دو کلمهٔ
« اذکانت » و «اشاربه» مانند نسخهٔ بادلیان کم داشت ولی کسی دیگرآن بندیرا
که نبود در گ۲ ب نوشته‌است پس این نسخهٔ ماماننند دو نسخهٔ ش ۳۲۶۸ احمد۳
درطوپقپوسرای بتاریخ۵۸۰ و کتابخانه ملی تهران ش۸۸۴/۱ کامل خواهدبود .
محمدصغیر حسن معصومی که این گزارش را درآن مجله بچاپ رساننده میخواهد ۱۵
بگوید که متن وشرح هردو ازابن سیناست ولی چنین نیست وسبك عبارت ودو نسخهٔ
طوپقپوسرای وملی میرسانند که گزارنده ابی منصور ابن زیله میباشد . ومختصر
آنهم چنانکه از نسخهٔ مابرمیآید از کس دیگراست که از گزارش ابن زیله گزین
نموده است . حی بن یقظان منظوم ابن الهباریه م ۵۰۴ (ص ۲۵۸ ف) را من
درسال سوم مجلهٔ دانش بچاپ رسانده‌ام . شیخ ابوالبقاء مقدسی متن ابن سینا را ۲۰
بنام جواهرالبیان و جواهرالتبیان و همچنین عبدالرؤف محمدبن تاج العارفین
مناوی (م ۹۵۲) آنرا گزارش نموده‌اند . ابن النفیس قرشی (م ۶۸۷) دربرابر
آن « فاضل بن ناطق » نوشته وازاندیشه ابن سیناخرده گرفته است (ص۷۸۲ ف)
ونسخه‌ای ازآن درکتابخانه عاشرافندی دراستانبول (ش ۱۰۴۶/۱) هست (مجلهٔ
مجمع علمی) . ۲۵

آغاز : قال الشيخ الرئيس الاجل الاوحد الفيلسوف ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا قدس الله لطیفه ولماه احسانه و بعد فان اصرار کم معشر اخوانی علی اقتضائی شرح قصة حی بن یقظان . . . قال المفسر قوله تیسرت دلیل علی ان الامور کلها متعلقة بتیسیر الله تعالی ایاها .

۵ انجام : و تلك هی الحالة التی یستفاد بالله منها و من سرها و غایتها (تمت) (۱۱۴۹/۲۲ گ ۱۰۹ ب - ۱۱۸ ب) .

۲۳ - تدارك انواع الخطاء فی التدبیر الطبی (مر ۷۳۱ همین فهرست - ش ۷۵م) .

آغاز : و بعد فان الشیخ السید اباالحسین احمد بن محمد السهلی رحمه الله وهو من عرف بعلو الهمة و شرف الامامة و محبة العلوم و الحقیقة و الاخذ منها بالحظ الاوفر . . .

۱۰ امرنی فیما امر من الاوامر الحکمیة ان اعمل کتاباً فی دفع المضار الکلیة للابدان الانسانیة .

انجام : فهو موجود فی الکتب ولکن هذا کاف فی غرضنا والله اعلم (تمت الرسالة) (۱۱۴۹/۲۳ گ ۱۱۹ ب - ۱۲۸ ب) .

۲۴ - رساله فی العلم و النطق که در فهرست آغاز [illegible] کتاب اللواحق ،

۱۵ خوانده شده است (ش ۱۸۸ م) در [illegible] رساله هم سخنهای از آن (۲۹۱۲ گ ۳۰۳ - ۳۱۵) بنام شیخ هست و گویا باباافضل کاشی از روی همین متن رساله پارسی منطق خود را ساخته است [illegible] از خود شیخ گذشته از اینکه در سخنها که جنگی است از نوشته‌های شیخ آمده است چیزی بر نمی‌آید که این رساله از او است و شاید بتوان گفت که [illegible] این را [illegible] بتازی و [illegible] بپارسی نوشته است بچند دلیل

۲۰ [illegible] رساله را از [illegible] اینکه در بحث از قیاس [illegible] بسیط و مرکب) [illegible] منه قیاس الخلف [illegible] قال : ما هذا معناه، [illegible] و قیاس استثنائی کما لو قیل

ان القضية الشرطية يتر كب من قضيتين حمليتين يفهم منه ان القضية الشرطية غيرهما
وليس الامر فی قياس الخلف كذلك فانه ليس غير الاستثنائی بل هو قياس استثنائی
مقدمته الصغری متر كبة من قضيتين حمليتين مشتر كتين فی حد (گ ۱٤٥ الف)
شيخ در مختصر اوسط گفته « والقياس الخلف الذی سنذكره بعد فهو من قياسين
حملی و استثنائی كما سنحققه من ذی قبل » (۱۷٥ الف) و سپس در همين كتاب ۵
(۸۰ الف) از آن بررسی نموده است . در نجات (ص ٥٥) دارد «فيكون هو بالحقيقة
مركبا من قياس اقترانی و من قياس استثنائی » در فصل ۳ مقاله ۸ فن ٤ منطق
شفا دارد « والقياس الخلف بالحقيقه هو قياس مر كب من قياسين شرطيين فقط ...
فاحداهما اقترانی من شرطية متصلة و مقدمة يشاركها فی التالی والثانی قياس
شرطی اتصالی استثنائی وبذلك يتم الخلف وحده » (نيز فصل ١٤ مقاله ۹ همين ۱۰
فن) در اشارهٔ ۹ نهج ۸ اشارات نيز دارد « قياس الخلف مر كب من قياسين احدهما
اقترانی والآخر استثنائی » در دانشنامه (ص ۸۸ چاپ ۳۱ خ) آمده « واين قياس
خلف مر كب است از دو قياس يكی قياسی است از جملهٔ قياسهای اقترانی غريب
كه من بيرون آورده ام و يكی استثنائی . . . و مردمان اندر باز بردن اين سخن
بقياسهای درست كاری دراز پيش گرفته اند و خود نهاده اند وارسطاطاليس اشارت ۱۵
بدين كرده است كه من خواهم گفتن ولی اين مقدار گفتست كه خلف از شرطی است
اينستكه من خواهم گفتن . نخستين قياس از اقترانی متصل است و حملی . . . »
پيداست كه از عبارت گذشته سخنان شيخ خواسته شده و در آن از گفته او خرده گيری
شده است چنانكه طوسی درشرح اشارات (همانجا) ميگويد « ثم ان الشيخ
افضل الدين محمد بن حسن المرقی المعروف بالقاشی رحمه الله ذهب الی ان هذا القياس ۲۰
هو قياس استثنائی من متصلة . . . » و آشكار است كه طوسی بهمين كتاب
مينگريسته است (ص ۲۲۰ همين فهرست و ص ۵۰۰ ش ۸ س ۸ تاريخ آبان ۱۳۳۱ خ
مجلهٔ مهر، گفتار من دربارهٔ نگارشهای كاشانی) .

دليل ديگر اينكه در اين «العلم والنطق» مبحثهای منطقی بدوگونه بخش

شده است : دانائی و گویائی . و این روش مانند روش کاشانی است در کتابهای
دیگراو مانند مدارج کمال و عرض‌نامه و جاودان‌نامه و بویژه اینکه درمبادی
موجودات او (چاپ شدهٔ در ش ۳ س ۱ مجلهٔ جلوه تاریخ شهریور ۱۳۲۴ خ)
مانا مطلبها مقالهٔ نخستین همین«العلم والنطق» با عبارتهای دیگری آمده است
۵ وشیخ رئیس را چنانکه نگارشهای دیگراو گواهی میدهد چنین روشی‌نیست .

دیگر اینکه دراین‌نامه دربارهٔ شکل چهارم یکجادارد «وقد یمکن ان یکون
موضوعا فی‌المقدمة الصغری محمولا فی‌المقدمة الکبری فیسمی الشکل الرابع »
(۱۴۱ الف) نیز « وههنا شکل آخر بقتضیه‌القسمة التی ذکرناهافان‌الحدالاوسط
اما ان یکون محمولا فی‌الصغری والکبری . . . اوموضوعا فی‌الصغری محمولا
۱۰ فی‌الکبری وهوالشکل‌الرابع ولم یذکر فی کتب‌المنطق المشهورة هذاالقسم
من‌الاشکال لخفاء انتاجه فانه یقابل‌الشکل الاول (الذی هو) ابین قیاسیة واظهر
انتاجامن‌جمیع الاشکال فالشکل‌الرابع اخفی قیاسیة واوعرتبیینا للنتیجة من‌جمیعها
وقد یرد کثیراًفی‌الکلام الا انه یرد سریعا الی‌الشکل الاول بتغییر المقدمتین قولا
وعن انتاجه‌الخاص » (۱) همین هم میرساند که این نامه ازشیخ رئیس نباید باشد
۱۵ چه اودرشفا و نجات و اشارات و دانشنامه شکل چهارم را نپذیرفت ودرمختصر
اوسط هم پس‌از یاد کردن سه شکل نخستین و دوم و سوم گفته است « ولاشکل
الا هذه ویعم‌الاشکال الثلثة [illegible] » (۱۱۴۹/۲۸ گ ۱۶۷ ب) مگر اینکه
عبارت یادشدهٔدر بالا از این‌رساله فی‌العلم‌والنطق» با آنچه که درترجمهٔ آن بنام
«منهاج‌المبین لاسامةالیقین» درهمین زمینه آمده چندان سازگار نمی‌نماید وشاید
۲۰ مو [illegible] که بهشانی دراین دو نامه دو گونه اندیشیده است (۲) .

آغاز : [illegible] الحمد [illegible] [illegible] والله نعم الرفیق . فان عزیمتنا

۱ این [illegible] در نسخهٔ ما در ۱۴۱ [illegible] کم دارد وازروی نسخهٔ
دیگری [illegible]

۲ [illegible] دربارهٔ شکل چهارم درمجلهٔ مهر سال ۸ ش ۲و۳و۵
۲۵ ص ۱۰۰و۱۰۱و۱۶۲

فی هذه‌الرسالة مقصورة علی ذکر حال‌الخلقین الخاصین بنوع‌الانسان وهما‌العلم والنطق و تفصیل ما عرض لهما من‌الاحوال . . . و اذ کان‌العلم اقدم بالطبع صار اشتغالنا به اهم فصارت رسالتنا هذه مقالتین مقالة فی‌العلم ومقالة فی‌النطق .

انجام : مثل‌الکسوف‌الذی‌یستدل به‌علی توسط‌الارض‌بین‌الشمس‌والقمر واذا اتینا بما اردنا ایراده ووفینا بماوعدنا فلنختم‌المقالة والله ولی‌الهدایة والحمد له کماهواهله و علی نبینا خاتم‌الانبیاء محمد و آله والصلوة والسلام (۱۱۴۹/۲۴ گ ۱۲۹ ب – ۱۴۶ الف. دراین‌نسخه درس ۱۹ گ ۱۴۱ الف باندازهٔ یک صفحهٔ کم است) .

۲۵– رسالة فی علاج‌الحزن (ص ۶۷۲ ف – ش ۵۹ م) .

آغاز : بسمله . الحزن الم نفسانی یعرض لفقد‌المحبوبات وفوت‌المطلوبات لایکاد یعری احد من هذه‌الاسباب .

انجام : بل یرضی بکل حال یکون فیها‌لیسلم من‌الم‌الحزن (تمت‌الرسالة والحمدلله وصلواته علی سیدنا‌محمد‌النبی و آله وسلامه رب اختم‌بالخیر (۱۱۴۹/۲۵ گ ۱۴۶ الف) .

۲۶– رسالة فی‌دفع‌الغم من‌الموت (ص ۶۶۱ و ۲۲۲۱ ف – ش ۱۶۸ م) ونباید از ابن سینا باشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌رب‌العالمین وصلواته‌علی‌محمد‌النبی و آله‌الطاهرین لماکان اعظم مایلحق الانسان من‌الخوف هوالخوف من‌الموت .

انجام : فلایفضل المتصدق ذلک الفضل الا ان یشاکله تلک‌النفس وعلی هذا یشبه بشیء واحد (۱۱۴۹/۲۶ گ ۱۴۶ ب – ۱۴۷ ب) .

۲۷– الذکر (ش ۵۴ م) که‌در ثمر‌الحیوة کیوان‌قزوینی (چاپ ۱۳۰۸ ص ۱۶۲) بنام «کلام فی‌الخلوة والحث علی تصفیة‌الباطن» هم دیده میشود .

آغاز . بسمله . امابعد‌فان‌من‌شمر‌عن‌ساق‌الجد‌للبلوغ الی‌مرتبة‌الواصلین .

انجام : حتی نبلغ منه منزلة‌السکینة بمنه وجوده وسعة رحمته والحمدلله

رب العالمین وصلواته علی سیدنا محمد و آله اجمعین (۱۱٤۹/۲۷ گ ۱٤۷ ب - ۱٤۸ الف).

۲۸- مختصر اوسط (ش ۱۰۸م) که بوشنهٔ قنواتی (٤٥) همان «الموجز الکبیر فی المنطق» است که در سرگذشت (ش ل و ۲۹ در دو نسخه چاپ مصر و ایران) یاد گردید و گویا همان مختصر اصغر یا اوسط جرجانی باشد که شیخ در گرگان برای ابی محمد شیرازی نوشته و در همانجا برای جوزجانی املا نموده است. مانا همانکه نسخهٔ آن بشیراز رفته و دانشمندان بر آن خرده ها گرفته و پرسشهای خودرا بوسیلهٔ ابوالقاسم کرمانی برای شیخ فرستادند و او هم بیدرنگ بدانها پاسخ داده است (مانا همان «الاجوبة عن المسائل العشرینیة» ش ۸ م و ۳۹ ق) شیخ همین مختصر اوسط را با دیگر گونگیهائی باآوردن فن برهان از جاهای دیگر و سوفسطیقا از حکمت عروضی در نجات گذارده است

در گ ۱۷۲ الف و ب دارد: «ولم یذکر فی کتب القیاس ماینتج مطلوباً شرطیاً البتة وعسی قد کان ذکر ذلك فی الکتاب الذی عمله الفیلسوف فی الشرطیات ولکنه سائم غیر منقول الی لغتنا ولا الی لغة السریانیین و کانه لیس فی زماننا له نسخة» در اینجا شیخ دلیلهای روشنی میاورد که باید از قیاسهای شرطی کاوش نمود و خود گویا نخستین بار است که از آن کمك و اقسام آنرا یاد کرد. در گ ۲۰۰ الف دارد «وهو منا فی التعلیم الساعوجی» پس شیخ در این کتاب مانا میخواهد ارغنون ارسطو را کرانی کند

آغاز: (هذا مختصر اوسط للشیخ الرئیس فی المنطق) بسمله الحمدلله رب العالمین و صلواته علی [illegible] و [illegible] کمال الانسان فی ان یعرف الحق [illegible] والعمل [illegible] والمعلوم انه من الامرین بالفطرة شیء نزر.

انجام: [illegible] فی [illegible] فی [illegible] الصادق هذا یقع علی اربعة اوجه [illegible] و وجه ثان وهو بالتجربة و ذلك ان الحس اذا تکرر علی [illegible] فیؤدی [illegible] الی الوهم [illegible] واحد فعند منه والله اعلم (۱۱٤۹/۲۸

گ ۱٤۸ ب - ۲۰٤ الف . در ۱۵۷ کمی سفید و کم دارد و در ۱٦۱ الف جای لوح سفید است در۱۷۷ هم سفید گذارده شده و کم دارد) .

چنانکه گفته‌ایم قنواتی این رساله را « الموجز الکبیر » نامید وهمین را دوقطب شیرازی و رازی و صدرای شیرازی هم بدین نام خوانده‌اند چه اینکه در آغاز برهان آن (ف۱ م ۳ - ۲۰٤ ب) دارد « العلم علی وجهین احدهما تصور والآخر تصدیق. والتصور ان یحدث مثلا معنی اللفظ فی النفس ... بل ذلك حادث آخر فی النفس » واین عبارت که باندازهٔ ده سطر میشود در آغاز منطق درة التاج قطب شیرازی بنام همین الموجز الکبیر آمده (ص۲ چاپ تهران) وقطب رازی هم درشرح مطالع (فصل۱ ص۷ چاپ ۱۳۱۵ درآخر شرح بر گفتار ارموی فی الحاجة الی المنطق) همین اندازه « العلم علی وجهین تصور وتصدیق » را ازآن آورده وهمه آن عبارت بالا را بنام همین کتاب باعبارت دیگری:« ان التصدیق موقوف علی امرین احدهما تصور المصدق به ای المط به والثانی تصور مایعلم ثبوته وتصدیقه ولاشی من الانتساب والنسبة بمتوقف علی ذلك » دررساله تصور و تصدیق خود گنجانده است . (شماره ۳۸۷۸ مدرسهٔ سپهسالار - درچاپ ۱۲۸۷ هند اندکی ازآغاز این رساله تا بالای صفحه ٦۸ آمده و همه را ندارد) صدرای شیرازی دررسالهٔ تصور و تصدیق (چاپ‌شدهٔ باالجوهر النضیددرتهران بسال ۱۳۱۱) نیزهمان عبارت بالا که دردرة التاج آمده است آورد . چون این عبارت درنجات نیست پس برهان آن از برهان الموجز الکبیر یا المختصر الاوسط گرفته نشده است .

۲۹- الموجزة فی المنطق (ش ۱۱٦ م - ق ۳۱ و ٤٤) که دراین نسخهٔ ما همان بخش برهان وجدل و مغالطه و خطابهٔ آن آمده است و جدل و مغالطه وخطابهٔ آن همان جدل و مغالطه و خطابهٔ حکمت عروضی است (نسخه خطی وآغاز ناس۳ س ٥٤ چاپ مصر) با اندکی جدائی .

آغاز : بسمله . فی اصول علم البرهان و بیان ان کل تعلیم وتعلم فمن علم سابق . قدفرغنا عن الامر المشترك لجمیع القیاسات وهو الکلام فی التألیف فلنشرع

فی تحدید المواد التی فیها یقع التألیف واحداً واحداً منها ولنبداء بالمواد البرهانیة .

انجام : فهذه هی اجزاء الفضیلة ولیس بهـا فقط یمدح الانسان و بفاعلاتهـا (١١٤٩/٢٩ گ ٢٠٤ ب – ٢٣٣ الف) .

از نکته‌های تاریخی و علمی که در مختصر اوسط و موجز هست یکی اینستکه در بدست آوردن حد سه راه پیشنهاد شده یکی برهان دیگری قسمت سوم ترکیب . خود ارسطو در ارغنون در فصل ٣١ مقالهٔ ١ قیاس و فصل ٥ مقالهٔ ٢ فن برهان از قسمت یاد نمود و از رأی افلاطون که طرفدار آنست و میخواهد آنرا در برهان و حد بکار برد خرده گرفت و در فصل ٤و٦و٧ مقالهٔ ٢ همین فن از برهان در حد گفتگو نموده و در فصل ١٣ و ١٤ همین مقاله روشن کرد که راه پیدا کردن حد ترکیب است نه قسمت ابن ابی زرعه در «اغراض ارسطاطالیس المنطقیه» و ابن رشد در «تلخیص» همان سخنان ارسطو را روشن نمودند و نامی از کسی نبردند. پیش از آنها فارابی در اوسط کبیر نوشته که کسانقراطیس در حد راه برهان رفته و افلاطون راه قسمت و ارسطو راه ترکیب در آن پیش گرفته است شیخ در همین مختصر اوسط در «فصل (٣) فی ان الحد لایکتسب بالبرهان» از مقالهٔ ٢ کتاب البرهان (گ ٢٠٠ الف) هم راه برهان را از اسم فارابی از کسانقراطیس (اکسانقر در نسخهٔ ما) و در فصل پس از آن قسمت را از افلاطون دانست (نیز در قیاس گ ١٨٢ ب) و در فصل ١١ آن (٢٠٢ الف) از راه ترکیب بنام فیلسوف (ارسطو) یاد نمود و در آغاز آن بندی از فصل ١٣ مقالهٔ ٢ فن برهان ارسطو (٩٦ ب ١٥ س ٤٤٣ چاپ بدوی) را بروشی دیگر آورده و پیداست که آنرا گزین نموده است او در برهان موجزه هم از روشهای برهانی و اسم کسانقراطیس و قسمت افلاطون و ترکیب ارسطو کاوشی نموده است (گ ٢١٨ و ٢١٩ الف) در منطق شفا (فصل ٥ مقالهٔ ٩ فن ٤ در قیاس) هم از قسمت گفتگو نموده و در فصلهای ٢ و ٣ و ٦ مقالهٔ ٤ فن ٥ در برهان روشن کرد که در حد برهان و قسمت و استقراء بکار نیاید و باید بترکیب پرداخت. در نجات نیز از اینگونه سخنان آورد (ص ٧٦-٨٠) ولی نه در شفا و نه در نجات از دوستاران

دوراه برهان وقسمت درحد و برهان نام کسی را نبرده است (نیز بنگرید بمعتبر بغدادی ١:٥٥-٦١ واساس الاقتباس ص ٤١٦-٤٢٩ ومعیار العلم ص ١٧٦و بصائر نصیریه ص١٦٩) فارابی باید از کسانقراطیس که در نسخهٔ مختصر اوسط وموجزهٔ ابن سینادرست نوشته نشده همان کسنو کراتس (Xénocrate = Ξενοκρατης) را خواسته باشد.همانکه درفصل ٤ مقاله ٢ برهان ارغنون از گفتهٔ اودربارهٔ اینکه «روان آدمی شماریست خودبخودجنبنده» یاد گردید همچنین در کتاب نفس (م ١ ف ٢و٤ - ترجمه عربی ص ١٢و٢٠ وفرانسوی تریکو ص ٢٥و٤٧ - نیز ترجمهٔ فرانسوی تریکو از برهان ارغنون ص ١٧٥ و قیاس وبرهان Ross ص ٦١٨) شیخ درفصل٢ مقاله ٤ برهان منطق شفا (ص٢٠٣) از تعریفهای نفس این را گفته: «عدد محرك لذاته» و بدوی روی گفتهٔ پلوتارخوس درآراء طبیعیه (ص ١٥٦) که دارد «واما بوثاغورس فیری ان النفس عدد یحرك ذاته ویعنی بقوله العدد العقل» این رأی را از فیثاغورس پنداشته است با اینکه بنوشتهٔ رس و تریکو، همین پلوتارخوس دراخلاق (Mor. 1012 D) وفیلوپونس (یحیی نحوی) واوستراتس آنرا از کسنو کراتس دانسته‌اند. میشود گفت که فارابی از فیلوپونس گرفته ودور نیست که این رای دوم از فیثاغورس بوده و کسنو کراتس از او پیروی کرده باشد (١).

١- کسنو کراتس فیلسوف یونانی که درخلقدونیا نزدیك ٤٠٦ پیش ازمسیح زاده ونزدیك ٣١٤ درگذشت شاگرد افلاطون بوده وبااو بسیکیلیا رفته است. اوهمشاگرد ارسطو و از رهگذرهائی پست تراز او بود چه هوشی کند داشت ولی ارسطو زیرك بوده است. ازاینجا است که افلاطون دربارهٔ ایندوگفته که «یکی نیاز به لگام دارد ودیگری به مهمیز» گرچه اودربکاربردن خوی ورفتارفلسفی برارسطو برتری داشته ودرشت وسخت و بی آزبوده است و برندگی او تااندازه‌ای بودکه استادش اورا بدینگونه برمیانگیخت که «دربرابرخاریتس (Xàrites = Χάριτες) پروردگاران زیبائی قربانی کند» او در ٣٣٩ درتدریس آکادمی جانشین اسپوسیپس شده و نخست پیرو آراء افلاطون بوده سپس نزدیك بمسلك فیثاغورسی شده ومیان دوروش افلاطونی وفیثاغورسی (مثل واعداد) آشتی داد. کتاب مرگ اودر١٤٩٧ بچاپ رسید (لاروس سدهٔ ١٩و٢٠)

(ص ۳۱۹ ف و۲۰۵ م) که هردودر رسائل ابن‌سینا شمارهٔ ۱ چاپ ۱۳۵۳ آنکارا دیده میشود.

آغاز: بسمله. اعترض علی فیما وجده الشیخ ابو الفرج من الاخلال و الاختلاط فی مقالة لی کتبها مجیبا فیما وسطت فیه وان کان ایضا قدامعن فی القول والثناء الجمیل کما یلیق بحرمثله مخلوطا بغمزات و لمزات فیما ضرب مما لم یزل اهل الفضل یصون عنه فی المشافهات و الحکایات و لو کان القائل غیره و المقول غیری وقد حکی عنی ما لم اقله ولا اقوله. ۵

انجام: فیکون التفاوض علی کتمان انشاء الله وحده (تمت الرسالة والحمدلله وصلوته علی خیر خلقه محمد النبی و آله الطیبین الطاهرین) (۱۱٤۹/۳۳ گ ۲٤۰ الف - ۲٤۲ الف). ۱۰

۳٤- المبدء والمعاد (ص ۳٤۳ ف - ش ۱۰٦ م) آقای محمود شهابی آنرا بفارسی کرده واین ترجمه درچاپخانهٔ دانشگاه بچاپ رسید.

آغاز: رسالة فی بیان المبداء والمعاد. الحمدلله رب العالمین و صلواته وسلامه علی رسوله محمد و آله اجمعین قال الشیخ الرئیس ابوعلی الحسین عبدالله بن سینا البخاری رحمه الله و بعد فانی ارید ان ادل فی هذا الکتاب علی حقیقة ما عند المشائین المخلصین من حال المبداء و المعاد تقربا الی الشیخ ابی احمد محمد بن ابراهیم الفارسی. ۱۵

انجام: والاستبداد بالرأی الباطل والاعتقاد العجب فیما یری و یعقل (تم الکتاب ولله الحمد و المنة و صلواته علی رسوله محمد و علی آله و سلامه آمین یارب العالمین) (۱۱٤۹/۳٤ گ ۲٤۲ ب - ۲٦۷ ب. عنوانهای مطلبها بخط شکسته نستعلیق تازه در کنار برگها هست و حاشیه‌هائی هم بهمین خط که نشانهٔ «یا اباعبدالله الحسین» دارد هست). ۲۰

۳۵- رسالة فی حفظ الصحة (ش ٦۰ م) در سیزده فصل.

آغاز. بسمله. استعین فیما افید بالعقل الفعال و اسئل الله تعالی ان یطیل

بفاء الشيخ و استدیمه بمنه و نعمته واسترهن له العصمة والتوفيق لما يحبه و يرضاه بمنه وفضله ولما رأيت ظاهر تميزوبادیء تحصيله ... طلبت من نفسی تأثیر ما اوجبت له ورغبت اليه شیء من ابواب الخدمة ... فلم اجد شيئا اشبه مماجربته من صلاح نفسه ثم لما يتحفه لاخوانه واصدقائه ان اجمع كتابا مختصراً ينطق بذكر الصحة
٥ ودفع الاسقام .

انجام : فی امساك البطن بمالج والدم فی البروج ذوات الجسد (اوبلت مقالة حفظ الصحة للشيخ و كانه وقع من آخره صفحة اوا ول فليطلب) (١١٤٩/٣٧ گ ٢٧٠ الف - ٢٧٢ ب .چنانكه نويسندهٔ نسخه ما گواهی میدهد این نسخه كم دارد وانجام آن درفهرست آقای دكترمهدوی چیزی دیگراست) .

١٠ ٣٦- تدبیر المسافرین (ش ٤٥م) كه شیخ در مدارك الخطاء الواقع فی التدبیر الطبی گویا ازهمین یاد نمود (س ٧٣١ ف) .

آغاز بسمله . الحمدلله رب العالمین حمدالشاكرین وصلواته علی خیر الخلائق محمد و آله الطاهرین . ینبغی للمسافران یستفرغ بدنه بالفصد اوبالدواء ان كان ممن اعتاد ذلك .

١٥ انجام ثم يطلی علی الموسع وذلك ما اردنا ان نبین ومن الله التوفيق (١١٤٩/٣٨ گ ٢٧٢ ب - ٢٧٤ الف)

٣٧- رساله فی الشراب معروفه بالمجدول (ش ٨٣ م) كه شیخ در خطبهٔ فی الخمر (س ٥١٣ ف - ش ٧١ م) گویا بهمین میرگرد .

آغاز بسمله الحمدلله رب العالمين حمدالشاكرين وصلواته على خير الخلائق
٢٠ محمد و آله الطاهرين قال الشيخ الرئيس اعلى الله درجته هذا كتاب سياسة البدن وفضائل الشراب ... و مضاره و ... المكثرمنه و ... لاهل ومايعارض ... السياسة ... البصر، السماع، الذوق، الشم، الباه،

انجام والصحيح والمرتعش والمصفات و ... ما كان على الطبل والمعف ... رسالة الرئيس رحمه الله عليه فی الشراب وهی معروفة بالمجدول
٢٥ ولله الحمدوالمنة) (١١٤٩/٣٩ گ ٢٧٤ ب - ٢٧٥ الف)

۳۸ـ کناش فاخر که چنانکه دردیباچه آمده باید در ده مقاله و پنج باب باشد ولی هم در فهرست پس از دیباچه و هم در خود کتاب جز همان ده مقاله نیامده است . هیچ نشانه‌ای در این رساله نیست که برساند که آن از ابن سینااست .

آغاز : بسمله . الحمد لواهب العقل والبیان مفضل الانسان علی جنس الحیوان ... کنت اشرت الی ایهاالاخ الباران اجمع کناشاًفاخراًیحتوی من الطب ۵
علی اصول مضبوطة وفروع بالتجربة منوطة فاجیب الی مرادك وجعلته علی عشر مقالات وخمسة ابواب .

انجام : تمت المقالة العاشرة . . . وههناالقول فی ذلك وکفی واللهالمعین وحسبناالله وحده وصلی الله علی سیدناونبینامحمدوآله وصحبه‌اجمعین (۱۱۴۹/۴۰ گ ۲۷۵الف ـ ۲۸۸ ب) . ۱۰

۳۹ـ الکامل الکثیرالمنافع که اینهم روشن نیست از ابن سینا باشد .

آغاز : بسمله. قال یحیی بن ماسویه: شحم الحنظل ودواء یسمی اسطوخودوس فشحم الحنظل اذ اشرب منه ماهی قیراط الی دانق مع ایارج فیقر اوزن درهم معجونا بعسل .

انجام . قد طبخ فیه مرزنجوش ومام وبودنج وشیح وقیصوم انشاءالله تعالی ۱۵
(تم الکتاب الکامل الکثیرالمنافع . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبینامحمد وآله واصحابه اجمعین . تم .) (۱۱۴۹/۴۱ گ ۲۸۸ ب ـ ۲۹۴ ب) .

۴۰ـ فصول فی الطب (ش ۹۶۰ م) که گویا از گفته‌های شیخ درمجلس درس گرد آورده‌اند .

آغاز . بسمله . علیك اعتمادی یا کریم . اما بعد حمد ولیه والصلوة علی ۲۰
نبیه . قال خلق القلب ومابنبعث منه من العروق الضوارب وعاءالروح ومکان تولدها.

انجام : حدالماء جرم بسیط طباعه‌ان یکون بارداًیابسامتحرکاالی الوسط نازلافیه (تمت الفصول من املاء شیخ الرئیس والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمدالنبی وعلی آله واصحابه الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا . تم .)

(۱۱۴۹/۴۲ گ ۲۹۵ ب - ۳۰۳ ب) .

۴۱- مسائل حنین (ش ۱۱۰ م) خواجهٔ طوسی هم گفتاری در بارهٔ سخنان حنین و ابن‌سینا دارد (س ۷۲۵ ف) .

آغاز . بسمله . قال حنین فی المسائل البلغم صار یحدث حمی ینوب کل یوم من طریق انه سهل الاجتماع بسبب کثرة مقداره و سهل التعفن بسبب رطوبته و التحلل والاستفراغ بسبب لزوجته و المرة السوداء صارت (تحدث) حمی ینوب یوما و یوما ... والمرة الصفراء صارت تحدث حمی ینوب یوما و یوما . . قال الشیخ الجواب فیها ثلثة امور . اجتماع و عفن و تحلل . فالاجتماع یعین علی سهولته .

انجام : والخریف بخلاف ذلك لان الصیف یحلل الرطوبات والارواح فیبرد الخریف والقوی واهیة والرطوبات متحلله فیهوی علی البدن اضعف عارض (هذا آخر ما وجدت من هذه المسائل و التعلیق . تمت بعون الله و حسن توفیقه) (۱۱۴۹/۴۳ گ ۳۰۴ الف . ۳۰۹ الف)

۴۲- رسالة فی الباه (ش ۳۹ م) که آن از ابوسهل حمدونی (گ ۳۱۰ ب س ۱۴) یاد شده است .

آغاز [illegible] الحمد لله حمداً [illegible] الظاهره والباطنه والصلوة علی [illegible] الطاهرین و خصوصا علی خیر الخلائق محمد و آله و عترته . [illegible] الشیخ الرئیس [illegible] سأله عنها [illegible] اثنین و سبعین سنة [illegible] و بالله التوفیق انه لابد لمن آثر [illegible] ارشاد علی سبیل [illegible] و تمهید [illegible] لایشوبها [illegible] والسلام [illegible] .

انجام [illegible] الرأی العالی زاده الله سمواً زیادة

فیما قلت سارعت الی الزیادة انشاءالله تعالی (تمت الکتاب بعون الله و حسن توفیقه) (۱۱۴۹/۴۴ گ ۳۰۹ الف - ۳۱۱ ب).

۴۳- رسالة فی منافع الاعضاء (ش ۲۲۹ م).

آغاز : بسمله . رب وفق و اعن . لما اقتضت حکم الخالق تعالی ایجاد شخص الانسان بالجمع بین العناصر المتفاوتة الطبائع المناسبة المنافع جعل اختلاف امتزاجها سببا لوجود اخلاطه المختلفة .

انجام : واظهرت فیه القوی الحسیة واعدته للاتصال (با) النور العقلی بقواه النفسانیة والتصرف فیما یقتضی شروط الانسانیة . تبارک الله احسن الخالقین وصلی الله علی محمد و آله اجمعین . (۱۱۴۹/۴۵ گ ۳۱۱ ب - ۳۱۴ الف).

۴۴- ارجوزة فی الخواص (ش ۲۰ م) که در نسخهٔ ما دارای ۱۳۳ بیت میباشد .

آغاز : بسمله . و به نستعین .

بدأت باسم الله فی نظم حسن | اذکر ما جربته طول الزمن
ماهو بالطبع و بالخواص | لکل عامی و کل خاص

انجام :

من حیة او عقرب ذعور | وهکذا من اشقر الزنبور
هذا الذی جربته فی عمری | نظمته للمقتضی لاثری
الحمدلله علی انعامه | ثم صلوة الله مع سلامه
علی النبی المصطفی المختار | و آله الا کارم الاخیار

(تمت الارجوزة بعون الله تعالی ومنه) (۱۱۴۹/۴۶ گ ۳۱۴ الف - ۳۱۵ الف) (۱).

۱- این ارجوزه در الدر المنثور عاملی (ص ۱۳۰۲ ف- ش ۶۵۵ گ ۱۶۵ ب - ۱۶۷ الف) در ۱۷ بیت آمده بدینگونه :

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله .

اول یوم تنزل الشمس الحمل	تشرب ماء فاترا علی عجل
وان تدع فیه شراب الورد	تامن من الحمی ونغص البرد

انجام :

وضف الیها رطل سکری	مبتل بدهن لوز اخضر	٥
وطیبه الانس مع النکاح	مع کل کاعبة رداح

(تمت ارجوزة الشیخ الرئیس ابن سینا بحمدالله و عونه و حسن توفیقه)
(۱۱٤۹/٤۷ گ ۳۱٥ الف و ب) .

٤٦- رسالة فی القدر که در آن قضا و قدر شناسانده شده است و بندیست
ازمباحثات (ص ۲۳۳ چاپی - ش ۲۰۲ م) .	۱۰

آغاز : بسمله . الحمد لولیه والصلوة علی نبیه . القدر هو وجود العلل
والاسباب وانسیاقها علی ترتیبها ونظامها حتی ینتهی الی المعلولات والمسببات .

انجام : والاقوی وجوداً هو الجوهر لانه وجد من جهته بوسائط اقل
والاضعف وجوداً هو العرض لانه بالعکس (من هذا) (تمت) (۱۱٤۹/٤۸ گ
۳۱٦ الف) .	۱٥

٤۷- رسالة فی النفس الانسانیة که بندهاییست از فصوص فارابی (ص ۳۱۹ ف-
ش ۲۰٦ م) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

هذا الذی جربته فی عمری	نظمته للمقتفین اثری
والحمدلله علی الاتمام	حمداً کثیراً عددالایام	۱۰
و صلوات الله ذی الجلال	علی النبی المصطفی والآل»
(ما ان بدا فجر الصباح العاجی	یجنح دبر الظلام الداجی
وآله العصابة الزکیة	الانجم الطاهرة الذریة
وصحبه والسابعین اثرا	ما جاء قطرا و اجاد دهرا
وغفرالله لنا وقد عفی	عنا وعن آبائنا وقدکفی	۲٥
- پایان آن در مصامع) .

لعمری انه لایجده والسلام . (۱۱۴۹/۵۲ گ ۳۲۵ ب - ۳۲۷ الف) .

۵۱- رسالة فی‌الآلة‌الرصدیة (ش ۱ م) .

آغاز : بسمله . الحمدلله وحده و صلواته علی‌النبی محمد و آله وسلم . غرضنا ان نصف آلة رصدیة یبلغ بهاغایة الاستقصاء فی تعرف علم‌الهیئة ویتهیاء الوصول بها فی رصد مواضع‌الکواکب الی‌الثوابت . ۵

انجام : فهذه هی الآلة‌التی‌اعتمدناها فی‌تدقیق امرالرصدبمشیة‌الله وحسن تیسیره . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی سیدنا محمدوآله اجمعین و حسبنا ونعم‌الوکیل آمین (۱۱۴۹/۵۳ گ ۳۲۷ ب - ۳۳۰ الف) .

۵۲- ارجوزة فی علم‌المنطق (ش ۲۲ م) .

آغاز : بسمله . ۱۰

الحمدلله الذی لعبده	نیل‌السناء لااله فی حمده
والحمدلله کما یستوجب	بعزه العالی‌الذی لایغاب

انجام .

فلنختم الآن الکتاب ختما	فقد نظمناالعلم فیه نظما

(تم‌الکتاب بعون‌الله الملک‌الوهاب) (۱۱۴۹/۵۴ گ ۳۳۰ الف - ۳۳۲ ب) . ۱۵

۵۳. نجات (ش ۱۱۸ م) که دراین نسخهٔ ما چند سطر پایان ف ۱ م ۱ طبیعی‌نجات (س۴س ۱۰۲ چاپ ۱۳۵۷) و ف ۲ م ۱ وف۱- ۱۴ م۲همان‌طبیعی (ص ۱۰۲ - س ۱۳ ص ۱۳۲ همانچاپ) دیده میشود و آغاز آن بپایان بخشی ازمباحثهٔ پنجم مباحثات که یاد کرده‌ایم پیوسته است و من با سنجیدن این نسخه با نسخهٔ « اجوبة ست عشرة مسألة » چاپ شدهٔ دررسائل ابن‌سینا و نسخهٔ چاپی نجات و نسخهٔ عکسی حکمت عروضی با رنجی دریافتم که چنین است . ۲۰

میدانیم که شیخ بسیاری از حکمت عروضی را درنجات گذارده است (ش ۶۲ م) ودراین نسخهٔ ماهم چند سطری از ف ۱ م ۱ طبیعی‌آن هست سپس

«القول فی ابطال الجزء الذی لایتجزی» و مقاله سوم طبیعی همان حکمت عروضی میآید و مانند نجات ص ۱۱٤ یك بند از آن را ندارد (۳۳۸ الف) و از نیمهٔ دوم گ ۳٤۱ ب تا نیمهٔ دوم ۳٤۲ الف دیگر از همان نجات (ص ۱۳۰) است و بس. جای عنوانها سفید گذارده شده است.

آغاز: ولاخلاف لمایوجبه القوة المجبولة فیها . . بتصحیح ماینبغی ان یصح منها العلم الالهی (فصل فی تجوهر الاجسام) الناس فی الاجسام الطبیعیة من جهة (تجزیها اقاویل کثیرة فقائل یقول ان الاجسام الطبیعیة تتجزا) بالقوه والفعل تجزیا متناهیا.

انجام: (فصل فی الجهات) اقول ان کان خلاء فقط . . فان کانت طبیعته تختص بذلك الجانب و تباین سائرها (سپس یك بند است که نتوانستم آنرا در حکمت عروضی و نجات و شفا بیابم و بدینگونه است :) ان قولنا الشیء انه ممکن الوجود بحسب اعتبار نفسه هو انه یصح فیه ان یوجدوان لایوجد وهو الذی لیس فیه التر[illegible] المذکور [illegible] الرسالة الفصولیة . والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله وصحبه اجمعین الطیبین الطاهرین) (۱۱٤۹/۵۵ گ ۳۲٤ ب ـ ۳٤۳ الف).

۵۵ المبدء والمعاد (ص ۱٦۷ الف و ص ۲۱٦ ـ ۱۹٦ ب) که سه پرسش و پاسخ است [illegible] پرسنده را ابوسعید ابی الخیر از ابن سینا دانسته‌اند. در رسائل ابن سینا «رسائل من اجوبة الروح» (الجواب لابن مسکویه) چاپ شده ودربارهٔ [illegible] است که دراین پرسش و پاسخها بررسی گشته است (ص ۹۷ ـ م ۱۲۵) [illegible] ۲۵۲ [illegible] ۹۷ [illegible] که گسترده آنرا عنوانی (ش ۹۹) [illegible]) او این را رساله‌ای جدا دانست (ش ۱۲٤) [illegible] ۲٦۸ ، ۱۰۲ ، ۱۳ ، ۱٦٤ ابوحیان از ابن مسکویه وپاسخهای [illegible] است صدرای شیرازی در فصل ۳ ([illegible]) [illegible] ۷۰ [illegible] از همین مسئله گوش نموده وازسخنان

انباذقلس و افلاطون در فاذن و طیماوس و ارسطو در اثولوجیا و دانشمندان دیگر و پیامبران و موبدان پارسی و از داستانها سلامان و ابسال و حمامهٔ مطوقهٔ کلیله ودمنه و حی بن یقظان و عینیه شیخ یاد نمود. سبزواری در حاشیهٔ خود برهمین جا این قصیده را اندکی هم گزارش نمود (نیز فصل بازپسین باب ٦ همین مجلد اسفار). ٥

آغاز : بسمله. الحمدلله حمدالشاکرین وصلواته علی سیدالاولین والآخرین محمد و آله الطیبین الطاهرین. من کلام الشیخ الرئیس ــ انا من ای موضع جئنا الی هذا العالم اعلم انا من ذلك العالم جئنا الی هذا العالم.

انجام : و کالعلة فی المعلول و کالشیء فی التمام (تمت الرسالة) (۱۱٤۹/٥٦ گ ۳٤۳ الف و ب). ۱۰

٥٥ــ العروس یا الفردوس یا سلسلة الفلاسفه (ص ۷۸و۱۱۲ ف و ص ٦٤ بازپسین سخن ف ــ ش ۸۹ م).

آغاز : بسمله. کل شیء فی عالم الکون و الفساد ممالم یکن فکان قبل الکون ممکن الوجود.

۱٥ انجام : و اشرف الناس فی هذا العالم من کانت نفسه النطقیة عقلا بالفعل و اشرف من کانت نفسه النطقیه عقلا بالفعل من القدسیة من له النفس القدسیة النبویة. تمت الرسالة (۱۱٤۹/٥۷ گ ۳٤۳ ب ــ ۳٤٤ الف).

٥٦ــ النفس (ق۱۰۷ــم۱۲۳) که پس از دیباچه مانندی در بارهٔ نفس در سه فصل است (العقل ــ الخیر ــ المعاد) در آن از اخلاق ارسطاطالیس و مقالهٔ سیرهٔ عقلیه برقلس ۲۰ و تفسیر یحیی نحوی برای سخن سقراط و سماع طبیعی و کون و فساد و دوحرف لام و الف صغری از مابعدالطبیعة یاد شده است. بخشهای چهارگانهٔ این رساله بترتیب فصلهای ۱۳ و ۱٤ و ۲٤ و ۲٥ مقالهٔ یکم کناش نامبردار به « المعالجات البقراطیة » طبری . النفس الکلیة ، العقل ، الخیر والشر ، المعاد » میباشد (۱)

۱ــ المعالجات البقراطیة از ابوالحسن احمد بن محمد بن یحیی طبری بر نجی، شاگرد ۲٥ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

افزوده وهمه را یکجانوشته و گویا دانسته یا نادانسته آنها را ازابوعلی ابن‌سینا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۶ــ دردرمان بیماریهای دهان و گلواست تا گردن در ۵۸ باب.

۷ــ دردرمان بیماریهای پوست تن است در ۶۰ باب.

۸ــ دودرمان بیماریهای سینه ودستگاه دم ودل است در ۳۸ باب. ۵

۹ــ دردرمان بیماریهای شکم است در ۵۲ باب‌ودارد«املاء ابی‌الحسن احمد بن محمدالطبری».

درمقاله‌های۷و۸ دارد «املاء ابی‌الحسن احمد بن محمدالطبری‌الطبیب الترنجی لا میرر کن‌الدولة» (گ ۲۳۸ الف و۳۱۷ ب ش ۵۲۵ مجلس).

این ترنجی که درنسخه‌ها گوناگون و نادرست نوشته شده باید از همان ترجی ۱۰ یا ترنجی یا ترنجه یا تراجی کلا باشد که شهرکی کهن و آبادان بود میان Turjy آمل وساری درطبرستان وازچهارده شهردارای «منبر» آنجا و نامش ازمیوهٔ ترنج گرفته شده واکنون دیهی‌است دربیشه از بخشهای بابل در۱۲فرسنگی جنوب‌خاوری آن (حدودالعالم ص ۸۵ چاپ تهرانی و ص ۱۳۴ ترجمهٔ انگلیسی‌آن ازمینورسکی ــ احسن‌التقاسیم ص ۳۵۴ ــ معجم‌البلدان یاقوت ۱: ۸۴۵ ــ اعلاق نفیسهٔ ابن رسته ص ۱۵ ۱۴۹ــ فرهنگ جغرافیائی) نسخه‌ای ازاین‌درطوس (۲:۲۸۹ش۱۱۸) هست ومقالهٔ ۷ درآن است وازپایان کم دارد. درمجلس سه نسخه‌ای هست یکی بشمارهٔ ۵۲۴ بتاریخ روز پنجشنبه ۱۶ رمضان ۹۸۲ و دارای مقاله‌های ۴ تا ۶ و ۸ دیگری بشمارهٔ ۵۲۵ بتاریخ روز چهارشنبه ۱۸ج ۱۰۹۳/۲ درکرمان ودارای هرنه مقاله میباشد وپاره‌ای از دیباچه را درآغاز ندارد. یکی هم بشماره ۶۳۴/۲۹ که همان مقالهٔ نخستین است ۲۰ ودرقم روزچهارشنبه ۱۰ ذی‌حجه ۱۰۳۷ دربالاخانهٔ آستانه نوشته شده‌است (ص۲۱۶ــ ۲۳۴) ودیباچه‌راهم نداردو بنام «کناش معروف‌بمعالجات بقراطیه‌للفیلسوف‌ابی‌الحسن احمدبن محمدالطبری» میباشد.

نسخهٔ شماره ۲۹۵ دانشکدهٔ پزشکی بتاریخ ۱۲۹۵ است (فهرست آنجا ص ۴۴۵) و نسخهٔ شمارهٔ ۴۴۷۴ ملك بتاریخ ۸۸۶ میباشد. ۲۵

بروکلمن (۱:۳۳۷ وپیوست ۱:۴۲۲) ازنسخه‌های هند وترکیه و لندن وآلمان وموصل یاد کرده است.

طبری درباب ۳۱ (درمالیخولیا) از مقالهٔ۳از انواع مالیخولیا(نسخه ش۵۲۵

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

گرفته‌شده‌است . پس درصحت استناد بسیاری‌ازاینگونه رساله‌ها که‌ازابن‌سینا دانسته‌اندبایددرشك‌بود.

آغاز : بسمله . من کلام الشیخ‌الرئیس فی‌النفس . قال‌فی‌اثناء کتابه حدت (حد) الفلاسفةالنفس بانها غایة (تمامیة) جسم طبیعی‌آلی بالقوة یعنون حیاًبالقوة الی (وفی) هذا خلاف و سیاتی مشروحاً فی تفسیر کتاب‌النفس . ۵

انجام :فهذا معنی قولنا المعاد(ثم یجمع‌الله بین هذه‌الصور والمواد التی رجعت‌الی‌عناصرها) کمابدأهااول‌مرةوهو بکل‌خلق‌علیم(وعلی کل‌شیءقدیر)وانما ذکرنا منه یسیرالان الکلام فیه مع من لایعرف الربوبیة یصیرکالسمر والحدیث (وحسبناالله وحده ونعم‌المعین . تمت‌الفصول . والحمدلله کفاافضاله وصلواته علی سیدنا نبیه محمد وآله حسبی ونعم‌الحسیب) (۱۱۴۹/۵۸ گ ۳۴۴ ب - ۳۴۵ ب) ۱۰

(انجامی که درفهرست قنواتی یاد شده دوسطری کم دارد وانجام فهرست آقای دکترمهدوی ازفصل نخستین است باکمبود دوسه کلمه‌ای درپایان).

۵۷- الاجوبة عن‌المسائل الاثناوعشرون (ش ۹ م) درآن از کتاب‌المحبة افلاطون و کتاب فرفوریوس و کتاب‌النفس ثابت‌بن قره یاد شده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی‌خیرخلقه محمد وآله . ۱۵ منهاعلة وجودالانسان‌فی‌هذاالعالم (الجواب) ان‌طالب‌هذه‌العلة فی‌وجودالانسان و غیره من انواع‌الخلیقة فی‌الاعلی والاسفل هوالآن علیهما جمیعا شیء مشترك لهما وهووجودالباری .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

از ابراهیم‌بن بکس کمك خواست وبه شد پیش‌ازاینکه بیماریش سخت شود وبه‌دستور ۲۰ او ببغداد آمد . او تهی‌دست نبود و همینکه از دیوانگی برست بمی وسماع بپرداخت تااینکه درگذشت .

درهمین‌باب (گ ۱۱۲)او یادمیکند از مالیخولیائیکه از عشق و شیدائی پیدا میشود و از ترك جماع با شدت شهوت که‌بهذیان وپرداختن‌بپردگیان‌وزنان دیگران میکشاند . ۲۵

انجام : هذه الالفاظ يشبه ان يكون مؤدياً الى اسم المحبة . تمت المسائل بعون الله الملك الوهاب (۱۱۴۹/۵۹ گ ۳۴۵ ب - ۳۵۲ ب) .

۵۸- الاجوبة عن المسائل (ش ۱۱ م) .

آغاز : بسمله . كتابى ياسيدى و مولاى و كبيرى و خليلى اطال بقاءك يوم كذا و كذا عن سلامة اما الجواب عن المسائل التى آثرت ان تعرف ماعندى فيها فاناذا كره على ما انا عليه من تقسيم الفكر و بالله التوفيق (المسألة الاولى) على ما اورده السائل بلفظه قال بان النار جوهر لانها مركبة من هيولى وصورة

انجام : فهذا ما عندى فيما سألت و آثرت معرفته من جهتى وارجو ان يكون كافيا بعون الله تعالى . تم السؤال والجواب (۱۱۴۹/۶۰ گ ۳۵۳ الف و ب) .

۵۹- رسالة الملئكة (ص ۳۷۶ ف - ش ۱۱۳ م) كه گويا از همان خطبه هاايست كه مايه نكوهش دشمنان شيخ گشته است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذى انشأ نوراً محجوبا الا ح له جليه قبلا فلما اشرقت فيه استعمل جلايا من كل شىء الى امدالحق .

انجام من الله خيره فقدسه و [illegible] و توكل عليه و استسلم له استسلاما (تمت رسالة الملئكة والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا و آله اجمعين الطيبين الطاهرين) (۱۱۴۹/۶۱ گ ۳۵۳ ب - ۳۵۴ ب) .

۶۰- رسالة النهاية واللانهاية (ص ۱۵۵ ف - ش ۶۴ م)

آغاز بسمله قال ابو على الحسين بن عبدالله بن سينا البخارى . هذه رسالة [illegible] فيها [illegible] من الحكومة فى حجج المثبتين للماضى مبدأ زمانيا و بيان [illegible] هذه المقالة الى فصول [illegible]

انجام [illegible] هذه المقالة و [illegible] اخرى لم انعرض لها [illegible] المقالة وهى رسالة [illegible] (۱۱۴۹/۶۲ گ ۳۵۵ الف - ۳۶۰ الف)

۶۱- از البرالاثم (ش ۴۰ م - ق ۲۴۹) که شیخ در نجات (ف ۳۷ م ۲ الهی ص ۳۰۲) و شفا (ف ۱ م ۱۰ الهی) از آن یاد کرده است . اخلاق و فیض الهی‌اوهم گویااز همین کتاب بوده‌است . این‌هم گفته شود که عبارت «البروالاثم» ترجمه مانندیست ازعنوان « فضائل ورذائل = «De virtutibus et vitiis ارسطو . ۵

آغاز : بسمله . و من ای‌الافعال هی تلك فمتوسطات الافعال فان‌الافعال متی کانت متوسطة کسب‌الخلق المحمود و متی فعلت بعد حصول الخلق المحمود حفظته علی حاله .

انجام : و اصناف الالحان والاغانی تابعة للاشعار و اقسامها و عاملة فی مواضعها تأثیرات ابلغ من اعمال‌الاشعار و تأثیراتها (تمت والحمدلله رب‌العالمین ۱۰ وصلی‌الله‌علی سیدنامحمدالنبی وعلی آله واصحابه‌الطیبین‌الطاهرین)(۱۱۴۹/۶۳ گ ۳۶۰ الف - ۳۶۳ ب) .

۶۲- اخلاق (ص ۶۴۷ ف - ش ۱۳ م) که باید بخشی از البروالاثم باشد چه اینکه دیباچه‌ای ندارد و کتاب جداگانه‌ای را نمی‌ماند .

۱۵ آغاز : بسمله . المعتنی بامر نفسه‌المحب لمعرفة الفضائل و کیفیة اقتنائها لتزکوبها نفسها ومعرفةالرذائل و کیفیة توقیها لتتطهرعنها نفسه .

انجام . و کذلك اصحاب‌السیاسات الردیة والمتغلبون علی‌المدن یجعلون اهلها اشراراً انما یعودونهم من افعال‌الشر (تمت هذاالقدر . هوالمقالة‌المعهودة فی‌الاخلاق. تم)(۱۱۴۹/۶۴ گ ۳۶۳ ب - ۳۶۴ ب) (انجام این نسخه مانند ۲۰ نسخهٔ ۳۳۴۷ احمد۳و۱۵۸۹ کوپرولی و۱۸۶ یلدیزخصوصی و۱۴۵۸ اونیورسیته شناخته شدهٔ در ش ۲۴۶ ق میباشد و در نسخه‌های دیگر مانند نسخهٔ ۱۰۷۴/۱۶ و۱۰۷۹/۲۲ ما و چاپی بند نخستین البروالاثم با اخلاق آمیخته شده ودردنبال آمده‌است درفهرست آقای دکترمهدوی‌هم انجام‌اخلاق مانند چاپی و جزانجام نسخهٔ ما است) .

٦٣ـ رسالة فی الاکسیر یا فی امر مستور الصنعة (ش ۳۳ م - ١٥٤ ق) که دراستانبول بسال ۱۹۵۳ بچاپ رسیده است. (بنگرید به ص ۲۲۱۵ همین فهرست).

آغاز: جری بینی و بین الشیخ الموفق العالم ابی الحسن سهل بن محمد (السهلی) ادام الله توفیقه و عزه فیما یعرفه مفاوضة فی امر مستور الصنعة والتمس منی تقریر ذلك فی جزء لیکون تذکرة منی له و ان ادله علیه من الوجه الذی توصلت الیه انا فیها فکرت و تأملت و قد ذکرت فی فصول ... (الفصل الاول فی الامر الکلی لهذه الصناعة) کنت ادام الله عز الشیخ الرئیس السید ادمن النظر فی الامور الطبیعیة.

انجام: والابیض یتم ثلثة لیس فیها الناری والاصفر یتم بالاربعة کلها فاعلم ذلك (تمت الرسالة بحمدالله) (۱۱٤۹/٦٥ گ ۳٦٥ الف - ۳٦۸ الف).

٦٤ـ رسالة فی الاکسیر یا الصناعة الی الامام ابی عبدالله المرقی (ش ۸٦ م - ۱٥۸ ق)

آغاز: [illegible] للصالحات و [illegible] و صانك عن تضلیل ال[illegible] الذی سألت [illegible] عن الحقائق ان اکشف لك عن [illegible] الاصفر [illegible] الیه موثر الرضاك [illegible] الاحمر عن الکبریت الاحمر [illegible]

انجام: [illegible] فی الکثیر فهذا [illegible] والله اعلم [illegible] والحمدلله رب العالمین [illegible] (۱۱٤۹/٦٦ گ ۳٦۸ الف و ب).

٦٥ـ [illegible] (ش ۱۹۲ م - ۲۳۳ ق) [illegible] است که از فارابی [illegible] (ص ۲۱۳ [illegible] از [illegible])

آغاز: [illegible] ماهیته هویته ولا داخلة فی هویته.

انجام: هوطالب ای طالب الکل الی النیل منه بحسبه. هوغالب ای مقتدر علی اعدام العدم و سلب الماهیات علی ما یستحقها بنفسها من البطلان و کل شیء هالک الا وجهه (تم) (۱۱۴۹/۶۷ گ ۳۶۹ الف - ۳۷۲ ب).

۶۶- رسالة فی الزاویه الی ابی سهل المسیحی (ش ۸۰ م-۱۶۰ ق).

آغاز: جری بیننا فیما کنت استفیده من الشیخ اطال الله بقاءه فی تحقیق مبادی الهندسة کلام فی الزوایة فاحببت ان انظم منثوره و اجمع متشدیه فی رسالة الیه ملتمسا منه نقدها و تقویمها و قسمتها فصولا ثلثة (الفصل الاول) فی تعدید اقاویل الناس فی الزاویة (الفصل الثانی) فی تأمل (مذهب) مذهب من مذاهبهم فیها و ابانة الرای الحق فیها (الفصل الثالث) فی ان الاصوب ان یقال ان الزاویة تتحدد بحدین بالفعل و انها یحیط بها من جهة ماهی زاویة خطان او سطحان و ان کان الخط المحیط بالزاویة واحدا من وجه فلان تلک الوحدة لیست هی الوحدة التی بها یقال للمقادیر واحدة علی الاطلاق و ان الاتصال الذی یحدی(؟) الزاویة لیس هو الاتصال الحقیقی الذی هو به یصیر المقادیر واحدة بالفعل (الفصل الاول) فی تعدید اقاویل الناس فی الزاویة. الاقاویل الواصلة الینا فی امر الزاویة خمسة: قول من قال ان الزاویة من الکیف.

انجام: والذی بقی مما ینبغی ان یقال فی الزاویة اضعاف مضاعفة لهذا (تمت رسالة الزاویة) (۱۱۴۹/۶۸ گ ۳۷۳ الف - ۳۷۶ ب).

۶۷- تحصیل السعادة یا الحجج العشرة (ص ۲۲۵ ف - ش ۴۳ م) و باید همان التحفه باشد که دررسالهٔ عشق ابن سینا و مباحث مشرقی رازی یاد گشته است.

آغاز: بسمله. لو طرق للعاقل الی صرف المعروف عن المعارف خصوصا اذا کان المعروف اهل عصمة یتمسک بها من سعد بالحیوة والمصروف به عنه عن المعارف اولی من یخلص له الغبطة لطویت العزم و قصرت الهمة عما احاوله.

انجام: اقول قولی هذا و اسأل الله ان یرشدک لما ارتجیه فیک بفضله واحسانه و لی ذلک (تمت الرسالة. الحمدلله و منه. تم.) (۱۱۴۹/۶۹ گ ۳۷۶ ب - ۳۸۱ ب).

٦٨- النیروزیه (ص ١٤١ و ١٤٧ و ٣٩٦ ف - ش ١٢٧ م) که چاپهائی از آن دروذکری ابن سیناء از اهوانی در مصر بسال ١٩٥٢ و نوادر المخطوطات (مجموعه ه رساله ٢ ص ٣٠-٤٤) چاپ خانجی در مصر بسال ١٣٧٣/١٩٥٤ دیده‌ام .

آغاز : بسمله . کل ینزع به همته الی خدمة نیروز مولانا الشیخ الامیر السید ابی بکر بن (در چاپ نوادر «بن» ندارد) محمد بن عبدالله ادام الله عزه بتحفة تجود بها ذات یده .

انجام : وجعلنی ممن یوفق لقضاء ایادیه منه وسعة رحمته (تمت الرسالة النوروزیة . والحمدلله رب العالمین . تم .) (١١٤٩/٧٠ گ ٣٨١ ب ٣٨٣ الف) .

٦٩- رسالة فی وجود العدل فی المخلوقات یا رسالة فی الارزاق که گویا بدرخواست ابوسعید ابی الخیر نوشته است (ش ٢٣ م - ٢٤٨ ق)

آغاز : بسمله . الحمدلله ونعوذ بالله من علم یسلمنا الی الجهل بعد له والحجود بفضله .

انجام فی کل ذلك من المنافع مایطول القول باستخراجه حتی لایوجد فی العالم شیء باطل (تمت الرسالة) (١١٤٩/٧١ گ ٣٨٣ الف ٣٨٤ الف) .

٧٠- اثبات النبوه (ص ١١٢ ف و ٦٤ مازبسین سعدی - ش ٣ م)

آغاز . بسمله سألت اصلحك الله ان اجمل ما حوطبت به فی ازالة الشکوك المتاكدة عندك فی تصدیق النبوه

انجام فهذا ابانة جمیع المسائل علی الایجاز ولله الحمد والمنه (١١٤٩/٧٢ گ ٣٨٤ ب ٣٨٦ ب)

٧١ مقاله فی انفساخ الصور الموجوده فی النفس المخالفة للحق بعد الموت (ش ٣٦ م - ٨١ ق)

آغاز بسمله . الحمدلله رب العالمین حمد الشاکرین و صلواته علی محمد و آله الطاهرین . هذا هو المختصر فیما امر به سیدنا الاستاد الرئیس الاجل ادام الله علوه وهو انفساخ الصور الموجودة فی النفس المخالفة للحق فی (عن) النفوس البشریة بعد الموت .

انجام : هذا ماحضرنی ادام‌الله علی سیدنا‌الاستاد ومتعنا بطول بقائه ومن تفضله علی عبده ان یبسط عذره‌فی‌هذاالاسترسال و یسد خلله و یصلح فاسده . الحمدلله رب‌العالمین (۱۱۴۹/۷۳ گ ۳۸۶ ب - ۳۸۷ ب) .

۷۲- الاضحویه (ص ۱۴۷ ف - ش ۳۰ م) کـه غزالـی درتهافت از آن آورده وازابن‌سینا نکوهش نموده است . ۵

آغاز : بسمله . افاض‌الله علی روح‌الشیخ‌فی‌الدارین ابواب‌الحکمة وطهر نفسه عن ادناس‌الطبیعة .

انجام : واماالرموزوالالغازالواردةلاعلی‌سبیل‌مذهب من‌ذهب الیه‌القائل فاکثرمن تحصی ولثابت (ابن قرة مذهب عجیب . . . ولنسأل‌الشیخ‌الامین ملاحظة بعین‌الرضاواصلاح ماوقعت فیه‌الزلة منعما انشاءالله تعالی) (۱۱۴۹/۷۴ گ ۳۸۷- ۳۹۵ ب) . ۱۰

۷۳- الرسالةالعشقیة (ص ۴۷۵ ف - ش ۹۰ م -۲۳۰ ق) که دراستانبول بسال ۱۹۵۳ هم بچاپ رسید .

آغاز : بسمله . سألت اسعدك‌الله یا (ابا) عبدالله‌الفقیه‌المعصومی ان اجمع لك رسالة یتضمن ایضاح‌القول فی‌العشق علی سبیل‌الاختصاروالایجاز (فاجبتك) لازلت طالبـا للخیرات توخیا لمرضاتك و قضاء لوازمك وجعلت رسالتی الیك مضمنة فصولا سبعة . ۱۵

انجام . و اذا بلغنا هذاالمبلغ فلنختم‌الرسـالة والحمدلله واهب‌القوة علی حمده حمداً کما هواهله وصلوته علی نبیه محمد وآله (۱۱۴۹/۷۶ گ ۳۹۶ ب - ۴۰۰ ب) . ۲۰

۷۴- رسالة فی‌الانتفاء عمانسب الیه من معارضةالقرآن (ش ۳۴ م - ۲۰۴ و۲۵۷ ق) که دررسائل ابن‌سینا (۲) دراستانبول بسال ۱۹۵۳ بچاپ رسید . شیخ دراینجا روی سخن بشیخ فقیه ابوعبید جوزجـانی که میخواست با او بسپاهان برود دارد ودرپاسخ نامهٔ او از دشمنان خویش که ازآنها بنام « حمقی همدان »

یاد میکنند واز کسیکه بسیار با او ستیزه کرد مینالد و میگوید که دیگران اورا براین گستاخی برانگیخته‌اند (گویا این کار هم درهمدان شده بود) او دراینجا ازخطبه‌های خود که درخدا وپیامبرشناسی ساخته ودرآنها ازصابئیان ومجوس ونصارا وجبریان وکسانیکه قدررا نمی‌پذیرند خرده گرفته است وگویا همینها بود که دستاویز همان دشمنان در کافر و معارض قرآن خواندن او شده بود یاد میکند و میگوید که نسخه‌های آنها از میان رفت ولی برخی از شاگردان نسخه‌ای ازآنهادارند وشایسته‌است نسخهٔ آنها را بری برد تا بزرگان آنجابدانها بنگرند وبدانند که باخردودین‌ناساز گار نیست بازمیگوید که این‌دشمنان چون این خطبه‌ها را بدیدند گفته‌اند که سجع فراوان درآنها هست ولی معانی آنها پاکیزه است ونمیتوان ازآنهاخرده گرفت مگراینکه باچیزهای دیگری ازآن چیزها که یکی از بیخردترین آنها ساخته و درآن برخی ازصابئیان و ترسایان ساخته‌است بیامیخت و باو بست تا مایهٔ رسوائی‌او گردد چنین‌هم کردند و پاره ازاین خطبه‌های ساختگی را درهمدان من دیدم و بسیار زشت و ناپسند یافتم وساختگی‌بودن آنهاهم آشکاروهویدا بوده‌است . آن بیخردترین مرد را هم من وهم تو دیده‌ایم آن دشمن مرا هم من بیازارم که زبانم رابدشنام او بیالایم وسودی هم نخواهد داشت . میدانیم که شیخ از اینگونه خطبه‌ها بسیار دارد وچندتائی را هم شناخته‌ایم وگویا همینها بود که بهانه بدست دشمنان او داده واو ناگزیرشده بود درپاسخ جوزجانی این گفتاررا بسازد

آغاز: رسالة الشيخ الى ابي عبيد الجوزجاني جوابا عما كتب اليه روح الله رمسه من الزامه اتمام ما سالفه من معارضة القرآن ... عوداً بالعطف ووصل خطاب الشيخ ... خط الانس بما يبشر فيه من خبر سلامته وما اتصل عليه من مرافقة الصحبة الى اصفهان

انجام: والعدو ... للشيخ ... والحمد لله رب العالمين (۱۱۴۹/۷۷ گ

گ ۶۰۰ ب ۱۰۴۰۱)

[۲۱۳۵]

۱۱۴۷ این نسخه ش ٦ دفتر است و رسالهٔ طیر است و بنسخ مانند شمارههای دیگر و ساده ودرشت‌تر از ش ٥ وحاشیه‌های لغوی هم دارد .

[۲۲۱۲-۲۱۳٦]

۱۱۴۹ این نسخه‌های هفتادوهفت گانه همه بخط تعلیق ترکی است باعنوانهای شنگرف ٥
در برخی جاها و تاریخ ندارد بجز ش ۷۷ که آقای مشکوة در شب ۱۰ ج ۱۳۷۴/۱
بخط خود بنسخ نوشته‌اند . خط در همهٔ شماره‌های کهن یکنواخت و گاهی هم مغلوط است
وعنوانها گاهی شنگرف و برخی جاها هم عنوانها سفید گذارده شده است . نشانه‌ها هم
شنگرف است . خط سه ش ۱۸ و۳۵ و۳٦ که رساله‌های دوانی است ودر ص ۲۲۴۰ یاد
شده تازه‌تر میباشد . همچنین ش ۱ (سر گذشت) که بهمین خط تازه آن سه شماره است . ۱۰
درفهرست آغاز نسخه (۱ ب) که آنهم بخط دیگریست همه رساله‌های ابن سینا که در نسخه
هست شمارش نشده وازرساله‌های دوانی نیز یاد نگردید .

در گ ۳ الف بنستعلیق درشت دارد :

« انتقل هذه الرسایل الشریفة الی ملك احوج الله الصمد مصطفی بن عبدالله بن
الیاس بن شیخ محمد عفی عنهم الملك المنان الاحد فی تاریخ سنة اثنی وستین و سبعمائة ۱٥
من الهجرة النبویة ۹٦۲» پهلوی آن بهمان خط دارد :

« هیهات لم یأت الزمان بمثله ان الزمـان بمثله لبخیل »

زیر آن خط نستعلیق خلیفه سلطان دانشمند وزیر (۱۰۰۱-۱۰٦۴) دیده میشود
بدینگونه . « من عواری الزمان فی ید غریق بحر العصیان خلیفه سلطان غفر له الملك
المنان فی شهر ذیقعدة الحرام سنة احدی و اربعین بعد الالف » آنگاه باهمینگونه خط ۲۰
دارد : « من بدایع الخدایع الحدثانی و روایع الودایع الزمانی وصول هذا الکتاب
الینا وانا الفقیر (محمد طاهر بن محمد . . . حسین الطبیب التفرشی الجورقانی الافطسی)
فی شهر رمضان المبارك ۱۱۳٥ - لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد طاهر »
(عبارتهائیکه نخستین را میان دو کمانه گذارده‌ام در نسخه پاك کرده‌اند و برنجی خوانده
میشود و درست هم روشن نیست عبارت اخیر سجع مهریست که در برگ ۴۰۰ ب هم ۲٥
دیده میشود زیر «صح») باز باخط نستعلیق شکستهٔ روشنی دارد : « هو . الملك لله
العلی . حرره الآثم الجانی محمد ابراهیم القزوینی فی ۲ ذی القعده سنة ۱۲۴٥» با مهر
«تلك حجتنا آتیناها ابراهیم » .

مهر «عبده محمد علی الموسوی» هم در اینجا ودر گ ۱ ب و ۲ الف و ۴۰۰ ب

دیده میشود پس این نسخه در ۹٦۲ دردست مصطفی بن عبدالله ودر ۱۰٤۱ نزد خلیفه سلطان ودر ۱۱۳۵ ازآن محمد طاهر پزشك تفرشی و در ۲ ذیقعدهٔ ۱۲٤۵ از محمد ابراهیم قزوینی بوده است .

همهٔ دفتر ۱۴۰ (۳۴۰ ص) — کاغذ سمرقندی کلفت — جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی

اندازه : ۲۱ × ۳۱ — ۱۳ × ۲۳ س ۳۱

[۲۲۱٦-۲۲۱۳]

۱۱٦٤ این نسخه‌ها تفسیر سوره‌های اعلی و توحید و فلق و ناس است از ابن‌سینا وشماره‌های ٤ تا ۷ دفتراست وبهمانگونه خط شمارهٔ ۳ میباشد . پس‌ازاینها در برگ ۸۱ الف و ب دو خبر است از علی و پیامبر ، همه‌کاره گذارده شده و برگهای ۸۲ تا ۸۵ سفید است .

آشنائی با چند نسخهٔ دیگر و یاد داشتهایی چند

[۱۸۹۸] **اعتقادات** (عربی)

همان است که در ص ۵۲۵ شناسانده شده و از مجلسی دوم میباشد .

[۲۲۱۷]

این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نستعلیق ۱۲۰۳ میباشد . در هامش مطلبهای
۵ ۱۲۱۹ پراکنده ایست . کتب ۹۸ الف ــ ۱۰۱ ب . در ۱۰۱ ب ــ ۱۰۴ ازهمان
تفسیر است و شاید از ملافتح‌الله باشد. در ۱۰۵ الف هم پراکنده‌هایست .

[۱۸۹۹] **انیس المؤمنین** (فارسی)

این دفتر در اخلاق دینی بروش شیعیان است و در ٤۱ باب میباشد . در باب ٤۱
(بیان وصیت و ختم کتاب) مناجاتی بشعر فارسی هست و در پایان آن دارد :

۱۰ که از لطف خویشم مکن ناامید ‌ ‌ ‌ ز رحمت رسان عاصی را نوید

از کتاب و نسخه پیداست که نگارندهٔ آن از مجلس گویان و روضه‌خوانهاست
که پیش از ۱۲۰۳ میزیسته است

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی امر بالعلم و طاعته و نهانا عن الجهل و معصیته ...
اما بعد از حمد باری عز اسمه و درود بر بهترین کائنات محمد . . . بر اصحاب دین
۱۵ و دولت . . واجب است که بمقدار قرائت قرآن قدیم و سماع احادیث رسول امین
و تعلیم مسائل دین . در مطالعه کتب نصایح آمیز و در تأمل حکایات موعظه‌انگیز
اوقات شریف مصروف دارند

انجام : و آن حضرت ظهور نماید و پر نماید عالم را از عدل و داد والله اعلم
بالصواب . (تحریر شد بتاریخ یازدهم شهر ربیع الاول شب شنبه باتمام رسید امید
۲۰ که خوانندگان کاتب حروف را بدعای خیر یاد نمایند سنة ۱۲۳) (باید
۱۲۰۳ باشد)

[٢٢١٨]

١٢١٧ این نسخه بنستعلیق است وعنوانها شنگرف وخط برخی از برگها در آغاز وانجام تازه‌تر است . در برگ ١ ب شعرهاایست از میرزالطفعلی درسنندج درستایش‌ازاروسی تالاراماناللّه خان‌والی کردستان. در٢الف شعرهاایست‌از آقامحمد عصار درکتاب مهر و مشتری . در ٢ ب پیش‌بینی‌های شیخ احمد برای‌سالهای١٢٢١ و١٢٢٤و١٢٢٥ است ونوشته‌است که همین راکسی درمسجد جامع بمیرزامحمدمهدی قاضی و میرزامحمد یوسف شیخ‌الاسلام و بنویسنده این بند (دارای مهر : اللهم صل علی محمد وآل محمد) داد که مردم‌را آگاه سازند تابترسند ودست ازگناه بشویند . دربالای برگ٣ ب شعرهاایست ازمهدی‌بیك شقاقی.در٢٣١ الف شعریست ازدرویش کوثر . کتاب : ٣ ب ــ ٢٣١ الف .

(٢٣١گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ مقوالی

اندازه : ١٩×٣٠ و ١٣×٢٢ س ٣٢

[١٩٠٠] بغیة الطالب فی معرفة الضمیر المطلوب (عربی)

والغالب والمغلوب

این‌دفتردرصفحهٔ‌عنوان‌نسخهٔ‌ما ازابامعشرفلکی‌دانسته شده ودرپیشگوئی ستاره شماران است ازروی دوازده برج .

آغاز : بسمله . الحمدللّه‌الذی خلق‌الانسان من سلالة من طین . . . احسن الخالقین. القول‌علی‌البرج‌الاول‌وهو برج‌الحمل والمریخ‌ناری وله‌من‌اشکال‌الرمل الجودلة قال‌الحکیم‌ابشری‌ایهاالسائلة بشکل سعید ورزق جدید وعمرمزیدمدید .

انجام : مع‌الزوج فیروح دم‌النجاسة و یأتی دم‌النفـاس ولا یأتی الاخیر .

[٢٢١٩]

١٢٢٢ این نسخه بنسخ تازه‌و عنوانهای« قال‌الحکیم»و جزآن‌شنگرف میباشد ودرجدول سرخ است . گ ٢٠ ب ــ ٧٩ الف . در ٢ الف قرعهٔ‌رمل جعفر صادق‌ع است . در٢ ب ــ ١٨ الف پاره‌ای ازکتابی است و در رمل باید باشد .

(٧٩گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ مقوالی فرسوده

اندازه : ١٥/٥×٢٠ و ١٠/٥×١٧ س ١٥

جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه بابری هند (۹۶۳-۱۰۰۴) در سال ۹۹۳ دستور داده بود که تاریخ هزارسالهٔ اسلامی را در دفتری گرد آورند و با همکاری چندتن از دانشمندان این کار بانجام رسیده کتابی بنام «تاریخ الفی» بنگارش در آمده است.

نقیب خان میرغیاث‌الدین علی بن عبداللطیف قزوینی (درگذشتهٔ در اجمر بسال ۱۰۲۳) فرزندزادهٔ میریحیی قزوینی نگارندهٔ لب‌التواریخ و یکی از ترجمانهای مهابهاراته که در ۹۸۸ لقب نقیب خان از اکبر گرفته بود و میرشاه فتح‌الله شیرازی (درگذشتهٔ در کشمیر بسال ۹۹۷) دانشمند ریاضی‌دان و شاگرد میرغیاث‌الدین منصور شیرازی که در ۹۹۱ در دربار اکبر بوده است تاریخ دو سال نخستین پس از مرگ پیامبر را نوشته‌اند.

حکیم همام بن میرزا عبدالرزاق گیلانی (درگذشتهٔ ۱۰۰۴) و جالینوس‌الزمان حکیم علی گیلانی گزارندهٔ قانون ابن‌سینا (درگذشتهٔ ۱۰۱۸) و حاجی ابراهیم سرهندی (درگذشتهٔ در اتابپور بسال ۹۹۴) یکی از کسانیکه در انجمن بحث کلامی اکبرشاه بوده است و خواجه میرزا نظام‌الدین احمد بن مقیم بخشی هروی (درگذشتهٔ ۱۰۰۳ در ۴۵ سالگی) نگارندهٔ طبقات اکبرشاهی و عبدالقادر بن ملوک شاه بن حامد بداؤنی (۱۷ ع ۲ ۹۴۷ در توداه – ۶ – ۱۰۰۴ یا ۱۰۲۴) نگارندهٔ منتخب‌التواریخ و دیگران تاریخ سالهای ۳ تا ۳۵ پس از مرگ پیامبر را در [illegible] نگاشته‌اند.

ونیز [illegible] شیخ ابوالعبود احمد بن نصرالله (قاضی ته و رئیس سند) دیبلی Daibuli [illegible] Tattavi [illegible] (کشته‌شده در لاهور ۱۵ صفر سال ۹۹۶) [illegible] ۹۸۹ [illegible] و همین خلاصة‌الحیوان [illegible] (۱) نوشته است از سال ۳۶ تا روزگار

۱ [illegible] ۵۲۱ [illegible] ۳۱۹:۱ [illegible] خلاصة‌الحیوان – ذریعه ۷ : ۲۲۶ بنام خلاصة [illegible] رسالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

غازان‌خان را در دو جلد در سه سال بتنهائی نگاشته و خود در ۹۹۶ بمرد و پس از او آصف خان میرزا قوام الدین جعفر بیك (پسر میرزا بدیع الزمان قزوینی وزیر کاشان در زمان تهماسب صفوی) که در ۹۸۵ بهند رفته و بدربار اکبر راه یافته و لقب آصف خان گرفته و در برهانپور بسال ۱۰۲۱ در گذشته است تا ۹۹۷ پس از مرگ پیامبر را نوشته است. پس از این بدائونی دستور گرفته بود که در این دفتر دوباره بنگرد و او در یکسال ۵ بدو جلد نخستین نگریست و سومی را بهمین آصف خان واگذار نموده است. در نسخه های آن هیچ نشانی از جلدهای سه گانهٔ آن نیست این هم گفته شود که همین تتوی که بیشتر این دفتر را بپرداخت از آن گزین ساخته احسن القصص و دافع الغصص (۱) نوشته است. ستوری در فهرست خود (ص ۱۱۹ - ۱۲۱ و ۱۲۴۰) سرگذشت تتوی را آورده و نسخه‌های تاریخ الفی را نشان داده است (۲) شیخ ابوالفضل ۱۰ علامی فرزند مبارك بن خضر یمنی هندی (آگره ٦ محرم ۹۴۸ - کشتهٔ در ٤ ع ۱۰۱۱/۱) دیباچه‌ای برای این تاریخ الفی نوشته بود که در نسخه‌ها دیده نمیشود (ستوری ص ٥٤۱ - نامهٔ دانشوران ۵:۱۳۳-۱۵۹).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۱۵ الحیوان فی تاریخ احوال الحکماء الاعیان و خلاصة الحیاة ودر ایندوجا دارد که آنرا بدستور وزیر حکیم ابی الفتح بن عبدالرزاق گیلانی پزشك اکبر نوشته است. - ص ۱۱۱۰ ستوری بنام خلاصة الحیاة - او سرگذشت وسخنان فیلسوفان را میخواست در ایندفتر بیاورد و گویاهم نتوانست بانجام رساند.

۱- بنگرید به: ذریعه ۲۸۸:۱ - طوس ۷۳:۳ ش ۱ نسخهٔ نوشته محمدکاظم بن ۲۰ محمد امین سرابی آذربایگانی در ۱۲۹۸ از روی نسخهٔ نوشتهٔ احمد بن ابی‌الفتح بن ابی جعفر الشریف الحائری الاصفهانی در ۱۲۴۸ که ستوری (ص ۱۲۱) بپیروی از فهرست طوس آنرا نگارش همین اصفهانی پنداشته است.

۲- بنگرید به: مجلس ۲: ۱۲۵ ش ۲۲۲ ازسال یکم مرگ پیامبر تا ۵۰۰ و ش ۲۲۳ از ٦۸۷ تا ۹۳٦ - ذریعه ۲۹٤:۲ - طوس ۷٤:۳ ش ٦ ازسال ۱ تا ۵۰۰ ۲۵ و ش ۷ ازسال ۵۰۱ تا ۹۸٤ (۹۹٤ ه) - فهرست آقای منزوی ۵۲۰:۲ ش ۲۲۱ ازسال یکم مرگ پیامبر تا ۳۹۹ هجری. - فهرست ریو ص ۱۱۷ - نسخهٔ دانشکدهٔ معقول و منقول ازسال ۱ تا ۹۸٤ است ودر دو جلد - فهرست کتابخانهٔ دانشگاه بمبئی ازسرفراز ص ۱۷۲.

دراین دفتر که بصد و هشتاد هزار بیت میرسد در بیشتر جاها نشان داده نشده که از کجا گرفته‌اند مگر درهمان بخش نخستین آن که در بسیاری از جاها از تاریخ یا فتوح ابن اعثم کوفی و چند جا از ابن کثیر شامی و روضة‌الاحباب و حبیب‌السیر و مقصد اقصی و سیوطی و طبری و صحیفة‌الحقایق علم‌الهدی ۵ و نهج‌البلاغه و شرح آن و جامع‌الاسرار (آملی) و ملل و نحل (شهرستانی) و شرح هیاکل والواح (؟) شیخ شهاب‌الدین مقتول و تسخیرالکواکب ابومعشر بلخی یاد شده است.

آغاز : آغاز کتاب‌در بیان‌اموری که‌واقع‌شده درسال‌اول‌رحلت خاتم‌النبیین. نقل است که چون حضرت خاتم‌النبیین صلوات‌الله و سلامه علیه رحلت فرمودند ۱۰ اهل‌بیت آغاز گریه و زاری کردند ومردمی که‌درمسجد‌بودند چون آواز اهل بیت شنیدند اضطراب وافغان درمیان ایشان افتاد و سراسیمه و حیران شدند (مجلس، ریو،طوس).

انجام : بودی که موکب منصور بتسخیر قلعه [illegible] متوجه بود بملازمت آمده خدمات پسندیده بجای آورده بود و وارث [illegible] و فرهنگ خان ۱۵ پسرش و [illegible] خان که [illegible] حدود بودند با کجر جاك بی صرفه کرده کشته شدند و در آن صوبه [illegible] شد (سال ۹۸۴ در نسخهٔ دانشکدهٔ معقول).

[۲۲۲۰]

این نسخه [illegible] و نشانه‌های شنگرف . درون [illegible] ۱۱ هجری الی ۴۹ هجری »

۲۰ [illegible]

آغاز [illegible] پیش‌اند سعد گفت [illegible]

انجام [illegible] مؤمن پیش حضرت حق [illegible] گاه قبض روح

۲۵ [illegible]

۳۳۷۰ [illegible] مشکی و متوالی

[illegible] ۱۹ [illegible] ۳۰ و ۱۱ [illegible] ۱۷ [illegible] ۱۱

[٢٢٢١]

۱۲۳۰ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد.
آغاز : درقالبی مثل این قالب درمی‌آورد پس میخورند ومینوشند (دنبالهٔ شمارهٔ پیش دربارهٔ سال ۲٦).

انجام : ذکر وقایع سال چهل و یکم ازرحلت ... و وظیفه آنکه بقول جمعی سفها که طالب فتنه‌اند عمل ننمایند والسلام‌امام حسین علیه‌السلام درجواب نوشت. ۵

(۳۴۴گ) ـــ همان‌کاغذ وجلد
اندازه : ۱۹/۵×۲۵ و ۱۱×۱۷ س ۱۱

[٢٢٢٢]

۱۲۳۱ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد.درون جلد دارد که آغاز این جلد دنبالهٔ سرگذشت معاویه است وصحاف جابجاکرده وباید بجلد رحلت تا ۳۹ پیوست شود وسپس تاسال ۷۷ را ندارد واز ۷۸ دارد تاپایان خلافت هرون ـ تابرگ ۲۰ نیمهٔ بالائی صفحه‌ها بریده شده وکاغذ تازه چسبانده‌اند. ۱۰

آغاز : و خصومت افتد تا او فارغ‌البال باشد مروان‌گفت والله یاسعید که تو بهتری ازمن پس مروان ارسعید عذرخواسته بارگشت (سال ٤۳). ۱۵

انجام : و علی‌بن عیسی راکه قبل‌از این بمدتی مدید از ایالت دیار خراسان عزل شده باز بامارت آن دیار نصب فرمود و ازآنجا بازبجانب بغداد مراجعت نمود وچون (سرگذشت رشید).

(۳۲۰گ) ـــ همان‌کاغذ وجلد
اندازه : ۱۹/۵×۲۵ و ۱۱×۱۷ س ۱۱ ۲۰

[٢٢٢٣]

۱۲۳۲ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد.
آغاز : وبرای اواستمالت‌نامهٔ فرستد واورا بموقف خلافت طلب دارد باین عنوان که باو نویسد که ای برادر بوجود توجهت تمشیت مهمات خلافت و انتظام امور مملکت ... احتیاج تمام است (داستان امین ومأمون). ۲۵

انجام : ذکر سلطنت منصوربن نوح‌بن نصربن احمد سامانی . . والبتکین درغزنین مستقل‌گشت ودرمحرم اینسال (سال ۳٤۰ مرگ پیامبر).

(۳٦۴گ) ـــ همان‌کاغذ وجلد
اندازه ۱۹/۵×۲۴ و ۱۱×۱۸ س ۱۱

پادشاه ایران امیراحمد برلاس را بفارس دو گزین و امیر فرمان شیخ را بیزد وامیرحاجی یساولرا با برقوه واسکندر رکابدار را بقم تعیین نمود . . . و پسران امیر علی شکر با او نیز بیوفائی کرده درهمدان او را بقتل آوردند وامیرزاده حسین علی (بجهت تقدیم کتابخانهٔ حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای ... (پاك شده) روحی فداه بیداقل چاکران عباس بن ابوالحسن منشی باشی علی آبادی سمت تحریر یافت فی شهر شعبان سنهٔ ۱۳۱۳) .   ٥

(۲۳۲گ) ــ همانگونه کاغذ وجلد

اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۴/۵×۲۲ س ۱۵

[۱۹۰۷] تذکرة اولی والجامع للعجب العجاب (عربی)

ایندفتر را شیخ داود انطاکی (م ۱۰۰۵) در یك مقدمه و چهار باب و یك خاتمه نگاشته و آن دو بار درمصر بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۲٤ بچاپ رسیده است (ص ۸۱۸ همین فهرست) .   ١٠

آغاز : بسمله . رب یسر واتمم بخیر. سبحانك یامبدع موادالکائنات بلاامثال سبق ومخترع صورالموجودات فی اکمل نظام ونسق .

انجام : وان قربت قرباناً من حیواناته فتح منح (۲ : ۱۳۹ چاپ نخستین و۲:۱٤۳ چاپ دوم سپس دارد :) بزدرة علم باحوال مایطیرمن الحیوان المقصود اصالة . . فهذا جماع بماتدعوالحاجة الیه من هذه الصناعة وماعداه فتطویل بلافائدة والله سبحانه وتعالی هوالمان بالتوفیق والعنایة ـ هذا آخرماوجد من نسخة المصنف نقلا عن النسخة المنقولة منها ... ووافق الفراغ من نسخ هذا الجزء فی یوم الجمعة المبارك سادس جمادی الاولی من شهورسنة ستین بعدالالف ... وذلك علی ید ... صالح بن ابراهیم النوسی المکنی بابی کافی غفرالله له ... آمین (این بند که در چاپی نیست در بارهٔ بزدره ومرغداری است در یك مقدمه وسه مبحث ویك خاتمه و بسیار سودمنداست) .   ١٥ ٢٠

[۲۲۲٦]

۱۲۲۳ این نسخه ش ۱ دفتر و بنسخ است و با عنوانهای شنگرف میباشد و مصطفی کبری زاده آنرا خوانده است . گ ۱ ب ــ ۳۹۹ الف .   ٢٥

(همهٔ دفتر ۴۰۳گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی

اندازه : ۲۱×۲۹/۵ و ۱۲/۵×۲۲ س ۲۵

[۱۹۰۸] جامع المطالب فی اعداد علی بن ابیطالب (عربی)

احمدبن کاظم خوئینی قزوینی شاگرد سید محمد مهدی طباطبائی در اینـدفتر یك مقدمه ودومقصد ویك خاتمه گذارده ودر آن ازامامت گفتگو نموده واز خلفا نکوهش کرده است .

۵ آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اظهر الحق حق ظهوره و ازهق ظلم الباطل بیواهر نوره ... فیقول ... احمدبن کاظم الخوئینی .

انجام : واهل النهروان . اللهم العنهم جمیعاً جمیعا .

[۲۲۲۷]

۱۰ ۱۲۹۶ این نسخه بنسخ است وبا عنوانهای شنگرف میباشد . عنوان مطلبها درهامش هست . کتاب . ۳ب ــ ۱۶۲الف . صالح طریح ومحمد علی خراسانی دارندهٔ نسخه بوده‌اند .

۱۶۳س) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد ضربی

اندازه : ۲۲ ۳۰٫۵ و ۱۳ ۲۲ ــ ۲۱ .

۱۵ **[۱۹۰۹] جنگ [illegible]** (فارسی وعربی)

در این جنگ از شرح [illegible] (۱۹ [illegible]) والاحساد السبعة جابر (۱۹ ب) و [illegible] الاعمار ابو المعالی (۴۳ الف) و [illegible] دیگر نثر و نظم و فارسی و عربی [illegible] در [illegible] آمده است . در برگ ۳۶ الف تارد و [illegible] محرم ۱۱۵۵

آغاز : [illegible] العلوم [illegible] تمامی الموضوعات و موضوع

۲۰ [illegible] (۴ الف) پیش از اینهم در برگ [illegible] آغاز [illegible] طرق زر درفضه [illegible] (پس از اینهم در برگ بازپسین پراکنده‌های [illegible])

[۲۲۲۸]

۱۲۲۵ این نسخهٔ بیاضی بخط نستعلیق آقا محمد بیدآبادی است (صفحهٔ عنوان) وروی شماره گذاری پیشین باید ۵۹ برگ باشد.ازبرگ ۳٦ تا پایان،این بیاض بعکس نیمهٔ نخستین نوشته شده است .

(۵٦گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ساده ۵

اندازه : ۱۳/۵×۲٦ و ۱۲×۲۲ س ۲۱

[۱۹۱۰] خلاصة البیان (فارسی)

این نامه در یك مقدمه وسه باب ویك خاتمه است ودربارهٔ اطعمه واشربه بروش شیعی .

آغاز : بسمله ثنا وشکر بی‌انتها رزاقی راکه از برای روزی خواران ۱۰ طعمهٔ طیبهٔ کلوا من الطیبات مارزقنا کم‌واشکروله آماده ومهیا ساخت .

انجام . و بعداز فراغ از طعام مستحب است کـه بگویند الحمدلله‌الذی اطعمنا و سقانا و کفانا وایدنا وانعم علینا والحمدلله رب‌العالمین و برین ختم شد بعون‌الله وحسن توفیقه وصلی‌الله علی محمد وآله‌اجمعین الهم ارزقنا من‌الطیبات واجعلها وسیلة للطاعات و ذریعة لاستجابةالدعوات انك رفیع‌الدرجات و قاضی ۱۵ الحاجات .

[۲۲۲۹]

۱۲۱۹ این‌نسخه ش ٤ دفتراست وبخط نستعلیق و باید در۱۲۰۳ نوشته شده باشد . درحاشیهٔ آن پراکنده‌هاایست گ۱٤۸ الف ـ۱۵۰الف . در۱۵۰ الف ـ ۱۵۵ب هم مطلبهای پراکنده‌ایست بهمین خط و بتاریخ ۱۲۰٤ وهمهٔ‌شماره‌های ایندفتر ۲۰ باید بقلمهای گوناگون یك نویسنده باشد .

[۱۹۱۱] ترجمهٔ نهایه (فارسی)

ایندفترهمانستکه درص ۱۸۲۸ همین فهرست شناخته‌ایم واین‌نسخهٔ دوم ما هشتمین نسخه‌ایست که من ازآنها آگاهم .

منصور الشیرازی. و السید السند المدقق و صدر المدققین، اشارة الی الاستاد النحریر المدقق صدر الدین محمد الشیرازی. و بعض الفضلاء، تلویح الی المولی الفاضل خواجه جمال الدین محمود الشیرازی و قد قیل، رمز الی الفاضل الشارح مولانا عصام الدین ابراهیم الاسفرائینی. و بعض الافاضل، الی السید الفاضل المدقق الامیر ابو البقاء السمرقندی. و الفاضل النونی، الی المولی الفاضل مولانا معین الدین التونی. و الفاضل الخوافی الی المولی حسام الدین داود المحشی شکر الله سعیهم — منه ».

آغاز : بسمله . اما بعد حمد الله مفیض الصور العلمیة و الصلوة علی خیر البریة و آله و صحبه العلیة فیقول ... محمد بن حسین الشهیر بفخر الدین الحسینی ان حاشیة التهذیب لمحقق المعانی و مشید المبانی المحقق الدوانی محتویة علی تحقیقات رائقة و تدقیقات فائقة لکن لغایة الایجاز و نهایة الالغاز اردت هتك الاستار ... مع الاشارة الی ما افاده السید السند الاستاد العلامة احسن الله اکرامه و نبذ مما سنح لی فی المباحث المعضلة .

انجام . قوله : و کذا الحال فی کل کلی لا یختلف فیه الکثرة و غیر محسوس بل معقول صرف لا انه موجود لظهور ان ما لا فرد له فی الخارج غیر موجود فیه. قوله : فالوجود واحد قدمر ما فیه فلا نغفل (تم فی یوم الجمعة غرة شهر ذی القعدة من شهور سنة تسع و الف من الهجرة محرره الفقیر الی الله الولی امین الدین محمد بن شهاب الدین علی غفرت ذنوبهما بمحمد و آله) (گ ۳ ب — ۸۷ ب) .

۲— حاشیه ایست از ملا نجم الدین عبدالله بن شهاب الدین حسین یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر مبحث موضوع علم همان حاشیهٔ دوانی (طوس ۲۶۰۱ منطق ش ۸۵ تاریخ ۹۷۱) و جز حاشیه ها ایست از همین یزدی که در همانجا بشماره های ۴۶ و ۴۷ (۱۵:۱ منطق) یاد شده است (ذریعه ۶۰۰۶) .

آغاز : بسمله . و به نستعین فی التتمیم . بعد الحمد لله و الصلوة علی عباده الذی اصطفی فهذه کلمات منتشرة و متفرقات منشرة متعلقة بتحقیق مبحث الموضوع من حاشیة منطق التهذیب التی علقها الاستاد المحقق و النحریر المدقق العالم الربانی

العلم العلامة الدوانی قدس الله سره الفهما اقل خلق الله الهادی عبدالله البهابادی
(گویا : الشهابادی) تذکرة لبعض الاحباء نفعه الله به وسائر الاذکیاء انه قادر علی
مایشاء . قوله : ای یرجع البحث الخ . اقول : و بالله التوفیق لما کان بناالمعنی فی
هذاالتعریف علی ان کل بحث انما هوعن العرض الذاتی للموضوع ... لاجرم توجه
۵ ههنا اشکال .

انجام : ثم النزاع بین النحریر بن قدس سرهما کثیر والمجال لایسع لنقل التفاصیل
و تحقیقها ان شئت فاطلب من حواشیهما علی الحاشیة الشریفة علی المطالع
تفوز بالمطلوب و حیث وقع الفوز بالمطلوب خاتمة الخطاب فالمرجو من مسبب
الاسباب ان یوفقنا للفوز به فی کل باب سیما فی الوصل بلقاالاحباب والتفصی
۱۰ عن مفارقة الاصحاب انه الموفق للصواب و الیه المرجع والمآب (۸۹ب -۱۰۳ب -
حاشیه‌های « منه » دارد) .

۳- حاشیه‌ایست در مبحث معرف تهذیب در آنجا که دارد « معرف الشی مایستلزم
تصوره » .

آغاز : بسمله . قوله معرف الشی ما یستلزم الخ فیه ان المصنف ذکر تعریف
۱۵ المعرف ههنا مع ان هذاالبحث معقود لبیان شرائط المعرف .

انجام و امثال هذه الاعتراضات لایلیق ان یصدر عن عاقل فضلا عن فاضل
اللهم ارنا الحق حقاً و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا و ارزقنا اجتنابه وصلی الله
علی خیر خلقه نبینا محمد و آله المعصومین اجمعین (گ ۱۰۵ ب - ۱۱۵ الف) .

۴- حاشیة عصام الدین ابراهیم اسفراینی در مبحث معرف شرح شمس الدین
۲۰ محمود اصفهانی بر مطالع الانوار قاضی عبدالله بیضاوی (طوس ۱ ۲۵ منطق
ش ۸۱ جلد ۲ ۱۰۱۲)

آغاز بسمله و به نستعین الله الحمد علی کل حال والله الشکر لکل عمل
و مقال ... ده و منه ... انواع الاشیاء و تحصیل الفصول و تمویهها للاجناس
فی ای صورة ماشاء .. قوله واهب الانوار لطوالع مطالع افق الکمال شمس الملة

والدين الاصفهانی خصه الله بمزيدالرحمة والافضال . اقول الفصل الثانی فی الاقوال الشارحة .

انجام : (قوله) ومعرف المعرف كذلك قال السيدالسند س ... لايقتضی الا صدقه عليه من حيث انه معرف ومعرف المعرف ايضاً يصدق عليه بهذالاعتبار اللهم ارنا حقائق الاشياء كما هی ولاتؤاخذنا بماكنا فيه الساهی . تم . تم . (۱۱۵ ب - ۱۲۸ ب) . ۵

۵- رساله درعلم حصولی ودرفهرست آغازدارد « حاشية فی تحقيق العلم الذی قسموه الی التصور والتصديق » و چنانكه درحاشيه‌های « منه » نسخهٔ ما آمده روی سخن با قطب رازی درشرح مطالع و محقق شريف درحاشيهٔ آن و فاضل اصفهانی دردوشرح طوالع و تجريد و قوشچی درشرح تجريد و فاضل مولانامعين الدين تونی (رحمه الله) وابن سينادراشارات وقاضی بيضاوی درطوالع وفاضل محقق مولانا جلال الملة والدين محمد دوانی درشرح تهذيب ميباشد . ۱۰

آغاز : بسمله . اعلم ان العلم الذی قسموه الی التصور والتصديق عرفه بعضهم بالصورة الحاصلة من الشیء عندالذات المجردة يقال للاشياء فی الخارج اعيان و فی العقل صور وقيل هذا اولی من قولهم حصول صورة الشیء فی العقل لما فيه من المسامحة . ۱۵

انجام : ومطلق التصور متقدم بالطبع علی مطلق التصديق وان لم يكن ماهوقسم من الحصولی فی الواقع مقدما كذلك عليه (تمت) (۱۲۹ ب -۱۳۲ ب) .

[۲۲۳۱ - ۲۲۳۵]

۱۲۲۴ این نسخه‌ها شماره‌های ۱ تا ۵ دفتر است و همه بخط نستعليق با عنوانهای شنگرف و باحاشيه‌های «منه» در برخی جاها وهمه بخط امين الدين محمدبن شهاب الدين علی و نوشتهٔ سال ۱۰۰۹ بايد باشد.فهرست رساله‌ها در ۲ الف هست . و خط دارندهٔ آن محمد درهمينجا بتاريخ ۱۴ ذی‌حجهٔ ۱۳۱۷ ديده ميشود ونيز دارد « جلد تيماج سياه مقوادار استر جلدكاغذ آب‌رنگ كوچك قطع حجيم بخط نسخ تعليق» در ۱۲۳ سندیست از شرح آداب البحث قاضی كمال الدين امير حسين در بارهٔ تعريف . ۲۰ ۲۵

(همهٔ دفتر ۱۳۵گ) -كاغذ سمرقندی - جلد تيماج مشكی له آن سرخ ومقوائی

اندازه ، ۹×۱۶ و ۵×۱۱ س ۲۱

علامهٔ حلی متنی فتوائی کوچك و کوتاه بنام تبصرة المتعلمین فی احکام الدین درهمهٔ بابهای فقه برای نوآموزان نگاشته که آنرا نزدش میخواندند و او درخلاصه در ع ۶۹۳/۲ از آن یاد کرده است .

۵ دانشمندان شیعی برای آن چندین حاشیه و تعلیقه و تکمله و شرح نوشته‌اند (ذریعه ۳: ۳۲۱ و ۶: ۳۱) .

این گزارش آمیخته واستدلالی از محمد بن عاشور کرمانشاهی است بر کتاب صوم آن که درشب یکشنبه هشتم رمضان ۱۲۱۲ آنرا بپایان رسانده است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین الحمدلله الذی احتجب بذاته عن البصائر والابصار

۱۰ وظهر للعقول باظهار الآثار . وبعد فیقول . محمد بن عاشور الکرمانشاهی هذا ما عزمت علی تعلیقه علی کتاب الصوم من کتب تبصرة المتعلمین فی احکام الدین تألیف ... آیة الله فی العالمین الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی . وجعلته من اجزاء المغتنم من ذخائری فی الفقه

انجام : الرابع لو حصل العجز عن الفدیة [illegible] الامهال والاتفاء المسقط . قد جف

۱۵ القلم [illegible] علی روضة الصائمین من شرح تبصرة المتعلمین فی وقت السحر لیلة الاحد ثامن شهر رمضان المبارك من سنة الثانی عشر بعد مائتین بعد الالف من الهجرة .. [illegible] عاشور [illegible] الامال عفی الله عن جرائمهما بالنبی والائمة الطاهرین

[۲۲۳۶]

۲۰ [illegible] هم دارد [illegible] وزیر خط [illegible] ۹۹ [illegible]

۱۰۰ [illegible]

[illegible] ۱۶ [illegible] ۳۱ [illegible] ۹ [illegible] ۱۵ [illegible] ۱۸

[۱۹۱۸] شرح الزبدة (عربی)

مولی حسام الدین محمد صالح بن احمد مازندرانی (م ۱۰۸۱) بر زبدهٔ شیخ بهائی (ص ۱۷۰۱ همین فهرست) این گزارش آمیختهٔ با متن را نگاشته (کنتوری ص ۳۳۶ – سپهسالار ۱: ۵۸۳) وشمارهٔ بیتهای آن نزدیك به ۱۳۰۰۰ میباشد و یکی از بهترین گزارشهای زبده است . ۵

آغاز : (هذا کتاب شرح الزبدة للمولی محمد صالح المازندرانی ره) بسمله . الحمد لمن (هو) اصول نعمائه ظاهرة و فروع آلائه باهرة فارانی الی السکر سبیلا والشکر لمن نزهه تنزیها جمیع الموجودات و قدسه تقدیسا جمیع المخلوقات فاسبحه واقدسه بکرة و اصیلا ... امابعدفان النفقه فی الدین امرلا بد منه للانسان علی الیقین ... وهو ... یحتاج الی الاصول الذی هو باحث عن ادلته ... ۱۰ وقد صنفت فیه مطولات ودونت فیه مختصرات فلما نظرت الیها فاذاانا باصل وجدته علجوما متکثرة فیه انمار المسائل مستحکمة اغصانه باوتادالدلائل ورأیته علکوما ثوی بمنازل التحقیق علیه إثاث الافکار مشدودة علیه احماله باحبال الانظار ... للعلامة ... بهاء الملة والدین .. فاحببت ان اشرح شرحا یبین به معضلاته وتنحل به مشکلاته . ۱۵

انجام : (وما دلیل تأویله ارجح) من دلیل تأویل الآخر علی ذلك الآخر (وتتر کب المرجحات مثنی وثلاث ورباع . . صلوات الله علیهم اجمعین) وقد فرغ ... محمد صالح بن احمد المازندرانی وفقه الله لتحصیل کماله عن شرح الکتاب وتوضیح فصوله وتفسیر مقاله فی مدة قلیلة مع قلة البضاعة وتفرق حاله ملتمسا ممن الهی الفکر علیه فوجد ما فیه بکماله اذا عثر بخروج فکره عن منهج السداد وزواله ان یمن علیه ۲۰ فی اصلاح ذلك بحسن فعاله واجره فی ذلك علی الله وعلی محمد وآله .

[۲۲۳۷]

۱۲۲۱ این نسخه درمتن بنسخ درشت و زیر خط سرخ ودر گزارش بخط نستعلیق ریز ز و عنوانهاشنگرف میباشد ومحمد حسین بن محمد جعفر سرابی ازروی

نسخه ایکه می نویسد بی غلط بود نوشتن آنرا درروزنهم دهۀ سوم ماه پنجم سال یکم دهۀ دوم سدۀ چهارم هزارۀ دوم (٢٩ج١٣١١/١) بپایان رساند . گ٣ب ـ٢١٢ب .

(٢١٣گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد

اندازه ، ١٣ ٢١ و ٨ ١٥ س ١٧

[١٩١٩] شرح کافیه (فارسی)

ملاصادق بر کافیۀ ابن حاجب این گزارش فارسی را نوشته است

آغاز : بسمله . وبه نستعین بدانکه در بعضی نسخ کافیه هم تسمیه واقع است وهم حمد وهم صلوة . . ودر بعضی نسخ نه تسمیه واقع است ونه حمد ونه صلوة و دراکثر نسخ متداول است واقع است تسمیه و حمد و صلوة واقع نیست اگر گفته شود کـه حدیث تسمیه و حمد یعنی کل امر ذی بال . . . فهوا قطع اقتضای آن میکند .

انجام . خلافا للمازنی والمبرد مخصوص بفعل نیست بلکه دراسم فاعل واسم مفعول نیز خلاف کردهاند . . خلافا للمازنی والمبرد خلاف مرمازنی و مبرد را که ایشان تجویز کردهاند تقدیم تمیز را برفعل واسم فاعل واسم مفعول بنابرقوت آنهادرعمل و بنابرقول شاعر اتهجر سلمی بالفراق حبیبها وما کادنفسا بالفراق تطیب بنابرتقدیم تأنیث ضمیر درتطیب [illegible] که تأنیث ضمیر راجع بسوی حبیب باشد تکلف و مصنف [illegible] قادح است در [illegible] (١٢) (تامبحث تمیز) .

[٢٢٣٨]

[illegible]

(٣١٩٧گ) [illegible]

اندازه ، [illegible] ٢٧

[١٩٢٠] [illegible] (عربی)

[illegible] داود [illegible] این رسالۀ مجربات را برای امیردرویش و بنام سلطان مراد

در چند فصل نگاشته است .

آغاز : بسمله . و صلی الله علی سیدنـا محمد و آلـه و سلم باسمك اللهم نطلب النجاة و الشفا و باشارات ذکرك و صمدك نسأل الارشاد الی قانون الصحة والدواء من الادواء .

۵ **انجام** : فهذا ما احضرنا من مجرباتنا وفيه كفاية للمقتصر و من اراد التطويل واستقصاء الخواص فعليه بكتبنا المطولة واليه ينفع بها من تلقاها بالقبول ويحسن مقاصدنا والحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم . تمت رسالة المجربات لخاتمة الاطباء الشيخ داود الحكيم رحمه الله تعالى وكان الفراغ من كتابتها على يد . . . صالح بن ابراهيم النوسي الشيبى الشافعي فی سادس شهر ۱۰ جمادي الاولى سنة ستين بعد الالف من الهجرة النبوية .. وحسبنا الله ونعم الوكيل .

[۲۲۳۹]

۱۲۲۳ این نسخه ش ۲ دفتر است و همانگونه خط ش ۱ میباشد . گ ۳۹۹ ب — ۴۰۳ ب .

[۱۹۲۱] المسائل الفقهية (عربی)

۱۵ در این دفتر بی نام و گمنام در نسخهٔ ما که همهٔ آن با عنوان « مسئله » آغاز میشود و بیشترش پاسخ پرسش است سخنان و فتواهای محقق حلی و علامهٔ حلی و پسر او فخر المحققین و ضیاء الدین و عمید الدین و شهید یکم و ابن فهد آمده است . از اینکه در پایان بسیاری از مسئله‌ها نام ابن فهد نوشته شده چنین گمان میرود که یکی از دو « المسائل الشاميات » یا « المسائل البحريات » او باشد همانکه ۲۰ در روضات (ص ۲۰) یاد شده و نسخه‌های آنها در طوس (۲:۱۲۹ – ۱۳۱) هست و کنتوری (۵۰۵ و ۵۰۸) و تهرانی (ذریعه ۵ : ۲۱۵ و ۲۲۳) از آنها یاد کرده‌اند . در اجازات بحار (ص ۱۷۱) دارد که « الشاميات والبحريات » ابن فهد شایسته است بر بحار افزوده شود .

المسائل الشاميات دوگانهٔ ابن فهد پاسخهایی است بپرسشهای یکی از دانشمندان

هل هو واجب على الاعيان او على الكفاية واجاب قدس‌الله سره عن ذلك بان تعلم القرآن منه واجب على الاعيان عنياوهى الفاتحة ... » (۱۶ الف) و «قال السيد ضياء الدين » و « جعل فى الذكرى » و « ذكرها الشهيد رحمه‌الله فى الذكرى » و « قال الشهيد فى الذكرى » و « قاله الشهيد قدس‌الله روحه » و « كتب محمدبن المطهر وقال لنا دام ظله مشافهة » و « كتب محمدبن المطهر » (دنبال مسئله‌اى) ۵
و « قال ضياء الدين » و « مايقول مولانا دام عزه . . . و كتب محمدبن المطهر » و « قال ض » و « قاله عميدالدين » و « نقله بعض الثقاة عن جمال الدين قدس‌الله سره » و « اعتبر العلامة وولده فخرالدين » و « قال الشهيد » و« قال الشهيد ظاهر كلام الاصحاب يقتضى ذلك . . . و كتب اصغر العباد محمدبن مكى » و « مسئلة من فوائد عميدالدين رحمه‌الله » و « مسئلة . لو فقدت بنت المخاض . . . اجاب ۱۰
فخرالدين .. » و « نقله السيد عن المشايخ » و « قال فى الدروس . . . وهو فتوى شيخنا رحمه‌الله » و «بخط الشهيد رحمه‌الله على نسخة» و « مسئلة اذا تمضمض للتبرد فى قضاء شهر رمضان . . الجواب انى بحثت مشابهة هذه مع والده قدس‌الله سره ... قال لى والدى قدس‌الله سره » و « فخرالدين » و » « قاله فخرالدين » (دردنبال مسئله‌اى) و«وقال شيخنا ره» و «قال شمس الدين قدس‌الله روحه» و « .. نجم الدين ۱۵
ابوالقاسم وجمال الدين يقولان ... قاله فخرالدين . ابن فهد» و «قال امام المجتهدين» و « واجاب عنها الشيخ امين الدين قدس‌الله روحه » و «اجاب فخرالدين» و « اعلم ان والدى قدس‌الله روحه سألته عن هذه المسئلة . . وحكى قولا سمعه مشافهة من الشيخ ابى القسم بن سعيد قدس‌الله سره ... حكاه ابوالقاسم لوالدى مشافهة عن ابن نما رحمه‌الله واستضعفه ابوالقاسم و قوى الثانى.قال والدى الاقوى الاول ... » ۲۰
و «قاله المحقق» و «قاله ابن مكى رحمه‌الله» و« كتب عبدالله بن الاعرج الحسينى» و « قال دام ظله » و « قال صاحب الجامع » و « قول الشهيد ... » و « قال شيخنا » و « مسئلة مما استفدناه من شيخنا عميدالدين فى درس مشهد الحسين .. » و « قال مشائخنا قدس‌الله ارواحهم » .

[۲۲٤۰]

۱۲۲۷ این نسخه بنسخ کهن وعنوانهای «مسئلة ، الجواب» در نیمهٔ نخستین بشنگرف ودر نیمهٔ دوم بسیاه درشت‌تر واین دو نیمه بدوخط ودوگونه است .

پنج کتاب دراین نسخه هست بدینگونه :

۵ کتاب الصلوة (۱ الف) و کتاب الزکوة (۲۹ ب) و کتاب الصوم (۵۱ الف) و کتاب الحج (٦۰ الف) و کتاب التجارة (۸٦ ب – ۵۹ ب) .

آغاز : مسئلة اذا قرا جزء آية ولم يعربها ولم يقف عليها و وصلها باخرى كما لو قال مالك يوم الدين اياك نعبد بسكون النون فى الدين من غير كسر او قال و لا الضالين بسم الله من غير ان يفتح نون الضالين هل يكون هذا لحنا ويبطل صلوته بذلك ام لا ؟ الجواب

۱۰ نعم يكون لحنا واللحن فى القراءة الواجبة فى الصلوة مبطل للصلوة ان كان عمداً و ان كان سهواً او نسياناً اعاد تلك القراءة .

انجام : مسئلة لو لم تحصل التفرقة الحسية فالاقوى جواز البيع كمن بيع الولد ويشترط استخدام امه مدة المنع و كذا لو باعه على ان لا يفارق البايع والام بل يلازمها وفى الرد بالعيب اشكال اقرب المنع لحصول التفريق فيه فلو اشترى الجارية والولد ثم فاسخا البيع

۱۵ فى احدهما اورده بعيب فيه منع لما فيه من التفريق اما الرهن ففى التفريق بينهما اشكال اقربه الجواز لكن ليس للمرتهن البيع ولا للراهن الا .

(۵۹ب) — کاغذ سمرقندی — جلد ندارد

اندازه : ۱۴ ۱۸× و ۱۰ ۱۲/۵ و ۱۵ س ۱۵ و ۱۸

از این پس کلیشه هائی از چند نسخهٔ شناخته شدهٔ در این فهرست را می‌بینیم وسپس یادداشتهایی در بارهٔ پاره‌ای از کتابها میپرسم

محمد تقی دانش پژوه .
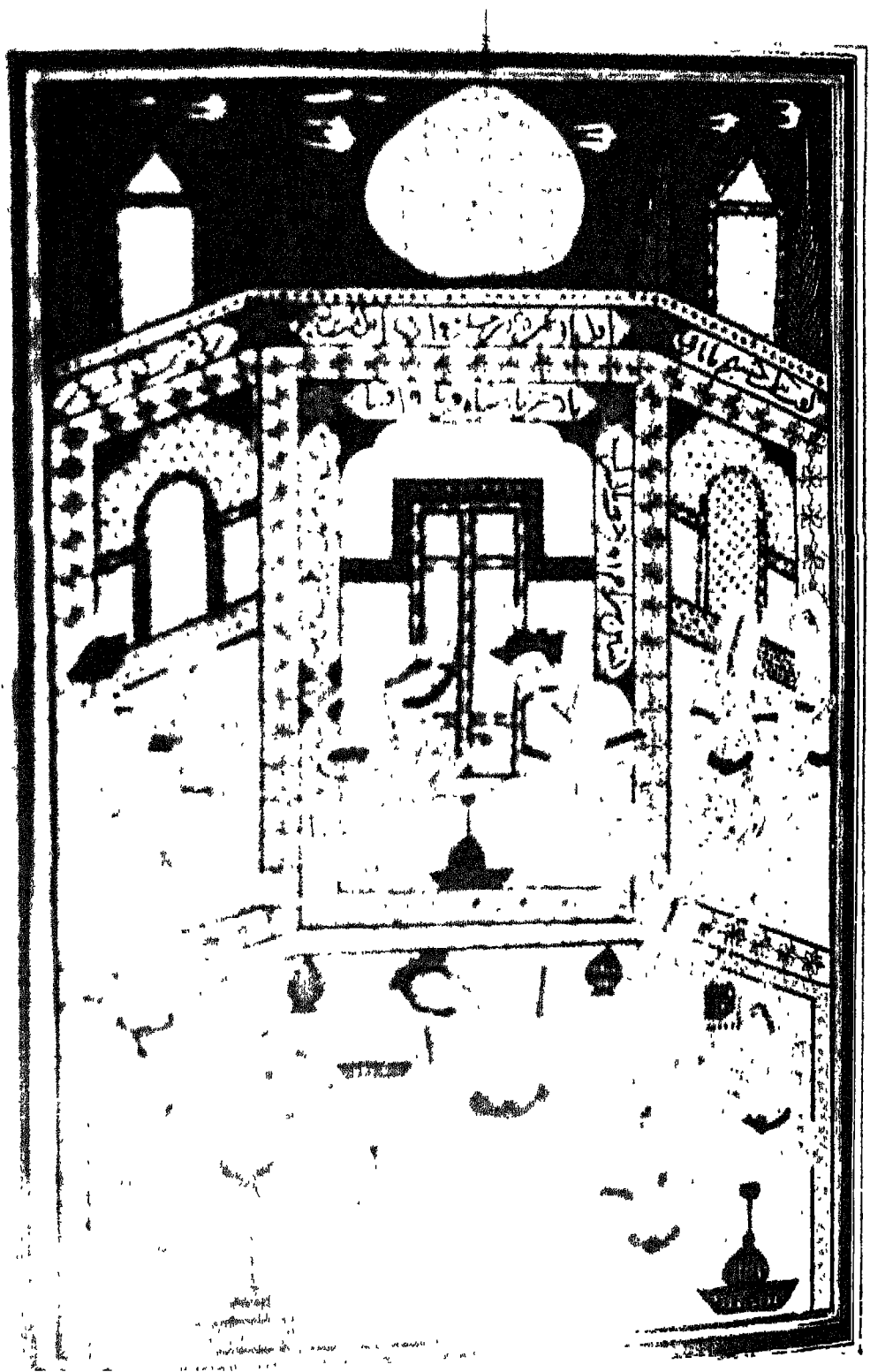
عکسی که پس‌ازاین دیده میشود ازیك مجلسی‌است ازنسخه‌ای ازهشت بهشت امیر خسرو دهلوی که چهار برگ آن‌دراین کتابخانه‌هست. خط آن نستعلیق درزمینهٔ کاغذی خاکستری‌درجدولی با رنگهای لاجورد وزردوسبز وشنگرف‌در کنارصفحه‌هاو با آب‌زر وباگل و بوته آراسته و حاشیه سازی شده و خط از سدهٔ دهم است . مجلس آن گرچه تاریخ سال ۱۱۱۰ دارد ولی باید تازه‌تر باشد . اینهم گفته شود که این کلیشه کـه چاپ شده درست اصل مجلس نسخه را نمایش نمیدهد .

این مجلس ازگنبد هفتم بهرام است و در چهار برگ این نسخه دو عنوان دیده میشود : « جـامه معطر کردن بهرام روز آدینه درگنبدکافوری بـا بزم‌آرای خوارزمی درلباس خضرالثیاب » و«افسانه گفتن ماه‌روی‌خوارزمی‌وشبستان‌رابهشت‌یمن گردانیدن» بااینکه درنسخهٔ شماره ۱۰۰ همین کتابخانه ازکلیات دهلوی بجای اینها دارد : « رفتن شاه بهرام روز آدینه بگنبد سفید وبا دختر ملك هفتم نشستن » و « حکایت کردن دختر ملك اقلیم هفتم بنزد بهرام » .

این‌نسخه چهار برگی‌چنین‌است : آغاز: «قدری‌آب جست ورخ را شست ـ تاپدررا، شناختش بدرست»وانجام : «نامزد کردکاردارانرا ـ هوشمندان‌و بردبارانرا»وبرابراست باگ ۱۹۲ الف بیت ۹ تاگ ۱۹۳ ب بیت ٦ درهامش نسخهٔ ش ۱۰۰

هشت بهشت یابهرامیه را دهلوی دربارهٔ داستان بهرام ودربرابرهفت پیکرنظامی در ۳۳۵۰ بیت بسال ۷۰۱ سروده است وگنبدها درآن:مشکین است‌وزرد و ریحانی وگلناری وبنفش وصندلی وسفید برای روزهای هفته ازشنبه تا آدینه و درهریك گنبدی داستانی است که دختر یکی ازپادشاهان هفت اقلیم میگوید واین هشت بهشت درعلیگره بسال ۱۹۱۸ بچاپ رسید (ایران و هند از پورداود ودکترمعین شماره ۱ انجمن روابط فرهنگی ایران وهند چاپ تهران در۱۳۳۱ خ ص ۳۷ ـ فهرست منزوی ۱۷۹۰۲و۱۸۲)

این هم گفته شود که سنائی (م ۵۳۸) نیزداستانی دربارهٔ دوبرادر بهروز و بهرام ازمادری گلچهرنام دخترخواجه خسروهمدانی دارد (فهرست سپهسالار ۴۹۴:۲ـ مثنوی ومثنوی‌گویان تربت در مجله مهر س ۵ ش ٦ تاریخ آبان ۱۳۱٦ خ ص ۵۴۳ـ ذریعه ۱٦۵:۳ـ منزوی ۵۸:۲) .

همچنین است هفت پیکرنظامی که دربارهٔ داستان بهرام است درهفت‌گنبد .کاتبی نیشابوری (م ۸۳۸) نیز «بهرام وگل‌اندام» دارد (فهرست مجلس ۵۴۵:۳ـ ذریعه ۳ : ۱٦۵و۲٦۲:۷ـ چلبی ۲۰۵:۱ـ منزوی۴۲:۲) .عبدی بیك‌شیرازی مفرده‌نویس (م ۹۸۸) « بهرام‌نامه » دارد (منزوی ۲ : ۴۳). بهرام و بهروز میرزا احمد وقار دربمبئی چاپ شده است .

ص

رسالة الحدود للمعلم الاول وهو ارسطاطاليس قدس سره

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین ولا عدوان الا علی

الظالمین وصلوة علی محمد وآله اجمعین اما بعد بدانکه اینا چند

فصل است از حدود پانزده مسئله که اسکندر از استاد خویش

گ ١ ب ش ٤٢٢ حدود ارسطو (ص ٤١ همین فهرست)

آقای دکتر سید محمد مشکوة واقف اصلی این کتابخانه که فعلا در پاریس هستند از آغاز طفولیت زیر نظر پدر خود بکار علمی می‌پرداخته و در کارهای علمی پدر را مساعدت میکرده است این صفحه آغاز یکی از رساله‌هائیست که برای پدر و بدستور او نوشته اند وچنانچه خود در آخر رساله نوشته‌اند در آن تاریخ که این نسخه را مینوشتند فارغ التحصیل کلاس چهارم دبستان و نه ساله بوده‌اند .

بسم الله الرحمن الرحيم

گ ۱ پ ۲۴۷ آغاز شرح اشارات طوسی ص ۲۵۵ - بر خلاف آنچه در ص ۲۵۶ گفته‌ام این نسخه از شرح طبیعی آغاز میشود

گ ٢٦٣ الف ش ٤٢١ پایان مبدء ومعادی شیرازی ص ٣٤٤

عليه السلام ركع الى جنب الركن اليماني
ركعتين ثم قال اللهم اني اسئلك ايمانا يباشر
قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه
لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني بما
قسمت لي فاوحى الله عز وجل اليه يا آدم
انه حق علي انه لا يلزم احد من ذريتك هذا
الدعا الا اعطيته ما يحب ونجيته
مما يكره ونزعت امل الدنيا والفقر من بين
عينيه وملأت جوفه حكمة والحمد لله رب
العالمين وصلواته على خاتم انبيائه محمد وآله الطاهرين
واصحابه اجمعين

وقع الفراغ من تحريره في شهر صفر سنه سبع وعشرين وسبعمايه
على يد العبد الضعيف الراجي رحمة ربه وعميم لطفه
محمد بن ابي المعالي بن احمد الابرقوهي احسن الله عاقبته
حامدا ومصليا

پایان رشف النصائح سهروردی ص ۴۴۹ ش ۳۴۵

[illegible]

پایان الواردات العلیه (س ٣٩٧) ک ٣٥٦ الف ش ٢٥٢/٦

گ ٩٨ الف ش ١٠٤٧ شرح حکمة الاشراق ص ٤٥٥

(حاشیهٔ دوانی بخط او)

گ ٢٠٢ الف ش ١٠٤٧ پایان شرح حکمة الاشراق
ص ٤٥٥ (خط گرگانی)

٢٤٧٦

گ ٢٠٢ ب ش ١٠٤٧ شرح حكمة الاشراق
ص ٤٥٥ (خط فنال)

صفحهٔ عنوان کتاب التفکر یا مصفات الاشباح (ص ٤٩٧)
گ ۳۹ الف ش ۲۵۲/۳

بسم الله الرحمن الرحيم

القول في حقيقة النظر

گ ۱ ب ش ۳۵۰ آغاز تحریر شرح لمع ص ۵۴۸

للامام عند ظهوره من الغيبة انما يعلم شخصه ويميز عينه من جهة المعجز الذي يظهر
على يديه لان النص المتقدم من آبائه عليهم السلام لا يميز شخصه من غيره كما يميز النص
اشخاص الائمة لما وقع على امامتهم والمعجز انما يعلم انه دلالة وحجة بضرب من
الاستدلال والشبهة معترضة لذلك وداخلة عليه فلا يمتنع على هذا ان يكون كل من لم
يظهر له من اوليائه فلان العلم بمعجزه لم يحصل له انه متى ظهر له قصر في النظر في معجزه
ولحق به هذا التقصير عند دخول الشبهة بمن يخاف منه من الاعداء فقلنا
انه غير ممتنع ان يكون الامام يظهر لبعض اوليائه ممن لا يخشى من جهته شيئا من
اسباب الخوف فان هذا مما لا يمكن القطع على ارتفاعه وامتناعه وانما يعلم كل
واحد من شيعته حال نفسه ولا سبيل له الى العلم بحال غيره ولولا ان استقصاء
الكلام في مسائل الغيبة يطول ويخرج عن الغرض بهذا الكتاب لاشبعناه هاهنا
وقد اوردنا منه الكثير في كتابنا الشافي في الامامة واملنا ان نستقصي الكلام فيه ونأتي
على ما لعلنا لم نورده في كتاب الامامة في موضع نفرده له ان اخر الله في المدة وتفضل
بالتاييد والمعونة وهو المسؤول ان يشفع المأمول لكل فضل ويصير قربا من ثوابه
ويبعدنا من عقابه والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين

تم في شهر رمضان المبارك

سنة ١٠٠٨

گ ١٤٧ الف تنزيه الانبياء ش ٦٨٩ (ص ٥٧٠)

گ ٥٦ الف پایان «طریق تربیة الاولاد» دوانی ش ۱۰۱۵/۲۳ (ص ٦٦٧)

بسم الله الرحمن الرحیم

گ ۶۸ الف ش ۱۰۱۵/۲۷: گواهی دانشمندان (عبدالباقی امامی و محسن حسینی و علی بن قاسم حسینی و مقصود علی طباطبائی و عبدالغفار بن عبدالوهاب)
بر شیعی بودن محمد بن سعدالله

گ ۱ ب ش ٤٦٨ آغاز تحریر مجسطی ص ٨٥٠

گ ۱۲۶ ب ش ٤٦٨ پايان تحرير مجسطى طوسى ص ٨٥٠

گ ۲ الف ش ٤۸۸ صفحهٔ عنوان شرح تذکرهٔ نیشابوری ص ۹۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي [illegible]

گ ۲ ب ش ۴۸۸ آغاز شرح تذکرۂ نیشابوری ص ۹۰۷

في هيئة القلب

شكل القلب كشكل صنوبرة مخروطة راسها المخروط الى اسفل
البدن واصلها الى اعاليه وله غلاف من غشاء كثيف محيط به غير انه ليس
بالملتزق كله لكن عند اصله وهو موضوع في وسط الصدر الا ان راسه
المخروط يميل الى ناحية اليسار والشريان الكبير انما ينبت من الجانب الايسر
فلذلك يتبين النبض في الجانب الايسر وعند اصله ومنبته شي شبيه بالغضروف
كانه قاعدة لجميع القلب، وفي البطن الايمن منه والايسر منافذ فالبطن
الايمن فيه منفذان احدهما التي منها تدخل العروق النابتة من الكبد وينصب
الدم من هذه الفوهة في البطن الايمن من بطني القلب وعلى هذه الفوهة
اغشية مشققة من خارج الى داخل لكي ترتد وتنحي الشي الذي يدخل
الى القلب، والثاني فوهة العرق الذي يتصل من هذا التجويف بالرئة
وهو عرق غير ضارب الا ان اغشيته غلاظ ثخان ولذلك يسميه المشرحون
العرق الشرياني لان الشرايين ايضا اغلظ واثخن واصلب اغشية من العروق
وجعلها ذلك اذ كانت دائمة الحركة مدة عمر الانسان كله وفي انخراقها
من الخطر اكثر مما في انخراق العروق وعلى الفوهة التي تخرج منها هذا
العرق اغشية الا انها مشققة من داخل الى خارج كما ترتد وتنحي الذي
يخرج من القلب، وفي البطن الايسر فوهتان احدهما فوهة الشريان
العظيم الذي منه تنبت شرايين البدن كلها وعلى فمه اغشية مشققة
من داخل الى خارج لكي ترتد وتنحي ما يخرج من القلب من الروح والدم،
والثاني فوهة الشريان الذي يتصل بالرئة وفيه يكون نفوذ الهواء من الرئة

از کناش منصوری رازی (ص ۸۰۰) گ ۱۷ الف ش ۴۵۲

للشيخ حسن صاحب المعالم

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين رب يسر ولا تعسر

الحمد لله ولي الحمد واهله وصلواته على خير خلقه وخاتم رسله محمد المؤيد بفصل الخطاب الداعي بالحكمة الى الحق وطريق الصواب وعلى آله الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا يستضاء بهم الكتاب اما بعد فهذه رسالة مختصرة في فقه الصلوة تشتمل على املائها التماس بعض الاصحاب ورجاء الفوز بجزيل الثواب من الكريم الوهاب وجعلتها مرتبة على فصول اثني عشر الفصل الاول في الطهارة وانواعها ثلثة الاول الوضوء ويجب للصلوة الواجبة من حدث البول والغائط والريح والنوم حتى يذهب العقل وكذا كل مزيل له من اغماء ونحوه وبالاستحاضة القليلة وكيفيته ان يغسل يديه قبل ادخالهما الاناء حيث يكون الوضوء منه مرة من حدث البول والنوم ومرتين من الغائط ويتمضمض ويستنشق ثم يقصد بقلبه انه يمتثل امر الله سبحانه بالوضوء للصلوة فيغسل وجهه من قصاص شعر الراس الى الذقن طولا وما دارت عليه الابهام والوسطى عرضا محققا في مستوي الخلقة وتقديرا في غيره يغسله مرة او اثنتين مبتدئا بالاعلى مسبلا الماء ولا يجب تخليل اللحية وان خفت ولا غسل ما خرج عن الوجه ... او اثنتين بيده اليسرى فيغسل

ک ۱۳۹ الف ۸۹۳/۴ آغاز اثنی عشریهٔ عاملی ص ۱۷۶۱

گ ١٤٣ ب ش ٨٩٣/٤ پایان اثنی‌عشریهٔ عاملی ص ١٧٦١

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة على
على افضل المرسلين محمد وعترته
الطاهرين وبعد فهذه رسالة وجيزة
في فرض الصلوة اجابة لا لتماس
من طاعته حتم واسعافه غنم والله
المستعان وهي مرتبة على مقدمة
وفصول ثلاث وخاتمة اما المقدمة
فالصلوة الواجبة افعال معهودة

گ ١٠١ ب ش ٨٩٣/٣ آغار الفية شهيد يكم س ١٧٨٣

والمسافر الخمس والمشتبه يزيد على
الحاضر والمسافر ثنائيتين قبل المغرب
وثنائيته بعدها وفرضه التعيين وكذا
اوقاته الخمس واشتبه اليومان اجتزا
بالثماني ولا تقضي الجمعة والعيدان
والآيات لغير العالم بها ما لم يستوعب
الاحتراق ولو اطلق القضاء على صلاة
الطواف والجنازة فيجوز وكذا النذر
المطلق والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين

گ ۱۳۸ ب ش ۸۹۳/۳ پایان الفیهٔ شهید یکم ص ۱۷۸۳

آغاز تحریر التحریر یا حاشیهٔ قواعد حلی (ص ۱۸۶۴ و ۲۱۵۴)
گ ۲۵۴ ب ش ۷۰۴/۲

پایان تحریر التحریر یا حاشیهٔ قواعد حلی (ص ۱۸۶۴ و ۲۱۵۴)
گ ۲۵۷ الف ش ۲/۷۰۴
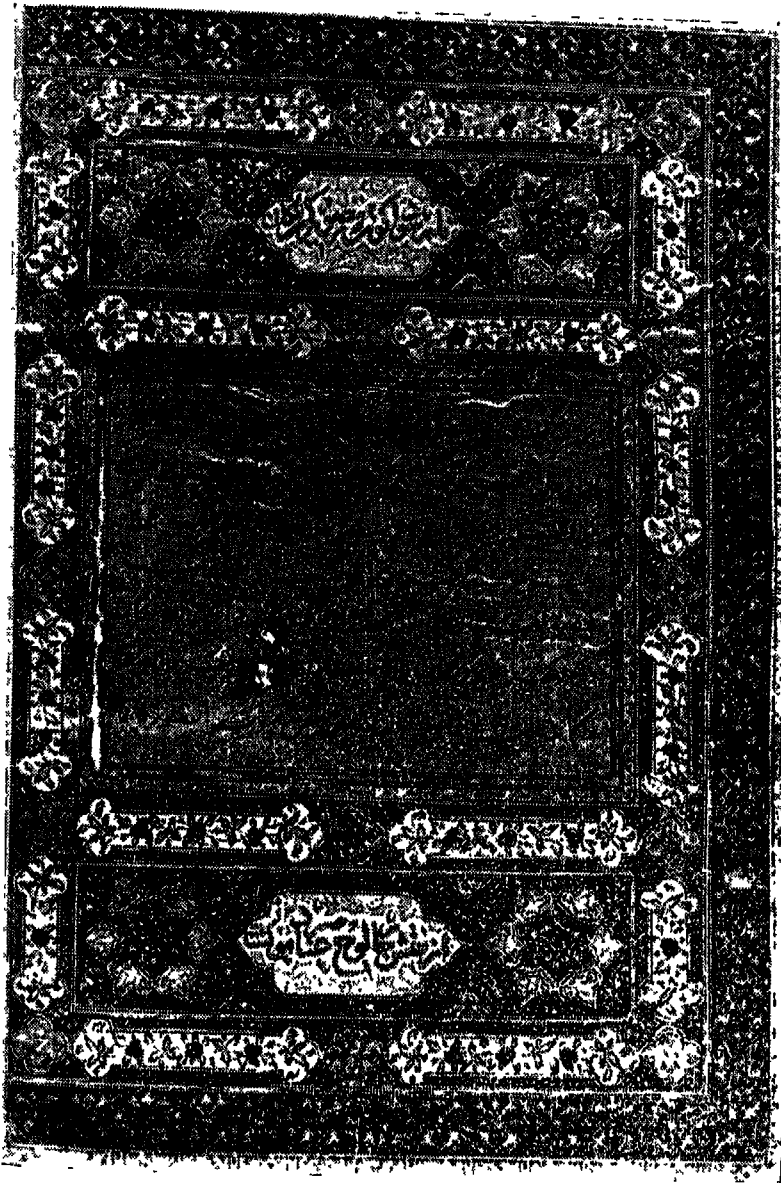
گ ۱ ب ش ۲۲۵ آغاز جواهرالاسرار وزواهرالانوار یا شرح مثنوی از کمال‌الدین حسین خوارزمی (فهرست آقای منزوی۲: ۱۴۶۰)

گ ۲ الف ش ۲۲۵ جواهرالاسرار (فهرست آقای منزوی ۲:۱۴۶)
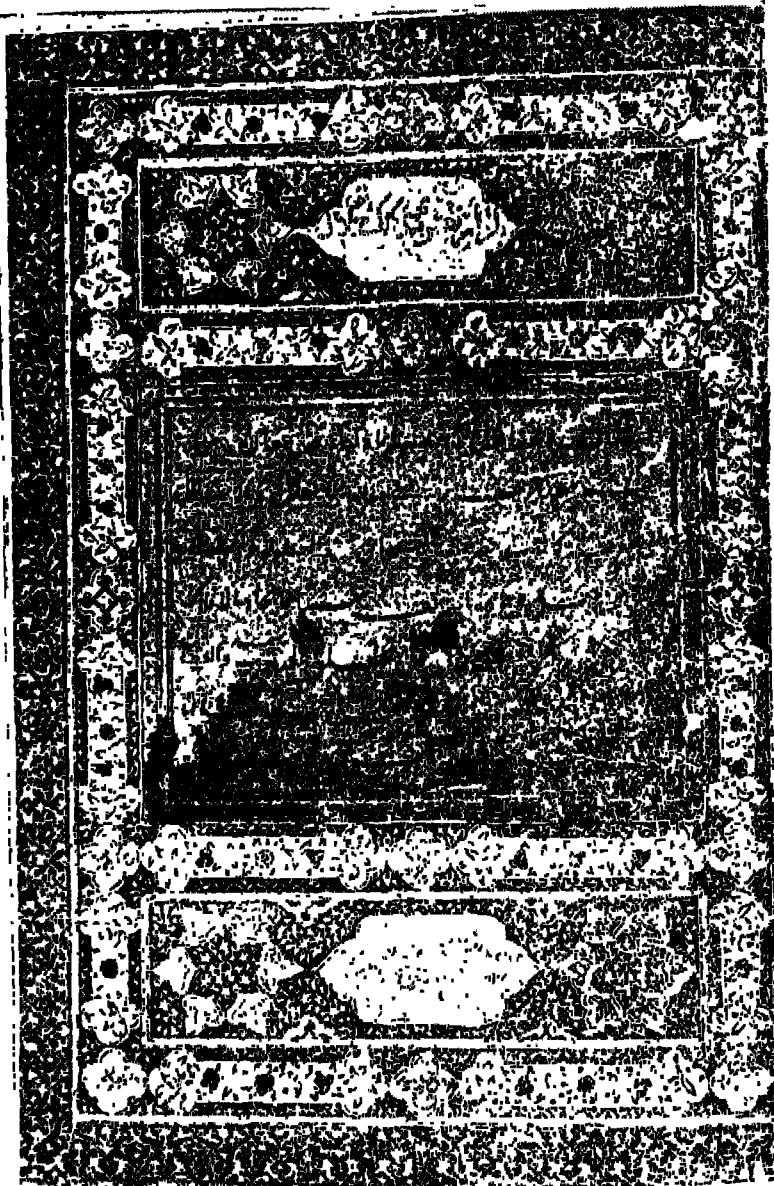
ک ۵۷۲ الف ش ۲۲۵ جواهرالاسرار (فهرست آقای منزوی ۲:۱۴۶۰)

گ ۱ الف ش ۲۳۱ صفحهٔ عنوان شرح الکافیة الشافیة ابن مالك
فهرست آقای منزوی ۲ : ۴۱۴

گ ۱ ب ش ۲۳۱ آغاز شرح الکافیة الشافیة ابن مالك
فهرست آقای منزوی ۴۱۴:۲

الكتاب والحمد لله رب العالمين

گ ۲۳۲ ب ش ۲۳۱ پایان شرح الکافیة الشافیة ابن مالك

فهرست آقای منزوی ۲: ٤١٤

گ ۱ ب ش ۳۳۷ آغاز ترجمهٔ تذکرة الاولیاء

فهرست آقای منزوی ۲: ۵۳۸

کـ ۳۲٤ ب ش ۳۳۷ پایان ترجمهٔ تذکرة الاولیا
فهرست آقای منزوی ۲:۵۳۸

گ ۲۹ الف ش ۴۲۹ پایان شرح آداب البحث میبدی ص ۵۸

حاشیه بر شرح تجرید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی عرفنا الخلاص عن العلائق الجسمانیة

وعلمنا النجاة من العوائق الظلمانیة فنبهنا علی التنبه

من الحجب الروحانیة ورغبنا بالاحتراز عن الغواشی

الهیولانیة وصلی الله علی سیدنا محمد خیر انوار النوریة

واصحابه احسن احیاء النفسانیة فیقول الحقیر

المفتقر الی الله الغنی مسعود بن احمد الکاشی لما رایت شرح التجرید

للمحقق ذاکرة خطر ببالی نکتة فکتبتها علی الحواشی

... المذاکرة ثم جمعتها وانتهیتها ما قال المحقق

... فذ... وعلقتها ... هذا ...

گ ۱ ب ش ۳۳۳ آغاز حاشیهٔ شرح تجرید واینی ص ۲۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] وحسبنا الله ونعم الوكيل
الكتاب الأول في الأمور العامة وما يجري مجراها وما يجري مجرى أنواعها
وهي الوجود والماهية والوحدة والكثرة والوجوب والإمكان والامتناع
والقدم والحدوث وفيه خمسة أبواب الباب الأول في الوجود وفيه
مباحث الأول في أنه غني عن التعريف لنا وجهان الأول أن علمي بوجودي بديهي والوجود
جزء من وجودي والعلم بالجزء سابق على العلم بالكل والسابق على الأولي أولى أن يكون
أوليا والوجود في الكل واحد فالوجود المطلق أولي الثاني التصديق البديهي بأن
النقيضين لا يجتمعان ولا يرتفعان ليس إلا التصديق بأنه يمتنع الخلو عن العدم
والوجود ويستحيل الاتصاف بأحدهما وهو لا محالة مسبوق بتصور الوجود والعدم
والوجوب والامتناع وكون الوجود مغايرا للعدم والمغايرة عبارة عن الاثنينية
وتصورها مسبوق بتصور الوحدة لتقومها بها ومسبوق بتصورها هذا التصديق لكن
ليس الجزء إلا هو فإذن تصور هذه الأمور أولي وحينئذ تعريف الوجود بنفسه محال
وبأجزائه أيضا لأنها إن كانت وجودات لزم توقف الشيء على نفسه وإن لم يكن فعند
اجتماعها إما أن لا يحصل زائد فيكون الوجود محض ما ليس بوجود وإن حصل فيكون
هو الوجود وتلك الأمور معروضاته فلا تكون أجزاءه أو بالخارج عنه وهو
باطل لما عرفت في المنطق أن الرسم لا يفيد تصور الماهية المرسومة ولأن الاستقراء
دل على أنه لا شيء أعرف من الوجود الثاني في أن الوجود مشترك لوجهين الأول
إذا عرفنا أن الممكن لا بد له من سبب جزمنا بوجود ذلك السبب وترددنا في كونه واجبا
أو جوهرا أو عرضا لا يقدح في الجزم الأول ثم إذا اعتقدنا كونه واجبا فإن ذلك
الاعتقاد يزول باعتقاد كونه ممكنا فلولا أن الوجود مشترك بين جميع الأقسام وإلا لزال
عند زوال اعتقاد الخصوصيات كما زال اعتقاد كل واحدة من الخصوصيات باعتقاد
خصوصية أخرى الثاني مفهوم السلب مفهوم واحد [illegible] أنه سلب
فإن كان له أفراد لا يتناولها المفهوم بطل الحصر وإن شملها المفهوم حصل المطلوب

ک ٦٥ الف ش ٢٥٦ آغاز فلسفهٔ ملخص امام رازی ص ٣٧٧

من الخطا من ظلوما جهولا ولكن من عدمت سلطانه اقرب الى الصواب
ممن عدمت اصابته وعلى الحكم في هذا الباب وغيره ان يكون مقصوده مع
عن العلم بالحق وغايته النصيحة لله ولكتابه ولرسوله ولاخوانه من المسلمين
واذا كان الحق متبعا للهوى فسد القلب والعمل والحال والطريق قال
تعالى ولو اتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فيهن
وقال النبي صلى الله عليه وسلم لا يؤمن احدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت به
فالعلم والعدل اصل كل خير والجهل والظلم اصل كل شر والله تعالى
ارسل رسوله بالهدى ودين الحق وامره ان يعدل بين الطوائف ولا يتبع
اهواء احد منهم فقال تعالى فلذلك فادع واستقم كما امرت ولا تتبع
اهواءهم وقل امنت بما انزل الله من كتاب وامرت لاعدل بينكم الله ربنا
وربكم لنا اعمالنا ولكم اعمالكم لا حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا واليه المصير
اخر الكتاب والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد واله وصحبه وسلم
فرغ من تعليقه يوم السبت سابع شهر [illegible] سنة اثنين وسبعين [illegible]
على يد افقر عباد الله واحوجهم الى لطفه الخفي [illegible] بن يوسف [illegible]
الحنفي
غفر الله له ولوالديه ولمن دعا له بالمغفرة [illegible]
امين

گ ٢٤٣ الف ش ٣٣٥ پايان شرح منازل السائرين ص ٤٧١

گ ـ ۳۰ الف ش ۱۰۳۳ خط محمد جعفر گیلانی لاهیجانی ص ۵۱۵

قليل التهيؤ للسفر ظاهر الاغماض عن الرحيل والمخبر
الراجي رحمة ربه الغني محمد بن عبد الفتاح
التنكابني غفر الله ذنوبهما وستر عيوبهما
في ضحوة يوم الخميس يوم الرابع عشر من شهر
جمادى الثانية من شهور سنة اثنتين ۱۱۰۲
ومائة والف من هجرة خير البرية على هاجرها
الف الف الصلوة والتحية الحمد لله اولا
وآخرا وصلى الله على نبيه محمد وآله المعصومين
الطيبين الطاهرين ووفقنا لاطاعتهم
وزيارتهم وجعلنا من حزبهم وزمرتهم
بجوده وكرمه وبحقهم
آمين رب
العالمين
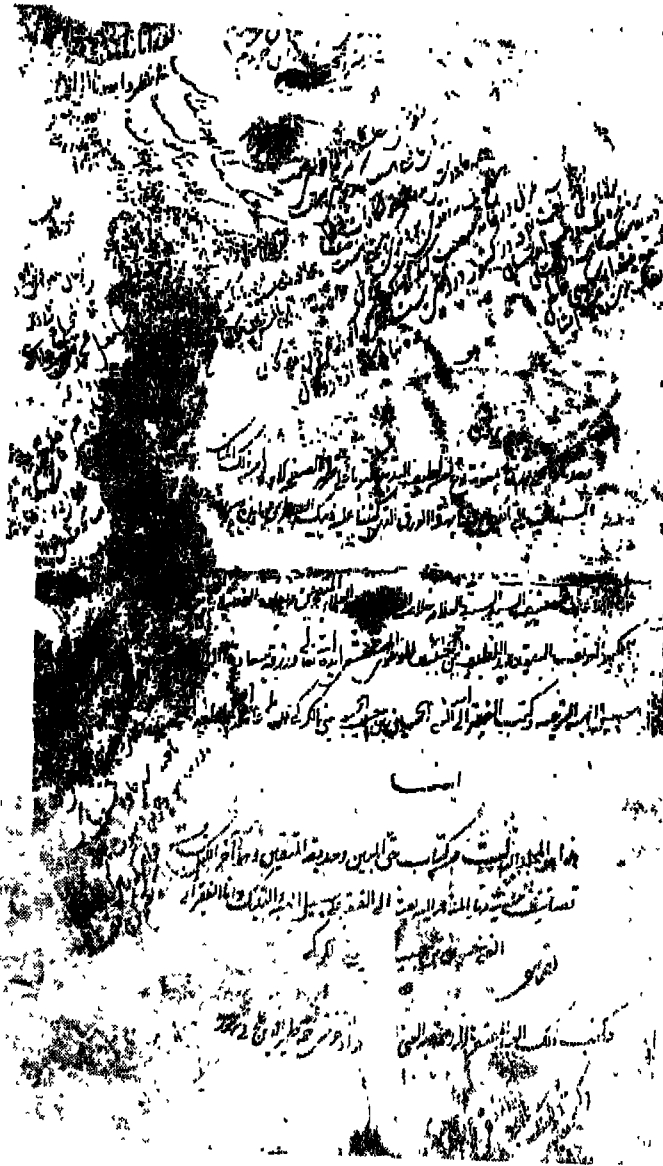
گ ۱۳۱ الف ش ۴۰۹ رسالهٔ کلامی تنکابنی ص ۵۷۸

گ ۱۱۰ ب ش ٤٢٦ شرح صحائف ص ٥٨٩

(بنگرید بیادداشتهای پایان بخش ۳)

گ ۱ الف ش ۵۷۴ صفحهٔ عنوان الحق المبین و حدیقة المتقین ص ۶۵۹

گ ٨٤ الف ش ٥٧٤ پایان الحق المبین وحدیقة المتقین ص ٦٥٩

گ ۱۳۷ الف ش ۳۹٦ پایان الذخیرة لاهل البصیرة ص ٦٦۲

گـ ۔ ۵۲ الف ش ۱۳٤ پایان من‌لایحضره‌الاّبیس هروی بخط او ص ٦٨٠

گ ۲۳۳ الف ش ٤٤٢ پایان اختیارات بدیعی ص ۷۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم
قال ابو سهل عيسى بن يحيى المسيحي قصدنا في هذا
الكتاب هو ان نظهر حكمة الله تعالى ذكره في
خلق الانسان وننبه على فوايد لطيفة شريفة
لم يسبقنا الى معرفتها احد ممن تقدمنا وذلك ان
كل من تكلم قبلنا في هذا المعنى فكلامه يسير
ضعيف بالقياس الى ما اوردناه لانهم انما ذكروا ما
يظهر للمنوى العامية من منافع الاعضاء فاما
ما دق ولطف منها فانما منافع القوى التي
في البدن ومنافع افعالها ومنافع غيرها ايضا
حتى تبلغ الغايات الاخيرة التي هي المقاصد
الاول في وجود الانسان بجميع اجزايه وجميع
سماينه من جميع الوجوه فلم ينتدب ولا واحد
منهم للبحث عنها والاستقصاء في تحصيلها وتعيينها
ولمن يعرف فضيلة ما اوردناه فيما اوردوه الا من
قايل بين كلامنا هذا وكلامهم مع دراية وانا
منه فان من لا يدري ما يعتبره لم يصلح للحكم

گ ۱ ب ش ۴۴۷ آغاز اظهار حکمة الله فی خلق الانسان ص ۷۱۹

[illegible]

گ ۳۰۳ الف ش۹ ٤٦١ ذخیرۂ خوارزمشاهی گرگانی ص ۷۵۵

هذا کتاب شرح فصول

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر وتمم

قال الشیخ الامام ابو القسم بن عبد الرحمن
بن علی بن ابی صادق النیسابوری رحمه الله
اما بعد حمد الله تعالی بجمیع محامده والثنا علیه
ان العنایه التی تبعث الخلق علی اقتنا باب من ابواب
العلوم من اشرف الفضایل الانسانیه سیما ما کان
الناس اشد حاجه الیه من غیره کعلم الطب فان من
البین عند الکافه ان العافیه راس النعم التی انعم بها
علی الانسان واولاها واجلها قدرا ولذلک لیس تهنی
مملکه لملک ولا ثروه لمثرمع فقدان الصحه التی هی الغایه
المطلوبه بهذا العلم وهی اشرف غایه یتمناها الانسان
فی هذا العالم ثم ینضاف الی شرف هذه الغایه شرف
الموضوع الذی هو البدن الانسانی اذ هو اشرف موجودات
العالم ویقترن بشرف موضوع هذا العلم شرف کماله ووثاقه
البراهین المستعمله فیه فان قوانین الطب اجمع دلایله
برهانیه ولیس یستعمل فیها الحواس والتجریب الصناعی

گ ۱ ب ش ٤٥٦ آغاز شرح فصول ابقراط نیشابوری ص ۷۷۲

الجواب فتركها ذكرها شفقة من فوت الزمان بما لا يجدى
نفعًا والله تعالى هو المعين ٥ تم كتاب
شرح فصول ابقراط للشيخ ابى القسم عبد الرحمن
بن على بن ابى صادق رضى الله عنه امين
والحمد لله رب العالمين
مما علقه لنفسه بخطه يوحنا بن سنا بابن
يوحنا المتطبب نفعه به الله امين ورحم من
ترحم عليه ان كان ... رحمه الله والاولد

گ ٢٢٧ الف ش ٤٥٦ پایان شرح فصول ابقراط از نیشابوری ص ٧٧٢

گ ۲۶۹ الف ش ٤٤١ پایان شرح قانون آملی ص ۷۷۷

گ ۱۵٤ الف ش ٤٤٤/۱ پایان فن دوم شرح موجز قانون ص ۷۸۵

كتاب الغنى والمنى في علم الطب سنه ۹۷۵

تاليف الحكيم الماهر ابن الاكابر ذي
الفضل المتواتر والمجد الثائر المخصص
بالتقى والاجتهاد عديم النظر في القضاء
والبلاد ابي المنصور الحسن بن نوح القمري
شكر الله سعيه واحسن الجزاء
بحق محمد واله امين

وصلى الله على اشرف خلقه سيدنا محمد واله

گ ۱۳ الف ش ۴۵۷ صفحهٔ عنوان غنی و منی قمری ص ۷۸۸

گ ۱ الف ش ۴۶۹ خط و مهر شیخ بهائی در نسخهٔ اختیارات مظفری قطب رازی ص ۸۲۲

گ ۲ الف ش ٤٦٩ مهر وقف شیخ بهائی در ۱۰۳۰ برای این نسخه از اختیارات مظفری قطب شیرازی ص ۸۲۲

سجع مهر چنین است :

« هذا مما وقفه العبد بهاءالدین محمد علی الطلبة الامامیة بتولیة ابن اخیه سمی ابیه حسین بن عبدالصمد ثم الاتقی من بنیه و بنیهم و لو کان ابعد ۱۰۳۰ »

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

گ ۱ ب ش ٤٦٢ آغاز تحقیق حبیب و ظل قاینی ص ۸۵۲

کـ ۱ ب ش ۴۷۷ آغاز شرح رومی بر ملخص چغمینی ص ۹۱۷

گ ۱۱۴ الف ش ۴۷۷ پایان شرح رومی بر ملخص چغمینی ص ۹۱۷

گ‍ب ۱ الف ش ۱۰۸۲ صفحهٔ عنوان غایه‌الادراك ابهری ص ۹۲۵

گ ۲ب ش ۱۰۰۹ غایةالوصول ص ۱۷۰۶ که خط علامهٔ حلی
در کنار برگ دیده میسود

وسيره الشيخين وكان عبد الرحمن مجتهدا ولم ينكر احد فحصل
الاجماع على جواز تقليد المجتهد قلت الاية الاولى مخصوص بغير
المجتهد والا لزم السؤال على المجتهد بعد اجتهاده ايضا فانه بعد
الاجتهاد ظان لا عالم ولا يجوز له بعد الاجتهاد بالاتفاق والاية
الثانية مخصوصة بالاقضية والاحكام لعدم وجوبها لطلقة في كل
شي بالاجماع والمراد من قول عبد الرحمن بالسيرة طريقتهما في
ملازمة العدل والانصاف وهذا الذي ذكرنا من جواز الاستفتا
للعامي وعدم جوازه لغيره مخصوص بفروع الدين وقد اختلف
العلماء في جواز التقليد في اصوله للعامي وغيره قيل لا يجوز لهما اصلا
لانه تع امر الرسول بتحصيل العلم فيها بقوله فاعلم انه لا اله الا الله
واذا وجب على الرسول وجب على الامة لقوله تع فاتبعوه قال الفقها
يجوز مطلقا لما ذكر انه عليه السلام لم يكلف احدا تلفظ بكلمتي الشهادة
بل علمت حدوث الاحكام وكونه تع مختارا امر موجبا وليكن هذا
اخر ما اردنا ايراده في شرح هذا الكتاب والله اعلم بالصواب

وقع الفراغ منه نهار الخميس رابع عشر جمادى الاولى من شهور سنة ثمان
وثمانين وثمانمائة [illegible] عفا الله عمن نظر الى تسويده ودعا للكاتب ومؤلفه بالمغفرة
ولجميع المسلمين امين

ک ۱۸٦ ب ش ۷۷۹ پایان معراج الاصول ایکی ص ۱۷۲۳ و۲۳۵۲

گ ۱ الف ش ۷۵۰ برهان قاطع ص ۱۷۹۱

گ ۷۳ ب ش ۱۰۰۳ دروس شهید بکم ص ۱۸۷۷

گ ۳۶۹ ب ش ۷۸۰ پایان غایة المرام صیمری ص ۱۹۵۲

لكن الثاني يغسل ثلثا والاحوط غسل الكل ثلثا بل لا ينبغي ترك الاحتياط في اعمال جميع ما ذكر من الكيفية والاحتياط جدا هل يجب تعدد غسل الاناء من النجاسة على الوجه المعتبر شرعا تحقيقا او لا صرح بالثاني في التحرير والبيان وربما يظهر الاول من المنتهى وهو ضعيف الا اذا اراد من التحقيق ازالة الغسالة النجسة قد وقع الفراغ من كتابة هذه الابعاض في اواسط شهر رمضان المبارك سال الله عز وجل ان يجعله خالصا لوجهه الكريم في اليوم الذي كتبه مؤلفه سماه الفانية وهو محمد بن علي الطباطبائي

گ ۷۰ الف ش ۷۸٤ پایان مناهل سید مجاهد ص ۲۰٦۹

ک ۲۳ ب ش ۱۲۲۵ جنگ کیمیائی بخط سیدآبادی ص ۲۴۴۸

گ ١ الف ش ٤ آغاز انوارالتنزیل بیضاوی ـ ١:١٥ فهرست منزوی

والناس بيان للوسواس أو للذي أو متعلق بيوسوس أي يوسوس في صدورهم من
جهة الجنة والناس وقيل بيان للناس على أن المراد به ما يعم الثقلين وفيه
تعسف إلا أن يراد به الناسي كقوله يوم يدع الداع فإن نسيان حق الله يعم
الثقلين عن النبي صلى الله عليه وسلم من قرأ المعوذتين فكأنما قرأ الكتب التي
أنزلها الله تعالى كلها. وقد كمل بتوفيق الوهاب وهو ملهم الخير والصواب

وقع الفراغ من تحرير الكتاب الكريم في تفسير القرآن العظيم العزيز
من شهر [illegible] وقت الضحوة الكبرى سنة ثمان [illegible]
[illegible]
رحم الله من نظر فيه ودعا [illegible]
ولكاتبه الفقير [illegible]
[illegible]

گ ٥٦٤ الف ش ٤ پایان انوار التنزیل بیضاوی (١:١٥ فهرست آقای منزوی)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي كتب في صحيفة بصائر ...

گ ۱ ب ش ۳۷ آغاز شرح صحیفهٔ سجادیه بخط شارح
(۱:۱٤٦ فهرست منزوی)

انتهى اى لا تجعل من لهم انس بي موحشا عني او لا تجعل
اهل انسي من يناسب حالي او يونس موحشا عني والحمد
لله اولا و آخرا قد وقع الفراغ من تسويد هذه الاوراق
يوم الجمعة ثامن شوال بعد الشروع فيه في اول شهر رمضان
المبارك بعد مضي الف و تسعين سنة من الهجرة النبوية
في مشهد ثامن الائمة على مشرفها الف الف سلام وتحية
على يد مؤلفه الفقير المشتاق
الى الله العزيز الغني ميرزا
محمد بن محمد رضا بن
اسمعيل بن جمال الدين
القمي

گ ۱۲۲ الف ش ۳۷ پایان شرح صحیفه بخط شارح
(فهرست منزوی ۱:۱٤٦٠)

بالای گ ۱ ب ش ۱۰ آغاز جزء ششم از فتوح الغيب في الكشف
عن قناع الريب طيبى (۱:۱۷٦٠ فهرست منزوى)

پائین گ ۱ ب ش ۱۰ از آغاز جزء ششم از فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب طیبی (۱:۱۷۶ فهرست منزوی)

لکن لا یناسب تنکیر الوسادة کما فی بعض الروایات و یزهر الی الله ای یبتهج متوجها الی الله من زهر
النار ای اضاءت او من الزهرة بالضم بمعنی البیاض و الحسن یقال منه زهر کفرح و کرم و یقال
زهر القمر و الوجه کمنع ای تلالا و المغلبة فی روایة سعید الشمان اما بالتشدید علی صیغة المفعول
من قولهم غلبته انا علیه تغلیبا و منه المغلب للشاعر المحکوم له بالغلبة علی قرنه کان الرایة جعلها
غالبة علی الخصم و حکم لها بالغلبة او علی صیغة الفاعل فکان الرایة تجعل من تحتها غالبا علی
العدو و اما بالتخفیف و کسر المیم علی صیغة اسم الالة و التمیمیة فی روایة المفضل عوذة
تعلق علی الانسان — تم الجزء الاول من کتاب حدائق الحقایق فی شرح کلمات کلام
الله الناطق علی ید مؤلفه الفقیر المحتاج الی رحمة ربه علاء الدین محمد بن ابی تراب گلستانه عفی الله
عنهما و تجاوز عن زلاتهما بمحمد و علی و آلهما الاطیبین صلوات الله علیهم اجمعین سنة اربع و سبعین
بعد الالف من الهجرة المقدسة و یتلوه الجزء الثانی فی شرح الخطبة المشهورة بالشقشقیة و من الله
استمد المعونة فی الافتتاح و الاختتام انه
ولی الفضل و الانعام

گ ۱۱۶ ب ش ۹٤ حدائق الحقائق گلستانه (۲:۳۳ فهرست منزوی)

گ ٤ ب ش ۹۷ آغاز شرح دیوان میبدی

(فهرست منزوی ۲: ۱۱٦)

گ ۱۳۹ب ش ۹۷ پایان شرح دیوان میبدی (۲ : ۱۱۶ فهرست منزوی)

کہ ۲ ب ش ۱۶۹ آغاز فرہاد و شیرین وحشی بخط میرزا کوچك
وصال شیرازی (۲:۱٦٦٦فہرست منزوی)

گ ۵۸ الف ش ۱۶۹ پایان فرهادوشیرین وحشی بخط میرزا کوچك
وصال شیرازی (۲:۱۶۶۰فهرست منزوی)

گ ۱۷۲ الف ش ۱۷۷ پایان تاج المصادر بیهقی (۲:۳۳۵ فهرست منزوی)

گ ۲ ب ش ۱۷۸ آغاز تیسیر مصیری (۲:۳٦۳ فهرست منزوی که در آن باشمارهٔ ۱۸۷ یاد شده ودرست نیست)

گ ۱۷۹ ب س ۱۷۸ پایان تیسیر نصیری (۲ : ۲۶۲ فهرست منزوی
که در آن با شمارهٔ ۱۸۷ یاد شده و درست نیست)

گ ۱ الف ش ۸٤٤ صفحهٔ عنوان شرح مفتاح العلوم گرگانی (۲ ٤١٦
فهرست منزوی)

گ ۱ ب ش ۸٤٤ آغاز شرح مفتاح العلوم گرگانی (٤١٦:٢
فهرست منزوی)

گ ۳۰۲ ب ش ۸٤٤ پایان شرح مفتاح العلوم گرگانی (۲: ٤١٦ فهرست منزوی)

گ ٦٩ الف ش ١٨٩ پایان منتخب امل الآمل عاملی از تبریزی (۲:۵۰۵ فهرست منزوی)

گ ۴۲ الف ش ۸۵۴ پایان شرح قصیدهٔ « برده » بوصیری
(فهرست منزوی ۲:۷۱۵)

یادداشتها

ص ۱۸۰ س ۱۱ و ٦۳٤ س ۱٤ :

چنانکه من نوشته‌ام و آقای مدرس رضوی هم درسر گذشت خواجهٔ طوسی درچند جا (فهرست نامها) یاد کرده‌اند کسی که بطوسی نامه نوشته و از او درخواست تا رسالهٔ علم را گزارش بنویسد همان جمال‌الدین علی بن سلیمان بحرانی بوده‌است ؛ چنانکه‌درصفحهٔ عنوان‌نسخهٔ ش۱۰۲۲ نوشتهٔ سیدحیدر آملی نزدیك ۷٦۲ آمده ونوری هم که همین‌نسخه را داشته بود درمستدرك (٤٦۲:۳) چنین نوشته است . بحرانی درلؤلؤتی‌البحرین در سه جا از همین جمال‌الدین بحرانی یاد کرده و در سومین جای میگوید : « آنچنانکه من از پدرم شنیده‌ام اوراست رساله‌ای مشهور که طوسی بدرخواست شاگردش میثم بحرانی برآن گزارش نوشته است واین رساله و گزارش آن نزد من بوده وازدست داده‌ام » (نیز روضات ص ۵۷۹ از همین لؤلؤة ولی دارد که جمال‌الدین‌علی استاد میثم‌این رسالهٔ علم را نزد طوسی فرستاده واو برآن گزارش نوشته است) .

دربحار مجلسی (۲۵ : ۲۲ و ۱۰۳) سر گذشت همین بحرانی آمده ولی یادی ازاین نامه وپاسخ‌آن نشده‌است. حرعاملی درامل‌الآمل (ص ٤۸۷) نیز ازاو یاد کردو چنین گفتگوئی را ننوشت که‌میان اووطوسی شده‌باشدبلکه‌درسر گذشت خواجهٔ طوسی‌وابن میثم(ص ۵۰٦ و ۵۱۱) او این‌رسالهٔ‌علم‌را ازابن میثم‌پنداشته است چنانکه درنسخهٔ ش۳۸۹مورخ۱٤صفر۱۱۰۲هم‌دارد «قال‌الامام کمال‌الدین میثم‌بن علی‌بن میثم‌البحرانی رحمه‌الله . بسمله . الحمدلله علی ما اولانا من ملامح (ملائح) . . . » و کنتوری هم آنرا از ابن میثم پنداشته است (۳۳۵) درفهرست طوس (٤ : ۱۸۰) نیز این رساله از ابن میثم دانسته شده و شرح آن از طوسی وبنام «شرح رسالة‌العلم» درآن یادشده‌است . همچنین درفهرست مجلس (۲: ۳۹۰

ش۱۱/٦۳۰) دارد که کمال‌الدین ابو جعفر احمد بن علی بن سعید بن سعادة بخواهش کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی رسالة‌العلم نوشته و خواجهٔ طوسی آنرا گزارش کرده است .

در نسخهٔ ش۱۰٤٦ ما مورخ ۱۲ع۱۰۵۹/۲ از کسی یاد نشده‌است . از سنجش این سه نسخه چنین برمیآید که نسخهٔ اصلی همان شماره ۱۰۲۲ که کهنه‌تر است ۵
میباشد و دو نسخه دیگر را نویسندگان دستکاری کرده‌اند و چون درمتن آن از کسی یادنشده وهمین اندازه درنامهٔ طوسی بنام «کمالی جمالی» برمیخوریم و نویسندگان گویا جمال‌الدین بحرانی را نمی‌شناخته‌اند این بود که پرسنده را ابن میثم پنداشته‌اند .

ص۲۱٤و۱۲۳۹:

شاد روان میرزا محمد خان قزوینی در حاشیهٔ نسخهٔ بحار خود (۱۸:۲) ۱۰
چنین نوشته است که « این توحید مفضل با کتاب الدلائل والاعتبار که این اواخر (درسنهٔ ۱۳٤٦) در حلب چاپ شده و بجاحظ نسبت داده شده تقریبا عینا در کلیات و غالب عبارات یکی است فقط اختلاف بسیار اندکی در بعضی جزئیات بین آنها هست که تفصیل آنرا درپشت الدلائل والاعتبار داده‌ام . محمد قزوینی » ــ نسخهٔ الدلائل والاعتبار اورا من ندیده‌ام . ۱۵

بدوی دردیباچهٔ « فی‌النفس ارسطوطالیس » (ص۳۰) مینویسد که دراین « الدلائل‌والاعتبار » که ازجاحظ پنداشته‌اند (ص۷٦ همان‌چاپ برابر باص۹۱ چاپ نجف‌از توحیدمفضل) از آراء طبیعی‌فلوطرخس(ف۲۰ م ۲ ص۱۳٤) آمده‌است- ازسنجیدن‌آندو برمیآید که سخن فلوطرخس درست درآن آورده نشده است .

دررجال نجاشی درسرگذشت خود او (ص ۷٤) دربارهٔ نیای او عبدالله ۲۰
نجاشی دارد « و کتب الی ابی‌عبدالله ع یسأله و کتب الیه رسالة عبدالله النجاشی المعروفة ولم یر لابی‌عبدالله ع مصنف غیره » (نیز ص ۱٤۷) پس بنوشتهٔ او امام صادق را جز این نامه‌ایکه بعبدالله نجاشی نوشته است نگارش دیگر نیست . اودرسرگذشت مفضل (ص۲۹۵) میگوید «وقدذکرت له مصنفات لایعول علیها»

از نوشته‌های او که نام میبرد بنام « کتاب فکر» « کتاب بدءالخلق والحث علی الاعتبار» برمیخوریم (نیز ص ۲۱۲ و ۵۳ خلاصه حلی).

ص ۲۲۰ س ۹ :

دررسالة‌الاسلام (سال ۱ ش ٤ ص ٤۰۳ – ٤۱۰) آمده که در « مختصر فی ذکر الحکماء الیونانین والملیین» از گمنام که درمجموعهٔ اسکوریال هست و گویا

۵ کتاب از سده ۸ متأخر نباشد دارد (ش ٦۳۵) : « افضل‌الدین محمدبن‌المرقی القاشی کان زاهداً متصوفاً مداوما للریاضة مات فی حدود ٦۱۰» و« نشاء (الطوسی) بمشهد طوس واشتغل بها بالتحصیل علی خاله ».

علی قلی داغستانی واله در ریاض‌الشعرا نگارش ۱۱٦۱ هم گوید طوسی خواهرزادهٔ کاشانی بوده است .

۱۰ در ص ٤۰۷ حاشیهٔ ٤ ش ٤ سال ۱ رسالة‌الاسلام دارد که شیخ امین ظاهر خیرالله درالمقتطف سیب نامه را نشر داد و در آن دارد که گفتگو میان سقراط و شاگردان است و گویا یکی از ادیبان مسیحی آنرا ساخته باشد این سیب نامه بدینگونه در آن مجله بچاپ رسیده است ص ٤۷۵–٤۸٤ ش ٦ جلد ۵۵ دسامبر ۱۹۱۹ (۱) ص ۱۸–۲۲ ش ۱ جلد ۵٦ ژانویهٔ ۱۹۲۰ (۲) ص ۱۰۵–۱۱۰ ش ۲ جلد ۵٦ فوریهٔ

۱۵ ۱۹۲۰ (۳) ص ۲۱۷–۲۲۱ ش ۳ جلد ۵٦ مارس ۱۹۲۰ (٤).

در همینجای رسالة‌الاسلام دارد که ینبوع‌الحیاة را که در ۱٤ فصل است (و درفارسی ۱۳ فصل) خوری فیلیمون کاتب در بیروت در ۱۹۰۳ چندین بار چاپ کرد . یکبار دیگر هم عبدالرحمن بدوی آنرا درالافلاطونیة‌المحدثة (ص ۵۱–۱۱٦) بنام « معاذلة‌النفس لافلاطون » یا « رسالة منسوبة الی هرمس‌الحکیم

۲۰ فی معاتبة‌النفس و زجرها .. » بچاپ رسانده است . آغاز فصل ۱٤ آن در ص ۳۸۰ س ۱٤ میانهٔ فصل ۱۳ فارسی کاشانی (چاپ تهران) دیده میشود و این فارسی دو سطری در انجام کم دارد گذشته از جدائیهای دیگر که میان آندو هست .

ص ۳۲۱ س ۱۹ :

درروضات (ص۶۲۱) آمده که گویافاضل هندی رساله‌ای بفارسی دراصول دین بنام «کلید بهشت» دارد. باز درهمانجا (ص ۳۰۲) آمده که «کلید بهشت» فارسی ازقاضی سعید قمی است.

ص۳۵۱ س۹ :

در پایان متن تازی مدارج کمال نسخهٔ نور عثمانیه ش ۴۹۳۱ تاریخ ۶۷۴ چنین دارد: ۵

فصل من انشائه قدس‌الله روحه فی آخر رسالته هذه فی ذکرالحال التی دعته الی انشاء هذه‌الرسالة والزمان الذی افتتح فیه و تسمیتها بالاسم الذی یدعو به.

قال: اتفق لنا من قضاء ربنا تعالی و تقدس فی بعض احایین دهرنا توزع فکر و تشتت رأی والتفات الی احوال مختلفة و تردد و تذبذب بین امور متناقضة ۱۰ دفعت الیها اضطراراً ولم یبق لی هجوءها و ازدحامها علی اختیار؛ اذ اشار الی فتی من فضلاء اخوانی و کرام اصدقائی و خلانی و هو الشاب الکریم الشمائل ذوالمکارم والفضائل «شمس‌الدین محمد بن محمد بن ذرواکوش ابوالمکارم الدیلمی» - بلغه‌الله اقصی درجة فی‌العلی ینالها احد من اولی‌الالباب وذوی‌النهی - واظهرلی رغبة صادقة ان اکتب له رسالة متضمنة لبیان منازل‌العباد فی طرفی‌المبدء والمعاد. ۱۵ فماوجدت فی نفسی وجهاً للامتناع عن مراده، وان کان کل ما ابتلیت به من تردد الفکر و توزع‌القلب فی نموه وازدیاده.

فعزمت علی بذل ماتسعه قوتی والاتیان بمایحتمله منتی. و اناعلی هذه‌النیة؛ اذ رأیت لیلة فی مایری‌النائم: کانی جالس مع ثلثة نفر من‌المشائخ‌الکبار صورهم فی غایة‌الجمال و آدابهم وعلومهم فی غایة‌الکمال و یستنطقوننی، و انا بسبب‌الحوادث ۲۰ التی تحوم حول قلبی فی یقظتی لایجری لسانی بالکلام معهم کماینبغی فالحوا علی و قالوا لاتلتفت الی هذه واجعلها وراء ظهرك فان افکارك اعز و اکرم من ان یکون فی‌الفاسدات والمستحیلات المتغیرات السریعة‌الزوال القریبة‌الفناء فاجعلها فی‌ترتیب کلام یتصرح به بدوالوجود ومراتبه ودرجاته فی‌الدوام والخلود وتبین به

ما خفی من امر مجیء الانسان و مرجعه، بیاناً ساطعاً و یکون فی اظهار الحقیقة و کشف الحجب عنها برهاناً قاطعا . فسألتهم عن فائدة هذا الترتیب و قلت بینوا لی لماذا ینبغی لی و یجب علی ان اتولی بیان هذا النظم و الترتیب؟ فاجابوا و قالوا : ینبغی لك و یجب علیك لذات البیان لا لشیء غیره یتوسل به الی ذلك الشیء . فاقررت لهم بما اوجبوه و کانا جمیعا صرنا قدفرغنا من جمیع هذا الکلام و نظمه و نطالعه و احاط علم کل واحد منا بمضمونه و مکنونه . فسموه عند ذلك « مدارج الوجود و معارج الخلود . . »

فلما بلغت من رؤیای هذا المنتهی ؛ انتبهت نفسی من رقدتها و اخذت فیما امرت به فوفقنی الله له کما هدانی سبله و قلت : هذا تأویل رؤیای قدجعلها ربی حقاً . الزمه ایها المستدعی المستعد و الراغب المجد ؛ فلیس احد اولی بقبول الجواب من السائل ولا بنیل المطلوب اقرب من الطالب . و الله جل ثناؤه یعینك و یهدیك و من جمیع الآفات یحرسك و یقیك بجوده و رحمته ؛ انه الجواد الکریم و الرؤف الرحیم .

تم الفصل . و لله الحمد و الفضل (این فصل در نسخهٔ ما ش ١٠٣٣/١١ نیست)

این بند پارسی (١) هم در پایان برخی از نسخه‌های « مدارج کمال » پارسی دیده شده و مانا در برابر همان بندیست که کاشانی در پایان «مدارج الکمال» تازی گذارده است و اکنون دیده‌ایم . اینك آن بند :

« تمام شد (ترجمهٔ) « مدارج کمال » (٢) بخجسته حال و فرخنده فال (٣) .

١ــ این بند از روی نسخه‌ای تازه بتاریخ ١٢٩٤ و سه نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه اهدائی آقای مشکوة نوشته شده و هرسه نادرست بوده ازاینروی همهٔ نسخه بدلهای آنها دراینجا نیامده است . اینست نشانه‌های آنها :

١ــ نسخه ش ٤٠٢/٩ گ ١٩٧ الف تاریخ ١٠٧٩ و ١٠٨٠ (برمز الف) .

٢ــ نسخهٔ ش ٤٣١/٢٠ گ ٣٢١ الف تاریخ ١٣٠٣ (برمز ب) .

٣ــ نسخه ش ١٠٣٦/٩ گ ٨٨ ب ـ ٨٩ الف تاریخ ١١٠٤ (برمز ج) .

برای نمونه پاره‌ای از نسخه بدلها را در حاشیه خواهیم دید

٢ــ تا اینجا در الف نیست .

٣ــ در ج : حالی ... فالی .

و نظم‌سخن ن این‌نامه ، نخست بلغت تازی بود ؛ واز یاران «محمدذرواکوش»(۱)را
محبت آئین سالکان ، بران (۲) التماس داشت ، تاکام وی برآورده شد ، و نفس
او بدان آرام و خرسندی یافت . بعدازآن از برادران رونده و یاران کوشنده ،
« اسعد نسائی » درهمراهی (همرهی) و موافقت و مساعدت با ما ، قدم راسخ
وعزیمت صادق داشت ؛ این نامهٔ تازی را مونس و ندیم جان ساخت وازدرون ۵
وی پیغام بتمنای خیال ، چنان رسید : که اگراین نامهٔ (۳) تازی بپارسی مترجم
شدی ؛ نفع تاب فروغش ، برقوت نظر ، زیادت گشتی . و اجابت این خواهش ،
واجب دیدم ؛ تا از لغت تازی ، بالفاظ دری نقل کردم ؛ و هرفتح که تمام میشد ،
معانی آن درلباس سخن (٤) دری ، پیداتر و محکمتر همی گشت . و سبب این
تفاوت دررتبت بیان واحکام ، حال ومنزلت ایندویارخواستارشناختم . که نخستین ۱۰
متقاضی ، « محمد ذرواکوش » ، درآرزوی سلوك بود و خواستار ؛ و دویم ،
« اسعد نسائی » ، سالك مجد بود و آهنك وصول داشت . با آنکه هردونامه ،
مصباح تاریکیها ومصقل تیرگیهااند ؛ نامهٔ تازی ، مایهٔ ومنشأ محامد و فضائل ؛
ومجموعهٔ (۵) دری ، مجمع سعادات وخیرات وچون مدد فضل وتوفیق الهی ،
پیاپی رسد ؛ هم « محمد » با محامدآن قرین شود ، وهم « اسعد » با سعادات این ۱۵
همنشین گردد و ان‌الله (٦) لرؤف رحیم . ولله‌الحمد علی ما هدانـا ، انه ولینا
ومولینا (تمت بعون‌الله وحسن توفیقه . وصلی‌الله‌علی محمدوآله‌الطیبین‌الطاهرین ؛
انه ولی‌الاجابة وانه علی کل شیء قدیر) (۷) » .

۱ــ درالف وج : دردا کوش ودرب · ذردا کوش . درنسخهٔ تازه «ذرواگوش»
۲ــ در الف : بدان . ۲۰
۳ــ در ج : این تازی .
٤ــ درالف : لباس دری .
۵ــ ب : مجموعــ درالف «فضایل ومجمع سعادات» ، وآن عبارت «ومجموع
(مجموعه) دری» در آن‌نیست ــ نسخهٔ تازه : «مجموع». ۲۵
٦ــ الف : ان‌الله ، ب : وان‌الله بهم .
۷ــ میان دو کمانه از ج است .

نکته‌ها که ازاین دو بند برمیآید

۱ـ کاشانی نخست مدارج‌الکمال تازی را، دربارهٔ منزلتهای بندگان از آغاز تا انجام، پرداخته است.

۲ـ اینکار را او بدرخواست شاگرد و یار جوانش «شمس‌الدین ابوالمکارم محمد بن محمد بن ذروا کوش دیلمی» با یك پراکندگی و آشفتگی که او را دست داده بود آغاز کرده است.

۳ـ درهمین هنگام سه تن از پیران بزرگوار خویش را بخواب دید که از وی دلجوئی کردند و نوازشش دادند و گفتند که دربارهٔ چیزهای تباه شدنی هیچ میاندیش ودر آن نامه از آغاز و انجام هستی و پیدائی و بازگشت مردمی یاد کن؛ او پرسید که چرا باید چنین کنم؛ پاسخ دادند برای همینکه آنرا روشن بداری نه برای چیزی دیگر.

٤ـ خواجگان درهمین خواب آنرا «مدارج‌الوجود و معارج‌الخلود» نامیدند، و کاشانی بیدار که شد دنبال کار بگرفت و بآن شاگرد بسپرد که همواره آنرا با خود دارد و معنیهایش بکار بندد. اوهم بدین نامه آرام و خرسندی یافت.

۵ـ از یاران کوشنده و برادران رونده او «اسعد نسائی» ازوی درخواست که آنرا بپارسی دری آورد و او هم هرفتحی را که بپایان میرساند میدید که زیور پارسی برای آن زیبنده‌تر بوده واستوارترش میسازد.

٦ـ اینهم ازاینروی بود که پسر ذرواکوش دیلمی هنوز در آرزوی سلوك بود وخواستار و اسعد نسائی رهبری کوشا بوده آهنگ وصول داشت.

۷ـ اینکه این دو نامه هردو درنزد کاشانی یکسانند وچراغ فرا راه روندگان در تاریکیها میدارند واز تیرگیها میزدایند.

۸ـ این بود که کاشانی تازی را از آن دیلمی و پارسی را از نسائی دانست.

۹ـ این را هم باید گفت که نام تازی «مدارج‌الکمال» و نام پارسی «مدارج کمال» میباشد ودر نسخه‌ها چنین دیده میشود.

۱۰ــ چنانکه از یکی از نامه‌های کاشانی بهمین ذروا کوش برمیآید او بدین کتاب نام « رسالهٔ جامعه » داده و با « زجرالنفس » برای همین خواجه شمس‌الدین ضیاءالاسلام یا مجدالاسلام محمد ذروا کوش فرستاده بود .

واز نامهٔ دیگر کاشانی بهمین‌ذروا کوش ازهمین کتاب بنام « فتوح هشت در یا مدارج‌الکمال » و از « ره انجام نامه » یاد گردید. او درهمین‌نامه عنوانهای فتح ٤ تا ۸ وپاره‌ای ازمتن تازی‌آنرا آورده وازاو بسیارستوده است (ص ۳۵۱ و ٤ - ۳۸۳ همین فهرست - مجله مهر ش ۸ تاریخ آبان ۱۳۲۱ ص ٤۹۹ گفتار نگارنده دربارهٔ نگارشهای کاشانی) .

ص ۵۸۹ س ۱۷ :

درفهرست عربی موزهٔ بریتانیا (ش ۱۸۱) آمده که کتاب المعارف فی شرح‌الصحائف متن وشرح هردواز شمس‌الدین محمدبن‌اشرف حسینی سمرقندی (م نزدیك ۶۰۰) نگارندهٔ آداب‌البحث واشکال‌التأسیس وقسطاس‌المیزان میباشد ودرعنوان نسخه ازاو نامبرده شده نه دردیباچهٔ آن .

درمعارف دومقصد است نخستین دارای یك مقدمه وسه قسم (۱ در ٤و۲ هم در ٤و۳ در۲ صحیفه) است و دومی ۱۹ صحیفه دارد (نیز ش ۱۲٤۷ فهرست پاریس) .

ص ۵۹۹ س ۶ :

رساله‌ای که « فناءالموجودات » خوانده شده نامش « هدایةالفؤاد الی‌نبذ من احوال‌المعاد » است که دردیباچه یاد شده است .

مازندرانی خاجوئی درآن ازسید داماد (۶۸ ب) وحدیقهٔ هلالیه واربعین بهائی (۶۸ ب‌و ۶۱الف) وشرح فقیه مجلسی (۵۱ الف) و «آخوندناالمراد قدس سره فی حواشیه علی من لایحضره‌الفقیه » (۵۵ ب) و «آخوندنا فیض » (٤۸ ب) یاد کرده است . از حاشیهٔ « منه رحمه » و « منه رحمه‌الله تعـالی » و « منه ره » و« منه » درنسخهٔ مابرمیآید که اوبرآن‌خودحاشیه داردو نسخهٔ ماپس‌ازمرگ‌او نوشته شده است .

فهرست پنج فصل این رساله چنین است : « الجنة والنار ـ الجنة کالانس ـ الملائکة ایضاً مکلفون ـ الفلك ایضا ان کان ذا نفس ومکلفا فله حکم المکلف ـ الادلة علی بقاء النفوس » .

آغاز : بسمله . بعد حمد الله المتوحد بالعزو البقاء القاهر عباده بالموت والفناء . .

۵ اقول وانا . . محمد بن الحسین بن محمد رضا الشهیر باسمعیل المازندرانی . . . لما سألنی بعض الاصدقاء عن مسئلة خلافیة بین المتکلمین و کذلك بین الحکماء وهی ان ماسوی الله تعالی هل یفنی علی عمومه مجرداته و مادیاته . . . ام یبقی منه باق ببقاء الله تعالی من غیر ان یفنی دون النفخة الاولی . . . اجبته باختیار الشق الثانی فذکر ان بعض المعاصرین من الفضلاء یصیر علی الاول و یسنده ایضا الی بعض

۱۰ مشایخه ... ویقول ان الروایات صریحة فیه بل الآیات ثم التمس منی ذلك الصدیق ... آخوندنا . . مولانا محمد سعید . . . الاشارة الی ماهو موجب الخلاف والمختار عندی ... فاجبته الی ذلك .. وسمیته بهدایة الفؤاد الی نبذ من احوال المعاد .

ص ۹۲۱ و ۹۳۲ :

نسخهٔ اصل کفایة الالباب را که مسوده و پیش نویس شارح است در ۱۱۰٦ نوشته

۱۵ شده و بخط نستعلیق دارای خط خوردگیها و حاشیه رفته‌ها و سفیدیها است دیده‌ام و از دیباچهٔ آن برمیآید که نگارندهٔ عیون الحساب در این تاریخ زنده نبود. شارح گویا میخواست کتاب را بنام شاه سلیمان کند سپس برگشت و روی نام او خط کشیده و نام شاه سلطان حسین را بالای آن نوشت در پایان آن چنین افزوده دارد « هذا آخر ما اردنا شرحه . و نسئل الله ان یجعله خالصا لوجهه الکریم بلطفه

۲۰ العمیم و فضله الجسیم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . فی سنة ۱۱۰٦ » .

نسخه‌هائیکه از این گزارش در دست هست باید از پاکنویس یزدی باشد نه از این نسخهٔ پیشنویس .

ص ۱۰۷۹ س ۱۱ :

باید ابوعلی بنیمان باشد . در محاسن اصفهانی مافروخی (ص ۳۳ و ۱۱۸) از ابوالعلاء بختمار فرزند بنیمان پسر خرزاد و هشفروز پسر خره پسر بنیمان از

سرایندگان پارسی و تازی روزگار او در سپاهان و همچنین (ص ۳۵) از سروشیار پسر بنیمان فیلسوف روزگار او (نیز در ترجمهٔ آوی از اینکتاب ص۱۲۵و۱۲۸و۱۲٦) یاد شده است. نیز درالنقض رازی ص ۲۲٤، و یادداشتهای قزوینی ۳ : ۱۰۳ دربارهٔ رافعی که درتدوین ازاین نام یاد نمود (نیز درمجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات س ۳ ش ۲ ص ۱٦ تاریخ دی ماه ۱۳۳٤). ۵

ابومحمد بن محمد بن بنیمان کاتب همدانی نویسندهٔ نسخه‌ای از ذخیرهٔ خوارزمشاهی است درتاریخ ۵٤٦ و این نسخه اکنون ازآن دانشگاه میباشد.

ص ۱۰۸۱ س ۲۷.

صفدی درالوافی بالوفیات (چاپ ریتر دراسلامبول در ۱۹۳۱ - ۱: ۱۱٦) می‌نویسد : ۱۰

الشیخ المفید الشیعی، محمدبن محمدبن النعمان بن المعلم، المعروف بالشیخ المفید، کان راس الرافضة؛ صنف لهم کتباً فی الضلالات، والطعن علی السلف، الا انه کان اوحد عصره فی فنونه. توفی سنة ثلث عشرة واربع مائة. و علیه قرأ المرتضی واخوه الرضی وغیرهما؛ وکانت وفاته بالکرخ؛ ودفن بداره؛ ثم نقل الی مقابر قریش ولامامات رثاه الشریف الرضی فقال : ۱۵

من لفضل اخرجت منه خبئا ومعان فضضت عنها ختاما

من یثیر العقول من بعد ما کن همودا و یفتح الابهاما

من یعیر الصدیق رایا اذا ما سله فی الخطوب کان حساما

ص ۱۰۸۵ س ۹.

ابن‌حزم اندلسی (م۴۵٦) درفصل (٤: ۱۸۲و۲۲۷ چاپ ۱۳۲۰) ازعلی بن الحسین (سید مرتضی) ودویاروهمکاراو «ابویعلی میلاد طوسی (طوس، درچاپ ۱۳٤۷ مصر ٤: ۱۳۹) وابوالقاسم رازی» یاد کرده ودوبیت ازلزومیات معری (ص۱۹۵) که درآن از ابن‌المعلم وباقلانی وجعل نام برده شده است آورد. درعبارت بالا گویا نامهای «ابویعلی محمدجعفری» (م٤٦۳) دامادمفید وجانشین او و «ابویعلی ۲۰

سلار دیلمی» (م ٤٤٨) شاگرد مفیدو مرتضی و« ابوجعفر محمد طوسی» درهم‌شده و او این دانشمندان را درست نشناخت یا اینکه نسخه های چاپی فصل درست نیست.

ابوالقاسم رازی را هم من نشناخته‌ام همین اندازه میدانم که از شاگردان طوسی « مفید عبدالجبار رازی » و از شاگردان مرتضی « التقی بن ابی طاهر هادی نقیب رازی » یاد کرده‌اند و من کنیهٔ این دو را نمیدانم (روضات ص ۳۷٦ و ۵۵۷)

۵

شهرستانی در ملل و نحل در آنجا که از آئین شیعی گفتگو میدارد می نویسد « و من المتأخرین ابو جعفر الطوسی ».

ص ۱۰۸۵ س ۸.

از نسخه‌های استبصار دارای تاریخ روشن در کتابخانهٔ طوس از ۱۰٤۱ است تا ۱۱٤۵ ودر کتابخانهٔ سپهسالار نسخه‌های تاریخ ۱۰۵۳و۱۰٦۳و۱۰۹۷ هست و پیداستکه در سده‌های ۱۱و۱۲ نوشتن نسخه‌های آن روائی بسیاری یافته بود.

۱۰

ص ۱۱۰۵

در آغاز امالی قمی چاپ قم در ۱۳۷۳ باندازهٔ وزیری در ۴۰۳ ص، سند روایت اینکتاب چنین است:

از سیدنا ابوالحسن علی بن محمد بن الحسین القمی (ادام‌الله تأییده) در ۵۰۷ از شیخ ابوالحسن علی بن عبدالصمد بن محمد التمیمی (رحمه‌الله) در ٤٧٤ از ابوبکر محمد بن احمد بن علی در ٤٢٣ و سید ابوالبرکات علی بن الحسین الحسینی در ٤٢٦ هردو از ابن بابویه در روز آدینهٔ ۱۲ شب ماندهٔ از رجب ۳٦٧

۱۵

ص ۱۱۱٦ س ۲۰.

در تاج التراجم ابن قطلوبغا این شعر «سبقت العالمین الی المعالی ...» از ابوبکر بن مسعود بن احمد الکاشانی علاء الدین ملک العلما دانسته شد (چاپ فلوگل ص ٦٢ و ٦٣ - از یادداشتهای آقای مینوی) سید علیخان در انوار الربیع (فن اقتباس ص ۲۰۹) این شعر را از خیام دانست (دیوان راوندی چاپ آقای محدث ص٦٤).

۲۰

ص ۱۱۲٤ س ۱۵ :

در اجازه‌ایکه مجلسی یکم بمجلسی دوم در ج ۱۰٦۸/۱ داده است چنین آمده : « عن جدی ابی نعیم احمد بن عبدالله الحافظ الاصبهانی المقبول عندالخاصة

۲۵

والعامة وله کتب منها حلية الاولياء » (قصص العلما ص ۱٦٤ - ذریعه ۱ : ۱٦۲)
در اجازهٔ دیگر او بهمو نیز دارد « الحافظ ابی نعیم جدی احمد بن عبدالله
الاصبهانی صاحب کتاب حلیة الاولیاء » (این اجازه درذریعه یاد نشد و من آنرا
در نسخه‌ای از استبصار بخط ابوالفتح بن محمد حسینی بسال ۱۰۵٤ ودارای اجازهٔ
قرائت مجیز برای مولی الیاس در پایان ربیع دوم ۱۰٦۰ دیده‌ام و آنرا محمدباقر بن ۵
محمد مهدی نویسندهٔ حاشیه‌های استبصار درهمین نسخه در نیمهٔ روز ۱ ع ۱۱۷۳/۲
ازروی خط مجیز دردنبال نسخه نوشته و خود اجازه تاریخ ندارد)

در معالم العلما (ش ۱۲۱) در بارهٔ او «عامی» آمده واز «منقبة المطهرین
وتربیة الطیبین ومانزل من القرآن فی امیرالمؤمنین » او یاد شده است .

ص ۱۱٦٤ س ۲۱ . ۱۰

در طیف الخیال نگارش سیدمرتضی بسال ۴۲۰ واندی (چاپ مصر در ۱۳۷٤
ص ٦۷ - ٦۹) شعرهائی از سیدبن محمد حمیری بروایت مرتضی از ابوعبیدالله
محمدبن عمران مرزبانی از محمدبن یحیی از محمدبن زکریای غلابی از عباسه
دختر همین حمیری آمده است .

ص ۱۱۷۳ س ۱۰ : ۱۵

واحدی مفسر (م ٤٦۸) (الغدیر ۱ : ۱۰٤ ازابن خلکان) .

ص ۱۱۸۵ س ۲۵ :

صفار در آغاز بصائر (ص ۱۱۸۷ س ۱۷) و رجال شیخ و معالم العلما
ش ٦۵۹ و تنزیه القمیین (ص ۳۸)«مموله ومملوله» خوانده‌شده است .

ص ۱۲۷۲ : ۲۰

برای جوامع الکلم نیز بنگرید به بحار (۲۵ : ۱۷٤) .

ص ۱۲۷۳ س ۲۳ :

« غالك » نام دهی نیست بلکه ازآن سال «۱۰۲۱» خواسته شده است(نیز
روضات ص ۳٦ چاپ دوم) .

ص ۱۲۹۱ س ۱۵ . ۲۵

در «الشیعة والرجعة » ازمحمدرضای طبسی(چاپ ۱۹۵۵ نجف ص۱۲۵-
۱۵۲)خطبهٔ «بیان» بروایت ازیکی ازمحدثان ازمحمدبن احمد انباری ازمحمدبن

احمد گرگانی قاضی ری از طوق بن مالك از پدرش از نیایش از عبدالله بن مسعود ازعلی ع آمده و پذیرفته شده و آن یکی ازدلائل برای امام زمان پنداشته شده است ؛ و همچنین در آن خطبة العجماء ذات‌البیان و خطبهٔ افتخـار و یعسوبیه و لؤلؤیة و تطنجیه برای بود همین امام گواه گرفته شده است .

۵ ص ۱۳۳٦ س ۲۳ :
برای الرسالةالعلیه نیز بنگرید بفهرست مجلس (۲ : ۱۳ ش ۲۸).
ص ۱۳۳٦ س ۲۱:
این بیت از ویس و رامین‌است (امثال و حکم دهخدا) .
ص ۱۲۳۲ س ۵ .

۱۰ این نسخه از تفسیر قمی را آقای نصیری بجناب آقای مشکوة بخشید و ایشان در اینکتابخانه گذارده‌اند .

ص ۱۳٦۵ س ۵ .

سر گذشت قـاضی نعمان در کتاب «الصلیحیون والحرکة الفـاطمیة فی‌الیمن (۲٦۸ - ٦۲٦)» از حسین‌بن فیض‌الله همدانی(ص۲۵۳) یاد شده و از آن برمیآید
۱۵ که نسخهٔ همین شرح‌الاخبار او که درچهار جلد و ۱٦ جزء است و فضائل علی و امامان تا جعفرصادق و اسماعیل پسر او و محمد پسر این یکیو امامان مستور، و صفـات پیروان علی ، در آن آمده است هم در « المکتبة المحمدیـة الهمدانیه » هست؛ و همچنین بسیاری‌از نگارشهای دیگر او؛ و پیداستکه او اسماعیلی‌است نه امامی . اینهم گفته شود که از نوشته‌های نهانی اسماعیلی هرچه آشکار میشود
۲۰ و بچاپ میرسد این نکته را بهتر روشن میسازد کـه آنچه دستگاه فرمانروائی عباسی و پیروان آنها دربـارهٔ آنها گفته‌اند دروغ و ساختگی بوده و دستگاه اسماعیلی مصر و من کمتر ازعباسیان باسلام پابند نبوده‌اند. چه اسماعیلیان خود قرمطیان و باطنیان و معطلان را کافره میخواندند؛ تاآنجائیکه ابویعقوب اسحاق‌بن احمد دندان سجستانی (کشنهٔ ۲۳۱) درالمعالید میگوید « الوقوف علی الحقائق
۲۵ فی‌الشرائع لایسقط الاعمال اذ ان‌الاعمال الشرعة من‌الدین‌و تارکها تارك‌الدین

والدین عندالله الاسلام » (الصلیحیون ص ۲٤٤ و ۲۵۲). مؤیدالدین شیرازی (م ٤۷۰) هم دردیوان شعرهائی دربارهٔ گرویدن باصول اسلامی دارد . (بنگرید بهمین الصلحیون) .

داعی پنجمین علی بن محمد بن الولید الانف عبشمی قرشی (۶۰۵-۲۷ شعبان ۶۱۲) در تاج العقائد ومعدن الفوائد (اعتقاد ۷۲) میگوید : ۵

« الاسلام محمول علی القول والنطق بالشهادة وترك المعصیته ، وهو الباب المدخول منه الـی تطلب حقائق ماجاء به الرسول ، ومنه التعلق بجمیع الطاعـات وانطلاق النفس الی الفکرة فی اوامر الله ، والتزام ماجاءته شریعة الخالق » .

بنگرید به : «الصلیحیون ص ۲٤۸ و ۲۸٤ و ۲۹۱ – فهرست ایوانف ش ۲۳٤ –

۱۰ این تاج العقائد او دردوازده باب است ودارای صدمسئلهٔ اعتقادی . ترجمه مانندی از همین بندد ر A Creed of the Fatimds ازایوانف ص ۵۳ ش ۷۲ هست. همین عبشمی دربرابر «فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه» غزالی «دامغ الباطل وحتف المناضل فی الرد علی المستظهری» دردوازده باب نوشته است ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ همدانی هست (ش ۲۲۰ فهرست ایوانف) .

۱۵ حجة العراقین سیدنا حمیدالدین احمدبن عبدالله کرمانی داعی جزیرهٔ عراق درزمان حاکم درراحة العقل که در ٤۱۱ آنرا نگاشته است (ص۲۲) از کتابهای ظاهری وباطنی که باید پیش از آن خواند یاد کرده وازنگارشهای ظاهری همین قاضی نعمان بن محمد «الطهارة ، والدعائم ، والاقتصار ، والاختصار ، والمغازی» و همین «شرح الاخبار ، والمناقب والمثالب» را نامبرده است .

ص۱۳۹۵س۲۱

۲۰ درترجمهٔ تاریخ نیشابور ابن البیع شیخ ابوعبدالله محمدبن عبدالله حاکم حافظ نیشابوری (م ٤۰۵) کـه دردوازده مجلد و بسال ۳۸۸ نوشته است یادی از این صحیفه شده است . این ترجمهٔ فارسی پیدا نیستکه که از کیست ؛ همین اندازه میدانیم که در آن ازسال ۸۰۸ و ۸۳۲ یاد گردید . حاکم نیشابوری راشیعی هم خوانده اند (ذریعه ۲ : ۱۹۹ و ۳ : ۲۹۳). پاره ازاین فارسی درفرهنك ایران زمین

بچاپ رسید . اینك بخشی از آنرا که در بارهٔ امام هشتم است از روی نسخهٔ عکسی (گ ٦١ ب - ٦٤ ب) در اینجا می‌بینیم :

« مفاخر نیشابور قدیم که برکت آن تا ابد برسکان این بلده فایض و باقی‌است .

از آنجمله آنکه چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار رب العالمین ولی‌الله صفی‌الله فلذة کبد رسول‌الله غوث‌الامة و کشف‌الغمة یوم‌الاخذ بالنواص و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال لموازین الاخلاص حین التحاث والاستبثاث یوم البعث کما وعدفی المواقف الثلث عندالمیزان و تطائر الصحف والصراط ببسط بساط الشفاعة والسری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر والجزاء الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلواة‌الله و سلامه علی رسول‌الله و علی آله الائمة المعصومین واتباعهم اجمعین الی یوم‌الدین، درمدینه درشهور ثمان واربعین ومائة، نور مقدس ایشان ظهور یافت، و در شهور اربع و تسعین ومائة ببصره بدرس حدیث و نشر علم بنصرة دین، آفتاب هدایت ایشان برامة تافت؛ و بتدوین نسخهٔ مبارك صحیفه، تقویة ملة حنیفیه، فرمودند پس بمقتضاء قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم‌یزل، بصوب خراسان عزیمة نمودند. و درسنهٔ مأتین من الهجرة، نشابور بمقدم حضرت ایشان روضات جنان شد (۱) وچون بشارة سطوات شعشعه اشعهٔ آن نور، برقطر نشابور رمیان سکان شهر مشهور شد؛ قطب الانام کهف العلماء برهان المجتهدین، این محب محبوب حقیقی نه مجازی، شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه

---

۱ - در برك ۲ الف دارد : امیرالمؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب رضی‌الله عنهم، الرضا ابوالحسن الامام الشهید، ورد نیسابور سنة مأتین . فلما اوی الرضا نیسابور، واقام بها مدة؛ والمأمون بمرو، الی ان امر باخراجه الیه، ثم کان بعد ذلك ما کان. واستشهد بسناباد من طوس، لتسع بقین من شهر رمضان، لیلة الجمعه، من سنة ثلث ومأتین، وهو ابن تسع واربعین سنه وستة اشهر. و قال الرضا رضی‌الله عنه، من زار بی علی بعد داری اتیته؛ یوم القیمة فی ثلث مواطن ؛ حتی اخلصه من اهوالها، اذا تطایرت الکتب یمینا وشمالا، وعند الصراط ؛ وعند المیزان

مروزي، قدس‌سره(۱)، شیخ شهر و مقدم ارباب کشف وولایة بود؛ ودر کبر سنش، آن شیخ مسن رهین‌سنن، باقدام براشغال(استقبال ؟) اقدام نمود؛ بتأیید توفیق غیبیه، تا قریه مؤیدیه، با چندهزار صدیق رفیق، درپی پیش‌وازرفتند و نقلست که حضرت سلطان، صلواةالله علی رسول‌الله وعلی آلهم، درمحفةٔ برناقه غضباء خود سوار بودند؛ وقدوه اهل‌انس و ایناس، شیخ محمدبن اسلم طوسی را قدس ۵ سره (۲) درمحفهٔ اجلاس فرموده بودند ـ فایده قبراین‌دو بزرگوار، در نشابور، برکناره خندق‌شادیاخ، برطرف راه روضهٔ تلاجرد، در بناء یك‌صفهٔ قوی، بهم قریب‌است ـ و آن اسوهٔ احرار، کمربندگی بسته، و بحکم «من‌اغبرت قدماه فی سبیل‌الله؛ حرمه‌الله تعلی‌علی‌النار» دامن‌تاتتمهٔ ساق‌بر کشیده، وشربت وعدهٔ کمال قربت چشیده، زمام‌حظام‌مرکب‌حضرة‌امام‌اولیاء‌ملك‌علام، بردوش‌احترام گرفته. ۱۰ ونقلست که‌متوجه بآن‌ابرار، ذره‌واردرهواء ولا، ازوراء قهقری، بشهر بازآمد؛ استفاده احکام واستکشاف اسرارمیکرد؛ و بزبان‌فصیح وعبارة صریح میگفت: که بروزقیام، ملك‌علام، جل‌جلاله، وسیلهٔ نجاح‌ووصیلهٔ فلاح‌من‌اینست که‌روزی دردنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده‌ام. و چون بنشابور ورود فرمودند؛ درمحلهٔ «قز» در کوچه «بلاس‌آباد» خدام مقام اختیار کردند؛ ۱۵ ودرافواه واسماع فقرا مشهور بود، که چارسال‌در نشابور توطن فرمودند، والعلم عندالله. وآن‌آستانه منزل‌مبارك، که مهبطه ارواح مقربین‌ومطاف‌ملایکه علیین بود. مانده بقاء آن شهرمآل‌اولیا وملاذ اصفیا ومحل اجابةدعاء اشراف آن شهر بود و خدام آن‌آستانهٔ ولایة، مرتب وبانواع اعزاز واکرام موظف میبودند. و بعضی از کرامة که در آن محله واقع‌شد، آن بود که برسرآن کویچه، حمامی ۲۰

۱ـ در ۷۰ ب داود : « اسامی‌علماء بزرگ، امامی محیی‌السنة مسلم قشیری، امام‌المذاهب اسحق راهویه . .»

۲ـ درگ ۷۱ الف دارد : « شیخ محمدبن اسلم طوسی، تربت اودوراه مزار تلاجرد است، زاهد زمان بوده؛ وخدمت امام علی بن موسی‌الرضا را دریافت، صلی‌الله علی‌رسول‌الله وعلی‌آله وسلم، وحدیث اروشنیده» . ۲۵

خراب، وقناتی بایر، و محوطهٔ بود که آنرا حمام وقناة ومحوطه« کهلان» گفتندی.
اهل محله بعمارة حمام اهتمام کردند؛ تابوقت التفات خدام باستحمام، حاجة بمحلات
نباشد. و قصدی داشتند که چون عمارة تمام شود؛ اسباب آب از چاه یا غیرآن
پیدا کنند. چون حمام تمام شد بی‌خرج چرخ وسعی مقنی، از قناة« کهلان» بشتاب
۵ آب روان شد. وحضرت سلطان، صلوات الله علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین
اجمعین، بآن حمام در آمدند؛ وبشرف انتساب بحضرت ایشان متبرك شد؛ و آن
حمام بنام مبارك ایشان شرف اضافه یافت: «حمام سلطان» گفتندی. و امام حاکم
اززمان خودنوشته است که آن حمام هنوز هست، ومتبرك خلق است. ویك کرامة
دیگر آن بود که روزی یك بادام بیکی ازخدام دادند وفرمودند که درطرفی از
۱۰ محوطه کهلان غرس نماید. خادم چنان کرد، غرس الفردوس بیده، سبز شد؛ ودرهمان
تابستان بادام بسیار بارآورد؛ وبرگ وشکوفه و پوست ومیوهٔ آن درخت سبب
برگ ونوا وصحت وشفامرضی آن زمان بودی. تاچون بسی زمان بگذشت؛ ظالمی
غاشم درقهندز حاکم شد؛ وازقصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد؛
که محل آن درخت داخل قصر اومیبود. ودرخت را نضارة بذبول بدل رفته بود.
۱۵ وبعضی اجرا و معمار و نجار را گفت تا آنرا قطع کنند. عمارت تمام ناشده آن
ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و برآن منصوب بود
هم درزمان اندك مردند. بعداز چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد؛ بعمارة
همان قصر قصد کرد. چون بناء دیوار می کندند؛ اصل آن درخت درزمین نمود.
تمام قصهٔ گذشته با او گفتند. چون دلش سیاه و قصدش تباه بود؛ بعین استبصار
۲۰ در آن نگاه نکرد گفت که چون درخت نیست واین در زیر خاك پنهان بوده؛
سهل بند است وآن بی‌اصل آن اصل را برداشت. عمارت ناساخته او وهمهٔ آن
اقوام، دراندکی ازایام هلاك شدند. واز فواید مقام خدام ایشان بنشابور یکی
دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت، وحضرة سلطان را، صلوات الله
وسلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین، التماس اجابة نمود. وعده فرمودند

وعادة آن عصر، آن بود، که شریفی که دعوة بجهت ایشان بودی، صاحب دعوة، پیشتر طفیلیانرا بنشاندی؛ پس آنرا که اول مقصود بود، آخر حاضر کردی؛ تا انتظار احضار نباشد. آن عزیز، باین معنی، اولیاء واعاظم علما واشراف آن شهر را، جمع کرد وعادة دیگر، آن بود که در مجامع، پیشان صفها، صدر بودی؛ و بزرگان آنجا مجالس، اختیار داشتندی؛ وخدام بر کنار صفها بودندی، چون حضرة سلطان، ۵ صلوات الله علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین وسلم، رسیدند؛ صوفیان صفوف پیشان، صفها صفا، بانیل سعادت واقبال، استقبال نمودند حضرة سلطان، بمتکاونمارق مصفوفهٔ پیشان صفه، التفات نفرمودند؛ و کنار صفه، بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان، شرف یافت از آن حین تا قیام قیامة، درین دیار وسایر اقطار، کنارهاء صفها، صدر صدور ومنازل افاضل شد؛ وبتبعیة آن یك بقعه، سایر بقاع، که آن نام داشت، ۱۰ دولت آن مکرمت وتعزز برداشت .

وازمفاخر نشابور، دیگر آنستکه. روزی حضرت سلطان، صلواة الله وسلامه علی رسول الله وعلی آله المعصومین؛ در مجلسی بنماز قصد فرمودند؛ کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله، مستقیم هست؟ دست آنکس گرفتند وبانگشت مبارك اشاره فرمودند؛ باب کعبه در مواجهه نموده شد، وآن محل تا غایة متعین است؛ ۱۵ برطرف قبله شارع عام ازامام قهندرمیگذرد، واقع است . و ازمفاخر نیشابور دیگر آنستکه: حضرة سلطان، صلواة الله وسلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین و سلم؛ روزی فرمودند که عبارتی که فی الجمله حکایت آن اینست: که مخدوم ما اینجا مدفون است، بزیارت ایشان رویم، و بروضهٔ سلطان محمد محروق در تلاجرد تشریف آوردند، وآن روضه مقدسه را زیارة فرمودند؛ وحال ۲۰ آنکه سلطان محمد محروق، در مرتبهٔ نسب، با والد حضرت سلطان، صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی جمیع آله الائمة المعصومین؛ مساواة دارند وبیان هردو نسب چنین ثابت ومحقق است : الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المؤمنین ابوعبدالله الحسین بن امیر المؤمنین

ویعصوب (یعسوب) المسلمین، کرم‌الله وجههم، و نسب دوم: الامام‌محمدبن‌الامام محمدبن الامام زیدبن الامام زین‌العابدین علی بن الامـام امیرالمؤمنین ابی‌عبدالله الحسین‌بن امیرالمؤمنین ویعسوب‌المسلمین، کرم‌الله وجههم

واز مفاخر نشابور دیگر آنستکه: اگر چه ائمه سادات، در خاك پاك بسیار روضات دارند؛ اما اکثر روضات‌قرب، از عیون‌اعیان‌وصدور نشابور، پوشیده‌است. مگر آنکه ۵ دریکشنبه شانزدهم جمادی‌الاولی سنهٔ اثنین و ثلثین و ثمان مائة درقرب جوار روضهٔ تلاجرد، روضهٔ‌سلطانی ازاهل‌البیت، قدوهٔ اولیا واصفیا، صلواةالله علی رسول‌الله‌وعلی آله‌الائمة المعصومین‌اجمعین؛ پیداشد؛ باین‌لقب و نسب که مسطور میشود، مکتوب بررقی منشورمضبوط‌درسی‌معمور، بخطی‌مطبوع، موضوع درون ۱۰ روضـهٔ حضرت ایشان . « هذا قبرالشریف الحسین‌بن ابوعبدالله داودبن علی‌بن عیسی بن محمدبن‌القاسم بن الحسن‌بن زیدبن‌الحسن‌بن علی‌بن‌ابی طالب، کرم‌الله وجههم؛ دفن فی تلاجردالعلیا. توفی، رضی‌الله‌عنه؛ لیلة‌الخمیس من ربیع‌الاول سنة اثنین وثلثمائة من‌الهجرة»(۱) وازدرخانقاه تلاجرد، بجانب شرق بمقدارده‌ذراع تقریباً، روضهٔ مقدسهٔ ایشان‌است، رضوان‌الله تعالی‌علیهم اجمعین، واز مفاخرشهر ۱۵ قدیم، این‌قصهٔ کریم، که‌درالسنه مذکورودرافواه مشهورست که. حضرت‌سلطان، صلواةالله‌وسلامه علی رسول‌الله‌وعلی آله‌وسلم، در نشابور، بمنبر برآمدند؛ و نقلست که چند هزار دواه‌وقلم، اعیان امم، مرتب داشته؛ اقتباس انواراسرار افادهٔ ایشان میکردند. حضرت‌سلطان. این‌حدیث معنعن از اباء اولیـاالصفیا خود، بـا حضرة خواجه کاینات صلواةالله و سلامه علیهم وعلی آلهم الائمة‌المعصومین اجمعین الی ۲۰ یوم‌الدین؛ روایة فرمودند که: « التعظیم لامرالله، والشفقة علی خلق‌الله».

دیـگر ازمفاخر نیشابور آنستکه: منشاء ومقر و مظهر انوار ولایة چند هزار از مقربان حضرة و ائمه عظام ملة بود؛ که اسامی‌نفیسهٔ حضرت بعضی ازایشان، رضوان‌الله علیهم اجمعین؛ دراین اجزا واوراق سـابقه، ذکرشده؛ و هریك را

۱ــ درهامش دارد : « دوباره شده، روضهٔ مقدسه ایشان، رضی‌الله عنهم اجمعین .!»

از کرامات ومقامات بسیار بود؛ که این نسخه قابل بیان آن نبود . »

درباب ۳۵ عیون اخبارالرضا که برای صاحب عباد (۳۲۶-۳۸۵) و پس از ۳۵۲ (ص۳و۳۸۱) نوشته شده (ص۲۷۳ نیز بحار ۱۲: ۳٤ و برکات المشهدالمقدس ش ۵۸۱ گ ۲۵٤ الف) بروایت از ابوواسع محمدبن احمدبن اسحق نیشابوری چنین آمده که گفت: شنیدم از نیایم خدیجه دختر حمدان پسرپسنده، که امام رضا ۵
او را پسنده نامیده بود که او در کوی قز(غز) بلاشاباد نیشابور، درخانهٔ همان پسنده نیای من فرودآمده بود؛ وبادامی درخانهٔ ما کاشت که سریکسال بار داده و مردم از آن میبردند؛ وباآن بیماریها درمان میکردند؛ و روی چشمیکه درد میکرد میگذاردند و آن به میشد؛ و زن آبستن اگراز آن میخورد دشواری زادنش آسان میگشت وهماندم میزاد؛ وشاخ آن روی شکم چارپائیکه باد قولنج ۱۰
داشت میکشیدند ازدردمیرهید . روزگاری گذشت ودرخت خشك شد . حمدان شاخه‌هایش را که برید کور گشت؛وپسرش ابوعمرهم چون آن درخت را بریده ازروی زمین برداشت؛ زندگی‌وخواسته‌ایکه‌بردرفارس داشت وبهفتاد تا هشتاد هزار درهم میرسید، ازدست داد. پسران ابوعمربن‌حمدان ابوالقاسم وابوصادق، که نویسندهٔ‌محمدبن‌ابراهیم سیمجور بوده‌اند؛چون خواستندآن خانه را از نو ۱۵
بسازند وبیست هزار درهم هم هزینهٔ‌آن شده بود؛ بیخ همان درخت که‌درآنجا مانده بودبکندند، و سرانجام یکی ازآندو نن را که زمینها و دیهها فرمانروای خراسان‌میداشته‌است، در کجاوه‌ای بنیشابورش‌آورده‌اند؛ وپای راستش چون سیاه شده بودآنرا بریدند، ویکماه پس‌ازآن بمرد دیگری بزرگتراز اوبود؛ ودردیوان شاهی نیشابورنویسندگی میکرده است . روزی یکی‌از نویسندگان ۲۰
بدو گفت چشم بد دور؛ دردم دستش بلرزید وخامه ازآن بیافتاد و دستش آبله برآورد . اوبخانه‌باز گشت وبدستورابوالعباس‌دوروزخون گرفت . چه‌پنداشتند که ازگرمی است . دستش سیاه شد وگوشت آن بریخت و اوهم بمرد و ایندو برادر دریکسال بود که درگذشتند .

درهمین عیون (ص ۲۷۵) دارد: که امام درنیشابور در کوی قزیا (غز) فرود آمد و درآنجا گرمابه‌ای بساخت که بنسام او میشناختند. درآنجا چشمه‌ای بود که آبش کم‌شده بود. او کسی را واداشته‌بود که آب از آن بیرون بیاورد. همینکه آب آن فراوان شده‌بود؛ آبگیری در بیرون آن ساخت که چند زینه پائین میرفته‌است. امام برسر آن چشمه رفت واز آن شستشو کرد و بیرون آمد و برپشت آن نماز گذارد. مردم ازاین پس بدانجا میرفتند وخودرامی‌شستند؛ واز آن آب می‌نوشیدند و برپشت چشمه نماز میگذاردند و نیازها که میداشته‌اند برآورده میشد. آن چشمه را امروزه «عین کهلان» میگویند و مردم بدانجا میروند.

درعیون (باب ۳۶ ص ۲۷٤) و برکات (گــ ۲۵۵ الف) از گفتهٔ ابوالصلت هروی چنین‌آمده که امام رضا آنگاه که بنیشابور میرفت، براستری سفید (بغلة شهباء) سوار بود و محمدبن رافع و احمدبن حرث و یحیی‌بن یحیی و اسحق‌بن راهویه ودانشمندان دیگر که درآنجا بودند، درچهارسوی (مربعه) شهر لگام استرش بگرفتند، واز او درخواستند تا سخنی که از پدر شنیده است برگوید. او سراز کجاوه برآورد و مطرف خزی دو رویه (ذووجهین) دربرداشته بود. پس گفت ازپدرم شنیدم واواز پدرانش‌تا پیامبرشنیده بود که جبرئیل بدوچنین گفت: «انی اناالله. لااله الا انافاعبدونی. من جاء منکم، بشهادة ان‌لااله‌الاالله بالاخلاص؛دخل فی حصنی؛ و من دخل فی حصنی؛ امن من‌عذابی».

بسند دیگر (ص ۲۷۵) از اسحق‌بن راهویه دارد که امام چون میخواست از نیشابور برود؛اصحاب حدیث نزدش گردآمدندودرخواستند که حدیثی برگوید. او سراز کجاوه بیرون کرد و گفت «لااله الاالله حصنی.فمن دخل‌حصنی؛ امن من عذابی» سواری او که کمی گذشت باز آواز درداد که: «بشروطها وانامن شروطها» (نیز بحار ۲:۳۵ از امالی)

درعیون (ص ۲۷٦) ازابونصراحمدبن الحسین‌بن احمدبن عبید ضبی ازپدرش [illegible] از پدرش. عبید ضبی آورده که چون امام بنیشابور آمد؛من بکارهای او

میرسیدم؛ تا اینکه او بمرو وسرخس رفت؛ ویك مرحله هم ازسرخس بگذشت؛ و من با او بودم؛ وبمن گفت برگرد. من از اوحدیثی درخواستم؛ اواز پدرانش از پیامبرازخدای آورد . « لااله‌الاالله‌اسمی٠ من قاله‌مخلصاً من‌قلبه؛ دخل حصنی. ومن دخل‌حصنی؛ امن من عذابی » .

۵ درترجمة‌المناقب (گـ ۳۷۸ الف) از ابوالصلت آمده که امام بر « بغلة شهبا » سوار بود وبنیشابور رسید ٠ دانشمندان شهرمانند احمدبن حرب ویاسین نصرویحیی بن یحیی ودیگران درسر چهارسوی (مربعه) بلگام‌استرش بیاویختند وحدیث درخواستند. اوگفت: «الایمان معرفة بالقلب ...» (حدیث‌دوم صحیفه) .

احمدبن حنبل میگفته‌استکه‌اگراسناداین‌حدیث را بردیوانه (مجنون) ۱۰ بخوانند برهد. عبدالرحمن‌بن ابی‌حاتم اززبان پدرش میگفته‌استکه‌اگر آنرا بردیو زده (مصروع) بخوانند بهوش‌آید .

اربلی درکشف‌الغمه (ترجمهٔ آن گـ ۳۷۸ الف ـ نیز بحار ۱۲ : ۳٦) ازکتابیکه نام‌آنرا فراموش کرده بود، چنین آورد که : عمادالدین محمدبن ابی‌سعیدبن عبدالکریم وزان،درمحرم ۹۵٦ از تاریخ نیشابورآورده، که امام ۱۵ بر (بغلة شهباء) روی زینی از سیم سره سوار بود؛ وبنیشابور رسید . ابوزرعهٔ رازی ومحمدبن اسلم طوسی از حافظان احادیث،دربازار شهر نزد اورسیدند، ودرخواستند که رخ بدانهابنماید، وحدیثی برای‌آنها ازپدرانش برگوید٠ پس استررا نگاه بداشت و مظله را برداشت؛ اورا مانند پیامبردوگیسو بوده است . مردم همینکه اورا بدیدند دسته دسته ایستادند ومیگریستند و می‌نالیدند و سینه ۲۰ وجامه میدریدند ودرخاك می‌غلطیدند . برخی خودرابدومیرسانده رکاب ومهار استرش میبوسیدند تا اینکه روز بنیمه رسید وداوران و پیشوایان بمردم دستور دادند که خاموش گردند تا سخنان امام را بشنوند . نویسندگان بجز «دوات» ها چهارهزار « محبره » آماده کرده‌بودند. از ابوزرعهٔ رازی ومحمدبن‌اسلم‌طوسی خواسته شد که حدیث امام را املا کنند . امام ازگفتهٔ پدرانش‌فرمود که٠ « کلمة

لااله الاالله حصنی. ومن دخل حصنی؛ امن من عذابی ».

ابوالقاسم قشیری میگفت که این حدیث بیکی از پادشاهان سامانی رسید آنرا بآب زر نوشت و بسپرد که آنرا در گورش نهند. پس از مرگ او را درخواب دیدند و پرسیدند که با تو چه کرده‌اند؟ پاسخ داد که خداوند مرا برای اینکه ۵ دوشهادت بگفتم و آن خبر بزرنوشته‌ام بیامرزید.

همین حدیث در بحار (۳٤:۱۲) ازامالی شیخ آمده که ابوالصلت هروی باامام رضا بوده واو بر « بغلهٔ شهباء » سوار بود ودانشمندان نیشابور بپیشوازش آمده وچون او بچهارسوی (مربعه) رسید لگام استرش بگرفتند وحدیث درخواستند. او سر از هودج بیرون کرد و از پدران خود آورد که خدای گفت: انی انالله ۱۰ لااله الاانا وحدی. عبادی فاعبدونی. ولیعلم من لقینی منکم، بشهادة ان لااله الاالله مخلصا بها، انه قد دخل حصنی؛ ومن دخل حصنی؛ امن من عذابی» پرسیدند که «اخلاص شهادت» چیست؟ فرمود: طاعة الله، وطاعة رسول الله، و ولایة اهل بیته علیهم السلام».

ص ۱٤۱۷ س ۹:

درریاض العلماء (ش ۹۹۳ ص ۱۸۵) چنین آمده است:

۱۵ « ابولؤلؤ هو فیروزالاعجمی الفارسی المعروف بین الشیعة ببابا شجاع الدین- والیه ینسب عید باباشجاع اعنی یوم قتل عمربن الخطاب وهویوم التاسع من شهر ربیع الاول وقیل یوم الرابع والعشرین من ذی الحجة و قیل والعشرین منه و قیل و السادس والعشرین منه و ان یوم التاسع من شهر ربیع الاول انما هو یوم قتل عمربن سعد قاتل الحسین ع او یوم ورد فیه راسه من الکوفة الی ۲۰ المدینة بخدمة مولانا علی بن الحسین ع فلاحظ - غلام المغیرة بن شعبة وکان عبده المملوك وقدکان فیروز یکنی بابی لؤلؤ وهو قاتل عمربن الخطاب رضی الله عن القاتل و لعن الله المقتول. والمعروف کون ابی لؤلؤ من خیار شیعة علی ع وقدیقال انه کان من العامة بل قیل فی عصرنا هذا انه قدکان کافراً ولم یکن مؤمنا وانماصدر منه قتل عمربن الخطاب للعداوة التی حصلت له من اجل حکمه علیه کماسننقلها ۲۵ مجملا. و بالجملة الظاهر ان القول بکفره انما نشأ من افواه العامة حیث انه قتل

امامهم . فتأمل . ثم هذاالرجل غیرمذکوراصلا فی کتب‌الرجال لعلمائناالمتداولة
الیوم بین اصحابنا . ولم اجدله روایة ایضا فی کتب احادیثهم . و اما قصة عمر بن
الخطاب و سببه کما قد حکی جماعة من‌العامة والخاصة و منهم بعض اصحابنا
المتأخرین‌عن‌الشیخ علی‌الکرکی ره قال فی «عقدالدررفی‌بیان‌بقربطن عمر»وهو
بعینه« کتاب‌الحدیقة الناضرةوالحدقة الناظرة» واعلم ان‌فیروزاسم جماعة اخری ۵
ایضا منهم فیروزالدیلمی ابوعبدالله ویقال ابوعبدالرحمن‌الحمیری من ابناء فارس
من فرس صنعاء وقد وفد علی‌النبی ص وهو قاتل‌العیسی الکذاب المتنبی ومنهم
فیروزبن کعب‌الازدی‌الکوفی ومنهم فیروزالهمدانی‌الرادعی‌الذی ادرك‌الجاهلیة
والاسلام فلاتظنن اتحاده مع هؤلاء . وقد اوردالشیخ فرج‌الله الجزائری شرح
احوال هؤلاء الثلثة فی کتاب رجاله فلاحظ ولم یتعرض لذکر ترجمة ابی‌لؤلؤ ۱۰
فیروزالمذکور » درهامش دارد : « قد الف امیر شاهی القزوینی رسالة فارسیة
منفردة فی ردائة نسب عمر وانه‌کان ولدالزنا وهی رسالة جیدة حسنة الانشاء
فلاحظ » .

شجاع‌الدین ابولؤلؤ فیروز ایرانی نهاوندی‌که بهنرهای درودگری
وآهنگری ونگارگری و کنده‌کاری آشنا بوده است مانند هزاران مرد وزن ۱۵
دیگر گرفتار دستگاه فرمانروائی تازیان شده بود. او را از نهاوند بمدینه برده
و بردگی مغیرة‌بن شعبه میکرده است وروزانه میبایست از دسترنج خویش دو
درم که درزندگی آنروزگران بوده است بخواجهٔ تازی خویش دهد . اینکه
اورا حبشی و ترسا خوانده‌اند باید درست نباشد؛وگویا خواسته‌اند بگویند که
همهٔ مردم ستمدیدهٔ آنروز دردشمنی با دستگاه فرمانروائی یکدل و یك زبان ۲۰
بوده‌اند وتنها یك ایرانی دست بکشتن خلیفه‌نبازیده وایرانی وحبشی وزردشتی
وترسا همه ازآن دستگاه بیزاری داشتند .

باری فیروز،با همدستی هرمزان از بزرگان ایرانی که ببردگی عباس
پسر عبدالمطلب دچار شده‌بود وجفینه ازترسایان حیره وآموزگار نویسندگی

درمدینه که سعد پسر ابی وقاص را بندگی میکرده‌است بادیگر ترسایان و یهودان
و با آگاهی کعب‌الاحبار یهودی، عمرفرمانروای تازی را با زخم کاردی حبشی
بکشت. کعب‌الاحبار که ازاین همدستی این گروه آگاه بوده‌است، سه‌روز پیش،
بنام اینکه در نوشته‌های آسمانی مرگ خلیفه پیش بینی شده‌است، خود اورا هم
۵ آگاه ساخته بود وسه بارهم تا عمررابکشند این پیش‌بینی راآشکارداشته است.
یکسال پیش در مکه هنگام حج هم دسته‌ای میخواستند آسیبی بعمر برسانند
ونشده بود. پیداستکه فیروز با یاران او جز برای میهن وزندگی ازدست رفتهٔ
خود دست بدین کار نزده بودند. فیروز را پس‌از این دلیری خواستند دستگیر
کنند. او دوازده تن دیگررا هم زخمی کرد و خودرا هم بکشت یا اینکه بقم
۱۰ گریخت و گویند کـه گورش در فین کاشان در کنـار شاهراه میباشد. دستگاه
فرمانروائی هم چون دید که مردم از آنها خشنود نیستند و رهبر آنها را نابود
ساختند؛ هرمزان که هیچ گناه آشکاری نداشت و جفینه‌و کودکی‌ازهمان فیروزرا
بکشتند؛ و عثمان هم برای اینکه سعد ابی‌وقاص رادلجوئی کند خونبهای جفینه
بردهٔ او را بخود او داده است. بـرای اینکه ستمدیدگان دیگر هشیار نشوند
۱۵ واندیشهٔ نافرمانی نکنند؛ کاررادنبال نکردند و پوشیده بداشتند. ازاینجااستکه
تنها در کتابهای شیعی کـه درآنها چندان دلبستگی دربارهٔ آن دستگاه نشان
داده نمیشود؛ از مـرگ عمر و فیروز بسزا گفتگـو میگـردد. در بحار
(۸ : ۳۱٤ - ۳۱٦) دارد کـه دانشمندان شیعی و سنی کشته شدن عمررا درذی
حجه میدانند ولی ابن‌طاوس وحسن‌بن‌سلیمان حلی روایتی از امام‌عسکری(ع)
۲۰ آوردند که آن در نهم ربیع یکم رخ داده وبگفتهٔ همین‌ابن‌طاوس‌ایرانیها این
روز را بزرگ میشمارند.

کفعمی‌میگوید که نهم‌ربیع روزشادی هست ولی‌عمردرآنروز کشته نگردید.
درزادالمعاد مجلسی (فصل ۱ باب ۸) آمده که مورخان مرگ عمر را در ۲٦
یا ۲۷ ذی‌حجه میدانند ولی از کتابهای باارزش شیعی برمیآید که اودرنهم ربیع

کشته شد و میان محدثان شیعی پیشین همین شهرت داشت و اکنون هم میان
تودهٔ مردم هم همین مشهور میباشد. بگفتهٔ مجلسی درهمانجای بحار، ابن طاوس
دراقبال (ص ۵۹۸ چاپ ۱۳۲۰ تهران) بروایتی از ابن‌بابه از صادق (ع) اشاره
نمود. پسر او هم درزوائدالفوائد همان روایت عسکری را آورده و گفت که
باید آنروز را جشن گرفت. دسته‌ای میگویند که نهم ربیع روز مرگ عمر ۵
سعد است. این عمر سعد را مختار درخانه‌اش بسال ٦٦ بکشت ولی ننوشته‌اند
چه روزی(طبقات ابن‌سعد ۹۷:۳/۱و۵:۱۱۰ - طبری ۵۳۲:٤ - شرح‌الثار ابن نما
در بحار ۲۹۱:۱۰ - اعلام زرکلی ۲ : ۷۱۵ - ناسخ‌التواریخ درسرگذشت سجاد
٦٥٦:۲)بنوشتهٔ قمی درمفاتیح (ص۲۹۸ چاپ۱۳۵٦) نهم ربیع نخستین روزامامت
حجت است و«عیدبقر» میباشد. پیش‌از همهٔ اینها مفیددرمسارالشیعه (ش ۵۰٦/۱ ۱۰
گ ۹ ب) چنین نوشته است : «الیوم‌التاسع منه (یعنی الربیع‌الاول) یوم‌العید
الکبیر وهوعیدالبقروله شرح کبیرفی‌غیرهذاالموضع وعیدفیه‌النبی‌ص وامرالناس
ان یعیدوافیه ویتخذفیه‌المریس » (مریس نانی‌بود در بغداد و تریت را هم گویند-
دوزی و ترجمهٔ قاموس).

باری روز کشته شدن عمررا مورخان روزچهارشنبه سه یا چهار یا شش ۱۵
یا هفت شب ماندهٔ از ذی‌حجهٔ سال ۲۳ هجری و مرگش را درشب چهارشنبه
یا پنجشنبه هم نوشته‌اند همچنین روز یکشنبه یکم محرم سال ۲٤ (بنگرید به :
طبری ۲٦۳:۳ و کامل ابن اثیر ۲۰:۳ و فرهنگ دهخدا ۲ : ۷۸۹ و ناسخ‌التواریخ
جلد ۲ کتاب ۲ ص ٤۲۸ والفاروق عمر از محمد حسین هیکل ۲ : ۳۰۵ - ۳۱۰
و۳۲۲-۳۲٤و۳۳۱ وعبقریة عمر ازعباس محمود عقاد ص ۳٤۷). ۲۰

تقی‌الدین‌ابراهیم کفعمی (۹۰۵) میگوید : مردم شیعی می‌پندارند که عمر
در روز نهم ربیع یکم که خوب است درآن سور و مهمانی داد و جشن گرفت
وپوشاك نوپوشید وروزه‌هم نگرفت کشته‌شد ودرست‌نیست چه‌محمدبن‌ادریس
درسرائر گفته که همهٔ‌مورخان میگویند که چنین‌نیست ومفید در کتاب‌التواریخ

هم‌چنین گفته وعمر روز دوشنبه چهارروز ماندهٔاز ذی‌حجهٔ۲۳ کشته شدچنانکه صاحب‌الغرة و صاحب‌الطبقات و صاحب کتاب مسارالشیعه و ابن‌طاوس گفته‌اند بلکه اجماع شیعی و سنی براینست (جنة‌الامان‌الواقیة‌وجنة‌الایمان الباقیة نوشتهٔ ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۸۹۵ فصل ٤٢ ش ٤٤ گ ٢٣٨) .

ص ١٥٣٥ س ١٣ .

مصادقة‌الاخوان دراین چاپ با تصحیح و نشر جناب آقای مشکوة میباشد .

ص ١٥٤٤ س ٢٢ .

این نسخه از مقامات‌النجات شوشتری با تصحیح استاد محترم جناب آقای مشکوة میباشد .

ص ١٤٥٩ س ٩ .

کافی درتهران از سال ١٣٣٤ بچاپ میرسد و یك جلد آن درآمده و در دیباچهٔ آن سرگذشتنامه‌ایست برای کلینی بتازی از دوست دانشمند ماآقای حسینعلی محفوظ عراقی که بسی رنج برد و زندگی وکار این دانشمند شیعی‌را تااندازه‌ای روشن نمود . آقای شیخ آقابزرگ تهرانی‌دانشمند بزرگوار هم رساله‌ای کوچك دربارهٔ کافی نوشته ودرپاسخ پرسش چرندابی تبریزی که چرا خبرهای کافی‌بگماشتگان امام زمان که دربغدادباکلینی میزیسته‌اند نموده نشده تا خبر سستی اگردرآن هست بیرون ریخته شود؛ چنین گفته‌اندکه:شیعیان باید بهمان روش متداول بروند و پیمودن راه علم واقعی بایستنی نیست .

آقای حاج آقاحسین بروجردی رهبردانشمندشیعی‌هم رساله‌ای‌دربارهٔ کلینی‌و کافی‌نوشته‌است.افسوس که آنراتاکنون‌دردسترس‌دوستاران کلینی نگذارده‌اند .

این هم گفته شود که تاریخ ٣٢٦ که کاظمی برای مرگ کلینی‌نوشته‌است هیچ نباید درست باشد ودرست هم همان سال ٣٢٩ استکه نجاشی آورده نه ٣٢٨ که طوسی گفته است .

ابوجعفر کبیر که نظام‌الملك گفته است شاید یکی از سران اسماعیلی باشد

نه کلینی شیعی امامی . از النقض رازی (ص ۱۵و۱۶و۱۷۹) برمیاید که ابوجعفر کبیر نام ابن‌بابویه قمی است .

ص ۱۵٤٦ س ۲٦ .

برای سرگذشت قمی نیز بنگرید به النقض رازی ص۱۵و۱۶و۱۷۹ که او دراینجاها ابوجعفر کبیر خوانده شده است. نیز خلاصهٔ حلی ص ۷۲ ورجال ابن‌داود . ۵

ص ۱۵۹۵ س ۲۱ .

تلخیص البیان رضی را محمد عبدالغنی حسن در مصر بسال۱۳۷٤ ازروی چاپ عکسی تهران بچاپ سربی رساند ودردیباچهٔ بسیارسودمند آن سرگذشت رضی را آورد . همین کتاب درنجف بسال ۱۳۷۵ از روی همان چاپ عکسی ۱۰ ونسخه‌ای دیگر که آغاز وانجام دارد با کمبودیهائی درمیانهٔ آن بازبچاپ سربی رسیده است وازاین برمیآید که تلخیص ازروز پنجشنبه ۲۰ شعبان ٤۰۱ تا روز یکشنبه ۱۳ شب گذشتهٔ ازشوال همین سال بنگارش درآمده است .

ص ۱۶۱۹ س ۱۰ .

ابن‌الراوندی سید ضیاءالدین تاج‌الاسلام علم‌الهدی ابوالرضا فضل‌الله‌بن ۱۵ علی بن عبد (عبید) الله حسنی علوی کاشانی راوندی چنانکه ازنوشتهٔ سرگذشت نگاران برمیآید در ۵۱۱و۵۲۹و۵۲۳ و۵۳۳ و۵٤۶ و۵٤۸ و۵٤۹ و دو سه سالی پس‌ازهمین سال ۵٤۹ زنده‌بود وعماد کاتب در۵۶۲ که درشام رفته‌است نمیدانست اوزنده بود یا درگذشت. مگر اینکه از آنچه درنسخهٔ نهج‌البلاغه کابلی آمده ودرص ۱۶۱۸-۱۶۲۱ می‌بینم برمیآید که او پیش‌از پایان رجب ۵۸۷ وشاید هم ۲۰ پیش از ربیع یکم همین سال درگذشته بوده است . پس او میان ۵۵۱ و ۵۸۷ مرده است.(نیز بنگرید به ص۱٤۵٤ همین فهرست ودیباچهٔ دیوان همین راوندی چاپ تهران بسال ۱۳۳٤ بکوشش‌آقای محدث) .

سید راوندی را آورندهٔ « ادعیةالسر » خوانده‌اند و آنرا در یك سندی

ازاو روایت کرده‌اند (مستدرک ۳: ۳۲۴ و ۴۹۴) محمد مؤمن طالقانی دردیباچهٔ گزارشیکه بفارسی برآن نوشته است (ش ۹۷۰) هم سندهای آن را یاد نمود (فهرست آقای منزوی ۱: ۱۳۰- ذریعه ۱: ۳۹۶) .

مجلسی در بحار (۱۹: ۲۷۱-۲۷۶) این دعاها را از البلدالامین کفعمی آورده ودرپایان آنها سه رشته‌سند برای آنها یاد کرد. دوتا از برخی‌از کتابهای اجازات ۵
از خط سید نظام‌الدین احمدبن‌الحسن بن ابراهیم حسنی حسینی شیرازی ازعمش مجدالملة والـدین اسمعیـل از پدرش شرف‌الاسلام ابراهیم از شیخ صـدرالدین ابراهیم‌بن محمدالمؤید ازسدیدالدین یوسف‌بن‌علی‌بن مطهرحلی ازمهذب‌الدین ابی‌عبدالله حسین‌بن فرج نیلی ازمفیدابی‌علی‌حسن‌بن‌محمد طوسی ازپدرش شیخ
۱۰ طوسی؛ نیزاز همان صدرالدین از بدرالدین محمدبن ابی‌الکرم عبـدالرزاق‌بن ابی‌بکربن حیدر از قـاضی فخرالدین محمدبن خـالد ابهری از سید راوندی از ابوالصمصـام ذوالفقار بن محمدبن معبد حسنی از شیخ طوسی از ابی‌عبدالله حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری از ابی‌محمد هرون بن موسی تلعکبری ازابی‌علی محمدبن همام اسکافی ازحسین‌بن زکریای بصری ازصهیب‌بن عبادبن
۱۵ صهیب از پدرش عباد ازصادق از پدرانش تا علی ع .

یکی دیگر از ابن‌طاوس درفتح‌الابواب (باب ۶ گ ۲۲ ش ۶۱۷) از ابوعلی حسن‌بن احمدبن ابراهیم‌بن شاذان ازابوجعفراحمدبن یعقوب‌بن یوسف سپاهانی درج ۱/ ۳۴۹ ازابوجعفراحمدبن علی سپاهانی یارشاذکونی‌ازابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی ازاحمدبن‌محمدبن عمربن یونس یمانی ازمحمدبن ابراهیم‌بن
۲۰ نوح اصبحی و ابوالخصیب سلیمـان بن عمروبن نوح اصبحی از باقر از پدرش ازعلی‌ع. این دعاها با دوسند درالجواهرالسنیة عاملی (چاپ ۱۳۰۲ ص ۱۲۹- ۱۴۵) هم‌آمده واومیگوید که طوسی و کفعمی‌دردومصباح خود پاره‌هائی‌ازاین ادعیه را آورده‌اند . اورشتهٔ سند دوم‌آن را چنین یاد میکند : از سید راوندی از روی خط محمدبن احمد (بن محمد) بن حسن‌بن محمدبن حسین‌بن مهرویهٔ

کرمندی واز گفتهٔ پسرش شیخ خطیب احمد از روی خط احمدبن ابراهیم بن محمدبن ابان ازاحمدبن محمدبن عمربن یونس یمانی (یمامی) ازمحمدبن ابراهیم اصبحی ازابوالخصیب بن سلیمان از باقر ازعلی ع (این سند را با اند کی جدائی درجنگی هم دیده‌ام و در ذریعه هم این سندها هست) و سند نخستین او از پسر شیخ طوسی است . اینهم گفته شود که خود کفعمی سندی برای این ادعیه یاد نکرده است . ۵

ص ۱٦٦۵ س ۱۷ .

ابن داود دررجال خود (گ ٤۵ الف) از علامهٔ حلی یاد کرده و گفت که او درروزگارخود درمعقول ومنقول رهبر واستاد همه است ودر٦٤۸بزاد .

ص ۱۷۲٤ س ۲۱ . ۱۰

چنانکه‌یاد کرده‌ام درمرآةالقاسان میرزاعبدالرحیم سهیل ضرابی کاشانی که در۱۲۸۷ دستور نگارش آنرا گرفته ودرتهران بسال۱۲۹٤بانجامش رسانده (ش۵٤۷۵ مجلس)وبخشی‌از آن‌درفرهنك‌ایران‌زمین‌بچاپ‌رسیده‌است‌سرگذشت ملامهدی نراقی (نراق ۱۱٤۹- نجف ۱۲۰۹ در ٦۰ سالگی) و پسرش ملا احمد و پسرش حاجی ملامحمد حجةالاسلام وفهرست نگارشهای آنان هست . ۱۵

نسخه‌ای ازاجازهٔ احمدبن محمدمهدی‌بن ابی‌ذربن حاج محمد قمی نراقی کاشانی برای برادرش محمد مهدی درذی‌حجهٔ ۱۲٤٤ بخط نسخ خود اودرآغاز نسخه‌ای‌ازعوائدنراقی بخط خوداودیده‌ام واستادان خودرادرآن‌چنین برشمرده است: نخست‌پدراو محمدمهدی(م شب‌شنبه۸شعبان۱۲۰۹) که‌شیخ‌یوسف‌بن‌احمدبن ابراهیم بحرانی ماحوزی نگارندهٔ حدائق وآقامحمد باقر بهبهانی و شیخ محمد مهدی‌بن شیخ بهاءالدین فتونی عاملی نجفی و مولی محمد جعفر بیدگلی کاشانی و محمد اسماعیل‌بن محمد حسین مازندرانی سپاهانی خواجوئی و محمد مهدی هرندی سپاهانی وشیخ محمدبن حاج محمد زمان‌کاشانی نوش‌آبادی استاد او بوده‌اند. دیگرسیدمحمدمهدی‌بن سید مرتضی‌طباطبائی حائری نجفی ونگارندهٔ ۲۰

الریاض سید علی بن محمدعلی کاظمی خواهرزاده و داماد فاضل بهبهانی و میرزا محمدمهدی بن ابی‌القاسم موسوی شهرستانی و شیخ محمد جعفر نجفی .

ص ۱۷۸۸ س ۲۱ .

نسخهٔ شمارهٔ ۷۰۸ ایضاح‌الفوائد اصل میباشد .

۵ ص ۱۹۲۹ .

اجازهٔ محقق حلی بزین‌الدین ابوالحسن علی بن رشیدالدین محمدبن سعید که در کلیشه می‌بینیم چنین است :

« قرأ علی‌الولد العالم الفاضل‌الفقیه زین‌الدین ابوالحسن علی بن رشیدالدین محمدبن سعید هذاالکتاب من اوله الی آخره قراءة مهذبة واصغیت الی ایراده

۱۰ محتاطا و سألنی عن مشکله واستوضح عن مبهمه و مظلمه فاجبته بما انتهت الیه الطاقة و بلغته القدرة مما اعتمد علیه من فتاویه و مااختاره من مقاصده ومعانیه ... (دو کلمه خوانده نشده) ضابطاً حافظا واذنت فی روایة ذلك عنی فلیروه متی‌شاء واحب غیرحرج و کتب جعفر بن‌الحسن بن‌سعید شعبان سنة خمس‌وسبعین وستمائه حامداً لله مسلما » .

۱۵ تاریخ مرگ محقق دردنبال همین اجازه بدینگونه نوشته شده‌است : « توفی مصنف هذاالکتاب و ... من (درج) داره ضاحی‌نهارالخمس ... سنة ستة وسبعین وستمائة » .

درلؤلؤتی‌البحرین شیخ یوسف بحرانی چنین آمده است :

قال بعض‌الاجلاء الاعلام من متأخری المتأخرین: رأیت بخط بعض الافاضل

۲۰ ماصورة‌عبارته: « فی صبح یوم‌الخمیس ثالث عشر ربیع‌الآخر سنة ست و سبعین و ستمائة سقط‌الشیخ الفقیه ابوالقسم جعفر بن الحسن بن سعیدالحلی ره من اعلی درجة فی داره فخرمیتا لوقته من‌غیرنطق ولا حرکة فتفجع‌الناس لوفاته واجتمع لجنازته خلق کثیر وحمل الی مشهد امیرالمؤمنین ع وسئل عن مولده فقال سنة اثنتین وستمائة » .

این عبارت در منتهی‌المقال فی احوال‌الرجال ابوعلی و رجال مامقانی (٢١٥:١) وفوائد رضویه (١ : ٦٤) و کنی و القاب قمی و روضهٔ بهیهٔ سید شفیعا و قصص‌العلما تنکابنی (ص ٢٦٠) همه از همان لؤلؤتی‌البحرین آمده است. این عبارت که‌آن دانشمند بخط خود نوشته است مانند همین عبارتی است که درزیر همین‌اجازه نوشته شده است. افسوس که بیشترآن فرسوده وپاك شده وهمهٔ‌آن خوانده نمیشود.

نگارندهٔ روضات (ص ١٤٩) مینویسد که میگویند: «انه ره فی صبح یوم‌الخمیس ثالث عشرشهر ربیع‌الآخر سنة ستة وسبعین و ستمائة سقط عن اعلی درجة داره فخر میتا لوقته من غیرنطق ولاحرکة» آنگاه میگوید که این مانا درست‌نیست. مگراینکه ازعبارت یادشده که درنسخهٔ ماباریجی خوانده میشود برمیآید که این سخن درست است و تاریخ مرگ او هم نیمهٔ روز پنجشنبه (نه بامدادآن) و گویاهم ١٣ع٢ (این تاریخ درنسخهٔ ما دراینجا زیرکاغذ رفته وپیدا نیست) سال ٦٧٦ است نه ٦٧٧ که در رجال ابن‌داود نسخهٔ ما آمده است (ص ١٩٢٥).

نگارندهٔ ذریعه (١ : ١٦٤) ازهمین اجازهٔ حلی بهمین زین‌الدین که باید پسر عموی پدری او باشد یادکرده و می‌نویسد که او آنرا بخط خود برپشت نسخه‌ای از شرایع درشعبان ٦٧٥ نوشته است. پیداست که او همین نسخهٔ ما را دیده است. او نسخه‌ای دیگر از جزء یکم شرایع یاد میکند که شیخ محمدبن اسماعیل‌بن حسین‌بن‌الحسن هرقلی آنرا بخط خود درروز پنجشنبه ١٥ رمضان ٦٧٠ نوشته و بر حلی خوانده بود و او بخط خود روی آن نوشته که در روز چهارشنبه ١٨ ذی‌حجهٔ ٦٧١ خواندن آن بپایان رسیده است. پس باید شرایع پیش‌از ٦٧٠ بنگارش درآمده باشد و او هم تا پایان زندگی آنرا درس میگفته است.

ص ١٩٥٦ س ٢٢ (اجتهادیهٔ شهید دوم):

درذریعه (۱۰ : ۴۲) از « ذم التقلید و اتباع الآباء » یاد گشته است نیز بنگرید بفهرست طوس (۱۴۲:۲ ش ۶۴۳).

ص ۱۹۶۹ س ۱.

فخرالمحققین در پایان جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد در دنبال عبارت

۵ « اجابة لاحب الناس الی واعزهم لدی » چنین مینویسد :

«اقول: انی لما اشتغلت علی والدی قدس الله سره (رحمه الله) فی المعقول و المنقول؛ وقرأت علیه شیئا کثیرا من کتب اصحابنا؛ فالتمست منه ان یعمل لی کتابا فی الفقه جامعا لقواعده، حاو لفوائده، مشتملا علی غوامضه و دقائقه، جامعا لاسراره و حقائقه، یبنی مسائله علی علم الاصولین وعلی علم البرهان؛ وان یشیر عند کل قاعدة الی

۱۰ مایلزم مهام من الحکم؛ وان کان قد ذکر قبل ذلك مافیه معتقده وفتواه ومالزم من نص علی قاعدة اخری وفحواها؛ لتنبه المجتهد علی اصول الاحکام، وقواعد فتاوی الحلال والحرام. فقد یظن کثیر من الجهال المقلدین، تناقض الاحکام فیه؛ ولم یعلموا ان المراد ماذکرناه؛ فیظنون ان علیه سؤالا وارداً؛ ولم یعلموا انهم لم یفهموا من کلامه حرفا واحدا. کما قیل ویل لشعر الجید، من رواة السوء » (نسخهٔ خطی تاریخ ۱۰۲۹ باقواعد

۱۵ ودو نسخهٔ سپهسالار ش ۲۲۲۷ باقواعد و ۲۲۶۴ با جامع المقاصد).

نسخه‌ای از قواعد از نکاح تا انجام آن در کتابخانهٔ مرکزی آمده که در پایان آن دارد « اتفق الفراغ من کتاب قواعد الاحکام فی الحلال والحرام، بتوفیق الله تعالی، علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف، ابراهیم بن علی بن الحسن الطریحی، فی ثامن شهر رجب المبارك من شهور سنة اربع وعشرین وسبعمائة

۲۰ هجریة؛ و صلی الله علی محمد وعترته الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا ه » - « انهاه ایده الله تعالی، قرأة وبحثا و فهما و ضبطا واستشراحا؛ وذلك فی مجالس، آخرها سادس عشری جمادی الاولی سنة سبع وعشرین وسبعمائة؛ والحمد لله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد وعترته. کتب محمد بن الحسن المطهر، بالحلة السیفیة » (آنچنانکه من توانستم بخوانم).

ص ۲۰۰۹ س ۲۱ .

نوری در مستدرك (۴۹۶:۳) سرگذشت «سلار» را آورده و اورا «حمزه» نامیده و تبرستانی خوانده و نوشته که «مراسم» او را محقق نگارندهٔ شرایع بدرخواست برخی از یاران خویش گزین نموده است .

ص ۲۱۱۵ س ۵ . ۵

آغاز و انجام در ۱۳۱۳ ق هم بافصول فارسی و جبر و اختیار و جام جهان نما (مانا از دشتکی) در تهران باندازهٔ بغلی و بخط نستعلیق بچاپ سنگی رسید و در ۱۳۳۵ خ هم بیادهفتصدمین سال در گذشت خواجهٔ طوسی در چاپخانهٔ دانشگاه چاپ شده است .

ص ۲۲۰۱ س ۲۲ . ۱۰

نام این «حاشیه نحوی» را پس از دیدن نسخهٔ دیگری از آن که آنهم آغاز نداشت و با نگریستن بفهرستها دریافتم که «ضوء المصباح» میباشد .

خود مصباح در نحو و در پنج باب است و سه باب آن در ص ۲۲۰۲ یادشده و چهارم آن «العوامل المعنویة» و پنجم آن «فصول من العربیة» میباشد . این کتاب میان دانشجویان متداول بوده و از ناصر بن عبدالسید مطرزی نحوی (م ۱۵ ۶۱۰) میباشد و گزارشها بر آن نوشته‌اند . یکی از آن گزارشها از تاج الدین محمد بن محمد بن احمد اسفرائینی (م ۶۸۴) است بنام مفتاح که خود آنرا بدستور استاد خود برهان الدین نسفی بنام «الضوء» گزین نموده است (چلبی ۲:۴۴۸) و نسخه‌هائی از این «الضوء» در دو فهرست قاهره (۴:۷۸ و ۲:۱۳۹) و فهرست طوس (۳:۳۳) و فهرست عربی پاریس (ش ۴۰۰۹ تاریخ ۷۷۹) شناسانده شده (نیز فهرست نام ۲۰ کتابها در همین فهرست پاریس) و آن در لکهنو بسال ۱۸۵۰ بچاپ رسیده است . (معجم المطبوعات ص ۴۳۶) برهمین ضوء هم گزارشها و حاشیه‌ها نوشته‌اند (چلبی) آغاز آن چنانکه در دو فهرست قاهره و طوس آمده چنین است : «ان احق ما تتوشح بذکره صدور الکتب والدفاتر» و در انجام آن مانند نسخه دیگری که دیده‌ام و نسخهٔ

طوس «والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب» دارد. در قاهره نسخه‌های تاریخ ۹۸۲و۹۷۳و۸۳۷و۷۵۵ هست.

ص ۲۲۳۳:

الرسالة التولانیه. در فهرست طوس (۲۲۰۱و۵:۳۹۰) از سه نسخهٔ تاریخ ۹۱۷ و بخط محمد بن احمد بن فهد بی‌تاریخ و نسخه‌ای دیگر از همین کتاب بنام «تولانیه» در ٤ فصل و یك خاتمه از شیخ احمد تولانی یا شیخ علی تولانی شاگرد شهید یکم یا شیخ یوسف شاگرد همین شهید یا شیخ احمد بن فهد یاد گردید و دارد که در آن از شهید یکم سخنانی بسیار آورده شده است. در ذریعه (٤: ۵۰۱) از آن بنام التولانیة یاد گردید و از شیخ علی توابنی (؟) نحاریری عاملی شاگرد شیخ مقداد سیوری و زندهٔ در سدهٔ نهم دانسته شد.

ص ۲۲۹۷ س ۱

نسخهٔ شرح شواهد آستانهٔ طوس درست از روی نسخهٔ کامل آقای آیة‌الله‌زاده نوشته شده و مانند آن همان کم و کاستی‌ها را دارد و هرچه در آن سفید گذارده شده در این هم سفید مانده است و چند برگی که در آن نیست در این هم نیست. این نسخه پیشها در تهران بوده و بآستانه رفته است. (آقای آیة‌الله‌زاده برای کاملتر ساختن نسخهٔ خود بمشهد طوس رفته و این نسخه را با بود آقای ولائی نگارندهٔ جلدهای چهارم و پنجم فهرست آستانهٔ طوس و آقای او کتائی با نسخهٔ آنجا سنجیده‌اند و چنین دریافته‌اند).

ص ۲۳۲٤ س ۸

کردعلی در خطط الشام (٤: ۲۰۲) میخواهد بگوید که خالد از دانشمندان آشنای بدانش یونانی بوده و نخستین بار کتابخانه‌ای بنیاد گذارده و هنر کیمیا را برای او از یونانی و قبطی بعربی در آورده‌اند و کتابهائی در پزشکی و ستاره شناسی برایش ترجمه کرده‌اند و «اصطفن قدیم» کتابهای کیمیائی را از یونانی و لاتینی بعربی در آورده است و خود خالد پزشکی را از یحیی نحوی بیاموخت (زندهٔ

در سده ۷ و ۸ مسیحی) و کیمیا را از مریانوس رومی فرا گرفت مگر اینکه « روسکای» آلمانی چنین داستانی را نپذیرفته است (مجله آسیائی پاریس سال ۱۹۲٤)

ص ۲۳۲۵ س ۲۰

فصول فارسی و ترجمهٔ تازی آنرا من بیادبود هفتصدمین سال در گذشت خواجهٔ طوسی بچاپ رسانده‌ام .

دربارهٔ گزارش عبدالوهاب استرابادی که دردیباچهٔ این چاپ (ش ۳) با تاریخ روز چهارشنبه ۲۳ رجب ۸۳۳ یاد کرده‌ام ازروی نوشتهٔ آقای مدرس رضوی بوده است و خودم در همین فهرست (ص ۵۹۳) بگواهی پایان نسخهٔ ش ۳۲۳/۲ نوشته‌ام که استرابادی آنرا از روز شنبه ۲۱ محرم تا ۲۰ صفر ۸۷۵ نوشته است . نسخه دیگر دانشگاه (ش ۳۲۰/۱) ازپایان کم‌دارد. دراعیان‌الشیعه (۱ : ۳۳٤) ازشرح‌فصول‌نصیریه علامهٔ حلی‌یاد شده‌است اگرشرح عبدالمطلب موسوی‌راهم‌بشمار بیاوریم‌سیزده گزارش برای‌فصول‌تازی‌خواهیم داشت(مدرس رضوی‌ص۲۵۲و۳٤۳- فهرست‌برلین‌ص۳٤۰ش۱۷۷۰)ازمستدرك(٤۰۵)برمیآید که گزارش کمال الدین حسن استرابادی (ذریعه۱۳:٤۲) کهن‌ترین گزارش آمیختهٔ شیعی است .

ص ۲۳۲۸ س ۵

از گـزارنـدگان قواعـدالعقائد محمودبن علی‌بن علی‌بن محمود حمصی رازی است بنام کشف‌المعاقد فی شرح قواعدالعقائد و نسخهٔ آن دربرلین هست (فهرست برلین۲ :۳۳۹۰ ش۱۷٦۹) واو بایدازخاندان سدیدالدین‌محمود (محمد) بن علی‌بن‌الحسن‌بن محمود تاج رازی حمصی‌دانشمند شیعی‌زندهٔ در۵۸۳ودر گذشتهٔ پس‌از ٦۰۰باشد (گفتارنگارنده دربارهٔ نهایه درفرهنگ‌ایران زمین)و گویا او همان شرف‌الدین محمود رازی است که بیست وسه پرسش ازروم برای خواجهٔ طوسی‌آورده بود وطوسی بدانها پاسخ گفته است

(همین فهرست ص ۱۸٦- سرگذشت طوسی از آقای مدرس رضوی ص ۲٤۹و۳٤۳ وازآقای مدرسی زنجانی ص ۲۲۱و۱۸٤- آداب‌اللغه جرجی زیدان ۳:۲۳٤ - این هم گفته شود که آقای مدرس نام شرف‌الدین را محمدبن محمود یاد کرده است (ص ۲۸۲) .

ص ۲۴۰۳ س ۲۲ .

الارجوزة فی‌الطب یاالفیه در ۱۳۲۶ بیت و با یك دیباچه‌ای به نثر با ترجمهٔ تازه فرانسوی و ترجمهٔ کهن لاتینی در پاریس بسال ۱۹۵۶ بچـاپ بسیار زیبائی رسیده ودرآغاز ومیانه وانجام آن دربارهٔ آن وگزارشها و چاپها و نسخه‌های خطی‌آن بررسی شده است .

۵ ص ۲۴۱۰ س ۱۷ .

درهمین مختصر اوسط (۱۹۹ الف) نیز دارد « وقد استقصینا هذاالمعنی فی تلخیص انولوطیقا » پس شیخ پیش‌ازابن رشد بنگارش «تلخیص» پرداخته‌است .

ص ۲۴۲۳ س ۱۷ .

شهرستانی (۴۷۹ — ۵۴۸) درملل و نحل آنجا کـه از سخنان ابن‌سینا گواه

۱۰ گرفته است گزیده‌ای ازنجات را آورده وبسیاری ازعبارتهای حکمت عروضی بمانندآنچه در نجات‌آمده است‌درآن دیده‌میشود (آنچنانکه من این‌دو کتاب را باهم سنجیده‌ام) چنانـکه پیش‌از او غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵) درمقاصدالفلاسفه همهٔ دانشنامه را با انـدکی جدائی بزبان تازی درآورده است (گفتار آقـای احمد خراسانی درجشن هزارهٔ ابن سینا) .

۱۵ ص ۲۴۲۶ س ۱۳ .

دهمین مقالهٔ « المعالجات‌البقراطیه » دربارهٔ بیماریهای جگر وسپرز وامعاء وساخت‌وسودآنها است و در ۴۹ باب (نسخه‌های پزشکی‌و ملك). چنین است این کتاب :

آغاز: الحمدلله‌المنفردبالوحدانیةوالقدرةوالرحمةوالافاضةوالجودمبدع‌الکل

۲۰ و مشرف‌النفس و واهب‌العقل الجواد الذی لم یبخل‌العالم قط من‌فیضه وجوده' حمده‌مقرله بالعبودیة شاهد بالربوبیة معترف بانعامه مستدل علی وحدانیته باعلامه نهایة کل‌خیروفضل ومبدء کل شرف والمنزه عن‌الرذائل والنقص.واسأله ان یصلی علی خیرمبعوث دعاالی‌اکرم معبود محمد وآله‌اجمعین .(اما بعد)ثم انی لمارأیت الاوائل من‌الافاضل‌الاطباء صنفواالکنانیش لیودوابمنفعةالناس بهابعض مایلزمهم

من حق الله ... ولم يتجاوزوا ذلك في القسمة والبيان . وفي زماننا هذا فقد قلت
الرغبة في جميع الصنائع الفاضلة . . حتى اقتصروا من الطب على معرفة الفصد الردي..
وتركوا استعمال القوانين في شيء من مداواتهم البتة واعرضوا عن كتب العلماء
الاوائل واقتنعوا بالنظر في كتب المتأخرين من اهل النقص والمعرفة وطلاب السمعة
والتمويه والكذب والتدليس ... فهم الخداعون على ماسماهم جالينوس الذباحون ٥
بالحقيقة. فحين رأيت ذلك حضر في نية مقرونة بالتقية في ان اصنف كتابا مشروحا
واسلك فيه سبيل بقراط في صحة المعالجة و اصف علة علة و اقسمها قسمة الجنس
الى النوع حتى انتهى في ذلك الى نوع الانواع و الى واحد بالعدد لاينقسم ثم
اضيف (اصف) مداواة كل مرض عند ابتدائه وتزيده و انتهائه و انحطاطه و ابين
مواضع التغييرات التي تدخل و علاماتها واسمح بما صنف غيري من الدستورات ١٠
المأخوذة عن المشائخ الافاضل و عن سواء غيرهم و اقرن كل مداواة بالقوانين
اللازمة لها و ابين كيف يجب ان يبحث الطبيب عن السبب السابق و السبب البادي
والسبب الواصل عند مايريد استخراج معرفة جنس العلة ونوعها و ابين الادوية التي
صلح لمداوة كل علة و مقدارها والاوقات التي يستعمل فيها واجعله جامعاً للعلم
والعمل التام حتى لايغلط احد ممن ينظر فيه اويداوي منه ولو انه كاتب او اديب فضلا ١٥
عن الطبيب واسميه « المعالجة البقراطية » واجعله عشر مقالات. المقالة الاولى في
الفصول التي لايستغني الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها وهي خمسون
فصلا (بابا) ... المقالة العاشرة في امراض الكبد والطحال والامعاء و ذكر خلقتها
ومنفعتها وهي تسعة واربعون بابا. بسملة . المقالة الاولى في الفصول التي لايستغني
الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها لئلا يكون غفلا اذا سئل عن شيء منها ٢٠
قد ذكرناها على جهة الاخبار بها وتعريف لا على جهة التعليم لان التعريف لايحتاج
الى اقامة للبرهان عليه والتعليم يحتاج الى ذلك فيأخذها على طريق التقليد الى
ان يمكنه البحث عنها وقد بينا الكتب والمواضع التي يحتاج اليها اذا اراد البحث
عنها وهي خمسون فصلا ...

انجام : (ف ٤٩ مقـاله ١٠ درانواع قولنج) وهذاالموضع يجب ان يتأمله الطبيب تأملا شافيـا وان مصنفي الكنانيش قصروا في هذاالنوع وانما يستخرج هذا من قوة كلام جالينوس ومن الاولى والاشبه من سائر العلاجات (المعالجات) نعقدادلته من الاعراض ومما (يحمده) يحده ومتى وقع تقصيرفي قائل (تأمل) شيء من ذلك وقع بحسبه النقصان في المعالجة . تمت المقالة العاشرة من الكناش المعروف بالمعالجات البقراطية بحمدالله وتوفيقه .

سر گذشت همين ترنجي درمطرح الانظار في تراجم اطبـاءالاعصار تبريزي (ص ١٠٦) آمده است . در كشف الظنون وذيل آن آنچه من گشته‌ام ازاينكتاب نه بنام كناش و نه بنام المعالجة يا المعالجات البقراطية ياد نشده است .

نفيس بن عوض بن حكيم الطبيب درشرح اسباب در آنجا كه ازماليخوليا سخن ميدارد از گفته‌هاى طبرى درباره ديوانه شدن فارابى وعيسى بن ماسويه ميآورد (ص ١٣٧ چاپ سنگى سال ١٣٠٤ درتهران)

ص ٢٤٢٣ س ١٧ .

از فهرستهاى طوس (٤: ٢٦٣) وقنواتى (ش٢٣) وآقاى دكتر مهدى (ش١١٨) برميآيد كـه كهن‌ترين نسخهٔ كامل نجـات نسخهٔ ش ١٠٥٤ و ١٠٥٥ طوس است كه حسن بن ابى الفضل شاه بن حسن سامانى جنزى در پايان شعبان ٥٢٤ نوشته‌است پس از آن نسخهٔ جارالله دراستامبول بشماره ١٣٤٥ وداراى تاريخ ٦١٨ ميباشد . از نسخه‌ها كه جز رياضى همهٔ فنون را دارد نخست بايد نسخهٔ ش ٣/٤٥٦ بادليان را كه در ٦٥٤ نوشته شده‌است بشمار آورد سپس نسخهٔ ش ١٩٣٧/١ اسعد دراستانبول بتاريخ ٦٠٣ وپس از آن نسخهٔ ش ٦٨١ سلمم آغا مورخ ٦٥٥ ميباشد

نسخه‌اى كامل از نجات ديده‌ام كه براى خزانهٔ « علاءالدوله‌ابوكاليجار گرشاسب دوم پسر امير علاء الدوله ابومنصورعلي پسر ظهيرالدين ابومنصور فرامرز پسر علاء الدوله‌عضدالدين ابوجعفر محمد كاكويه بن دشمن زيار ءاز پادشاهان كاكوئى بويه‌اى سپاهان وهمدان (٤٨٨-٥١٣) نوشته شده است (ترجمهٔ عربى زامباور ص٣٢٨) ودرصفحهٔ عنوان آن دارد :

« لخزانة الملك الاجل السيد المؤيد (النصير) المنصور شمس الملوك عضد الدین علاء الدولة و جمال الملة ظهیر... ابو کالیجار گرشاسب بن علی بن فرامرز حسام امیر المؤمنین اعزالله نصره » . پس این نسخه بایداز کهن ترین نسخه‌های کامل نجات که مامیشناسیم باشد . این راهم میدانیم کـه دانشنامه برای همان محمد بن دشمن زیار کاکوئی (۳۹۸-۴۳۳) نگاشته شد است . (چهار مقاله ص۱٦۹)

۵

ص ۲٤۵۵ س ۲ .

این دانشمند مازندرانی گزارشی بسیار سودمند بر اصول کافی نگاشته‌است و جلد نخستین آن در عقل و توحید ، و دومین جزء در حجت است که در روز پنجشنبه یکم رمضان ۱۰٦٤ از آن بیاسود و در پایان آن گفته که کتاب دعا را گزارش خواهم کرد . جزء سوم در ایمان و کفر است تا پایان کتاب العشرة که در انجام آن نوید داده است که کتاب الطهارة را هم گزارش کند (نسخه‌های دانشکدهٔ حقوق) ۱۰ درفهرست سپهسالار (۱:۳۵۹) گزارش روضهٔ کافی او هم شناسانده شده است .

ص ۲۵٦۰

در ریاض العلماء افندی چنین آمده است .

الشیخ جمال الدین ، او کمال الدین علی بن سلیمان البحرانی ، الفاضل الجلیل الصمدانی ، والحکیم العالم الربانی ، استاد ابن میثم البحرانی ، کان من معاصری خواجه نصیر الدین الطوسی . و قال العلامة فی الخلاصة : کان عالما بالعلوم العقلیة ۱۵ والنقلیة ، عارفا بقواعد الحکما ؛ وله مصنفات حسنة . انتهی . و قال الشیخ حسن فی اجازته : و انا رأیت من مصنفاته ، کتاب مفتاح الخیر فی شرح دیباجة رسالة الطیر ، للشیخ ابی علی بن سینا ، و شرح قصیدة ابن سینا فی النفس ، وفیها دلالة واضحة علی ما وصفه به العلامة و زیادة . انتهی . و قال الشیخ المعاصر فی امل الآمل بعد نقل الکلامین : و روی العلامة عن الحسین بن علی بن سلیمان ، عن ابیه ، مصنفات ابیه. ۲۰ انتهی . اقول . وقد یروی العلامة ، عن کمال الدین ابن میثم البحرانی ایضا عنه ؛

وهویروی عن الشیخ کمال الدین ابن سعادة البحرانی ، علی مایظهر من اول غوالی اللئالی لابن جمهور الاحسائی . ثم قد رأیت ایضا ، فی خزانة الکتب الموقوفة بقسطنطنیة ، من بلادالروم ، ذلک الشرح ، للقصیدة المذکورة ؛ وهو کما وصفه العلامة . و قال الشیخ حسن قدس سره : وهی القصیدة العینیة لابن سینا ؛ ویعرف ذلک الشرح بالنهج المستقیم علی طریقة الحکیم ؛ و اول تلک القصیده : « هبطت الیک الخ»؛ فادرج الشیخ ابوعلی ، فیها اکثر المطالب الحکمیة ؛وقد شرحها جماعة اخری من العامة و الخاصة . اقول هذا الشیخ ، هو الذی ارسل الی الخواجة نصیر ، رسالة العلم و توابعها ، من مسائل المعارف ، لاستاده ، اعنی الشیخ کمال الدین اباجعفر احمدبن علی بن سعیدبن سعادة البحرانی ؛ و التمس منه شرح تلک الرسالة ، و توضیح مسائلها المشکلة ؛ وقد شرحها الخواجه نصیر ؛ وارسلها الیه ؛ و تعرض فیه للرد علی الشیخ کمال الدین بن سعادة ، المصنف المذکور ، فی بعض مواضعها ، واجاد فیه ، ثم جمع هو تلک الرسالة ، و ذلک الشرح ، فی رسالة مفردة معروفة . و قال الخواجه نصیر ، فی اول شرحها ، فی مدح علی بن سلیمان هذا ، هکذا : « اتانی کتاب من الجناب الکریم » .

ص ۳۲۱ س ۲۷ .

این نسخه با نسخهٔ ش ۱۰۷۹/٤ ص ۱۸۷ یکی است و من آنرا ازروی همین نسخه ۱۰۷۹/٤ و نسخهٔ ش ٤٦٨١ کتابخانهٔ ملک بیادبودهفتصدمین سال در گذشت خواجه طوسی در ۱۳۳۵ در « سه گفتار خواجه طوسی » بچاپ رساندهام . نسخهٔ ۸٦۳/٤ با آن نسخه اندکی جدائی دارد .

اینجا فهرست کتابهای اهدائی استاد بزرگوار و دانشمند ارجمند جناب آقای سید محمد مشکوة بانجام رسید و نگارندهٔ ناچیزازراهنمائیهای علمی و کمکهای مادی ومعنوی که اردوران تحصیل تاکنون آنجناب دربارهٔ بندهٔ بذل فرمودهاند بسی سپاسگزارم و این فهرست را گرچه چندان ارزشی ندارد بایشان تقدیم میدارم

محمد تقی دانش‌پژوه

فهرست نام کتابها

فهرست نام مؤلفان

نام — صفحه

نام	صفحه

فهرست نسخه‌ها روی شماره‌ها

شماره	عنوان
۱۲۷	روح‌الاحباب
۱۳۶/۱	معارج
۱۴۹/۱	نصایح
» /۵	ذهبیه
» /۶	سوزوگداز
۱۸۵	نورالقبور
۱۸۶	مصابیح‌القلوب
۲۱۰	زواهرالجواهر
۲۲۹/۲	درمان اسب
» /۳	اختیارات
۲۹۲/۲	ترجمهٔ نهایهٔ طوسی
۳۲۱	تعلیقه
۳۶۹ـ۳۷۰	جنات وصال
۳۸۱	رساله فقهی و فلسفی
۳۹۸/۳	اسرارالصلوة
۴۰۶/۱	کشف‌المحجه
۵۰۱	ترجمهٔ جلاءالعیون
۵۰۲/۱	سلوة‌الحزین
» /۲	اربعین
» /۳	»
» /۴	حدیث عمامه
» /۵	خطب علی
» /۶	اربعین
۵۰۲/۷	اربعین
» /۸	شهاب‌الاخبار
» /۹	اهلیلجه
۵۰۴	خصال
۵۰۵	مقتل
۵۰۶/۱	مسارالشیعه
» /۲	المسائل
» /۷	روضةالمتقین
۵۰۹ـ۵۱۳	تفصیل وسائل‌الشیعه
۵۱۴	اختصاص
۵۱۵	بشارةالمصطفی
۵۱۶	تفسیر قمی
۵۱۷	مناهج‌الشارعین
۵۲۲	دوحةالاخبار
۵۲۳	معجزات‌الائمه
۵۲۵	توحید قمی
۵۲۶ـ۵۷۱	بحارالانوار
۵۷۲	امالی
۵۷۳	ترجمهٔ امالی
۵۷۵/۳	گفتگوی دیك‌الجن وهرون
» /۴	اسرارالنکاح
» /۶	کتاب سلیم
۵۷۶	استبصار

شماره	عنوان
۵۷۷	شافی
۱/۵۷۸	غیبت
۲/ »	انسان العیون
۵۷۹	جوامع الکلم
۵۸۰	حلیة الابرار
۵۸۱	برکات المشهد المقدس
۵۸۲	فرائد السمطین
۵۸۳ـ۵۸۵	تهذیب الاحکام
۵۸۶	بصائر الموحدین
۵۸۷	مسکن الشجون
۱/۵۹۰	الرسالة العلیه
۲/ »	انگشت شماری
۱/۵۹۱	غرر الاخبار
۳/ »	رسالة الرضا الی المأمون
۴/ »	تهلیلیه
۵۹۲	العمده
۵۹۳	غایة المرام
۵۹۴	عیون اخبار الرضا
۵۹۵	علل الشرائع
۵۹۶	منهج الیقین
۶۰۰ـ۶۰۲	الدمعة الساکبه
۶۰۳	بهجة المباهج
۱/۶۰۴	نظم اللئالی
۲/ »	مصادقة الاخوان
۶۰۵	تحفة الائمة
۱/۶۰۶	التحفة الرضویة
۲/ »	عقائد اصولین
۳/ »	آغاز و انجام

شماره	عنوان
۴/ ۶۰۶	خطبة علی
۶۰۷	عیون اخبار الرضا
۶۰۹	تعلیقه سجادیه
۶۱۰	تذکرة الفتن
۶۱۱	سنة الهدایة
۶۱۲ـ۶۱۳	هدایة الامة
۱/۶۱۴	مجمع البحرین
۲/ »	المواسعة والمضایقة
۶۱۵	امالی
۶۱۶	ارشاد
۱/۶۱۸	المعجب
۲/ »	مثیر الاحزان
۶۱۹	کفایة المهتدی
۶۲۰	مسلی المصابین
۶۲۱	مناقب
۱/۶۲۲	وسیلة النجاة الموصلة الی سبیل الهداة
۶۲۳	زبدة التصانیف
۶۲۴	روضة الواعظین
۶۲۵ـ۶۲۶	الاستبصار
۲/۶۲۷	فهرست رجال مسند کتاب من لایحضره الفقیه
۱/۶۲۷ـ۶۲۹	من لایحضره الفقیه
۲/۶۳۰	فهرست کافی
۱/۶۳۰ـ۶۳۲	کافی
۶۳۳	کشف الکافی
۶۳۴	تحفة الاولیاء
۱/۶۳۵	المذکر والمؤنث

شماره	عنوان
٦٣٥/٢ـ٦٤٠	تهذيب الاحكام
٦٤١	قصص الانبياء
٦٤٢	مطالع الاسرار
٦٤٣ـ٦٤٨	وافی
٦٤٩	ایضاح دقائق النواصب
٦٥٠	دفع المناواة
٦٥١	ترجمة المناقب
٦٥٤/١	الکشکول فی ماجری علی آل الرسول
٢/ »	الزام النواصب
٣/ »	گفتگوی دیك الجن وهرون
٤/ »	ایضاح دقائق النواصب
٦٥٥	الدر المنثور
٦٥٦	اقبال نامه
٦٥٧/١	منتخب البصائر
٢/ »	خطبة علی
٦٦١/٢	شرح حدیث رأس الجالوت
٦٥٨ـ٦٦٤	وافی
٦٦٥	منهج الشیعه
٦٦٦	وسیلة النجاة
٦٦٧	اثبات الرجعة
٦٦٨	کشف الاحتجاج
٦٧٠	ترجمة نامۀ علی با شتر
٦٧١ـ٦٨٢	صافی
٦٨٣	کمال الدین
٦٨٤	مقامات النجاة
٦٨٥	نخب المناقب
٦٨٦	اربعین

شماره	عنوان
٦٨٧	ترجمۀ قطب شاهی
٦٨٨	حاشیۀ اصول کافی
٦٩٠	معادن الحکمة
٦٩١/٢	الانوار الجلیة
٣/ »	الذخیرة الباقیة
٦٩٢/١	خصائص الائمة
٢/ »	الطرف
٣/ »	محاسبة النفس
٤/ »	الروضة
٦٩٣/١	عوالی اللئالی
٢/ »	کاشفة الحال عن احوال الاستدلال
٦٩٤	مصابیح الانوار
٦٩٧	منتقی الجمان
٦٩٨	غایة المرام
٦٩٩	فضائل الاشهر الثلاثة
٧٠٠	الوسیله
٧٠١	مراسم
٧٠٢ـ٧٠٣	شرائع الاسلام
٧٠٤/٢	تحریر التحریر
٧٠٤/١ـ٧٠٥	قواعد الاحکام
٧٠٦	ایضاح الفوائد
٧٠٧	مختلف الشیعه
٧٠٨	ایضاح الفوائد
٧٠٩ـ٧١٠	الروضة البهیة
٧١١	المهذب البارع
٧١٢ـ٧١٣/١	مفاتیح الشرائع
٧١٣/٢	اصالة طهارة الاشیاء
٣/ »	اصالة فساد المعاملات

شماره	عنوان
۷۱۴ـ۷۱۵	شرح مفاتیح الشرائع
۷۱۶	ترجمهٔ الانوارلاعمال‌الابرار
۷۱۷	المصباح‌الساطع
۷۱۸	شرح مفاتیح‌الشرائع
۷۱۹ـ۷۲۰	ذکری‌الشیعة
۷۲۱	کشف‌الرموز
۷۲۲	ارشادالاذهان
۷۲۳/۱	ارشاد
/۲ «	اثنی‌عشریه
/۳ «	ترجمهٔ حدیث خسوف‌وکسوف
۷۲۴	شرح مختصر نافع
۷۲۵	مرآة‌الاخبار
۷۲۶	شرح شرایع
۷۲۷	نورساطع
۷۲۸ـ۹۲۹	جواهر الکلام
۷۴۰	پاسخهای شفتی
۷۴۱	مسائل‌الخلاف
۷۴۲	مجمع‌الفائدة والبرهان
۷۴۳	جامع‌المقاصد
۷۴۴ـ۷۴۹	لوامع‌النکات
۷۵۰	البرهان‌القاطع
۷۵۲ـ۷۵۴	غایة‌الآمال
۷۵۵	فرائدالاصول
۷۵۶	التحفة‌القوامیة
۷۵۷	حاشیهٔ شرایع
۷۵۸	زهرالریاض
۷۵۹	تقریرات
۷۶۰	حاشیهٔ معالم

شماره	عنوان
۷۶۱	زهرالریاض
۷۶۲ـ۷۶۳	مسالك
۷۶۴	نیل‌المرام
۷۶۵	تحفة‌الابرار
۷۶۶	کنزالفوائد
۷۶۷	مقالات
۷۶۸	حاشیهٔ ارشاد
۷۶۹	منهاج‌الهدایة
۷۷۰/۱	پاسخ تهرانی بداماد
/۲ «	فصول مختاره
/۳ «	حاشیهٔ مجمع‌الفائدة والبرهان
/۴ «	الحبوة
/۵ «	حرمان‌الزوجة‌من‌اعیان‌الترکة
۷۷۱	ارشاد
۷۷۲	مسلك نجات
۷۷۳/۱	حدود وتعزیرات
/۳ «	نکوهش ازتصوف
۷۷۴	میزان‌الصواب
۷۷۵	مقالات
۷۷۶	روض‌الجنان
۷۷۷	الکواکب‌الضیائیة
۷۷۸	مختصر نافع
۷۷۹	معراج‌الاصول
۷۸۰	غایة‌المرام فی شرح شرائع الاسلام
۷۸۱	شرح جواهرالفرائض
۷۸۲ـ۷۸۴	مناهل
۷۸۵	حاشیهٔ ارشاد
۷۸۶	نجاة‌العباد

شماره	عنوان
۷۸۷	بیان
۷۸۸	الجمل والعقود
۷۸۹	وجیزه
۷۹۰/۱ـ۳	نماز آدینه
۷۹۱/۱	فصول خمسه
۲/ »	ابن الغضائری
۳/ »	الذهبیة
۷۹۲/۱ـ۲	آداب نماز
۳/ »	الشك والسهو والنسیان فی الصلوة
۴/ »	الشك فی الصلوة
۵/ »	آداب نماز
۷۹۳	اشارات
۷۹۴	»
۷۹۵	نهایة الوصول
۷۹۶	منیة اللبیب
۷۹۷	مصابیح
۷۹۸	مجمع الاصول
۷۹۹	ذخائر النبوة
۸۰۰	موائد العوائد
۸۰۱	نتایج الافکار
۸۰۲ـ۸۰۸	بشری الوصول
۷۰۹	تهذیب الوصول
۸۱۰	حاشیهٔ مختصر اصول
۸۱۱	حاشیهٔ عدة الاصول
۸۱۲/۱	حاشیهٔ مختصر
۲/ »	حاشیهٔ حاشیهٔ مختصر
۸۱۳	معالم

شماره	عنوان
۸۲۱/۲	البدایة فی علم الدرایة
۳/ »	وجیزه
۴/ »	جهت القبلة
۷/ »	الحبل المتین
۷۳۶	صراط النجاة
۸۵۲	حج
۸۵۳	الرد علی المتعصب العنید
۸۵۹	اثنی عشریه
۸۶۵	پاسخ رشتی
۸۶۷/۵	ترجمهٔ خطبهٔ علی
۸۶۷/۱۱	ترجمهٔ چهل حدیث
۸۷۲/۱	پاسخهای کرکی
۲/ »	قاطعة اللجاج
۳/ »	صیغ العقود والایقاعات
۴/ »	حاشیهٔ الفیهٔ شهید یکم
۵/ »	تخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد
۶/ »	الرضاع
۷/ »	جعفریه
۸/ »	حاشیهٔ جعفریه
۸۷۴/۱	حاشیهٔ روضهٔ بهیه
۲/ »	رجاء الحق (نماز آدینه)
۶/ »	شرح حدیث اشتراك وجود
۷/ »	نماز آدینه
۸۷۷/۳	احکام نجوم
۸۷۸/۳	اصول وفروع دین
۴/ »	اربعین
۶/ »	حج

شماره	عنوان
۸۷۸/۹	رسالهٔ عملی
۱۰/ »	ترجمه و گزارش کلمات قصار
۸۷۹/۶	اللمعة الجلية فی معرفة النية
۸۸۲/۲	الاجتهادیه
۳/ »	ازاحة العلة
۴/ »	تیاسر
۶/ »	نزهة الارواح فی ما يتعلق باحکام النکاح
۷/ »	اللمعة الجلية فی معرفة النية
۸۸۶/۱	شمائل
۸۸۸/۳	فصول اذان
۷/ »	روية الهلال
۸/ »	حجیت اخبار واجماع
۹/ »	نماز آدینه
۸۹۱/۱	کشف القناع
۲/ »	هداية الفؤاد الى نبذ من احوال المعاد (ص۵۹۹و۲۰۶۷)
۸۹۳/۱	جعفریه
۳/ »	الفیه
۴/ »	اثنی عشریه
۸۹۹/۳	ارشاد
۹۰۰–۹۰۱	رسالههای اردکانی
۹۰۳/۲	مصباح الشریعه
۳/ »	قاطعة اللجاج
۹۰۴/۱	وافیه
۲/ »	فلاح المسائل و نجاح السائل
۹۰۶	السبعیات
۹۰۷/۱	مقابس الانوار

شماره	عنوان
۹۰۷/۲	اجازه
۹۱۰–۹۱۱	اثبات الهداة
۹۱۲	کتاب الیمین
۹۱۳	کنز الفوائد
۹۱۴	صافی
۹۱۵–۹۱۶	شافی
۹۱۷	خصائص امیر المؤمنین
۹۱۸/۲	وجیزه
۳/ »	حریریه
۴/ »	اثنی عشریه
۵/ »	الامتناع من الاستمتاع
۶/ »	حاشیهٔ قواعد
۸/ »	اثنی عشریه
۹/ »	جهة القبله
۱۰/ »	حاشیهٔ تفسیر بیضاوی
۱۱/ »	پاسخ بهائی
۱۲/ »	حاشیهٔ اثنی عشریه
۱۳/ »	حاشیهٔ قواعد
۱۴/ »	قصر الصلوة
۱۵/ »	افعال الحج
۱۷/ »	پاسخهای بهائی
۱۸/ »	نان وحلوا
۹۲۰/۱	مهذب
۲/ »	جمل العلم والعمل
۳/ »	شرح جمل العلم والعمل
۴/ »	غنية النزوع
۵/ »	مراسم
۶/ »	المسائل الناصریات

شماره	عنوان
۹۲۰/۷	الوسیلة
» /۸	الجمل والعقود
» /۹	اشارة السبق
» /۱۰	الاقتصاد
۹۲۱	مشکاة المصابیح
۹۲۲	رسالەهای اخباری
۹۲۶/۱	الدر المنظوم
۹۳۱/۱	الفیه
» /۲	المطالب المظفریه
» /۳	حاشیة الفیة شهید یکم
۹۳۲	پاسخهای همدانی
۹۳۴	تنبیه الانام
۹۳۶	ارشاد
۹۳۸	الاصلاح
۹٤٤/۱	حاشیة من لایحضره الفقیة
» /۷	التحفة المرضیه
» /۸	ذبیحیه
» /۱۰	رضاع
» /۱۱	اوقات الصلوة
۹٦۲	اصول اربعمائة
۹٦٤	الصحیفة الرضویة
۹٦٥	عیون المعجزات
۹٦٦	شرح الاخبار
۹٦۸	بهجة المباهج
۹۷۱	الاربعینات
۹۷۲/۱–۲	نماز آدینه

شماره	عنوان
» /۳	معیار الساعات
» /٤	نماز شب
۹۷۳	مفتاح الاحکام
۹۷٤	زبدة الاصول
۹۷٦	الفوائد السنیه فی شرح النبذة الالفیه
۹۸۱	الرواشح السماویة
۹۸۷/۲	الصفیحه
» /۳	جهة القبلة
» /٤	تشریح الافلاك
» /٥	اجتهادیه
۹۸۹/۲	اجتهاد
» /٤	وجیزه
» /٥	جامع المقال
۹۹٤/٤	لب اللباب
» /۷	نور المستبصرین
۹۹۷–۹۹۹	معارج الاحکام
۱۰۰۰–۱۰۰۲	مطالع الانوار
۱۰۰۳	دروس
۱۰۰٤	تحریر
۱۰۰٥/۱	شرح جمل العلم والعمل
» /۲	الکتاب الجامع للشرایع
۱۰۰٦	درائد ملتقی الابحر
۱۰۰۷	نخبة وجیزه
۱۰۰۸	التحفة السنیة
۱۰۰۹	غایة الوصول

شماره	عنوان
۱۰۱۰	شرح مختصر منتهی
۱۰۱۱	القواعد والفوائد
۱۰۱۲/۱	فقه فارسی
۲/ »	تفسیر حمد
۱۰۱۵/۳	عدالت
۴/ »	اصول دین
۷/ »	غاية الايجاز لخائف الاعواز
۴۰/ »	مالا بدمنه فی مذهب الامامية
۴۱/ »	ترجمهٔ برمکیه
۱۰۲۰/۲	هداية المؤمنين
۳/ »	النفحة القدسية
۱۰۲۰/۴ــ۵	پاسخهای قمی
۱۰۲۰/۶ــ۱۶	» »
۱۰۲۱	رساله‌های دوانی
۱۰۲۲/۱	المسائل المدنيات
۲/ »	المسائل الآمليات
۳/ »	الحج المتمتع به
۱۰۲۴	الاحتجاج
۱۰۲۵	انيس الوحيد
۱۰۲۷/۱	عقد الدر فی شرح بقر بطن عمر
۲/ »	الصلاة والبشر فی الصلوة علی خير البشر
۱۰۳۵/۱	ديوان علی (انوار العقول)
۱۰۴۴/۱	وصول الاخيار
۲/ »	البداية فی علم الدراية
۱۰۴۵/۱	العويص الاحكام
۳/ »	فوائد حديثيه
۴/ »	مسائل

شماره	عنوان
۱۰۴۵/۶	خبر مولد علی
۱۰۵۸	المحاسن
۱۰۶۰	شهاب الاخبار
۱۰۶۱/۱	بصائر الدرجات
۲/ »	قرب الاسناد
۱۰۶۲	ملهمة بالصواب
۱۰۶۳/۵ــ۷	رساله‌های ریاضی
۱۰۶۴	كفاية الايتام
۱۰۶۶	حديقه
۱۰۶۷/۱	وفاة الزهراء
۲/ »	مصاب المظلومين
۳/ »	خطبهٔ علی
۴/ »	پاسخ استرابادی به‌عاملی
۵/ »	الفوائد المدنيه
۱۰۷۵	جامع الاخبار
۱۰۹۵	حاشيهٔ مختصر نافع
۱۰۹۶	حاشيهٔ الفيه
۱۰۹۷/۱	السماع والرقص
۲/ »	اصول الدين
۳/ »	شرح اصول الدين
۱۱۰۰	شرح ملخص
۱۱۰۱/۱	كدو مطبخ قلندری
۲/ »	نان وحلوا
۳/ »	شير و شكر
۴/ »	پريشان
۱۱۰۲/۲	رضاع
۱۱۰۴	كشف الغرائب

شماره	عنوان
١١٠٥	مقامات
١١٠٦	حاشية فوائد ضيائيه
١١٠٧	شرح مراح الارواح
١١٠٨/١	كافيه
٢/ »	تركيب الكافيه
١١٠٩/١	لب اللباب
٣/ »	حاشية قوانين
١١١١	رسالههای شهرستانی
١١١٢/١	حل المسائل
٢/ »	الصفيحه
٢-١١٣/١	رسالة عرفانى
٣/ »	ظفرنامه
٤/ »	گفتار افلاطون
٥/ »	رسالة عرفانی
٦/ »	نامة غزالی
٩-٧/»	رسالة عرفانی
١٠/»	دفع الغم من الموت
١١/»	رساله عرفانی
١٣-١٢/»	شرح خبر كميل
١٤/»	شرح حديث عماء
١٥/»	آغار وانجام
١٦/»	مجمل الحكمه
١٧/»	چهار عنوان
١١١٤	حاشية شرح تجريد
١١١٥	الانوار الجلاليه
١١١٦	حاشية شرح تجريد
١١١٧	اجابة المضطرين

شماره	عنوان
١١١٨/١	مفتاح الكرامه
٥-٢/»	رسالههای عاملی
١١١٩/١	مساحت
٢/ »	دوازده امام
٣/ »	خلاصة الحساب
٤/ »	قواعد العقائد
٥/ »	عقل
٦/ »	وجود
٧/ »	فصول
١١٢٠	ترجمة چهارده حديث
١١٢١	مسالك
١١٢٢/١	الايقاظ من الهجعه
٢/ »	كشف التعميه
٣/ »	تفريج الكربة
٤/ »	بقاء النبی والوصی بعد الموت
٥/ »	الخمس
٦/ »	الرجعة
١١٢٦-١١٢٣	كافی
١١٢٧	تحرير
١١٢٨	حل الموجز
١١٢٩	رسالههای پزشكی
١١٣٠/٢	پاسخ رستمداری بنامة اوزبكان
٣/ »	مرآت المحققين
٦-٤/»	رسالههای طبيعی
٧/ »	پاسخ بهائی بهجزائری
٨/ »	روزشماری

شماره	عنوان
۱۱۳۰/۹	گفتگوی امام رضا با پسر جهم
۱۱۳۱/۱	ذهبیه
۲/ »	توحید
۳/ »	اهلیلجه
۴/ »	الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة
۵/ »	مصادقة الاخوان
۱۱۳۲/۲	اثبات الواجب
۱۱۳۴-۱۱۳۳	کافی
۱۱۳۵	رسالهٔ فقهی
۱۱۳۶	رساله‌های خوانساری
۱۱۳۷/۱	حاشیهٔ فرائد
۲/ »	حجیة الظن
۴/ »	رسالهٔ اصول
۱۱۴۱/۱	نهج البلاغه
۲/ »	حرز
۳/ »	انوار العقول (دیوان علی)
۱۱۴۳-۱۱۴۲	مرآت العقول
۱۱۴۶-۱۱۴۴	بحار الانوار
۱۱۴۷/۱	اثبات الواجب
۲/ »	رسالهٔ دوانی
۳/ »	معیار العرفان
۴/ »	سفیر
۵/ »	گفتار حلاج
۶/ »	طیر ابن سینا
۱۳-۷/ »	رساله‌های دوانی
۱۱۴۸	قرآن

شماره	عنوان
۱۷-۱۱۴۹/۱	نگارشهای ابن سینا
۳۴-۱۹	» »
۸۰-۳۷	» »
۱۱۴۹/۱۸	رساله‌های دوانی
۳۶-۳۵/	» »
۱۱۵۰	تلخیص المحصل
۲-۱۱۵۱/۱	تقریرات
۱۱۵۲	صافی
۱۱۵۳	شرح کافیه
۱۱۵۴	جفر
۱۱۵۵	رسائل اخوان صفا
۱۱۵۶/۱	المقتنی فی سرد الکنی
۲/ »	نزهة الالباب فی الالقاب
۱۱۵۷	معالم الدین فی فقه آل یاسین
۱۱۵۸/۱	المقتصر من شرح المختصر
۱۱۵۹	المناهج السویة
۱۱۶۰	منیة الممارسین
۱۱۶۱	شرح خلاصة الحساب
۱۱۶۲	شرح کافیه
۱۱۶۳/۱	الرسالة التولانیه
۲/ »	الحج والزیارة
۱۱۶۴/۱	ترجمان القرآن
۲/ »	تاریخ عترت
۳/ »	حقایق جمیع الارکان
۷-۴/ »	نگارشهای ابن سینا
۱۱۶۵/۴	العبادات المالیة
۵/ »	آداب المتعلمین

شماره	عنوان
١١٦٦	الفرائدالبهیه
١١٦٧	نهج السالکین
١١٦٨/١	شمسیه
/٢ »	حاشیهٔ تهذیب المنطق
١١٦٩/١	نموذج الفنون
/٢ »	الانصاف
/٣ »	گزارش خبر کمیل
١١٧٠	الحکمة المتعالیه
١١٧١	شرح شواهدمجمع البیان
١١٧٢	ضوء المصباح (حاشیهٔ نحوی)
١١٧٣	دررالفوائد
١١٧٤	توضیح المطالب
١١٧٥	شرح الشرح
١١٧٦ـ١١٧٧	نهایةالوصول
١١٧٨/١	نهایةالسرور
٣ـ/٢ »	رسالههای کلامی
/٤ »	الدر المنتخب
١١٧٩/١	جنات الوصال
/٢ »	بحرالاسرار
١١٨٠	مائدةالزائرین
١١٨١	الاصلاح
١١٨٢	حل الموجز
١١٨٣	بشیرو نذیر
١١٨٤	الضیاءاللامع
١١٨٥	ترجمهٔ اسرارالنجوم
١١٨٦	رسالههای رد یهود
١١٨٧	معدن البکاء

شماره	عنوان
١١٨٨	محصول
١١٨٩	حاشیهٔ حاشیهٔ شرح مطالع
١١٩٠	شرح خلاصةالحساب
١١٩١/١	تمهیدالقواعد
/٢ »	القواعد والفوائد
١١٩٢/١	المسائل الفخریه
/٢ »	تحریرالتحریر (حاشیهٔ قواعد)
١١٩٣	حاشیهٔ قواعد
١١٩٤	کشف المراد
١١٩٥	نهایةالسئول
١١٩٦/١	مضیئی الاعیان
/٢ »	خمس
/٣ »	الاموات
١١٩٧	الشموس المضیئه
١١٩٨	لوامع الاسرار
١١٩٩	شرح توحید وحجت
١٢٠٠	عمل سنه
١٢٠١	مخزن گوهر
١٢٠٢	رسالههای کلامی
١٢٠٣	الخطب
١٢٠٤	الصحیفةالثانیة
١٢٠٥/١	شذورالذهب
/٢ »	فردوس الحکمه
١٢٠٦	معراج الحکیم ومنهاج القویم
١٢٠٧	رسالههای کیمیائی
١٢٠٨	عروض

شماره	عنوان
۱۲۰۹	شرح تهذیب
۱۲۱۰	شرح تهذیب
۱۲۱۱	شرح الفیه
۱۲۱۲	ملاذالاوتاد
۱۲۱۳	عین‌الحیوة
۱۲۱۴	معراج‌الاصول
۱۲۱۵	معراج‌الشریعة
۱۲۱۶	جامع‌المطالب
۱۲۱۷	انیس‌المؤمنین
۱۲۱۸	شرح کافیه
۱۲۱۹/۱	صیغ عقود نکاح
» /۲	اعتقادات
» /۳	نهایة‌الطلب

شماره	عنوان
» /۴	خلاصة‌البیان
۱۲۲۰	نهایة‌الطلب
۱۲۲۱	شرح‌الزبدة
۱۲۲۲	بغیة‌الطالب
۱۲۲۳/۱	تذکرة اولی‌الالباب
» /۲	مجربات
۱۲۲۴	رساله‌های منطقی
۱۲۲۵	جنك کیمیائی
۱۲۲۶	شرح کافیه
۱۲۲۷	المسائل‌الفقهیه
۱۲۲۸	ترجمهٔ نهایهٔ طوسی
۱۲۲۹-۱۲۳۴	تاریخ الفی
۱۲۳۵	روضة‌الصائمین

غلطنامه

ص ۱۰۷۵ س ۱۰ چنین باید باشد : و کدو کذا (؟)

ص ۱۰۸٤ س ۱٤ » : او و دارد :

ص ۱۱۱۵ س ۱٤ » : ابو نصر القریمی

ص ۱۱۱۵ س ۲۰ » : إذاقضی

ص ۱۲۰۰ س ۷ » : طوس ۵ : ۱۰۳

ص ۱۲۷۹ س ۱٤ » : شیخ بهائی چنانکه

ص ۱۲۸۰ س ۲۵ » : ۱۰٤۹

ص ۱۳۲۸ س ۲۳ » : [۱۲۳۵]

ص ۱۳۳٦ س ۱۰ » ش ۵۰۲/۵ و ۱۰٦۰

ص ۱۳۳٦ س ۲٤ » : ش ۱۰٦۰

ص ۱۳٦۹ س ۸ » :کامل حسین

ص ۱۵۱۹ س ۱۰ » : (۱۱:۱)

ص ۱۵۳۹ س ۱۲ » : قرائة .

ص ۱۵٦٤ س ۲۲ » : سال ٤ ش ۸

ص ۱٦۰۱ س ۱۷ » : اتعاظ الحنفاء

ص ۱٦۲۹ س ۱۸ » . (ص ۱۱٤۰ همین فهرست)

ص ۱٦۵۸ س ۱۵ » : نمیتوان بکار بست

ص ۱۷۲۱ س ۱٦ » ۷۹۸ (۹۰ ۷۸)

ص ۱۸۱۷ س ۷ » : الحکمة العملیه

ص ۱۸۵٦ س ۱۱ » پس از ۷٦۰

ص ۱۹٦۳ س ۵ » . این نسخه ش ۱

ص ۱۹۹۲ س ۱٤ » : (طوس ۲ ۱۰۷ و ٤۸۵۰۵)

ص ۱۹۹۲ س ۱۵ » : و خوانساری (ص ۲۰) در بارهٔ آن . . . گفته است
ودر امل الآمل ...

ص ۱۹۹٦ س ۲۵ چنین باید باشد : [۱۸٤۹]
ص ۱۹۹۷ س ۲۵ » : [۱۸۵۱]
ص ۲۰۱۷ س ۲۲ » : ۱۰۲۲ (نه ۱۰۱۲)
ص ۲٤۰۷ س ٦ » : (۱۸۰ الف)

چنین بود غلطنامه‌و سه گونه‌فهرستی که‌خود نگارنده تهیه کرده‌است. اکنون‌فهرست نامهای کتابها ومؤلفان ودانشمندان وجایها وکسانیکه درچهار بخش‌این‌جلد ازفهرست‌دانشگاه یاد شده‌است دیده‌میشود واین‌یکی‌فهرست نامها رادوست‌دانشمندم آقای منزوی گرد آورده‌است وبنده ازایشان بسیارسپاسگزار میباشم.

(محمد تقی دانش‌پژوه)

فهرست

نامها در بخشهای جلد سوم

بقلم آقای منزوی

فهرست اعلام واماکن وفرق

آم

آی

ابن ــ م ع ت

ابن ــ ن ف ی

اس‌م

«پ»

پ ر گ

پ ل ی

«ت»

ت ن ب

ت ن ق

« ث »

« ج »

جعف

محمد جعفر بن محمد باقر شریف سبزواری :
۱۳۹۲،۱۳۹۰

محمد جعفر بن محمد باقر قراچه داغی :
۱۱۱۴

جعفر بن بشیر : ۱۱۲۵

« جعفر ابریسمی [۱۵۱۶]

جعفر بن الحسن حلی : محقق حلی : ۱۰۹۹،
۱۴۴۲[۱۹۲۴]۱۹۲۵،۱۹۲۶،۱۹۲۸
= ۱۹۳۱ = ۱۹۳۱،۱۹۳۲، ۱۹۳۳،
۱۹۸۴،۱۹۳۹

محمد جعفر بن محمد حسین = ۱۲۶۵ =

جعفر بن الحسین قمی : ۱۰۶۱،۱۰۶۴

جعفر بن الشیخ خضر : ۱۱۴۸

جعفر بن درهم : ۵۵۴

جعفر بن سعید حلی : علامه حلی : [۸۶۹]
۸۷۰،۱۱۰۳،۱۳۰۸،۱۹۸۱

شیخ محمد جعفر بن سلیمان فراهانی :۱۵۹۴

حاج ملا محمد جعفر بن ملا سیف الدین
استر آبادی : شریعتمدار

مولی محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی
[۲۳۶][۲۸۲]

محمد جعفر بن سمرخان همدانی ۴۸۵،
۶۰۱

جعفر بن عبدالله بن عباس : ۱۲۲۴

جعفرقلی بن عباسعلی خان امین الوزراء
۳۹۸

جعفر بن عبدالله درویسی . ۷۶۸

« العلوی ۱۰۹۰

جعف

جعفر بن عبدالله محمدی : ۱۰۹۳

آقا محمد جعفر بن محمدعلی بن وحید بهبهانی:
۱۵۴۲

شیخ جعفر بن کمال بحرینی : ۲۱۰۳

محمد جعفر بن محمد محسن حسینی : ۹۱۹

جعفر بن محسن حسینی : [۱۳۴]

« « الاعسم النجفی : ۲۰۳۸

« محمد بن جعفر : جعفر بن نما

« « شریح الحضرمی : ۱۰۹۱

« « نصیر . ۱۹۶۳

ابو عبدالله جعفر بن محمد درویستی : ۷۶۵،
۱۰۵۸، ۱۰۵۹،۱۰۸۲،۱۲۳۱، ۱۲۶۹،
۱۲۷۱،۱۴۵۶،۱۵۴۸،۱۶۰۹،۱۶۲۰

جعفر بن محمد سپاهانی : = ۱۱۷۶ =
= ۱۱۷۷ =

ملا محمد جعفر بن محمدصفی آبادی سپاهانی
۱۸۱۶ [۲۱۰۰]

السید ابو ابراهیم جعفر بن محمد علوی حسینی:
۱۰۷۲،۱۰۷۶

السید ابوالقاسم جعفر بن محمد بن ابراهیم
علوی موسوی : ۱۰۹۰

محمد جعفر بن محمدصفی فارسی :[۱۴۴۹]

ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه : ابن قولویة:
۱۰۶۴،۱۰۲۹،۱۴۷۰،۱۴۷۲،۱۴۹۶

محمد جعفر بن محمد کاشانی : ۲۲۸۲

سید جعفر بن موسی کشفی دارابی : [۱۹۸۸]
[۲۱۲۱]

جعفر بن محمد مریمی : ۱۴۵۷

جوا
سید جواد بن احمد طباطبائی یزدی :
=۲۲۵۳=

شیخ جواد بن حسن بن طالب البلاغی النجفی:
۱۲۸۵

شیخ جواد بن سعد الکاظمی : ۹۱۱ ، ۱۸۷۶
=۲۲۸۷= [۲۲۸۷]

محمد جواد بن عبد الکریم تبریزی :
=۱۱۶۱=

محمد جواد بن محمد بن شیخ اسد الله الواعظ :
۱۵۸۶

سید محمد جواد بن محمد حسنی حسینی
شقرائی عاملی : [۲۰۶۵]

جواد بن مرتضی الحسینی الطباطبائی : ۵۷۰،
۱۴۹۶

شیخ جواد البلاغی : ۱۲۸۵

سید جواد العاملی : ۱۸۴۶،۱۷۴۶ [۱۸۹۹]

جواد علی عراقی : ۱۰۹

شیخ جواد الکاظمی : ۱۸۷۷،۱۷۰۲

جواد الکبی النجفی : ۱۶۴۲

شیخ جواد ملا کتاب . ۱۸۷۷

محمد جواد الواعظ بن محمد بن اسد ۱۵۸۶

رساله فی جواز البقاء علی تقلید المیت ـ
شهرستانی : [۱۸۹۶]

رسالة جواز معاملة الاموات شوشتری :
۲۱۰۵

رسالة در جواز حیل ربا ـ خوانساری :
[۱۸۹۳]

رساله جواز سماع ۱۰۹

جوا
رساله فی جواز المعاملة المحابانیة وعدمه ـ
خوانساری : [۱۸۹۰]

جوامع ابن رشد (ك) : ۳۰،۲۹ [۲۲۴]

جوامع ابن سیرین (ك) : ۲۰۳

جوامع احکام النجوم ـ بیهقی (ك) [۸۷۶]
۸۷۸،۸۷۷

جوامع الجامع (ك) : ۲۳ مقدمه ۱۳۹۸

جوامع الحساب ـ طوسی (ك) : ۸۸۶

جوامع السیاسیة ـ افلاطون (ك) : ۳۲۳

جوامع السیر المرضیة فی اقتناء الفضائل
الانسانیة : ۹۰

جوامع الشتات فیما رزمن العلامة الانصاری
من الافادات : ۱۹۹۴،۱۹۹۳

جوامع العلم (ك) : [۸۷۹]

جوامع علم الهیئة ـ کوشیار (ك) : ۹۳۸

جوامع الفقهیة (ك): ۱۹۵۷،۱۸۳۰،۱۷۷۶،
۲۱۰۱،۲۰۲۵،۲۰۱۲

جوامع کتاب جالینوس فی کتب ابقراط :
۲۰ مقدمه

جوامع کتب النوامیس افلاطون : ۹۱

جوامع الکلم (ك) : ۱۱۲۸،۱۱۲۹،۱۱۳۴،
۲۵۷۱،۱۶۲۵

جوامع الکلم ـ جزائری [۱۲۷۲] ۱۲۷۴،
۲۱۰۳،۱۲۷۶

جوامع الکلم و بدائع الحکم : ۱۳۸۲

جوامع الکلام فی دعائم الاسلام : ۱۶۲۹

جوامع اللغة ـ کاتب (ك) ۰ ۶۸۸

جوامع المقالات الثلاث افلاطون فی النوامیس:

«چ»

حسن

محمد حسن فانی بن عبدالرسول حسینی زنوزی : ==٢١٣٥==

شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال عروی: ٤٥٨ ==٤٥٩== ٦٢٦، ١٣٤٩، ١٧١٦، ٢٢٤١

ابوالمعالی حسن بن عبدالله بن احمد بزاز : ١٤٠١

حسن بن عبدالله بن سعید عسکری : ١١٠٦، ١١٦٤، ١٢٢٢

حسن بن عبدالله بن علی طبسی گیلکی : ١٨٤١

حسن بن عبدالله خادم : ١٧١٢

« » حسینی : ==١٨٨٢==

محمد حسن بن عبدالله ممقانی : [١٦٦١] ==١٦٦٢== - ==١٦٦٣== ==١٦٦٤==، ١٩٢٦ [١٩٤٨] ١٩٥٠ ==١٩٥٠== ==١٩٥١==

حسن بن عبدالله بن مرزبان نحوی سیرافی : ١٦٠٤

ابوعمرو حسن بن عثمان وفوی : ٩٧٧

حسن بن العلاء العطار الهمدانی : ١١١٦

حسن بن علی (ع) حسن

حسن بن محمد علی ٢١٦٥

ابوعلی حسن بن علی بن ابی بشار : ١٤٤١

ابوعلی حسن بن علی بن ابی طالب درازی ١٤٠٠

ابوعلی حسن بن علی بن احمد نمشری ١٠٠٠

حسن

افضل الدین حسن بن علی بن احمد ماهابادی : ١٣٣٥

حسن بن علی بن حسن بن احمد کرکی عاملی : ١٩٧٥

حسن بن علی بن حسن الاطروش الکبیر : ٢٠٢٥، ٢٠٢٦، ٢٠٢٨، ٢٠٢٩، ٢٠٣٠، ٢٠٣١، ٢٠٣٢، ٢٠٣٤

قاضی ابوعلی حسن بن علی بن حسن الصفار: ١٠٧٤

ابو محمد الحسن بن علی بن حسین حرانی حلبی: ١٢٢٠

حسن بن علی بن صدقة بن صالح: ==١٩٣٣==

ابوغالب الحسن بن علی بن قاسم : ١٥٩٢

حسن بن علی بن عبدالعالی کرکی : ٢٣٧٦

حسن بن علی بن عبیدة : ١٦١١

سید عزالدین حسن بن علی بن محمد : ابن ابریز

محمد حسن بن علی اسد آبادی نجفی: ١٧٤٣

امیر سید حسن بن علی حسینی مدرس سپاهانی: ١٨٩٢

ابوسعید حسن بن علی العسکری : ١١٦٤، ١١٦٥، ١١٦٦

حسن بن علی سکونی . ١٥٠٩

حسن بن علی شکاری ١٥٠٩

حسن بن علی طبرسی ٦٦٣٠

حسن بن علی طہری عاملی : ==١٦٥٨==

ابو محمد حسن بن علی عسکری : ١٠٥٩، ١١٦٤، ١١٦٤

حسن بن علی الکافی : ١٢١

حسن

حسن

ح س ی

سید حسین بن امیر محمد ابراهیم بن معصوم قزوینی حسینی : [۲۰۵۲] ۲۰۵۳ ، ۲۰۵٤

محمد حسین بن محمد ابراهیم سپاهانی : =٤٥٥=

سید حسین بن ابی الحسن : ١٦٦٤

حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری ملقب بفضل : ۲۰۷٦

ابو عبدالله حسین بن ابو القاسم بن الحسین العودی الحلی : ١١٣٥

حسین بن احمد بن حسن ناصر کبیر الاطروش: ۲۰۳۰

حسین بن احمد بن سختویه : ١١٢٩، ١١٣٠

میرزا حسین بن احمد گرجی : ۲۸۳

محمد حسین بن فخر الدین احمد موسوی : ١٥٦٢

سید نجم الدین حسین بن اردشیر طبری : ١٦١٢، ١٦١٢، ١٩٨٣

محمد حسین بن محمد اسماعیل آملی خراسانی : =١٤١٣=

محمد حسین بن حاج افضل بیك : ==١٣٨٨=

محمد حسین بن محمد باقر سپاهانی · --۲۰۷۲·

محمد حسین بن ملا محمد باقر یزدی ٩٢١

مهذب الدین حسین بن رده : ١٣٥٠

حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری طبری : نوری ٢٤ مقدمه ٤٩٦ -- ٥٧١ -- ١١٠٨ -- ١١٥٨ -- ١٥١٠ =

ح س ی

شیخ حسین بن جبر : ابن جبر : [١٥٨٧]

محمد حسین بن محمد جعفر : = ١٢٥٩ -- ١٢٦٥

محمد حسین بن محمد جعفر استر آبادی : =٢٤٥٥=

حسین بن جعفر ماحوزی بحرانی : ١٧٣٦

حسین بن حبیب کرکی عاملی : --٦٦٠=

میر سید حسین بن بدرالدین حسن اعرجی حسینی کرکی عاملی : ١٤٠

ابو محمد الحسین بن حسن بن محمد بن محمد: ١٤٣٠

میر سید حسین مجتهد بن ضیاء الدین حسن کرکی عاملی : [١٤٠] [٢٢٢٢]

حسین بن حسن بن یونس عاملی ظهیری · ١٧٩٤، ١٧٩٥، ١٧٩٦

سید حسین بن حسن حسینی : ١٧٧٤

حسین بن حسن استر آبادی سبعی : --١٨٥٧ = ١٨٥٨

حسین بن حسین خوارزمی کبروی · ٩٢٦

حسین بن حمدان حصیبی ١٣٤٣

حسین بن حمدان خیلانی : ١٣٤٣

» سلطان حیدر حسینی : = ٢٢٨ =

سید حسین بن حیدر کرکی : حسین کرکی ١٣٩ | ١٤٠ | ١٥٢، ٢٤١، ٥٠٤ = ٥٠٤ = ٥٢٦ -- | ٥٢٧ | ٥٢٨، ٥٢٩ ٥٢٩ - · ١٣١٣، ١٣٨٠ = ٤٢٨ = ٤٦٥، ١٧٩٣

حسین بن داود بن علی · ٢٥٧٨

مهذب الدین حسین بن دده · ١٩٨٣

«خ»

خ ط ا

خ ط ب

«د»

درم

درة فاخرة ـ جامی (ك) : ۱۳۲ [۲٦۲]

درة نجفية ـ بحرانی (ك) : ۱۷۹٥

الدر الثمین (تحفه امین) [۱٦۸٦] ۱٦۸۷

» فی السر الدفنین ـ استرآبادی ۱٤۳۸

درغانی : علیشاه بن محمد بن قاسم

درثیوس ( ) : ۹۳٥

درج الدرر (ك) : ۱۲۰، ٤٥۳

الدرر السخاب وحدائق الوسائل الی طریق الرسائل ـ بیهقی : ۸۷۷

الدرر الکامنة فی اعیان مائة الثامنة ـ عسقلانی (ك) : ۱۷۰۷

درر الفوائد ـ خراسانی (ك) : ۱۹۰۱، ۱۹۰۰، ۱۹٤٦

درر اللآلی ـ ابن ابی جمهور (ك) : ۱٤۲٤

الدرر المنتخب من تقریب و شرح المکتسب [۲۲۱۳] ۲۲۱٤، ۲۲۱٥

الدرر المنتهی فی شرح الملتقی ـ دمشقی : ۱۹٥۹

درالفوائد فی شرح الفرائد ـ خراسانی : [۲۲٦۱] ۲۲۱۷، ۲۲۱۸، ۲۲۱۹، ۲۲۲۰

در کلیدس (ش) : ۱۹ مقدمه

در گزینی (قوام الدین) . ۱٦۰

درمان اسب (ك) . |۲۲۲۱|

» دواب ـ [illegible] (ك) |۷٥۱|

» بیماریها (ك) . |۷٥۱|

درمان های [illegible] (ك) |۷٥۲|

درو

درالمطالب وغرر المناقب فی فضائل علی بن ابیطالب : ۱٥۱۷، ۱۳٤۳

درالمناقب فی فضائل اسرار علی بن ابیطالب ۱۳٤۳

درالمنثور (ك) : ۱٥۰٤، ۱٥۷۹

» ـ جلدکی (ك) : ۲۳۲۰

الدرالمنثور ـ عاملی (ك) : ۱٤۷۱، ۱۹۰۷، ۱۹۰۷، ۲٤۱۹

الدرالمنثور من الخبر المأثور و غیر المأثور : [۱۳۰۲] ۱۳۰٤، ۱۳۰٥

الدرالمرجان فی الاحادیث الصحاح والحسان حلی : ۱٥۷۹

الدرالناطقه فی کشف علوم الجفر الجامعه : ۱۰۰۰

الدرالمنظوم من کلام المعصوم : ۱۳۷ [۱۳۰٥]

الدرالعظیم فی السر الاعظم . ۱۲۹۳

» فی مناقب الائمة ـ عاملی: ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱٥٦۹

درواکوش . شمس الدین ضیاء الاسلام محمد ۳۸٤، ۳٥۱، ۳۹۹

دروس شهید (الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه) . ۱٦٦٤ [۱۸۷۷] ۱۹٥۳، ۱۹۸۳، ۲٥۳٥

دریثوس (ش) : ۸٦۳

درویشی (ش) . ۱۱۷۹، ۱٤٥۷، ۱٤٥۷، ۱٤٥۸، ۱٤۷۰، ۱٦۱۱

» محمد درویش (ش) . =۱۲۸ = = ٥۱۰=

« ذ »

ذری
١٠٨٢، ١٠٨٢، ١٠٨٣، ١٠٨٣، ١٠٨٦،
١٠٨٧، ١٠٨٧، ١٠٨٨، ١٠٩٨، ١٠٩٨،
١١٠١، ١١٠٢، ١١٠٥، ١١٠٩، ١١٠٩،
١١١٠، ١١١٥، ١١٢٤، ١١٢٤، ١١٢٦،
١١٢٧، ١١٢٩، ١١٣١، ١١٣٢، ١١٤٠،
١١٤٠، ١١٤٠، ١١٦٨، ١١٧٧، ١١٧٧،
١١٨٤، ١١٨٤، ١١٨٦، ١١٨٦، ١١٩١،
١١٩١، ١١٩٠، ١٢٠٠، ١٢٠١، ١٢٠١،
١٢٠٢، ١٢٠٢، ١٢٠٣، ١٢٠٤، ١٢٠٩،
١٢١٦، ١٢١٨، ١٢١٨، ١٢٢٠، ١٢٢٠،
١٢٣٣، ١٢٣٤، ١٢٣٤، ١٢٣٥، ١٣٣٥،
١٢٢٥، ١٢٢٧، ١٢٢٨، ١٢٢٩، ١٢٢٩،
١٢٣٠، ١٢٣١، ١٢٣١، ١٢٤٤، ١٢٤٣،
١٢٤٣، ١٢٤٤، ١٢٤٤، ١٢٤٦، ١٢٤٦،
١٢٤٧، ١٢٤٧، ١٢٧٠، ١٢٧٠، ١٢٧١،
١٢٧٣، ١٢٧٥، ١٢٧٥، ١٢٧٧، ١٢٧٨،
١٢٨٠، ١٢٨٣، ١٢٨٥، ١٢٨٦، ١٢٨٧،
١٢٩٠، ١٢٩٠، ١١٩٢، ١٢٩٣، ١٢٩٧،
١٢٩٨، ١٣٠٢، ١٣٠٣، ١٣٠٣، ١٣٠٣،
١٣٠٤، ١٣٠٥، ١٣٠٨، ١٣١٠، ١٣١٢،
١٣١٣، ١٣١٦، ١٣١٨، ١٣١٨، ١٣٢٧،
١٣٣٩، ١٣٤٣، ١٣٤٦، ١٣٤٩، ١٣٥٦،
١٣٦٨، ١٣٧١، ١٣٩٨، ١٣٩٩، ١٤١٧،
١٤٢٣، ١٤٣١، ١٤٤٧، ١٤٧١، ١٤٧١،
١٤٧٢، ١٤٧٤، ١٤٨٥، ١٤٨٧، ١٤٨٧،
١٤٩٣، ١٤٩٣، ١٤٩٧، ١٤٩٨، ١٥٠٤،
١٥٠٥، ١٥٠٥، ١٥١٦، ١٥١٦، ١٥٢٨،
١٥٣٣، ١٥٣٣، ١٥٣٩، ١٥٣٩، ١٥٥٣،

ذری
١٥٧٣، ١٥٧٤، ١٥٧٦، ١٥٧٦، ١٥٧٦،
١٥٧٩، ١٥٨٥، ١٥٩٣، ١٥٩٤، ١٦٠٧،
١٦١٢، ١٦١٢، ١٦١٢، ١٦٦١، ١٦٦٣،
١٦٦٣، ١٦٦٤، ١٦٦٥، ١٦٦٧، ١٦٦٧،
١٦٦٧، ١٦٧٣، ١٦٧٤، ١٦٧٦، ١٦٧٦،
١٦٩٦، ١٧٠٢، ١٧١٠، ١٧١١، ١٧٢٣،
١٧٢٥، ١٧٢٨، ١٧٢٩، ١٧٤١، ١٧٤٦،
١٧٤٦، ١٧٥٨، ١٧٥٨، ١٧٥٨، ١٧٦١،
١٧٦٤، ١٧٦٤، ١٧٦٥، ١٧٦٥،
١٧٦٦، ١٧٧٢، ١٧٧٢، ١٧٧٣، ١٧٧٤،
١٧٧٦، ١٧٧٩، ١٧٨١، ١٧٨٦، ١٧٨٧،
١٧٩١، ١٧٩٢، ١٧٩٦، ١٧٩٧، ١٨٠٧،
١٨٠٨، ١٨١٦، ١٨١٦، ١٨١٨، ١٨١٩،
١٨١٩، ١٨٢١، ١٨٢٧، ١٨٣٠، ١٨٣٧،
١٨٤٠، ١٨٤٠، ١٨٤١، ١٨٤٣، ١٨٤٤،
١٨٤٨، ١٨٥٦، ١٨٥٨، ١٨٥٩، ١٨٦١،
١٨٦٣، ١٨٦٥، ١٨٦٦، ١٨٦٧، ١٨٦٧،
١٨٦٩، ١٨٦٩، ١٨٧٣، ١٨٧٦، ١٨٧٧،
١٨٧٧، ١٨٧٨، ١٨٧٩، ١٨٧٩، ١٨٨١،
١٨٨١، ١٨٨٥، ١٨٨٦، ١٨٨٦، ١٩٠٥،
١٩٠٧، ١٩٠٨، ١٩١٥، ١٩١٩، ١٩٢٢،
١٩٢٦، ١٩٢٦، ١٩٢٧، ١٩٢٧، ١٩٣٥،
١٩٣٦، ١٩٣٨، ١٩٤٥، ١٩٤٥، ١٩٤٦،
١٩٥٠، ١٩٥٢، ١٩٥٢، ١٩٥٦، ١٩٥٦،
١٩٥٧، ١٩٦٤، ١٩٦٩، ١٩٦٩، ١٩٧٨،
١٩٧٩، ١٩٨٢، ١٩٨٢، ١٩٨٣، ١٩٨٧،
١٩٩٤، ٢٠٠١، ٢٠٠٢، ٢٠٠٣،
٢٠٠٥، ٢٠٠٦، ١٠١٢، ٢٠١٥، ٢٠١٥،

« ر »

ر ی ا

ر ی و

«ز»

زی ج

زی ن

« ژ »

« س »

س ی ف

س ی و

« ش »

ش ر ح

ش ر ح

ش ر ح

ش ر ح

ش ر ح

ش ر ی

ش ف ی

ش م س

« ص »

ص د ی

ص ف ی

ص ن ع

ص ه ی

«ض»

« ظ »

« ع »

ع ب د

عقا

علل

علم

علی

علی

غ

غ زا

غ ن ی

«ف»

فخر

ف ر ا

ف ص و

ف ض ل

ف ض ل

ف و ك

ف و ا

ف و ا

ف ی ض

ف ی ن

« ق »

ق ا س

ق ا ض

ق ا ی

ق ر ا

« ك »

ک ل ی

«گ»

ل

(م)

م ت ح

م ث ن

م ج ا

م ج س

م ح ص

م ح ل

محمد بن علی

محمد بن علی

م ر و

م س ا

مص ا

مص ب

مص ر

مص ر

«ن»

ن ی ش

ن ی و

«و»

« ه »

هفت

هن د

«ی»

راهنما:

اینك که فهرست اعلام و اماکن و کتب مذکور در فهرست کتابخانهٔ اهدائی جناب آقای مشکوة بپایان میرسد ، لازم است علامتها که در آن استعمال شده و مراجعه کننده را دراستخراج نامها مساعدت میکنند درذیل ذکرنمایم .

الف :

۱- « ك » پس‌از نامها علامت اسم کتاب است .

۲- « ش » علامت اسم شخص میباشد .

۳- « م » علامت اسم مکان است .

۴- « ف » علامت فرقه ، مذهب ، ملت است .

ب :

۱- رقمی که درمیان این علامت [...] باشد دراین‌صفحه بتفصیل پرداخته‌است .

۲- رقم میان این علامت « ... » نام شهریست که چاپخانه در آنست .

۳- رقم میان این علامت =...= نام کاتب و نویسنده است .

۴- رقم پس از این علامت ☆ نام شخص مهدی الیه (کتاب بنام او نوشته شده) است .

ج :

این علامت · بجای جملهٔ « رجوع کنید به . . » بکاررفته است .

یادآوری

با این کتاب که بخش چهارم جلدسوم یامجلد ششم از فهرست کتابخانهٔ دانشگاه میباشد شمارش وشناسائی کتابهائی را که استاددانشگاه جناب آقای سید محمدمشکوة اهداءفرموده‌اند بپایان نرسیده ودرحدود پنجاه مجلد کتاب است که استاد برای این کتابخانه اختصاص داده‌وازاین‌پس بتدریج اهداء کرده‌اندوخوانندگان گرامی درانتظار مجلد هفتم این فهرست باشند که‌در آن، این کتابهانیزفهرست وشناسانده خواهد شد.

ذیل فهرست مخطوطات
بخزانة السيد المشكاة
المهداة الى مكتبة جامعة طهران
تأليف :
محمد تقى دانش‌پژوه
مطبعة جامعة طهران
١٩٥٦-١٣٧٥

Supplément du Catalogue Méthodique, Descriptif et Raisonné de la Bibliothèque de l'Université de Téhéran

(Don de M. le Professeur Meshkât)

Par

M.T. Dâneche – Pajouh

Imprimerie de l'Université
1956

انتشارات دانشگاه تهران

عنوان	مؤلف
وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت الله کیهانی
تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
اساس‌الاقتباس خواجه نصیر طوسی	بتصحیح مدرس رضوی
تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
تاریخ افضل - بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
راهنمای دانشگاه	—
مقررات دانشگاه	—
درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
راهنمای دانشگاه بفرانسه	
Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارك	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »

۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیک « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد پیرشک
۵۲- درس اللغة و الادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی جلد دوم	» » زاهدی
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹ شیمی تجزیه	» » علی اکبر پریمن
۶۰- شیمی [illegible]	» مهندس سعیدی
۶۱- [illegible]	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرک زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین

شماره	عنوان	مؤلف
۶۶ـ	مکانیک فیزیک	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷ـ	کالبدشناسی توصیفی (۲) ـ مفصل شناسی	» » امیراعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیک نفس
۶۸ـ	درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹ـ	درمانشناسی » دوم	» » »
۷۰ـ	گیاه شناسی ـ تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱ـ	شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲ـ	اقتصاد جلد اول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳ـ	دیوان سید حسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴ـ	راهنمای دانشگاه	—
۷۵ـ	اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶ـ	تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷ـ	زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸ـ	تئوری سنتیک گازها	» دکتر روشن
۷۹ـ	کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰ـ	قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱ـ	جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲ـ	استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳ـ	کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴ـ	ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵ـ	دینامیک گازها	» دکتر غفاری
۸۶ـ	آئین دادرسی در اسلام	» محمد سنگلجی
۸۷ـ	ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸ـ	از سربن تا یونسکو ـ دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹ـ	حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰ـ	میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب ـ دکتر میردامادی
۹۱ـ	میزراه جلد اول	» » حسین گلاژ
۹۲ـ	» » دوم	» » » »
۹۳ـ	کالبدشکافی (تشریح عملی دست و پا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴ـ	ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵ـ	کالبدشناسی توصیفی (۳) ـ عضله شناسی	» دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیک نفس
۹۶ـ	» » (۴) ـ رگ شناسی	» » » »
۹۷ـ	بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸ـ	هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹ـ	جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰ـ	تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹ـ۱۶۶۰)	» » بیانی

عنوان	مؤلف
۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱ـ تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱ـ آزمایش و تصفیه آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱ـ هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰ـ فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰ـ جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰ـ مبادلات انرژی درگیاه	» دکتراسمعیل زاهدی
۱۰ـ تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱ـ شیمی آلی جلداول تئوری واصول‌کلی	» دکتر عابدی
۱۱ـ شیمی آلی «ارگانیك» جلداول	» » شیخ
۱۱ـ حکمت‌الهی عام و خاص	نگارش مهدی‌قمشة
۱ـ امراض‌حلق‌و بینی وحنجره	» دکتر علیم مروستی
۱ـ آنالیز ریاضی	» » منوچهر وصال
۱ـ هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱ـ شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس‌شیبانی
۱ـ اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱ـ فیزیك پزشکی	» دکترفرهاد
۱ـ اکوستیك « صوت » (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل‌بیگی
۱ـ جراحی فوری‌اطفال	» » مرعشی
۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱ـ چشم‌پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱ـ شیمی‌فیزیك	» » بازرگان
۱ـ بیماریهای‌گیاه	» » خبیری
۱ـ بحث‌در مسائل‌پرورش‌اخلاقی	» » سپهری
۱ـ اصول‌عقاید و کرائم‌اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱ـ تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی‌بهرامی
۱ـ کالبدشناسی انسانی(۱) سر و گردن	» » حکیم ود کتر گنج‌بخش
۱ـ امراض‌واگیر دام	» » رستگار
۱ـ درس‌اللغة والادب(۲)	» » محمدی
۱۱ـ واژه نامه‌ٔ ارگانی	» » صادق کیا
۱۱ـ تك‌یاخته‌شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۱ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۱ـ عضله و زیبائی‌پلاستیك	» » کیهانی
۱۲ـ طیف‌جذبی و اشعه ایکس	» » فاضل زندی

عنوان	مؤلف
۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (ازلحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیك (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیك عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی جلداول	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیك‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلداول	» سعیدنفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی(۵) قسمت‌اول سلسله اعصاب محیطی	» دکترامیراعلم-دکترحکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی-دکتر نیك‌نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی(۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای‌حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه‌عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱- اندام‌شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	« « اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	« بازارگادی
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیك) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵۶- اسیب شناسی (کانگلیون استلر)	« « آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم‌عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله‌صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه‌شناسی(علم‌العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین‌میمندی‌نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳- احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسته‌صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول(چاپ‌دوم اصلاح‌شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیك (تابش)	« « روشن
۱۶۸- فهرست کتب‌اهدائی آقای مشکوة (جلددوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « (جلدسوم-قسمت‌اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله بودونمود	« محمودشهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس‌اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلدسوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه	» » »

کتاب	مؤلف
ـ تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
ـ آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمین
ـ نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
ـ فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
ـ خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)	« « زندی
ـ تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
ـ سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم ـ قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
ـ اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
ـ رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
ـ پیوره	« « محمود سیاسی
ـ چهار رساله	« محمد سنگلجی
ـ آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
ـ یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم آورده آقای ایرج افشار
ـ استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
ـ جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
ـ بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
ـ بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
ـ حساب جامع و فاضل	نگارش دکتر مجتهدی
ـ ترجمهٔ مبدء و معاد	ترجمه آقای محمود شهابی
ـ تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «
ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
ـ شیمی و فیزیك (جلد اول)	« « توسلی
ـ فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
ـ داروسازی جالینوسی	« « مقدم
ـ علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
ـ استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
ـ پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
ـ علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
ـ قواعد فقه	« آقای محمود شهابی
ـ تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
ـ فهرست مصنفات ابن سینا	« « مهدوی
ـ مخارج الحروف	تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل خانلری
ـ عیون الحکمه	از ابن‌سینا ـ چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳- حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیك ، ترمودینامیك (جلد اول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)	« « میمندی‌نژاد
۲۲۱- حالات عصبانی یا نوروز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۲۲۳- علم الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردکیهای سورنال « غده فوق کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول الصرف	« علی اکبر شهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر علی کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	« دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۱)	« آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلد اول)	« دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	« « شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲- پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا

٢٤ـ اقتصاد کشاورزی — نگارش دکتر احمد هومن
٢٤ـ علم العلامات (جلد سوم) — « « میمندی نژاد
٢٤ـ بتن آرمه (٢) — « آقای مهندس خلیلی
٢٤ـ هندسهٔ دیفرانسیل — « دکتر بهفروز
٢٤ـ فیزیولژی گل و رده بندی تك لپه ایها — « « زاهدی
٢٤ـ تاریخ زندیه — « « هادی هدایتی
٢٥ـ ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (٢) — « آقای سبزواری
٢٥ـ حقوق مدنی (٢) — « « دکتر امامی

—

٢٥ـ دفتر دانش و ادب (جزء دوم) — « ایرج افشار
٢٥ـ یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج) — « دکتر خانبابا بیانی
٢٥ـ تفوق و برتری اسپانیا — « « احمد پارسا
٢٥ـ تیره شناسی (جلد اول) — تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی
٢٥ـ کالبد شناسی توصیفی (٨) — دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
دستگاه ادرار و تناسل ـ پردهٔ صفاق
٢٥ـ حل مسائل هندسه تحلیلی — نگارش دکتر عایتقی وحدتی
٢٥ـ کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه ای) — « « میر بابائی
٢٥ـ اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق — « مهندس احمد رضوی
٢٦ـ بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی) — « دکتر رحمتیان
٢٦ـ سرطان شناسی (جلد اول) — « « آرمین
٢٦ـ شکسته بندی (جلد سوم) — « « امیر کیا
٢٦ـ بیماریهای واگیر (جلد دوم) — « « بینش ور
٢٦ـ انگل شناسی (بندپائیان) — « « عزیز رفیعی
٢٦ـ بیماریهای درونی (جلد دوم) — « « میمندی نژاد
٢٦ـ دامپروری عمومی (جلد اول) — « « بهرامی
٢٦ـ فیزیولوژی (جلد دوم) — « « علی کاوریان
٢٦ـ شعر فارسی (در عهد شاهرخ) — « « یارشاطر
٢٦ـ فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم) — نگارش ناصرقلی وادسر
٢٧ـ منطق التلویحات — « دکتر فیاض
٢٧ـ حقوق جنائی — تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی
٢٧ـ سمیولوژی اعصاب — « « « چهرازی
٢٧ـ کالبد شناسی توصیفی (٩) — تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی
(دستگاه تولید صوت و تنفس) — دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
٢٧ـ اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی — نگارش دکتر محسن صبا
٢٧ـ گزارش کنفرانس اتمی ژنو — « « جناب دکتر بازرگان
٢٧ـ امکان آلوده کردن آبهای مشروب — نگارش دکتر حسین سهراب ـ دکتر میمندی نژاد

۲۷۷ـ مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸ـ ویروسها	« « فرج‌الله‌شفا
۲۷۹ـ تالفیت‌ها (آلکها)	« « عزت‌الله‌خبیری
۲۸۰ـ گیاه‌شناسی سیستماتیک	« « محمد درویش
۲۸۱ـ تیره‌شناسی (جلددوم)	« « پارسا
۲۸۲ـ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳ـ احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸٤ـ قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵ـ آزمایشهای فیزیك	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸٦ـ پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمودنجم‌آبادی
۲۸۷ـ بیماریهای خون (جلدسوم)	« « یحیی پویا
۲۸۸ـ جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹ـ مکانیك فیزیك (اندازه گیری مکانیك نقطه مادی وفرضیه نسبی) (چاپ‌دوم)	« « کمال‌الدین جناب
۲۹۰ـ بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« « محمدتقی قوامیان
۲۹۱ـ اکوستیك (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲ـ چهار مقاله	بتصحیح « محمد معین
۲۹۳ـ داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش « منشی‌زاده
۲۹٤ـ کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی	« « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ ـ درس اللغة والادب (۱) چاپ‌دوم	« « محمد محمدی
۲۹٦ـ سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
Sur les espaces de Riement ـ ۲۹۷	نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸ ـ فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه
۲۹۹ ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلدسوم) بخش سوم	نگارش محمدتقی دانش‌پژوه
۳۰۰ ـ الرسالة المعینیة	« « «
۳۰۱ ـ آغاز و انجام	« ایرج افشار
۳۰۲ـ رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

ذیل فهرست مخطوطات
خزانة السید المشکاة
المهداة الی مکتبة جامعة طهران
تألیف
محمدتقی دانش پژوه
مطبعة جامعة طهران
۱۳۷۵- ۱۹۵۶

Supplément du Catalogue
Méthodique, Descriptif et Raisonné
de la
Bibliothèque de l'Université de Téhéran
(Don de M. le Professeur Meshkât)
Par
M.T. Dâneche - Pajouh

Imprimerie de l'Université
1956